

دوفصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات توسعه اجتماعی - اقتصادی

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، گروه علوم اجتماعی

سال اول/شماره اول/ بهار - تابستان ۱۴۰۲

۱۷۷-۱۹۹	۹ - ۱۰	سخن سردبیر
		بررسی گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در بستر توسعه فردی در دانش آموزان عضو هلال احمر و غیر عضو بروز امیرپور، نوشین درخشان و فردوس محمدی
۲۰۰ - ۲۲۹	۱۱ - ۳۹	نوگرایی اجتماعی شهروندان و تأثیر آن بر گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده افسانه فیض‌اللهی و سید یعقوب موسوی
۲۳۰ - ۲۶۳	۴۰ - ۶۷	تحلیل شاخص‌های مؤثر بر فرآیند مدیریت رشد و توسعه کالبدی شهرها (نمونه موردی شهر کرج) محمد مولائی قلیچی
۲۶۴ - ۲۸۰	۶۸ - ۹۳	تعهد سازمانی کارکنان به مثابه عامل کلیدی مؤثر بر مسئولیت اجتماعی سازمان جواد معدنی، فتاح شریف‌زاده و اشرف یآوری
۲۸۱ - ۳۰۳	۹۴ - ۱۲۲	تبیین تاب‌آوری افراد در شرایط بحران کرونا در شهر تهران خدیدجه سفیری و زهرا محمدی
۳۰۴ - ۳۳۵	۱۲۳ - ۱۴۷	مطالعه جامعه‌شناختی رابطه ایده‌آلیسم توسعه با تگرش به طلاق صمد عدلی‌پور و جعفر احمدپور
۳۳۶ - ۳۵۲	۱۴۸ - ۱۷۶	نحوه تاب‌آوری خانواده‌های دانش‌آموزان در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا با تأکید بر کنش‌های آموزشی آنها (پژوهش موردی: شهرک رباط طرق مشهد) محسن نوغانی دخت بهمنی و مهدی نیکخواه

بسم الله الرحمن الرحيم



دوفصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی – اقتصادی
گروه علوم اجتماعی
دانشگاه الزهرا

سال اول – شماره (۱) – بهار – تابستان ۱۴۰۲

دوفصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - اقتصادی

دانشگاه الزهرا- دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی-گروه علوم
اجتماعی

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه الزهرا

سر دبیر: خدیجه سفیری

مدیر مسئول: مرضیه موسوی خامنه

کارشناس اجرایی: اعظم امیری خواه

ویراستار فارسی و انگلیسی: رقیه پوران

تدوین و صفحه آرایی: مریم امیری خواه

دوره چاپ: دوفصلنامه

نشانی: تهران- میدان شیخ بهائی - خیابان ده ونک- دانشگاه الزهرا- دانشکده

علوم اجتماعی و اقتصادی

کدپستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۱۲۵۷۸

آدرس الکترونیکی نشریه:

Email: ijosed@alzahra.ac.ir

Web: <http://ijosed.alzahra.ac.ir>

اعضای هیأت تحریریه نشریه به ترتیب الفبا			
نام و نام خانوادگی	مرتبه	دانشگاه	
زهرا افشاری	استاد	الزهرا	۱.
حسین ایمانی جاجرمی	دانشیار	تهران	۲.
سوسن باستانی	استاد	الزهرا	۳.
محمد حریری اکبری	استاد	تبریز	۴.
حسین راغفر	استاد	الزهرا	۵.
محمد جواد زاهدی مازندرانی	استاد	پیام نور ساری	۶.
خدیجه سفیری	استاد	الزهرا	۷.
ملیحه شیانی	دانشیار	تهران	۸.
اکبر طالب پور	دانشیار	الزهرا	۹.
محمد عباس زاده	استاد	تبریز	۱۰.
مریم قاضی نژاد	دانشیار	الزهرا	۱۱.
افسانه کمالی	استادیار	الزهرا	۱۲.
مرضیه موسوی خامنه	دانشیار	الزهرا	۱۳.
شراره مهدی زاده	دانشیار	الزهرا	۱۴.
محمد صادق مهدوی	استاد	بهشتی	۱۵.
فرید العطاس	استاد	سنگاپور	۱۶.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های علمی- پژوهشی خود را برای چاپ به این نشریه ارسال می‌دارند تقاضا می‌شود، موارد زیر را در تنظیم مقاله مورد عنایت قرار دهند:

لطفاً حین ثبت نام آخرین رتبه علمی نویسندگان به درستی درج گردد مانند (دانشجو ارشد یا دکتری - استادیار، دانشیار، استاد)

ساختار مقاله:

صفحه اول:

دوفصلنامه ... / سال.....، شماره، / صفحات ...

عنوان مقاله (وسط چین با قلم B Traffic 11 B)

مقاله پژوهشی

نویسنده مسئول^۱، سایر نویسندگان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶

چکیده:

فارسی و انگلیسی مقاله شامل هدف، روش پژوهش و نتایج (در مجموع ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (تا ۵ واژه) باشد. چکیده حتماً دارای طبقه‌بندی JEL باشد طبقه بندی موضوعی کلیدواژه‌ها کدهایی به صورت عدد و حروف انگلیسی است که به عنوان کد بین المللی کلیدواژه‌ها شناخته می‌شود. چکیده مقاله با قلم B Nazanin 10 ایتالیک نوشته شود. نحوه ی استفاده از آن در پایگاه اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

<http://www.aeaweb.org>

همچنین می‌توانید در گوگل jel classification را جستجو نمایید.

طبقه‌بندی **JEL**: (Times New Roman ۱۱ ایتالیک)

واژگان کلیدی: حداکثر ۵ واژه که با ویرگول (،) از هم جدا شده و در یک خط باشند. (B Nazanin 11)

ج) صفحه دوم تا انتها شامل تیترهای پررنگ شده زیر باشد:

email: sample@yahoo.com

email: Sample@yahoo.com

۱. توضیح نویسنده مسئول (مرتب‌ه علمی، محل اشتغال و ...)

۲. توضیح مشخصات سایر نویسندگان

متن اصلی مقاله به صورت تک ستونی با قلم (فونت) (۱۱ BNazanin) تک فاصله (single space) تهیه شود. عنوان همه بخش‌ها با قلم (۱۱BYagut) پررنگ و عنوان زیربخش‌ها با قلم ۱۱BYagut پررنگ تایپ شود. عنوان هر بخش با یک خط خالی فاصله از انتهای متن بخش قبلی تایپ شود. خط اول همه پاراگراف‌ها باید دارای تورفتگی به اندازه ۰/۷ cm باشد.

مقاله در محیط نرم‌افزاری word 2007 به بالا، اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۵/۵، پایین ۵/۵، چپ ۴/۴ و راست ۴/۴ سانتیمتر)، فونت فارسی متن B Nazanin 11 و فونت انگلیسی Times New 10 Roman و با فاصله single بین خط‌ها صرفاً از طریق سایت <http://Journal.alzahra.ac.ir/Jfm> ارسال شود.

مقدمه:

(شامل کلیات موضوع، اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش، اهداف پژوهش، تفاوت این مطالعه با پیشینه‌های پژوهش، دانش افزایی مقاله و معرفی ساختار مقاله است).

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش:

(شامل تئوریها و نظریه‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش، پیشینه‌های پژوهش ایرانی و خارجی مرتبط با فرضیه‌ها و موضوع مقاله)؛

فرضیه‌ها یا سوالات پژوهش:

(معرفی یک یا چند فرضیه یا سوال پژوهش بصورت شماره وار)؛

روش شناسی پژوهش:

(شامل معرفی جامعه، نمونه و نحوه محاسبه حجم نمونه، متغیرهای پژوهش، مدل‌های استفاده شده، روشهای آماری بکاررفته، پایگاه اطلاعاتی، نرم افزارهای استاندارد شده، دوره زمانی مطالعه، نحوه جمع‌آوری داده‌ها)

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها:

(شامل جداول داده‌های توصیفی، روایی و پایایی اعتبار پرسشنامه، آزمون مانایی داده‌ها، آزمون‌های تشخیصی، رگرسیون یا پیش شرط‌های آزمونهای پارامتریک و ناپارامتریک، جداول خروجی نرم‌افزارهای مرتبط به هریک از فرضیه‌ها، تایید یا رد فرضیه‌ها، تحلیل و تفسیر پژوهش نتایج آزمون هریک از فرضیه‌ها، تحلیل ضرایب متغیرها و تحلیل آماره‌های آزمونها)

نتیجه گیری و بحث:

(شامل نتایج آزمون هریک از فرضیه‌ها، ارتباط نتیج با پیشینه‌های پژوهش، معرفی پیشنهادهای کاربردی و راهبردی و مرتبط با نتایج)

۳. ارجاع‌های درون متنی

ارجاع‌های فارسی در متن مقاله باید داخل پرانتز قرار گیرد و به صورت (نام خانوادگی، سال، صفحه) باشد. ارجاع‌های انگلیسی نیز باید به فارسی در متن آورده شود و معادل انگلیسی آن پی‌نوشت شود.



توضیحات لازم درباره اصطلاحها و معادل‌های انگلیسی نیز در پی‌نوشت درج شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها. همه‌ی موارد فارسی پاورقی به صورت راست‌چین با قلم BNazanin و اندازه ۱۰ pt. و پاورقی‌های لاتین به صورت چپ‌چین با قلم Times New Roman اندازه ۱۰ pt. نوشته شوند.

۴. منابع

منابع فارسی را با قلم BNazanin و اندازه ۱۲ pt. تایپ و مراجع انگلیسی را با قلم Times New Roman 11 pt. نازک تایپ نمایید.
ابتدا منابع فارسی سپس انگلیسی به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی به شرح زیر آورده شود:
کتاب : نام خانوادگی ، نام . (سال انتشار). نام کتاب با حروف ایتالیکی ، نام مترجم ، محل انتشار، نام انتشارات.
مقاله: نام خانوادگی، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله داخل گیومه». نام نشریه با حروف ایتالیکی، شماره دوره، شماره جلد، محل انتشار، شماره صفحه.

۵. عنوان نمودارها و جداول و اشکال

عنوان جداول در بالای آنها و عنوان نمودارها و اشکال در زیر آنها درج شود. برای شماره‌گذاری از شماره ۱ (عددی) الی آخر استفاده شود.
هر جدول و نمودار و شکل باید دارای شماره و عنوان (توضیح) باشد، که به صورت وسط‌چین در بالای جدول شماره با قلم BNazanin پیرنگ و عنوان کم رنگ باشد با اندازه ۱۱ pt. تایپ و به ترتیب از ۱ شماره‌گذاری می‌شود. بهتر است جدول‌ها در داخل متن و پس از جایی که به آنها ارجاع می‌شود، درج گردند. کلیه متون در داخل جدول اگر فارسی باشند به صورت وسط چین (BNazanin و اندازه ۸pt.) و اگر لاتین باشند به صورت وسط چین (Times New Roman 8 pt.) باید تایپ شوند. همه اعداد در جدول‌ها باید به صورت فارسی و وسط چین تایپ شوند.

جدول ۱: آزمون

نتیجه	آزمون
۵۵۲۱/۵۰	اول

مأخذ: (فونت ۱۰ BNazanin)

شکل ۱: نمونه شکل

مأخذ: محاسبات پژوهش



فهرست

- سخن سردبیر
۹ - ۱۰
- نوگرایی اجتماعی شهروندان و تاثیر آن بر گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
افسانه فیض‌اللهی و سید یعقوب موسوی
۱۱ - ۳۹
- تحلیل شاخص‌های مؤثر بر فرآیند مدیریت رشد و توسعه کالبدی شهرها (نمونه موردی شهر کرج)
محمد مولائی قلیچی
۴۰ - ۶۷
- تهدید سازمانی کارکنان به مثابه عامل کلیدی مؤثر بر مسئولیت اجتماعی سازمان
جواد معدنی، فتاح شریف‌زاده و اشرف یاوری
۶۸ - ۹۳
- تبیین تاب‌آوری افراد در شرایط بحران کرونا در شهر تهران
خدیدجه سفیری و زهرا محمدی
۹۴ - ۱۲۲
- مطالعه جامعه‌شناختی رابطه ایده‌آلیسم توسعه با نگرش به طلاق
صمد عدلی‌پور و جعفر احمدپور
۱۲۳ - ۱۴۷
- نحوه تاب‌آوری خانواده‌های دانش‌آموزان در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا با تأکید بر کنش‌های آموزشی آنها (پژوهش موردی: شهرک رباط طرق مشهد)
محسن نوغانی دخت بهمنی و مهدی نیکخواه
۱۴۸ - ۱۷۶
- بررسی گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در بستر توسعه فردی در دانش‌آموزان عضو هلال احمر و غیر عضو
بروز امیرپور، نوشین درخشان و فردوس محمدی
۱۷۷ - ۱۹۹
- مطالعه تأثیر توسعه‌ای برنامه‌ریزی شهری بر مدیریت بحران شهری
اکبر طالب‌پور و اشکان دارایی
۲۰۰ - ۲۲۹
- تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده
محمد ترکشوند، فریده شمس و لیلای زندی
۲۳۰ - ۲۶۳
- تعامل قوم‌گرایی و خصومت اقتصادی در رفتار مصرف‌کننده
مصطفی حیدری هراتمه
۲۶۴ - ۲۸۰
- مطالعه پدیدارشناسانه آگاهی و درک نخبگان از چالش‌های مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر اهواز)
سجاد بهمنی و عبدالرضا نواح
۲۸۱ - ۳۰۳
- بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی ایران از منظر جامعه‌شناختی
الهام عرب‌پور
۳۰۴ - ۳۳۵
- بعد اجتماعی عدالت در اسلام: سهم الهیات
سید فرید العطاس
۳۳۶ - ۳۵۲



سخن سردبیر

از دهه هفتاد میلادی قرن بیستم معنای توسعه تغییر کرد. قبل از آن معنای توسعه در نظریات توسعه‌ای جنبه رشد اقتصادی داشت ولی بعد از آن، این مفهوم به کاهش یا از میان بردن فقر، بیکاری، نابرابری اجتماعی و تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی گرایش پیدا کرد.

امروزه محتوای اصلی توسعه را بهبود بخشیدن به شرایط زندگی افراد در جامعه می‌دانند. در نتیجه توسعه به معنای بهبود در کیفیت سطح زندگی از همه ابعاد آن چیزی فراتر از افزایش درآمد، آموزش بهتر، بهبود استانداردهای بهداشتی و تغذیه بوده و شامل کاهش فقر و محیط زیست بهتر و بهبود برابری اجتماعی اقتصادی و برخوردارگی از امکانات و فرصت‌های بیشتر فردی و زندگی غنی‌تر فرهنگی است.

از سویی مفهوم توسعه اجتماعی نیز اجماع کاملی بر معنای آن وجود ندارد ولی از تعاریف مختلف می‌توان نتیجه گرفت توسعه اجتماعی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که فاصله طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه به حداقل برسد.

در این جامعه کنش و واکنش انسانی و نهادها و روابط اجتماعی موجب سازگاری بهتر فرد و جامعه می‌شود. ایجاد امنیت در همه زمینه‌ها ایجاد دموکراسی اجتماعی،

عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی را ممکن می‌سازد. بنابراین توسعه اجتماعی و اقتصادی درهم تنیده‌اند.

در راستای دستیابی به این اهداف، گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهراء، اولین شماره از نشریه مطالعات توسعه اجتماعی و اقتصادی را منتشر می‌نماید، تا تحقیقات این حوزه را برای جامعه علمی و سیاستگذاران انعکاس دهد و بدین‌وسیله بتواند برای رسیدن به توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه سهم اندکی داشته‌باشد. در مدت دو سالی که در جهت فرایند انتشار اولین شماره این مجله تلاش می‌شد غم و شادی همراه ما بود.

شادی از اینکه گروه علوم اجتماعی پس از سالها قدمت می‌توانست مجله‌ای در زمینه توسعه انتشار دهد و رسالت علمی خود را به منصفه ظهور برساند و غم فقدان عضو محترم هیأت تحریریه آقای دکترسید یعقوب موسوی که از استادان بنام جامعه‌شناسی کشور و گروه علوم اجتماعی بودند و به حق در تشویق و همراهی و ارزیابی‌ها برای چاپ این مجله زحمت کشیدند. یادشان برای ما گرامی و همیشگی است.

امیدواریم این دو فصلنامه بتواند در شماره‌های بعدی هم از تحقیقات اساتید و پژوهشگران و همچنین متخصصین و نخبگان بهره برده و ما را در ادامه راه همراهی نمایند.

خدیجه سفیری

۲۰ خرداد ۱۴۰۲





مقاله پژوهشی

نوگرایی اجتماعی شهروندان و تاثیر آن بر گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده^۱

افسانه فیض‌اللهی^۲ و سید یعقوب موسوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان ساکن منطقه ۱۸ شهر تهران و میزان گرایش آنان در مشارکت به منظور نوسازی بافت فرسوده شهری است. متغیرهای این پژوهش تبیین نوگرایی اجتماعی و تبیین گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده است که از رویکردهای نوگرایانه در حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری و نظریه مدل قدرت و نردبان ارزش‌تین و طبقه‌بندی مشارکت جان ترنر استفاده شده است. با استفاده از روش پیمایش، تکنیک پرسشنامه و نمونه‌گیری خوشه‌ای است و با استفاده از فرمول کوکران ۲۰۰ نفر از منطقه ۱۸ شهر تهران (محلات شهید رجایی، ولی عصر جنوبی، صادقیه) به عنوان نمونه مورد پژوهش انتخاب شدند در این پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و آزمون F استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقدار همبستگی بین دو متغیر ۰/۴۸۸ است بدین معنی که ساکنان گرایش لازم به منظور تغییر و پیشرفت را در حد متوسط دارند و همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل رگرسیون چند متغیره در این پژوهش گویای آن است که میزان تغییرات متغیر وابسته که توسط شاخص‌های متغیر مستقل موجود در مدل تبیین شده است، معادل ۲۸۰ درصد می‌باشد و همچنین، بر اساس اطلاعات به دست آمده بتاهای متغیر دامنه و ماهیت ارتباطات، ۰/۰۳۷ است و نشان‌دهنده این است متغیر گرایش به توسعه اجتماعی بیشترین اثر را بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارد.

واژگان کلیدی: نوگرایی اجتماعی، مشارکت، بافت فرسوده، محله شهری، منطقه ۱۸.

طبقه‌بندی موضوعی: Z10, Z1, Z15

۱. DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.41953.1021

۲. کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران. ایران (نویسنده مسئول)

Email: a.feyzollahi1371@yahoo.com

۳. دانشیار علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهرا، تهران. ایران. Email: a.mousavi9@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

بافت‌ها و فضاهای فرسوده یکی از مهمترین مسائل شهرهای بزرگ در جهان تلقی می‌شوند به‌علل مختلف اگرچه هنوز متروک و بلا استفاده نشده‌اند، اما فاقد کارایی مطلوب و مناسب بوده و به صورت بالقوه و با طراحی متناسب می‌توانند نقش مهمی بر تجدید ساختار و ارتفاع کیفیت فضاهای عمومی شهر ایفاء کنند. این فضاها علاوه بر قرارگیری در اطراف و حومه شهرها، بخش‌های بزرگی از بافت‌های درونی و مرکزی شهرها را نیز شامل می‌شوند که این خود ضرورت ساماندهی و رسیدگی هرچه بیشتر و سریعتر به این قبیل فضاها را موجب می‌شود (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ۱۵).

از سوی دیگر، مشارکت مردم در نوسازی بافت فرسوده شهری به ویژه در کشورهای درحال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله از این مشکلات می‌توان به بافت فرسوده شهری و معضلات فراوانی که گریبان‌گیر این بافت‌هاست، اشاره کرد. در کشور ما به ویژه در شهرهای مانند تهران بافت فرسوده بسیار وجود دارد (حدود ۵۰٪ عرصه‌های سکونت‌گاهی). سازمان‌های مسئول در حال تهیه طرح‌های احیای بافت‌های فرسوده هستند. شهری با ویژگی‌های سالم، شاد، سبز و... نیاز به شهرداری و ساکنینی دارد که دارای ارتباط و روابط متقابل مستمر و مشارکتی است. پیدایش محله‌های نوساز و تازه شکل گرفته، بخشی از فرآیند شتاب‌ناک توسعه در شهرهاست. صفت فرسودگی به بافتی اطلاق می‌شود که دچار آشکار کاهش کیفیت حیات شهری از جنبه‌های سکونت‌گاهی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیرساختی شده است.

در واقع، انسان در محیطی زندگی می‌کند که بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد، از پیدایش نخستین سکونت‌گاه‌های انسانی و از زمانی که قبرستان‌ها نخستین سکونت‌گاه‌های شهری محسوب شدند. (ممتاز، ۱۳۸۷، ۳) و تا به امروز که درصد بالای شهرنشینی در بیشتر نقاط دنیا به مراتب بیشتر از روستا است زندگی انسان‌ها به محیط طبیعی وابسته بوده است. سطح تکامل و پیشرفت انسانی و مادی گوناگون به نسب‌های گوناگون باعث دخل و تصرف در محیط شده است. بدون شک سطح زندگی کمی و کیفی انسان‌ها هم متأثر از محیط و هم تغییر دهنده محیط است. جورج زیمل جامعه‌شناس آلمانی در پژوهش «کلانشهر و حیات ذهنی» می‌نویسد: «شهر مدرن یک هویت فضایی با

نتایج جامعه شناختی نیست، بلکه هویت جامعه شناختی است که به نحوه فضایی شکل گرفته است.» (باکاک، ۱۳۸۷، ۲۴)

نوسازی بافت‌های فرسوده شهری فرآیندی است که در برابر تغییرات عملکردها و نیاز اجتماع، توسط ساکنان آن انجام می‌شود. اما هنگامی که کارایی یک محله شهری کاهش یافته و یا دچار فرسودگی می‌شود، ساکنان دیگر هیچ گزینشی برای نوسازی محل سکونت نخواهد داشت. ساکنین جدید نه تنها به بهبود وضعیت مکان زیستی خود کمکی نمی‌کنند بلکه باعث بدتر شدن وضعیت آن به دلیل نبود حس تعلق به مکان می‌گردند. ساکنین محله برای مطلوب شدن شرایط محله و زندگی‌شان باید مشارکت لازم را داشته باشند. جلب مشارکت اهالی ساکنان در بافت‌های فرسوده در اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی از دیرباز مورد توجه و علاقه دولت‌ها و مجریان این گونه طرح‌ها بوده است. چرا که این امر علاوه بر حفظ و حراست از حقوق شهروندان تمایل آنان به تسریع در اجرای طرح را به شدت افزایش داده و به اجرای طرح کمک می‌کنند. (طباطبائی، ۱۳۸۷، ۱۱)

بافت فرسوده شهری از جمله ساخت و سازهای ناموزن شهری هستند که به دلیل قدمت آنها از یک سو و وجود پدیده‌های مانند مهاجرت، فقر، آلودگی‌های زیست محیطی و برخی دیگر از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان یکی از اساسی‌ترین مشکلات شهری به ویژه، در کلانشهرها درآمده‌اند. بافت‌های فرسوده شهری صرفاً محیط‌های دارای بافت کالبدی نیستند، بلکه این محله‌ها بازتاب عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، فنی و عوامل ارزشی، اعتقادی، مذهبی و نیز روابط نوع انسانی موجود در جامعه و محیط بزرگتر هستند (مروتی، ۱۳۹۰، ۱۱).

وضعیت بافت فرسوده (بلوک‌های فرسوده مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری) منطقه هجده شهر تهران با مساحتی حدود ۱۰۳ هکتار که ۲.۷٪ از مساحت منطقه را شامل می‌شود و متشکل از پانزده محله که بیش از ۶۰٪ این مساحت در دو ناحیه ۲ و ۳ واقع شده‌اند و جمعیتی بالغ بر ۵۰۶۰۱ نفر، که ۱۴٪ از جمعیت منطقه را شامل می‌شود، با به کارگیری شاخص‌های کالبدی به صورت ترکیبی، بررسی و تحلیل شده‌اند. این منطقه دارای ۱۸ محله می‌باشد که محدوده بافت فرسوده در ۱۵ محله آن قرار می‌گیرد.



این پژوهش با توجه به وضعیت بافت فرسوده شهری در منطقه هجده شهر تهران، تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای نوگرایانه اجتماعی و نیز سطح گرایش ساکنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده مسکونی مورد بررسی قرار داده است. ارزش‌های اجتماعی عبارت است از نوع شناخت و تصویر جدید از جهان، عضویت در حلقه‌ها و یا فضاها، مختلف اجتماعی، استقبال از توسعه تکنولوژی‌های نوین، فردگرایی عقلانی، جمع‌گرایی و کاهش اطمینان همگانی در ارتباطات و... با توجه به بحث نوگرایی، یکی از الگوهای کشف شده انسان نوگرا آمادگی پذیرش برای تجربیات نو، داشتن استقلال، اعتقاد به علم، تحرک‌گرایی، توجه به تحصیلات و برنامه‌ریزی برای برنامه‌های طولانی است. در این پژوهش، سهم نوگرایی اجتماعی به عنوان عاملی تشویق‌کننده در مشارکت برای نوسازی بافت فرسوده در نظر گرفته شده است. استدلال این است که گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی افراد در ابعاد مختلف در سرعت بخشیدن به فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده شهری تأثیرگذار است و اندیشه نو و مدرن می‌تواند در نوع و سطوح مشارکت افراد نیز تأثیرگذار باشد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

رویکرد نوگرایی در شهرسازی

در رویکرد شهرسازی نظریه‌های مداخله مطرح است که ابتدا تعدادی از آن‌ها برشمرده می‌شوند. موارد مطرح شده عبارتند از: منظرسازی، بی‌زمانی بنا، مجموعه‌های تاریخی، کاربست‌های اصول شهرسازی کهن در شهرسازی جدید، تداوم شهرسازی، تعلق بنا به محیط شهری، مردم‌گرا بودن مرمت شهری اولویت زمینه به بافت و ایجاد فضای شهری با قابلیت تطابق با تغییرات آینده برای رسیدن به نتیجه قابل کاربرد در عمل. نظریه مداخله در ۴ دسته مطرح می‌شود:

۱. مداخله نوگرایانه (تجدد): تأکید بر انقطاع فرهنگی
۲. مداخله فرا نوگرایانه: که به صورت تلفیقی است.
۳. مداخله فرهنگ‌گرایانه: تأکید بر زیباشناختی و بالا بردن جذابیت و آرامش شهری
۴. مداخله مردم‌گرایانه: مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تهیه برنامه (ناظمی، ۱۳۹۶،

(۲۴)



در این پژوهش مداخله نوگرایانه و مردم‌گرایانه مد نظر است. مداخله مردم‌گرایانه متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی در دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است که هدف آن بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضای شهری است. مخاطبان اصلی هرگونه مداخله را مردم و ساکنان محدوده مورد عمل، تشکیل می‌دهند. بنابراین قبل از هرگونه مداخله‌ای باید به نظرات مردم توجه شود و پس از بررسی آن‌ها، مداخله در بافت با همکاری مردم صورت پذیرد. مداخله مردم‌گرایانه، تداوم را در تکامل می‌بیند؛ به سخنی دیگر سر در گذشته و رو به آینده دارد. اینان به درک فضای شهری می‌اندیشند، و نه به خلق آن، بویژه طرح‌های صلب و ثابت. مداخله مردم‌گرایانه بیش از طراحی به برنامه‌ریزی می‌اندیشد. برنامه‌ریزی که مردم نقش اصلی را در ساماندهی شهر، بازی می‌کند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶، ۹۴). دیدگاه‌های جدید نظری و تجارب متأخر مدیریت شهری، تحقق‌پذیری برنامه‌های مداخله را گرو رویکردهای برنامه‌ریزی شهری مشارکتی می‌دانند. رکن اصلی پروژه شهری نیز مشارکت همه‌جانبه یگان‌های سازنده جامعه شهری (مردم و گروه‌های) است. در ادبیات جدید توسعه نیز با توجه به اهمیت نقش مردم در جامعه از «مردم» به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود (لطیفی، ۱۳۸۶، ۱۴).

اما هدف اصلی مداخله نوگرایانه که متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم میلادی نظیر اوتن، فوریه، ریچاردیسون و کابه؛ ارتقای سطح بهداشت و سلامت، افزایش کارایی و بالا بردن زیبایی در سطح شهر است.

مداخله نوگرایانه برای مواجهه برای حل مسائل و مشکلات و مواجهه با آن، انقطاع فرهنگی را مطرح می‌کنند و نگاهی رو به آینده دارند و اعتقاد بر آن، برای از بین بردن آشفتگی‌ها در فعالیتهای شهری، اصول مهم عملکرد را مطرح می‌نمایند و با منطبقه‌بندی فعالیت‌ها براساس چهار کاربری اصلی سکونت، رفت و آمد، اوقات فراغت و کار بدن‌بال نظم بخشیدن به شهر هستند (ناظمی، ۱۳۹۶، ۲۵). و اندیشمندان مکتب پست مدرن از جمله «چارلز جنکس^۱»، «بوین وراتانسی^۲» «گرگن^۳» و... از سال‌های ۱۹۶۰ تاکنون تلفیقی از مداخله نوگرایانه و فرهنگ‌گرایانه که از افراط و تفریط دو نوع مداخله بکاهد، مطرح

1. Charles Jencks
2. Boyne Varanasi
3. Kant G. Gurgaon



ساختند. برای بهسازی و نوسازی شهری، خط‌مشی اکثریت آنها حفظ تار و پود بافت کهن (تاریخی-فرسوده) در کنار دگرگونی‌های کالبدی فضایی شهر و رشد ارگانیک آن مد نظر قرار می‌دهد. پست مدرنیسم برای بازگشت به مقیاس انسانی، احیای دوباره اجتماعات و اشکال بومی تلاش می‌کند و بر خلاف مدرنیسم به سنت‌های بومی و فرهنگ محلی توجه خاص دارد. (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۳، ۱۸۳)

رویکرد نوسازی و نوگرایی در ادبیات جامعه‌شناسی شهری

اصطلاح لاتین مدرنیزاسیون در ادبیات فارسی معادل‌هایی چون نوسازی، مدرن شدن، امروزی‌نکردن، متجدد شدن، نوین‌گری، نوین‌سازی و... پیدا کرده است. این رویکرد بعد از جنگ جهانی دوم، به عنوان رویکردی غالب در ادبیات اجتماعی مطرح شده است. و در نیمه دوم قرن بیستم بر اندیشه و عمل مباحث توسعه تفوق و حاکمیت پیدا کرد. در ابتدا، اقتصاددانان پیشتاز شده و به مدل‌های ساده توسعه که بر مسائلی چون چگونگی به وجود آوردن رشد سریع اقتصادی بود، پرداختند. ولی در مواجهه با پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های جوامع جهان سوم به سرعت متوجه تنگناهای آنها شدند و چنین وضعیتی ضرورت توجه به همکاری‌های بین رشته‌ای را فراهم کرد. به همین علت است که در ادبیات علوم اجتماعی به خاطر پیچیدگی و چند بعدی بودن موضوع شاهد تعاریف مختلفی از نوسازی هستیم. گروهی از منظر جامعه‌شناختی به مفهوم نوسازی توجه نموده‌اند و گروهی از منظر اقتصادی، برخی از حیث تکنولوژیکی، برخی از لحاظ روانی و افرادی نیز از جنبه سیاسی این مفهوم را مورد پژوهش قرار داده‌اند، این بدلیل گستردگی مفهومی فرآیند نوسازی است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹، ۴۳).

در این میان تعریف جامعه‌شناختی و عینی ویلیام کائولی از نوگرایی یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، عاطفی و...) رشد اندیشه علمی و خردباوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه که همه همراه‌اند با سامان‌یابی تولید، تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله و بتدریج سلطه جامعه مدنی به دولت. (واترز، ۱۳۸۱، ۵۹) کائولی عناصر نوگرایی را در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند (بشریه، ۱۳۸۰، ۶۸) که به اقتضای پژوهش حاضر به عناصر نوگرایی اجتماعی می‌پردازیم؛

همان‌گونه که زیمل معتقد است عنصر اصلی جریان مدرنیته گسترش آزادی فردی است (کرایب^۱، ۱۳۸۲، ۲۶۸). وی استدلال می‌کند در جوامع پیشین، انسان اغلب در یک رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی نسبتاً کوچک زندگی می‌کرد. چنین حلقه‌هایی، از گروه‌های خویشاوندی و اصناف گرفته تا شهر و دهکده‌ها، راه‌های گریز فرد را می‌بستند و او را به شدت در قبضه خودشان می‌گرفتند. کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود. اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد. تریاندیس^۲ یکی از نظریه‌پردازانی است که در بحث فردگرایی دارای دیدگاه روشنی است. او مفاهیم افقی و عمودی را به فردگرایی می‌افزاید. فردگرایی افقی، نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و فردگرایی عمودی سلسله مراتب در روابط نشان می‌دهد (تریاندیس، ۱۹۹۵، ۲۰). بر این اساس کسانی که در تقسیم‌بندی افقی جای دارند، در مقایسه با کسانی که در تقسیم‌بندی عموی هستند (مانند جامعه روستایی)، به سلسله مراتب اهمیت زیادی نمی‌دهند. در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد منحصر به فرد و متمایز از دیگران باشد، اما علاقه ای به برجسته شدن ندارد. فردگرایان افقی کار مستقل خود را انجام می‌دهند، اما لازم نمی‌دانند خود را با دیگران مقایسه کنند. بر عکس، در فردگرایی عمودی تشخص پایگاهی مد نظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. این دسته از فردگرایان به مقایسه خود با دیگران اهمیت زیادی می‌دهند و تلاش می‌کنند متمایز، بهتر و برتر از دیگران باشند (تردیانس، ۲۰۰۱، ۵۶).

با توجه به اینکه نوگرایی از حیث اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیک و ... مورد بررسی قرار گرفته است. این بدان خاطر است که نوسازی فرایند گسترده‌ای است که از ابعاد وسیعی از حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در بر می‌گیرد و در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانی قابل بررسی است.

در این پژوهش به اقتضای موضوع مورد بررسی، تأکید بر ارزش‌های اجتماعی مفهوم نوسازی است. این بدین معنا است که افراد چه قدر میل به پیشرفت و موفقیت دارند آیا آن‌ها آمادگی تغییر را دارند؟ آیا آنها از نوآوری استقبال می‌کنند؟ آیا برایشان نوسازی اجتماعی مهم است یا حفظ هویت سنتی؟

1. Ian Carib
2. Harry Triantis

در اینجا می‌توان به ابعاد نوآوری هیگن^۱ اشاره کرد. از نظر او نوآوری دو بعد مختلف دارد؛ یکی، ورود به درک ذهنی جدید و دوم، انعکاس آن درک در عمل و شکل‌صوری رفتار است. هم‌چنین بین شخصیت و ساختار اقتصادی و اجتماعی هر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد. هیچ تغییر اجتماعی بدون دگرگونی در شخصیت‌های افراد جامعه به دست نمی‌آید. به باور هیگن شخصیت نوعی در جوامع سنتی شخصیت اقتدار طلب و در جوامع مدرن شخصیت خلاق یا نوآور می‌باشد. فرد خلاق از هر گونه پذیرش رابطه منطقی علت و معلولی تصور عمیق دارد. او فکر می‌کند جهان دارای نظم است؛ هر پدیده زندگی یا هر تجربه بزرگ انسانی، بخشی از یک نظام هستند که عملکرد آن قابل فهم و تفسیر است (عنبری، ۱۳۹۰، ۶۵). فرد خلاق از فرایندهای ناآگاهانه ذهن خود هراسی ندارد بلکه، نتایج آن‌ها در ذهن آگاه آن‌ها ظاهر می‌شود و در خدمت و تقویت خود فرد است (هیگن، ۱۹۹۷، ۹۱). فردی که تصور می‌کند دنیا به ابتکار خلاق او پاسخ می‌دهد دیگر احساس نمی‌کند که از سوی وضعیت‌های معماگونه و مشکل‌زا مورد تهدید است. او در رهایی و دفع اضطراب خویش نیازی به قضاوت‌های دیگران نمی‌بیند، زیرا در مواجهه با این وضعیت‌ها کمتر دچار اضطراب می‌شود، لذا از مشکلات نمی‌ترسد و در امور و تصمیمات مرتبط با زندگی خود همیشه مشارکت و دخالت دارد. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، هوش و انرژی نیز در افراد خلاق، تجلی بیشتری دارد. فردی که دنیا را نظامی منظم و هماهنگ می‌یابد از هوش و انرژی خود بیشتر و موثرتر استفاده می‌کند تا بر غلبه بر مشکلات به مقصدش برسد. به قول هیگن «خلاقیت مستلزم دسترسی کامل به فرآیندهای ناآگاهانه شخصی، اعتماد کامل به قضاوت‌های شخصی و مانند اینها نیست، بلکه تنها مستلزم در اختیار داشتن این ویژگی‌ها به میزانی بیشتر از افراد معمولی است» (هیگن، ۱۹۶۱، ۹۱).

رویکرد نوگرایی در بافت فرسوده از منظر جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان در تعریف نوسازی معمولاً به ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب‌شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه توجه دارند. از لحاظ اجتماعی نوسازی جامعه و نهادهای اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که

محدودیت‌های گذشته از میان برداشته شود. افراد زمانی متجدد شدند که قید و بندهای فکری از طریق آموزش و پرورش، سواد و رسانه‌های جمعی از بین رفت و این خود باعث شد که افراد به گونه‌ای دیگر به جهان بنگرند و به اصطلاح آگاهانه انتخاب کنند (گلدروپ^۱، ۱۳۷۰، ۳۷). مایرون وینر معتقد است که در خصوص نوسازی جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان اجتماعی در درجه اول به جریان متنوع و متمایز شدن که از خصوصیات جوامع جدید است، علاقه دارند. آنان درباره پدید آمدن ساخت‌های نو برای عهده‌دار شدن وظایف جدید و یا بر عهده گرفتن وظایفی که قبلاً ساخت‌های دیگری انجام می‌دادند تحقیق می‌کنند (وینر^۲، ۱۹۹۰، ۱). در نظر ویلبرت مور مفهوم نوسازی «بر دگرگونی کامل جامعه سنتی یا ماقبل مدرن به جامعه مدرن، با انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مربوط به آن که از ویژگی‌های یک اقتصاد پیشرفته و ثروتمند و از لحاظ سیاسی باثبات است دلالت دارد» (مور^۳، ۱۹۶۳، ۸۹). سریل‌بک نوسازی را فرایندی تاریخی می‌بیند که طی آن به سرعت نهادها کارکردهای متنوع و متغیری را به واسطه افزایش بی سابقه شناخت انسان و کنترل بر نیروهای طبیعت که همراه با انقلاب علمی است می‌پذیرند (ازکیا، ۱۳۹۰، ۴۹). روانشناسان اجتماعی و علمای علوم تربیتی و جامعه‌شناسانی که در تحلیل‌های خود واحدهای پژوهش خود را در سطح خرد و فردگرایانه (تنگ دامنه) انتخاب می‌کنند، در بحث از نوسازی و ارائه تعریف از آن معمولاً بر ویژگی‌های روانی و فردی افراد جامعه تاکید می‌کنند و از نوسازی انسانی و روانی سخن می‌گویند. اینها معتقدند که نوسازی روانی و فردی شرط اولیه تحقق نوسازی در سطوح اجتماعی است. اساساً نوسازی روانی مفهومی است که به فرآیندهای تغییر در سطوح ارزش‌ها، سبک‌های شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و غیره اطلاق می‌شود (عزیزی، ۱۳۷۴، ۱۳). طرفداران این دیدگاه عناصری چون خردورزی و تعقل‌گرایی، نظم داشتن، سازمان داشتن، مشارکت، تقدیرگرا نبودن، محاسبه گر بودن و عناصر دیگر را به عنوان خمیر مایه‌های اولیه جریان نوسازی بر می‌شمارند. در قالب این دیدگاه کارهای

-
1. J.a Gumdrop
 2. Philip P. Wiener
 3. Moor Zidek



تجربی زیادی هم صورت گرفته است. در این زمینه می‌توان از کارهای تجربی الکس اینکلز^۱ و دیوید اسمیت^۲، کار دانیل لرنر^۳ تحت عنوان گذار از جامعه سنتی، کار لئونارد دوب^۴، اورت راجرز و ویلیام اوجینو^۵ نام برد. از لحاظ تجربی و روش‌شناختی می‌توان گفت متغیرهای مستقل مورد نظر این نظریه در ارتباط با متغیر وابسته، یعنی میل به نوسازی در سطوح جمعی و فردی، عبارتند از:

- میزان همدلی و اعتماد به یکدیگر
- میل به پیشرفت و موفقیت
- میزان و درجه آینده‌گرایی در مقایسه با حال‌گرایی و به خصوص گذشته‌گرایی
- پذیرش خطر یا ریسک‌پذیری
- فعال بودن در مقابل انفعال‌گرایی و تعهد نسبت به کار و عمل
- میزان تقدیرگرایی و عدم تقدیرگرایی
- استقلال فردی و عدم وابستگی به دیگران به خصوص نزدیکان
- تفسیر و درک فرد از تغییر و تحول
- میزان حساس‌گری فرد
- خوش‌بینی و بدبینی
- تجربه‌گرایی
- نظم و وجدان کاری
- توجه به ابتکار و خلاقیت و کارهای یدی
- احساس توانمندی کردن

نظریه‌پردازان این حوزه برخلاف حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی، واحد تحلیل و پژوهش خود را در سطوح میانی و عمدتاً فردی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر واحد تحلیل آن‌ها نظام‌های شخصیتی افراد می‌باشد. نظریه‌پردازان مذکور نقطه شروع نوسازی را در نوسازی انسان و نظام شخصیتی او می‌بینند و معتقدند که با تحقق نوسازی و نوشدن انسان

1 . Alex Ankles
 2 . David Smith
 3 . Daniel Lerner
 4 . Leonard Dube
 5 . Everett Rogers & William Aguano

سایر جنبه‌های نوسازی نیز ظهور پیدا می‌کند. پس لازم است که کنش‌ها و رفتارهای فردی و بین فردی در سطوح خرد و میانی مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

اورت هیگن^۱ از جمله محققانی است که تحولات انواع جوامع سنتی و مدرن را برحسب ساختار شخصیتی افراد آن جوامع تبیین کرده است. وی معتقد است که دگرگونی در الگوهای جامعه پذیری دوران کودکی به دگرگونی در انواع شخصیت و سپس، رفتار اجتماعی افراد منجر می‌شود که در نتیجه بر دگرگونی اجتماعی تاثیر می‌گذارد. هیگن بیشتر به خصایصی توجه کرده است که در مرحله گذار از جامعه سنتی به مدرن، در جوامع پدیدار می‌شود. او مهم‌ترین این خصایص را نوآوری و خلاقیت می‌داند. به زعم وی، نوآوری «وارد شدن به درک ذهنی و معرفتی جدید است که خود را در دنیای خارج از ذهن فرد متجلی می‌سازد» (هیگن، ۱۹۶۷، ۳۰). هیگن با بررسی نقش شناختها، ارزشها و نیازهای انسانی، استدلال می‌کند که یک شخصیت خلاق و نوآور پدیده‌های جهان را در نظامی شکل یافته و منسجم می‌بیند، بنابراین، درصد بر می‌آید ارزشمندی و اهمیت خود را برای محیط و دنیایش به اثبات رساند. چنین شخصیتی از میزان بالای انگیزه همکاری و کمک برخوردار است، به استقلال، پیشرفت و نظم گرایش زیادی دارد و سرانجام، به توانایی خود برای درک و کنترل برخی پدیده‌های خارجی باور دارد.

هیگن، از مجموعه بحث‌های خود، نتیجه‌گیری می‌کند که لازمه توسعه اجتماعی این است که افراد ویژگی‌های یک شخصیت خلاق را داشته باشند. همدلی، انگیزه بالای پیشرفت، انگیزه نیاز به استقلال و نظم، انگیزه کمک و همکاری با هم‌نوعان و انگیزه مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری‌ها و امور مرتبط با زندگی خود از صفات فرد خلاق است. نظریه هیگن در ارتباط با شخصیت خلاق در زمینه نوسازی شبیه نظریه لرنر می‌باشد. لرنر از جمله محققانی است که عمده مطالعات خود را درباره بررسی شرایط حاکم بر فرایندهای اجتماعی و تغییر از جهان سنتی به مدرن و توسعه مشارکتی انجام داده است. اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار می‌گیرد و متکی بر این ایده است که به واسطه و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم جریان نوسازی و تجدد به وقوع می‌پیوندد. به نظر لرنر ورود عناصر و مکانیسم‌های که حاصل نوسازی هستند در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انس آنها برای پذیرش عناصر جدید تجدد و

مشارکت اجتماعی آنها تاثیرگذار هستند. به نظر لرنر مهم‌ترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی آنها برای نوشتن موثرند عبارتند از؛ بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی. به باور لرنر در معرض قرار گرفتن افراد با این عناصر، باعث می‌شود نگرش‌ها و باورهای مردم تغییر کند و زمینه‌های تحرک روانی و ذهنی در آنها شروع به رشد و نمو کند. او بر مبنای حالات روانی و نگرش‌های انسان‌ها نسبت به محیط اجتماعی و عناصر آنها را به سه دسته؛ نوگرا، در حال تحول و سنتی تقسیم می‌کند. وی با طرح مفهوم همدلی^۱ و شخصیت انتقالی^۲ به معنی اینکه شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد، در صورت شناسایی ابعاد روانی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است (ازکیا، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). در مجموع، لرنر به ابعاد روانی نوسازی توجه دارد و بر عوامل فردی و درونی در هر جامعه تاکید می‌کند و معتقد است که عناصری باید از بیرون وارد جامعه سنتی شوند تا زمینه حرکت را به سوی نوسازی فراهم کنند.

در تعریف انسان نو اولین عنصر، آمادگی او برای تجربیات تازه و توانایی او برای تغییر است. بنابراین، سخن بر سر یک حالت ذهنی، یک وضعیت روانی، یک آمادگی درونی است. دومین معیار در این مجموعه بهم پیوسته ما را به زمینه عقاید می‌کشاند. انسانی را نو می‌شناسیم که نه تنها درباره موضوعات و مسائل موجود در محیط بلافصل خود، بلکه درباره مسائل و موضوعات خارج از این محیط نیز عقایدی داشته باشد. به باور اسمیت انسان مدرن آگاهی بیشتری از تنوع و ایستارها و عقاید در اطراف خود دارد. و خود را اسیر این اعتقاد نمی‌سازد که همه افکار و معتقدات مشابهی دارند، و این افکار و معتقدات مشابه افکار و عقاید اوست. وی بر این باور است که ذهن انسان مدرن بیشتر متوجه زمان حال و آینده است تا گذشته و در انجام امور و کار و تصمیم‌گیرها دقیق و منظم می‌باشد. اسمیت معتقد است این ویژگی‌ها، ویژگی‌های شخص است و این خصوصیات ممکن است انعکاسی از خصوصیات فرهنگی باشند (اینکلس^۲، ۱۹۸۰، ۳۲۰). انسان مدرن گرایش به برنامه‌ریزی و سازمان دادن امور دارد و به آن به عنوان نوعی راه و رسم و اداره زندگانی اعتقاد دارد. یکی از معیارهای اساسی در تعریف انسان مدرن بحث کارآمدی است. چنین انسانی معتقد است

1. Empathy

2. Transitional personality

به جای اینکه تحت سلطه محیط و قضا و قدر باشد، می‌تواند بر محیط و قضا و قدر مسلط شود. برای مثال می‌توان از کسی که معتقد به کارآمدی است، سؤال شود "بالاخره روزی شما می‌توانید بافت‌های فرسوده‌تان را نوسازی کنید؟" کسی که کارآمدتر است حتی اگر در حال حاضر توانایی انجام این کار را نداشته باشد، پاسخ مثبت خواهد داد. چنین فردی به قابل محاسبه بودن جهان خود اعتقاد دارد. و بر این باور است که به مردم و موسساتی که در اطراف او قرار دارند، می‌توان اعتماد داشت که از عهده تعهدات و مسئولیت‌های خود برآیند. او هرگز این مطلب را نمی‌پذیرد که همه چیز بسته به تقدیر و یا هوی و هوس‌های طبایع و خصایص آدمیان است (ازکیا، ۱۳۸۱، ۱۱۲). در نهایت می‌توان نتیجه گرفت نوسازی را می‌توان تحت سه عنوان عمده خلاصه کرد: این که آن‌ها شهروندان آگاه و فعالی باشند؛ احساس کارایی شخصی در آن‌ها محسوس باشد؛ در روابط خود با مراجع سنتی قدرت کاملاً مستقل و بدون دخالت دادن اراده دیگران عمل کنند.

مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

مشارکت به عنوان واقعیتهای اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد، فرآیندی است که با گذشته زمان دگرگون شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که بر عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قائل می‌شوند، مشارکت در اشکال اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی روانی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته است. یکی از مراکزی که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود، شهر و زندگی شهری است. (موسوی، ۱۳۸۵، ۷۵)

مشارکت فعال ساکنان در برنامه‌های شهری عیاری برای سنجش دموکراسی در یک منطقه است. برخی دیدگاه نوین در مورد احیای مجدد شهرها مانند شهرسازی نوین، مشارکت را به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار داده‌اند.

جان ترنر^۱ از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی، با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه‌پردازی‌های عمیق خود، انواع مشارکت را به صورت علمی و اصولی تقسیم‌بندی کرده نظریه‌های مربوط به آن را پیش از پیش قابل فهم



گردانیده است. تحقیقات ترنر و دیگران نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آنها، نیز از دست می‌رود. جان ترنر مشارکت را در میزان نقش دخالت «دولت» و «مردم» در مدیریت جامعه تعریف می‌کند. همچنین مدیریت را به دو اقدام اساسی تقسیم می‌کند و آن «فراهم کردن» و «تصمیم‌گرفتن» است و معتقد هست که هرکسی که منابع و امکانات را فراهم می‌کند، به خود حق می‌دهد که در تصمیم‌گیری دخالت کند، اما در جوامع گوناگون رابطه بین دولت و مردم براساس فراهم کردن و تصمیم‌گرفتن تعیین می‌شود.

مدل قدرت و نردبان ارنشتاین

و در مدل قدرت و نردبان ارنشتاین^۱، مشارکت مردمی امری تحمیلی نیست که از بالا به پایین صورت می‌گیرد، بلکه باید شرایطی فراهم شود که مردم با ارتباط آگاهانه و روشن اما در یک چارچوب قانونمند در جریان شکل‌گیری پروژه حضور یابند (توسلی، ۱۳۷۹؛ ۶۰). نحوه دخالت دادن و میزان استفاده از مشارکت مردم در جوامع مختلف بسته به زمینه‌های اجتماعی، قانونی و فرهنگی متفاوت می‌باشند، که شری ارنشتاین در سال ۱۹۶۹ با دسته‌بندی به نام نردبان مشارکت شهروندی ارائه نموده است. مشارکت تا کامل‌ترین نوع مشارکت تداوم دارد. بر این اساس، می‌توان انواع رویکردهای دخالت مردم در پروژه‌های شهری بازشناسی نمود:

- **محرومیت از مشارکت:** این مشارکت در واقع مشارکت محسوب نمی‌شود. بلکه ادعای داشتن مشارکت است. نیت اصلی، نه تامین منافع مردم، بلکه تامین منافع کارفرما است. علت اصلی توسل به مشارکت، کسب مشروعیت برای طرح و کاهش مقاومت مردم در مقابل آن و در نتیجه، سهولت اجرای طرح است.
- **مشارکت جزئی:** نیت اصلی در این نوع مشارکت تامین منافع مردم تا جایی است که با منافع کارفرمایان و دولت تضاد پیدا نکند. مردم حق اظهار نظر و مخالفت دارند، اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته‌های خود را پیگیری نمایند. مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود.

1. Arnstein Arneberg

جریان اطلاعات از پایین به بالا بوده و از مشارکت مردم در تامین اعتبار مالی طرح‌ها استفاده می‌شود.

- **قدرت شهروندی:** نیت اصلی، تامین حداکثر منافع مردم و جلب رضایت عموم است. مشارکت علاوه بر آنکه ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود، خود به عنوان هدفی در جهت رشد فکری، اجتماعی و مدنی شهروندان است. شهروندان در تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری مشارکت نموده، علاوه بر آن حق اظهارنظر، اعتراض و مخالفت با طرح، همچنین توانایی نظارت بر اجرای خواسته‌هایشان را نیز دارند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰).

مدل قدرت و نردبان ارنشتاین بدین معناست که مشارکت شهروندی توزیع مجدد قدرت برای توانمندسازی شهروندانی است که از فرایندهای اقتصادی و سیاسی حذف شده‌اند تا به صورت عامدانه در آینده سیاسی شهر قرار داده شوند. مشارکت شهروندی استراتژی است که از طریق آن کسانی که در جریان قدرت به نحوی حضور نداشته‌اند، بتوانند در برنامه‌های مختلف مانند؛ سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، تخصیص مالیات‌ها، برنامه‌های عملیاتی و منافع حاصل از قراردادهای و حامیان قرار داده شوند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ۶)

گام نخستین در احیای بافت قدیم شهرها را باید در اروپایی غربی، به ویژه در کشورهای انگلستان و فرانسه به دلیل آغاز انقلاب صنعتی در آنها (دوره ۱۷۶۰-۱۸۳۰) و گسترش شهرنشینی پس از آن جستجو کرد که به سابقه زیاد شهرها در این‌گونه کشورها، نسبت به کشورها دیگر منجر شد. در واقع، جنبش احیای مرکز شهری بیش از ۱۵۰ سال در این کشورها سابقه دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱، ۲۱۸).

تاکنون محققان زیاد در ایران و جهان پیرامون مشارکت اجتماعی و تاثیرات آن بر بهسازی و ساماندهی بافت فرسوده شهری مطالعاتی داشته‌اند (جباری، ۱۳۷۶؛ علوی تبار، ۱۳۸۰؛ شریفیان ثانی، ۱۳۸۰؛ هادیان و دانشپور، ۱۳۸۳؛ سجادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رضایی، ۱۳۸۷؛ میرقوام، ۱۳۸۸؛ مروتی، ۱۳۹۰). از میان طرح‌های انجام شده در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پژوهش رضایی (۱۳۸۷) با عنوان «بررسی انسان‌شناختی موانع فرهنگی و اجتماعی نوسازی مشارکتی بافت فرسوده (پژوهش موردی محله اتابک)» را می‌توان جزء معدود کارهایی دانست که از منظر اجتماعی به نوسازی بافت فرسوده پرداخته است. وی با استفاده

از روش‌های کیفی ژرفانگر به سئوالاتی از قبیل؛ چرا ساکنان با اجرای طرح نوسازی مشارکتی در محله‌شان مخالف هستند و آیا این مخالفت ریشه در فرهنگ و باورهای ساکنان دارد، یا با نحوه اجرایی پروژه مرتبط است، به راهکارهای اجرایی برای انجام بهتر و کم هزینه‌تر چنین پروژه‌هایی پرداخته است.

میرزا قوام (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل اجتماعی تداوم ناپایداری (کالبدی) در بافت‌های فرسوده شهری»، در محله خزانه بخارایی، رابطه معنی‌داری میان سطح درآمد و میزان گرایش به نوسازی به دست نیافت بلکه، به رابطه معنی‌داری میان شبکه ارتباطات محلی و گرایش به نوسازی پی برد که حاکی از رویکرد محله‌گرایی در توسعه شهری است. وی اذعان دارد یکی از راه‌های بسترسازی مشارکت‌های مردمی در طرح‌های نوسازی تقویت شبکه ارتباطات در سطح محله‌های بافت‌های فرسوده می‌باشد و ارتقای سطح خدمات محله‌ای در راستای تشویق و محرک ساکنان برای نوسازی بسیار تاثیرگذار می‌باشد.

پژوهش جباری (۱۳۷۶) با عنوان «نگرش جامعه‌شناختی به جابه‌جایی مردم در بهسازی و نوسازی بافت‌های شهری» نشان داده است گسستن پیوندهای خانوادگی و همسایگی، از هم گسیختن ساختارهای معین قدرت محله‌ای (مدیریت محله)، اثرات احتمالی بر اشتغال و وضعیت مالی، گسستن الگوهای زندگی مرتبط با مسکن، اثرات روانشناختی به جهت بر هم خوردن هویت مکانی و فضایی و احتمال شکل‌گیری تحرک اجتماعی نزولی خانواده‌ها، از پیامدهای اجتماعی جابجایی مردم در طرح‌های بهسازی و نوسازی است.

هادیان و دانشپور (۱۳۸۳) در یک پژوهش با عنوان «نوسازی بافت فرسوده شهری و مشارکت شهروندان» ضمن بیان تعریف مشخصی از مشارکت شهروندان، ضرورت‌ها و منافع و نیز معایب مشارکت، به ارائه راهبردهای کلی جهت تقویت نقش مشارکت شهروندان در طرح‌های نوسازی بافت فرسوده شهری پرداخته‌اند.

مروتی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش ساکنین بافت‌های فرسوده به نوسازی» محله امامزاده عبدالله تهران، رابطه عواملی چون میزان وضعیت اعتماد به همسایگان، همکاری ساکنین در امور جمعی، تعلق خاطر به محله، گرایش به زندگی آپارتمان نشینی را بررسی و اطلاع از وجود ضمانت‌های قانونی در طرح

نوسازی و نیز، چگونگی رابطه این‌ها با میزان گرایش ساکنین بافت‌های فرسوده از نقطه نظر ساکنان محدوده‌های بافت فرسوده، بازاریان و خریداران آن ارزیابی نموده است.

سؤال اصلی

آیا میان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد؟

سئوالات فرعی

۱. آیا گرایش‌ها و ارزش‌های اجتماعی افراد در ابعاد مختلف منجر به فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده شهری می‌شود؟
۲. آیا نوگرایی اجتماعی می‌تواند عاملی برای تشویق شهروندان برای مشارکت بیشتر در نوسازی شهری باشد؟

هدف اصلی

پژوهش رابطه بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنها در مشارکت برای نوسازی بافت‌های فرسوده.

اهداف جزئی

۱. بررسی پیرامون رابطه بین میزان ارتباطات اجتماعی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.
۲. بررسی پیرامون رابطه بین میزان توسعه اجتماعی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.
۳. بررسی پیرامون رابطه بین میزان نوسازی و گرایش به میزان مشارکت شهروندان در نوسازی بافت فرسوده است.



فرضیه‌های پژوهش

۱. بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان گرایش به ارتباطات اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان گرایش به توسعه اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان گرایش به نوسازی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر را از لحاظ دسته‌بندی تحقیقات برحسب نحوه گردآوری داده‌ها، می‌توان پیمایشی - توصیفی و براساس دسته‌بندی تحقیقات برحسب هدف، تحقیق کاربردی دانست. محدوده زمانی پژوهش از ابتدای آذر ۱۳۹۶ تا پایان دی سال ۱۳۹۷ ادامه داشته و داده‌های مورد نیاز این پژوهش، در این بازه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان زنان و مردان بالاتر از ۱۸ سال ساکن در محلات شهید رجایی، صادقیه و ولیعصر جنوبی - منطقه ۱۸ شهرداری تهران، معادل ۷۶/۶۳۸ نفر در سال ۹۷ - ۱۳۹۶ بوده است.

به منظور انتخاب و تعیین حجم نمونه لازم برای پژوهش، ابتدا با استفاده از سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ تعداد ساکنین بالای ۱۸ سال شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مشخص شد. بر این اساس، سه خیابان دارای بافت فرسوده محله رجایی شامل؛ خیابان ولدخانی، نامداری و قلعه اسماعیل آباد که هرکدام دارای ۱۰ بلوک بافت فرسوده هستند، انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با تعداد ۲۰۰ نفر پیش‌بینی شده است.

پرسشنامه پژوهش حاضر از نوع محقق ساخته است که برای محاسبه اعتبار سنج‌ها و متغیرهای مورد نظر از اعتبار صوری (مشورت و نظرخواهی از اساتید) و اعتبار محتوا استفاده شد. برای پایایی پرسشنامه جدا از انجام pre - test بر

روی ۳۰ پرسشنامه، با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ضرایب آلفای متغیر نوگرایی اجتماعی، ۰/۸۳؛ مشارکت رسمی، ۰/۷۵؛ مشارکت غیررسمی، ۰/۷۶؛ سطح مشارکت و اجزای مشارکت به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۷۰ بدین شرح می‌باشد. در این پژوهش از داده‌های کمی مقطعی استفاده شده است. اطلاعاتی که از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است، به تفکیک برای هر سؤال استخراج، طبقه‌بندی و پس از کدگذاری و ورود اطلاعات به رایانه، به وسیله نرم‌افزار SPSS پردازش شده است. برای بررسی فرضیه با توجه به سطح اندازه‌گیری متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون F، ضریب رگرسیونی چند متغییره و تحلیل مسیر برای وجود یا عدم وجود رابطه معنی‌دار استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

از مجموع ۲۰۰ پرسشنامه گردآوری شده، ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان نشان از آن دارد که بازه سن پاسخگویان حداقل بین ۱۸ تا ۶۵ سال می‌باشد. گروه سنی ۲۵-۳۰ دارای بیشترین فراوانی بودند. ۵۰ درصد از پاسخگویان زن و ۵۰ درصد از آنها مرد بودند. بالاترین فراوانی در خصوص میزان تحصیلات به ترتیب کارشناسی با ۳۵/۰ درصد و دکترا و بالاتر با ۹/۰ درصد دارای کمترین فراوانی هستند. درآمد ماهیانه پاسخگویان از "درآمدی ندارد" تا "بالای ۴ میلیون" در نوسان است و "درآمدی ندارد" با ۳۱/۰ درصد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است و در نهایت، افرادی که بالای ۴ میلیون تومان درآمد دارند، دارای کمترین میزان درآمد هستند. در این بین همچنین، از وضعیت اشتغال افراد سؤال شده بود که ۵۷/۰ درصد از افراد پاسخ‌دهنده "شاغل" بودند و ۱۶/۵ درصد "خانه‌دار" ، ۱۳/۵ درصد "دانشجو" ، ۱۰/۰ درصد "جویای کار" و ۳/۰ درصد "بازنشسته" بودند. همچنین، یکی از سئوالات پرسشنامه، پرسش از وضعیت مالکیت محل سکونت افراد بود که به ترتیب ۶۱/۰ درصد از افراد مالک محل سکونت خود بودند و ۳۴/۵ درصد از افراد در خانه‌های استجاری سکونت داشتند و در نهایت، ۴/۰ درصد از افراد پاسخ‌دهنده در خانه‌های غیر از منزل شخصی و اجاره‌ای سکونت داشتند.



جدول ۱. یافته‌های توصیفی براساس (جنسیت، سن، مدت سکونت، وضعیت تاهل، نوع مالکیت، درآمد، وضعیت اشتغال و ...)

مرد				زن				جنسیت		
۵۰				۵۰				درصد فراوانی		
۶۵-	۶۰-	۵۵-	۵۰-	۴۵	۴۰-	۳۵-	۲۵-۳۰	۲۵-	۲۰-	گروه های سنی
۶۰	۵۵	۵۰	۴۵	-	۳۵	۳۰		۲۰	۱۵	
۰/۵	۳/۰	۱/۵	۳/۵	۸/۵	۱۹	۱۹	۲۳	۱۵/۵	۶/۵	درصد فراوانی
۶۰-	۴۰-۵۰		۴۰-۳۰		۲۰-۳۰		۱۰-۲۰		۱-۱۰	مدت سکونت در محله
۵۰										
۰/۵	۲		۹/۵		۱۷/۵		۲۸/۵		۴۲	درصد فراوانی
همسر از دست داده			مطلقه		متاهل		مجرد			وضعیت تاهل
۱/۰			۰/۵		۳۸/۵		۶۰			درصد فراوانی
دکت	فوق لیسانس		لیسانس		فوق دیپلم		دیپلم	ابتدایی		وضعیت تحصیلات
ری و بالاتر										
۰/۵	۸/۵		۳۵		۱۳		۳۲/۵	۱۰/۵		درصد فراوانی
سایر موارد			استیجاری				مالک			نوع مالکیت منزل
۴/۵			۳۴/۵				۶۱			درصد فراوانی
آزاد	بازنشسته		خانه دار		دانشجو		جویای کار	شاغل		وضعیت اشتغال
۱۰/۰	۳/۰		۱۶/۵		۱۳/۵		۱۰/۵	۴۷/۰		درصد فراوانی
بالاتر از ۴	۳ تا ۴		بین ۳ تا ۴		بین ۱ تا ۲		زیر یک	درآمد ندارد		درآمد ماهانه (میلیون)
۴/۰	۷/۰		۲۰		۲۳/۵		۱۴/۵	۳۱/۰		درصد فراوانی

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

تحلیل رابطه میزان گرایش به نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

در این پژوهش میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با نوگرایی اجتماعی شهروندان مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در بازسازی بافت فرسوده

نوگرایی اجتماعی شهروندان	میزان گرایش به مشارکت در بازسازی بافت فرسوده	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
۱	۰/۴۸۸	ضریب همبستگی	۰/۰۰۰
۰/۴۸۸	۱	ضریب همبستگی	۰/۰۰۰

** در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون جدول ۲، نشان می‌دهد مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوگرایی اجتماعی شهروندان ۰/۴۸۸ است و معنی‌داری آزمون همبستگی برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد ($p < 0.05$). بنابراین، بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوگرایی اجتماعی شهروندان رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه، فرض صفر (فرض استقلال دو متغیر) رد می‌شود. به عبارت دیگر، هرچه نوگرایی اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.



تحلیل رابطه میزان گرایش به نوسازی اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

یافته‌های به دست آمده از نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مقدار همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و نوسازی اجتماعی ۰/۲۶۶ است و می‌توان با احتمال ۹۵ درصد فرضیه را تایید کرد. با توجه به مثبت بودن رابطه دو متغیر فوق می‌توان گفت هرچه نوسازی اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین میزان نوسازی اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

نوسازی اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده		
۱	۰/۲۶۶**	ضریب همبستگی	نوسازی اجتماعی
	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۰/۲۶۶**	۱	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری	

** در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رابطه میزان گرایش به توسعه اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

نتایج آزمون آماری جدول ۴، گویای آن است که بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با توسعه اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و شدت این رابطه طبق آزمون پیرسون ۰/۴۳۷ است. بنابراین با احتمال ۹۵ درصد می‌توان گفت بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و توسعه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه توسعه اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

جدول ۴. ضریب همبستگی بین میزان توسعه اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

توسعه اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده		
۱	۰/۴۳۷**	ضریب همبستگی	توسعه اجتماعی
	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۰/۴۳۷**	۱	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
۰/۰۰۰		سطح معنی داری	

** در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رابطه دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی شهروندان و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
در این پژوهش گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با دامنه و ماهیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۵. ضریب همبستگی بین دامنه و ماهیت اجتماعی و میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده

دامنه و ماهیت اجتماعی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده		
۱	۰/۳۹۱**	ضریب همبستگی	دامنه و ماهیت اجتماعی
	۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۰/۳۹۱**	۱	ضریب همبستگی	میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده
۰/۰۰۰		سطح معنی داری	

** در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنی دار است.

منبع: یافته‌های پژوهش



یافته‌های به دست آمده از جدول ۵ و آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد شدت همبستگی بین دو متغیر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و دامنه و ماهیت اجتماعی ۰/۳۹۱ است. بنابراین، می‌توان یا ۹۵ درصد احتمال بیان کرد رابطه بین میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده و دامنه و ماهیت اجتماعی مثبت و معنی‌دار است به عبارت دیگر، هرچه دامنه و ماهیت اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان گرایش آنان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده بیشتر است.

آزمون رگرسیون چند متغیره

دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی، گرایش به توسعه اجتماعی، گرایش به نوسازی اجتماعی تحلیل رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته (گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده) در جدول ۶ خلاصه شده است.

جدول ۶. خلاصه مدل

ضریب رگرسیون چندگانه	R ²	R ² _{adj}	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی‌داری
۰/۵۲۹	۰/۲۸۰	۰/۲۵۸	۰/۵۱۵	۱۲/۵۱۳	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون بیانگر آن است که ضریب همبستگی چند گانه ۰/۵۲۹ است. یعنی بین متغیرها ۵۰ درصد همبستگی وجود دارد. ضریب تعیین برابر با ۰/۲۸۰ گزارش شده است. ضریب تعیین تعدیل یافته برابر با ۰/۲۵۸ بدست آمد؛ این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته اند ۲۸ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول ۶، مقدار آزمون F در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است، معادله رگرسیونی خطای برآورد ۰/۵۱۵ را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری رابطه حاصل شده از آزمون F (مقدار آماره F برابر

۱۲/۵۱۳ است) نیز می‌توان این گونه قضاوت نمود که حضور حداقل یکی از متغیرهای مربوطه در معادله معنی‌دار است.

بنابر نتایج جدول ۷، متغیرهای وارد شده به معادله (دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی، گرایش به توسعه اجتماعی، گرایش به نوسازی اجتماعی) رگرسیون رابطه معنی‌داری در معادله یافتند که تأثیر مستقیم بر میزان گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از رگرسیون چند متغیره، بتای متغیر دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی برابر ۰/۱۱۱ است، بتای متغیر گرایش به توسعه اجتماعی برابر ۰/۲۲۸، بتای متغیر گرایش به نوسازی اجتماعی برابر ۰/۰۳۷ است. این امر حاکی از آن است که بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده اثرگذار می‌باشند. با توجه به ضریب بتا استاندارد می‌توان نتیجه گرفت متغیر گرایش به توسعه اجتماعی بیشترین اثر را بر میزان گرایش به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده دارد.

جدول ۷. نتایج ضرایب تأثیر رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

سطح معنی‌داری	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	خطای استاندارد	B	
۰/۳۸۰	۱/۴۸۹		۰/۳۳۰	۰/۴۹۱	ثابت
۰/۱۰۱	۱/۳۴۲	۰/۱۱۱	۰/۰۹۷	۰/۱۳۰	دامنه و ماهیت ارتباطات اجتماعی
۰/۴۰	۲/۷۱۳	۰/۲۲۸	۰/۰۹۲	۰/۲۵۱	گرایش به توسعه اجتماعی
۰/۲۰۰	۰/۴۹۷	۰/۰۳۷	۰/۰۷۷	۰/۰۳۸	گرایش به نوسازی اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و بحث

هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه میزان نوگرایی اجتماعی شهروندان و میزان مشارکت آنان در نوسازی بافت فرسوده شهری بوده است. بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت در نوسازی بافت فرسوده می‌تواند در جهت حل معضلات ومشکلات مرتبط با

مشارکت در نوسازی محله کارساز باشد. در این راستا برای رسیدن به تئوری‌های پشتیبان تلاش شد به اجمال تعدادی از آن‌ها در اینجا مورد بازشناسی و تحلیل قرار گیرد. در اینجا، با استفاده از مداخله نوگرایانه و مردم‌گرایانه به رویکرد شهرسازی پرداخته شد که حق مسلم ساکنین محدوده‌های بافت فرسوده آگاهی از مشکلات و معضلات سطح محله‌پیشان می‌باشد و آن‌ها باید در تصمیم‌گیری‌های سطح محله دخیل باشند و از نگاه مداخله نوگرایانه افراد باید از نوآوری استقبال کنند؛ همان‌طور که هیگن معتقد است افراد باید بعد عینی و ذهنی تغییر و نوآوری را در خود ایجاد کنند. در رویکرد جامعه‌شناسانه به نوگرایی و نوسازی در تعریف انسان نو اولین عنصر، آمادگی او برای تجربیات تازه و توانایی او برای تغییر است. بنابراین، سخن بر سر یک حالت ذهنی، یک وضعیت روانی، یک آمادگی درونی است.

دومین معیار در این مجموعه بهم پیوسته ما را به زمینه عقاید می‌کشاند. به باور اسمیت، انسان مدرن آگاهی بیشتری از تنوع و ایستارها و عقاید در اطراف خود دارد و خود را اسیر این اعتقاد نمی‌سازد که همه افکار و معتقدات مشابهی دارند، و این افکار و معتقدات مشابه افکار و عقاید اوست. وی بر این باور است که ذهن انسان مدرن بیشتر متوجه زمان حال و آینده است تا گذشته و در انجام امور و کار و تصمیم‌گیری‌ها دقیق و منظم می‌باشد. نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد که حاصل جامعه‌پذیری، رویدادهای گوناگون، تجربه شخصی - عمومی، ساختار اجتماعی - فرهنگی، گذشت زمان و ... است، به مثابه رسوبی که در لایه‌های درونی احساس و افکار ساکنان محله ماندگار شده تغییر آن‌ها به زمان طولانی نیاز دارد. لازم به یادآوری است که علاوه بر نگرش، نقش پایگاه اجتماعی و اقتصادی در بازتولید فرآیند بافت فرسوده شهری نقش کلیدی دارد. طبق یافته‌های پژوهش، معنی‌داری رابطه میان میزان نوگرایی اجتماعی با میزان گرایش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت فرسوده با ضریب $0/488$ درصد، نشان از میزان گرایش افراد برای نوسازی است و با توجه به این که میزان میل به تغییرپذیری، پیشرفت و استقبال از نوگرایی در بین ساکنین محدوده مورد نظر مورد سنجش قرار گرفت، با ضریب $0/266$ نوسازی، افراد گرایش به این دارند که آمادگی تغییر را داشته باشند چون آن‌ها خواستار منظره زیبایی از محله‌پیشان هستند، با توجه به این که بیشترین ساکنان بافت فرسوده مالک هستند ترس از تغییر و دگرگونی در آنها وجود ندارد. همان‌طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نوگرایی اجتماعی، توسعه و

نوسازی اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار با میزان مشارکت ساکنین محله برای مشارکت در نوسازی دارد.

باتوجه به ادبیات تحقیق در نظریات نوگرایانه جامعه‌شناسی نظر می‌رسد ساکنین محدوده مورد پژوهش تعلق و گرایش آشکاری به سنت‌ها دارند و گذشته برایشان مهم است و افراد با حفظ ارزش‌های سنتی خواهان پیشرفت و مدرن شدن هستند، باور براین است که ابتدا باید نظام شخصیتی و هویتی ارزش‌های نوگرایانه را بپذیرند. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر نهادهای رسمی برای بهتر کردن اوضاع بافت فرسوده آنها را کمک کنند، افراد می‌توانند در برابر تغییر منعطف شوند. در این پژوهش این موضوع نیز، به صورت کمی (پیمایش میدانی - پرسشنامه) مورد اکتشاف قرار گرفت. مجموعه عوامل بررسی شده در زمینه نوگرایی اجتماعی در محلات منطقه ۱۸ حاکی از آن است که مردم با توجه به حفظ ارزش‌های سنتی خود، در برابر تغییر منعطف هستند. شاید علت این که هم چنان شاهد بلوک‌های بافت فرسوده در محلات این منطقه هستیم، عدم اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم توسط ارگان‌های مانند شهرداری و سازمان نوسازی است که انگیزه مشارکت را از ساکنین سلب می‌کند. زیرا، ساکنین گرایش به مشارکت رسمی دارند اما، از برنامه‌های شهرداری و سازمان نوسازی اطلاع ندارند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.



References

- Alavi Tabar, A. R. (2001) Study of citizens' participation pattern in city administration Tehran (Vol 1). Municipal Organization of the country. (in persian)
- Azkia, M. & Ghafari, G. (2001), Sociology of Development, Tehran: *Neshr kalameh* (in Persian)
- Craib, I. (2015). Modern Social Theory: From Parsons to Habermas. translated by Abbas Mokhbar. *Agah*: Tehran (in Persian)
- Ghasemi, V., Vahida, F., Rabbani, R., & Zakeri, Z. (2010). The Effect of Social Class on Attitude towards Modernism in the City of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 43-68. (in Persian)
- Hillier, B., and Vaughan, L. (2007). The city as one thing. *Progress and planning*. 67 (3), 205-230
- Hillier, B., Hanson, J. (1984). The social logic of space. New York, Cambridge university press.
- Jabari, H. (1997). A sociological approach to the displacement of people in the improvement and renovation of urban structures. Proceedings of the Specialized Conference on Urban Structures, Publications of the Ministry of Housing and Urban Development, pp: 149-160 (in Persian)
- Jahanbaglou, R. (2001). Difference and Tolerance. Center Publishing, Tehran (in Persian)
- Kozer, L. (2004). Lives and Thoughts of Great Sociologists. Translated by Mohsen solasi. 11th edition. tehran: elmy. [In Persian]
- Mirzakwam, R. (1388) Dissertation on the study of social causes of sustainability (physical) in worn-out urban contexts, a case study of Khazaei Bukharai neighborhood, Tehran, 2018. (in Persian)
- Mousavi, Y. (2018). Survey of urban policies of neighborhood-type social development, National Conference on New Ideas in Urban Management with Emphasis on Sustained Income Approach. December 2018, Tehran: Center for Studies and Planning. (in Persian)
- Mousavi. Y. (2009). Uran neighborhood regeneration based on community development planning framework. *Iranian Journal of Social Studies*, 2(2 (4): (special issue on urban and neighborhood)), 99-123. (in Persian)
- Mousavi, Y., Ghasemi, M., & Mostafavi, A. (2018). The Study of Social and Cultural Effective Factors Slowing Down the Process of Urban Regeneration and Renewal (Case-Study: Region 12 of Tehran). *Iranian Journal of Anthropological Research*, 7(2), 71-92. doi: 10.22059/ijar.2018.69471(in Persian)
- Morowati, N. & Latifi, Gh. (2012). A study of social factors affecting the desire of inhabitant's ants in worn textures for reconstruction: acase stud of Imamzadeh

Abdollah district in Tehran. *social development and welfare plannig*, 4 (10), 187-226. (in Persian)

- Shafaie, S., & Sharan Consulting Company. (2005). Guideline for diagnosis and intervention in worn-out structures", approved by the High Council of Urban Planning and Architecture, Tehran, *Ministry of Housing and Urban Development*. (in Persian)
- Sajjadi, J., Monshizadeh, R., & Habibi, B. (2012). A Socio-Spatial Analysis of Deteriorated Urban fabrics. *Soffeh*, 21(3), 175-190. (in Persian)
- Shamai, A., & Pourahmad, A. (2004). An analytical review of urban renovation & improvement policies & programs in the national development plans. *Geographical Research Quarterly*, 36(49), 181-202. (in Persian)
- Tomlnson, J. (۱۹۹۹). *Globalization and culture*. Cambridge. Policy.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

مقاله پژوهشی

تحلیل شاخص‌های مؤثر بر فرآیند مدیریت رشد و توسعه کالبدی شهرها

(نمونه موردی: شهر کرج)^۱

محمد مولائی قلیچی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱

چکیده

در ایران گسترش سریع فیزیکی شهرها در قالب رشد بدون برنامه و ناموزون یکی از مشکلات اساسی شهرها محسوب شده است که پدیده‌ای تحت عنوان "پراکنده‌رویی" از نتایج رشد این‌گونه می‌باشد. مدیریت رشد شهری کاربرد ابزارهای هماهنگ برنامه‌ریزی جهت هدایت شهرها و دستیابی به الگوی مطلوب رشد در جهت مهار پراکنده‌رویی می‌باشد. شهر کرج در طی سال‌های پس از دهه ۳۰ و با رشد و توسعه کشاورزی و صنعت در اطراف تهران دستخوش تحول و دگرگونی‌های جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی جدی شده است. این عدم‌توازن، رشد بی‌برنامه و پراکنده را در شهر کرج به دنبال دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی شاخص‌های مؤثر بر فرآیند مدیریت رشد شهر کرج می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده است. از میان شاخص‌های مربوط به مدیریت رشد شهری، ۱۴ شاخص استخراج و با استفاده از روش تحلیل عاملی به ۵ عامل تقلیل یافته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد با توجه به توسعه کالبدی شهر کرج، عوامل گوناگونی در نحوه مدیریت رشد و توسعه دخیل می‌باشند. به طوری که عامل قوانین و سیاست‌ها از قبیل منطقه‌بندی شهری در مدیریت رشد شهر، مهم‌ترین نقش را در مهار رشد پراکنده داشته است.

واژگان کلیدی: پراکنده‌رویی، تحلیل عاملی، شهر کرج، مدیریت رشد شهری.

طبقه‌بندی موضوعی: R11, R52, R58

مقدمه و طرح مسأله

روندها و پیامدهای رشد شهری در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته باهم متفاوت است. در کشورهای صنعتی، جمعیت سرریز با گریز از تراکم بافت شهری به عرصه‌های آرام و سالم‌تر حومه پناه می‌برند و برخی فعالیت‌ها به سبب وابستگی‌های مکانی فضایی و نیاز به مجاورت با کانون اصلی به عرصه‌های پیرامونی - منتقل می‌شوند. این در حالی است که در کشورهای توسعه‌نیافته اغلب به علت ناپیوستگی‌های فضایی سرزمین و تمرکزگرایی همه‌جانبه رشد شهری به شیوه‌ای نامتوازن تحقق می‌پذیرد و با درهم‌ریختگی کالبدی فضایی و اجتماعی اقتصادی همراه می‌گردد (کمانرودی کجوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹۰). رشد شهر به‌مثابه یک فرامسئله متأثر از موضوعات متعدد و متنوع بسیاری است. علاوه بر «عوامل فضایی» موضوعاتی مانند «ساختارهای اجتماعی - اقتصادی»، «تصمیم‌سازان» (ارگان‌ها، سازندگان، مالکان)، «تصمیمات» (اهداف، راهبردها، سیاست‌ها) و نظامات (از قبیل تفکیک زمین و روندهای قانونی) نیز بر رشد شهر اثرگذارند. با توجه به رشد و توسعه کشورها در دهه‌های اخیر گسترش افقی شهرها و ظهور تبعات رشد این‌چنینی به‌صورت مشکلات متعدد، سبب شد تا دانشمندان، محققان و مسئولان شهری در پی الگویی متناسب و فارغ از مشکلات به وجود آمده باشند که لزوم برنامه‌ریزی در راستای مهار شهرها را پررنگ می‌سازد (بخشی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۰). اصطلاح «مدیریت رشد شهری»^۱ به اقداماتی اشاره دارد که هدف آن‌ها اعمال محدودیت بر رشد و یا بر کسانی است که تحت تأثیر رشد و یا مدیریت آن هستند (چو، ۲۰۰۲: ۱۵ به نقل از اسماعیل‌پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۴). در واقع، مدیریت رشد به‌عنوان استفاده هوشمندانه از ابزار برنامه‌ریزی، قوانین و ابزارهای مالی دولت‌های ایالتی و محلی بر جهت‌دهی به رشد و توسعه به‌منظور نائل شدن به نیازهای پیش‌بینی‌شده می‌باشد. ابزارهایی که شامل این تعریف می‌شوند، عبارتند از: برنامه‌ریزی جامع، منطقه‌بندی، مقررات زیر بخش‌ها، مالیات‌ها، هزینه‌های توسعه، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و سایر ابزار سیاست‌گذاری که تأثیر بسزایی بر توسعه زمین و ساخت‌وساز دارد. لازم به ذکر است مدیریت رشد با کنترل رشد متمایز است، به‌طوری که مدیریت رشد، توسعه پیش‌بینی‌شده را منطبق بر جهاتی می‌کند که اهداف عمومی را

1. Urban Growth Management
2. Cho



به دست آورد، درحالی که کنترل رشد بر تحدید رشد دلالت می‌کند (نلسون^۱ و همکاران، ۲۰۰۲: ۴۴۹). پنج هدف عمده در مدیریت رشد شهری عبارت است از: توزیع عادلانه خدمات، حفظ کالاهای عمومی، کاهش هزینه‌های مالی عمومی، به حداقل رساندن تأثیرات منفی برخی از کاربری‌های شهری و بهبود کیفیت زندگی (نلسون، ۲۰۱۵: ۴۴۷).

رشد شتابان شهرنشینی در ایران نیز با گسترش زیرساخت‌ها و توان تجهیز فضاهای شهری متناسب نبوده است، در نتیجه مشکلات ناشی از آن، توسعه نابسامان فیزیکی (شهرها) ابعاد پیچیده‌ای یافته است. از این رو، مدیریت رشد فیزیکی شهر و تحدید توسعه شهرها، امری ضروری به نظر می‌رسد و در همین راستا سیاست‌های متنوعی در کشورهای مختلف پیشنهاد شده است (سلطانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷).

یکی از شهرهایی که با مشکل رشد بی‌رویه افقی مواجه بوده است، شهر کرج می‌باشد. این شهر تا سال ۱۳۴۵ سیمای یک باغشهر را داشته است، اما با رشد مهاجرت، تخریب باغات و اراضی سبز از سویی و انتقال آب کشاورزی به تهران، خشکیده شدن باغات و سر برآوردن محلات جدید شهری، ساخت‌وساز غیراصولی در امتداد جاده مواصلاتی تهران به قزوین و اتصال منظومه‌های چندگانه پیرامون در حاشیه شهر کرج، تبدیل به کرج امروزی شده است. از جمله چالش‌های اساسی این شهر، توسعه فیزیکی آن بوده که موجب تخریب و از بین رفتن باغات و اراضی کشاورزی و افزایش هزینه خدمات شهری شده است. از دیگر مشکلات آن، ساخت‌وسازهای پراکنده، ازدحام ترافیک، از دست رفتن هویت و ویژگی‌های اجتماعی محلات، آلودگی‌ها، از بین رفتن چشم‌اندازهای طبیعی، پایین آمدن کیفیت زندگی و... است (بزرگمهر و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۵). پس از وقوع انقلاب اسلامی با ادامه مهاجرت و افزایش جمعیت، شاهد آن هستیم که آهنگ رشد جمعیت بسیار سریع‌تر از پیش‌بینی رشد جمعیت شتاب گرفته است. این عدم توازن، رشد بی‌برنامه و پراکنده را در شهر کرج به دنبال دارد و مهاجرت گسترده از اقصی نقاط کشور موجب گردیده تجانس نسبی اجتماعی تضعیف و عدم تجانس‌های اقتصادی و اجتماعی سیمای شهر را متنوع و دگرگون سازد. در واقع با توجه به اینکه شهر کرج روند توسعه و تکامل شهری را بسیار سریع‌تر از آهنگ طبیعی و در مدتی بسیار کوتاه گذرانده و دچار رشد ناموزون افقی گردیده است لذا، پژوهش حاضر



به دنبال جواب به این سؤال است فرآیند رشد شهری کرج از نظر شاخص‌های مدیریت رشد چگونه بوده و چه شاخص‌هایی بیشترین تأثیر را در این فرآیند داشته‌اند؟

مبانی نظری پژوهش

توسعه فیزیکی شهر، فرآیندی پویا است که طی آن محدوده‌های فیزیکی شهر افزایش می‌یابد. متحول شدن الگوی اسکان دارای دو پیامد مختلف در مناطق و شهرهاست. در نخستین حالت ممکن است در پی رشد جمعیت، کمبود اراضی برای جانمایی سکونت‌گاه‌ها ایجاد شود. در حالت دوم، توسعه اراضی بیش از نیاز جمعیت صورت گرفته و موجب ظهور پدیده پراکنده‌رویی می‌شود (نخعی، ۱۳۹۸: ۱). الگوی پراکنده‌رویی از دهه ۱۹۶۰ در گفتمان شهری به‌طور جدی مطرح شد و تا مدت‌های مدیدی به‌عنوان پدیده‌ای مختص شهرهای آمریکایی در نظر گرفته‌شده است که به دلیل وفور زمین‌های ارزان، ساخت بی‌رویه جاده‌ها و تولید بیش از اندازه ماشین در این کشور رخ داده است. امروزه، پراکنده‌رویی به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است و بیشتر شهرهای کشورهای جهان و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه با آن روبه‌رو بوده است (هاچیسون^۱، ۲۰۱۰: ۷۶۶). استفاده صحیح از زمین، هدف اصلی در حرفه‌ی برنامه‌ریزی است و تلاش مدیران شهری، استفاده صحیح مبتنی بر ضوابط فنی و استانداردها است. از آنجا که رشد شهری اجتناب‌ناپذیر بوده و امکان توقف توسعه فیزیکی از لحاظ رشد جمعیت و افزایش کیفیت زندگی وجود ندارد، چاره‌ای جز مدیریت و هدایت صحیح رشد شهر نیست و ضرورت برنامه‌ریزی تعامل‌گرا جهت این امر احساس می‌شود. از اوایل قرن بیستم تاکنون چهار دوره در سیاست‌های مدیریت رشد شامل دوره مقابله و کنترل رشد، دوره برنامه‌ریزی رشد، دوره رشد هوشمند و دوره رشد پایدار طی شده است (سلطانی و نجفی، ۱۳۹۵: ۱).

ویژگی دوره اول، پاسخ به نگرانی‌های محیطی و ویژگی دوره دوم، توجه به ضوابط قانونی برای جانمایی بهتر خدمات عمومی و زیرساختی است. در دوره سوم به نقش دولت‌ها و انگیزه‌ی شهروندان توجه بیشتری شده و بالاخره، در دوره چهارم، رشد اگرچه به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌شود، لیکن بایستی چالش‌های درازمدت، بهبود اقتصاد، تغییرات اقلیمی و تأمین انرژی را در نظر گرفت.

1. Hutchison



بنا بر تقسیم‌بندی «دوانی و زیبرک»^۱ (۱۹۹۸)، رشد شهری در خلال قرن گذشته، متأثر از سه الگوی «حدود شهری»، «حدود روستایی» و «توسعه بر مبنای خطوط حمل‌ونقل»^۲ بوده است. الگوی اول، برآمده از آموزه‌های «ابنزر هوارد» بوده و در پی ترسیم یک خط ممتد پیرامون شهر و انتقال رشد به شهرک‌های اقماری است. الگوی دوم، مبتنی بر انگاره‌های «بنتون مک کی» امکان رشد شهر را در برخی از مجاری برون‌شهری مجاز دانسته و توسعه‌های جدید را در قالب «واحد‌های همسایگی سنتی»^۳ سامان می‌دهد. الگوی سوم نیز ضمن تعریف گره‌های منفصل توسعه به آرایش و انتظام بخشی حوزه پیرامون شهر در قالب «سامانه گذار» می‌پردازد (پورجوهری و ماجدی، ۱۳۸۹: ۳۶). در پایه‌گذاری این الگو، «نوشهرگرایانی» همچون «پیتر کالتروپ»^۴ و «داگلاس کلبِرگ»^۵ نقش کلیدی داشته‌اند.

بولنز (۲۰۰۵) نظام شهری معاصر را متأثر از دو سرمشق غالب در زمینه هدایت رشد شهرها می‌داند. اولین سرمشق، انگاره اروپایی است که «مدیریت رشد» را از طریق «حدود رشد شهری» (اعمال محدودیت بر گسترش‌های حومه‌ای از طریق تعریف خطوط محدودکننده و یا احداث کمربندهای سبز) دنبال می‌نماید. ایده‌هایی همچون حد خدمات شهری، عرصه سیاست‌گذاری شده توسعه، حلقه‌های شهری شده و عرصه‌های رشد طراحی شده برآمده از این نگاه است (بولنز، ۲۰۰۵: ۴۷۵). سرمشق دیگر (آمریکایی) عمدتاً برآمده از انگاره‌های نوشهرگرایی و به‌طور اخص «رشد هوشمندانه» بوده که پراکندگی حومه‌ای را به‌عنوان یک واقعیت ذاتی و بنیادی شهر معاصر پذیرفته است. سرمشق آمریکایی در مواجهه با پراکندگی و تمرکززدایی شهرها و با تکیه بر راهبرد «خلق فشردگی» و توسعه‌های حمل‌ونقل محور، برای حفاظت از عرصه‌های پیرامون شهرها تلاش می‌نماید تا بدین ترتیب قدرت کشمکش دائمی میان بیرون و درون شهرها را تناسب ببخشد.

سیاست‌های مدیریت رشد مجموعه‌ای گسترده از ابزارهای سیاستی را با توجه به اهداف کندتر کردن رشد (به‌ویژه رشد جمعیت) درون قلمرویی مشخص، دستیابی به توسعه

1. Duany and Zyberk
2. TOD
3. TND
4. Peter Calthorpe
5. Douglas Kolberg
6. Bollens



اقتصادی، تضمین کیفیت زندگی و کیفیت زیست‌محیطی همراه با اهداف جنبی و یا محدود کردن پراکنده‌رویی را در بر می‌گیرد. رویکردهای مدیریت رشد می‌توانند در سطوح مختلف حوزه‌ها به کار گرفته شوند. آرتور نلسون و کیسی داوکینز دریافتند که مدیریت رشد، تکنیک‌های متعددی برای دست یافتن به رشد و توزیع زمین مطابق اصول و اهداف رشد هوشمند را شامل می‌شود (نلسون، ۲۰۰۴: ۲). همچنین، به اعتقاد بنگستون مدیریت رشد (GM) مجموعه اقدامات دولت است که تمایل دارد رشد را با کنترل مکان، کیفیت و زمان توسعه مدیریت کند (بنگستون، ۲۰۰۴: ۲۷۳). در مجموع، می‌توان بیان نمود که مدیریت رشد تلاشی برای روبه‌رو شدن با نیازهای طبیعی توسعه‌یافتگی در جامعه، منطقه یا کشور در حال توسعه است تا این نیازهای طبیعی را به نحوی برطرف سازد که دارایی‌های عمومی حفظ شود. فعل‌وانفعالات مضر به حداقل و فعل‌وانفعالات مفید به حداکثر برسد، مزایا و منافع افزایش جمعیت به‌طور عادلانه و منصفانه در جامعه توزیع و افزایش یابد، بار مالی به حداقل برسد و نهایتاً کیفیت زندگی ساکنین ارتقاء یابد (ریچاردسون و کریستین بائه، ۲۰۰۴: ۳).

رویکردهای مدیریت رشد را بر اساس طبقه‌بندی پالاگست در کتاب «مدیریت رشد در آمریکا: از مفهوم تا عمل» (۲۰۰۷) می‌توان به پنج دسته عمده تقسیم‌بندی نمود:

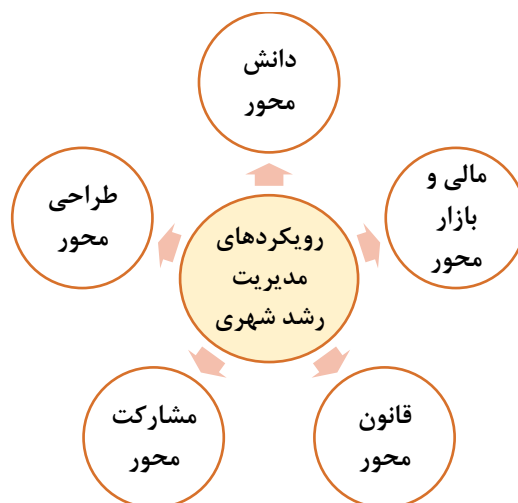
- **رویکرد قانون محور:** که در دهه ۱۹۸۰ در فرآیند مدیریت رشد شهرهای دنیا به‌ویژه در ایالات‌متحده آمریکا مطرح شد و هدف از این رویکرد اعمال مجموعه‌ای از محدودیت‌ها برای رشد و حفاظت از فضای باز به‌وسیله نظارت و کنترل‌های خاص بر توسعه و تنظیم فعالیت‌ها بوده است. عمده‌ترین این رویکردها عبارتند از: مرز رشد شهری، حلقه‌های رشد شهری، برنامه‌ریزی زیرساخت‌ها و خدمات، اختلاط کاربری‌ها و منطقه‌بندی.
- **رویکرد مالی و بازار محور:** هدف از این رویکردها بکارگیری مکانیزم‌های پولی در حمایت از اهداف توسعه و رشد شهرها می‌باشد که عبارتند از: اخذ مالیات، خرید حق توسعه^۳ و انتقال حق توسعه^۴ و فروش تراکم.

1. Bengtson
2. Richardson and Christin Bae
3. PDR
4. TDR



- **رویکرد طراحی محور:** که بر اساس جنبش نوشهرگرایی در شهرسازی آمریکایی مطرح شد که برای ساماندهی محیطزیست شهری و کیفیت زندگی اجتماعات شهر مباحثی همچون؛ شهرسازی انسان‌گرا و طراحی منظر شهری مناسب را شامل می‌شود.
- **رویکرد مشارکت محور:** رویکرد جدیدتری است و عبارت است از دخیل نمودن گروه‌های ذی‌نفع در مدیریت رشد شهرها و برقراری فرآیند دموکراسی در تصمیم‌گیری برای رشد شهرها در مقیاس‌های منطقه‌ای و محلی.
- **رویکرد دانش محور:** در عصر حاضر اقتصاد مبتنی بر دانش و خدمات محرک اصلی رشد شهری به شمار می‌رود. در همین راستا، دانشمندان تأکید فراوانی بر نقش انباشت‌ها و موسسه‌های خوشه‌ای پژوهشی، شرکت‌های فناوری محور، سرمایه انسانی، فنی و علمی و دانش محلی در تبیین رشد نوآورانه و موفقیت‌آمیز شهری و منطقه‌ای نموده‌اند (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶). شهری دانش‌محور است که با هدف توسعه دانایی از طریق تشویق به تولید مداوم دانش، سهیم شدن شهروندان در دانایی، ارزیابی و بازتولید و بروز نمودن دانش می‌پردازد. توسعه شهر دانش‌محور شکل جدیدی از توسعه در عصر دانش‌محوری است که هدف آن رونق اقتصادی، پایداری محیطی و نظم اقتصادی - اجتماعی به شهرها می‌باشد و دارای چهار هدف عمده مشتمل بر توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، شهری - محیطی و نهادی است. درواقع، شهر دانش‌محور از یک‌طرف، بر توسعه و پیشرفت فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فناوری‌های اطلاعاتی تأکید می‌نماید و از طرف دیگر، توجه خود را بر حفاظت از محیط‌های طبیعی بکر و غنی، کیفیت ساخت‌وساز، حاکمیت دموکراتیک، شفاف و مبتنی بر چشم‌انداز معین و تقویت سرمایه اجتماعی و انسانی معطوف ساخته است (ایگیت جانلار^۱ و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۴).





نمودار ۱. رویکردهای مدیریت رشد شهری

منبع: پالاگست^۱، ۲۰۰۷: ۴۹

در این بخش به توضیح زمینه نظری به منظور ارزیابی مدیریت رشد شهر کرج پرداخته شده است.

ملاحظه هر شناختی، نوعی نظریه است. شناخت بی نظریه شدنی نیست. تاکنون قسمت اعظمی از آنچه تحت عنوان دانش برنامه‌ریزی در ایران مطرح است، از غرب وام گرفته شده است. به همین سبب نیز، پژوهش حاضر مستلزم داشتن نظریه‌ای برای تکیه زدن به آن است. نظریه‌ای که اصل پژوهش بر پایه آن استوار است، نظریه «ماشین رشد شهری» می‌باشد.

نظریه ماشین رشد که توسط جان لوگان^۲ و هاروی مولوچ^۳ (۱۹۸۸) مطرح شد، بحث بر سر این که چه کسی بر سیاست شهری کنترل و از آن نفع می‌برد را ارائه می‌کند (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۳). بر اساس این رویکرد تحولات شهری بر اثر فعالیت گروه خاصی از سازندگان بخش املاک و مستغلات که پیش‌تر، مارکس آن‌ها را طبقه رانته نامید، قرار دارند. آن‌ها زمین را برای گسترش آتی، آماده و دستور کار عمومی را برای برانگیختن رشد

1. Pallagst
2. John R. Logan
3. Harvey Luskin Molotch



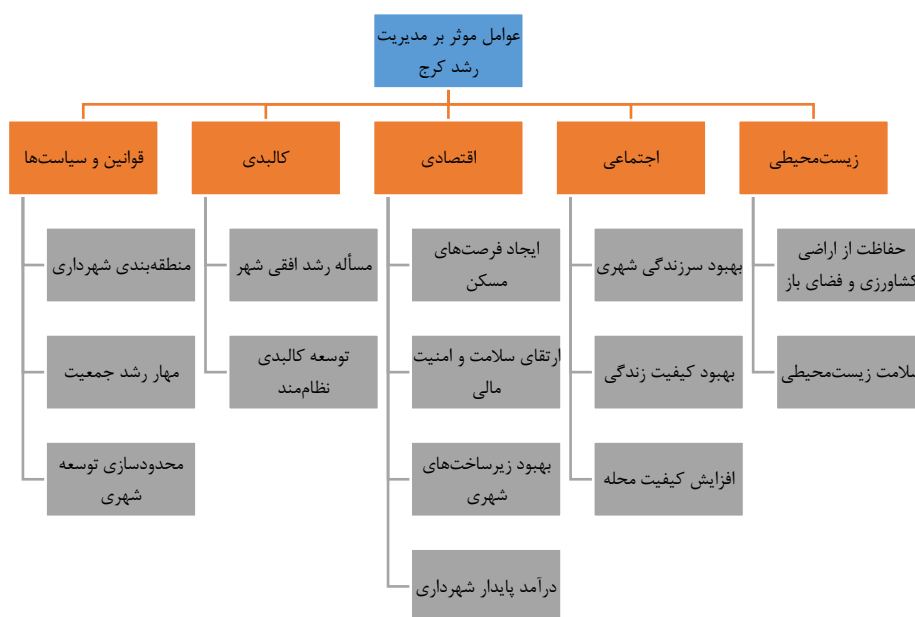
تحمیل می‌کند. از نظر مولوچ، نیاز طبقه رانتهی به‌خوبی با نیازهای دولت محلی سازگار است، چون گسترش املاک و مستغلات منبع عمده‌ای برای اخذ مالیات و درآمدهای دولت است. آن‌ها معتقدند که شهر را می‌توان همچون یک ماشین رشد در نظر گرفت که طرفداران رشد در آن شامل صاحبان املاک، سازندگان، صاحبان مشاغل، روزنامه‌ها، سرمایه‌گذاران و بانکداران هستند که این گروه تحت عنوان ائتلاف‌های رشد باهم همکاری می‌کنند تا مشوق رشد باشند. سیاست‌های رشد که توسط آن‌ها حمایت می‌شود عبارتند از: راه‌ها، فرودگاه‌ها، منابع آبی، گسترش مدارس، بیمارستان‌ها و غیره. نسخه رشد لوگان و مولوچ از سیاست‌های رشد بر درگیر شدن نخبه‌های اقتصادی تأکید دارد (روستایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹، به نقل از کلنیوسکی و توماس^۱، ۲۰۱۰: ۲۸۵).

درواقع در هسته ماشین رشد، گروه کوچکی از مالکان مستغلات یا رانت‌خواران قرار دارند؛ این‌ها افرادی هستند که در پی بیشینه‌سازی درآمدهای حاصل از اجاره مستغلات خودشان می‌باشند و این امر هم از راه شدت بخشیدن به استفاده از زمین تحقق می‌یابد. این گروه واسطه مهمی بین نخبگان شرکتی و شهروندان محلی هستند و با دیگر صاحبان منافع در شهر، شامل توسعه‌گران، تأمین‌کنندگان منابع مالی، شرکت‌های ساختمانی، صرفه‌مندان مربوط به توسعه و ساخت‌وساز (حقوق‌دانان و مهندسان) و مؤسسات عمومی و رسانه‌های عمومی ارتباط تنگاتنگی دارند. مجموعه منافع و روابط مذکور، مؤلفه‌های ماشین رشد شهری را شکل می‌دهند، بنابراین، ساخت‌وساز بیشتر به مفهوم رشد بیشتر است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۷۵-۷۳).

با در نظر گرفتن ادبیات مطرح‌شده، چنین می‌توان گفت رشد جمعیت کرج طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با چنان شتابی صورت گرفت که سهم نرخ رشد جمعیت شهر کرج در مقایسه با رشد طبیعی دیگر شهرهای ایران به بالاترین میزان رشد جمعیت شهری در ایران رسید. بر این مبنای تحولات جمعیتی شهر کرج همواره آهنگی سریع‌تر از کل کشور و استان تهران داشته است. در تمام این دوره، شهر کرج به‌واسطه هجوم مهاجرت‌های بی‌برنامه و سامان نیافته ناشی از افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر تهران چهره دیگری به خود گرفته است؛ درحالی‌که جمعیت کل کشور طی ۴۰ سال ۲/۷ برابر شده و جمعیت شهر کرج بیش از ۸/۵ برابر شده است (مهندسان مشاور سبزاندیش پایش، ۱۳۹۵: ۱۸). بر



اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه ۱۳۹۵ جمعیت شهر کرج برابر ۱,۵۹۲,۴۹۲ نفر گزارش شده که طی روندی ده‌ساله در مقایسه با سرشماری سال ۱۳۸۵ با رشدی در حدود ۱/۴ درصد روبه‌رو بوده است.



نمودار ۲. مدل تحلیلی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و به دو روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و پیمایشی (میدانی) اطلاعات موردنیاز خود را جمع‌آوری می‌کند. در روش کتابخانه‌ای اطلاعات موردنیاز از طریق مقاله‌ها و گزارش‌های مرتبط با موضوع جمع‌آوری شده است. این داده‌ها برای شناخت مسئله در سطح جهانی و ملی، تکمیل مبانی نظری تحقیق و استخراج متغیرها مورد استفاده قرار گرفته است. در روش پیمایشی، جمع‌آوری داده‌های اولیه با توجه به سؤالات پژوهش از طریق طراحی پرسشنامه انجام شده است. متغیرهای اصلی پژوهش شامل ۱۴ شاخص اصلی (مسأله رشد افقی شهر، منطقه‌بندی شهرداری، ایجاد فرصت‌های



مسکن، مهار رشد جمعیت، بهبود سرزندگی شهری، توسعه کالبدی نظام‌مند بهبود کیفیت زندگی، محدودسازی توسعه شهری، ارتقای سلامت و امنیت مالی، افزایش کیفیت محله، بهبود زیرساخت‌های شهری، درآمد پایدار شهرداری، حفاظت از اراضی کشاورزی و فضای باز و سلامت زیست‌محیطی) می‌باشند که برای تحلیل وضعیت آن در ۱۲ منطقه کرج مورد پرسش قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل عاملی با نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. روش نمونه‌گیری استفاده شده در مقاله حاضر، گلوله برفی و حجم نمونه مصاحبه براساس دیدگاه صاحب‌نظران تکنیک دلفی و قانون اشباع نظری برابر با ۱۵ نفر از مدیران، معاونان و کارکنان ستاد مرکزی شهرداری کرج بود.

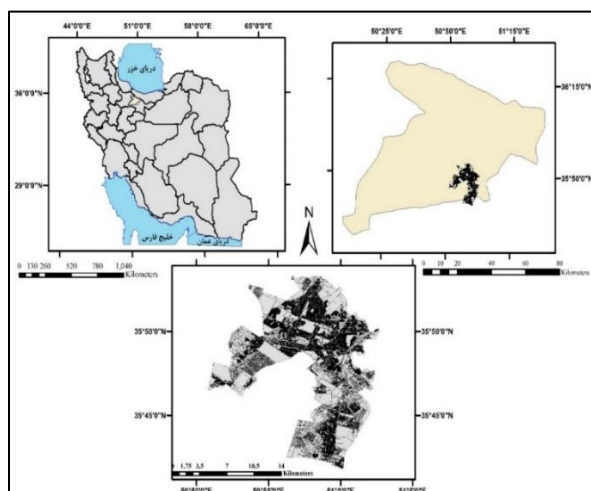
محدوده مورد مطالعه

وضع موجود شهر کرج، محدوده‌ای به مساحت بیش از ۱۷۵۰۰ هکتار را در برمی‌گیرد (مهندسی مشاور سبزاندیش پایش، ۱۳۹۴). این محدوده، افزون بر سطوح واقع در محدوده قانونی شهر (مساحت آن حدود ۱۵۹۰۰ هکتار است)، بخش‌های ساخته‌شده و توسعه‌یافته چسبیده به خط محدوده قانونی بیرون از آن را نیز شامل می‌گردد. مهم‌ترین این‌گونه بخش‌ها، سطوح مربوط به توسعه حاشیه‌ای حصار بالا در لبه شرقی جاده چالوس و بخش حاشیه‌ای واقع در غرب منطقه مهرشهر، حدفاصل خط محدوده قانونی و جاده قزل حصار است. شهر کرج در ۳۵ کیلومتری غرب تهران و در دامنه جنوبی رشته‌کوه‌های البرز واقع است. این شهر از شمال به استان مازندران و از جنوب به شهرستان شهریار و استان مرکزی، از غرب به شهرستان ساوجبلاغ و قزوین و از شرق به تهران و شمیرانات محدود است (شکل ۱).

بر اساس تقسیمات سیاسی - اداری، در سال ۱۳۸۹، استان البرز با تصویب مجلس شورای اسلامی به‌طور رسمی شکل گرفت و شهر کرج به‌عنوان مرکز استان شناخته شد. این تغییرات سیاسی - اداری در سطح منطقه بر اهمیت کرج به‌عنوان مرکز استان افزوده و موجبات جذب اعتبارات ملی و افزایش فرصت‌های شغلی در شهر را فراهم آورد. البته در این مقطع زمانی محدوده شهر تغییر نداشته و فقط بر حجم جمعیتی آن افزوده شده است.



رشد جمعیت ۱/۰۴ درصدی و افزایش آن از ۱۳۸۶۰۳۰ به ۱۵۹۲۴۹۲ نفر در فاصله ۹۵-۱۳۸۵ اولین نمودهای وقوع تغییرات سیاسی-اداری در شهر کرج محسوب می‌شود.

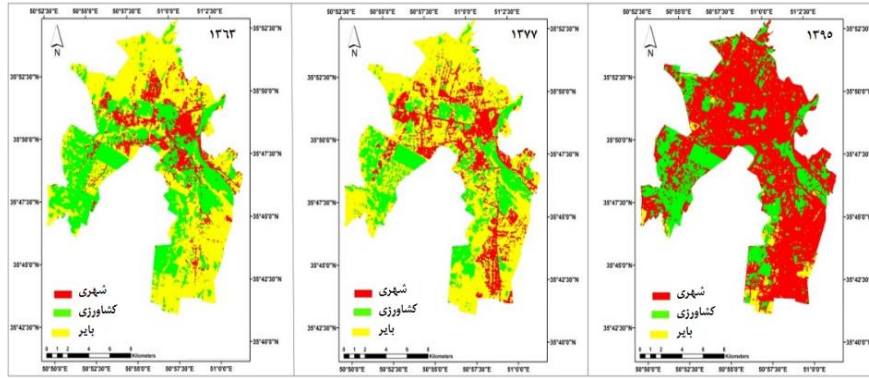


شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر کرج

منبع: ترسیم نگارنده

رشد بسیار بالای جمعیتی شهر کرج با گسترش فیزیکی و توسعه شهرک‌های اقماری و محلات حاشیه‌ای جدید همراه بوده به طوری که بررسی نقشه‌های توپوگرافی و تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد مساحت بافت شهری کرج از حدود ۴۰ کیلومترمربع در سال ۱۳۵۵ به بیش از ۱۵۰ کیلومترمربع در سال ۱۳۹۵ بالغ شده است، بخش قابل توجهی از این نواحی توسعه‌یافته شهر بروی زمین‌های کشاورزی حاشیه‌ای، حاشیه رودخانه کرج و شیب‌های تند دامنه‌ای در شمال و شرق شهر صورت گرفته است (شکل ۲).

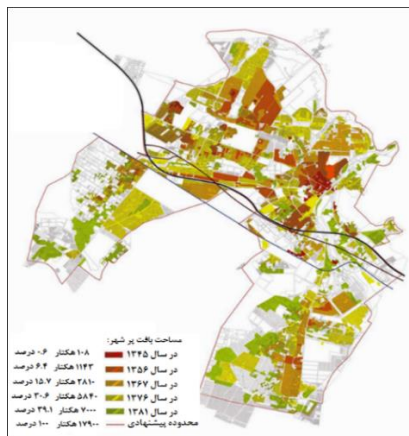




شکل ۲. رشد شهری کرج در طول سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۹۵

منبع: ترسیم نگارنده

همچنین، نقشه دور بندی گسترش تاریخی شهر کرج در فاصله زمانی ۱۳۴۵-۱۳۸۵ نشان می‌دهد مساحت بافت شهری، در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵، حدود ۱۰/۵ برابر؛ در دهه ۶۵-۱۳۵۶، ۲/۴ برابر؛ در دهه ۷۵-۱۳۶۶، نزدیک به ۲ برابر و بین سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ نیز حدود ۱/۰۴ برابر به مساحت شهر افزوده شده است (مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۷: ۱۶). به عبارت دیگر، در دوره ۶۰ ساله (۹۵-۱۳۳۵)، مساحت شهر کرج بیش از ۸۷ برابر شده است (شکل ۳).



شکل ۳. مراحل توسعه فیزیکی شهر کرج

منبع: مهندسین مشاور باوند، ۱۳۸۷

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت پس از تحلیل تحولات جمعیتی شهر کرج، به بررسی و واکاوی ابعاد مدیریت رشد شهری پرداخته می‌شود. روش موردبررسی، تحلیل عاملی بوده است که در آن به دسته‌بندی مهم‌ترین عوامل در مدیریت رشد شهری در محدوده مورد مطالعه پرداخته شده است.

تحولات جمعیتی شهر کرج

تا قبل از سال ۱۳۳۵، کرج مانند اغلب شهرهای ایران، روستاشهری با عملکرد کشاورزی یا جمعیتی نه‌چندان متفاوت با روستاهای اطراف بوده است. جمعیت این شهر بر طبق اولین سرشماری در سال ۱۳۳۵ بالغ بر ۱۴۵۲۶ نفر و مساحت آن به هنگام تأسیس - شهرداری در سال ۱۳۳۳، ۲ کیلومترمربع اعلام شده است (شعبانی، ۱۳۹۲: ۹۶). رشد جمعیت کرج طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با چنان شتابی صورت گرفت که سهم نرخ رشد جمعیت شهر کرج نسبت به رشد طبیعی دیگر شهرهای ایران به بالاترین میزان رشد جمعیت شهری در ایران رسید. بر این مبنا تحولات جمعیتی شهر کرج همواره آهنگی سریع‌تر از کل کشور و استان تهران داشته است. در فاصله چهل سال سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ جمعیت کشور ۷/۲ برابر شده است که عمدتاً حاصل کاهش مرگ‌ومیر و بهبود وضعیت بهداشت عمومی جامعه و به‌ویژه کنترل نسبی مرگ‌ومیر نوزادان و مادران بوده است که با تداوم باروری بالا طی چند دهه پس از کاهش مرگ‌ومیر، نرخ‌های رشد بی سابقه‌ای را در کشور رقم زده است. اما در تمام این دوره شهر کرج به‌واسطه هجوم مهاجرت‌های بی‌برنامه و سامان نیافته ناشی از افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر تهران چهره دیگری به خود گرفته است و درحالی‌که جمعیت کل کشور طی ۴۰ سال ۷/۲ برابر شده است، جمعیت شهر کرج بیش از ۸/۵ برابر شده است. البته باید توجه داشت در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، نرخ رشد جمعیت در این شهر همچون دیگر شهرهای ایران با کاهش تقریباً چشمگیری نسبت به دهه‌های گذشته روبرو بوده چنان که کنترل قوی‌تر باروری و تغییر در رفتارهای ازدواج، تشکیل خانواده و بچه‌دار شدن، از یک‌سو، و اشباع توان‌های محیطی منطقه، از سوی دیگر، از شتاب این افزایش کاست، و موجب شد که رشد سالانه در این دهه (۸۵-۱۳۷۵) برابر ۹/۳ رقم خورد (مهندسین مشاور



سبزاندیش پایش، ۱۳۹۴: ۱۸). بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه ۱۳۹۵ جمعیت شهر کرج برابر ۱۵۹۲۴۹۲ نفر گزارش شده که در طی روندی دهساله نسبت به سرشماری سال ۱۳۸۵ با رشدی در حدود ۱/۴ درصد روبرو بوده است. جدول ۱ تحولات جمعیتی و کالبدی شهر کرج را نشان می‌دهد.

جدول ۱. روند تحولات جمعیتی و کالبدی کلان‌شهر کرج

سال	جمعیت (نفر)	نرخ رشد جمعیت نسبت به دهه قبل	مساحت (هکتار)	نرخ رشد مساحت نسبت به دهه قبل	تراکم (نفر در هکتار)
۱۳۳۵	۱۴۵۲۶	-	۲۰۰	-	۷۲/۶۳
۱۳۴۵	۴۴۲۴۳	۱۳/۶۹	۱۰۰۰	۵	۴۴/۲۴
۱۳۵۵	۱۳۷۹۲۶	۱۳/۳۷	۳۰۰۰	۳	۴۵/۹۷
۱۳۶۵	۶۱۱۵۱۰	۹/۴۶	۶۰۰۰	۲	۱۰۱/۹۱۸
۱۳۷۵	۹۴۰۹۶۸	۷/۵۶	۱۰۰۰۰	۱/۶۶	۹۴/۰۹
۱۳۸۵	۱۳۸۶۰۳۰	۳/۹۵	۱۶۸۰۰	۱/۶۸	۸۲/۵۰
۱۳۹۵	۱۵۹۲۴۹۲	۱/۴۰	۱۷۵۳۹	۱/۰۴	۹۰,۷۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۳۵

عوامل مهمی در تحولات جمعیتی شهر کرج از سال ۱۳۳۵ تاکنون نقش داشته است:

۱. احداث سد بر روی رودخانه کرج جهت تأمین آب شرب تهران و کرج و آبیاری بخشی از اراضی زراعی کرج و تأمین و تولید انرژی برق.
۲. توسعه راه‌های ارتباطی منطقه.
۳. وقوع انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی.
۴. توسعه شتابان شهر تهران، به دنبال مهاجرت‌های گسترده و بروز مشکلاتی مانند کمبود مسکن در آن، مهاجرین مسیر هدفشان به جای تهران، شهر کرج انتخاب شده است.
۵. توسعه شهرک‌سازی در اطراف کرج، به دنبال مکان‌گزینی مراکز صنعتی در محور تهران - کرج.



تحلیل شاخص‌های مؤثر بر فرآیند مدیریت رشد و گسترش شهری کرج جهت ارزیابی شاخص‌های مؤثر بر مدیریت رشد شهر کرج از تحلیل عاملی بهره گرفته شده است. قبل از اجرای دستور تحلیل عاملی، مناسب بودن مجموعه داده‌ها برای این تحلیل از طریق آزمون BTS_1 و KMO_2 و مورد ارزیابی قرار گرفت. مقدار KMO به دست آمده برابر $0/782$ است که رضایت‌بخش بودن شاخص‌های انتخابی جهت استفاده از تکنیک تحلیل عاملی را نشان می‌دهد (جدول ۲).

جدول ۲. درجه اعتبار و سطح معنی‌داری با استفاده از KMO and Bartlett's Test

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	0/782	
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	2075/235
	df	120
	Sig.	0/000

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون کرویت بارتلت فرض مرتبط بودن داده‌ها را آزمون می‌کند که مقدار بارتلت نیز برابر با $2075/235$ به دست آمد که در سطح 1% معنی‌دار بود. بنابراین در کل، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بودند. متغیرهای پژوهش و چگونگی همبستگی متغیرها با یکدیگر به ترتیب اشتراک اولیه ۳ و اشتراک استخراجی ۴ را نشان می‌دهد. اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چندگانه برای متغیرهای مربوطه با استفاده از عامل‌ها (به‌عنوان پیش‌بینی کننده) است. به دلیل این‌که ستون اشتراک اولیه، اشتراک‌ها را قبل از استخراج عامل (یا عامل‌ها) بیان می‌کند، تمامی اشتراک‌های اولیه برابر ۱ است. هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگ‌تر باشد، عامل‌های استخراج‌شده، متغیرها را بهتر نمایش می‌دهند. همان‌گونه که در جدول ۳ مشخص شده اشتراک استخراجی تمام متغیرها بالاتر از $0/5$ است.

1. Bartlett Test of Sphericity
2. Kaiser-Mayer-Olkin
3. Initial
4. Extraction



جدول ۳. همبستگی بین متغیرها

Communalities	اشتراک اولیه	اشتراک استخراجی
مسأله رشد افقی شهر	۱/۰۰۰	۰/۹۰۵
منطقه‌بندی شهرداری	۱/۰۰۰	۰/۷۳۰
ایجاد فرصت‌های مسکن	۱/۰۰۰	۰/۷۷۸
مهار رشد جمعیت	۱/۰۰۰	۰/۸۹۵
بهبود سرزندگی شهری	۱/۰۰۰	۰/۸۶۷
توسعه کالبدی نظام‌مند	۱/۰۰۰	۰/۶۲۱
بهبود کیفیت زندگی	۱/۰۰۰	۰/۹۳۲
محدودسازی توسعه شهری	۱/۰۰۰	۰/۸۹۹
ارتقای سلامت و امنیت مالی	۱/۰۰۰	۰/۶۷۳
افزایش کیفیت محله	۱/۰۰۰	۰/۹۴۳
بهبود زیرساخت‌های شهری	۱/۰۰۰	۰/۸۲۷
درآمد پایدار شهرداری	۱/۰۰۰	۰/۸۲۰
حفاظت از اراضی کشاورزی و فضای باز	۱/۰۰۰	۰/۹۲۴
سلامت زیست‌محیطی	۱/۰۰۰	۰/۹۵۱
Extraction Method: Principal Component Analysis.		

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله بعدی در تحلیل عاملی، تعیین مقادیر ویژه ۱ است که عبارتند از: الف) مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش ۲ و ب) مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش ۳. عمل استخراج عامل‌ها با استفاده از محتویات ماتریس همبستگی بین شاخص‌ها به دست می‌آید. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک ۴ هر یک از شاخص‌ها به دست می‌آید. جهت مشخص کردن معنی‌دار بودن عوامل انتخاب‌شده در این روش، از معیار مقدار ویژه استفاده می‌گردد. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی تنها عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از



1. Initial Eigenvalues
2. Extraction Sums of Squared Loadings
3. Rotation Sums of Squared Loadings
4. Common Factor

یک باشد به‌عنوان عامل‌های معنی‌دار در نظر گرفته‌شده و کلیه عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها کمتر از یک است از تحلیل کنار گذاشته می‌شوند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۳۰۴).

جدول ۴. مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش

Component	Extraction Sums of Squared Loadings		
	کل	از واریانس %	تجمعی %
۱	۳/۲۷	۲۳/۳۵۷	۲۳/۳۵۷
۲	۲/۸۹	۲۰/۶۴۴	۴۴/۰۰۲
۳	۲/۱۵	۱۵/۳۵۸	۵۹/۳۶
۴	۱/۹۸۸	۱۴/۱۹۸	۷۳/۵۵۸
۵	۱/۴۶۶	۱۰/۴۷۱	۸۴/۰۲۹

Extraction Method: Principal Component Analysis.

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش

Component t	Rotation Sums of Squared Loadings		
	کل	% از واریانس	% تجمعی
۱	۲/۵۴۸	۱۸/۲۰۱	۱۸/۲۰۱
۲	۲/۴۱۵	۱۷/۲۵۰	۳۵/۴۵۲
۳	۲/۴۰۷	۱۷/۱۹۳	۵۲/۶۴۵
۴	۲/۳۹۸	۱۷/۱۲۵	۶۹/۷۷۰
۵	۱/۹۹۶	۱۴/۲۵۹	۸۴/۰۲۹

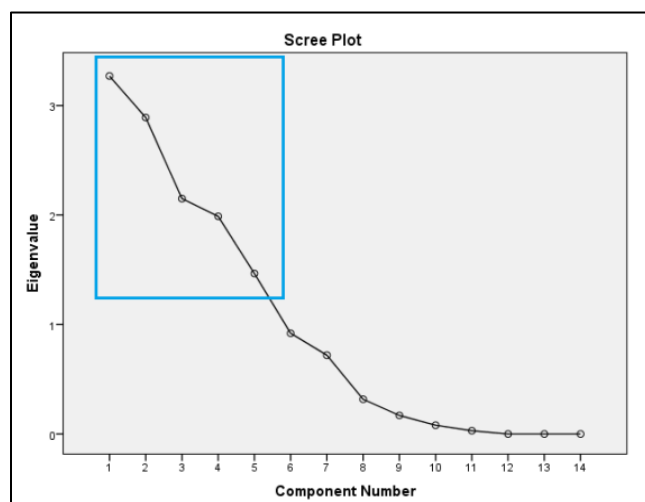
Extraction Method: Principal Component Analysis.

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۵، تعداد پنج عامل دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک هستند و در تحلیل باقی می‌مانند. این عوامل می‌توانند تقریباً ۸۴/۰۲ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را توضیح دهند. همان‌طور که گفته شد، همه این پنج عامل از مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک برخوردارند، ولی اهمیت همه آن‌ها برابر و به یک اندازه نیست. به‌طور مثال اهمیت و نقش عامل اول بیش از دو برابر عامل پنجم است.



در این تحلیل، مهم‌ترین عامل، عامل شماره ۱ می‌باشد که این عامل به تنهایی ۱۸/۲۰۱ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهد. عوامل دوم تا پنجم به ترتیب مقادیر ۱۷/۲۵۰، ۱۷/۱۹۳، ۱۷/۱۲۵ و ۱۴/۲۵۹ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهند. به دلیل اینکه مقدار ویژه مؤلفه‌های بعدی کمتر از ۱ است معنی‌دار نبوده و قابل استفاده در تحلیل‌های بعدی نمی‌باشند. نمایش مقدار ویژه این پنج عامل اصلی و دیگر عامل‌های باقیمانده را در نمودار ۲ می‌توان مشاهده کرد.



نمودار ۲. نمایش گرافیکی ارزش ویژه هر یک از عامل‌های استخراج شده
منبع: یافته‌های پژوهش

چرخش عاملی

یکی از مفاهیم مهم در روش تحلیل عاملی، چرخش عامل‌هاست. در بسیاری از موارد، عامل‌های اولیه چرخش نیافته مناسب نیستند. در این موارد چرخش عامل‌ها می‌تواند از ورود برخی از متغیرها در چندین عامل مختلف جلوگیری نموده، ساختار عاملی مناسب و قابل تفسیرتری ارائه دهد. بنابراین، دلیل اصلی چرخش عامل‌ها دستیابی به ماتریس عاملی ساده و از نظر تئوری معنی‌دار و قابل تفسیرتر است (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). عامل‌ها در



تحلیل عاملی از روی یک مجموعه متغیر به دست می‌آید که هدف از استخراج آن‌ها نیز بیشینه نمودن مقدار واریانسی است که از مجموعه اولیه تبیین می‌کنند. شایان ذکر است، در این مطالعه (در پژوهش‌هایی که از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود) برای حداکثر ساختن روابط بین متغیرها و برخی عامل‌ها، عامل‌ها را حول محور خود دوران می‌دهند. دوران عامل‌ها (کلاین ۱، ۱۳۸۱: ۶۹) به دو روش ۱- دوران متعامد (مستقل) و ۲- دوران متمایل انجام می‌گیرد. در مرحله دوران ضمن انجام یک چرخش ۲ در محور ماتریس از مناسب‌ترین روش چرخش؛ یعنی واریمکس ۳ استفاده شده است. این روش، یک روش حرکت وضعی است؛ به گونه‌ای که استقلال در میان عامل‌های ریاضی را حفظ می‌نماید. همچنین، این روش جمع واریانس عناصر در ماتریس بارهای عاملی را ماکزیمم می‌کند که به همین دلیل به آن نام واریماکس داده شده است (فرشادفر، ۱۳۸۴: ۱۱۳). حاصل عمل چرخش، ماتریسی از عوامل دوران یافته است که در آن برای هر عامل، وزن متغیرهای مختلف مشخص بوده و بر اساس آن هر عامل به متغیرهای خاص مرتبط می‌شود. بعد از دوران عامل‌ها، درصد واریانسی که توسط هر عامل تعیین می‌گردد تغییر می‌کند، اما درصد تجمعی کل واریانس ثابت می‌ماند. جدول ۶ مقادیر عامل‌های استخراجی برای هریک از متغیرها را بعد از عمل دوران نشان می‌دهد.

در ماتریس عاملی جدول ۶ هر ستون معرف یک عامل است. مقادیر موجود در هر ستون نشان‌دهنده بارهای عاملی هر متغیر بر یک عامل می‌باشد. همچنین، متغیرهای موردبررسی در ستون اول از بالا به پایین لیست شده‌اند. برای تفسیر این جدول، باید از اولین متغیر شروع و مقادیر مربوط به آن را در عامل‌های مختلف موردبررسی قرار داد و هر جا که بیشترین مقدار قدر مطلق بار عاملی وجود داشته و از نظر آماری نیز معنی‌دار باشد، مشخص می‌شود که آن متغیر بر آن عامل بار شده است. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود متغیرهایی موردتحقیق و عامل‌های بارشده توسط هر یک از متغیرها نشان داده شده است (متغیرهایی که با کشیدن خط بر زیر آن‌ها مشخص گردیده‌اند).

1. Kline
۲. Rotation
3. Varimax



جدول ۶. بارگذاری عامل‌های استخراجی از شاخص‌ها (ماتریس عوامل دوران یافته)

	Component				
	۱	۲	۳	۴	۵
مسأله رشد افقی شهر	۰/۰۸۳	۰/۸۷۰	-۰/۳۶۶	-۰/۰۸۶	۰/۰۱۴
منطقه‌بندی شهرداری	۰/۶۹۸	-۰/۲۲۱	۰/۱۰۳	۰/۴۲۵	-۰/۰۳۹
ایجاد فرصت‌های مسکن	۰/۳۲۹	۰/۵۰۱	۰/۵۵۲	-۰/۱۲۴	-۰/۳۱۴
مهار رشد جمعیت	۰/۹۳۱	۰/۱۵۹	-۰/۰۴۵	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۹
بهبود سرزندگی شهری	۰/۱۳۹	-۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	۰/۹۲۰	۰/۰۱۴
توسعه کالبدی نظام‌مند	۰/۰۳۴	۰/۷۶۶	۰/۰۴۰	۰/۱۷۵	۰/۰۲۰
بهبود کیفیت زندگی	۰/۰۲۱	۰/۵۶۹	۰/۴۰۴	۰/۵۷۷	۰/۳۳۳
محدودسازی توسعه شهری	-۰/۹۴۲	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۴	-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۵
ارتقای سلامت و امنیت مالی	۰/۲۶۹	۰/۱۵۱	-۰/۵۲۷	-۰/۴۰۴	۰/۳۷۰
افزایش کیفیت محله	-۰/۰۳۳	-۰/۲۱۰	۰/۴۳۰	-۰/۸۳۰	۰/۱۵۳
بهبود زیرساخت‌های شهری	۰/۱۴۴	۰/۳۱۷	-۰/۷۵۴	۰/۳۵۵	-۰/۱۰۴
درآمد پایدار شهرداری	۰/۱۱۰	۰/۰۴۷	۰/۸۳۸	۰/۰۱۷	-۰/۳۲۰
حفاظت از اراضی کشاورزی و فضای باز	۰/۱۵۹	-۰/۲۸۳	-۰/۲۱۲	-۰/۰۱۵	۰/۸۷۹
سلامت زیست‌محیطی	-۰/۱۹۸	۰/۴۰۱	-۰/۱۰۷	-۰/۰۵۰	۰/۸۵۹

روش استخراج: تجزیه به مؤلفه‌های اصلی با استفاده از روش چرخش وریمکس

منبع: یافته‌های پژوهش

نام‌گذاری عامل‌ها

در مرحله بعد، ماتریس عاملی دوران یافته با توجه به انجام تحلیل عاملی روی شاخص‌های موردبررسی، در پنج عامل نام‌گذاری شده است که این پنج عامل اصلی در جدول ۷ نشان داده شده است.

عامل اول: همان‌طور که در جدول ۷ نشان داده شده است، مقدار ویژه این عامل ۲/۵۴۸ می‌باشد که به‌تنهایی ۱۸/۲۰۱ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد و بیشترین تأثیر را در بین پنج عامل مؤثر دارد. این عامل با متغیرهای منطقه‌بندی شهرداری، مهار رشد جمعیت و محدودسازی توسعه شهری دارای همبستگی مثبت و بالایی است. از این‌رو، این عامل را می‌توان، عامل "قوانین و سیاست‌ها" نامید.



جدول ۷. عامل‌ها و متغیرهای مرتبط با مدیریت رشد شهری در کرج

عامل ۱	قوانین و سیاست‌ها	- منطقه‌بندی شهرداری - مهار رشد جمعیت - محدودسازی توسعه شهری
عامل ۲	کالبدی	- مسأله رشد افقی شهر - توسعه کالبدی نظام‌مند
عامل ۳	اقتصادی	- ایجاد فرصت‌های مسکن - ارتقای سلامت و امنیت مالی - بهبود زیرساخت‌های شهری - درآمد پایدار شهرداری
عامل ۴	اجتماعی	- بهبود سرزندگی شهری - بهبود کیفیت زندگی - افزایش کیفیت محله
عامل ۵	زیست‌محیطی	- حفاظت از اراضی کشاورزی و فضای باز - سلامت زیست‌محیطی

منبع: یافته‌های پژوهش

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل ۲/۴۱۵ می‌باشد که ۱۷/۲۵ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. متغیرهایی که در این عامل بارگذاری شده‌اند، عبارتند از: مسأله رشد افقی شهر و توسعه کالبدی نظام‌مند. از این رو این عامل را می‌توان عامل "کالبدی" نام‌گذاری نمود.

عامل سوم: مقدار ویژه این عامل ۲/۴۰۷ می‌باشد که ۱۷/۱۹۳ درصد از واریانس را در بر می‌گیرد. این عامل با ۴ شاخص ایجاد فرصت‌های مسکن، ارتقای سلامت و امنیت مالی، بهبود زیرساخت‌های شهری و درآمد پایدار شهرداری دارای همبستگی می‌باشد و با توجه به شاخص‌های ذکر شده این عامل را می‌توان عامل "اقتصادی" نام‌گذاری نمود.

عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل ۲/۳۹۸ می‌باشد که ۱۷/۱۲۵ درصد از واریانس را در بر می‌گیرد. شاخص‌هایی که در عامل چهارم بارگذاری شده‌اند، عبارتند از: بهبود سرزندگی شهری، بهبود کیفیت زندگی و افزایش کیفیت محله که با توجه به ماهیت این شاخص‌ها می‌توان این عامل را عامل "اجتماعی" نام‌گذاری نمود.



عامل پنجم: مقدار ویژه این عامل ۱/۹۹۶ می‌باشد که ۱۴/۲۵۹ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. این عامل با حفاظت از اراضی کشاورزی و فضای باز و سلامت زیست‌محیطی دارای همبستگی می‌باشد و بر این اساس این عامل را می‌توان عامل "زیست‌محیطی" نام‌گذاری نمود.

با توجه به اینکه قوانین و سیاست‌ها، تأثیرگذارترین عامل در مدیریت رشد و توسعه شهری در کلان‌شهر کرج می‌باشد به برخی از مهم‌ترین این قوانین اشاره می‌شود (جدول ۸).

جدول ۸. قوانین مهم و تأثیرگذار در مورد محدوده و حریم شهر کرج

قوانین و مصوبات	سال تصویب	موضوعات اصلی / مواد مرتبط
قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری	۱۳۶۲	تعیین محدوده‌های جغرافیایی، اداری و سیاسی
قانون شهرداری	۱۳۴۴ تاکنون	<ul style="list-style-type: none"> - تعیین حدود و حریم و تهیه نقشه جامع شهرسازی - تهیه مقرراتی مخصوص حریم شهر با توجه به نقشه عمرانی شهر - کمیسیون رسیدگی به ساخت‌وسازهای غیرمجاز در حریم شامل نمایندگان وزارت کشور، قوه قضاییه و وزارت مسکن و شهرسازی در استانداری - حریم شهر، محدوده‌های است که احتمالاً شهر در آینده تا آن حد گسترش می‌یابد
قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران	۱۳۷۵	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری با شهرداری جهت تصویب طرح حدود شهر - نظارت بر بهداشت حوزه شهر - هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای شورا در سطح حریم پیش‌بینی نشده است
تصویب‌نامه راجع به تعاریف محدوده قانونی و حوزه استحفاظی شهرها	۱۳۶۷	<ul style="list-style-type: none"> - حریم استحفاظی عبارت است از حریم مصوب شهرها که بزرگ‌تر و دربرگیرنده محدوده قانونی بوده و در اجرای ماده ۹۹ قانون شهرداری تعیین می‌شود
ضوابط و مقررات تفکیک باغات و مزارع در محدوده شهری	۱۳۶۲	مالکان اراضی واقع در محدوده شهر و حریم آن باید قبل از هر اقدام عملی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان، از شهرداری پروانه کسب نمایند

قوانین و مصوبات	سال تصویب	موضوعات اصلی / مواد مرتبط
قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها	۱۳۸۴	<ul style="list-style-type: none"> - حریم شهر: قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر است که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید - هرگونه استفاده برای احداث ساختمان و تأسیسات در داخل حریم شهر تنها در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب طرح‌های جامع و هادی امکان‌پذیر خواهد بود - حفاظت از حریم به‌استثنای شهرک‌های صنعتی به عهده شهرداری مربوطه است - روستاهایی که در حریم شهرها واقع می‌شوند در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، شهر مستقل شناخته‌نشده و به‌صورت منفصل به‌عنوان یک ناحیه یا منطقه از شهر اصلی تلقی و اداره خواهند شد - در هر محدوده یا حریمی که شهرداری عوارض ساختمانی و غیره را دریافت می‌نماید موظف به ارائه کلیه خدمات شهری است - حریم شهر در طرح جامع شهر تعیین و تصویب می‌گردد
ضوابط و حدنصاب‌های تفکیک، افراز و تقسیم اراضی زراعی و باغ‌های واقع در خارج از محدوده قانونی و شهرها	۱۳۸۶	<ul style="list-style-type: none"> - حداقل مجاز برای تفکیک اعم از تجزیه و افراز اراضی آبی (۱۰ هکتار) حداقل مجاز برای تفکیک باغات: - حداقل مجاز برای تفکیک باغات آبی (۵ هکتار) - حداقل مجاز برای تفکیک باغات دیم (۱۵ هکتار) - حداقل مجاز برای تفکیک اراضی دیم اعم از تجزیه و افراز (۳۰ هکتار)
تبصره الحاقی به آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها	۱۳۸۷	<ul style="list-style-type: none"> - دیوارکشی باغات در منطقه عرفاً معمول بوده و در مناطقی که به‌طور عرفی دیوارکشی برای باغات مرسوم نیست، از صدور مجوز دیوارکشی خودداری شود - صدور مجوز دیوارکشی اطراف باغات به ارتفاع ۸۰ سانتیمتر با استفاده از هر نوع مصالح ساختمانی و ارتفاع بیش از آن به‌صورت فنی یا نرده خواهد بود

منبع: یافته‌های پژوهش



نتیجه‌گیری و بحث

تحولات شتابان شهرنشینی در ایران موجب بروز مشکلاتی در ابعاد گوناگونی گردیده است و عدم توان پاسخگویی محیط‌های شهری به مسائل ایجادشده، موجب گردید تا حریم شهرها در معرض رشد ناموزون شهرها و هجوم کاربری‌های شهری قرار گیرند. کلان‌شهر کرج در رابطه با مسائل مذکور در نواحی پیرامونی (محدوده حریم) با چالش‌های متعددی روبروست که سبب شده است نوعی ناپایداری در ابعاد مختلف زیست‌محیطی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی- امنیتی، اقتصادی، کالبدی و فضایی و... در این محدوده حاکم گردد که محدوده حریم کرج را به مسئله‌ای محلی و ملی بدل می‌سازد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به توسعه کالبدی شهر کرج، عوامل مختلفی در نحوه مدیریت رشد و توسعه دخیل می‌باشند؛ به طوری که عامل قوانین و سیاست‌ها از قبیل؛ منطقه‌بندی شهری در مدیریت رشد شهر، مهم‌ترین نقش را داشته است. از بررسی سیاست‌ها و قوانین زمین شهری، به این نکته مهم می‌توان پی برد که به‌کارگیری هر نوع سیاست و قانونی، در هر برهه زمانی، دارای آثار و نتایج ملموس و مشخصی بوده که روند رشد و گسترش شهرها را شکل بخشیده است. اتخاذ و اعمال سیاست‌های گوناگون زمین شهری در ایران، بر نحوه رشد و گسترش شهرهای ایران علی‌الخصوص شهر کرج بسیار مؤثر و از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که عامل قوانین و سیاست‌ها با مقدار ویژه $2/548$ و بیشترین تأثیر، عامل کالبدی با مقدار ویژه $2/415$ ، عامل اقتصادی با مقدار ویژه $2/407$ ، عامل اجتماعی با مقدار ویژه $2/398$ و عامل زیست‌محیطی با مقدار ویژه $1/996$ ، مهم‌ترین عامل در مدیریت رشد شهری در کرج می‌باشند. پژوهش حاضر با یافته‌های رفیعیان و همکاران (۱۳۸۸)، اسمعیل پور و همکاران (۱۳۹۲)، رهنما و همکاران (۱۳۹۴) همسو می‌باشد. نتایج این پژوهش می‌تواند در جلوگیری از تکرار وضعیت نامطلوب گذشته و اتخاذ تصمیمات مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این منظر ضرورت برنامه‌ریزی برای مدیریت رشد کرج مطرح می‌گردد. درواقع، اهمیت علمی پژوهش حاضر در آن است که به‌عنوان گامی در تقویت مبانی رویکرد مدیریت رشد شهری می‌تواند از طریق آزمودن و محلی کردن تئوری‌ها، تجارب و گرایش‌های عمومی مدیریت رشد شهری در سطح جهان زمینه‌های لازم برای پیشرفت و گسترش مدیریت رشد شهری نوین در ایران را فراهم نماید. از سوی دیگر،



به لحاظ اهمیت علمی نیز این پژوهش با تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات انجام‌شده در ارتباط با مدیریت رشد شهر کرج می‌تواند زمینه‌ها را جهت کاربست هرچه بیشتر سیاست‌های مثبت و کاهش به‌کارگیری اقدامات نامناسب و رفع اثرات نامطلوب آن‌ها فراهم سازد و به‌عنوان الگویی از سیاست‌ها و اقدامات مدیریت رشد شهرها در ایران مطرح شود. همچنین، می‌تواند به فراهم کردن شرایط لازم برای بهبود کیفیت زندگی شهری به‌واسطه برقراری یک فرآیند اصولی کمک نماید، از این‌رو، در راستای جلوگیری از گسترش پراکنده‌رویی و تقویت مدیریت رشد شهری در کرج پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:

- جلوگیری از گسترش بافت شهری در پهنه طبیعی پیرامون شهر و محدود ساختن افزایش نسبی جمعیت شهر به توسعه درون‌بافتی و بهره‌برداری بهینه از تراکم جمعیتی و ساختمانی در پهنه بافت شهری موجود
- کاهش سرانه مسکونی و در عوض افزایش سرانه خدماتی با توجه به گرایش عمده موجود در شهر کرج به سمت گسترش بافت مسکونی چند خانواری و نیاز ضروری این گرایش به تأمین خدمات
- استفاده از سیاست‌های انبوه‌سازی: یکی از بهترین روش‌های کنترل پراکنده‌رویی شهری، توسعه عمودی و برج‌سازی بوده است. البته این سیاست با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، محیطی و فرهنگی هر منطقه از شهر صورت گیرد.
- ضرورت مبرم نگهداری و حفظ گستره‌های سبز و باز به‌جامانده در محدوده بافت شهری و جلوگیری از تخریب و تبدیل آن‌ها به سطوح ساخته‌شده
- کنترل مستقیم بر اراضی هم‌جوار محدوده شهر و جلوگیری از ساخت‌وساز و یا استقرار فعالیت‌های نامناسب در آن‌ها.

References

- Bakhshi, A. Divsalar, A. and Aliakbari, E. (2016). *Spatial analysis of Sprawl/Smart growth indicator in coastal cities (The case study: Babolsar)*, Urban Management, 15(43), 129-148. (In Persian)
- Bavand Consulting Engineers, (2008), Ministry of roads and watersheds, roads and urban development department of Alborz province, Karaj municipalities, revision of detailed urban design plan, grading and architecture (final edition). (In Persian)



- Bengston, D. N. and Youn, Y. C. (2006), Urban containment policies and the protection of natural areas: the case of Seoul's greenbelt. *Ecology and Society* 11, 1- 3.
- Bollens, S. (2005). Urban Growth Boundary. In R. W. Caves (Ed.), *Encyclopedia of the City* (pp. 475-476). New York & London: Routledge (Tylor & Francis Group).
- Bozorgmehr, N., Habibi, M., & Barakpour, N. (2013). *Assessment of Karaj Current Development Plan Based on the Smart Growth*, Journal of Architecture and Urban Planning, 6(11), 131-154. (In Persian)
- Cho.J (2005), Urban Planning and Urban Sprawl in Korea, *Urban Policy and Research*, Vol,23, No. 2,203-218, June
- Duany, A., & Plater-Zyberk, E. (1998). *Lexicon of the New Urbanism*. In D. Watson, A. Plattus, & R. G. Shibley (Eds.), *Time - Saver Standards for Urban Design* (pp. 5.11-1-5.11-4). Massachusetts: Mc Graw - Hill.
- Esmailpour, N., Zare Roodbzani, M., & Nasrian, Z. (2013). *Urban Growth Management Practices with Emphasis on Sprawl Growth Control*. First National Conference on Geography, Urban Planning and Sustainable Development, Koomesh Environmental Society, University of Aviation Industry, Tehran. (In Persian)
- Farshadfar A. S. (2005). Principles and methods of multivariate statistics. *Razi University Pub.*, Kermanshah. (In Persian)
- Hutchison, P. (2010). *Encyclopedia of Urban Studies*. London & New York: Sage Publication.
- Kalantari, K (2008), Data processing and analysis in socio-economic research. Tehran: *Farhang Saba*. (in Persian)
- Kamanroodi, M., Zanganeh, A., Karami, T., & Gholinia Firouzjaee, S. (2020). *The Survey of Sprawl Trend and Spatial Changes of Babol City*. *Human Geography Research*, 52(3), 889-902. (In Persian)
- Kline, P. (2002), An Easy Guide to Factor Analysis, translated by Mohammad Vali Aliyi and Seyed Mohammad Sandosi, *Imam Hossein University Press*, Tehran. (In Persian)
- Meshkini, A., Mahdnezhad, H., & Parhiz, F. (2013). *Postmodern Patterns in Urban Planning*. Tehran: Omid-e Enqelab Publications. (In Persian)
- Momeni, M. (2016), Statistical analyzes using SPSS software, *Ketab No Publications*, Tehran, p. 202. (In Persian)
- Nakhaei, M., (20119). Assessment if urban growth based on smart city indexes using remote sensing (case study: Qaen city), M.Sc. thesis in Remote Sensing and GIS, University of Mohaghegh Ardabili. (In Persian)



- Nelson, A. C., Burdy, R. J., Feser, E., Dawkins, C. J., Malizia, E., & Quercia, R. (2004). Urban Containment and central-city revitalization. *Journal of the American Planning Association*, 70, (4) 411–425.
- Nelson, A. C. (2015). Growth Management and Urban Planning in the United States, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences* (Second Edition), Sage, (PP. 447-452).
- Richardson, Harry Ward and Christine Bae, Chang-Hee, (2004), *Urban Sprawl in Western Europe and the United States*, Routledge.
- Sabz Andish-e Payesh Consulting Engineers. (2016). *The First Twenty-Year Vision Plan and Five-Year Strategic- Operational Program of Karaj City*, Islamic City Council of Karaj, 1-234. (In Persian)
- Shabani, H., (2012), *Spatial development of Karaj metropolitan city based on ecological city*, Doctoral Dissertation in Geography and Urban Planning, Kharazmi University. (In Persian)
- Soltani, A., Hajipour, Kh., & Khorsand, N. (2010). *Managing Cities' Physical Growth Using Urban Growth Boundaries*, Fars construction Engineering Organization, (66), 47-51. (In Persian)
- Soltani, A. and Najafi, M. J., (2017). *A review of urban growth management policies in order to reduce sprawl*, International Conference on the New Horizons in the Civil Engineering, Architecture and urbanization and Cites Cultural Management, Tehran, 1-13. (In Persian)
- Yigitcanlar, T, O'Connor, K, Westerman, C, (2008), the making of knowledge cities: Melbourne's knowledge-based urban development experience, doi: 10.1016/j.cities.2008.01.001 *Cities* 25 (2008) 63–72.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



مقاله پژوهشی

تعهد سازمانی کارکنان به مثابه عامل کلیدی مؤثر بر مسئولیت اجتماعی سازمان^۱

جواد معدنی^۲، فتاح شریفزاده^۳ و اشرف یآوری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

چکیده

سازمان‌های امروز برای موفقیت نه تنها باید به محیط بیرونی سازمان بنگرند، بلکه بایستی کارکنان، شهروندان، همه آدمیان و همه طبیعت این کره خاکی را به عنوان اعضای خود بدانند. توجه به مسائل اجتماعی مستلزم ایجاد ساختارهای لازم در سازمان‌ها و پایه‌گذاری فرهنگ جامعه دوستی و کلی‌نگری است. بسیاری از محققان بر اهمیت تعهد سازمانی در جهت افزایش مسئولیت اجتماعی سازمان تاکید نموده‌اند. به همین منظور، هدف اصلی این تحقیق بررسی نقش تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اجتماعی سازمان است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه کارکنان اداری سازمان مرکزی حفاظت محیط‌زیست تهران (۲۰۰ نفر) می‌باشند. جهت تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد که حجم نمونه ۱۳۲ حاصل گردید و در نهایت، ۱۲۶ پرسشنامه به دست محقق رسید. با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و PLS3 آزمون‌های مورد نظر بر روی داده‌ها صورت گرفتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد تعهد سازمانی کارکنان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر مسئولیت قانونی، مسئولیت اخلاقی، مسئولیت اقتصادی و مسئولیت ملی دارد و ضرایب مسیر هر یک از متغیرها نیز نشان از برازش و تایید اجزای مدل دارند. تعهد سازمانی کارکنان با ضریب مسیر ۰/۴۳ بر مسئولیت اجتماعی سازمان تاثیر دارد. با توجه به نتایج فوق در نهایت، تاثیر تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفت.

واژگان کلیدی: تعهد، مسئولیت، مسئولیت اجتماعی، سازمان حفاظت محیط‌زیست.

طبقه‌بندی موضوعی: Z, Z0

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.40994.1019

۲. استادیار گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. J.madani@uma.ac.ir (نویسنده مسئول)

۳. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Sharifzadeh_f@atu.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. yavary336@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

امروزه، تغییر و تحولات بشری به طرز شگفت‌آوری در جریان است و همواره جوامع و سازمان‌های آن را تحت تأثیر خود قرار داده است. در نتیجه‌ی جهانی شدن، سازمان‌های متعددی به‌طور فزاینده‌ای نگران شهرت خود شده‌اند، زیرا این نگرانی به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی‌شان مربوط می‌شود که منجر به گرایش تأثیرگذاری به سمت مسئولیت اجتماعی می‌شود (سینگ و میزرا^۱، ۲۰۲۱). مسئولیت اجتماعی را پیروی از قوانین اجتماعی و برآوردن انتظاراتی که جامعه از فرد دارد تعریف کرده‌اند. این قوانین از نقش‌های اجتماعی استنباط شده و در واقع، بیانگر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است و چگونگی و میزان تعهد و التزام فرد نسبت به افراد دیگر جامعه را نشان می‌دهد (فورد^۲، ۱۹۸۵). یکی از الزامات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تعهد سازمانی کارکنان می‌باشد.

یکی از راه‌هایی که مدیران می‌توانند از طریق آن باعث افزایش تعهد سازمانی کارکنان خود شوند داشتن مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. در صورتی که تعهد در سازمان در سطح پایینی باشد به دلیل هزینه‌های تعویض، نوآوری کم، پایین آمدن انگیزش و تعهد می‌تواند منجر به بدتر شدن اوضاع یک سازمان شود (هوی و همکاران^۳، ۲۰۰۴). حجم زیادی از تحقیقات با تمرکز بر محرک‌های بیرونی در اجرای مسئولیت اجتماعی منجر به مطالعات کمتری در مورد نقش آن و روابط درون سازمانی شده‌اند. بر این اساس، تحقیقات بیشتری در مورد مسئولیت اجتماعی و مؤلفه‌های سازمانی داخلی نیاز است (سعیدی و همکاران^۴، ۲۰۲۱؛ کیم و ثاپا^۵، ۲۰۱۸). برای غلبه بر این معایب بسیاری از سازمان‌ها با استفاده از مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دنبال ایجاد رضایت و تعلق‌پذیری در کارکنانشان هستند. ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به سازمان سبب قبول و پذیرش اهداف و ارزش‌های سازمانی شده و باعث می‌شود که افراد حداکثر توان خود برای سازمان استفاده کنند. روی هم رفته این موارد زمانی می‌تواند عملی شود که سازمان مجموعه‌ای از اقدامات اجتماعی مثل بهبود

-
1. Singh & Misra
 2. Ford
 3. Hui et al
 4. Saeidi et al
 5. Kim & Thapa



شرایط محیط کار، پایین آوردن فشار روابط بین افراد، فراهم آوردن برنامه‌های رفاه اجتماعی و سلامتی، امنیت را انجام دهند (الشیبیل و الواوده^۱، ۲۰۱۱).

مطالعه حاضر در سازمان محیط‌زیست تهران انجام می‌شود سازمان محیط‌زیست یکی از سازمان‌هایی است که بیش از سایر سازمان‌ها، با مباحثی چون مسئولیت اجتماعی سر و کار دارد. به همین دلیل این سازمان برای مطالعه حاضر انتخاب شده است. این سازمان از مهمترین دستگاه‌های دولتی فعال در زمینه مسئولیت اجتماعی می‌باشد و برخی از اهداف این سازمان می‌توان به حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی کشور، پیشگیری و ممانعت از تخریب و آلودگی محیط‌زیست، نظارت مستمر بر بهره‌برداری از منابع محیط‌زیست و... اشاره نمود. بر همین اساس هدف اصلی این تحقیق تحلیل اثرات تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اجتماعی سازمان حفاظت محیط‌زیست تهران است. بخش بعدی مقاله به مبانی نظری، روش‌شناسی، یافته‌ها و بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

تعهد سازمانی کارکنان

واژه تعهد در فرهنگ لغت مریام وبستر به معنی عمل سپرده گذاری به یک موسسه و توافق و تعهد به انجام کاری در آینده است. تعهد از نظر لغوی عبارت است از به عهده گرفتن، به گردن گرفتن کاری، نگاه داشتن، عهد بستن و پیمان بستن است. تعهد سازمانی بیانگر وابستگی به سازمان است (ولده^۲، ۲۰۲۱).

تعهد به نیرویی اشاره دارد که به فرد اجازه می‌دهد برای برخی از اهداف عمل کند (مییر و هرکوویتج^۳، ۲۰۰۱). بنابراین، تعهد سازمانی کارکنان برای سازمان‌ها بسیار مهم است، زیرا سازمان‌ها کارکنان را تشکیل می‌دهند و انگیزه‌های کارکنان برای تلاش برای اهداف سازمانی برای موفقیت سازمان تعیین‌کننده است. در این زمینه، مطالعات تعهد سازمانی در سال ۱۹۵۶ با مطالعه وایت آغاز شد و پس از آن مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت (امام اوغلو و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

1. ALshbiel & AL-Awawdeh
2. Veldeh
3. Meyer & Herscovitch
4. Imamoglu et al



اعضای یک سازمان تمایل دارند ارزش‌های مثبت خود را شناسایی کنند. بنابراین، زمانی که یک سازمان درگیر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی سازمان می‌شود، اعضا ممکن است قوی‌تر با سازمان شناسایی شوند و نگرش‌ها و رفتارهای مثبت از خود نشان دهند (یون^۱، ۲۰۱۷).

تعهد سازمانی حالتی روانشناختی است که افراد را با سازمان‌ها پیوند می‌دهد و متعاقباً بر نگرش‌ها و رفتارها تأثیر می‌گذارد. در حضور تعهد سازمانی، اهداف و ارزش‌های سازمان توسط اعضای آن درونی می‌شوند، و سپس آن‌ها تلاش‌های داوطلبانه را به نفع سازمان انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، تعهد سازمانی نشان دهنده کیفیت روابط بین افراد و سازمان‌ها است. این به صورت ایمان و دلبستگی اعضا به اهداف و ارزش‌های سازمانی، تمایل به کار سخت از جانب سازمان و تمایل به ماندن در سازمان ظاهر می‌شود (کو و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

در میان طرفداران رویکرد نگرشی، برخی از پژوهشگران به تعهد سازمانی با دید یک مفهوم چند بعدی می‌نگرند که عوامل مختلفی بر آن تأثیر می‌گذارند. مییر و همکارانش از پیشگامان رویکرد چند بعدی می‌باشند، مدل سه بعدی آن‌ها از تعهد سازمانی، شامل بعد عاطفی، بعد مستمر و بعد هنجاری به عنوان سه بعد تعهد سازمانی می‌شود.

- تعهد مستمر:

بعد دوم مدل سه بعدی تعهد سازمانی، تعهد مستمر است. مییر و آلن^۳ (۱۹۹۷: ۱۱) تعهد مستمر را به عنوان "آگاهی از هزینه‌های مرتبط با خروج از سازمان" تعریف می‌کنند و به دلیل درک یا تجربه فرد از هزینه‌ها و خطرات مرتبط با ترک سازمان فعلی، ماهیت محاسبه‌ای دارد. مییر و آلن (۱۹۹۱: ۶۷) همچنین بیان می‌کنند که «کارکنانی که پیوند اصلی آن‌ها با سازمان مبتنی بر تعهد مستمر است، باقی می‌مانند زیرا به این کار نیاز دارند». این نشان‌دهنده تفاوت بین تعهد مستمر و عاطفی است. مورد دوم مستلزم آن است که افراد در سازمان بمانند زیرا می‌خواهند (ولده، ۲۰۲۱).

1. Yoon
2. Ko et al
3. Meyer & Allen



- تعهد هنجاری:

آخرین بعد مدل تعهد سازمانی، تعهد هنجاری است. مییر و آلن (۱۹۹۷: ۱۱) تعهد هنجاری را به عنوان "احساس تعهد به ادامه کار" تعریف می‌کنند. باورهای هنجاری درونی شده وظیفه و تعهد، افراد را ملزم به حفظ عضویت در سازمان می‌کند. به گفته می‌یر و آلن (۱۹۹۱: ۶۷) "کارکنان با تعهد هنجاری احساس می‌کنند که باید در سازمان بمانند". از نظر بعد هنجاری، کارکنان می‌مانند زیرا باید این کار را انجام دهند یا کار مناسبی است. وینر و واردی^۱ (۱۹۸۰: ۸۶) تعهد هنجاری را به عنوان "رفتار کاری افراد، هدایت شده توسط احساس وظیفه، تعهد و وفاداری نسبت به سازمان" توصیف می‌کنند. اعضای سازمان بر اساس دلایل اخلاقی به سازمان متعهد هستند (ایورسون و بوتیجیج^۲، ۱۹۹۹). کارمند با تعهد هنجاری، صرف نظر از اینکه سازمان در طول سالیان چقدر ارتقاء یا رضایت به او می‌دهد، ماندن در سازمان را از نظر اخلاقی صحیح می‌داند (ولده، ۲۰۲۱).

مسئولیت اجتماعی:

مسئولیت اجتماعی به عنوان یکی مهمترین مفاهیم سازمانی است که یک تعریف واحد و پذیرفته شده‌ای که مورد پذیرش همگان باشد، ندارد (فریمن و حسنوی^۳، ۲۰۱۱: ۴۰۲). این مفهوم برای افراد و سازمان‌های مختلف، معانی متفاوتی دارد. شروین^۴ (۱۹۸۳) اذعان می‌دارد که درک مفهوم مسئولیت اجتماعی دشوار است، زیرا افراد مختلف، در مورد اینکه چه اقداماتی رفاه جامعه را بهبود می‌بخشد، باورهای مختلفی دارند. علی‌رغم اینکه تعاریف متفاوتی برای مسئولیت اجتماعی سازمان ارائه شده است، اما همه‌ی آن‌ها به توانایی سازمان برای پشتیبانی از اقداماتی اشاره دارند که رفاه نیروی کار آن‌ها و نیز جامعه و اجتماع را مورد توجه قرار می‌دهد (ملاتپارست و آدامز^۵، ۲۰۱۲: ۴۴۸).

کارول (۱۹۹۱)، مسئولیت اجتماعی سازمان را به عنوان انتظارات قانونی، اخلاقی، اقتصادی و داوطلبانه جامعه از سازمان‌ها تعریف می‌کند که در بعد زمانی و مکانی مشخصی به وقوع می‌پیوندد. این چهار بعد عبارتند از:

1. Wiener & Vardi
2. Iverson & Buttigieg
3. Freeman, & Husnaoui
4. Sherwin
5. Mellatparast, Adams



۱. مسئولیت اقتصادی به‌عنوان یک شرط یا الزام اساسی وجود، کسب‌وکارها مسئولیت اقتصادی در قبال جامعه دارند که اجازه ایجاد و تداوم آن‌ها را می‌دهد. در ابتدا، ممکن است فکر کردن به یک انتظار اقتصادی به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی غیرعادی به نظر برسد، اما این همان چیزی است که جامعه از سازمان‌های تجاری انتظار دارد که بتوانند خود را حفظ کنند و تنها راه ممکن این است که سودآور باشند. و می‌تواند مالکان یا سهامداران را برای سرمایه‌گذاری و داشتن منابع کافی برای ادامه فعالیت تشویق کند. در خاستگاه خود، جامعه سازمان‌های تجاری را نهادهایی می‌داند که کالاها و خدمات مورد نیاز و خواسته جامعه را تولید و به فروش خواهند رساند. به عنوان یک انگیزه، جامعه به کسب‌وکارها اجازه می‌دهد تا سود ببرند. کسب‌وکارها زمانی سود ایجاد می‌کنند که ارزش افزوده داشته باشند و در انجام این کار به همه ذینفعان کسب‌وکار منتفع می‌شوند (لانتوس^۱، ۲۰۰۱).
۲. مسئولیت قانونی که در درجه کمتری از بعد قبلی قرار دارد، نشان می‌دهد که هر سازمانی بایستی از یکسری قوانین و مقررات تعیین شده که در جامعه مشروعیت و مقبولیت دارند پیروی کند (جمالی و میرشاک^۲، ۲۰۰۶). جامعه نه تنها کسب‌وکارها را به عنوان نهادهای اقتصادی تحریم کرده است، بلکه حداقل قوانین پایه‌ای را نیز وضع کرده است که انتظار می‌رود کسب‌وکارها براساس آن فعالیت و فعالیت کنند. این قواعد پایه شامل قوانین و مقررات است و در واقع منعکس‌کننده دیدگاه جامعه از «اخلاق مدون» است. آنها مفاهیم اساسی شیوه‌های تجاری منصفانه را که توسط قانونگذاران در سطوح فدرال، ایالتی و محلی ایجاد شده است، بیان می‌کنند. از مشاغل انتظار می‌رود و ملزم به رعایت این قوانین و مقررات به عنوان شرط فعالیت هستند. تصادفی نیست که افسران انطباق در حال حاضر جایگاه مهم و سطح بالایی در نمودارهای سازمانی شرکت دارند. در حین انجام این مسئولیت‌های قانونی، انتظارات مهم تجارت شامل آنها می‌شود:
 - عملکرد به نحوی که مطابق با انتظارات دولت و قانون باشد
 - مطابق با مقررات مختلف فدرال، ایالتی و محلی

1. Lantos
2. Jamali & Mirshak





- خود را به‌عنوان شهروندان شرکتی مطیع قانون رفتار کنند
 - انجام کلیه تعهدات قانونی خود در قبال ذینفعان اجتماعی
 - ارائه کالاها و خدماتی که حداقل دارای حداقل الزامات قانونی باشد (جمالی و میرشاک، ۲۰۰۶).
۳. مسئولیت نوع دوستانه یعنی صرف نظر کردن از پول و زمان در جهت خدمات، همکاری‌ها و کمک‌های داوطلبانه که اکثر بحث و جدل‌ها در مورد مشروعیت و حد و مرز مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، روی همین موضوع تکیه دارد. در یک یا دو دهه گذشته ما به طور روزافزون با چنین اقداماتی مانند کمک‌های خیریه، برنامه‌های سطح زندگی، روبه‌رو هستیم (دادویسکی^۱، ۲۰۱۲).
۴. مسئولیت اخلاقی: انتظارات هنجاری اکثر جوامع معتقد است که قوانین ضروری هستند اما کافی نیستند. علاوه بر آنچه که توسط قوانین و مقررات مورد نیاز است، جامعه از کسب‌وکارها انتظار دارد که به شیوه‌ای اخلاقی عمل کرده و امور خود را انجام دهند. پذیرفتن مسئولیت‌های اخلاقی به این معناست که سازمان‌ها از آن فعالیت‌ها، هنجارها، استانداردها و شیوه‌هایی استقبال می‌کنند که اگرچه در قانون مدون نشده‌اند، با این وجود انتظار می‌رود. بخشی از انتظارات اخلاقی این است که کسب‌وکارها به «روح» قانون پاسخ دهند، نه فقط به متن قانون. جنبه دیگری از انتظارات اخلاقی این است که کسب‌وکارها حتی در مواردی که قوانین راهنمایی نمی‌کنند یا مسیرهای عملی را تعیین نمی‌کنند، امور خود را به شیوه‌ای منصفانه و عینی انجام دهند. بنابراین، مسئولیت‌های اخلاقی شامل آن دسته از فعالیت‌ها، استانداردها، خط‌مشی‌ها و شیوه‌هایی است که توسط جامعه مورد انتظار یا ممنوع است، حتی اگر در قانون مدون نشده باشند. هدف این انتظارات این است که کسب‌وکارها مسئول و پاسخگوی طیف کاملی از هنجارها، استانداردها، ارزش‌ها، اصول و انتظاراتی باشند که منعکس‌کننده و ارج نهادن به آنچه مصرف‌کنندگان، کارمندان، مالکان و جامعه آن‌ها را با توجه به حفاظت سازگار می‌دانند. حقوق اخلاقی ذینفعان تمایز بین انتظارات قانونی و اخلاقی اغلب می‌تواند مشکل باشد. انتظارات قانونی قطعاً مبتنی بر مقدمات اخلاقی است. اما، انتظارات اخلاقی این موارد را بیشتر

می‌کند. بنابراین، در اصل، هر دو دارای یک بعد یا ویژگی اخلاقی قوی هستند و تفاوت به دستوری بستگی دارد که جامعه از طریق تدوین قانونی به تجارت داده است (دادویسکی، ۲۰۱۲).

افزایش تعهد و مسئولیت پذیری بیشتر کارکنان:

سازمان‌ها از مزایای مختلف مسئولیت اجتماعی مثل: جذب کارمندان با توانایی و مهارت‌های بهتر و بیشتر استفاده می‌کنند. سازمان‌هایی که از سیاست‌های مسئولیت اجتماعی مناسب استفاده می‌کنند کارمندانشان تعهدشان نسبت به کار بیشتر می‌شود (محمدابوبکر و همکاران، ۱، ۲۰۱۹).

پیشینه پژوهش

مطالعات نشان می‌دهند مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها باعث افزایش تعهد سازمانی کارکنان در سطح سازمان‌ها می‌شود زیرا مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در بر گیرنده فعالیت‌هایی برای رفاه کارکنان و خانواده‌هایشان است. مطالعاتی مثل ماسکویتز^۱ (۱۹۷۲)، آلبینگر و فریمن (۲۰۰۰)، پترسون^۳ (۲۰۰۴) و بارمر و همکارانش^۴ (۲۰۰۷) تاکید کردند که مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها باعث افزایش تعهد سازمانی کارکنان می‌شود. لی و بر ولد^۵ (۲۰۰۳) رابطه بین اجزای مسئولیت اجتماعی و رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت باعث افزایش رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان می‌شود. رتاب^۶ و همکارانش (۲۰۰۹) ارتباط بین مسئولیت اجتماعی شرکتی با تعهد سازمانی کارکنان را مورد بحث و بررسی قرار دادند. یافته‌های آن‌ها حاکی از وجود تأثیر مثبت مسئولیت اجتماعی شرکتی بر تعهد سازمانی کارکنان بود.

1. MohammadAbubakr
2. Moskowitz
3. Peterson
4. Brammer
5. Lee and Bruvold
6. Rettab



ویتل^۱ و همکارانش (۲۰۰۸) رابطه قوی بین اصول اخلاقی و تعهد سازمانی کارکنان را مورد تاکید قرار دادند.

لو^۲ و همکارانش (۲۰۰۸) پیامدهای حاصل از مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های چینی و آمریکایی را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه تحقیق آن‌ها نشان داد که مسئولیت اجتماعی ارتباط مثبتی با تعهد شغلی در شرکت‌های چینی و آمریکایی دارد.

پترسون^۳ (۲۰۰۴) نشان داد هنگامی که کارمندان احساس کنند سازمانشان اقداماتی در جهت مسئولیت اجتماعی انجام داده است تعهدشان بیشتر می‌شود.

الیشا و سو کنگ^۴ (۲۰۱۰) رابطه مسئولیت اجتماعی داخلی شرکتی و تعهد سازمانی کارکنان را مورد بررسی قرار دادند. اجزای مسئولیت اجتماعی مورد مطالعه آن‌ها شامل: تربیت و آموزش، حقوق انسانی، امنیت و سلامت، تعادل زندگی کاری و تنوع در مکان کار. نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی باعث افزایش در تعهد سازمانی کارکنان می‌شود.

الشبیل و الاوده^۵ (۲۰۱۱) در مطالعه با عنوان مسئولیت اجتماعی داخلی و تأثیر آن بر تعهد شغلی، رابطه بین سیاست‌های مدیریتی و نوآوری سازمانی (به عنوان دو شاخص مسئولیت اجتماعی داخلی) را با تعهد شغلی مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بین سیاست‌های مدیریتی و تعهد شغلی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد اما بین نوآوری سازمانی و تعهد شغلی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

ناندرام^۶ (۲۰۱۰) در پایان نامه خود رابطه بین مسئولیت اجتماعی و تعهد سازمانی کارکنان را مورد بررسی قرار داد. او به این نتیجه رسید که رابطه معنی‌داری بین سه مؤلفه تعهد (تعهد هنجاری، تعهد عاطفی و تعهد مستمر) و برنامه‌های مشارکتی وجود دارد.

رحیمی کلور (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان "تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها روی تعهد سازمانی کارکنان" بیان می‌کند که تبادل اجتماعی و تئوری هویت اجتماعی اساسی را برای پیش‌بینی‌هایی تشکیل می‌دهند که نتایج اصلی ابتکارات مسئولیت‌پذیری

-
1. Vitell
 2. Lo
 3. Peterson
 4. Ellisha, & Soh keng
 5. ALshbiel & AL-Awawdeh
 6. Nanderam



اجتماعی شرکت‌ها اعتماد سازمانی و هویت سازمانی هستند، که آن‌ها هم به نوبه خود بر روی تعهد سازمانی کارکنان مؤثر تأثیر می‌گذارند. وی در این تحقیق، با استفاده از نمونه ۸۷۳ نفری کارمندان شرکت‌های داخلی و چند-ملیتی در جنوب آسیا به این نتیجه رسید که هم اعتماد سازمانی و هم هویت سازمانی واسطی برای رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و تعهد سازمانی کارکنان هستند.

مطالعه حاضر در سازمان محیط‌زیست تهران انجام می‌شود سازمان محیط‌زیست یکی از سازمان‌هایی است که با مباحث مسئولیت اجتماعی بیشترین سروکار را دارد. به همین دلیل این سازمان را برای مطالعه حاضر انتخاب شده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از آن جهت که به بررسی و شناخت بیشتر روابط میان متغیرها در شرایط موجود می‌پردازد، در دسته پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی قرار می‌گیرد و از آن جهت که به بررسی رابطه بین متغیرها می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از بسته‌های نرم‌افزاری SPSS و PLS3 استفاده شده است. جهت برآورد تابع از رگرسیون خطی و برای بررسی وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش از ضرایب مسیر استفاده شده است. مطابق با مبانی نظری مطرح شده در فوق، فرضیه‌های ذیل تدوین می‌گردند:

تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت اقتصادی دارد.

تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت قانونی دارد.

تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت ملی دارد.

تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت اخلاقی دارد.

در این تحقیق جهت پاسخ به فرضیه‌ها، اطلاعات به صورت زیر گردآوری گردید:

پرسشنامه

پرسشنامه تحقیق حاضر از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش اول، مربوط متغیرهای جمعیت شناختی مانند جنس، سن، میزان تحصیلات و... بخش دوم، به مسئولیت اجتماعی و بخش سوم، مربوط به تعهد سازمانی کارکنان است. برای سنجش تعهد سازمانی کارکنان



از پرسشنامه استاندارد شده الن و می‌یر استفاده شد و همچنین، برای طراحی پرسشنامه مسئولیت اجتماعی و ابعاد آن از پرسشنامه‌های داخلی و خارجی در این زمینه کمک گرفته شد. این پرسشنامه حاوی ۳۳ سؤال در مورد ابعاد مسئولیت اجتماعی و ۱۷ سؤال در مورد تعهد سازمانی کارکنان بوده که از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود تا نظرشان را نسبت به هر سؤال اعلام دارند.

در این تحقیق جهت تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی-مورگان استفاده شده است. با توجه به حجم جامعه آماری (۲۰۰ نفر) حجم نمونه ۱۳۲ حاصل گردید که در نهایت، ۱۲۶ پرسشنامه به دست محقق رسید.

برای اینکه پرسشنامه پژوهش حاضر از اعتبار لازم برخوردار باشد، مراحل زیر صورت پذیرفت:

- برای اینکه اعتبار ابزار اندازه‌گیری داده‌ها از لحاظ محتوی رعایت شود، تلاش شده است تا پرسش‌ها با توجه به مبنای نظری پژوهش مطرح شوند.

- پرسشنامه تحقیق حاضر با تایید خبرگان (اساتید دانشگاهی و واحد نیروی انسانی سازمان) بین کارکنان توزیع شده است.

برای سنجش پایایی پرسشنامه، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد سؤالات پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار بوده و آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مسئولیت اجتماعی ۰/۹۳۳ و این مقدار برای تعهد سازمانی کارکنان ۰/۸۹۶ بدست آمد. پرسشنامه تحقیق حاضر، دارای سؤالات ذیل می‌باشد که با پیش‌آزمون از ۳۰ نفر، اعداد قابل قبولی به شرح ذیل بدست آمدند.

جدول ۱. پرسشنامه تحقیق

Cronbach's Alpha if Item's	متغیر وابسته (مسئولیت اجتماعی)	
	گویه	عامل
۰/۹۳۳	گزارشات سالیانه و ماهانه، به طور منظم تهیه و ارائه می‌گردد.	بعد قانونی
۰/۹۳۰	خط مشی‌های سازمانی از دسترس قرارگرفتن اطلاعات حمایت می‌کنند.	
۰/۹۲۹	تهیه و تدوین گزارشات، از فرایند منظم و سیستماتیک برخوردار است.	
۰/۹۳۱	سازمان خود را ملزم به رعایت قوانین و شرایط دولتی می‌داند حتی اگر نظارتی صورت نگیرد.	
۰/۹۳۲	سازمان در قبال دولت و سازمان‌های مالیاتی از شفافیت کافی برخوردار است.	



۰/۹۳۰	مبنای کار سازمان، رعایت صداقت در مواجهه با ذینفعان و سهامداران است.	
۰/۹۳۰	سازمان همواره قوانین دولت در مورد محیط‌زیست را اعمال می‌نماید.	
۰/۹۳۱	قوانین برای فعالیت کسب‌وکارها و حمایت از کارمندان تا حد زیادی رعایت می‌شود.	
۰/۹۲۹	توجه به رعایت مسئولیت‌های اجتماعی سازمانی، در تحقق بهتر اهداف سودآوری مؤثر بوده است.	
۰/۹۳۱	سازمان همواره زمان، هزینه و منابع زیادی برای فعالیت‌های اجتماعی صرف می‌کند.	
۰/۹۳۰	پایبندی به مسئولیت اجتماعی برای سودآوری بلندمدت سازمان ضروری است.	
۰/۹۳۵	با افزایش مشارکت سازمان در فعالیت‌های اجتماعی، درآمدش افزایش پیدا می‌کند.	
۰/۹۳۲	با سرمایه‌گذاری سازمانم در فعالیت‌های اجتماعی موافقم هستم.	
۰/۹۳۴	اهمیت دادن به مسئولیت اجتماعی سازمانی باعث ایجاد مزیت رقابتی برای سازمانم می‌شود.	بعد اقتصادی
۰/۹۳۲	اهمیت دادن به مسئولیت اجتماعی سازمانی باعث ایجاد دسترسی آسانتر به منابع مالی می‌شود.	
۰/۹۳۳	یکی از موانع اصلی پیاده‌سازی فعالیت‌های اجتماعی شرکت‌ها هزینه زیاد آن است.	
۰/۹۳۲	کارکنان در سازمان‌هایی که مسئولیت اجتماعی را به شکل بهتری انجام می‌دهند از کارایی بالاتری برخوردار است.	
۰/۹۳۰	این اعتقاد در سازمان وجود دارد که رعایت اصول اخلاقی در رقابت بر همه امور ترجیح دارد.	
۰/۹۳۶	تامین رضایت کارکنان در سازمان‌هایی که توجه بیشتری به رعایت مسئولیت اجتماعی دارند، به شکل بهتری صورت می‌پذیرد.	
۰/۹۳۲	شهروندان، در مورد شرکت‌هایی که به مسئولیت‌های اجتماعی بیشتری اهمیت می‌دهند، نگاه بهتری دارند.	
۰/۹۳۴	برخورد کارکنان با مشتریان/ ارباب رجوع در سازمان‌هایی که احساس مسئولیت اجتماعی بالاتری دارند، بهتر است.	
۰/۹۳۳	انگیزه و توان اجرای کارکنان در سازمان‌هایی که احساس مسئولیت اجتماعی بیشتری احساس می‌کنند، بیشتر است.	بعد اخلاقی
۰/۹۳۰	همواره سازمان سعی می‌کند از شهرت و اعتبار خود در جهت مثبت استفاده نماید.	
۰/۹۳۱	این اعتقاد عمومی در سازمان وجود دارد که انتظارات مشتریان/ ارباب رجوع را نباید فدای کاهش کیفیت و قیمت تمام شده نماییم.	



۰/۹۲۹	سازمان همواره خود را متعهد به حضور در برنامه‌های خیریه و نیکوکارانه می‌داند.	
۰/۹۲۳	انجام مسئولیت اجتماعی یکی از مهمترین وظایف سازمان ما است.	
۰/۹۲۹	من در مورد سازمانم که از مسئولیت اجتماعی حمایت می‌کند احساس خوبی دارم.	
۰/۹۲۹	سازمان در خصوص تعامل با جامعه برنامه عملیاتی زیادی دارد.	بعد ملی (بشر دوستانه)
۰/۹۳۰	سازمان تعامل منظم با ذی‌نفعان و دریافت و تحلیل نظرات ذی‌نفعان از خود را دارد.	
۰/۹۲۸	سازمان به طور فعال در انجمن‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت می‌کند.	
۰/۹۲۸	سازمان برنامه‌های آموزشی در خصوص تسهیل توسعه مهارت در جامعه محلی دارد.	
۰/۹۲۸	فعالیت‌های بشر دوستانه و خیریه شرکت متناسب با فعالیت تجاری شرکت و استراتژی‌های کسب و کار شرکت است.	
۰/۹۲۸	سازمان در برنامه‌های علمی و فرهنگی مشارکت دارد.	

Cronbach's Alpha if Item's	متغیر مستقل (تعهد سازمانی کارکنان)	
	گویه	عامل
۰/۸۸۸	احساس می‌کنم مسائل و مشکلات سازمان، مسائل و مشکلات من است	بعد تعهد عاطفی
۰/۸۸۶	سازمانی که در آن کار می‌کنم بهتر از تمامی سازمان‌های موجود است	
۰/۸۸۲	من افتخار می‌کنم که بگویم عضوی از این سازمان هستم	
۰/۸۸۱	این سازمان ارزش و اهمیت زیادی برای من دارد	
۰/۸۸۲	من احساس تعلق قوی به سازمان می‌کنم	
۰/۸۸۲	همانند یک خانواده که عضوی از آن هستم می‌توانم عضوی از سازمان خود نیز باشم	بعد تعهد مستمر
۰/۸۸۸	من فکر می‌کنم که یک فرد همیشه باید به سازمان خود وفادار باشد	
۰/۸۹۹	از اتفاقاتی که بعد از ترک شغلم ممکن است رخ دهد می‌ترسم	
۰/۸۹۳	برای من خیلی سخت است که الان سازمانم را ترک کنم، حتی اگر مایل به ترک آن باشم	
۰/۸۹۴	ترک سازمان در این زمان برای من خیلی بهتر است و ایجاد هزینه نمی‌کند	
۰/۸۹۹	اگر سازمان را ترک کنم، شغل بهتری می‌توانم پیدا کنم	

Cronbach's Alpha if Item's	متغیر مستقل (تعهد سازمانی کارکنان)	
	عامل	گویه
۰/۸۹۴		اگر سازمان را ترک کنم احتمال بیکاری و نیافتن شغل جایگزین در سازمان دیگر وجود دارد
۰/۸۸۳	بعد تعهد هنجاری	یکی از دلایل اصلی برای ماندن در سازمان این است که معتقدم وفاداری خیلی مهم است و لذا احساس تکلیف اخلاقی می‌کنم که بمانم.
۰/۹۰۶		اگر شغل بهتری در سازمان دیگری به من پیشنهاد شود، من سازمان را ترک می‌کنم
۰/۸۸۴		من یاد گرفته‌ام که وفاداری به سازمان خود یک ارزش است
۰/۸۹۸		رفتن از سازمانی به سازمان دیگر کار درستی نیست
۰/۸۸۵		متأسفم از اینکه افراد زیادی این سازمان را ترک می‌کنند

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، تمامی گویه‌های پرسشنامه دارای ضریب آلفای کرونباخ بسیار خوب می‌باشند که این مورد، نشان از برازش و اتقان پرسشنامه دارد.

یافته‌ها و بحث

مطابق با آنچه که در بخش روش‌شناسی توضیح داده شد، در اینجا مراحل طی شده در تحقیق به‌طور کامل بیان خواهند شد.

تجزیه و تحلیل‌های توصیفی

مطابق با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، تجزیه و تحلیل‌های توصیفی به شرح ذیل می‌باشند. از میان ۱۲۶ پاسخ‌دهنده، ۵۶ نفر زن و ۷۰ نفر مرد بودند که مشخصات و ویژگی‌های جمعیت شناختی آنها در جدول ۲ نشان داده شده است.

تجزیه و تحلیل‌های استنباطی

برای تعیین روایی، پرسشنامه در اختیار چند تن از استادان صاحب‌نظر قرار گرفت. سپس، برای سنجش پایایی پرسشنامه، ضریب آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS محاسبه شد که مقدار مناسبی بود.



همان‌طور که در قبل نیز توضیح داده شد، در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و PLS3 بهره گرفته شده است. برای آزمون فرضیات، سطح خطا ۱٪ در نظر گرفته شده است. به منظور بررسی تأثیر تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اجتماعی سازمان، از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

در ابتدا جهت تشخیص آزمون آماری مناسب آزمون نرمال بودن انجام گرفت که مشخص شود آیا داده‌ها نرمال هستند و یا خیر؟ از همین رو، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ خلاصه شده است.

جدول ۲. مشخصات و ویژگی‌های پاسخ دهندگان

میزان / درصد فراوانی		مشخصه	میزان / درصد فراوانی		مشخصه
۳۷٪	۱ تا ۱۰ سال	سابقه خدمت	۴۴٪	۲۰ تا ۳۰ سال	سن
۵۴٪	۱۱ تا ۲۰ سال		۳۴٪	۳۱ تا ۴۰ سال	
۸٪	۲۱ تا ۳۰ سال		۱۲٪	۴۱ تا ۵۰ سال	
۱٪	۳۰ سال به بالا		۱۰٪	۵۰ سال به بالا	
۶۵٪	کارشناسی	تحصیلات	۵۵/۵۵٪	مرد	نسبت
۳۲٪	کارشناسی ارشد		۴۴/۴۴٪	زن	
۳٪	دکتری				

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها (کولموگروف-اسمیرنوف)



متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	آماره کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی داری
تعهد سازمانی کارکنان	۲۹/۱۰	۲/۴۵۶	۰/۷۸۰	۰/۴۵۶
مسئولیت اخلاقی	۲۶/۱۲	۲/۸۲۰	۱/۱۱۳	۰/۱۰۲
مسئولیت قانونی	۲۱/۰۶	۲/۳۲۱	۰/۹۶۷	۰/۲۳۱
مسئولیت اقتصادی	۲۶/۴۳	۱/۷۳۱	۰/۵۷۶	۰/۱۱۹
مسئولیت ملی	۱۲/۲۰	۱/۳۲۴	۰/۸۸۵	۰/۲۲۴

منبع: یافته‌های پژوهش

این آزمون، به منظور اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها انجام می‌گیرد که با توجه به یافته‌های جدول ۴، به دلیل اینکه سطح معنی داری حاصل شده تمامی متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه، توزیع داده‌ها نرمال بوده و می‌توان به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری پارامتریک استفاده کرد. در ادامه، با استفاده از ضرایب رگرسیون، می‌توان نتیجه‌گیری کرد به ازای هر تغییر در متغیرهای مستقل چه مقدار تغییر در متغیر وابسته صورت می‌گیرد. نتایج حاصل در جدول ۴ مرقوم شده‌اند.

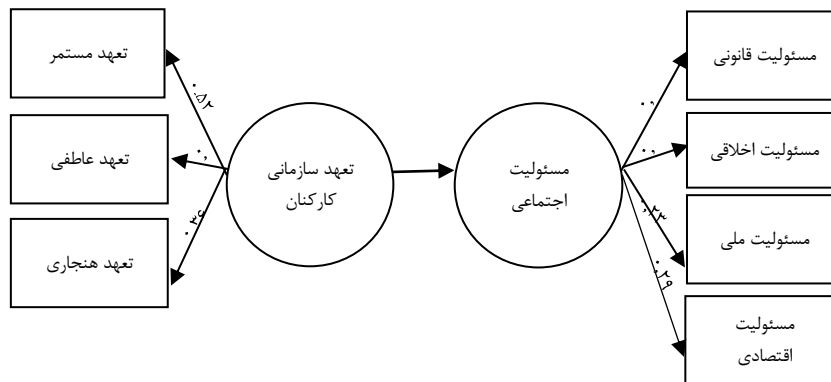
جدول ۴. ضرایب رگرسیون

مدل	تغییرات غیراستاندارد شده		تغییرات استاندارد شده	T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	۶,۳۴۴	۵,۲۲۰		۱/۲۲۳	۰/۰۰۱
تعهد سازمانی کارکنان	۰/۵۳۰	۰/۴۶۰	۰/۵۷۹	۱/۳۳۶	۰/۰۰۱
مسئولیت اخلاقی	۱,۷۶۵	۰/۵۳۶	۰/۶۳۷	۴/۲۲۱	۰/۰۰۰
مسئولیت قانونی	۰/۵۰۲	۰/۴۴۳	۰/۴۶۶	۴/۲۴۵	۰/۰۰۰
مسئولیت اقتصادی	۰/۵۶۷	۰/۴۴۲	۰/۵۵۱	۳/۵۵۳	۰/۰۰۰
مسئولیت ملی	۱/۴۴۳	۰/۵۳۱	۰/۶۵۳	۱/۲۲۳	۰/۰۰۲

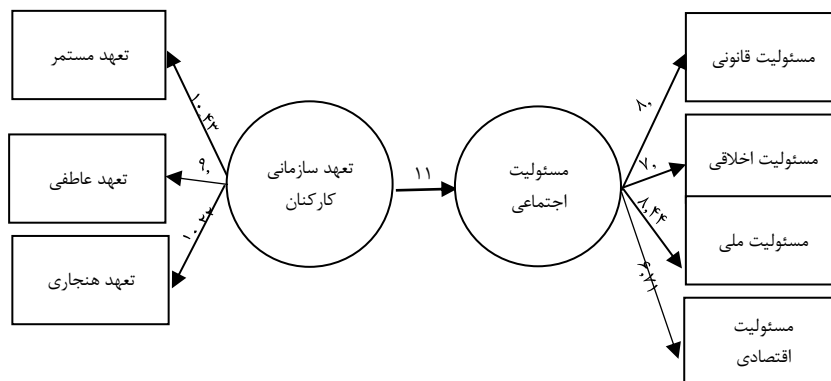
منبع: یافته‌های پژوهش



برای تحلیل مدل معادلات ساختاری، با استفاده از نرم‌افزار PLS3، آزمون و تحلیل‌های زیر صورت گرفتند. نمودارهای (۱) و (۲) ضرایب استاندارد و معنی‌داری مدل پژوهش حاضر را نشان می‌دهند. مطابق با تحلیل‌های آماری، شاخص‌های برازش مناسب مدل باید دارای مقادیر قابل قبول و معنی‌داری باشند تا مؤلفه‌های مورد نظر تأیید شوند.



نمودار ۱. مدل در حالت معنی‌داری



نمودار ۲. مدل در حالت استاندارد



با توجه به تحلیل‌های به‌عمل‌آمده و همان‌گونه که در نمودارهای فوق ملاحظه می‌شود، مقدار نیکویی برازش مدل برابر $0/041$ و مقدار شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش (X^2) به درجه آزادی (df) برابر با $1/69$ است. مقدار شاخص‌های $AGFI$ ، CFI و GFI به ترتیب برابر با $0/96$ ، $0/93$ و $0/94$ است که نشان از برازش مناسب مدل ساختاری دارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیر تعهد سازمانی کارکنان از نظر تأثیر بر مسئولیت اجتماعی سازمان، در مرتبه اول قرار دارد. همچنین، نتایج کلی فرضیه‌های تحقیق در جدول ۵ مرقوم شده‌اند. به‌طورکلی می‌توان گفت تعهد سازمانی کارکنان، تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر مسئولیت اجتماعی سازمان دارد. در ادامه به بحث و نتیجه‌گیری در این‌باره پرداخته می‌شود.

جدول ۵. نتایج کلی فرضیات

نتیجه	سطح معنی‌داری	فرضیه
پذیرش فرض	.000	تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت اقتصادی دارد.
پذیرش فرض	.000	تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت قانونی دارد.
پذیرش فرض	.000	تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت ملی دارد.
پذیرش فرض	.000	تعهد سازمانی کارکنان اثر معنی‌داری بر مسئولیت اخلاقی دارد.

منبع: یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسئولیت‌پذیری اجتماعی از جمله مهم‌ترین عناصر فلسفه وجودی سازمان‌ها شناخته شده است، به نحوی که اهمیت دادن به رعایت آن توسط سازمان‌ها، نه تنها احتمال ارتقاء تعهد سازمانی کارکنان را به همراه دارد، بلکه رضایت ذینفعان خارج از سازمان را برای مشروعیت بخشیدن به سازمان تقویت می‌کند.

مطابق با تجزیه و تحلیل‌های به‌عمل‌آمده، فرض تأثیر معنی‌دار تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اقتصادی آنها پذیرفته شد. با توجه به ضریب همبستگی مثبت ($0/314$) و ضریب رگرسیونی، می‌توان گفت که تعهد سازمانی کارکنان تأثیر مثبت و معنی‌داری بر



مسئولیت اقتصادی آن‌ها دارد. در واقع افزایش (کاهش) تعهد باعث افزایش (کاهش) مسئولیت اقتصادی می‌شود. این بدان معنی است که کارمندان یا افراد متعهد می‌توانند تاثیر بسزایی در ارتقای مسئولیت اقتصادی سازمانی داشته باشند. مسئولیت اقتصادی به‌عنوان پایه و اساس، که شالوده همه ابعاد در هرم مسئولیت اجتماعی شرکت است، توصیف می‌شود مهمترین بعد مسئولیت اجتماعی است، زیرا یک سازمان می‌بایست به منظور ابقای خود در بازار و منفعت رسانی به جامعه، سودآوری و بهره‌وری داشته باشد. در واقع مسئولیت اقتصادی این است که از طریق تولید با کیفیت خوب و قیمت منصفانه برای مصرف‌کننده، سودآوری سرمایه‌ها را در پی داشته باشد که در این راستا افراد متعهد می‌توانند کمک زیادی به این هدف مهم از مسئولیت اجتماعی داشته باشند. در نتیجه به سازمان محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود که برای پیاده‌سازی و ارتقاء برنامه‌های مسئولیت اقتصادی در جهت بالا بردن تعهد سازمانی کارکنان خود تلاش کند. همچنین، فرض تاثیر معنی‌دار تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اقتصادی آن‌ها پذیرفته شد. با توجه به ضریب همبستگی مثبت (۰/۵۱۴) و ضریب رگرسیونی، می‌توان گفت که تعهد سازمانی کارکنان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر مسئولیت قانونی آن‌ها دارد. در واقع افزایش (کاهش) تعهد باعث افزایش (کاهش) مسئولیت قانونی می‌شود. مسئولیت قانونی نشان‌دهنده این اصل است که هر کسب‌وکار مستلزم پیروی از قوانین و مقررات تعیین شده برای صلاح همگان است. با توجه به نتیجه این فرضیه کارمندان و افراد متعهد التزام بیشتری نسبت به پیروی از قوانین و مقررات مربوطه داشته چرا که خود را جزئی از سازمان به حساب می‌آورند. در نتیجه به سازمان محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود که برای پیاده‌سازی و ارتقاء برنامه‌های مسئولیت قانونی در جهت بالا بردن تعهد سازمانی کارکنان خود تلاش کند.

فرض تاثیر معنی‌دار تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت ملی آن‌ها پذیرفته شد. با توجه به ضریب همبستگی مثبت (۰/۸۸۵) و ضریب رگرسیونی، می‌توان گفت که تعهد سازمانی کارکنان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر مسئولیت اقتصادی آن‌ها دارد. در واقع افزایش (کاهش) تعهد باعث افزایش (کاهش) مسئولیت ملی می‌شود. مسئولیت ملی، تلاشی داوطلبانه از سوی سازمان به منظور رسیدگی به مسائل و معضلات جامعه است. این مسئولیت یعنی صرف‌نظر کردن از پول و زمان در جهت خدمات، همکاری‌ها و کمک‌های داوطلبانه است. در یک یا دو دهه گذشته بطور روزافزون با اقداماتی نظیر؛ کمک‌های خیریه، برنامه‌های



خدمات اجتماعی، اقدامات داوطلبانه کارکنان، حمایت از محیط زیست، برنامه‌های اعطای وام و تلاش برای بهبود سطح زندگی، روبه‌رو هستیم. با توجه به ضریب بالای همبستگی بین تعهد سازمانی کارکنان و مسئولیت ملی می‌توان اظهار نمود که کارمندان متعهد توان و انگیزه بالایی در جهت اجرای برنامه‌ها و اقدامات فوق دارند. در نتیجه، به سازمان محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود که برای پیاده‌سازی و ارتقاء برنامه‌های مسئولیت ملی در جهت بالا بردن تعهد سازمانی کارکنان خود تلاش کند. همچنین، فرض تاثیر معنی‌دار تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اخلاقی آنها پذیرفته شد. با توجه به ضریب همبستگی مثبت (۰/۵۹۱) و ضریب رگرسیونی، می‌توان گفت که تعهد سازمانی کارکنان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر مسئولیت اقتصادی آنها دارد. در واقع افزایش (کاهش) تعهد باعث افزایش (کاهش) مسئولیت اخلاقی می‌شود. مسئولیت اخلاقی به‌عنوان انتظارات جامعه از سازمان و مبنی بر این است که سازمان، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را مدنظر داشته باشد و به آنها احترام بگذارد و فراتر از چارچوب قوانین مکتوب می‌باشد. مسئولیت‌های اخلاقی شامل پایبندی به اصول اخلاقی، انجام کارهای درست، عدالت، انصاف و احترام به حقوق مردم می‌شود. کسانی که مسئولیت‌های اخلاقی را می‌پذیرند، مانع از آسیب رساندن خود و دیگران به جامعه می‌شوند. افراد متعهد خود را جزئی از سازمان می‌دانند و همیشه به دنبال این هستند که چهره مثبت و قابل قبولی از سازمان خود در جامعه به تصویر بکشند. در نتیجه، آنها در پایبندی به اصول اخلاقی همیشه پیش‌قدم هستند. بنابراین، به سازمان محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود که برای پیاده‌سازی و ارتقاء برنامه‌های مسئولیت اخلاقی در جهت بالا بردن تعهد سازمانی کارکنان خود تلاش کند.

با توجه به نتایج حاصل از فرضیات اول تا چهارم و پذیرش معنی‌دار بودن تاثیر تعهد بر هر کدام از ابعاد مسئولیت اجتماعی می‌توان گفت که تعهد سازمانی کارکنان تاثیر مثبت و معنی‌داری بر مسئولیت اجتماعی آنها دارد. مفهوم تعهد سازمانی کارکنان، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای هم بر کارمندان و هم سازمان دارد و به‌عنوان یک مقوله مهم و لازم در عملکرد مطلوب، مسئولیت‌پذیری و مباحث اخلاقی کارکنان است. تعهد باعث می‌شود فرد در هر شرایطی همراه سازمان باشد و در جهت موفقیت سازمان تلاش کند. یکی از برنامه‌هایی که باعث می‌شود شهرت و تصویر سازمان در جامعه نمود بهتری پیدا کند، مسئولیت اجتماعی است زیرا این وظایف چیزی فراتر از وظایف سازمانی می‌باشند. با توجه به نتیجه فرضیه



می‌توان گفت افراد یا کارکنان متعهد به خوبی می‌توانند در پیاده‌سازی و پیشبرد وظایف اجتماعی سازمان نقش موثری داشته باشند. همچنین، با تجزیه و تحلیل حاصل از داده‌ها با استفاده از فرمول‌های آماری می‌توان نتیجه گرفت شاخص‌های تعهدسازمانی، بر مسئولیت اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد، این یافته بدان معناست که تأکید بر اهمیت تعهد سازمانی کارکنان و رعایت آن از سوی سازمان‌ها می‌تواند از کارکردی مثبت بر مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها برخوردار باشد به نحوی که به طور معنی‌داری تمامی شاخص‌های آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. یکی از عوامل دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان، تعهد سازمانی کارکنان نسبت به سازمان است. تعهد سازمانی کارکنان به مثابه یک سرمایه اجتماعی ارزشمند و نامشهود برای سازمان است که می‌تواند در راستای نیل به اهداف سازمان مثرتر باشد. مسئولیت اجتماعی سازمان یکی از مهمترین الزامات کنونی سازمان‌هاست که از دیرباز مورد توجه بوده است. مطالعه حاضر در سازمان محیط‌زیست تهران انجام شده است. سازمان محیط‌زیست یکی از سازمان‌هایی است که با مباحث مسئولیت اجتماعی بیشترین سروکار را دارد. یکی از راه‌هایی که مدیران می‌توانند از طریق آن باعث ارتقای مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها شوند، مقوله تعهد سازمانی کارکنان است. چنانچه تعهد در سازمان در سطح پایینی باشد، به دلایل مختلفی موجبات پایین آمدن انگیزش، نوآوری، حمایت و ... نیز می‌گردد و می‌تواند منجر به بدتر شدن اوضاع یک سازمان شود.

نتایج نشان می‌دهند کارکنان با تعهد بالا نسبت به سازمان، رفتاری را به نفع سازمان از خود نشان می‌دهند و موجب می‌شوند مسئولیت اجتماعی سازمان ارتقا یابد. به این ترتیب کارکنان خود را عضوی از سازمان می‌دانند و تمام تلاش خود را برای حفظ و به دست آوردن مسئولیت اجتماعی انجام می‌دهند. از آنجا که مهمترین ارزش سازمان، کارکنان آن هستند، همه کارهایی که کارکنان به نفع سازمان انجام خواهند داد، به ارزش سازمان می‌افزاید. بنابراین، تعهد سازمانی کارکنان به عنوان عامل موفقیت سازمان خواهد بود و تاثیر آن در مسئولیت اجتماعی سازمان اجتناب‌ناپذیر است. در این تحقیق، این نتایج حاصل شدند که تعهد سازمانی کارکنان بر مسئولیت اجتماعی سازمان تاثیرگذار است و این مقوله هم‌راستا با پژوهش‌های آلبینگر و فریمن (۲۰۰۰)، پترسون (۲۰۰۴) و بارمر و همکارانش (۲۰۰۷)، لی و بر ولد (۲۰۰۳)، ارانش (۲۰۰۹)، ویتل و همکارانش (۲۰۰۸)، لو و همکارانش



(۲۰۰۸)، پترسون (۲۰۰۴)، الیسا و سو کنگ (۲۰۱۰)، علی و همکارانش (۲۰۱۰)، الشبیل و الاوده (۲۰۱۱)، ناندرام (۲۰۱۰)، علی و فاطیما علی (۲۰۱۲) است. با توجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌گردند:

پیشنهادهای

- با توجه به نتایج حاصل از فرضیه‌های تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.
- با توجه به همبستگی و تأثیری مثبت بین تعهد سازمانی کارکنان و مسئولیت اقتصادی در این تحقیق و سایر تحقیقات مشابه، به سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود برای پیاده‌سازی و انجام برنامه‌های مسئولیت اجتماعی لازم است در جهت تعهد سازمانی کارکنان تلاش بیشتری کنند.
- با توجه به همبستگی و تأثیری مثبت بین تعهد سازمانی کارکنان و مسئولیت قانونی در این تحقیق و سایر تحقیقات مشابه، به سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود برای پیاده‌سازی و انجام برنامه‌های مسئولیت اجتماعی لازم است در جهت تعهد سازمانی کارکنان تلاش بیشتری کنند.
- با توجه به همبستگی و تأثیری مثبت بین تعهد سازمانی کارکنان و مسئولیت اخلاقی در این تحقیق و سایر تحقیقات مشابه، به سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود برای پیاده‌سازی و انجام برنامه‌های مسئولیت اجتماعی لازم است در جهت تعهد سازمانی کارکنان تلاش بیشتری کنند.
- با توجه به همبستگی و تأثیری مثبت بین تعهد سازمانی کارکنان و مسئولیت ملی در این تحقیق و سایر تحقیقات مشابه، به سازمان محیط‌زیست و دیگر سازمان‌ها پیشنهاد می‌شود برای پیاده‌سازی و انجام برنامه‌های مسئولیت اجتماعی بایستی در جهت تعهد سازمانی کارکنان تلاش بیشتری کنند.
- بر اساس نتیجه پژوهش حاضر و ادبیات تحقیق به سازمان‌ها و نهادهایی که می‌خواهند در محیط کسب‌وکار زنده بمانند، توصیه می‌شود به جنبه‌های اجتماعی کسب‌وکار خود توجه کافی داشته باشند.
- به سازمان محیط‌زیست که یکی از سازمان‌های دولتی است و بصورت مستقیم با فعالیت‌های اجتماعی سروکار دارد پیشنهاد می‌شود بخش مستقلی با عنوان "بخش



مسئولیت اجتماعی سازمانی " برای برنامه‌ریزی، پیاده‌سازی، و نظارت بر فعالیت‌های اجتماعی سازمان و دیگر نهادها ایجاد نماید.

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت ارتقاء مسئولیت اجتماعی کارکنان و سازمان و بررسی راهکارهای افزایش تعهد سازمانی آن‌ها.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Albinger HS, Freeman SJ (2000). Corporate social performance and attractiveness as an employer to different job seeking population. *J. Bus. Ethics*: 28-243-253 .
- Allen, N.J & Meyer, J.P. (1990) "The measurement and antecedents of affective, continuance and normative commitments to the organization". *Journal of occupational psychology*, vol.63. pp: 1-18.
- Alshbiel, S. O, AL-Awawdeh, W. M. (2011) Internal Social Responsibility and Its Impact on Job Commitment: Empirical Study on Jordanian Cement Manufacturing Co. *International Journal of Business and Management* Vol. 6, No. 12. , www.ccsenet.org/ijbm
- Brammer S, Millington A, Rayton B (2007). The contribution of corporation social responsibility to organizational commitment. *Int. J.Hum. Res. Manag.* 18 (10):1701-1719.
- Becker, H.S., 'Notes on the Concept of Commitment'. *American Journal of Sociology*, Vol.27, 1960, PP.95-112.
- Bovens, M.A.P. (1990), "Verantwoordelijkheid en organisatie: beschouwingen over aansprakelijkheid, institutioneel burgerschap en ambtelijke ongehoorzaamheid",



- Dudovskiy, J. (2012). Carroll's CSR Pyramid and its applications to small and medium sized businesses. *Business Research Methodology*.
- Fisscher, O., and Nijhof, A. (2005), "Implication of business ethics for quality management", *The TQM Magazine*, 17 (2), 150-160.
- Freeman, I., & Husnaoui, A. (2001). The meaning of corporate social responsibility: the vision of four nations, *Journal of business ethics*, vol. 100. No.3, pp. 419 – 443.
- Ford, M. E (1985)." Social Cognition and Social Competence in Adolescence". *Developmental Psychology*. Vol. 18, pp. 323-340.
- Hui, C., Lee, and Rousseau, D. M. (2004). Psychological Contract and Organization Citizenship behavior. *Journal of Applied Psychology*, Vol. 89, p. 311. <http://dx.doi.org/10.1037/0021-9010.89.2.311>.
- Iverson, R & Buttigieg, D (1999). Affective, Normative and Continuance Commitment: Can the 'Right Kind' of Commitment be Managed? *Journal of Management Studies*, Wiley Blackwell, vol. 36(3), pages 307-333, May.
- Jamali, D & Mirshak R (2006). Corporate Social Responsibility Theory and Practice in a Developing Country Context. *Journal of Business Ethics*. 72:243–262.
- Imamoglu, S. Z; Ince, H; Turkcan. H & Atakay, B. (2019). The Effect of Organizational Justice and Organizational Commitment on Knowledge Sharing and Firm Performance. *Procedia Computer Science*. Volume 158, 2019, Pages 899-906.
- Kim, M.S. & Thapa, B. (2018). Relationship of ethical leadership, corporate social responsibility and organizational performance. *Sustainability*, 10 (2) (2018), p. 447.
- Ko, J; Jang, H & Kim, S.Y. (2021). The effect of corporate social responsibility recognition on organizational commitment in global freight forwarders. *The Asian Journal of Shipping and Logistics*, Volume 37, Issue 2, June 2021, Pages 117-126.
- Meyer, J. P., & Herscovitch, L. (2001). "Commitment in the workplace: Toward a general model." *Human resource management review* 11(3): 299-326.
- MohammedAbubakar, A; Elrehail, H; AhmadAlatailat, M & Elçi, H. (2019). Knowledge management, decision-making style and organizational performance. *Journal of Innovation & Knowledge*. Volume 4, Issue 2, April–June 2019, Pages 104-114
- Lantos, GP (2001). The boundaries of strategic corporate social responsibility. *Journal of Consumer Marketing*, 18(2), 595-630.
- Lee, C.H., & Bruvold, N, T. (2003). Creating value for employees: investment in Training and Education. *International Journal of Human Resource Management*, 14(6), 981-1000. <http://dx.doi.org/10.1080/0958519032000106173>
- Lo, C. WH, Egri C. P., & Ralston D. A. (2008). Commitment to corporate, social, and environmental responsibilities: an insight into contrasting perspectives in China and the US. *Organization Management Journal*5, 83–98. <http://dx.doi.org/10.1057/omj.2008.10>



- Mellatparast, M., Adams, S. G., (2012). Corporate social Responsibility, benchmarking, and organizational performance in the petroleum industry: A quality management perspective, *Int.J.Production Economics*, vol. 139, pp. 447 0 458.
- Mayer, R .C & Shoorman, D. F (2000): Differentiating antecedents of organizational commitment, a test of March & Simon model. *Journal of organizational behavior*. 19(1). 47-49.
- Meyer, J. P., & Allen, N. J. (1991). A three-component conceptualization of organizational commitment. *Human Resource Management Review*, 1, 61-89.
- Meyer, J. P., Allen, N. J., & Smith, C.A. (1993). Commitment to organizations and occupations: Extension and test of a three- component conceptualization. *Journal of Applied Psychology*, 78, 538-
- Nanderam, D, R. (2010). corporate social responsibility and employee engagement: an exploratory case study, Capella University, A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy
- Peterson DK (2004). The relationship between perceptions of corporate citizenship and organizational commitment. *Bus. Soc.*, 43:296-319.
- Rahimi Kalor, H (2014). The effect of corporate social responsibility on organizational commitment. Tehran: International Conference on Management and Economics in the 21st Century. (In Persian).
- Rettab, B., Brik, A, B., & Mellahi, K. (2009). A Study of Management Perceptions of the Impact of Corporate Social Responsibility on Organizational Performance in Emerging Economies: The Case of Dubai. *Journal of Business Ethics*, 89, 37 1–390.
- Romzek, B.S. (1989). Personal consequences of employee commitment. *Academy of Management Journal*, 32,649-661
- Saiful, Jan (2006). Defining Corporate Social Responsibility. *Journal of Public Affairs* 6: 176-184.
- Singh, K & Misra, M. (2021). Linking Corporate Social Responsibility (CSR) and Organizational Performance: the moderating effect of corporate reputation. *European Research on Management and Business Economics*. Volume 27, Issue 1, January–April 2021, 100139
- Saeidi, P; Robles, L; Saeidi, S & Zamora, M. (2021). How does organizational leadership contribute to the firm performance through social responsibility strategies? *Heliyon*. Volume 7, Issue 7, July 2021, e07672.
- Sherwin, S.D (1983). The ethical roots of the business system, *Harvard business Review*, vol. 61. Pp. 183–92.
- Velde, N. (2021). “Job Satisfaction and Organizational Commitment. A Case Study: Professors and Administrative Staff of the Al Dar University College”. *Business. Social Science Research Network*. Aldar University College. Date Written: March 9, 2021.



- Vierkant, T; Deuschländer, R; Sinnott-Armstrong, W and Haynes, J-D. (2019). Responsibility without Freedom? Folk Judgements about Deliberate Actions. ORIGINAL RESEARCH article. Front. Psychol., 21 May 2019 | <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.01133>.
- Vitell, Scott John and Singhapakdi. (2008). The role of Ethics Institutionalization in Influencing Organizational Commitment, Job Satisfaction, and Esprit de Corps. Journal of Business Ethics, 81:343-353.
- Wiener, Y & Vardi, Y. (1982). Commitment in Organizations: A Normative View. The Academy of Management Review. Vol. 7, No. 3 (Jul., 1982), pp. 418-428 (11 pages). Published By: Academy of Management
- Yoon, H.W.; Lee, S.K. & Lee, K.W. (2017). The effect of CSR on organizational commitment and organizational citizenship behavior of casino employees. Journal of Tourism & Leisure Research, 26 (7) (2014), pp. 373-392.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



تبیین تاب‌آوری افراد در شرایط بحران کرونا در شهر تهران^۱

خدیجه سفیری^۲ و زهرا محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تاب‌آوری افراد در شهر تهران در برابر بحران کرونا انجام شده است. تاب‌آوری افراد در برابر بحران کرونا به مسئله‌ای تبدیل شده که می‌تواند از بروز خسارات جدی اقصا مختلف جلوگیری کند. مدل نظری پژوهش با استفاده از نظریه‌های تاب‌آوری کامپفر، سرمایه اجتماعی بوردیو، حمایت اجتماعی ساراسون و انسجام اجتماعی دورکیم (بر اساس تحلیل گیدنز) طراحی شده و پژوهش با استفاده از روش پیمایشی صورت گرفته است. ابزار مورد استفاده جهت سنجش تاب‌آوری، پرسشنامه پژوهشگر ساخته بوده است که بین ۴۱۶ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۴ سال ساکن در مناطق مختلف شهر تهران به صورت تصادفی ساده توزیع گردیده است. در تحلیل داده‌ها مشخص گردید میزان تاب‌آوری برابر با ۳/۲۵ می‌باشد که از طریق آزمون‌های آماری مورد سنجش قرار گرفت. طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین تاب‌آوری افراد و متغیرهای انسجام اجتماعی ($r=0/461$)، حمایت اجتماعی ($r=0/461$) و سرمایه اجتماعی ($r=0/249$) در شهر تهران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهد زنان بیش از مردان تاب‌آور هستند. به علاوه، افراد با سن بیشتر و میزان تحصیلات بالاتر و همچنین، ساکنین مناطق شمال تهران از تاب‌آوری بالاتری برخوردار بوده‌اند.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری افراد، بحران کرونا، سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی.

طبقه‌بندی موضوعی: I12, I31, Z12, Z13

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJSEDS.2023.42233.1023

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
Email: Kh.safiri@alzahra.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد رشته توسعه محلی - شهری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: z.mohammadi.0097@gmail.com

مقدمه و طرح مسأله

جهان معاصر، جهان مواجهه شهروندان با انواع مخاطرات^۱ و تهدیدهایی است که به صورت پیش‌بینی شده و نشده، پیرامون آن‌ها را فراگرفته است. این مخاطرات و تهدیدها چه از نوع طبیعی (زلزله، سیل و ...) و چه انسان‌ساخت (تروریسم، زیست‌محیطی و آلودگی‌ها و ...) تأثیری انکارناپذیر و تعیین‌کننده بر نوع زندگی شهروندان و سیستم‌های مدیریت شهری و حتی حکمرانی‌ها داشته است، به طوری که در سالیان اخیر تبدیل به بحث اصلی این حوزه‌ها شده است (قرشی، ۱۳۹۹، ۵۹).

شهرها و مکان‌های قابل سکونت افراد در جایی احداث شده‌اند که ممکن است با انواع مختلفی از سوانح طبیعی و یا به علت توسعه علم و فناوری در خطر انواع حوادث ساخته دست بشر رو به رو شوند. تا به امروز دیدگاهی که در برنامه‌ریزی حوادث و مدیریت شهری حاکم بوده است، اغلب به صورت دیدگاه مقابله‌ای و کاهش خطرات بوده است. لذا، تاب‌آوری مفهوم بدیعی است که اغلب هنگام روبرو شدن با ناشناخته‌ها، عدم قطعیت‌ها و پایداری شهری بکار برده می‌شود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۶)؛ به همین منظور دیدگاه جهانی در مواجهه با مخاطرات و دگرگونی‌ها از کاهش میزان آسیب‌پذیری به تقویت تاب‌آوری منجر شده است. در نتیجه، جوامع شهری باید در پی به وجود آوردن و افزایش تاب‌آوری در مقابله با مخاطرات باشند. هنگام وقوع بلایا و حوادث، اگر جامعه هدف آن بحران از لحاظ ذهنی برای مقابله با آن آماده باشند، می‌توانند بخش قابل توجهی از بی‌نظمی به وجود آمده را کم کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۰).

می‌توان گفت پیامد منفی پاندمی کووید ۱۹ در سطح خرد و کلان از آن قبیل مواردی است که نه تنها جامعه ایران بلکه، جامعه جهانی را به طور چشمگیری متاثر کرده است. کمیت و کیفیت پیامدهای منفی همه‌گیر به گونه‌ای است که می‌توان از این شرایط با عنوان گرفتار شدن جامعه به یک بحران و مصیبت همه‌گیر یاد کرد (عبداللهی و رحیمی، ۱۳۹۹، ۴۴).

در مقوله بحران کرونا، بر اساس داده‌های سازمان بهداشت جهانی تا به امروز (۲۲ مهر ۱۴۰۱) تعداد 619,770,633 نفر در سراسر دنیا مبتلا به ویروس کووید ۱۹ شدند که در این بین تعداد ۶,۵۳۹,۰۵۸ نفر جان خود را از دست داده‌اند و قریب به اتفاق آمار مبتلایان و

فوتی‌ها مربوط به جمعیت شهری است. بر اساس آمارها در کشور ما تا به امروز، میزان افراد مبتلا به کرونا تعداد ۷,۵۵۲,۸۱۲ نفر است که از این بین تعداد بیش از ۱۴۴,۴۹۸ نفر از آن‌ها به عنوان فوت‌شدگان ثبت شده است (پایگاه اینترنتی سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۲). آنچه تاکنون این ویروس به ما آموخته است، لزوم ترویج تاب‌آوری و آگاهی افراد در شهرها نسبت به این بحران جهانی است. هرچند بحران شیوع کرونا، بحرانی جهانی است، و علاوه بر اثرات زیستی باید در انتظار اثرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن بود، تأثیرات اجتماعی و تبعات روانی و رفتاری ناشی از آن تا مدت‌ها گریبان‌گیر شهرها و کشورهای درگیر خواهد بود (حائری، ۲۵۸، ۱۳۹۹).

کلان‌شهر تهران با نظر به اینکه مهم‌ترین شهر ایران به لحاظ سیاسی-اداری، دارای اهمیت دوچندانی است و از لحاظ تراکم جمعیتی دارای تراکم زیاد می‌باشد، توجه به تاب‌آوری در آن در برابر انواع بحران‌ها امری ضروری است. بحث تاب‌آوری شهر جهت مقاوم ساختن شهر در مواقع بحرانی و برگشت وضع به حالت پیش از بحران اشاره دارد (حسینی و همکاران، ۲۰، ۱۳۹۹).

انجام پژوهش‌هایی در مورد کرونا و به‌ویژه تاب‌آوری شهرها در برابر این‌گونه بحران‌ها از این جهت اهمیت می‌یابد که در آینده شهرها به‌گونه‌ای عمل نمایند تا در مواجهه ناگهانی با چنین بحران‌هایی دچار سردرگمی و شتاب‌زدگی در عمل نشوند و بتوانند بهترین راهبردها را در جهت کنترل بحران اتخاذ کنند و آمادگی لازم را از قبل به دست آورند. در چنین شرایطی که ویروس کرونا به‌سرعت در تمامی جهان شیوع پیدا کرد، باید دید حین این بحران، شهرها چه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی برای مقابله با ویروس کرونا دارند و تا چه اندازه در مقابله با بحران موفق عمل کرده و چه برنامه‌هایی برای تقویت تاب‌آوری شهری در آینده دارند. به همین جهت پژوهشگر با توجه به اهمیت موضوع سؤال خود را این‌گونه بیان می‌دارد:

۱. تاب‌آوری افراد در برابر بیماری کرونا در شهر تهران چقدر بوده است؟
۲. چه عواملی بر این تاب‌آوری موثر بوده است؟
۳. آیا بین سرمایه اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد؟



۴. آیا بین حمایت اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد؟
۵. آیا بین انسجام اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در دنیا در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مربوط به فاجعه انجام شده است؛ اما در خصوص بیماری همه‌گیر کرونا تحقیقات کمی صورت گرفته است. در این پژوهش مطالعاتی که مشابهت بیشتری با موضوع تاب‌آوری در شرایط بحرانی دارند، بررسی و مرور شده‌اند.

ایمانی جاجرمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران» به شناسایی برخی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در ایران پرداخته است. وی نشان داده است این بحران بر حوزه‌هایی چون خانواده و آموزش، روابط کار و بعضی گروه‌های اجتماعی مانند؛ زنان، کودکان و صاحبان مشاغل خرد و مهاجران، بیشترین پیامدها را داشته است و راهکارهایی نظیر لزوم اتخاذ رویکرد انسجام اجتماعی به موازات سیاست فاصله اجتماعی را در این زمینه ارائه کرده است.

قاسمی (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «پیامدهای کرونا بر شهر و شهرسازی آینده» را با هدف کشف آثار احتمالی بحران ناشی از کرونا در فضای شهری و منطقه‌ای و هم‌افزایی این تأثیر و تأثر و الگوی روابط و رفتار انسان در فضا انجام داده است. برای این منظور پس از بررسی اسناد و منابع تاریخی و مشاهدات ناشی از تجربه زیسته با گروهی از صاحب‌نظران و متخصصان این رشته مصاحبه کرده است.

چراغی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان شهر تهران در مواجهه با بیماری کرونا» را انجام داده است. این پژوهش به‌منظور تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان در مواجهه با بیماری کرونا در مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران صورت گرفته است. تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام شده و پرسش‌نامه بین ۴۰۲ نفر از زنان ۱۵ تا ۶۹ ساله ساکن در دو منطقه ۳ و ۱۲ تهران به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری با استفاده از روش سهمیه‌ای صورت گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، بین

تاب‌آوری و متغیرهای دیدگاه اعتقادی، آموزش دوران کودکی و توانمندی جسمانی زنان، در منطقه ۱۲ رابطه وجود دارد. همچنین، بین تاب‌آوری و متغیرهای سبک زندگی، آموزش دوران کودکی، و رضایتمندی از زندگی زنان، در منطقه ۱۳ رابطه وجود دارد. در هر دو منطقه دیدگاه اعتقادی زنان بیشترین تأثیر را بر متغیر تاب‌آوری دارد.

شهابی و رادفر (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان «طراحی مدل تاب‌آوری شبکه‌های همکاری در شرایط شیوع کرونا (مورد مطالعه شبکه توسعه اجتماعی رسالت)» باهدف طراحی مدل تاب‌آوری شبکه‌های همکاری با تأکید بر سیستم راهبری شبکه هم‌زمان با وقوع یک بحران واقعی به نام شیوع کرونا و ویروس انجام دادند که به دلیل وجود پیچیدگی‌های مسئله، ذی‌نفعان و نقش‌آفرینان متعدد و ابعاد متنوع از روش سیستم‌های نرم برای تحلیل آن استفاده شده است. براین اساس ضمن بررسی و مصاحبه با افراد مطلع و ترسیم تصویر غنی وضع موجود، مدل تاب‌آوری راهبری شبکه با روش تکمیلی مدل‌سازی ساختاری تفسیری جامع ترسیم شد. نتایج مقایسه تصویر غنی و مدل ارائه شده بیانگر آن است قابلیت‌های پویا به‌عنوان سنگ بنای مدل تاب‌آوری شبکه عمل می‌کند. بر همین اساس، پیشنهادهای ساختاری در جهت ارتقای تاب‌آوری شبکه‌های همکاری در دوران شیوع ویروس و پسا کرونا ارائه شد.

ماستن و استفانی‌تی^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری چند سیستمی برای کودکان و نوجوانان در بلایا: بازتاب‌ها در زمینه کووید ۱۹» در مورد اهمیت بلایا در تاریخ علم تاب‌آوری و ظهور تعریف سیستم‌های متحدکننده از تاب‌آوری بحث کرده‌اند. در این پژوهش اصول یک دیدگاه چند سیستمی در مورد تاب‌آوری و یافته‌های عمده در مورد آنچه که برای جوانان در وقوع بلایا اهمیت دارد، با اشاره به همه‌گیری مشخص شده است. جی چن و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آنچه میزان تاب‌آوری شهر را در برابر شیوع همه‌گیر تعیین می‌کند: شواهدی از تجربه کووید ۱۹ چین»، با استفاده از داده‌های شهر از چین در بهار سال ۲۰۲۰ صورت‌گرفته و رابطه بین تاب‌آوری سطح شهر در برابر شیوع همه‌گیری کووید ۱۹ و عوامل مؤثر بر آن، از جمله فشار خطر ورود ویروس کووید ۱۹ را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد، درحالی‌که مدیریت فشار ناشی از کووید



۱۹ نقش مهمی در تاب‌آوری همه‌گیر شهر در برابر بلاها دارد، ویژگی‌های تجمع شهر (تراکم جمعیت شهر و اندازه شهر) نیز اهمیت دارد.

علیزاده و ایوب شریفی (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در بین گروه‌های مختلف جمعیتی - اجتماعی در طول همه‌گیری کووید ۱۹» به تجزیه و تحلیل وضعیت شاخص‌های منتخب در بین گروه‌های مختلف اجتماعی - جمعیتی شناختی (SDG¹) در تهران، پرداخته و تاب‌آوری اجتماعی در طول شیوع کووید ۱۹ را بررسی نموده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد تقریباً همه شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی (SRIs²) تغییرات منفی و نامطلوبی را در طول همه‌گیری در تهران تجربه کرده‌اند. این امر به طور چشمگیری در مورد راه‌های مقابله اجتماعی، سرمایه اجتماعی، روابط اجتماعی و سازگاری اجتماعی صادق است. همچنین، تفاوت معنی‌داری در وضعیت SRIها در بین SDGهای مختلف مشاهده نشد. نتایج این مطالعه می‌تواند SRIهای بیشتری را برای سنجش وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در جوامع تحت تأثیر همه‌گیری مانند تهران مورد استفاده قرار دهد. همچنین، می‌تواند بینشی را در مورد اقداماتی که باید توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای افزایش تاب‌آوری در سایر جوامع با شرایط مشابه انجام شود، ارائه دهد.

در ارتباط با موضوع تاب‌آوری در شرایط بحران پژوهش‌ها و پژوهش‌های داخلی و خارجی زیادی انجام شده است؛ اما در این بخش سعی بر آن شد از پژوهش‌هایی استفاده شود که همپوشانی بیشتری با موضوع مورد مطالعه پژوهشگر داشته باشد. مطالعه و انتخاب این پژوهش‌ها به صورتی بوده است که بیشترین نزدیکی را از نظر فاصله زمانی با مقوله بحران کرونا داشته و پژوهش‌هایی که در زمان همه‌گیری بحران کرونا در این رابطه صورت گرفته‌اند، به پژوهشگر کمک شایانی کرده است تا بتواند پژوهش خود را پیش برده و از نتایج حاصل از آن‌ها استفاده کند.

نتایج حاصل از مطالعات پیشین بیانگر این امر است متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، جنسیت، محل سکونت، میزان برخورداری از حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی

1 . Socio-Demographic Groups
2 . Social Resilience Indicators

و حس انسجام بین افراد از جمله عواملی هستند که بر میزان تاب‌آوری افراد اثرگذار بوده و با آن رابطه مستقیمی دارند و در اینجا نیز مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

• نظریه تاب‌آوری اجتماعی

از نظر کاچوپو و همکاران تاب‌آوری اجتماعی ظرفیت پرورش، تعامل و حفظ روابط مثبت و تحمل و بهبودی از عوامل استرس‌زای زندگی و انزوای اجتماعی است. اثر منحصر به فرد آن تبدیل سختی‌ها به رشد شخصی، ارتباطی و جمعی از طریق تقویت مشارکت‌های اجتماعی موجود و ایجاد روابط جدید، با اقدامات جمعی خلاقانه است. تاب‌آوری فردی بر توانایی افراد برای یافتن فرصت در تراژدی و تبدیل ناملایمات به سود تأکید می‌کند. تاب‌آوری اجتماعی بر میزان قابلیت فرد به منظور همکاری با دیگران برای نیل به این اهداف نهایی و در نتیجه، ظرفیت گروه برای انجام این کار نیز تأکید می‌کند؛ بنابراین، تاب‌آوری اجتماعی برخلاف سایر انواع تاب‌آوری فردی، ذاتاً چند سطحی است و شامل؛ الف) راه‌های ارتباطی افراد (مانند؛ موافقت، امانت‌داری، انصاف، شفقت، احترام، سخاوت، گشودگی) است. ب) منابع و ظرفیت‌های بین‌فردی (به‌عنوان مثال؛ اشتراک‌گذاری، گوش‌دادن دقیق، درک دقیق و همدلانه دیگران، برقراری مراقبت و احترام به دیگران، پاسخگویی به نیازهای دیگران، شفقت و گذشت دیگران)؛ و ج) منابع و ظرفیت‌های جمعی (به‌عنوان مثال؛ هویت گروهی، مرکزیت، انسجام، تحمل، گشودگی، قوانین حاکمیت). همچنین، تاب‌آوری اجتماعی توسعه و حالت تاب‌آوری فردی را تعدیل می‌کند. به‌عنوان مثال، تاب‌آوری اجتماعی از طریق تقویت روابط، ایجاد معنا، تعامل اجتماعی و پاسخ‌های اجتماعی هماهنگ به موقعیت‌های چالش‌برانگیز منجر به رشد می‌شود. البته سایر انواع تاب‌آوری - برای مثال، تاب‌آوری عاطفی یا معنوی - نیز ممکن است تقویت و حفظ شود، اما تاب‌آوری اجتماعی بر نقش ارتباط با سایر افراد، گروه‌ها و مجموعه‌های بزرگ به‌عنوان وسیله‌ای برای تقویت سازگاری از طریق یادگیری و رشد جدید تأکید می‌کند (کاسیپو و همکاران، ۲۰۱۱، ۴۴). بر عقیده آن‌ها تاب‌آوری اجتماعی را به‌صورت ظرفیت پروراندن، مشغول بودن به روابط مثبت و حفظ آنها، پایداری کردن و خلاص شدن از موارد پر تنش زندگی و کناره‌گیری



اجتماعی بیان کرده‌اند. مطابق با عقیده آن‌ها تاب‌آوری اجتماعی ذاتاً سطوح مختلفی دارد و سه خصیصه ذیل را در برمی‌گیرد؛

۱. روش‌هایی که افراد با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند (مثل موافقت و قابلیت اعتماد)؛
۲. منابع و ظرفیت‌های بین‌فردی (مثل تسهیم و گوش دادن با دقت)؛
۳. منابع و ظرفیت‌های فزاینده (مثل هویت گروهی و مرکزیت) (چراغی، ۱۳۹۹، ۶۵).

• نظریه تاب‌آوری کامپفر (۱۹۹۹)

کامپفر^۱ معتقد است تاب‌آوری نقش به‌سزایی در برگشت به حالت تعادل اولیه یا نیل به سطوح بالا دارد و به این دلیل سازگاری مثبت و موافق در زندگی به وجود می‌آورد. به علاوه، سازگاری مثبت با زندگی نیز می‌تواند نتایج تاب‌آوری را سبب شود اما، این مسئله را ناشی از پیچیدگی بیان و دید فرآیندی به تاب‌آوری می‌داند (پورسردار و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۲).

• نظریه انسجام اجتماعی

گیدنز^۲ (۱۹۹۹) بر اساس تحلیل نظریه انسجام اجتماعی دورکیم، اذعان می‌دارد اصل بقای جامعه، انسجام آن جامعه است. به عقیده او، برای آنکه جامعه بتواند به حیات خود ادامه دهد و توانایی دفاع از خود در برابر دشمنان را داشته باشد باید اولاً، هماهنگی و نظم زیادی در بین نهادهای آن جاری باشد. دوماً، هنگام تصمیم‌گیری برای مسائل و موضوعات مهم و حساس اتفاق نظر زیادی بین تعداد زیادی از اعضای آن جامعه وجود داشته باشد. گیدنز معتقد است، وجود تضادهای شدید و مخالفت در جامعه موجب کاهش انسجام عمومی و در نتیجه، کاهش مقاومت و پایداری افراد جامعه در هنگام رویارویی با دشمنان می‌شود.

در رابطه با افزایش یا حفظ انسجام یک جامعه می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ مقابله با گروه‌ها و دسته‌های واگرا و جدایی‌طلب، برجسته‌سازی دشمن مشترک، اهداف و منافع

1 . Kumpfer KL
2 . Giddens



مشترک، فعالیت مشترک، نشاط مشترک، عامل مذهب و افزایش آگاهی عمومی (الیاسی، ۱۳۸۷).

کانتل^۱ (۲۰۰۱) در تحلیلی پیرامون کارکردهای سازمانی، دولتی و ملی انسجام، نشان داده است انسجام اجتماعی عملکرد اجتماعی را فزونی می‌بخشد، رشد و توسعه سازمان با کشور را تسریع و آمادگی برای مقابله با حریفان و دشمنان را بیشتر می‌کند. این پژوهشگر جامعه‌شناس، تعریفی ویژه از انسجام به دست می‌دهد. به باور او انسجام اجتماعی نوعی همبستگی و پیوند شدید عاطفی بین اعضای جامعه است که آنان را به منزله اندامی هماهنگ برای مقابله با دشمنان و خطرات مهیا می‌سازد. چنین تعریفی مورد تأیید پژوهشگران دیگر نیز، قرار گرفته است.

• نظریه حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی به‌مثابه سدّی در مقابل تهدیدهای پیش‌رو درحیات بشر در دنیای پیچیده امروزی عمل می‌کند. علاوه بر اینکه حمایت اجتماعی در زمان‌هایی که اضطراب و فشار روانی فزونی می‌یابد بسیار کمک‌کننده است، در موارد آرامش نسبی نیز مفید است. حمایت اجتماعی به ما امنیت و اعتمادبه‌نفس می‌بخشد تا رویکردهای دیگر را بسنجیم و مهارت‌های مقابله را بیاموزیم و در شرایط مناسب‌تری برای مقابله با محرومیت‌ها و مخاطرات قرار گیریم (الیاسی، ۱۳۸۷).

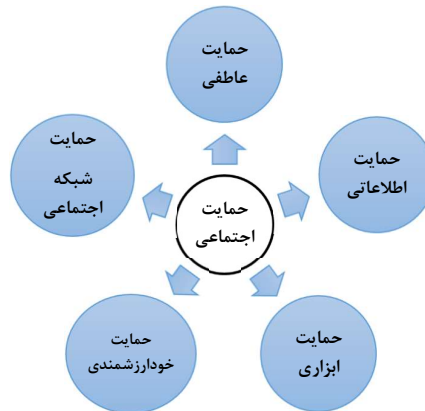
مطابق با دیدگاه ساراسون^۲ حمایت اجتماعی به‌عنوان مقدار بهره بردن از همراهی، محبت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد بیان شده است. بعضی، حمایت‌های اجتماعی را واقعیت اجتماعی و بعضی دیگر آن را متاثر از ادراک فرد می‌دانند. حمایت واقعی آن است که فرد از نوع و تعداد کل تعاملات حمایتی منحصربه‌فرد که در روابط اجتماعی در چارچوب آن‌ها کمک‌های اطلاعاتی، ابزاری و عاطفی را از سایر افراد اخذ می‌کند. افراد با توجه به نوع روابط اجتماعی و اشتراکاتی که دارند از منابع حمایتی برای رفع سائق‌های مختلف خود استفاده می‌کنند، به‌گونه‌ای که هر قدر ارتباط اجتماعی وسیع‌تر باشد، میزان دسترسی به منابع حمایتی افزایش می‌یابد و بنابر احتمال این منابع حمایت



اجتماعی می‌تواند وقایع ناگوار زندگی را کاهش داده و همانند چتر دفاعی در مقابل عوامل تنش‌زای زندگی اجتماعی واقع شود (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱، ۹۶).

ساراسون حمایت اجتماعی را دارای پنج بعد می‌داند که در شکل ۱ منعکس شده است:

۱. حمایت عاطفی: داشتن مهارت لازم در کمک‌گرفتن از دیگران هنگام برخورد با دشواری‌ها.
۲. حمایت ابزاری: دسترسی داشتن به منابع مالی و خدماتی در سختی‌ها و دشواری‌ها.
۳. حمایت اطلاعاتی: می‌تواند اطلاعات موردنیاز خود را برای درک موقعیت به دست آورد.
۴. حمایت خودارزشمندی: اینکه دیگران در دشواری‌ها یا فشارهای روانی به وی بفهمانند که او فردی ارزشمند است و می‌تواند با به‌کارگیری توانایی‌های ویژه خود بر دشواری‌ها چیره شود.
۵. حمایت شبکه اجتماعی: به معنای دسترسی به عضویت در شبکه‌های اجتماعی است (میرمحمدعلی، ۱۳۹۵، ۱۱۲). مطابق با این نظریه زمانی که افراد از حمایت اجتماعی برخوردار باشند، در هنگام وقوع حوادث و بلایا و بروز بحران‌هایی نظیر پاندمی کرونا، از مقاومت و انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار هستند و در نتیجه تاب‌آوری بیشتری نیز دارند.



شکل ۱. مؤلفه‌های کلیدی حمایت اجتماعی از دیدگاه ساراسون



• نظریه سرمایه اجتماعی

بورديو^۱ سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند که از فرصت‌ها و ارتباطات که در داخل گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را بیشتر می‌دهد (بورديو، ۱۳۸۵، ۲۴۰). بورديو سرمایه را به سه نوع تقسیم می‌کند:

- سرمایه اقتصادی، که قابل تبدیل شدن به پول است و به شکل حقوق مالکیت نهادینه می‌شود.
- سرمایه فرهنگی، که با شرایط خانوادگی و آموزش مدرسه‌ای شکل می‌گیرد و تا اندازه‌ای مستقل از دارایی‌های مادی است و کمبود سرمایه مادی را برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی جبران می‌کند. منظور بورديو از سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از دانش‌ها و قابلیت‌های شناختی است که در شکل کالاها و ابزارهای فرهنگی متجلی می‌شود. در این تعریف با مفهوم سرمایه انسانی کلمن^۲ مشابه است. همه آن چیزی که امروزه با نام کالاهای فرهنگی می‌شناسیم، همان سرمایه فرهنگی است. این کالاها صورتی از سرمایه فرهنگی می‌باشند که بر دایره روابط اجتماعی و ایجاد شبکه پویا و کارا اجتماعی موثر هستند. شکل دیگر سرمایه فرهنگی، بیش‌تر در عادات و نوع دیدگاه افراد جامعه نمایان می‌شود. در این تعریف، سرمایه فرهنگی عبارت است از عادات، نگرش‌هایی و تمایلاتی که استعداد استفاده از شرایط و قابلیت‌های ذاتی را به افراد می‌دهد تا وجوه معرفتی و شناختی خود را ارتقاء دهند.
- سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه این امکان را می‌دهد تا شبکه پایداری از ارتباطاتی که تاحدودی تفهیم شده‌آشنایی و شناخت دوطرفه را به همراه داشته باشند. در اینجا بورديو بر ضرورت تراکم و دوام پیوندها تأکید می‌ورزد و سرمایه اجتماعی را انبوهی از منابع بالقوه یا بالفعلی می‌داند که به مالکیت یک شبکه پایدار متصل‌اند (بورديو، ۱۳۸۵، ۲۳۰).



بر اساس دیدگاه‌های پاتنام و ویلسون^۱ تاب‌آوری اجتماعی و آسیب‌پذیری می‌توانند بر مبنای میزان «مثلث بحرانی» سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی و چگونگی تعاملات میان این سرمایه‌ها در یک جامعه توسعه‌یافته فهمیده شوند. مایانگا^۲ معتقد است سرمایه عناصری را شامل می‌شود که به منظور توسعه اقتصادی جامعه وجود آن ضرورت دارد و هرچه فرصت‌های اقتصادی جامعه بیش‌تر باشد، توانایی بالقوه جامعه برای کاهش پیامدهای بلایا بیش‌تر و در نتیجه، تاب‌آورتر می‌شود (سبزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۹۳).

جدول ۱. خلاصه تئوری‌ها و مدل‌های سنجش میزان تاب‌آوری

مدل	ویژگی
فریژ و همکاران (۲۰۱۳) / مدل ResiliUS	مرکز تاب‌آوری ایالات متحده، یک مدل شبیه‌سازی شده از تاب‌آوری جامعه است. بر اساس جنبه‌های قابل اندازه‌گیری از سرمایه اجتماعی، مدل عملیاتی چندبعدی تاب‌آوری، مقیاس‌های سلسله‌مراتبی - خانوار، کسب و کار، محله و جامعه در رابطه با طیف وسیعی از متغیرهای تصمیم‌گیری و سیاست که در هر مقیاسی همدیگر را پشتیبانی می‌کنند، استوار است. این مدل بر اهمیت ادامه تحقیقات نسبت به ایجاد تعاریف عملیاتی تجربی تاب‌آوری، رسمیت شناختن تاب‌آوری به عنوان یک ساختار پیچیده که در آن افراد، خانواده‌ها، سازمان‌ها، بر حسب شرایط مکانی و زمانی و همچنین سطح پیشرفت و فرهنگ یک جامعه دارای درجات متفاوتی از تاب‌آوری هستند، تأکید دارد.
پراگمت (۱۹۹۷)	مقابله‌های مذهبی - معنوی را به‌عنوان فرایندی تعریف می‌کند « که طی آن افراد تلاش می‌کنند در شرایط فشارزا و تنش‌زا معنایی پیدا کنند». از نظر او هرچه شدت پیامدهای موقعیتی افزایش یابد، احتمال رخداد مقابله مذهبی - معنوی نیز افزایش پیدا می‌کند.
کاسپر (۱۹۹۹)	کامپیتر چهارچوبی برای تاب‌آوری به منظور مشخص کردن پیچیدگی این پدیده و درک بهتر چندبعدی بودن نمونه‌های رشد تاب‌آوری طراحی کرد. این طرح کلیه مباحث تحقیقاتی در مورد تاب‌آوری را در خود جمع‌آوری کرده است. به‌خصوص که با این روش مراحل پویایی بین ویژگی‌های کودکان و محیط زندگی آنها و نتایج رشد با هم بررسی می‌شوند. کامپیتر در این مدل ابعاد چهارگانه مختلف را در نظر می‌گیرد که برای پیشبرد تاب‌آوری حائز اهمیت است. در این بین دو مورد، مربوط به بخش تأثیرگذاری و دو مورد دیگر مربوط به فرایند تبادلی می‌باشد، که به ترتیب زیر ارائه شده‌اند: استرس زاهای حاد: اینها جزء عواملی هستند که در مراحل تاب‌آوری از عوامل اصلی اختلال در کودک و خروج او از تعادل روانی می‌باشند. موضوع استرس سزا، به عنوان عامل تهدیدکننده در ذهن کودک نقش می‌بندد. شرایط زیست‌محیطی: که ریشه آن در ارتباط با عوامل افزایش و کاهش دهنده شرایط خطر و تأثیرپذیر از شرایط زندگی کودک می‌باشد (یعنی در فامیل، در مراکز آموزش، در گروه، در جامعه و سایر). شرایط حمایت‌کننده و خطرآفرین در این حالت از عوامل گوناگونی نظیر موقعیت اجتماعی و جغرافیایی، سن و جنسیت تأثیرپذیرند ولی در این ارتباط تعداد و ترتیب به وقوع پیوستن عوامل افزایش و کاهش دهنده ریسک حائز اهمیت است. ویژگی‌های فردی: منظور آن گروه از صفات و ویژگی‌هایی است که فرد باید برای مبارزه موفقیت‌آمیز با مسائل بحران‌زا داشته باشد که خود این مشخصات به پنج گروه تقسیم می‌شوند.
ولف (۱۹۹۵)	در زمینه تأثیر مثبت تاب‌آوری بر سلامت روان بر ویژگی‌های اساسی افراد تاب‌آور که سلامت روان را ارتقا می‌بخشد، مانند توانمندی جسمی، توانمندی در حل مسأله، خودگردانی، احساس هدفمندی، و باور به آینده‌ای، روشن تأکید دارد.

مأخذ: رضایی و همکاران (۱۳۹۵)

1. Putnam&Wilson
2. Mayunga



در شرایط پاندمی بیماری کرونا که اضطراب، ویژگی‌های روحی و روانی افراد را تحت تأثیر قرار داده است، حس انسجام بالا می‌تواند تمایل به کنترل بهتر و مؤثرتر اضطراب را افزایش داده و بهزیستی شخصی بالاتری را برایشان به دنبال داشته باشد؛ این در حالی است که حس انسجام پایین موجب آسیب‌پذیری بیشتر فرد در برابر بیماری می‌شود (عینی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶). به همین دلیل می‌توان گفت افراد در برابر بحران‌ها و بلایا با اتحاد و همبستگی بیشتر می‌توانند بر مصائب مختلف غلبه کنند. انسجام اجتماعی عاملی برای حفظ توانایی و قابلیت عموم و به‌کارگیری این قابلیت‌ها در دشواری‌هاست، به‌طوری که وفاق و وحدت افراد می‌تواند از میزان بیم و هراس در مقابله با بحران‌ها کاسته و بر توان آنها بیفزاید.

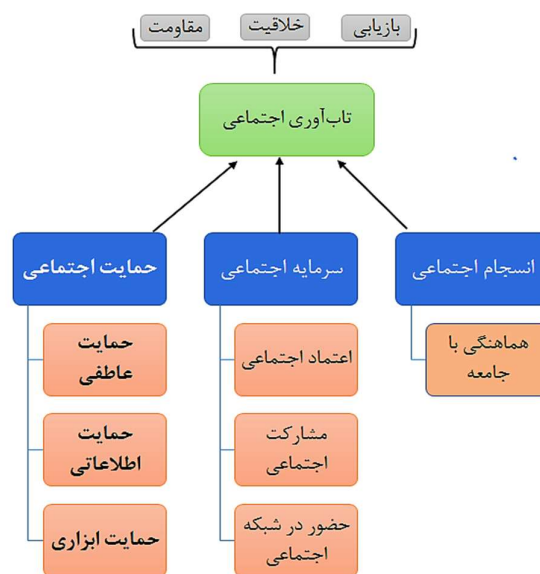
با حمایت و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی، تمرکز و توجه بیشتر بر دارایی و توانایی‌های مخاطب، توسعه آموزش‌های اثر بخش خصوصاً در حوزه ارتباطات و حمایت‌یابی، رواج و تقویت امید و نیک‌نگری و خوش‌بینی و افزودن برنامه‌های مهارت‌آموز، تأثیر شرایط منفی و صدمات احتمالی را می‌توان کاهش داد؛ در واقع، سیاست حمایت اجتماعی در بحران‌ها به یکی از روش‌های مؤثر در مقابله با بحران‌ها و اثرات ناشی از آن بدل شده است (چراغی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۱).

تیلور، دوان و ایزنبرگ^۱ (۲۰۱۴) نشان دادند حمایت اجتماعی افراد از سوی خانواده با تاب‌آوری رابطه مثبت دارد (عینی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶). یکی از منابع مهم سازگاری در شرایط تنش‌زا میزان حمایت و توجهی است که از سوی نزدیکان دریافت می‌شود. حمایت اجتماعی شامل؛ برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌هایی نظیر خانواده، دوستان و دیگران تعریف شده است (همان: ۷).

سرمایه اجتماعی نیز یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند تأثیر آن بر میزان تاب‌آوری را مورد توجه دانست. میزان برخورداری هر فرد یا اجتماع از انواع سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... آن را قادر می‌سازد تا در مقابله با شوک‌ها و صدمات ناشی از آن نقش



تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. به‌گونه‌ای که افراد هر مقدار از انواع سرمایه بیشتر بهره ببرند، می‌توانند تحمل و صبر بیشتری در برخورد با ناملایمات داشته باشند و بالعکس. ارتقاء میزان سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی اثرگذار در زمان وقوع حوادث و بحران‌ها بر میزان تاب‌آوری باید مورد توجه افراد و متولیان مربوط قرار گیرد تا شاهد کمترین میزان خسارت وارده به جوامع و افراد در هنگام مخاطرات شدید و همه‌گیر بود.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

فرضیات پژوهش

۱. بین سرمایه اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد.
۲. بین حمایت اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد.
۳. بین انسجام اجتماعی افراد با میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد.



روش پژوهش

در این تحقیق از روش پیمایش^۱ استفاده شده است. محدودیت روشهای دیگر در رابطه با نگرش سنجی و از طرف دیگر، سنجش نگرشها در سطح نسبتاً وسیع با تعداد نمونه‌های بالا استفاده از روش پیمایش را در این پژوهش ایجاب کرده است.

پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش از نوع پژوهشگر ساخته بوده که بر اساس چارچوب نظری که به آنها اشاره شد، طراحی شده و شامل ۴۳ سؤال می‌باشد که ۳۴ سؤال آن مربوط به سنجش متغیرهای وابسته و مستقل است ۹ سؤال مربوط به متغیرهای زمینه‌ای می‌باشد و در آن از طیف پنج وجهی لیکرت استفاده شده است. بررسی حاصل از آزمون آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS برای مجموع سئوالات نشان می‌دهد مقدار آلفای کرونباخ آن ۰/۸۶ بوده است. بنابراین، این پرسشنامه جهت کسب داده‌های لازم از پایایی کافی برخوردار است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد ۱۵ تا ۶۴ ساله‌ای است که ساکن شهر تهران هستند و جمعیت آنها بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، برابر با ۶۴۷۴۲۳۰ نفر است.

روش نمونه‌گیری اتخاذ شده برای این بخش پژوهش، روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در این روش ابتدا با توجه به متغیر پایگاه اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی، تهران به سه بخش شمال، مرکز و جنوب تقسیم شده است به طوری که مناطق ۱ تا ۵ و ۲۲، مناطق شمالی؛ مناطق ۶ تا ۱۴ و ۲۱، مناطق مرکزی؛ مناطق ۱۵ تا ۲۰، مناطق جنوبی در نظر گرفته شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، از مناطق شمالی، منطقه ۳؛ از مناطق مرکزی، منطقه ۱۳ و از مناطق جنوبی، منطقه ۲۰ به عنوان مناطق نمونه برای مطالعه انتخاب شده‌اند.

حجم نمونه از فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر می‌باشد. برای اطمینان بیشتر و با توجه به شیوع بیماری کرونا، تعداد ۴۱۶ پرسشنامه در بین افراد ساکن در شهر تهران توزیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



نتایج و یافته‌ها

برابر آمار بدست آمده در رابطه با افراد مبتلا به کرونا، افراد مبتلا شده به کرونا به تعداد ۳۲۰ نفر (۷۷ درصد) و افراد مبتلا نشده به تعداد ۹۶ نفر (۲۳ درصد) بوده‌اند. همچنین، بررسی حاصل نشان داد از ۴۱۶ نمونه مورد مطالعه، ۵۴ درصد را زنان و در مقابل، ۴۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. بنابراین، زنان بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. وضعیت تملک منزل پاسخگویان را به نمایش می‌گذارد که براساس آن نوع تملک اجاره‌ای و شخصی هر کدام با تعداد ۱۸۸ نفر (۴۵ درصد) بیشترین فراوانی و افراد دارای منزل دولتی با ۱۲ نفر (۳ درصد) کمترین فراوانی را داشته است. در رابطه با وضعیت اشتغال افراد پاسخگو، افراد دارای شغل دولتی به تعداد ۱۴۴ نفر (۳۵ درصد) بیشترین فراوانی و افراد محصل یا سرباز به تعداد ۳۲ نفر (۸ درصد) دارای کمترین فراوانی بوده‌اند. توزیع نواحی محل سکونت افراد در شهر تهران است. به ترتیب بیشترین افراد پاسخگو ناحیه مرکز با تعداد ۱۶۴ نفر (۳۹٪)، ناحیه جنوب با تعداد ۱۲۸ نفر (۳۱٪) و ناحیه شمال با تعداد ۱۲۴ نفر (۳۰٪) زندگی می‌کنند.

آزمون فرضیات

• رابطه آماری بین سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری

به منظور بررسی رابطه بین متغیر وابسته و مستقل پژوهش، یعنی میزان تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی و ارزیابی فرضیه پژوهش، همبستگی بین دو متغیر مذکور مورد سنجش قرار گرفت. مقدار ضریب همبستگی بین ۱- تا ۱+ است علامت این رقم جهت همبستگی و رقم آن میزان و شدت همبستگی را نشان می‌دهد. این مقدار هرچه به ۱ نزدیکتر باشد همبستگی بیشتر و هرچه به صفر نزدیکتر باشد، همبستگی کمتر است. سطح معنی‌داری اگر کمتر از ۵ درصد باشد، رابطه معنی‌دار است.

نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون بیانگر آن است که با سطح معنی‌داری (sig) ۰/۰۰۰ رابطه آماری معنی‌داری بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و میزان تاب‌آوری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی (I) برابر با ۰/۲۴۹ می‌باشد. بنابراین، بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و میزان تاب‌آوری همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها به این معنا است که هرچه میزان سرمایه اجتماعی بالاتر برود، آستانه تاب‌آوری افراد در



مواجهه با بیماری کرونا نیز بیشتر خواهد شد و برعکس. میزان همبستگی پیرسون در این رابطه (۰/۲۴۹) بیانگر شدت رابطه ضعیف بین دو متغیر ذکر شده می‌باشد.

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل (تاب‌آوری و سرمایه اجتماعی)

شاخص آماری	تاب‌آوری_سرمایه اجتماعی
همبستگی پیرسون [®]	۰.۲۴۹
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۰
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

با بررسی مولفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی در جدول ۴ مشخص گردید از بین مولفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حضور در شبکه اجتماعی از طریق آزمون همبستگی پیرسون، تنها بین مولفه حضور در شبکه اجتماعی با تاب‌آوری رابطه معنی‌داری وجود ندارد. با توجه به جدول ۴ مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۰۶۹ می‌باشد و سطح معنی‌داری ۰/۱۶۸ نشان می‌دهد بین تاب‌آوری و حضور در شبکه اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد و این فرضیه، پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۴. رابطه تاب‌آوری با زیر مقیاس‌های سرمایه اجتماعی

شاخص آماری	تاب‌آوری - اعتماد اجتماعی	تاب‌آوری - مشارکت اجتماعی	تاب‌آوری - حضور در شبکه اجتماعی
همبستگی پیرسون (r)	۰.۲۶۰	۰.۳۴۹	۰.۰۶۹
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۶۸
تعداد (N)	۴۱۶	۴۱۶	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

• رابطه آماری بین حمایت اجتماعی و تاب‌آوری

جدول ۵ چگونگی رابطه همبستگی بین دو متغیر حمایت اجتماعی و تاب‌آوری افراد را در مواجهه با بیماری کرونا نمایش می‌دهد. براساس بررسی‌های حاصل، مقدار همبستگی



پیرسون (۰/۴۶۱) نشان می‌دهد بین دو متغیر حمایت اجتماعی و میزان تاب‌آوری همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین، سطح معنی‌داری (Sig) در آن برابر با ۰/۰۰۰ است که بیانگر سطح معنی‌داری بسیار بالایی است. بنابراین، با توجه به آزمون همبستگی انجام شده و نتایج حاصل بین دو متغیر مذکور رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. به بیان دیگر، با افزایش سطح حمایت اجتماعی میزان تاب‌آوری افراد نیز افزایش پیدا خواهد نمود و با کاهش هر کدام متغیر دیگر نیز کاهش می‌یابد. مقدار همبستگی پیرسون به دست آمده (۰/۴۶۱) بیانگر شدت رابطه متوسط بین این دو متغیر می‌باشد.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل (تاب‌آوری و حمایت اجتماعی)

شاخص آماری	تاب‌آوری - حمایت اجتماعی
همبستگی پیرسون (r)	۰.۴۶۱
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۰
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

• رابطه آماری بین انسجام اجتماعی و تاب‌آوری

بین انسجام اجتماعی افراد و میزان تاب‌آوری آنها در مواجهه با بیماری کرونا رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و مستقل (تاب‌آوری و انسجام اجتماعی)

شاخص آماری	تاب‌آوری - انسجام اجتماعی
همبستگی پیرسون (r)	۰.۴۶۱
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۰
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۶ بیانگر چگونگی رابطه بین متغیرهای انسجام اجتماعی و تاب‌آوری افراد است. آزمون همبستگی پیرسون انجام شده حاکی از آن است که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۶۱ می‌باشد و سطح معنی‌داری حاصل شده ۰/۰۰۰ است که بالاترین میزان معنی‌داری رابطه را بین دو متغیر نشان می‌دهد. ضریب همبستگی به دست آمده، شدت همبستگی



متوسطی را بین دو متغیر انسجام اجتماعی و میزان تاب‌آوری افراد نشان می‌دهد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش سطح انسجام اجتماعی میزان تاب‌آوری افراد در مواجهه با بیماری کرونا افزایش می‌یابد و همچنین، با کاهش هر کدام متغیر دیگر نیز کاهش می‌یابد.

• رابطه آماری بین جنسیت و تاب‌آوری

جدول ۷ بیانگر تفاوت معنی‌داری بین متغیر جنسیت با تاب‌آوری افراد است. با توجه به اینکه جنسیت یک متغیر اسمی است، برای تفاوت معنی‌داری از آزمون t مستقل استفاده شده است. در جدول مذکور عدد sig کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد یعنی، واریانس دو متغیر یکسان نیست. مقدار ۰/۰۰۱ در قسمت sig. 2-tailed کمتر از ۰/۰۵ است به این معناست که بین میزان تاب‌آوری زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر این اساس، تاب‌آوری زنان بیشتر از مردان بوده است.

جدول ۷. تفاوت معنی‌داری آزمون t مستقل بین جنسیت و تاب‌آوری

شاخص آماری	تاب‌آوری - جنسیت
Sig	۰.۰۰۱
مقدار (t)	3.411
سطح معنی‌داری (sig. 2-tailed)	۰.۰۰۱
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

• رابطه آماری بین تحصیلات و تاب‌آوری

جدول ۸ بیانگر چگونگی رابطه بین متغیر تحصیلات با تاب‌آوری افراد است. آزمون همبستگی اسپیرمن انجام شده حاکی از آن است که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۲۷۹ می‌باشد و سطح معنی‌داری حاصل شده ۰/۰۰۰ است که بالاترین میزان معنی‌داری رابطه را بین دو متغیر نشان می‌دهد. ضریب همبستگی به دست آمده، شدت همبستگی کمی را بین دو متغیر تحصیلات و میزان تاب‌آوری افراد نشان می‌دهد. به این معنا که با افزایش



سطح تحصیلات جامعه هدف میزان تاب‌آوری افراد در مواجهه با بیماری کرونا افزایش می‌یابد.

جدول ۸. ضریب همبستگی اسپیرمن بین تحصیلات و تاب‌آوری

شاخص آماری	تاب‌آوری - تحصیلات
همبستگی اسپیرمن (r)	۰.۲۹۹
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۰
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

• رابطه آماری بین سن و تاب‌آوری

جدول ۹ بیانگر چگونگی رابطه بین متغیر سن با تاب‌آوری افراد است. آزمون همبستگی پیرسون انجام شده حاکی از آن است که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۱۴۳ می‌باشد و سطح معنی‌داری حاصل شده ۰/۰۰۳ است که میزان معنی‌داری زیاد رابطه را بین دو متغیر نشان می‌دهد. ضریب همبستگی به دست آمده، شدت همبستگی ناچیزی را بین دو متغیر سن و میزان تاب‌آوری افراد نشان می‌دهد. به این معنا که با افزایش سن افراد جامعه هدف میزان تاب‌آوری افراد در مواجهه با بیماری کرونا افزایش می‌یابد.

جدول ۹. ضریب همبستگی پیرسون بین سن و تاب‌آوری

شاخص آماری	تاب‌آوری - سن
همبستگی پیرسون (r)	۰.۱۴۳
سطح معنی‌داری (sig)	۰.۰۰۳
تعداد (N)	۴۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

رگرسیون خطی چندگانه/چند متغیره (MLR)^۱

با بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل و تایید فرضیه‌های پژوهش همچنین، معنی‌دار بودن رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در این بخش آمار

استنباطی با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیره به تبیین رابطه خطی موجود بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پرداخته شده است. این آزمون رابطه مجموع متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته مطالعه می‌کند و به تبیین واریانس متغیر وابسته کمک می‌نماید و اهمیت هر کدام از متغیرهای مستقل را در همبستگی و پیش‌بینی نشان می‌دهد که در ادامه شرح داده می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون رابطه آماری بین سه متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی) و متغیر وابسته (تاب‌آوری) در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. خلاصه مدل رگرسیون (سنجش رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل)

خلاصه مدل ^b				
مدل	همبستگی	مربعات R	مربعات R تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
1	.۵۴۴ ^a	.۲۹۶	.۲۹۱	۴.۵۵۴

^aپیش‌بینی کننده‌ها: حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش

بخش اول تحلیل رگرسیون مربوط به خلاصه مدل فرضیه بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مورد نظر می‌باشد. بر این اساس میزان همبستگی (R) برابر با ۰/۵۴۴ بوده و نشان‌دهنده آن است که واریانس متغیر تاب‌آوری به وسیله سه متغیر مستقل مورد نظر تبیین می‌شود که این مقدار در سطح متوسط می‌باشد چرا که میزان همبستگی از -۱ تا +۱ متغیر بوده و هرچه ضریب R به این دو میزان نزدیکتر باشد شدت همبستگی بیشتر می‌باشد. ستون «مربعات R تعدیل‌شده» یا «ضریب تعیین» نشان می‌دهد «متغیرهای مستقل» به میزان ۰/۲۹۱ تعیین‌کننده میزان تغییرات «تاب‌آوری» است و بالغ بر ۷۰ درصد عامل تغییر آن را نیافته‌ایم.

بخش دوم تحلیل رگرسیون چند متغیره صحت و اعتبار کلی معادله رگرسیون را بررسی می‌کند که در جدول ۱۱ منعکس شده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری F برابر ۰/۰۰۰ و کمتر از سطح قابل قبول خطا (۰/۰۵) است صحت کلی مدل قابل تایید و از اعتبار و معنی‌داری برخوردار بوده، نتایج حاصل از آن قابل اعتماد است.



جدول ۱۱. نتایج تحلیل واریانس (سنجش رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل)

ANOVA ^a					
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معنی‌داری
رگرسیون	۳۵۹۹.۷۶۷	۳	۱۱۹۹.۹۲۲	۵۷.۸۶۶	.۰۰۰
باقی مانده	۸۵۴۳.۲۷۱	۴۱۲	۲۰.۷۳۶		
کل	۱۲۱۴۳.۰۳۸	۴۱۵			
a. متغیر وابسته: میزان تاب‌آوری					
b. پیش‌بینی‌کننده‌ها: حمایت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی					

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۲، ضرایب رگرسیون را ارائه داده است. همانطور که نمایان است برای سه متغیر مستقل و مقدار ثابت ضرایب استاندارد و غیراستاندارد گزارش شده است و برای هر ضریب آزمون معنی‌داری انجام شده است. با توجه به آزمون معنی‌داری می‌توان نتیجه گرفت سرمایه اجتماعی ($\text{sig} = ۰/۱۰۳$) تأثیر معنی‌داری بر میزان تاب‌آوری افراد در مواجهه با بیماری کرونا ندارد.

ستون ضریب بتا^۱ سهم نسبی متغیرهای مستقل را در پیش‌بینی متغیر وابسته نشان می‌دهد. این ضریب تعیین می‌کند که هر متغیر مستقل چه میزان بر متغیر وابسته تأثیرگذار است. ضریب بتا برای تأثیرگذاری و شدت تأثیر متغیر «انسجام اجتماعی» برابر با ۳۲ درصد بوده که بیانگر بیشترین تأثیر، نسبت به سایر متغیرها در میزان تاب‌آوری افراد مواجهه با بیماری کرونا است. به عبارت دیگر، عاملی که میزان تاب‌آوری افراد را در مواجهه با بیماری کرونا بیش از سایر عوامل مورد بررسی افزایش می‌دهد، عامل انسجام اجتماعی است. پس از آن نیز، شدت تأثیر متغیر «حمایت اجتماعی» با ۲۸ درصد دومین متغیر تأثیرگذار بر متغیر وابسته می‌باشد.

جدول ۱۲. ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل (سنجش رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل)

ضرایب ^a					
سطح معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		مدل
		بتا	انحراف استاندارد	B	
...	۶.۹۵۰		۱.۹۹۰	۱۳.۸۳۱	مقدار ثابت (Constant)
...	۶.۹۰۸	.۳۲۱	.۰۶۶	.۴۵۴	انسجام اجتماعی
...	۵.۵۱۴	.۲۸۱	.۰۶۶	.۳۶۶	حمایت اجتماعی
.۱۰۳	۱.۶۳۶	.۰۷۵	.۰۵۶	.۰۹۲	سرمایه اجتماعی

a. متغیر وابسته: میزان تاب‌آوری

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta) متغیر انسجام اجتماعی برابر با ۰/۳۲ و متغیر حمایت اجتماعی، ۰/۲۸ برآورد شده است. به علاوه، ضریب تعیین (R²) مدل برابر با ۰/۲۹۱ گزارش شده است. به این معنا که متغیرهای وارد شده به معادله تنها توانسته‌اند ۲۹ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند. لذا، از بین متغیرهای مستقل دو متغیر وارد معادله شده‌اند؛ متغیر «انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی» و متغیر بیرون مانده از معادله رگرسیون، «سرمایه اجتماعی» است.

$$\text{حمایت اجتماعی (0/28)} + \text{انسجام اجتماعی (0/32)} = \text{تاب آوری (معادله خطی)}$$

به این معنی که اگر یک واحد تغییر در انسجام اجتماعی ایجاد شود، ۳۲ درصد میزان تاب‌آوری افراد تغییر می‌یابد.

با بررسی مولفه‌های متغیر سرمایه اجتماعی در جدول ۱۲ از بین مولفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و حضور در شبکه اجتماعی از طریق آزمون همبستگی پیرسون مشخص گردید که تنها بین مولفه حضور در شبکه اجتماعی با تاب‌آوری رابطه معنی‌دار وجود ندارد و با توجه به جدول ذیل مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۰۶۹ می‌باشد



و سطح معنی‌داری حاصل شده ۰/۱۶۸ است که نشان می‌دهد بین تاب‌آوری و حضور در شبکه اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. با توجه به توضیحات مذکور علت حذف سرمایه اجتماعی از معادله خطی معنی‌دار نبودن مولفه حضور در شبکه بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که می‌دانیم نمی‌توان با مرگ عزیزان، فجایع طبیعی، امراض و دیگر رخدادها تنش‌زا زندگی مقابله کرد، لیکن می‌توان افراد را به توانایی‌هایی تجهیز کرد که بتوانند به بهترین وجه با عوامل تنش‌زا مقابله کنند و این رخداد را سپری کنند. این مهارت، مهارت تاب‌آوری است. تاب‌آوری توانمندی افراد برای کنترل و مهار درست هیجانات خود است و به این موضوع اشاره دارد که فرد با وجود مواجهه با عوامل تنش‌زا، قادر است توان اجتماعی خود را ارتقاء دهد و بر مسائل و معضلات و گرفتاری‌ها غلبه کند و به پیروزی برسد. افرادی که تاب‌آوری بیشتری دارند، در مواجهه با کرونا هم، صبر و مقاومتشان بیشتر است. یافته‌های پژوهش نشان داد جنسیت، تحصیلات و سن در میزان تاب‌آوری افراد تاثیر مستقیم دارد. در نظریه کاپوچو تاب‌آوری اجتماعی ظرفیت پرورش، تعامل و حفظ روابط مثبت و تحمل و بهبودی از عوامل استرس‌زای زندگی و انزوای اجتماعی است که متغیرهای مذکور قادرند در بالابردن میزان تاب‌آوری اجتماعی اثربخش باشند. اثر منحصر به فرد آن تبدیل سختی‌ها به رشد شخصی، ارتباطی و جمعی از طریق تقویت مشارکت‌های اجتماعی موجود و ایجاد روابط جدید، با اقدامات جمعی خلاقانه است. تاب‌آوری فردی بر توانایی افراد برای یافتن فرصت در تراژدی و تبدیل ناملایمات به سود تأکید می‌کند. بنابراین، نتایج بدست آمده در این تحقیق با نظریه کاپوچو همخوانی داشته و قابل اثبات است. بر اساس نتایج یافته‌های این پژوهشی در مناطق حوزه شمالی شهر تهران افراد تاب‌آوری بیشتری داشته‌اند و این گویای اثبات مستقیم شرایط معیشتی اقتصادی و محیطی می‌باشد. بر اساس دیدگاه‌های پاتنام و ویلسون تاب‌آوری اجتماعی و آسیب‌پذیری می‌توانند بر مبنای میزان «مثلث بحرانی» سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی و چگونگی تعاملات میان این سرمایه‌ها در یک جامعه توسعه یافته فهمیده شوند. مایانگا معتقد است سرمایه‌های عناصری را شامل می‌شود که به منظور توسعه اقتصادی جامعه وجود آن ضرورت دارد و هرچه



فرصت‌های اقتصادی جامعه بیش‌تر باشد، توانایی بالقوه جامعه برای کاهش پیامدهای بلایا بیش‌تر و در نتیجه، تاب‌آورتر می‌شود. بورديو سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند که از فرصت‌ها و ارتباطات که در داخل گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را بیشتر می‌دهد. با توجه به تاثیر سرمایه اجتماعی بر میزان تاب‌آوری افراد می‌توان نتیجه گرفت جوامعی که از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی از سطح بالایی برخوردارند دارای مقاومت بیشتری در مقابل بحران‌ها هستند و در نتیجه به تاب‌آورتر شدن افراد کمک می‌کند. همان‌گونه که یافته‌های حاصل از پژوهش مرادزاده و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان داد، سرمایه اجتماعی بر تسهیم دانش مرتبط با بحران کرونا و نیز، بر میزان تاب‌آوری سازمانی کارکنان اثر مثبت دارد.

بر مبنای نتایج بیان شده متغیر انسجام اجتماعی بالاترین تاثیر همبستگی در بین متغیرهای مستقل در افزایش میزان تاب‌آوری را داشته است. گیدنز بر اساس تحلیل نظریه انسجام اجتماعی دورکیم، تأکید می‌کند از نظر او، وجود تضادهای شدید در جامعه از انسجام عمومی می‌کاهد. رمز بقای جامعه، انسجام آن جامعه است. انسجام اجتماعی نوعی همبستگی و پیوند شدید عاطفی بین اعضای جامعه است که آنان را به منزله اندامی هماهنگ برای مقابله با دشمنان و خطرات مهیا می‌سازد (الیاسی، ۱۳۸۷). با توجه به تاثیر مستقیم انسجام اجتماعی بر میزان تاب‌آوری افراد می‌توان نتیجه گرفت جوامعی که از مولفه‌های انسجام و همبستگی درونی بالایی برخوردارند، دارای مقاومت بیشتری در مقابل بحران‌ها هستند.

از نظر ساراسون حمایت اجتماعی به‌عنوان مقدار بهره بردن از همراهی، محبت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد بیان شده است افراد با توجه به نوع روابط اجتماعی و اشتراکاتی که دارند از منابع حمایتی برای رفع سائق‌های مختلف خود استفاده می‌کنند، به‌گونه‌ای که هر قدر ارتباط اجتماعی وسیع‌تر باشد، میزان دسترسی به منابع حمایتی افزایش می‌یابد و بنابر احتمال، این منابع حمایت اجتماعی می‌تواند اثرگذاری وقایع ناگوار زندگی را کاهش داده و همانند چتر دفاعی در مقابل عوامل تنش‌زای زندگی اجتماعی واقع شود (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶). با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش و تاثیر حمایت اجتماعی بر میزان تاب‌آوری افراد می‌توان نتیجه گرفت جوامعی که از نظر شاخص‌های حمایت اجتماعی از سطح بالایی برخوردارند، دارای مقاومت بیشتری در مقابل



بحران‌ها هستند و در نتیجه به تاب آورتر شدن افراد کمک می‌کند. نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعه صفورایی پاریزی و صفورایی پاریزی (۱۳۹۹) همخوانی دارد. در آن پژوهش نیز، این فرضیه تایید شد که بین حمایت اجتماعی و تاب‌آوری در بین بیماران کرونایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، تیلور، دوان و ایزنبرگ در پژوهشی با عنوان "رابطه حمایت اجتماعی، تاب‌آوری خود و ناسازگاری در دوران بزرگسالی" نشان دادند حمایت اجتماعی که افراد از طرف خانواده دریافت می‌کنند با تاب‌آوری رابطه مثبت وجود دارد (عینی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶).

کامپفر معتقد است تاب‌آوری نقش به‌سزایی در برگشت به حالت تعادل اولیه یا نیل به سطوح بالا دارد و به این دلیل سازگاری مثبت و موافق در زندگی به وجود می‌آورد. کامپفر این مطلب را متذکر شده است که سازگاری مثبت با زندگی نیز، می‌تواند نتایج تاب‌آوری را سبب شود ولی این مسئله را ناشی از پیچیدگی بیان و دید فرایندی به تاب‌آوری می‌داند. اما باید این نکته را در نظر گرفت که با توجه به تاثیر متغیرهایی از جمله سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال و مسکن و ... بر میزان تاب‌آوری، برای داشتن جامعه‌ای با تاب‌آوری بالا باید در برنامه‌ریزی و آینده‌نگری‌ها نگاهی خرد و محلی به این موضوع داشت. زیرا افراد توانایی و ظرفیت‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند و برای دستیابی به سازگاری مثبت بین آنها باید به تفاوت‌های افراد نیز توجه کرد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود

ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.



References

- Alexander, D. E. (۲۰۱۳). Resilience and disaster risk reduction: an etymological journey. *Natural hazards and earth system sciences*, 13 (11), 2707 – 271.
- Abdullahi, A. & Rahimi, A. (2019). The social construction of Corona and the policies of deal with it; A case study of the users of virtual space. *Social Impact Assessment Quarterly* (Special Issue on the Consequences of the Corona-Covid-19 Outbreak), 1(2). (in Persian)
- Eliasi, M. H. (2008). Psychological and sociological dimensions of people's tolerance. *Strategic Studies Quarterly of Basij*, 40(11), 25-50.(in Persian)
- Badri, S. A., Ramezanzadeh Lasboei, M., Asgary, A., Ghadiri Masom, M., & Salmani, M. (2013). The role of local management in improving resilience to natural disasters with emphasis on floods. *Emergency Management*, 2(1), 39-50 (in persian).
- Bourdieu, P. (2015). Forms of capital in social capital, trust, democracy and development. compiled by: Tajbaksh, K., translated by: Khakbaz, A. and Pouyan, H., Tehran: Shirazeh.(in Persian)
- Botton, S., Van Heusden, M., Parsons, J. R., Smidt, H., & Van Straalen, N. (2006). Resilience of microbial systems towards disturbances. *Critical reviews in microbiology*, 32 (2), 101 – 112.
- Cacioppo, J. T., Reis, H. T., & Zautra, A. J. (2011). Social resilience: The value of social fitness with an application to the military. *American Psychologist*, 66 (1), 43.
- Cheraghi, M., Kaffashi, M., Pirahary, N., Baghaei Sarabi, A. & Kashani, M. (2020), Sociological Explanation of Resilience of Women in Tehran in the Face of Covid-19 Disease. *Journal of Iranian Social Studies*, 50(14), 59-82. (in persian)
- Carpenter, S., Walker, B., Anderies, J. M., & Abel, N. (2001). From metaphor to measurement: resilience of what to what?. *Ecosystems*, 4 (8), 765 – 781.
- Delpasand, K., Ayar, A., Khani, S., & Mohammadi, P. (2012). Social Support and Crime;The Comparative Study of Criminal and Non-Criminal Youth in Ilam. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(2), 89-120. (in persian)
- Eyni, S., ebadi, M., & torabi, N. (2020). Developing a model of Corona Anxiety in Students Based on Optimism and Resilience: The Mediating role of the Perceived Social Support. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(43), 1-32. (in persian)
- Golverdi, M. (2018). national resilience: Literature Review. *Strategic Studies of public policy*, 7(25), 293-310. (in persian)
- Garschagen, M. (2013). Resilience and organisational institutionalism from a cross-cultural perspective: an exploration based on urban climate change adaptation in Vietnam. *Natural Hazards*, 67 (1), 25 – 46.
- Hatami Nejad H, Farhadi khah H, Arvin M, Rahim Pour N. (2017). Investigation the dimensions influencing urban resilience using Interpretive Structural Modeling (ISM) (Case study: Ahwaz city). *Disaster Prev. Manag. Know.*7 (1) :35-45. (in persian)
- Hosseini, Maziar. (2008), Crisis management, *Shahr Publication*. (in persian)



- Ha'eri, V. (2020). Local Interventions in the Midst of Global Crises Right to the City and the Role of Centers for Social Support and Neighborhood Crisis Management in Preventing the Spread of Coronavirus Disease. *Journal of Social Impact Assessment*, Volume 1, Number 2, Special Issue on the Consequences of the Corona-Covid-19 Outbreak, May 2019. (in Persian)
- Hosseini, A., Yadala Nia, H., Mohammadi, M., & Shekari, S. (2020). Analysis of Social Resilience based on Social Capital Indicators in Tehran. *Sustainable city*, 3(1), 19-39. (in persian)
- Lebel, L., Anderies, J. M., Campbell, B., Folke, C., Hatfield-Dodds, S., Hughes, T. P., & Wilson, J. (2006). Governance and the capacity to manage resilience in regional social-ecological systems. *Ecology and society* (1)11.
- Mirzaei, K. (2020). Causes and Impacts of Coronavirus Covid-19 Pandemic. *Social Impact Assessment*, 1(2 (Supplement)), 13-41. (in persian)
- McEntire, D. A., Fuller, C., Johnston, C. W., & Weber, R. (2002). A comparison of disaster paradigms: The search for a holistic policy guide. *Public administration review*, 62 (3), 267 – 281.
- Mir Mohammad Ali, M. D. (2015). The Study of Relationship Social Support and Psychological dimensions in Ms patients. *Journal of Health Breeze*, 1(2), 107-127.(in Persian)
- Moradzadeh, A., Zarei, K. & Heydarian, H. (2019). The effect of social capital on the promotion of organizational resilience: explaining the mediating role of knowledge sharing related to the Covid-19 crisis. *Journal of Srtategic Managment of Oraganizatio Knowledge*,3(10), 87-112. (in Persian)
- Norris, F. H., Stevens, S. P., Pfefferbaum, B., Wyche, K. F., & Pfefferbaum, R. L. (2008). Community resilience as a metaphor, theory, set of capacities, and strategy for disaster readiness. *American journal of community psychology*, 41 (1), 127 - 150.
- Pickett, S. T., Cadenasso, M. L., & Grove, J. M. (2004). Resilient cities: meaning, models, and metaphor for integrating the ecological, socio-economic, and planning realms. *Landscape and urban planning*, 69 (4), 369 – 384.
- Poursardar, F., Abbaspour, Z., Abdi, Z. & Sohrab, S. (2011). The impact of resilience on mental health and life satisfaction, a psychological model of well-being. *Found*, 14(1), 81-89.(in Persian)
- Piran P. (2004). The Role of Disasters Sociology in Crisis Management. *refahj*. 3(11), 13-48. (in persian)
- Pizzo, B. (2015). Problematizing resilience: Implications for planning theory and practice. *Cities*, 43, 133 – 140.
- Qorshi, M. (2019). Explaining resilience in urban management. 12th Festival of Research and Innovation in Urban Management, *Tehran Urban Forum*. (in Persian)
- Rezaei, M. R. (2013). Evaluating the economic and institutional resilience of urban communities to natural disasters using PROMETHE technique. *Emergency Management*, 2(1), 27-38. (in persian)
- Rafieeian, M, Rezaee, M.R, Asgari, A, Parhizgar, A, Shayan,S (2012), Conceptual Explanation of Resilience and Creation of its Indicator in the Community Base Disaster Management, *Journal of Spatial Planning*, 15(4), 19-41.



- Sabzehei, M. T., Soleimani, A, & Y, N. (2019). Investigating the effect of social capital on the social resilience of villagers in the ciologyenvironmental risks (with an emphasis on the drought) Case study: villages of sub-strict Badar of Ravansar in 2018. *Journal of Contemporary of Sociological Research*, 8(14), 283-310. (in persian)
- Safuraei Parizi, S. & Safuraei Parizi, M. M. (2019). The relationship between social support and resilience of life expectancy in corona patience, *Journal of Islamic Psychological Research*, 3(1), 75-102. (in Persian)

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



مطالعه جامعه‌شناختی رابطه ایده‌آلیسم توسعه با نگرش به طلاق

(مورد مطالعه: زنان و مردان متأهل بالای ۱۸ سال)^۱

صمد عدلی‌پور^۲ و جعفر احمدپور پرویزیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

در دهه‌های اخیر، نظام خانواده در کشورهای در حال توسعه همچون ایران تحت تاثیر فرآیند نوسازی و ورود ارزش‌های مدرن و برنامه‌های توسعه دچار تغییر و تحولاتی شده است. از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش طلاق و تغییر نگرش افراد به طلاق اشاره نمود. حال پرسش اصلی این است که بین فرآیند ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق چه رابطه‌ای وجود دارد؟ پژوهش حاضر با استفاده از روش پیمایش در بین زنان و مردان متأهل بالای ۱۸ سال شهر تبریز در سال ۱۳۹۷ انجام شده است. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۶۰۰ نفر برآورد شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن (فردگرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی، مساوات‌طلبی جنسیتی، بازاندیشی و عرفی‌شدن باورهای دینی) با نگرش به طلاق همبستگی مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان ایده‌آلیسم توسعه، نگرش افراد به طلاق مثبت می‌شود و از قبح طلاق کاسته می‌شود. همچنین، از بین مولفه‌های وارد شده ایده‌آلیسم توسعه به مدل رگرسیونی، فقط مولفه‌های بازاندیشی و عرفی‌شدن باورهای دینی توانسته‌اند تاثیر معنی‌داری روی نگرش به طلاق پاسخگویان داشته باشند و ۰/۲۵ از تغییرات نگرش به طلاق را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: ایده‌آلیسم توسعه، بازاندیشی، عرفی‌شدن باورهای دینی، نگرش به طلاق، شهر تبریز.

طبقه‌بندی موضوعی: J10, Z12, Z10, A14

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/JOSED.2023.40750.1017

۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) Email: Samadadlipour@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران Email: Ahmadpour@Aasia.com

مقدمه و طرح مسأله

امروزه طلاق به صورت مسئله‌ای جهانی توجه بسیاری را به خود جلب نموده است. طی قرن بیستم به دنبال افزایش جمعیت و تغییر در نظام فرهنگی در بسیاری از نقاط جهان، به ویژه در جوامع صنعتی، میزان طلاق روندی افزایشی به خود گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که در قرن نوزدهم تنها حدود ۵ درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شد ولی در قرن بیستم و امروزه حدود نیمی از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود. محققان عواملی مانند افزایش استقلال اقتصادی زنان، کاهش درآمد مردان بدون مدارج دانشگاهی، افزایش انتظارات شخص از ازدواج و پذیرش اجتماعی بیشتر طلاق را در این موضوع دخیل می‌دانند (آماتو^۱، ۲۰۰۰). افزایش میزان طلاق، صرفاً به جوامع صنعتی محدود نشده و به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، به سایر جوامع نیز راه یافته است. در ایران نیز به دنبال تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صورت گرفته در ایران و متعاقب آن، تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده، روند رشد طلاق رو به افزایش گذاشته است. طبق آماری که در سال ۱۳۹۹ توسط سازمان ثبت‌احوال کشور منتشر شده است، تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در این سال ۵۵۶ هزار و ۷۳۱ عدد بوده است که نسبت به سال ۹۸ حدود ۴/۴ درصد رشد کرده است؛ اما تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در این سال هم رشد قابل توجهی داشته و با وجود تعداد ۱۸۳ هزار و ۱۹۳ عدد طلاق ثبت‌شده در سال ۹۹، میزان رشد طلاق در ایران حدود ۳/۶ درصد نسبت به سال ۹۸ بوده است. در واقع، به ازای هر ۳ ازدواجی که در سال ۹۹ ثبت‌شده است، یک طلاق هم به ثبت رسیده و نسبت ازدواج به طلاق در کشور ۳ به ۱ است. بیشتر این طلاق‌ها متعلق به زوج‌هایی بوده که بین ۱ تا ۵ سال از زمان ازدواج آن‌ها می‌گذرد.

در ایران به علل مختلف، از جمله گذر از سنت به مدرنیته و ناهمخوانی فرهنگ و سنت جامعه با مدرنیته، وقوع و شیوع طلاق در جامعه معلول عوامل متعددی است که در بستر فرد و جامعه شکل می‌گیرد (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۰). از ابتدای قرن بیستم، الگوی سنتی خانواده در ایران با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، تدریجاً رو به تغییر نهاد. در این فاصله زمانی، برخی وقایع و جریان‌های اجتماعی عمده مانند فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات اداری و قانونی، وقوع



انقلاب و جنگ و فرآیند دگرگونی ارزش‌ها بر بافت سنتی خانواده تأثیرات مهمی گذاشته است (عباسی‌شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۵). تغییرات ساختاری مثل شهرنشینی، صنعتی‌شدن و مکانیزه شدن کشاورزی باعث مهاجرت نیروی کار به شهرها، افزایش سن ازدواج، افزایش دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و افزایش تحصیلات زنان شده و از طرفی نهاد خانواده در ایران با کاهش پدرسالاری و کاهش خانواده گسترده همراه بوده است (عباسی‌شوازی و مک‌دونالد^۱، ۲۰۰۷). بی‌تردید از تأثیر این عوامل در افزایش آمار طلاق نمی‌توان چشمپوشی کرد. چرا که این تغییرات ساختاری بستر و شرایط اجتماعی را برای تغییر کارکردهای خانواده فراهم می‌کنند، خانواده‌ای که دیگر پدرسالار نیست و به سمت برابری زن و شوهر و فرزندان در حرکت است.

شروع برنامه‌های توسعه و ورود ارزش‌های مدرن به ایران تغییرات ساختاری، کارکردی و نگرشی به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت؛ چرا که تحت تأثیر همین عوامل بود که باروری و مرگ و میر پایین آمد و امید به زندگی بالا رفت و در نتیجه، زمینه برای تحصیلات و مشارکت زنان فراهم شد. سپس سن ازدواج و فرزندآوری بالا رفت و به دنبال آن فردگرایی، افزایش توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی و افزایش درآمد زنان باعث افزایش طلاق گردید (محمودیان و خدامرادی، ۱۳۸۹: ۱۵).

طلاق و از بین رفتن قبح طلاق در بردارنده هزینه‌های انسانی، اجتماعی و اقتصادی عظیمی است. حال با وجود پیامدهای ناگوار مذکور، آیا این پدیده از منظر اعضای جامعه نیز ناپسند است و به تعبیری دیگر، نگرش و گرایش افراد جامعه به این پدیده چگونه است؟ نگرش مثبت یا منفی نسبت به طلاق نزد مردم یک جامعه در ایجاد هنجارهای محافظ خانواده و موانع ذهنی و اجتماعی برای بروز طلاق نقش مهمی دارد. در واقع، تحقیق در باب نگرش به طلاق می‌تواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده مورد بحث، زمینه شناخت علمی و گسترده آن، تصحیح برداشته و باورهای قالبی از مسئله را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین، برای تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب در جهت سالم‌سازی محیط و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان‌بار طلاق یاری رساند.

طلاق در دهه‌های اخیر در کشورها و شهرهای بزرگ صنعتی و اکثر کشورهای توسعه‌یافته روندی صعودی به خود گرفته است و در کشورهای در حال توسعه و بالاخص شهرهای بزرگ آن که در معرض فرآیند مدرنیزاسیون و برنامه‌های توسعه قرار دارند نیز روند صعودی به خود گرفته است. در این زمینه، یافته‌های عدلی‌پور (۱۳۹۸) بیانگر آن است که در شهر تبریز به ویژه در بین جوانان طلاق تبدیل به یک مسئله عادی شده است که دیگر مثل قبل تابو نیست و همچون سایر پدیده‌های موجود در جامعه، واقعیتی اجتماعی است. همچنین، نزد بسیاری از افراد از هزینه‌های طلاق کاسته شده است به طوری که، نگرش فرد نسبت به طلاق دیگر مثل سابق منفی نیست. علاوه بر این، بسیاری از افرادی طلاق را راهی مطمئن برای خروج از اختلافات و مشکلات خانوادگی تلقی می‌کنند. با توجه به اینکه شهر تبریز یکی از شهرهای بزرگ و صنعتی ایران است که در معرض ورود ارزش‌های مدرن غربی از طریق مجاورت با کشورهای اروپایی (ترکیه و آذربایجان) و شبکه‌های ماهواره‌ای متعدد قرار دارد، پرسش اساسی این است که آیا بین ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق در شهر تبریز رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

به باور جامعه‌شناسان، نگرش از طریق آموزش‌ها اجتماعی ایجاد می‌شود و ترکیبی از باورها و گرایش‌ها یا احساسات مساعد و نامساعدی است که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش به شیوه‌ای نسبتاً ثابت به اشیاء، اشخاص و رویدادهای خاص اطلاق می‌شود (چابکی، ۱۳۹۲). طلاق و نگرش درباره آن یکی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی و هویت شخصی و اجتماعی افراد است که وضعیت طلاق در جامعه را تغییر می‌دهد. نگرش به طلاق نیز همچون آیین‌هایی است که اوضاع فرهنگی و اجتماعی جامعه را بازتاب می‌دهد. بسیاری از محققان اجتماعی معتقدند که نگرش مثبت به طلاق می‌تواند بر کاهش کیفیت زندگی زناشویی و احتمال بروز طلاق در زندگی همسران نقش مؤثری داشته باشد. علاوه بر این، برخی از محققان اجتماعی نیز معتقدند نگرش منفی مردم جامعه به طلاق در ایجاد هنجارهای محافظ خانواده و موانع ذهنی و اجتماعی برای بروز طلاق نقش مهمی دارد. این نگرش در جوامع سنتی بیشتر در آموزه‌های دینی یا عرف صلب و تغییرناپذیر ریشه دارد و تداوم آن در جوامع مدرن



ممکن است هم از بقایای آموزه‌های دینی و هم از نوعی خانوادگرایی مدرن ناشی شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶).

در جامعه ایران، تحت تأثیر فرآیندهای جدید تکنیکی و ارزشی، انسجام خانواده‌ها با مسائل جدی مواجه شده است که در گذشته مشابه آن در این سطح وجود نداشته است و در دهه‌های اخیر، با وجود سیاستگذاری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، به سمتی در حال حرکت است که روز به روز بر تعداد طلاق‌ها افزوده می‌شود. تغییر و تحولات صورت گرفته در خصوص نگرش به نهاد خانواده و مسائل آن همچون نگرش به طلاق را می‌توان در قالب تبیین‌های نگرشی مطالعه نمود (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳؛ حقیقتیان و دارابی، ۱۳۹۴؛ رسول‌زاده اقدم، ۱۳۹۷).

در تبیین‌های نگرشی عمدتاً بر نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی جوامع (نظیر رشد فردگرایی، و سکولاریزم و همچنین اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی)، در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌های مرتبط با ازدواج و خانواده تأکید می‌شود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۱). در تبیین‌های ایده‌آیی و نگرشی به ارزش‌های مدرنیته همچون گسترش آزادی‌های فردی و اجتماعی، سکولاریزیم، بازاندیشی و تأثیر آنها بر تحولات خانواده تأکید می‌شود (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳، ۲۸۱). تبیین‌های ایده‌آیی و نگرشی شامل نظریه بحران ارزش‌ها، نظریه گذار جمعیتی دوم و نظریه ایده‌آلیسم توسعه می‌شوند.

مطابق دیدگاه بحران ارزش‌ها، در جوامعی که از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری در حال انتقال‌اند، مشکلاتی ایجاد می‌شود که نتیجه تقابل مدرنیته و پایبندی به سنت‌های دیرین و خصومت بین نسل‌هاست. در چنین وضعیتی بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز، به عناصر مقبول امروز تبدیل می‌شوند. در چنین شرایطی نظام ارزشی جامعه دستخوش آشوب می‌شود که بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزشی خانواده نیز مشاهده کرد. از آنجا که سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های فناوری یکسان نیست در نتیجه نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند دچار کشمکش‌های درون خانوادگی می‌شوند و در این صورت نابسامانی و تعارض در خانواده افزایش می‌یابد (رسول‌زاده اقدم و عدلی‌پور، ۱۳۹۵، ۱۱۹).



عامل دیگری که در چارچوب نظریه بحران ارزش‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، کم‌رنگ شدن پایبندی مذهبی است. اودری^۱ (۱۹۷۱) که اولین بار به تأثیر کاهش پایبندی مذهبی افراد بر بروز مسائلی مانند اختلاف‌های خانوادگی و طلاق در خانواده اشاره کرد، استدلال می‌کند که کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و دینی، در افزایش اختلاف‌های خانوادگی و طلاق مؤثر است. بنابراین، بر اساس برهان خلف ادعا می‌کنیم که دین ممکن است در نقش عاملی برای جلوگیری از اختلاف‌های خانوادگی و طلاق، ایفای نقش کند. به نظر او، افرادی که ایمان مذهبی قوی‌تری دارند، کمتر به اختلاف‌های خانوادگی و طلاق رو می‌آورند نسبت به کسانی که ایمان ضعیف‌تری دارند (به نقل از زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳، ۳۶۲).

جمعیت‌شناسان نیز بیشتر تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده مانند تغییرات میزان باروری، کاهش مرگ و میر و به ویژه مرگ و میر کودکان، تغییرات ازدواج و زناشویی، تغییرات بعد خانوار و غیره را بررسی کرده‌اند و با گذار جمعیتی اول و دوم به تبیین این تغییرات اقدام کرده‌اند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۳). گذار جمعیتی، کاهش باروری و مرگ و میر از سطوح بالا به سطوح پایین است (بانوی^۲، ۲۰۱۰، ۲۳۹). در واقع، طبق نظریه گذار جمعیتی، روند توسعه جمعیت در همه کشورها مطابق با الگوی توصیف شده از تحولات تاریخی، باروری و مرگ و میر در کشورهای صنعتی است. در ابتدا، درآمد سرانه در سطح پایین و میزان مرگ و میر و میزان باروری در سطح بالاست، افزایش درآمد به کاهش مرگ و میر از طریق بهبود تغذیه و مراقبت‌های بهداشتی منجر می‌شود. با باقی ماندن باروری در سطح بالا رشد جمعیت افزایش زیادی پیدا می‌کند، بعد از مدتی با افزایش درآمد سرانه، باروری کاهش می‌یابد. در مرحله بعدی گذار جمعیتی، میزان مرگ و میر پایین با میزان باروری پایین همراه می‌شود و بنابراین رشد جمعیت کاهش می‌یابد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱، ۸۴).

نظریه گذار جمعیتی دوم برای تبیین تغییرات زناشویی، خانواده و الگوهای تولیدمثل به کار می‌رود (کورک^۳، ۲۰۱۱، ۳۸۹). این تغییرات شامل کاهش ازدواج، افزایش همخانگی، کاهش باروری، افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج، افزایش طلاق، به تعویق

1. Udry
2. Bonneuil
3. Kurek



لنداختن ازدواج و فرزندآوری است (هوم^۱ و همکاران، ۲۰۰۹، ۲۴۰). مطابق این نظریه، خانواده و پیوندهای زناشویی در دوره معاصر، به ویژه در جوامع صنعتی، دستخوش تحولات اساسی شده است. به همین خاطر، این نظریه، تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های پست‌ماتریالیستی، یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق‌بخشی^۲ را عامل تغییرات خانواده تلقی می‌کند.

ون دی کا^۳ به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین پیشگامان این نظریه معتقد است که گذار دوم جمعیتی ناظر بر تحولات بنیادین خانواده است که بیش از هر چیز ریشه در فردگرایی دارد؛ یعنی هنجارها و نگرش‌هایی که بیش از هر چیز بر حقوق و کامیابی‌های افراد تأکید می‌کنند (فروتن، ۱۳۹۲، ۱۰۸). همچنین، گذار دوم جمعیتی بیشتر متأثر از تغییرات به وجود آمده در نقش زنان و پایگاه آنان است. زنان با ورود به عرصه اقتصاد، آزادی و استقلال بیشتری به دست می‌آورند. این امر بر روی میزان باروری آنان و پایداری خانواده تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش طلاق در جامعه می‌شود (عطائی سعیدی، ۱۳۹۱، ۲۰).

لستهاق^۴ و ون دی کا، گذار جمعیتی دوم را ناشی از تغییرات و تنوعات اساسی در خانواده می‌دانند که خود متأثر از تحولاتی است که در سطح جامعه رخ نموده است. به باور آنها از حدود نیمه دهه ۱۹۶۰ به بعد پیوند فرد و جامعه به سستی گرائید. در نتیجه ارزش‌های جامعه‌محور مادی و معطوف به نیازهای اولیه به سرعت جای خود را به ارزش‌های فردمحور پسامادی معطوف به نیازهای ثانویه دادند. همراه با تغییرات در سطح جامعه، تغییرات مهمتر در روابط جنسی، ازدواج و خانواده در این کشورها و مناطق رخ نمود. در فرآیند گذار جمعیت‌شناختی اول، خانواده نهاد نیرومندی بود که با تضعیف آن در دهه‌های پایانی قرن بیستم زمینه را برای ورود به کشورهای اروپای شمالی و غربی، ژاپن و ایالات متحده آمریکا به دوره گذار جمعیت‌شناختی دوم فراهم ساخت. تغییرات اجتماعی دهه‌های آخر قرن بیستم به طور عمیقی خانواده را به عنوان یک نهاد اجتماعی تحت تأثیر قرار داد. کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج و رواج همخانگی از نشانه‌های تضعیف خانواده در این کشورهاست (حسینی،

1. Hoem
2. Self-fulfillment
3. Van de Kaa
4. Lesthaeghe

۱۳۹۰، ۲۱۹-۲۱۸). در مجموع، بر اساس نظریه گذار جمعیتی دوم، تمایل به فرزندآوری در سراسر جهان بسیار کاهش یافته است. قوانین طلاق آزادی‌خواهانه و آسان شده است. نقش زنان و مردان با مشارکت زنان در آموزش، دانشگاه و کار دگرگون شده است. تولد بچه‌های خارج از ازدواج، رو به فزونی می‌باشد. نگرش‌ها بیش از پیش به سوی نقش‌های جنسیتی تساوی حقوق پیش می‌رود، جنسیت و فرزندآوری با استفاده از ابزار پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین، در سطح گسترده و در دسترس، تحول یافته و سطح باروری پایین آمده است (اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳، ۲۶۷).

نظریه ایده‌آلیسم یا آرمان‌گرایی توسعه که برای نخستین بار توسط آرلند ترنتون^۱ تدوین شده است، از آن دست نظریه‌هایی است که بینش‌ها و سازوکارهای جدیدی در خصوص تغییرات جمعیتی و خانوادگی رخ داده در جوامع معاصر ارائه می‌کند (ترنتون و فیلیپاف^۲، ۲۰۰۷، ۷). ترنتون معتقد است که نظریه‌ها و مدل‌های توسعه در طول چند قرن گذشته، پارادایم مسلط بر ادبیات علوم اجتماعی و نیروی قدرتمندی برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع مختلف بوده‌اند. این نظریه‌ها و مدل‌ها، که منشأ آن به سده‌های ۱۶۰۰ و ۱۷۰۰ میلادی برمی‌گردد، در طول چند قرن گذشته، نه تنها در کارهای تحلیلی صاحب‌نظران گسترده بودند، بلکه ایده‌آل‌ها و آرمان‌های اثربخشی را در زمینه توسعه اجتماعی، پیشرفت و مدرنیته ایجاد کرده‌اند که در سرتاسر جهان انتشار یافته و بر اذهان و عملکرد مدیران اجرایی و سیاست‌گذاران و نیز بر عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای عموم مردم جوامع مختلف تأثیرگذار بوده است. این نظریه‌ها و مدل‌های توسعه بر مجموعه‌ای از مفروضات مبتنی بودند که می‌توان آنها را مهمترین اجزای سازنده پارادایم توسعه معاصر تعریف نمود. این مفروضات تا دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی که مورد نقد و بازنگری قرار گرفتند، بر ادبیات توسعه حاکم بودند. ایده‌های زیربنایی پارادایم توسعه، جوامع بشری را در پیوستاری نظیر از عقب‌مانده به متمدن، از سنتی به مدرن، از توسعه‌نیافته به توسعه‌یافته (و نظایر آن) قرار می‌دهد و مدلی طبیعی، یکنواخت، ضروری و خطی، از تغییر اجتماعی و مراحل توسعه جوامع ترسیم می‌کند. بر اساس این پارادایم، همه جوامع از مراحل مشابهی از توسعه، ولی با

1. Arland Thornton
2. Thornton & Philipov



سرعتی متفاوت، عبور می‌کنند (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۷، ۵۲). در واقع، در پارادایم توسعه، پیشرفت تمامی جوامع از طریق یک‌سری مراحل طبیعی، جهانی، یکسان، ضروری و جهت‌دار صورت می‌گیرد (ترنتون، ۲۰۰۱، ۴۵۰؛ ترنتون و فیلیپاف، ۲۰۰۹، ۱۲۸).

ایده‌آلیسم توسعه، مفهومی است که به بررسی، توصیف و تفسیر تغییرات و دگرگونی‌های جهان و روابط انسان‌ها در جهت فهم بهتر و واکنش مطلوب‌تر نسبت به آنها می‌پردازد (کاظمی، ۱۳۸۹، ۳۰۴). در واقع، ایده‌آلیسم توسعه، نظامی از ارزش‌ها و باورها است که از مدل‌های صدساله توسعه‌گرایی یا نظریه نوسازی به وجود آمد. پیام‌های اساسی نظریه آرمان‌گرایی توسعه عبارتند از: الف) جامعه مدرن جامعه‌ای خوب و قابل حصول است؛ ب) خانواده مدرن خوب است و باید شبیه‌سازی شود؛ ج) خانواده‌های مدرن علت و معلول جوامع مدرن هستند و د) آزادی و برابری حق انسان هستند (کاواس و ترنتون، ۲۰۱۳، ۲۲۳).

بر طبق دیدگاه ارائه‌شده (ایده‌آلیسم توسعه) از سوی ترنتون، دانشمندان اجتماعی سده‌های گذشته، ماهیت نظام خانواده در جوامع توسعه‌یافته غربی را نیز متفاوت از سایر جوامع مشاهده کردند. عناصر خانواده در جوامع غیرغربی، به رغم تنوعات قابل ملاحظه، با ویژگی‌هایی نظیر شکل سکونتی گسترده، استحکام بنیان خانواده، عمومیت بالای ازدواج، ازدواج در سنین پایین و عموماً ترتیب‌یافته توسط والدین، پدرسالاری و سرانجام منزلت پایین زنان، تحت عنوان کلی خانواده سنتی توصیف می‌شد. در مقابل، زندگی خانوادگی در جوامع غرب با خصوصیات نظیر هسته‌ای بودن، فردگرایی، عمومیت پایین ازدواج، ازدواج در سنین بالاتر، استقلال جوانان در انتخاب همسر و منزلت بالاتر زنان، با عنوان خانواده مدرن مشخص می‌شد. صاحب‌نظران سده‌های ۱۷۰۰ تا اواسط ۱۹۰۰ میلادی ماهیت متفاوت خانواده در جوامع فوق را معلول ساختار متفاوت اقتصادی-اجتماعی و سطح توسعه آنها دانستند و با استفاده از پارادایم توسعه به این نتیجه رسیدند که در فرآیند توسعه، الگوی خانواده سنتی سایر جوامع نهایتاً هر چه بیشتر به الگوی خانواده مدرن غرب مشابه خواهد شد. پذیرش ایده‌آلیسم توسعه، تغییر بسیاری از رفتارهای جمعیتی و خانوادگی را در جهان - نظیر افزایش استفاده از روش‌های پیشگیری،

خانواده‌های کوچک‌تر، تأخیر ازدواج، نظارت کمتر والدین بر ازدواج جوانان، طلاق بیشتر، برابری جنسیتی بیشتر، روابط جنسی و فرزندآوری خارج از محدوده ازدواج- تسریع کرده است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۷، ۵۵-۵۳).

تدقیق در خصوص پیشینه تجربی پژوهش حاضر نشانگر آن است که تحقیقات صورت گرفته در این زمینه (ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق)، عمدتاً به مطالعه رابطه توسعه و طلاق پرداخته‌اند و جستجو در پایگاه داده‌های معتبر علمی داخلی و خارجی نشان داد که از مطالعه رابطه ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق که می‌تواند تا حد زیادی بیان‌کننده گرایش افراد به سمت طلاق باشد، غفلت شده است. بنابراین، در پژوهش حاضر برای پر کردن این خلاء علمی به مطالعه رابطه ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق در بین افراد متأهل پرداخته شده است. از مهمترین این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

یافته‌های محمودیان و خدامرادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور سال ۱۳۸۵»، با استفاده از روش تحلیل ثانویه بیانگر آن است که رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین توسعه و طلاق وجود دارد. یعنی با افزایش میزان توسعه یافتگی، طلاق نیز افزایش پیدا می‌کند.

یوسفی و خدامرادی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «توسعه و طلاق: با تاکید بر نقش زنان»، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران و سالنامه آماری ثبت احوال و اطلاعات وزرات بهداشت در سال ۱۳۸۵، نشان دادند که بین میزان توسعه‌یافتگی و طلاق رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و با افزایش میزان توسعه‌یافتگی، طلاق نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های مطالعه دیهول و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه توسعه و طلاق در ایران»، با استفاده از روش تحلیل ثانویه نشان داد که همراه با روند رشد شاخص‌های توسعه در طول سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۰ در کشور، میزان طلاق نیز افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. بررسی روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها نشان می‌دهد که از میان شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی، سطح باسوادی و اشتغال در بخش صنعت در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر طلاق داشته و باعث کاهش آن می‌شود در حالی که بررسی روابط بلندمدت نشان می‌دهد که هر چهار متغیر نرخ باسوادی، میزان اشتغال در بخش



صنعت، امید به زندگی و دسترسی به زیرساخت‌های توسعه‌ای دارای اثر مثبت بر طلاق بوده و سبب افزایش طلاق شده‌اند.

موکای^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «نوسازی و طلاق در ژاپن»، نشان داد که در دوره میجی و قبل از جنگ جهانی دوم، کشور ژاپن به وسیله ایدئولوژی خانواده‌گرایی کنترل می‌شد و ارزش‌های سنتی جامعه قبل مدرن، میزان طلاق را پایین نگه داشته بود. بعد از جنگ جهانی دوم، در نتیجه رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی، شکل خانواده و سبک ازدواج تغییر کرد. توسعه اقتصادی تغییرات اساسی فرهنگی به دنبال آورد و ژاپنی‌ها به طور تدریجی گرایش فردگرایی پیدا کردند و میزان طلاق به طور تدریجی افزایش یافت. از ۱۹۸۰ به بعد این جریان فرد گرایی در ژاپن تقویت شده و گرایش به خانواده و گروه‌های خویشاوندی کاهش پیدا کرده و طلاق به یک هنجار اجتماعی با قبح کمتری تبدیل شده است.

ریمو^۲ و همکارانش (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «ازدواج و خانواده در شرق آسیا: تداوم و تغییر»، نشان دادند که نوسازی و گذار دوم جمعیتی نقش بسیار زیادی در تغییر و تحولات خانواده در زمینه‌هایی همچون تاخیر در ازدواج، عدم ازدواج، باروری پایین، هم‌خانگی، افزایش طلاق، تغییر نگرش افراد به ارزش‌های خانوادگی در کشورهای ژاپن، چین، کره و تایوان داشته‌اند.

چن^۳ و همکارانش (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «روند طلاق در چین در طول زمان و مکان»، به مطالعه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر روند طلاق بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ در سطح استان‌های کشور چین پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که تاثیر عواملی مانند توسعه اقتصادی، شهرنشینی و اشتغال در طول زمان بر طلاق افزایش یافته است.

پینار و کوتلار^۴ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «اثرات رکود اقتصادی بر میزان طلاق: پژوهشی در مورد ترکیه»، با استفاده از داده‌های سرشماری این کشور، نشان دادند که

1. Mukai
2. Raymo
3. Chen
4. Pinar & Kutlar

بیکاری، درآمد ملی، مقررات قانونی و بحران‌های اقتصادی بر میزان طلاق تأثیر مثبتی دارند.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین فردگرایی و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین عرفی‌شدن باورهای دینی و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین جهان‌گرایی و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۴- بین عقلانیت و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۵- بین بازانندیشی و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۶- بین مساوات‌طلبی جنسیتی و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- ۷- بین ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، پیمایشی است و داده‌های آن با بهره‌گیری از پرسشنامه در سال ۱۳۹۷ در شهر تبریز جمع‌آوری شده است. جامعه آماری پژوهش، خانوارهای معمولی شهر تبریز است که تعداد آنها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶۳۶۶۰ خانوار است. حجم نمونه پس از انجام پیش‌آزمون و تعیین واریانس صفت مورد مطالعه (واریانس متغیر وابسته) در جامعه آماری، با استفاده از فرمول کوکران، ۶۰۰ نفر برآورد شد. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. روش کار نمونه‌گیری به این صورت است که در مرحله نخست، هر یک از مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. در مرحله دوم، کار نمونه‌گیری در داخل هر یک از خوشه‌ها انجام شد و بر اساس آن اغلب بلوک‌ها یا ساختمان‌های هر یک از خوشه‌ها در طرح نمونه‌گیری قرار گرفتند. در مرحله سوم به تناسب تعداد خانوارها در بلوک‌های انتخاب‌شده نمونه‌نهایی انتخاب شد و پرسشنامه‌ها تکمیل شدند.

جهت تعیین اعتبار گویه‌ها از دو روش اعتبار صوری و اعتبار سازه استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا بعد از بررسی مطالعات و منابع گوناگون داخلی و خارجی، برای سنجش نگرش به طلاق ۱۰ گویه مشخص شد و در اختیار سه تن از اساتید علوم



اجتماعی قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا مناسب‌ترین گویه‌ها را به ترتیب اولویت انتخاب کنند. سپس، برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای، از شاخص اعتبار سازه‌ای همگرا یا تشابهی استفاده شد و مقدار آن ۰/۵۴ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن اعتبار ابزار سنجش است. در مجموع، متغیر نگرش به طلاق پس از حذف ۳ گویه با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت پنج درجه‌ای سنجیده شده است. پایایی گویه‌ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و مقدار آن ۰/۸۶ به دست آمد.

متغیر ایده‌آلیسم توسعه نیز با استفاده از پیشینه تجربی پژوهش با مؤلفه‌های عقلانیت، فردگرایی، بازندیشی، مساوات‌طلبی جنسیتی، جهان‌گرایی و عرفی‌شدن باورهای دینی در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای سنجیده شده است. پایایی کل متغیر ایده‌آلیسم توسعه ۰/۸۰ و ابعاد آن یعنی عقلانیت ۰/۸۲، فردگرایی ۰/۸۰، بازندیشی ۰/۷۸، مساوات‌طلبی جنسیتی ۰/۸۰، جهان‌گرایی ۰/۷۲ و عرفی‌شدن باورهای دینی ۰/۷۳ به دست آمد که نشانگر آن است گویه‌های انتخاب شده برای اندازه‌گیری ایده‌آلیسم توسعه گویه‌های مناسبی هستند. برای ارزیابی اعتبار سازه‌ای، از شاخص اعتبار سازه‌ای همگرا یا تشابهی استفاده شد و مقدار آن ۰/۵۲ به دست آمد که حاکی از مناسب بودن اعتبار ابزار سنجش است. در جدول ۱، گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته آورده شده است.

جدول ۱: گویه‌های مورد استفاده برای سنجش متغیرهای پژوهش

متغیر	بعد	گویه
ایده‌آلیسم توسعه	عقلانیت ابزاری	انسان هر چقدر هم تلاش کند بیشتر از قسمت و روزی خود نمی‌تواند به دست آورد. سرنوشت انسان از پیش تعیین شده است و نمی‌توان آن را تغییر داد. برای اینکه آدم آینده خوبی داشته باشد شانس خیلی تاثیرگذارتر از تلاش شبانه‌روزی او است. قبل از انجام هر کاری سود و زیان آن را برای خانواده‌ام در نظر می‌گیرم. وقتی متکدی‌ای (گدایی) را در شهر می‌بینم به او کمک می‌کنم (پول می‌دهم). موفقیت‌هایی که در زندگی‌ام داشته‌ام حاصل برنامه‌ریزی بوده است تا شانس. به نظرم، برای اداره و حل مشکلات جامعه باید از نتایج تحقیقات علمی استفاده کنیم. اغلب مواقع، مشکلات زندگی افراد از بی‌برنامه‌گی و سهل‌انگاری خودشان ناشی می‌شود.
	فردگرایی	این روزها وضع طوری شده است که هر کس باید به فکر خودش باشد. در کارهایم به ارزیابی دیگران توجهی ندارم. هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم نظر



متغیر	بعد	گویه
		خودم مهمتر از دیگران است. من برای رسیدن به موفقیت، فقط روی خودم حساب می‌کنم و بس. در راه رسیدن به اهدافم، منافع و حقوق دیگران را هم در نظر می‌گیرم. وقتی با دیگران همکاری می‌کنم، احساس خوبی دارم.
	بازاندیشی	یک مرد نباید به کارهای زنانه‌ای مثل خانه‌داری و آشپزی و نگهداری از فرزند بپردازد. یک زن نباید به کارهای مردانه‌ای مثل تأمین معاش خانواده بپردازد. وظیفه زن انجام امور مربوط به خانه و وظیفه مرد رسیدگی به امور خارج از خانه و تأمین معاش خانواده است. زنان احتیاج چندانی به تحصیلات در مقاطع بالا ندارند. زن امروز نباید محبوس در خانه و آشپزخانه باشد. اشتغال برای زن امروزی یک ضرورت مهم است. بسیاری از سنت‌های جامعه‌مان باید بر اساس نیازهای امروز مورد بازنگری قرار گیرند. پایبندی به ارزش‌های سنتی در جامعه باعث عقب‌ماندگی است. سنت‌های جامعه باید تا جایی حفظ شوند که با عقل سازگار باشند. سنت‌ها و آیین‌های دینی و مذهبی که در جامعه مقدس تلقی می‌شوند را نباید نقد کرد. با وجود علوم روز پزشکی، آیین‌های سنتی همچون دعا و توسل تأثیر چندانی در شفای بیماری ندارند. داشتن اندام متناسب و زیبا یکی از عوامل کسب موفقیت در جامعه است. داشتن اندام متناسب و زیبا باعث جذابیت افراد می‌شود. در صورت لزوم برای داشتن اندام متناسب و زیبا باید جراحی زیبایی انجام داد. برای حفظ تناسب اندام مرتب ورزش می‌کنم. برای حفظ تناسب اندامم به رژیم غذایی‌ام توجه می‌کنم. برای حفظ تناسب اندامم از خوردن غذاهای پر چرب یا پر کالری خودداری می‌کنم.
	عرفی شدن	میزان نماز خواندن، میزان قرآن خواندن، میزان روزه گرفتن، میزان شرکت در نماز جماعت، میزان شرکت در نماز جمعه، میزان شرکت در جشن‌ها، مراسم و هیئت‌های مذهبی، به خداوند اعتقاد دارم. قرآن کریم کلام خداوند است و هر چه می‌گوید حقیقت محض است. به نظرم، پیامبران فرستادگان خداوند هستند. در روز قیامت به اعمال و رفتار ما دقیقاً رسیدگی می‌شود. این دنیای پر از ظلم و جور، با ظهور یک منجی، پر از عدل و داد خواهد شد. بعضی وقت‌ها احساس ترس از خداوند به من دست می‌دهد. هنگام شنیدن اذان و قرآن احساس آرامش می‌کنم. گاهی احساس توبه می‌کنم و از خداوند می‌خواهم تا برای جبران گناهانم به من کمک کند. بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است. به نظرم، با پدیده بدحجابی باید با قاطعیت مبارزه کرد. هرگاه به حرم یکی از امامان یا امام‌زاده‌ها می‌روم احساس آرامش می‌کنم. در مورد خرید و فروش مشروبات الکلی نباید این قدر سخت‌گیری کرد. به نظرم، بهتر است که افراد با اعتقادات مذهبی قوی‌تر، در رأس کارها باشند. من معتقدم سیاست‌مدارانی که معتقد به خدا یا مذهبی

متغیر	بعد	گویه
		نیستند به درد پست‌های دولتی نمی‌خورند. به‌نظرم، باید جلوی کتاب‌ها و فیلم‌هایی که با اعتقادات و باورهای مذهبی در تضاد است، گرفته شود.
	جهان‌گرایی	مشکلات بین‌المللی (همچون گرم شدن کره زمین) به اندازه مسائل و مشکلات کشورم برایم مهم نیست. ایران باید درهای خود را بدون هیچ‌گونه محدودیتی برای ارتباط با دیگر کشورها باز کند. معتقدم کشورمان نباید در همه نهادهای بین‌المللی مشارکت و عضویت داشته باشد. با همه انسان‌های جهان برابریم و نیازها و دغدغه‌های مشترکی داریم. به نظر من، یادگیری زبان انگلیسی برای زندگی در عصر حاضر ضروری است. موسیقی‌ها و ترانه‌های سایر کشورها و فرهنگ‌ها را گوش نمی‌کنم. به نظر من، این روزها سرنوشت انسان‌ها در جهان به هم گره خورده است. معتقدم که بچه‌های مان باید با افراد سایر کشورها نیز معاشرت و ارتباط داشته باشند. اخبار و مسائل روز دنیا را پیگیری نمی‌کنم.
	مساوات‌طلبی جنسیتی	در خانواده ما، من و همسر از اختیارات یکسانی برخوردار هستیم. به نظرم، زنان همچون مردان توانایی فعالیت در پست‌های سیاسی را ندارند. به نظرم، زن و مرد در خانواده و جامعه باید از حق و حقوق یکسانی برخوردار باشند. به‌نظرم، شرایط استخدام زنان و مردان در جامعه نباید یکسان باشد. به‌نظرم، بسیاری از مشاغل را زنان به همان خوبی مردان انجام می‌دهند. به‌نظرم، زنان همچون مردان توانایی مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس را ندارند.
	نگرش به طلاق	طلاق امری ناپسند است و تا حد امکان باید از آن پرهیز کرد. به‌نظرم طلاق گرفتن مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه مشکلی بر مشکلات می‌افزاید. طلاق یک انگ اجتماعی است و من حاضر نیستم این انگ را تحمل کنم. طلاق گرفتن راهی درست برای پایان دادن به اختلافات خانوادگی است. زن باید با لباس سفید به خانه شوهر برود و با لباس سفید از آن خارج شود. طلاق برای رهایی از شرایط نامساعد زندگی مشترک، بهترین گزینه است. می‌توان طلاق گرفت و در تجربه دوم، زندگی بهتری ساخت.

منبع: گردآوری محققان

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که ۵۰ درصد (۳۰۰ نفر) پاسخگویان زن و ۵۰ درصد (۳۰۰ نفر) مرد هستند. همچنین، پاسخگویان در بازه سنی ۱۸-۸۷ سال قرار دارند و میانگین سنی آنها ۴۲/۴۹ سال است. از لحاظ پایگاه وضعیت اقتصادی-اجتماعی، ۳۲/۴ درصد مشارکت‌کنندگان از پایگاه پایین، ۳۴/۶ درصد متوسط و ۳۳/۱ درصد از پایگاه بالایی برخوردارند.

در جدول ۲ با توجه به میانگین نگرش به طلاق (۲۳/۰۲) می‌توان گفت که میزان نگرش به طلاق در سطح متوسط رو به بالایی قرار دارد؛ این بدین معنا است که اکثر پاسخگویان نگرش‌شان به طلاق منفی است و قبح طلاق هنوز از بین نرفته است. همچنین، میانگین ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن (فردگرایی، مساوات‌طلبی جنسیتی، جهان‌گرایی، عقلانیت، بازاندیشی و عرفی‌شدن باورها دینی) نیز در سطح متوسطی قرار دارند. این بدین معنا است که پاسخگویان در حد متوسطی تحت تاثیر ایده‌آلیسم توسعه قرار گرفته‌اند و آن را به شکل ضعیف یا خیلی قوی تجربه نکرده‌اند.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
فردگرایی	۶	۳۰	۱۷/۱۵	۴/۱۴
عرفی‌شدن باورهای دینی	۲۱	۱۰۵	۵۴/۶۵	۱۷/۸۹
جهان‌گرایی	۱۵	۴۵	۳۱/۷۳	۴/۸۲
عقلانیت	۱۰	۵۰	۲۵/۰۵	۴/۶۱
بازاندیشی	۱۷	۸۵	۵۵/۳۹	۱۱/۹۵
مساوات‌طلبی جنسیتی	۶	۳۰	۲۰/۶۵	۵/۱۳
ایده‌آلیسم توسعه	۷۵	۳۷۵	۲۰۴/۶۴	۳۴/۰۹
نگرش به طلاق	۷	۳۵	۲۳/۰۲	۶/۸۱

منبع: محاسبات پژوهش

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به طلاق از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. اطلاعات جدول شماره ۳ بیانگر آن است که بین ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن با نگرش به طلاق، با توجه به سطح معنی‌داری به دست آمده که کمتر از ۰/۰۵ است، همبستگی مستقیمی وجود دارد. این بدین معنا است که با افزایش میزان ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن (فردگرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی، عرفی‌شدن باورها دینی، بازاندیشی و مساوات‌طلبی جنسیتی)، نگرش افراد به طلاق مثبت می‌شود و از قبح



طلاق کاسته می‌شود. از میان مولفه‌های ایده‌آلیسم توسعه، بیشترین میزان همبستگی با نگرش به طلاق را بازاندیشی و عرفی شدن باورهای دینی دارند.

جدول ۳. نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین ایده‌آلیسم توسعه و ابعاد آن با نگرش به طلاق

متغیرها	همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
فردگرایی	۰/۱۷	۰/۰۰۱
عرفی شدن باورهای دینی	۰/۴۱	۰/۰۰۱
جهان‌گرایی	۰/۲۸	۰/۰۰۱
عقلانیت	۰/۱۷	۰/۰۰۱
بازاندیشی	۰/۴۵	۰/۰۰۱
مساوات‌طلبی جنسیتی	۰/۲۳	۰/۰۰۱
ایده‌آلیسم توسعه	۰/۴۹	۰/۰۰۱

منبع: محاسبات پژوهش

برای مشخص نمودن تاثیر مولفه‌های ایده‌آلیسم توسعه بر نگرش به طلاق پاسخگویان از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. تمامی پیش‌فرض‌های رگرسیون جهت آزمون رگرسیون برقرار بوده به طوری مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۷۵) در بازه قابل قبول یعنی بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد که نشان می‌دهد خطاها یا باقیمانده‌ها مستقل از هم هستند. مقادیر به دست آمده از آزمون تولرانس که همگی بالاتر از ۰/۷۰ و نزدیک به ۱ هستند، بیانگر آن است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالا یا هم‌خطی وجود ندارد. از بین مولفه‌های ایده‌آلیسم توسعه فقط مولفه‌های بازاندیشی و عرفی شدن باورهای دینی توانسته‌اند تاثیر معنی‌داری روی نگرش به طلاق پاسخگویان داشته باشند و مولفه‌های جهان‌گرایی، عقلانیت، فردگرایی و مساوات‌طلبی جنسیتی نتوانسته‌اند تاثیر معنی‌داری بر روی نگرش به طلاق داشته باشند و از مدل حذف شده‌اند. ضریب تبیین نیز ۰/۲۵ به دست آمده و نشانگر آن است که متغیرهای بازاندیشی و عرفی شدن باورهای دینی توانسته‌اند ۲۵ درصد از واریانس یا تغییرات نگرش به طلاق پاسخگویان را تبیین کنند. میزان تاثیر مولفه بازاندیشی ۰/۳۲ و عرفی شدن باورهای دینی

۰/۲۶ است. این بدین معنا است که مولفه‌های بازاندیشی و عرفی‌شدن باورهای دینی نقش زیادی در کاهش قبح طلاق و شکل‌گیری نگرش مثبت به طلاق دارند.

جدول ۴. آزمون رگرسیون چندگانه جهت تبیین نگرش به طلاق پاسخگویان

متغیر	B	انحراف استاندارد	Beta	t	sig	Tolerance	R	R ²	F	sig
بازاندیشی	۰/۱۸	۰/۰۲۳	۰/۳۲	۸/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۰/۵۰	۰/۲۵	۱۰۲/۲۲	۰/۰۰۱
عرفی‌شدن	۰/۱۰	۰/۰۱۵	۰/۲۶	۶/۶۲	۰/۰۰۱	۰/۷۸				

منبع: محاسبات پژوهش

نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که بین ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن با نگرش به طلاق، همبستگی مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن (فردگرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی، عرفی‌شدن باورها دینی، بازاندیشی و مساوات‌طلبی جنسیتی)، نگرش افراد به طلاق مثبت می‌شود و از قبح طلاق کاسته می‌شود. از میان مولفه‌های ایده‌آلیسم توسعه، بیشترین میزان همبستگی با نگرش به طلاق را بازاندیشی و عرفی‌شدن باورهای دینی دارند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش‌های محمودیان و خدامرادی (۱۳۸۹)، یوسفی و خدامرادی (۱۳۹۱)، دیهول و همکاران (۱۳۹۵)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، موکای (۲۰۰۴) و ریمو و همکارانش (۲۰۱۵) است که مدرنیزاسیون یا نوسازی و توسعه را عاملی مهم در افزایش طلاق دانسته‌اند. در تبیین یافته‌های بالا می‌توان گفت که اساس فردگرایی نوین این اندیشه است که هر فرد حاکم بر امور خویش است چون صاحب قدرتی است که خاص اوست و برخوردش با دیگری تنها به واسطه روابط قراردادی میسر می‌گردد که برای هر کس بیشترین حد ممکن استقلال و اختیار را قائل است. آن‌چه در فرآیند فردگرایی رخ می‌دهد یک تحول اندیشه‌ای است. فرد خود را می‌بیند و سرمنزل مقصود برای او مفهوم خاصی می‌یابد به این معنا که دیگر صرف سعادت جمعی برای او هدف نیست بلکه او سعادت فردی خود را می‌جوید (لول‌آور و کشاورز، ۱۳۹۶). در این زمینه، تورنتون^۱



(۲۰۰۱) معتقد است که فردگرایی اساس تغییر خانواده در کشورهای صنعتی و دیگر نقاط جهان است (به نقل از احمدی و همکاران، ۱۳۹۱). گسترش فردگرایی به عقاید و نگرش‌هایی برای تنها زیستن، همخانگی، طلاق، ازدواج مجدد و کاهش تأثیر هنجارهای اجتماعی بر رفتار فرزندان منجر شده است (رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴). در واقع، فردگرایی باعث شده که افراد از خانواده‌ها جدا شوند و خودمختاری بیشتری را به دست آورند. با کسب خودمختاری، آنها توانسته‌اند به تصمیم‌گیری‌های روشنی درباره روابط خانوادگی خود برسند. تصمیماتی نظیر این که ازدواج کنند یا این که رابطه جنسی غیررسمی داشته باشند، یا این که به تنهایی زندگی کنند، طلاق بگیرند یا متأهل باقی بمانند. از دیدگاه پوپینو^۱ (۱۹۸۸)، ایده پیشرفت به منظور رضایت خود، شرایط فردگرایی افسارگرفته را فراهم آورده و فردگرایی نیز منجر به بی‌ثبات شدن خانواده و کاهش ارزش خانواده نسبت به فرد شده است (به نقل از لولاآور و کشاورز، ۱۳۹۶).

عقلانیت به معنی تلاش برای عقلانی کردن هر چیز، شکستن و ویران‌گری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حسن‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری زندگی کهن است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). به نظر وبر، عقلانیت به معنی گسترش بخش‌ها یا حوزه‌هایی از جامعه است که تابع معیار تصمیم‌گیری عقلانی هستند و هدف آن ایجاد، بهبود، پیشرفت و توسعه کنش‌های عقلانی معطوف به هدف است. وبر این نوع عقلانیت را «عقلانیت ابزاری^۲» می‌نامد (آقانظری و دانش، ۱۳۹۳). در عقلانیت ابزاری، روابط افراد فقط در چارچوب محاسبه‌های خشک و بی‌عاطفه مالی شکل می‌گیرد و انسان‌هایی با ذهنیت‌های جدید، با تمنیات و خواسته‌های متفاوت در حوزه خانواده رشد می‌کنند و خانواده به سوی دگرگونی نگرش‌ها، ارزش‌ها و نقش‌ها پیش می‌رود. رشد فردگرایی و طرز تفکر سودگرانه ناشی از عقلانیت ابزاری در خانواده، موجب می‌شود که سرمایه انسانی و اجتماعی در خانوادگی کاهش یابد و خانواده از عهده تقبل و انجام بسیاری از رسالت‌های طبیعی باز بماند. در این زمینه، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش‌شان نشان دادند که با افزایش میزان فردگرایی و عقلانیت زنان، تمایل آنها به طلاق افزایش می‌یابد.

1. Popenoe
2. Instrumental Rationality

در زمینه نقش مساوات‌طلبی جنسیتی در افزایش نگرش منفی به طلاق نیز می‌توان گفت که در خانواده‌های سنتی به خاطر فراگیر بودن ایدئولوژی مردسالارانه، به زنان اجازه چندانی برای حضور و مشارکت در عرصه‌های مختلف همچون آموزش، اشتغال و امور سیاسی داده نمی‌شد. اما فراگیر شدن آموزش همگانی و شکل‌گیری مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سایه ورود برنامه‌های توسعه به کشور، مردسالاری در جامعه و خانواده تا حدودی مورد افول واقع قرار گرفت و جریان‌های فکری جدید همچون فمینیسم، نظام تقسیم نقش‌های سنتی زن و مرد را به چالش کشیدند. در نتیجه با افزایش ورود زنان به دانشگاه‌ها و افزایش آگاهی آنها، امروزه بسیاری از زنان خواهان حضور در جامعه هستند و خود را ملزم به انجام بسیاری از نقش‌های سنتی و خانوادگی خود نمی‌دانند. در این زمینه، مک‌دونالد^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که امروزه تحت تأثیر لندیشه‌های برابری جنسیتی، نهادها زن را جدای از نقش‌های وی به عنوان یک همسر، مادر و یا یک عضوی از خانواده به عنوان یک فرد در نظر می‌گیرند. به طوری که در دوران مدرن، ارزش‌هایی چون وفاداری و همدردی زن و مرد نسبت به هم، تولید مثل و تولد فرزندان و نقش‌های جنسیتی مانند نان‌آور بودن مرد و خننه‌دار بودن زن، وظیفه تربیت فرزند و غیره نیز به شدت زیر سؤال رفته و بسیار کم‌رنگ شده‌اند و نهاد خانواده و ارزش‌های آن، به هیچ وجه آن قداست خاص دوران ماقبل صنعتی و مدرن را ندارد. در نتیجه امروزه افراد به ویژه زنان برای خود نقش‌ها و وظایفی قائل می‌شوند که در راستای توسعه و پیشرفت فردی آنان باشد. به عبارت دیگر، امروزه زنان فراتر از حوزه خصوصی و نقش مادری و همسری نقش بر عهده می‌گیرند و منابع هویت‌ساز آنان متنوع شده است (عنایت و پرینان، ۱۳۹۲). یکی از نتایج این امر، تضعیف ارزش‌های خانوادگی سنتی و از بین رفتن قبح طلاق است.

اگرچه بازاندیشی، عرفی‌شدن باورهای دینی، فردگرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی و مساوات‌طلبی جنسیتی با نگرش به طلاق همبستگی مستقیمی دارند؛ اما از بین مولفه‌های ایده‌آلیسم توسعه فقط تاثیر ابعاد بازاندیشی و عرفی‌شدن باورهای دینی در مدل رگرسیونی معنی‌دار شده و توانسته‌اند ۰/۲۵ از تغییرات نگرش به طلاق پاسخگویان را تبیین کنند. ایده‌آلیسم توسعه مستلزم یک فرآیند دنیوی‌سازی (عرفی‌شدن) نیز است. عرفی‌شدن به این



معناست که به‌طور نظام‌مند عقل و علم جایگزین نهادها، اعتقادات و کردارهای مذهبی می‌شود (واترز، ۱۳۸۱). رواج ارزش‌های سکولاریستی موجب تغییر در ارزش‌های خانوادگی سنتی می‌شود. در این زمینه، یافته‌های نیلز^۱ (۲۰۰۶) بیانگر آن است که کاهش میزان ازدواج، افزایش همخانگی و طلاق و باروری‌های ناشی از روابط فرازنشویی در بلژیک ناشی از رشد عرفی‌شدن ارزش‌ها و باورهای دینی است. استوکس و الیسون^۲ (۲۰۱۰) نیز در پژوهش‌شان نشان دادند افرادی که اعتقادات و مشارکت دینی بالایی دارند و سکولار نیستند از قوانین سخت‌گیرانه طلاق حمایت بیشتری می‌کنند. در تحلیل این امر می‌توان گفت که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی عوامل بازدارنده‌ای هستند که نگرش و رفتار فرد را در تمامی عرصه‌ها همچون حوزه خانواده کنترل می‌کنند. در تمامی ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام اهمیت زیادی به خانواده و ارزش‌های خانوادگی سنتی همچون تشکیل خانواده، ازدواج، فرزندآوری و خودداری از طلاق و روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج، داده شده است. اما ورود ایده‌آلیسم توسعه و اندیشه‌های مدرن از جمله عرفی‌شدن، به کشور، باورها و اعتقادات دینی را به ویژه در نسل‌های جوان تقریباً به انزوا کشانده و محدود به حوزه زندگی خصوصی نموده است. یکی از پیامدهای این امر، تغییر نگرش‌های افراد نسبت به خانواده، ازدواج و طلاق است.

بازاندیشی از دیگر مؤلفه‌های ایده‌آلیسم توسعه است که توانسته است تأثیر معنی‌داری بر روی نگرش به طلاق افراد داشته باشد. از نظر گیدنز ویزگی مدرنیته، بازاندیشی درباره همه چیز است و بازاندیشی در خصوص سنت و ارزش‌های سنتی یا پیشین جامعه یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته است. در واقع، در جریان فرآیند بازاندیشی نقش الگوهای سنتی در جهت‌دهی به کنش افراد کمرنگ شده و افراد در پرتو اطلاعات تازه دائماً کنش‌های (همچون کنش‌های جنسی، فرزندآوری، طلاق و...) خود را بازتفسیر می‌کنند. در این بین، فرآیند بازاندیشی به عرصه ارزش‌های خانوادگی سنتی هم رسیده است. ارزش‌هایی که در گذشته بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شد امروزه ماهیت و عملکردش به چالش کشیده می‌شود و ارزش‌های جدیدی (از بین رفتن قبح طلاق) به جای آن پذیرفته می‌شود.

1. Neels
2. Stokes & Ellison



در مجموع، در خصوص یافته‌های پژوهش حاضر نباید این‌گونه برداشت شود که ایده‌آلیسم توسعه و مولفه‌های آن علت طلاق در جامعه ما هستند و افراد برخوردار از ارزش‌های مدرن، نگرش مثبتی به طلاق دارند؛ بلکه آنچه ارتباط ایده‌آلیسم توسعه و نگرش به طلاق را معنی‌دار می‌کند، پیامدهای جانبی است که حرکت به سمت توسعه به همراه داشته و سبب افزایش طلاق و کاهش قبج طلاق در جامعه می‌گردد. فرآیند ایده‌آلیسم توسعه با تغییر و تحولات اجتماعی (افزایش شهرنشینی، تحصیلات، استفاده از رسانه‌های جمعی، افزایش جمعیت و...) باعث تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های افراد می‌شود و این دگرگونی‌ها ساختار، نظام معنایی، ارزش‌ها و کارکردهای خانواده را تغییر داده و موجب پذیرش نسبی طلاق در جامعه و تضعیف قبج آن می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Abbasi-Shavazi, M. J., & McDonald, P. (2007). Family change in Iran: Religion, revolution, and the state. In *International family change* (pp. 191-212). Routledge.
- Abbasi-Shavazi, M.J., & Askari Nodoushan, A. (2005). Family Changes and Fertility Decline in Iran, a Case Study of Yazd Province. *Journal of Social Sciences Letters*, 11(3), 35-75. (in Persian)
- Abbaszadeh, M., Aghayari, T., Alizadeh Aghdam, M., Adlipour, S. (2020). Modernization and Transformation of Traditional Family Values in Tabriz City. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 9(1), 161-190. (in Persian)



- Abbaszadeh, M., Saeidi Ataei, H., & Afshari, Z. (2015). A Study of Some Modernity's Factors Effective on Women's Tendency toward Divorce (Research Subjects: Married Women in Zanjan). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 4(1), 25-44. (in Persian)
- Adlipour, S. (2020). *Investigating the Role of Modernization in Family Changes and Transformations (the Case of Study: Families in Tabriz City)*. Unpublished PhD Dissertation, Tabriz University, Iran. (in Persian)
- Ahmadi, V., Ghasemi, V., & Kazemipour, S. (2012). Role of Demographic Transition in Sociological Changes of the Family. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10(1), 81-102. (in Persian)
- Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*, 62(4), 1269-1287.
- Askari Nodoushan, A., Abbasi Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2009). Mothers, Daughters, and Marriage (Intergenerational Differences in Marriage Attitudes in the City of Yazd, Iran). *Women's Strategic Studies*, 11(44), 7-36. (in Persian)
- Bonneuil, N. (2010). Family regulation as a moving target in the demographic transition, *Mathematical Social Sciences*, 59(2), 239-248.
- Chaboki, O. (2013). An Intergenerational Study of the Relationship between Attitudes towards Divorce and Family Functions in Women of Tehran. *Journal of Woman and Family Studies*, 1(1), 159-185. (in Persian)
- Chen, M., Rizzi, E. L., & Yip, P. S. (2021). Divorce trends in China across time and space: an update. *Asian Population Studies*, 17(2), 121-147.
- Dayhuol, M., Ahmadi, S., Mirfardi, A. (2016). Relationship between Development and Divorce in. *Journal of Social Work Research*, 3(9), 180-217. (in Persian)
- Enayat, H., & Parnian, L. (2013). The Study of Cultural Globalization and Tendency to Fertility. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 4(2), 109-137. (in Persian)
- Foroutan, Y. (2014). The Challenges of Contemporary Family and Modernization: an Emphasis on Divorce in the Process of Demographic Transition. *Social Problems of Iran*, 4(2), 105-129. (in Persian)
- Ghasemi, V., Vahida, F., Rabbani, R., & Zakeri, Z. (2010). The Effect of Social Class on Attitude towards Modernism in the City of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 43-68. (in Persian)
- Haghightain, M., & Darabi, M. (2016). Effects of Cultural Modernization and the Mechanism of its Effect on Family Values (Case Study: the city of Nahavand). *Sociological Studies of Youth*, 7(20), 57-88. (in Persian)
- Hasani, MR., Hedayati, M & Mohammadzadeh, F. (2017). Meta-Analysis of the Studies Conducted on the Attitude Towards Divorce in The Years 2003-2015. *Journal of Iranian Social Studies*, 11(3), 126-151. (in Persian)
- Hoem, J, M, Kostova, D, Jasilioniene, A, Muresan, C. (2009). Traces of the second demographic transition in fourselected countries in central and eastern europe: union formation as a demographic manifestation, *European Journal of Population*, 25(3), 239-255.
- Hosseini, H. (2011). *Social Economic Demography and Family Planning*. Hamadan: Bu Ali Sina University. (in Persian)



- Janadleh, A., & Rahnama, M. (2015). Change in Conventional Pattern of Iranian Family (Secondary Analysis of National Data). *Journal of Family Research*, 10(3), 277-296. (in Persian)
- Kavas, S., & Thornton, A. (2013). Adjustment and Hybridity in Turkish Family Change: Perspectives from Developmental Idealism. *Journal of Family History*, 38(2), 223-241.
- Kurek, S. (2011). Population changes in Poland: A second demographic transition view, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 19, 389-396.
- Lolavar, M., & Keshavarz, MA. (2016). *The Transformation of the Family in the Context of Modernity*, Tehran: Poshiban.
- Mahmoudian, H., & Khodamoradi, H. (2010). Reviewing Relationship between Divorce and Socio-economic Development in Iran's Towns in 2006. *Societal Security Studies*, 1(23), 13-41. (in Persian)
- Masoudinia, Z., bankipoorfard, A. H., & gholizadeh, A. (2015). Qualitative Study of the Experiences of Divorced Men and Women of Cultural Factors Inducement Divorce. *Journal of Applied Sociology*, 26(1), 39-64. (in Persian)
- Mc Donald, P. (2000) Gender Equity, Social Institutions and the Future of Fertility. *Journal of Population Research*, 17 (1): 1-15.
- Mukai, M. (2004). Modernization and divorce in Japan. Marshall University.
- Nazari, H. A., & Danesh, S. H. A. (2014). An Inquiry into the Interaction between Rational Behavior Models in Conventional Economics and Rationality Theories in other Sciences. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 6(2), 129-158. (in Persian)
- Neels, K. (2006). Fertility postponement: cultural dynamics or structural change?. In *Population challenges in ageing societies: European Population Conference, Liverpool, United Kingdom, 21-24 June 2006*.
- Ojaghlo, S., & Saraie, H. (2014). A study of Temporal changes of child value in Iran (Zanjan city womans). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 3(2), 261-283. (in Persian)
- Pinar, K. O. Ç., & Kutlar, A. (2021). The Effects of Economic Recessions on Divorce Rates: A Research on Turkey. *Sosyoekonomi*, 29(49), 65-84.
- Rasoulzadeh Aghdam, S. (2018). *Studying the Impact of the Modernization Process on the Structure and Function of the Family and the Issues Arising from it (Case Study: Tabriz City Families)*. Tabriz: East Azerbaijan Governorate. (in Persian)
- Rasoulzadeh Aghdam, S., & Adlipour, S. (2015). *Social Pathology of the Family Institution*. Tabriz: Tanin Danesh. (in Persian)
- Raymo, J. M., Park, H., Xie, Y., & Yeung, W. J. J. (2015). Marriage and family in East Asia: Continuity and change. *Annual Review of Sociology*, 41, 471-492.
- Stokes, C. E., & Ellison, C. G. (2010) Religion and attitudes toward divorce laws among U.S. Adults. *Journal of Family Issues*, 31(10), 1279-1304.
- Thornton, A., & Philipov, D. (2009). Sweeping changes in marriage, cohabitation and Childbearing in Central and Eastern Europe: NewInsights from the Developmental Idealism FrameworkTransformations. *European Journal of Population*, 25(2), 123-156.



- Thornton, A. (2001). The developmental paradigm, reading history sideways, *Family Change, Demography*, 38(4), 449-465.
- Waters, M. (2002). *Traditional Society and Modern Society*. translated by Mansour Ansari, Tehran: Naqsh Jahan.
- Yousefi, N., & Khodamoradi, H. (2012). *Development and Divorce: an Emphasis on the Role of Women*. Tehran: Agah Pub.
- Zahedi, M. J., Nayebi, H., Danesh, P., & Nazoktabar, H. (2013). Sociological Explanation the Impact of Modernization Process on Family Structure. *Women's Strategic Studies*, 16(61), 97-148. (in Persian)

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



نحوه تاب‌آوری خانواده‌های دانش‌آموزان در مواجهه با پیامدهای اقتصادی
کرونا با تأکید بر کنش‌های آموزشی آنها
(پژوهش موردی: شهرک رباط طرق مشهد)^۱
محسن نوغانی دخت بهمنی^۲ و مهدی نیکخواه^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

چکیده

پژوهش حاضر در قالب روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی به منظور شناسایی کنش‌های آموزشی خانواده‌ها در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از خانواده‌های دانش‌آموزان پسر متوسطه اول، ساکن شهرک رباط طرق مشهد تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، غیراحتمالی و هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی از میان جامعه هدف است. فرآیند نمونه‌گیری تا ۱۰ مورد ادامه یافت و پس از آن، محقق شاهد اشباع نظری داده‌ها بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های از روش هفت‌مرحله‌ای کلازی و برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش، از چهار معیار کوبا و لینکلن استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خانواده‌ها به‌طور متفاوت به این پیامدهای پاسخ داده‌اند. کنش‌های آنها به‌صورت کلی سه نوع است. عدم سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان شامل؛ ویژگی‌های شخصی والدین، محدودیت‌های مالی و نبود امکانات می‌شود. کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل با سختی و مشقت) شامل؛ اقوام و اطرافیان، بهینه‌سازی نیروی کار، تغییر در شغل سرپرست، صرفه‌جویی در هزینه‌ها است و سرمایه‌گذاری بدون مشکل در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل بدون مشکل)، مقوله‌های آگاهی و نظارت والدین، تأمین مالی و وجود امکانات کافی را در بر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، تاب‌آوری خانواده، کرونا.

طبقه‌بندی موضوعی: I24



مقدمه و طرح مسأله

با همه‌گیری کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸، جهان با چالشی روبه‌رو شد که بسیاری آن را بزرگ‌تر و تأثیرگذارتر از جنگ جهانی دوم توصیف کرده‌اند، این بیماری دارای پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی در زندگی انسان‌ها بوده است. در بین پیامدهای این بیماری، عده‌ای بر این باورند که آسیب‌های ناشی از پیامدهای اقتصادی بیشتر از دیگر پیامدها خواهد بود (میرزایی، ۱۳۹۹). در سطح جهانی پیامدهای اقتصادی این بیماری در سه بخش کلی قرار گرفته است: ۱- اول: در این بخش دو حوزه کشاورزی و نفت و محصولات نفتی متأثر بوده‌اند. در بخش کشاورزی، با اعمال پروتکل‌های بهداشتی برای مهار بیماری کرونا، کاهش مسافرت‌ها و به تبع آن کاهش تقاضا برای هتل‌ها و رستوران‌ها همراه بوده که نتیجه این امر، کاهش قیمت کالاهای کشاورزی تا ۲۰ درصد بوده است. در بخش نفت و محصولات نفتی، با افزایش مقدار استخراج نفت توسط عربستان و کاهش تقاضا باتوجه به شیوع ویروس کرونا، قیمت نفت خام برنت از بشکه‌ای ۳۴ دلار به ۲۵/۷۰ دلار سقوط کرد ۲- دوم: در این بخش، صنعت ساخت و تولید متأثر از کرونا بوده است و کاهش تقاضا، کاهش شدید در گردش مالی مشاغل تولیدی همراه داشته است. ۳- سوم: آموزش، کرونا بر روی همه سطوح آموزشی از پیش‌دبستانی تا آموزش عالی تأثیر داشته است. در بیش از ۱۰۰ کشور جهان، امکانات آموزشی در سراسر کشور تعطیل شده است که این تعطیلی دارای پیامدهای گسترده اقتصادی-اجتماعی بوده است (طاهری‌نیا و حسنونند، ۱۳۹۹).

شیوع این بیماری بر اقتصاد داخلی ایران هم تأثیراتی داشته و خواهد داشت: حدود ۴۰ درصد از کسب‌وکارهای ایران به‌صورت مستقیم متأثر از کرونا بوده و حدود ۱۵/۳۳ میلیارد دلار در ماه در اثر ویروس کرونا (کووید-۱۹) متضرر می‌شوند (میرزایی، ۱۳۹۹). شوک ناشی از کرونا، اقتصاد را هم با شوک عرضه و هم با شوک تقاضا روبه‌رو ساخت. از یک طرف عرضه نیروی‌کار کاهش یافته و از طرف دیگر، در تأمین مواد اولیه تولید نیز مشکلاتی ایجاد شده است. تعطیلی کسب‌وکارها منجر به تعدیل نیروی‌کار می‌شود و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. اطمینان‌نداشتن نسبت به آینده، خانوار را به تصمیم‌پس‌انداز بیشتر و به تعویق‌انداختن خرید اقلام غیرضروری ترغیب می‌کند (طاهری نهمیل، ۱۳۹۹، ۱۷۳). تأثیرات اقتصادی کرونا بر خانواده به‌گونه‌ای است

که تأمین معیشت خانواده برای سرپرستان دشوار شده و موجب کوچک‌تر شدن سبد خرید خانواده شده است. اگرچه پیامدهای اقتصادی کرونا ممکن است برای تمام افراد شرایط دشواری را ایجاد کند؛ اما تأثیر آن بیشتر متوجه دهک‌های درآمدی پایین، کارگران فصلی و موقتی و کاسبان خرده‌پا است (میرزایی، ۱۳۹۹).

در روبه‌رو شدن با بحران‌ها، خانواده‌ها رویکردهای مختلفی دارند که تجربه آنها را از بحران متفاوت می‌کند. درحالی‌که برخی از خانواده‌ها بر اثر بحران یا استرس‌های مداوم متلاشی می‌شوند، برخی دیگر قوی‌تر و تاب‌آوری و انعطاف بیشتری دارند. تاب‌آوری^۱ مفهومی است که به‌طور کلی اشاره به توانایی مقابله و خروج از بحران و ناملایمات دارد، به معنای توانایی تحمل، سازگاری با بحران‌های زندگی و غلبه بر آنهاست و شامل منابع فردی، خانوادگی و اجتماعی برای برخورد با مشکلات و بحران‌هاست (کریمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹). توانایی خانواده برای پاسخ مثبت به یک وضعیت نامطلوب و بیرون‌آمدن از آن وضعیت با احساس قدرت، مدیریت و اعتمادبه‌نفس بیشتر نسبت به مرحله قبل را تاب‌آوری خانواده می‌گویند. دیدگاه تاب‌آوری خانواده یک رویکرد مهم برای درک اینکه چگونه خانواده‌ها به‌عنوان سیستم‌ها از خطر، محافظت و آسیب‌پذیری خانواده عبور می‌کنند که منجر به سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود (هنری و همکاران، ۲۰۱۵) وقتی یک بحران یا استرس وارد می‌شود، خانواده‌ها سعی می‌کنند بین نیازها و ظرفیت‌هایشان تعادل برقرار کنند (کریمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸).

آموزش یکی از بخش‌هایی است که متأثر از بیماری کرونا بوده است. با توجه به لزوم جلوگیری از شیوع این ویروس، ۱۹۴ کشور به‌اجبار تغییراتی در سیستم آموزش خود ایجاد کرده‌اند. اکثر مدارس و دانشگاه‌ها در کل جهان اقدام به تعطیلی آموزش حضوری کرده و سیستم آموزشی غیرحضوری را به کار گرفتند (تقی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). تعطیلی مدارس دارای هزینه‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بوده است (قراری و همکاران، ۱۳۹۹). با توجه به تأثیرات کرونا بر اقتصاد خانواده از یک طرف و افزایش هزینه‌های آموزش از طرف دیگر، بسیاری از خانواده‌ها در جهت افزایش تاب‌آوری در مقابل پیامدهای اقتصادی کرونا، در زمینه آموزش فرزندان، کنش‌هایی انجام داده‌اند که در تمامی خانواده‌های یکسان نیست.

1. Resilience
2. Family resilience



در رابطه با نوع کنش‌های آموزشی خانواده در دوران کرونا، به صورت خاص پژوهشی انجام نشده است؛ اما پژوهش‌های انجام شده درباره بحران‌های اقتصادی نشان می‌دهد که خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی برای افزایش تاب‌آوری خود به صورت کلی دو نوع کنش در حوزه آموزش فرزندان انجام می‌دهند: ۱. برگشت به تحصیل مجدد فرزندان که قبلاً ترک تحصیل کرده و مشغول به کار بوده‌اند. ۲. کاهش تقاضا برای تحصیل یا اولویت‌بندی فرزندان برای ادامه تحصیل جهت حفظ تعادل بین درآمد و هزینه در بحران‌ها (سالگادو^۲، ۲۰۱۲؛ فرانکنبرگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۱).

با توجه به اینکه نحوه برخورد خانواده با چالش‌ها برای بهبود شرایط فردی و خانوادگی بسیار مهم است، این مقاله درصدد است که اختلال در کارکرد خانواده را در زمان بحران کرونا بررسی کند و به این پرسش پاسخ دهد که خانواده‌های دانش‌آموزان چه تجربه‌هایی از پیامدهای اقتصادی بیماری کرونا دارند و با توجه به ارزیابی هزینه‌ها و فایده‌ها، برای افزایش تاب‌آوری خانواده چه کنش‌هایی در زمینه آموزش فرزندان انجام داده‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از نگاه کارکردگراها خانواده بهنجار خانواده‌ای است که در بین عناصر کارکردی آن تضادی وجود نداشته باشد و بتواند کارکرد خود را که پرورش فاعلان اجتماعی بهنجار است، به درستی انجام دهد. از نظر پارسونز، کارکردهای اساسی خانواده عبارتند از: اجتماعی کردن اولیه و ایجاد ثبات شخصیتی برای بزرگسالان در روبه‌رو شدن با مسائل زندگی روزمره، هرگونه اختلال در نظام خانواده انجام چنین وظایف خطیری را با مشکل مواجه می‌کند و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. از نگاه کارکردگرایان، ویروس کرونا می‌تواند در سیستم اجتماعی و نهاد خانواده عد تعادل ایجاد کند و بخشی از کارکردهای خانواده دچار اختلال شود.

۱. با بروز بحران‌های اقتصادی دستمزدها پایین می‌آید و همچنین ممکن است فرزندان بیکار شده باشند و جهت ادامه تحصیل دوباره فرصت پیدا کنند.

2. Salgado
3. Frankenberg



از دیدگاه مکتب مبادله کنش‌های افراد براساس محاسبه هزینه‌ها و فایده‌ها انجام می‌گیرد. این مکتب فرض می‌کند افراد به شیوه‌ای رفتار می‌کنند که بیشترین سود و کمترین هزینه را برای آنها داشته باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۲۳۰).

از نظر هوپر^۱ (۲۰۰۸) عوامل تاب‌آوری خانواده شامل؛ گرمی خانواده، مهربانی، حمایت هیجانی، ساختارها، کارکردها و محدودیت‌های خانواده می‌شود. در مدل هنری^۲ موریس^۳ و هاریست^۴ (۲۰۱۵)، تاب‌آوری خانواده دارای چهار بعد: ۱. حمایت خانواده ۲. سازگاری خانواده ۳. آسیب‌پذیری خانواده ۴. عوامل تهدیدکننده خانواده است.

مدل والش^۵ (۲۰۰۷) بر نظام باورها، الگوهای ساختاری و فرآیندهای ارتباطی تأکید می‌کند. مدل چندسطحی کارد^۶ و بارنت^۷ (۲۰۱۵) تاب‌آوری خانواده را مستلزم تمرکز بر سطوح مختلف از جمله؛ افراد، روابط، خانواده و واحدهای بزرگ‌تر مثل مدرسه و همسایه‌ها می‌داند. کارد^۸ و تومی^۹ (۲۰۱۲) در تاب‌آوری اعضای خانواده، کیفیت روابط زناشویی، روابط والد-فرزندی و روابط خواهر-برادری را مهم می‌دانند.

تاب‌آوری افراد ناشی از تفاوت تجربه‌های آنها در هفت زمینه مختلف است که عبارتند از؛ دسترسی به منابع مادی، ارتباط بین فردی، احساس هویت، تبعیت فرهنگی، عدالت اجتماعی، احساس کنترل و قدرت و همبستگی (صفاری‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۰۹-۱۱۰). کاسیوپو^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۱) تاب‌آوری اجتماعی را شامل ظرفیت پروراندن، مشغول بودن به روابط مثبت و حفظ آنها، پایداری کردن و خلاص شدن از استرس‌زاهای زندگی و انزوای اجتماعی تعریف کرده‌اند. براساس دیدگاه آنها، تاب‌آوری اجتماعی سه خصیصه دارد: الف) روش‌هایی که افراد با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند (مثل موافقت و قابلیت اعتماد)؛ ب) منابع و ظرفیت‌های بین فردی (مثل تسهیم و گوش‌دادن بادقت)؛ ج) منابع و ظرفیت‌های فزاینده (مثل هویت گروهی و مرکزیت).

-
1. Hooper
 2. Henry
 3. Morris
 4. Harrist
 5. Walsh
 6. Card
 7. Barnett
 8. Card
 9. Toomey
 10. Cacioppo



سالگادو^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «آموزش در زمان بحران اقتصادی: تأثیرات بحران مالی جهانی بر آموزش کودکان در اکوادور» که با هدف بررسی پیامدهای کوتاه‌مدت بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بر نتایج تحصیل برای کودکان ۵-۱۴ و ۱۵-۱۷ ساله در اکوادور با روش تحلیل متون انجام شده است، به این نتیجه دست یافته است که بحران جهانی بر ثبت‌نام و حضور کودکان در مدرسه تأثیری نداشته است؛ اما ثبت‌نام را به سمت مدارس دولتی سوق داده است. کاهش حواله‌ها در طول بحران با کاهش ثبت‌نام و حضور در هیچ یک از دو گروه سنی همراه نیست. با وجود این، کاهش حواله‌ها بر انتخاب نوع مدرسه تأثیر گذاشته است که این تغییر بیشتر در کودکان کوچک‌تر رخ داده است. این نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در آموزش کودکان بزرگ‌تر در زمان بحران به هزینه کاهش کیفیت آموزش کودکان کوچک‌تر منجر شده است. از جمله نتایج دیگر پژوهش این است که بین ثبت‌نام در مدرسه و وضعیت اقتصادی رابطه معنی‌دار قوی وجود داشته است. به طوری که کودکانی که در ثروتمندترین پنجم درآمد هستند، تقریباً ۶ درصد بیشتر از کودکانی که در فقیرترین پنجم درآمد، در مدرسه ثبت‌نام شده‌اند. این تفاوت به لحاظ قومیتی نیز موجود بوده است؛ به این معنا که کودکان مستیزو و آفریقایی اکوادور بیشتر از کودکان بومی در مدرسه ثبت‌نام می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد حرکت به سمت مدارس دولتی در واقع یکی از مکانیسم‌های مقابله خانوار برای کاهش هزینه‌های آموزش بوده است. کودکانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، تقریباً ۱۸ درصد کمتر از کودکان ساکن در مناطق شهری احتمال ثبت‌نام در مدرسه را داشته‌اند. شوک اقتصادی با کاهش حضور در کودکان ۱۵ تا ۱۷ ساله ارتباطی ندارد. از جمله دیگر یافته‌های این پژوهش این است که به لحاظ جنسیتی هم این شوک بر ادامه تحصیل تأثیر داشته است؛ به طوری که نوجوانان دختر ۱/۵ درصد بیشتر از نوجوانان پسر به مدرسه می‌روند. به طور کلی، به نظر می‌رسد خانوارها به دنبال حمایت از سرمایه‌گذاری در کیفیت آموزش کودکان بزرگ‌تر به قیمت کاهش کیفیت آموزش کودکان کوچک‌تر بودند. خانوارهای اکوادوری عمدتاً با تغییر الگوهای مصرف خود و تأخیر در پرداخت‌ها با بحران سال ۱۹۹۹ سازگار شدند.



کامرون^۱ و ورسویک^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «پاسخ هزینه‌های آموزشی به ازدست‌دادن محصول در اندونزی: یک سوگیری جنسیتی توسعه اقتصادی و تحول فرهنگی» به این نتیجه رسیده‌اند که اقدامات گزارش‌شده توسط پاسخ‌دهندگان برای غلبه بر ضرر محصول نشان می‌دهد همه خانوارهای کشاورز قادر به هموارسازی مصرف در مواجهه با شوک‌های درآمدی نیستند. از خانوارهایی که در سال ۹۳ زیان زراعی را گزارش کرده‌اند، ۳۴ درصد گزارش کرده‌اند که هزینه‌ها را کاهش داده‌اند؛ اما این احتمال وجود دارد که خانوارهایی که کاهش هزینه را انتخاب کرده‌اند، دسترسی کمی به بازارهای اعتباری یا بازار کار داشته باشند. با توجه به اینکه خانوارها تصمیم به کاهش هزینه‌ها می‌کنند، در این خانواده‌ها، دختران در سن مدرسه (به جای پسران در سن مدرسه) هستند که هزینه‌های آموزشی را کاهش می‌دهند. این نتایج تصویری از هزینه‌های تحصیل زنان را به‌عنوان یک کالای لوکس ترسیم می‌کند که در زمان سختی کاهش یا حذف می‌شود. کاهش در هزینه‌های آموزشی در پاسخ به ازدست‌دادن محصول، اثر یک شوک گذرا را تداوم می‌بخشد. این واقعیت که به نظر می‌رسد آموزش زنان قربانی می‌شود، دلیل دیگری برای نگرانی است؛ زیرا مزایای آموزش زنان از نظر باروری، مرگ‌ومیر کودکان، پیامدهای سلامتی و توسعه عمومی اقتصادی به‌خوبی ثابت شده است. ناتوانی خانوارهای روستایی در روان‌سازی مصرف، نقش حمایت دولت را در مواقع ازدست‌دادن محصول نشان می‌دهد. اگر به‌درستی هدف‌گذاری شود، بازده تحصیلی بالاتر و در نتیجه، استانداردهای زندگی بالاتر برای نسل‌های بعدی و همچنین، توسعه اقتصادی سریع‌تر خواهد بود. این پژوهش نشان می‌دهد که ارائه یارانه برای تحصیل دختران می‌تواند راه مناسبی برای هدف‌گذاری این سیاست‌ها باشد.

والش (۱۹۹۶) پژوهشی با عنوان «مفهوم تاب‌آوری خانواده: بحران و چالش» به روش اسنادی انجام داده است. هدف این پژوهش ارائه یک دیدگاه سیستمیک از تاب‌آوری در زمینه‌های اکولوژیکی و توسعه‌ای و مفهوم تاب‌آوری خانواده با توجه به فرآیندهای متقابل در طول زمان است که سرسختی فردی و خانوادگی را تقویت می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رویکرد تاب‌آوری خانواده فراتر از حل مسئله، مربوط به پیشگیری از مشکلات است که نه تنها با ترمیم خانواده‌ها بلکه، آماده‌سازی آنها برای رویارویی با چالش‌های آینده

1. Cameron
2. Worswick



نیز انجام می‌شود. تاب‌آوری همچنین، با عادی‌سازی و زمینه‌سازی فشارها و با ارائه دستورالعمل‌های مفید برای مقابله و سازگاری براساس اصول روان‌آموزشی ارتقاء می‌یابد. در میان سردرگمی‌ها و آشفتگی‌ها باید به خانواده‌ها کمک شود تا با ایجاد بخشی از زندگی‌شان که قابل کنترل و تسلط است، پیروز شوند. در روند پیروزی‌های کوچک، خانواده‌ها شایستگی و اعتماد به نفس ایجاد می‌کنند. توانایی ترکیب چند نقش و رویارویی با چالش‌های جدید را می‌توان آموخت. تشویق چنین بینش و مهارت‌هایی عنصر اصلی رویکرد مبتنی بر تاب‌آوری در خانواده‌درمانی است. این شکل خانواده نیست بلکه، فرآیندهای خانوادگی و کیفیت روابط است که بیشترین اهمیت را برای سرسختی تکاملی دارد.

فریرا^۱ و شادی^۲ (۲۰۰۹) با هدف پاسخگویی به این پرسش که آیا شوک‌های درآمدی کل مانند شوک‌های ناشی از بحران‌های کلان اقتصادی یا خشکسالی، سرمایه‌انسانی کودک را کاهش می‌دهد؟ پژوهشی با عنوان «شوک‌های اقتصادی کل، تحصیل کودکان و سلامت کودکان» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نخست، نتایج آموزش و سلامت کودک در همه جا به یک شکل به شوک‌ها پاسخ نمی‌دهند. اگر یک مؤسسه بین‌المللی به دنبال اختصاص بودجه مشخصی باشد تا کاهش ثبت‌نام (یا افزایش مرگ‌ومیر نوزادان) را در تعدادی از کشورهای دارای سطوح درآمدی بسیار متفاوت به حداقل برساند، ممکن است تخصیصی را در نظر بگیرد که به سمت فقیرترین کشورها باشد و آنهایی که کمترین توسعه بازارهای اعتباری را دارند.

شواهد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌انسانی در این کشورها بیشترین آسیب را از شوک‌های کل می‌بینند. دوم، در یک کشور در حال توسعه که دچار شوک درآمدی منفی است، تحلیل دلیل دیگری (در صورت نیاز) وجود دارد که چرا دولتی که منابع را به گروه‌های مختلف جمعیتی اختصاص می‌دهد، ممکن است این منابع را برای فقرا هدف قرار دهد. این خانوارها به احتمال زیاد با محدودیت اعتبار مواجه می‌شوند. آنها به احتمال زیاد درگیر رفتارهای «مخرب» می‌شوند (از نظر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی کودک)؛ مانند بیرون‌بردن کودکان از مدرسه یا کاهش هزینه‌های ورودی‌های ارتقادهنده

1. Ferreira
2. Schady



سلامت. سوم، در یک کشور با درآمد متوسط که شوک کل منفی دارد، اگر دولت یا سازمانی بخواهد بودجه معینی را بین بخش‌های آموزش و بهداشت تخصیص دهد تا از سرمایه انسانی کودکان محافظت کند، ممکن است فرضی برای حمایت از سلامت به جای آموزش موجه باشد. شواهد نشان می‌دهد که در کشورهای با درآمد متوسط مانند کشورهای آمریکای لاتین، رکود اقتصادی آسیب کمتر به آموزش کودکان نسبت به سلامت کودکان می‌رساند. در نهایت، چهارچوب مفهومی نشان می‌دهد که یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق آن تأثیر بحران‌ها بر نتایج را کاهش داد (در همه کشورهای)، حمایت از هزینه‌های عمومی در عرضه خدمات بهداشتی و آموزشی است که در این شرایط اثر جایگزینی کاهش دستمزد کودکان بر پیامدهای درآمدی ناشی از رکود غلبه می‌کند و منجر به افزایش تقاضا برای تحصیل می‌شود.

فرانکنبرگ^۱ و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان «شوک‌های اقتصادی، ثروت و رفاه» به بررسی اقدامات خانواده‌های اندونزی در مواجهه با شوک‌های اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تنوع فوق‌العاده‌ای در تأثیر شوک وجود دارد؛ برای برخی خانواده‌ها، این شوک ویرانگر بوده و برای دیگران فرصت‌های جدیدی به ارمغان آورده است. مجموعه وسیعی از مکانیسم‌ها در پاسخ به بحران به کار گرفته شده است؛ از جمله ترکیب خانوارها برای بهره‌برداری کامل‌تر از مزایای صرفه‌جویی در مقیاس در مصرف. حتی با سقوط دستمزدهای واقعی، عرضه نیروی کار افزایش یافته است. خانوارها در حالی که مخارج مواد غذایی را حفظ می‌کنند، هزینه‌های مربوط به مواد نیمه‌پایدار را کاهش داده‌اند. خانوارهای روستایی از ثروت، به‌ویژه طلا برای کاهش مصرف استفاده کرده و خانوارهای روستایی و شهری در اندونزی مجموعه وسیعی از مکانیسم‌ها را برای کاهش پیامدهای مضر شوک و بهره‌برداری از فرصت‌های جدیدی که از زمان شروع بحران پدید آمده‌اند، به کار گرفته‌اند. خانواده‌ها و خانواده‌ها ترتیبات زندگی خود را با افراد وابسته که تمایل به نقل مکان به منطقه‌های کم‌هزینه دارند و اعضای خانواده در سن کار به خانواده‌هایی می‌پیوندند که قادر به جذب کارگران اضافی هستند، سازماندهی مجدد کرده‌اند. همچنین، شواهدی وجود دارد که به‌رغم سقوط درآمد ساعتی، عرضه نیروی کار افزایش یافته است. در شبکه، افراد وارد نیروی کار شده‌اند و بسیاری از کسانی که قبل از بحران کار می‌کردند، ساعات کار خود را





افزایش داده‌اند. تغییر در تخصیص زمان اعضای خانوار با بازآرایی سایر ابعاد بودجه همراه بوده است. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد خانوارها هزینه‌های مربوط به اقلام «تعویق‌پذیر» (مانند لباس، مبلمان خانگی و مواد نیمه‌دوام مشابه) را درحالی که هزینه‌های واقعی غذاها را حفظ کرده‌اند، کاهش داده‌اند.

کانینگهام^۱ و سالواگنو^۲ در پژوهشی با عنوان «شوک، کار کودکان و ترک تحصیل در آرژانتین» که با هدف بررسی این امر که چگونه شوک‌های اقتصادی خاص و کلی بر تصمیم‌گیری‌های خانوار درباره کار کودکان و حضور در مدرسه در آرژانتین تأثیر می‌گذارد، انجام شده است، به این نتیجه رسیده‌اند که شوک‌های اقتصادی کل فقط بر رفتار دختران جوان تأثیر می‌گذارد، درحالی که شوک‌های خاص - حاصل از دست‌دادن شغل غیرارادی هر یک از والدین - میانگین احتمال ورود کودکان به نیروی کار و ترک تحصیل را افزایش می‌دهد و در بین جنسیت و سن ناهمگونی وجود دارد. نخست، از دست‌دادن شغل مادر شانس پسران و دختران بزرگ‌تر را برای پیوستن به نیروی کار افزایش می‌دهد؛ اما از دست‌دادن شغل پدر تنها بر دختران جوان تأثیر می‌گذارد. دوم، این تأثیر در رفتارهای مدرسه و کار پسران بزرگ‌تر از سنین ۱۲ تا ۱۵ سال مهم‌تر است، درحالی که برای دختران برعکس است.

پژوهشی با عنوان «بلايا و جوامع: درک تاب‌آوری اجتماعی» با هدف بررسی ماهیت چندوجهی مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و ویژگی‌های مختلف آن به‌ویژه مقاومت، بازیابی و خلاقیت انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تاب‌آوری یک جامعه در برابر بلايا نباید یک قابلیت مجزا در نظر گرفته شود. حتی جوامع نسبتاً ساده دارای چندین گروه اجتماعی هستند و این گروه‌ها به روش‌های مهمی با هم تفاوت دارند. بلايا هرچند «طبیعی» به‌طور عمیق تبعیض‌آمیز هستند؛ برخی از اعضای جامعه کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، درحالی که برخی دیگر بهای بیشتری را می‌پردازند. متخصصان فرآیند واکنش انسان به بلايا را به‌صورت دوره‌ای توصیف می‌کنند که چهار مرحله دارد: کاهش، آمادگی، واکنش و بازیابی. کاهش فرآیند کلی تقویت قابلیت‌های یک جامعه به‌گونه‌ای است که تاب‌آوری برای مقابله بهتر با هر فاجعه‌آتی داشته باشد. آمادگی شامل پیش‌بینی یک فاجعه قریب‌الوقوع و ایجاد یک قابلیت واکنش است. این شامل تجزیه و تحلیل تهدیدهای احتمالی، راه‌اندازی

1. Cunningham
2. Salvagno

سیستم‌های هشدار و ارتباط، ساختارهای مدیریت پاسخ، سازماندهی آموزش و ذخیره‌سازی منابع است. پاسخ به اقدامات انجام‌شده در طول و بلافاصله پس از وقوع یک فاجعه اشاره دارد. تمرکز در اینجا بر نجات جان افراد، به‌حداقل‌رساندن آسیب به اموال و به‌حداقل‌رساندن اختلال در جامعه است. بازبایی مرحله کوتاه و بلندمدت بازسازی و بازگرداندن جامعه به وضعیت قبل از فاجعه است. در طی این مرحله ارزیابی خسارت تکمیل می‌شود و برای اطلاع‌رسانی بازسازی مسکن و زیرساخت‌ها و ایجاد مجدد نهادهای اجتماعی استفاده می‌شود. کاهش یک حلقه حیاتی در فرآیند چرخه‌ای مدیریت بلایا است و عمدتاً پس از وقوع یک فاجعه صورت می‌گیرد. مشابه مؤلفه خلاقیت تاب‌آوری اجتماعی، کاهش شامل چیزی بیش از آماده‌سازی، واکنش و بهبودی پس از یک فاجعه است؛ بلکه اجرای درس‌های آموخته‌شده در ایجاد سیاست‌ها و فعالیت‌های جدیدی را شامل می‌شود که تاب‌آوری جامعه را افزایش می‌دهد. بدون کاهش، بعید است یک جامعه در آینده انعطاف‌پذیرتر شود. بیشترین پیشرفت‌ها در تاب‌آوری اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که هر چهار مرحله از فرآیند فاجعه در برنامه‌ریزی مدیریت اضطراری در نظر گرفته شود (مگوایر^۱ و هاگان^۲، ۲۰۰۷).

گایاتری^۳ و ایراودی^۴ (۲۰۲۲) با هدف ترکیب و ارائه ادبیات موجود درباره وضعیت تاب‌آوری خانواده در خانواده‌های مختلف در طول شیوع ویروس کرونا با روش تحلیل محتوا، پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری خانواده در طول همه‌گیری COVID-19: مروری بر ادبیات» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه مثبت، توافق اعضای خانواده، انعطاف‌پذیری، مدیریت مالی، ارتباطات، اوقات فراغت خانوادگی، تفریحات مشترک، روال‌ها و تشریفات و شبکه‌های اجتماعی عوامل اصلی تاب‌آوری خانواده هستند. بنابراین، خانواده باید با ایجاد یک رابطه و ارتباط سالم به‌عنوان یک خانواده بر راه‌حل‌ها تمرکز کنند. معنویت می‌تواند تأثیر مثبتی بر سلامت روان خانواده‌ها به‌ویژه در شرایط استرس‌زا داشته باشد. به‌این ترتیب، اقدامات روزانه مبتنی بر ایمان ممکن است به خانواده‌ها در گذر از این بحران کمک کند؛ علاوه‌براین، یک ذهنیت مثبت نیز مقابله انطباقی است که بر احساسات مثبت

1. Maguire
2. Hagan
3. Gayatri
4. Irawaty





مانند شناخت شرایط همه‌گیر و فکر خوش‌بینانه برای داشتن آینده‌ای روشن‌تر تمرکز می‌کند. داشتن ارتباط خوب و سالم و یافتن کارهای مثبت برای انجام با هم در میان اعضای خانواده ضروری است که می‌تواند حس با هم بودن، اعتماد، انسجام و شادی را ایجاد کند؛ علاوه بر این، ایجاد حمایت اجتماعی با دیگران از جمله خانواده‌های بزرگ، خواهر و برادر، همسایه‌ها و دوستان زمانی که والدین یا اعضای خانواده برای کمک دراز می‌کنند، مهم است.

آپادحیای^۱ و سانامیوویل^۲ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان «بررسی ادبیات سیستماتیک تاب‌آوری جامعه در برابر بلایا: حوزه‌ها و دستور کارهای پژوهش‌هایی اصلی و مرتبط» به روش تحلیل محتوا و با هدف بررسی مفهوم تاب‌آوری انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جریان اصلی مطالعات در این زمینه شامل؛ عملی‌شدن ارزیابی تاب‌آوری در برابر بلایا درباره تاب‌آوری جامعه است. این حوزه پژوهش‌هایی بر نقش رفاه جامعه برای افزایش انسجام اجتماعی و تاب‌آوری در برابر بلایا تمرکز دارد. تاب‌آوری یک علم چندرشته‌ای است. رشته‌های مرتبط با تاب‌آوری جامعه هشت رشته از کل رشته‌های اصلی است: علم خطر بلایا، بهداشت عمومی، محیط زیست، مدیریت، توسعه اجتماعی، ارتباطات، تحصیلی و آموزش. علم خطر بلایا بیشتر مطالعات پژوهش‌هایی در این زمینه را به خود اختصاص داده است؛ زیرا هدف آن ایمنی است. این حوزه پژوهش‌هایی بر موارد اضطراری و بلایای انبوه، کاهش خطر بلایا و مدیریت ریسک تمرکز دارد. پژوهش‌هایی در حوزه بهداشت عمومی شامل آماده‌سازی بهداشت عمومی، تأثیرات اضطراری بلایای طبیعی بر سلامت روان است. هنری و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «تاب‌آوری خانواده: حرکت به سمت موج سوم» با هدف بررسی مفهوم تاب‌آوری خانواده و موج‌های شکل‌دهنده این مفهوم با روش تحلیل محتوا انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این امر است که دیدگاه تاب‌آوری خانواده یک رویکرد مهم برای درک اینکه چگونه خانواده‌ها به‌عنوان سیستم‌ها از خطر و آسیب‌پذیری عبور می‌کنند که منجر به سازگاری کوتاه‌مدت و بلندمدت آن می‌شود. در موج ۱، تاب‌آوری به‌عنوان ساختاری در سطح سیستم خانواده ایجاد شد و گونه‌شناسی جنبه‌های قوت خانواده مرتبط با خانواده‌های تاب‌آور را شناسایی کرد. این کار فرآیندهای

1. Upadhyay

2. Sa-ngiamwibool

کلی سیستم خانواده را شناسایی کرده تا خانواده‌های تاب‌آور را مشخص کند؛ از جمله؛ انسجام خانواده، سازگاری خانواده، انسجام خانواده، سرسختی خانواده و ارزش‌گذاری زمان و کارهای روزمره خانواده. در موج ۲، تأکید بر فرآیندهای حفاظتی خانواده گسترش یافت و در رویکردهای پزشکی ادغام شد، درحالی‌که محققان جنبه‌های نظریه استرس خانواده، نظریه سیستم‌های عمومی و تاب‌آوری فردی را برای بررسی تاب‌آوری خانواده در زمینه خطرات و اکوسیستم‌های خاص خانواده ادغام کردند. پیشنهاد می‌شود موج ۳ تاب‌آوری خانواده با وضوح مفهومی هدایت شود که با افزایش سازگاری در اصطلاحات و وضوح در مورد تمایزهای بین فرآیندهای تشویقی خانواده در مقابل فرآیندهای حمایتی خانواده و همچنین، فرآیندهای حمایتی خانواده در مقابل سازگاری خانواده نشان داده می‌شود. FRM به‌عنوان یک رویکرد واحد برای تاب‌آوری خانواده که عناصر اساسی تاب‌آوری (خطر، محافظت، آسیب‌پذیری و سازگاری) را با معانی موقعیتی خانواده، طبیعی (مانند احساسات، کنترل، حفظ معنی و پاسخ به استرس) و اکوسیستم‌ها در بر می‌گیرد که می‌تواند به‌صورت چندسطحی، چندسیستمی و چندرشته‌ای اعمال شود. به‌طور خلاصه، تاب‌آوری خانواده پتانسیلی برای ادامه شناسایی و مداخله در ایجاد ظرفیت و اعمال جنبه‌های قوت خانواده دارد که ظرفیت محافظت از سیستم‌های خانواده را در برابر پیامدهای بالقوه مضر خطر قابل توجه شناسایی یا ایجاد می‌کند.

سوامی^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «گنجاندن مالی و تاب‌آوری خانواده‌های فقیر» توسط انجام داده است. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر رویکرد شمول مالی تأمین مالی خرد بر خانوارهای فقیر، به روش پیمایش بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رویکرد تأمین مالی خرد از طریق گنجاندن منابع مالی در تقویت انعطاف‌پذیری خانوارهای فقیر به‌ویژه طبقات پایین در هند مفیدتر است.

لو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی پیمایشی با عنوان «مقاومت اقتصادی خانوارها در برابر طوفان‌های فاجعه‌بار و سیل در یک کلان‌شهر چین» را با هدف شناسایی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی افرادی که از نظر مالی آمادگی بیشتری برای پیامدهای طوفان‌های فاجعه‌باران و سیلاب دارند، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل تعیین‌کننده



کلیدی ویژگی‌های انعطاف‌پذیری اقتصادی، شامل؛ کشش مصرف، دسترسی به بیمه، تحرک دارایی‌ها، تنوع درآمد، توزیع دارایی‌ها و احتمال دریافت حواله است. نتایج این نظرسنجی تأیید می‌کند که شرایط مالی تعیین‌کننده اصلی تاب‌آوری خانواده است. ساکنان شهری با درآمد کمتر و تحصیلات پایین عموماً ظرفیت کمتری برای مقابله با پیامدهای اقتصادی حوادث شدید آب و هوایی دارند. این یافته‌ها دلالت بر این دارد که فقر و سرمایه اجتماعی ضعیف با ظرفیت سازگاری پایین مرتبط است. به‌طور کلی، این یافته‌ها تا حدی این فرضیه را پشتیبانی می‌کند که تاب‌آوری اقتصادی خانوار تابعی از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی است. آن خانواده‌ها و افرادی که در معرض فقر شهری قرار دارند و از سرمایه اجتماعی محدودی برخوردارند، به احتمال زیاد در برابر حوادث شدید آب‌وهوایی تاب‌آوری کمتری خواهند داشت. کانال‌های اجتماعی برای افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر خطرات طبیعی مهم هستند.

پژوهشی با عنوان «اندازه‌گیری تاب‌آوری خانواده: ارزیابی پرسشنامه تاب‌آوری خانواده والش» توسط دانکن و همکاران (۲۰۲۱) با هدف بررسی رویکرد تجربی ارائه‌شده توسط والش (۲۰۱۵) در پرتو چهارچوب نظری بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نتایج حاصل از CFA^۱ ساختار سه‌عاملی تئوریزه‌شده متشکل از (۱) سیستم‌های اعتقادی، (۲) الگوهای سازمانی و (۳) ارتباط/ حل مسئله را تأیید کرد. در مجموع، این یافته‌ها مناسب بودن WFRQ^۲ را نشان می‌دهد و به پزشکان و محققان به‌طور یکسان بینش جامع‌تری نسبت به تاب‌آوری فراتر از سطح فردی ارائه می‌دهد.

چراغی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان شهر تهران در مواجهه با بیماری کرونا» که با هدف تبیین جامعه‌شناختی تاب‌آوری زنان در مواجهه با بیماری کرونا در مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران، با روش پیمایش صورت گرفته است، بیان می‌کنند بین تاب‌آوری و متغیرهای دیدگاه اعتقادی، آموزش دوران کودکی و توانمندی جسمانی زنان در منطقه ۱۲، رابطه وجود دارد. همچنین، بین تاب‌آوری و متغیرهای سبک زندگی، آموزش دوران کودکی و رضایتمندی از زندگی زنان در منطقه ۳،



1. Chartered Financial Analyst
2. Walsh Family Resilience Questionnaire

رابطه وجود دارد. در هر دو منطقه، دیدگاه اعتقادی زنان بیشترین تأثیر را بر متغیر تاب‌آوری دارد.

پژوهش «تدوین مدل تاب‌آوری خانواده بر اساس دیدگاه متخصصان خانواده، زوجین و پژوهش‌ها» توسط کریمی نژاد و همکاران (۱۳۹۸) با هدف تدوین مدلی از تاب‌آوری خانواده مطابق با فرهنگ ایرانی، با روش تحلیل زمینه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش بیانگر این امر است که مدل تاب‌آوری خانواده دارای ۱۶ بعد می‌باشد؛ ۱. عوامل وراثتی و موقعیتی (فضای حمایتی و ایمن خانه، مسکن مناسب، آموزش‌های مناسب؛ ۲. تخصیص و اجرای بهینه نقش‌ها و وظایف؛ ۳. تعاملات مثبت و رضایت‌بخش (با اعضای خانواده، اطرافیان و جامعه)؛ ۴. مشارکت همدلانه؛ ۵. بیان مناسب نیازها، هیجانات و احساسات؛ ۶. سلامت اعضای خانواده (جسمانی، روانی و شخصیتی؛ ۷. فرآیندهای شناختی منطقی و انعطاف‌پذیر (باورها، انتظارات، ارزش)؛ ۸. استفاده بهینه از منابع جامعه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی؛ ۹. ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی؛ ۱۰. داشتن الگوهای مناسب و حمایت‌گر در تاب‌آوری؛ ۱۱. اهداف مشخص و مثبت فردی و خانوادگی (کوتاه‌مدت و بلندمدت)؛ ۱۲. مسئله‌گشایی و مدیریت مناسب بحران‌ها؛ ۱۳. فرزندپروری مقدرانه و تاب‌آورانه؛ ۱۴. اشتغال و مدیریت مناسب منابع مالی خانواده؛ ۱۵. فعالیت‌های لذت‌بخش و نشاط‌آور اعضای خانواده با هم؛ ۱۶. آینده‌نگری مثبت و واقع‌بینانه.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در قالب روش کیفی و از نوع رویکرد پدیدارشناسی به‌منظور شناسایی کنش‌های آموزشی خانواده‌ها در مواجهه با پیامدهای اقتصادی کرونا انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش خانواده‌های دانش‌آموزان پسر متوسطه اول، ساکن شهرک رباط طرق مشهد^۱ تشکیل می‌دادند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری غیراحتمالی و به شیوه هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی از میان جامعه هدف است؛ زیرا در روش پدیدارشناسی تمامی شرکت‌کنندگان می‌بایست پدیده مورد نظر را به‌صورت مستقیم تجربه کرده و قادر به بیان تجربیات خود درباره پدیده باشند که در اصطلاح "مطلعین" نامیده می‌شوند. بنابراین، در ابتدا با مراجعه به پرونده دانش‌آموزان و کسب

۱. بعدازپلیس راه طرق، جاده قدیم مشهد - نیشابور



اطلاعات لازم ضمن تعیین ملاک‌های ورود: ۱. ساکن منطقه رباط طرق ۲. دارابودن دانش‌آموز پسر در یکی از پایه‌های هفتم، هشتم یا نهم، تعدادی از والدین انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی معمولاً تا زمانی ادامه می‌یابد که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات بیشتری به موارد قبلی اضافه نکنند و محقق شاهد تکرار الگوهای داده‌ای باشد. در پژوهش حاضر، والدین دانش‌آموزان (یکی از والدین) پسر متوسطه اول وارد پژوهش شدند و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته که هدف آن کسب اطلاعات عمیق درباره موضوع مورد پژوهش است، مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرآیند نمونه‌گیری تا ۱۰ مورد ادامه یافت و پس از آن محقق شاهد اشباع نظری داده‌ها بود. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه در نوسان بود. در ابتدای مصاحبه با هدف همراهی مصاحبه‌شونده، پرسش‌های کلی در ارتباط با وضعیت درسی دانش‌آموز و شرایط پژوهش او در خانه سؤالاتی پرسیده شد، سپس با اشاره به ورود ویروس کرونا و ایجاد تغییرات در شیوه‌های زندگی، از مصاحبه‌شونده خواسته شد تا درباره مشکلاتی که در درون کرونا با آن روبه‌رو بوده‌اند و اقداماتی که انجام داده‌اند، تجربه خود را بیان کنند و در ادامه از مصاحبه‌شونده این سؤال پرسیده شد که با توجه به مشکلات اقتصادی دوران کرونا در زمینه تحصیل فرزندان چه اقداماتی انجام داده‌اند؟

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. با توجه به اینکه این روش قادر است مرحله به مرحله محقق را به صورت روشن در رسیدن به معنای تجارب هدایت کند، موتاکاس^۱ (۱۹۹۴) این روش را کاربردی‌ترین روش برای تحلیل داده‌ها می‌داند. مراحل انجام تحلیل به روش کلایزی به این شرح است: ۱. مصاحبه‌های ضبط‌شده به صورت مکتوب پیاده‌سازی و متن هر مصاحبه مجدد پژوهش می‌شود؛ ۲. عبارات معنی‌دار مربوط به پدیده مورد پژوهش برای هر متن مصاحبه، استخراج می‌گردد؛ ۳. هر یک از عبارات استخراج‌شده در مرحله قبل، کدگذاری می‌شود؛ ۴. مفاهیم کدگذاری‌شده براساس تشابه، خوشه‌بندی شده و از این طریق مضامین استخراج می‌گردد؛ ۵. توصیفی جامع از تجربیات بیان‌شده مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود؛ ۶. یک ساختار بنیادین از پدیده، توصیف می‌گردد؛

۷. توصیفات و تجربیات مشارکت‌کنندگان از طریق مراجعه مجدد به مشارکت‌کنندگان پژوهش، اعتبارسنجی می‌شود (اکبری بونگ و سمیراپور، ۱۴۰۰، ۲۲). برای بررسی اعتبار داده‌های پژوهش از چهار معیار کوبا و لینکلن استفاده شده است که شامل؛ قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری است (اکبری بونگ و سمیراپور، ۱۴۰۰). همچنین، برای افزایش قابلیت اعتبار پژوهش به مشارکت‌کنندگان مراجعه (تلفنی) و نظر آنها درباره نتایج پژوهش دریافت شد؛ تمامی مراحل انجام‌شده در این پژوهش به صورت مبسوط بیان و نمونه‌هایی از مصاحبه‌های انجام‌شده، به صورت موردی در قسمت یافته‌های پژوهش ذکر شد. در راستای کسب قابلیت اطمینان، از راهنمایی و نظارت استادان صاحب‌نظر استفاده گردید. در راستای کسب قابلیت تأییدپذیری پژوهش، ضمن بررسی دقیق داده‌ها، سعی شد که تفاسیر و یافته‌های پژوهش با توجه به مطالعات پیشین انجام شود.

جدول ۱: اطلاعات مربوط به ۱۰ مصاحبه با مادران

مورد	سن	تحصیلات	تعداد فرزند	شغل
۱	۴۵	ابتدایی	۲	آزاد
۲	۴۸	ابتدایی	۳	خانه‌دار
۳	۴۰	دیپلم	۲	خانه‌دار
۴	۳۵	دیپلم	۲	خانه‌دار
۵	۴۰	ابتدایی	۲	خانه‌دار
۶	۴۲	دیپلم	۳	خانه‌دار
۷	۵۰	دیپلم	۵	آزاد
۸	۳۹	سیکل	۲	خانه‌دار
۹	۳۶	فوق دیپلم	۲	خانه‌دار
۱۰	۳۰	دیپلم	۲	خانه‌دار

مأخذ: محاسبات پژوهش

بعد از انجام تحلیل داده‌ها به روش کلایزی، ۳ مضمون به همراه ۱۰ مقوله استخراج گردید. در ادامه به فرآیند استخراج یک نمونه از مضامین اشاره می‌شود. دو مضمون دیگر پژوهش به همین روش استخراج شده‌اند و فقط به ساختار کلی مضمون اشاره می‌گردد. بعد از مکتوب‌شدن مصاحبه‌ها، عبارات مرتبط با موضوع پژوهش، استخراج شد که در جدول زیر آمده است:



جدول ۲: نمونه‌هایی از عبارات معنی‌دار استخراج شده

عبارات معنی‌دار
در دوران کرونا کار برای شوهرم خیلی کم شده بود. برای همین من (خانم خانه) مجبور شدم سر کار برم. شوهرم بتا بود. تو دوران کرونا کسی برای کار تماس نمی‌گرفت. برای همین همسرم پیش دوستش که بنگاه داشت، رفت و اونجا رو نظافت می‌کرد.
با هزار درد سر براش گوشی خریدیم و به کلاس زبان می‌فرستادیم. تو دوران کرونا از هر چی پس‌انداز کرده بودیم، استفاده کردیم.
شرایط خیلی سخت شده، پسرم لپتاپ نیاز داره؛ اما تا الان نتونستیم بخریم؛ ولی با قرض تونستیم یه گوشی بخریم تا تو کلاس شرکت کنه.
پسرم گوشی نداشت با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد. برای همین روزهایی که من نبودم، نمی‌تونست کلاس شرکت کنه.
شوهرم اعتیاد داره، تو کرونا وضعمون بدتر هم شده بود. خاله‌اش براش گوشی خرید تا در کلاس‌ها بتونه شرکت کنه.
تو اون دوران مرخصی اجباری به شوهرم می‌دادن. ما کلی قرض کردیم مخصوصاً از مادرم تا خرجمونو بدیم. خودمم سر کار می‌رفتم؛ اما الان دیگه نمیرم چون بیست روزه که شوهرم میره سر کار.
یه خرید اینترنت پس نمی‌بودیم، فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.
وقتی شوهرم شغلشو تو هتل از دست داد، با پس‌اندازمون یه پراید خریدیم و تو اسنپ کار می‌کنه.

مأخذ: محاسبات پژوهش

بعد از استخراج عبارات معنی‌دار، براساس مراحل روش کلایزی این عبارات کدگذاری شدند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جدول ۳: نمونه‌هایی از فرآیند شکل‌گیری معانی صورت‌بندی‌شده از عبارات معنی‌دار

عبارات معنی‌دار	معانی صورت‌بندی‌شده (کدها)
من (خانم خانه) مجبور شدم سر کار برم.	شاغل شدن مادر
خودمم سر کار می‌رفتم؛ اما الان دیگه نمیرم چون بیست روزه که شوهرم میره سر کار	جابه‌جایی شاغل بودن زن و مرد
کنار بنایی پیش دوستش که بنگاه داشت رفت و اونجا رو نظافت می‌کرد	دوشغله‌شدن سرپرست خانواده
با پس‌اندازمون یه پراید خریدیم و تو اسنپ کار می‌کنه	تغییر شغل سرپرست
با هزار درد سر براش گوشی خریدیم و به کلاس زبان می‌فرستادیم	سختی در تأمین هزینه‌ها
هر چی پس‌انداز کرده بودیم، استفاده کردیم	استفاده از پس‌انداز
با قرض تونستیم یه گوشی بخریم تا تو کلاس شرکت کنه	قرض کردن

عبارت معنی‌دار	معانی صورت‌بندی‌شده (کدها)
با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد	استفاده اشتراکی از امکانات
خاله‌اش براش گوشی خرید تا در کلاس‌ها بتونه شرکت کنه	تأمین امکانات توسط اقوام
کلی مادرم کمک کرد تا تونستیم خرجمونو بدیم	کمک مالی اطرافیان
فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.	صرفه‌جویی در هزینه‌ها

مأخذ: محاسبات پژوهش

در مرحله بعدی کدهای مشابه در یک مقوله (خوشه) و مقوله‌های مشابه در یک مضمون قرار می‌گیرند که شرح آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: نمونه‌هایی از فرآیند تبدیل عبارات معنی‌دار به خوشه و مضمون

مضمون	خوشه	نمونه‌هایی از معانی صورت‌بندی‌شده	
ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت	حمایت اقوام و اطرافیان	تأمین امکانات توسط اقوام	
		کمک مالی اطرافیان	
	بهینه‌سازی نیروی کار	شاغل شدن مادر	
		جابه‌جایی شاغل بودن زن و مرد	
	تغییر در شغل سرپرست خانواده	دوشغله‌شدن سرپرست خانواده	
		تغییر شغل سرپرست	
	صرفه‌جویی در هزینه‌ها		فقط روزایی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم براش.
			با گوشی من تو کلاس‌ها شرکت می‌کرد
			سختی در تأمین هزینه‌ها
			با خواهرش با یک گوشی در کلاس‌ها شرکت می‌کردند

مأخذ: محاسبات پژوهش

براساس مراحل روش کلایزی، در این مرحله، هریک از مضامین براساس پیشینه پژوهش، مقولات و هر آنچه مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند، شرح داده می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مرحله ششم روش کلایزی، بیان‌کننده ساختار کلی پدیده به لحاظ مضامین، مقولات و کدگذاری‌های انجام‌شده است که در قالب جدول ۵ ارائه می‌شود.

جدول ۵: ساختار کلی مضمون ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت

مضمون	خوشه	کد
کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت)	کمک اقوام و اطرافیان	تأمین امکانات توسط اقوام
		کمک مالی اطرافیان
		ایجاد شغل
		کمک درسی
	بهبودسازی نیروی کار	شاغل شدن زن
		شاغل شدن فرزند دیگر
		جابه‌جایی شغلی بین زن و مرد
	تغییر در شغل سرپرست	دوشغله شدن سرپرست خانواده
		تغییر شغل سرپرست
	صرفه‌جویی در هزینه‌ها	کاهش استفاده
		اولویت‌بندی در استفاده از وسیله
		استفاده اشتراکی از وسیله
		سختی در تأمین هزینه‌های آموزشی
		اولویت‌بندی در زمان استفاده از وسیله

جدول ۶: ساختار کلی مضمون ادامه تحصیل فرزند بدون مشکل

مضمون	خوشه	کد
سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند بدون مشکل)	آگاهی و نظارت والدین	نظارت بر شرکت در کلاس
		کمک درسی به فرزند
		نظارت بر انجام تکالیف
		نگرش مثبت به درس
		اولویت‌دادن به درس
	تأمین مالی	عدم تغییر در شغل سرپرست
		عدم تغییر در درآمد
	وجود امکانات کافی	داشتن وسیله اختصاصی
		استفاده بدون محدودیت از وسیله
		عدم مشکل در تأمین هزینه آموزشی
		امکانات رفاهی

مأخذ: محاسبات پژوهش



جدول ۷: ساختار کلی مضمون ترک تحصیل موقت

مضمون	خوشه	کد
عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند (ترک تحصیل موقت فرزند)	ویژگی‌های شخصی والدین	ترجیح منفعت‌آنی
		امیدنداشتن به آینده شغلی با تحصیل
		مهارت‌های دیجیتالی ضعیف
		عدم اعتقاد به آموزش مجازی
	محدودیت‌های مالی	بیکاری سرپرست
		کاهش درآمد
		درآمد فرزند
	نبود امکانات	عدم وجود وسیله ارتباطی
		هزینه‌های ارتباطی (اینترنت)

مأخذ: محاسبات پژوهش

در مرحله هفتم بعد از انجام تحلیل‌ها برای اعتبارسنجی تحلیل‌های انجام‌شده، مجدد به مشارکت‌کنندگان مراجعه شد و نظر آنها درباره نتایج حاصل‌شده پرسیده شد. درنهایت، نتایج مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بودند. در ادامه، هر یک از مضامین به‌صورت کامل توضیح داده شده است:

۱. کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند: با شروع بیماری کرونا و تغییر در شیوه آموزش، عواملی باعث شد که برخی از والدین برای ادامه تحصیل فرزندان خود با سختی‌ها و مشکلاتی مواجه شوند و علی‌رغم این مشکلات، شرایط تحصیل فرزندان خود را به‌صورت محدود فراهم کنند. زیرمجموعه‌های این مضمون به شرح زیر است:

۱-۱- کمک اقوام و اطرافیان: مشارکت‌کنندگان ۱، ۵ و ۷ بیان کرده‌اند در دوران کرونا یکی از عواملی که به رفع نیازهای آنها کمک کرده است، کمک اقوام و اطرافیان بوده است؛ به‌طورمثال می‌گویند: «زمانی که کار بنایی کم شده بود و شوهرم بیکار بود، دوستش گفت بیا در بنگاه من وایستا» یا مشارکت‌کننده بعدی می‌گوید «در دوران بیکاری شوهرم برای مخارجمون کلی از مادرم پول گرفتم».

۱-۲- بهینه‌سازی نیروی کار: مشارکت‌کنندگان ۵ و ۷ اشاره می‌کنند که برای رفع مشکلات اقتصادی دوران کرونا، خانواده بیشتر در کسب درآمد همکاری می‌کرده





است: «دو تا از پسران رفتن سر کار، یکی انباردار شد و یکی تو قصر خورشید کار می‌کنه، تا قبل سرکار رفتن اونا، خودم سر کار می‌رفتم».

۳-۱- تغییر در شغل سرپرست: از جمله پیامدهای کرونا تعطیلی برخی کسب‌وکارها یا کاهش زمان آنها بود. در این دوران بسیاری از سرپرستان خانواده‌ها برای رفع نیازهای مالی یا به شغل جدید روی آوردند و یا همزمان به دو شغل مشغول بودند. مشارکت‌کننده ۱ و ۹ به این مورد اشاره می‌کنند: «وقتی شوهرم بیکار شد، نیشان خریدیم با قرض و الان رو نیشان کار می‌کنه شوهرم».

۴-۱- صرفه‌جویی در هزینه‌ها: از جمله کنش‌هایی که خانواده‌ها در زمینه پیامدهای اقتصادی کرونا در پیش گرفته بودند، کاهش در مصرف و صرفه‌جویی بوده است. این نکته توسط مشارکت‌کننده‌های ۹، ۱، ۷ و ۵ به‌صراحت بیان شده است؛ به‌طورمثال: «برامون امکان خرید گوشی وجود نداشت برای همون بچه‌هام از گوشی من مشترک استفاده می‌کردند» یا در جای دیگر بیان می‌کنند: «به خرید بسته اینترنت بس نمی‌آدم برای همون زمانی که کلاس مهمی داشت، بسته می‌خریدم».

۲- سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند: تعدادی از خانواده‌ها هستند که این بیماری برای آنها پیامد اقتصادی نداشته و در زندگی و تحصیل فرزندانشان مشکلی نداشته‌اند. زیرمجموعه‌های این مضمون به شرح زیر است:

۱-۲- آگاهی و نظارت والدین: یکی از عواملی که در دوران آموزش مجازی باعث شده تا فرزندان این خانواده‌ها، به تدریس خود بدون مشکل ادامه دهند، آگاهی و نظارت مستمر والدین بوده است. این نکته توسط مشارکت‌کننده‌های ۳ و ۴ بیان شده است. آنها می‌گویند: «در این سن درس بچه از همه چیز مهم‌تره. من خودم همیشه پیگیر کلاس‌هاش بودم و بر نرم‌افزارهایی که داشت و نصب می‌کرد، نظارت می‌کردم».

۲-۲- تأمین مالی: از جمله موارد مهمی که باعث شده تا فرآیند تحصیل فرزندان با مشکل مواجه نشود، عدم نوسانات مالی در خانواده بوده است و این خانواده‌ها از این لحاظ در این دوره‌ها مشکلی نداشته‌اند. مشارکت‌کننده‌های ۱۰ و ۴ این نکته را بیان می‌کنند. آنها می‌گویند «شوهرم تو این مدت تغییر شغلی نداشت و مثل قبل بود. نه خدا رو شکر مشکل مالی نداشته‌ایم».

۲-۳- وجود امکانات کافی: با توجه به تغییر سبک آموزش، آموزش فرزندان نیازمند امکاناتی همچون گوشی هوشمند، اینترنت، محیط آرام و غیره بوده است. مشارکت‌کننده‌های ۱۰، ۴ و ۳ بیان می‌کنند: «از همون ابتدا برآش گوشی خریدیم و همیشه اینترنت داشت. هیچ وقت نداشتیم مشکل این چیزا رو داشته باشه».

۳- عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزندان: از جمله کنش‌هایی که برخی از خانواده‌ها تحت تأثیر مشکلات اقتصادی حاصل از کرونا در تحصیل فرزندان خود انجام داده‌اند، عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل (ترک تحصیل موقت) بوده است که این مضمون دارای مقوله‌هایی به شرح زیر است:

۱-۳- ویژگی‌های شخصیتی والدین: از جمله عوامل تأثیرگذار بر این کنش والدین، می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی آنها اشاره کرد که خود زمینه‌ساز این کنش است. مشارکت‌کننده ۲ و ۶ بیان می‌کنند: «تو دوران کرونا بنایی داشتیم؛ چون پول کارگر ندیم، تموم این دوسال بچه‌ها تو بنایی با ما کار کردند» یا «گوشی نداشتیم که در کلاس شرکت کنه؛ اما باباش به جای بچه برای خودش گوشی خرید».

۲-۳- محدودیت‌های مالی: از جمله عوامل دیگری که این خانواده‌ها در این دوران با آن مواجه بودند، محدودیت‌های مالی بوده است. مشارکت‌کنندگان ۲ و ۸ به این نکته اشاره می‌کنند: «شوهرم تو شهرداری کار می‌کنه، یه مدت بیکار شده بود» یا «به شوهرم مرخصی اجباری داده بودند، مگر اینکه گاهی جابه‌جایی بار می‌خورد که زنگ می‌زدن تا بره».

۳-۳- نبود امکانات: از جمله عوامل دیگری که منجر به ترک تحصیل موقت برخی دانش‌آموزان شده، نبود امکاناتی مانند گوشی و اینترنت است. مشارکت‌کننده ۶ و ۸ به این مورد اشاره کرده‌اند: «چون پول گوشی نداشتیم، نتونستیم گوشی بخریم. خود بچه‌ام می‌رفت نجاری تا پول جمع کنه».

نتیجه‌گیری و بحث:

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد کنش‌های انجام‌شده توسط خانوارهای با منابع کمتر و بالاتر برای کاهش تأثیر بحران مالی بر رفاه آنها بسیار متفاوت است. کنش‌های خانواده‌ها در حوزه آموزش فرزندان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. کاهش سرمایه‌گذاری در





آموزش فرزندان (ادامه تحصیل فرزندان با سختی و مشقت)؛ ۲. سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ادامه تحصیل فرزندان بدون مشکل)؛ ۳. عدم سرمایه‌گذاری در آموزش فرزندان (ترک تحصیل موقت). از نظر نوع کنش خانواده‌ها، به صورت کلی می‌توان گفت که از ۱۰ نفر مشارکت‌کننده، ۴ نفر کنش کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند را برگزیده بودند. از بین کنش‌های بیان‌شده، ۳ نفر از پاسخگویان کنش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند را در طول دوره کرونا انتخاب کرده بوده‌اند. در بین مشارکت‌کنندگان، ۳ نفر کنش عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند را برگزیده بودند.

با توجه به ماهیت کیفی پژوهش و جدید بودن موضوع کرونا و مسائل آن، مقاله‌ای برای مقایسه نتایج پژوهش پیدا نشد. در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در ابتدا به شرح مضمون «کاهش سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت)» پرداخته می‌شود. این مضمون در قالب خوشه‌هایی همچون، کمک اقوام و اطرافیان، بهینه‌سازی نیروی کار، تغییر شغل سرپرست خانواده و صرفه‌جویی در هزینه‌ها در نظر گرفته شده است. در بین خوشه‌های ذکرشده، از نظر فراوانی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها از اولویت بیشتری نسبت به سایر آنها برخوردار است. کامرون^۱ در پژوهش خود به این نکته اشاره می‌کند که یکی از مکانسیم‌های مقابله با پیامدهای بحران‌های اقتصادی، صرفه‌جویی است و در صورتی که خانواده‌ها در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نکنند و نتوانند هزینه‌های خود را هموار کنند، مجبور به کاهش هزینه‌های خود خواهند شد (کامرون و همکاران، ۲۰۰۱). سالگادو معتقد است خانوارها به دنبال حمایت از سرمایه‌گذاری در کیفیت آموزش کودکان بزرگ‌تر به قیمت کیفیت آموزش کودکان کوچک‌تر بودند. خانوارهای اکوادوری عمدتاً با تغییر الگوهای مصرف خود و تأخیر در پرداخت‌ها، با بحران سال ۱۹۹۹ سازگار شدند (سالگادو، ۲۰۱۲). حمایت اقوام و اطرافیان از جمله خوشه‌های مضمون ادامه تحصیل فرزند با سختی و مشقت است. گایاتاری حمایت اجتماعی دیگران را از جمله خانواده‌های بزرگ، خواهر و برادر، همسایه‌ها و دوستان زمانی که والدین یا اعضای خانواده برای کمک دست دراز می‌کنند، در تاب‌آوری خانواده مهم دانسته است. از جمله یافته‌های دیگر این پژوهش در این مضمون، بهینه‌سازی نیروی کار و دوشغله‌شدن سرپرست

1. Lisa A. Cameron

خانواده است که به‌عنوان مکانیسم‌های مقابله‌ای از جانب مشارکت‌کنندگان پژوهش بیان شده است. فرانکنبرگ و همکاران در پژوهش خود به این نکته اشاره دارند که خانواده‌ها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، با اقداماتی نظیر؛ افزایش افراد خانواده به‌عنوان نیروی کار و افزایش ساعات کار مقابله می‌کنند (فرانکنبرگ و همکاران، ۲۰۰۳).

مضمون دوم استخراج‌شده «سرمایه‌گذاری در آموزش فرزند (ادامهٔ تحصیل فرزند بدون مشکل)» می‌باشد. این مضمون دارای خوشه‌های آگاهی و نظارت والدین، تأمین مالی و وجود امکانات کافی است. در بین خوشه‌های این مضمون، از نظر فراوانی خوشه وجود امکانات کافی اهمیت بیشتری دارد. پژوهش‌های انجام‌شده توسط بلوندل^۱ و همکاران (۲۰۲۰) و فریرا و همکاران (۲۰۰۹) تأییدکنندهٔ این مضمون است. بلوندل در پژوهش خود بیان می‌کند کودکان در خانواده‌های بهتر، تقریباً در هر فعالیت آموزشی نسبت به همسالان خود از یک‌پنجم خانواده‌های بدتر، زمان بیشتری را صرف می‌کنند. کودکان خانواده‌های بهتر نه تنها مقدار بیشتری از یادگیری در خانه را انجام می‌دهند؛ بلکه، به حمایت بالقوه با کیفیت بالاتر از مدارس و فرصت‌های یادگیری در خانه نیز دسترسی دارند. به نظر فریرا و همکاران (۲۰۰۹) تأثیر درآمد یک بحران برای کشورهای ثروتمندتر و برای خانوارهایی که دسترسی بیشتری به بازارهای اعتباری دارند، ضعیف‌تر است که منجر به تسلط اثر جایگزینی «تحصیلی» می‌شود.

مضمون سوم شناسایی‌شده «عدم سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزند (ترک تحصیل موقت فرزند)» است که دارای خوشه‌های ویژگی‌های والدین، محدودیت‌های مالی و نبود امکانات است. لو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند شرایط مالی تعیین‌کنندهٔ اصلی تاب‌آوری خانواده است. ساکنان شهری با درآمد کمتر و تحصیلات پایین عموماً ظرفیت کمتری برای مقابله با پیامدهای اقتصادی دارند. فقر و سرمایهٔ اجتماعی ضعیف با ظرفیت سازگاری پایین مرتبط است (۲۰۱۶). نتایج پژوهش دیلون^۳ (۲۰۱۳)، هایدل^۴ و همکاران (۲۰۱۵)، السامری و همکاران (۲۰۲۰)، اونیما^۵ و همکاران (۲۰۲۰) و قراری و همکاران (۱۳۹۹) تأییدکنندهٔ این یافته است. دیلون (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «پاسخ‌های کار و تحصیل کودکان به

1. Blundell

2. Lo

3. Dillon

4. Hyder

5. Onyema





شوکه‌های تولید و بهداشت در شمال مالی» بیان می‌کند که شوکه‌های تولید احتمال ترک تحصیل را تا ۱۱ درصد و مشارکت در کار کشاورزی را ۲۴ درصد افزایش می‌دهد. هایدرو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «شوکه‌های اقتصادی منفی و تحصیل کودکان: شواهدی از روستایی مالای» بیان می‌کنند که شوکه‌های منفی تأثیرات منفی قابل توجهی را بر تحصیل نشان می‌دهد. السامری و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر همه‌گیری COVID-19 بر تأمین مالی آموزش و پرورش» نشان می‌دهند که در بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه خانوارهای فقیر کاهش درآمد خانوارها باعث کاهش سرمایه‌گذاری آنها در آموزش و پرورش می‌شود و این امر با شوکه‌های بهداشتی مرتبط با همه‌گیری تشدید می‌شود. پژوهشی با عنوان «تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا بر آموزش» در سال ۲۰۲۰ انجام شد که نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان موافق بودند که امکانات ناکافی مانند رایانه، امکانات اینترنت، عوامل اصلی محدودکننده مشارکت آنها در آموزش آنلاین بوده است. به‌طور مشابه، خدمات ضعیف برق، مشکلات در دسترس نبودن و دسترسی، مشکلات شبکه و غیره نیز مشکلات زیادی را برای آموزش در طول قرنطینه COVID-19 ایجاد کرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ویروس کرونا فعالیت‌های آموزشی را مختل کرد و فرصت‌های آموزشی را برای افراد محروم کاهش داد. پژوهشی که قراری و همکاران در سال ۱۳۹۹ با عنوان «بررسی آسیب‌ها و چالش‌های شیوع بیماری کرونا بر آموزش» انجام داده‌اند، نشان‌دهنده کاهش تقاضای تحصیل، افزایش مسئولیت والدین، هزینه دسترسی به آموزش آنلاین، اجبار به ترک تحصیل به دلیل نیاز به درآمد و یا مراقبت از اعضای خانواده است. شوکه‌های خاص - به دلیل از دست دادن شغل غیرارادی هر یک از والدین - میانگین احتمال ورود کودکان به نیروی کار و ترک تحصیل را افزایش می‌دهد (کانینگهام^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). براساس تعدادی از منابع، بسیاری از دانش‌آموزان فقیر در موقعیتی نیستند که به یادگیری آنلاین دسترسی داشته باشند. به‌طور کلی، به دلیل سطوح مختلف حمایت والدین و موانع دسترسی، آموزش از راه دور این ظرفیت را دارد که با تشدید شکاف موجود بین دانش‌آموزان با پیشینه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف، نابرابری اقتصادی را تقویت کند. دانش‌آموزان فقیرتر حداقل به دو دلیل در معرض خطر خاص قرار دارند؛ والدین آنها کمتر منابعی برای حمایت از آنها در مدرسه آموزش از راه دور

1. Cunningham



یا تکالیف خود دارند و یا والدین مرفه‌تر و ثروتمندتر با سطح تحصیلات بالاتر که معمولاً بیشتر درگیر یادگیری فرزندشان هستند، احتمالاً از خانواده بزرگ‌تری نیز می‌آیند. این امر باعث می‌شود که آنها امکانات کمتری برای آموزش از راه دور داشته باشند. بنابراین، بر توانایی آنها برای تمرکز و مشارکت در آموزش از راه دور تأثیر می‌گذارد (ارفورث^۱، ۲۰۲۰). در مجموع، یافته‌های پژوهش توسط نظریه‌هایی همچون نظریه هوپر، مدل والش و مدل چندسطحی کارد و بارت و غیره حمایت می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود

ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Akbari Burang, Mohammad and Pour, Samira. (2021). Qualitative data analysis with a phenomenological approach (based on the Claizian method). Birjand: Birjand University.
- Al-Samarrai, S., Gangwar, M., & Gala, P. (2020). The impact of the COVID-19 pandemic on education financing.
- Blundell, R., Costa Dias, M., Joyce, R., & Xu, X. (2020). COVID-19 and Inequalities. *Fiscal studies*, 41(2), 291-319.
- Cacioppo, J. T., Reis, H. T., & Zautra, A. J. (2011). Social resilience: the value of social fitness with an application to the military. *American Psychologist*, 66(1), 43.

1. Erfurth



- Cameron, L. A., & Worswick, C. (2001). Education expenditure responses to crop loss in Indonesia: A gender bias. *Economic development and cultural change*, 49(2), 351-363.
- Card, N. A., & Barnett, M. A. (2015). Methodological considerations in studying individual and family resilience. *Family Relations*, 64(1), 120-133.
- Card, N. A., & Toomey, R. B. (2012). Applying the social relations model to developmental research.
- Cheraghi, M., Kaffashi, M., Pirahary, N., (2020). Sociological Explanation of Resilience of Women in Tehran in the Face of Covid-19 Disease. *Journal of Iranian Social ...*. Retrieved from http://www.jss-isa.ir/article_243854.html?lang=en
- Cunningham, Wendy & Bustos Salvagno, Javier. (2011). Shocks, Child Labor and Schooling Dropouts in Argentina. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.1772826.
- Dillon, A. (2013). Child labour and schooling responses to production and health shocks in northern Mali. *Journal of African economies*, 22(2), 276-299.
- Ebrahimi, Marzieh. (2019). The genealogy of the Iranian family's exposure to the Corona crisis. *Iranian Journal of Social Issues*, 11 (1), 225-249.
- Erfurth, M., & Ridge, N. (2020). The Impact of COVID-19 on Education in the UAE. *Sheikh Saad Bin Saqr Al Qasimi. Strategic Report*, 1, 1-15.
- Ferreira, F. H., & Schady, N. (2009). Aggregate economic shocks, child schooling, and child health. *The World Bank Research Observer*, 24(2), 147-181.
- Frankenberg, E., Smith, J. P., & Thomas, D. (2003). Economic shocks, wealth, and welfare. *Journal of Human Resources*, 38(2), 280-321.
- Gayatri, M., & Irawaty, D. K. (2022). Family resilience during COVID-19 pandemic: A literature review. *The Family Journal*, 30(2), 132-138.
- Gayatri, M., & Irawaty, D. K. (2022). Family resilience during COVID-19 pandemic: A literature review. *The Family Journal*, 30(2), 132-138.
- Gharari M, Mohammadi R, Ghorbani M. Assessing Educational Harms and Challenges of Covid-19. *irje* 2021; 16 (5) :29-37 URL: <http://irje.tums.ac.ir/article-1-6914-fa.html>
- Henry, C. S., Sheffield Morris, A., & Harrist, A. W. (2015). Family resilience: Moving into the third wave. *Family Relations*, 64(1), 22-43.
- Hooper, L. M. (2008). Defining and Understanding Parentification: Implications for All Counselors. *Alabama Counseling Association Journal*, 34(1), 34-43.
- Hyder, A., Behrman, J. R., & Kohler, H. P. (2015). Negative economic shocks and child schooling: Evidence from rural Malawi. *Development Southern Africa*, 32(4), 458-476.
- Lo, A. Y., Xu, B., Chan, F., & Su, R. (2016). Household economic resilience to catastrophic rainstorms and flooding in a Chinese megacity. *Geographical Research*, 54(4), 406-419.
- Maguire, B., & Hagan, P. (2007). Disasters and communities: understanding social resilience. *Australian Journal of Emergency Management, The*, 22(2), 16-20.
- Maharani, Y. N., & Lee, S. (2017). Assessment of social vulnerability to natural hazards in South Korea: case study for typhoon hazard. *Spatial Information Research*, 25, 99-116.

- Mirzaei, K. (2020). Causes and Impacts of Coronavirus Covid-19 Pandemic. *SOCIAL IMPACT ASSESSMENT*, 1(2), 13–41. Retrieved from magiran.com/p2126021
- Moustakas, C. E. (1994). Phenomenological research methods. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Nejad, H. K., Sadeghi, M., & ... (2019). Developing a model of family resilience extracted from triangulation categories according to family specialists, couples and researchers. *Women and Family Educational Cultural Quarterly*, 13(46), 175-193. Retrieved from https://cwfs.ihu.ac.ir/article_204569_en.html?lang=en
- Onyema, E. M., Eucheria, N. C., Obafemi, F. A., Sen, S., Atonye, F. G., Sharma, A., & Alsayed, A. O. (2020). Impact of Coronavirus pandemic on education. *Journal of Education and Practice*, 11(13), 108-121.
- Salgado, A. L. B. (2012). Education in time of economic crisis: Effects of the Global Financial Crisis on Childrens Education in.
- Swamy, V. (2019). Financial inclusion and the resilience of poor households. *The Journal of Developing Areas*, 53(4).
- Taghizadeh S, Haji J, Mohammadimehr M. A Comparative Study of the Challenges and Opportunities of Higher Education in the Corona Pandemic in Iran and around the World. *NPWJM* 2020; 8 (27) :47-57 URL: <http://npwjm.ajaums.ac.ir/article-1-804-fa.html>
- Taheri Namhil, Ibrahim. 2020. "Examining the consequences of the corona virus on the economy of Iran and the world." *Specialized Quarterly Journal of Supreme Governance* 1(2):171–81.
- TAHERINIA M, hasanvand A. Economic consequences of Covid-19 disease on the Iranian economy; With an emphasis on employment. *Nursing management* 2020; 9 (3): 43-58 URL: <http://ijnv.ir/article-1-737-fa.html>
- Upadhyay, A., & Sa-ngiamwibool, A. (2021). A systematic literature review of community disaster resilience: main and related research areas and agendas. *Continuity & Resilience Review*, 3(2), 192-205.
- Walsh, F. (1996). The concept of family resilience: Crisis and challenge. *Family process*, 35(3), 261-281.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





مقاله پژوهشی

بررسی گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در بستر توسعه فردی در دانش

آموزان عضو هلال احمر و غیر عضو^۱

برزو امیرپور^۲، نوشین درخشان^۲ و فردوس محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

در سازمان‌ها جذب منابع انسانی داوطلب که از قابلیت بالایی در توسعه فردی برخوردار هستند، سهم مهمی در سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند. با توجه به این که یکی از منابع اصلی و پیش‌شرط‌های مشارکت‌های داوطلبانه گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب است، پژوهش حاضر با هدف مقایسه نیم‌رخ گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در بستر توسعه فردی در میان دانش‌آموزان عضو و غیرعضو هلال احمر اجرا شد. این پژوهش توصیفی-مقطعی از نوع علی مقایسه‌ای بود. نمونه آماری تشکیل شده بود از ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر پاره در سال تحصیلی ۴۰۰-۱۳۹۹ که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب (کجیاف و همکاران، ۱۳۸۹) پاسخ دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS-25 و روش آماری واریانس چند متغیری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند نمره کل گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان داوطلب برابر با ۱۵۶ و میانگین مولفه‌های گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب جمعی، گمنام، موقعیت بحرانی، هیجانی، متابعت‌آمیز و نوع‌دوستانه به ترتیب برابر با ۲۵/۶۳، ۳۲/۱۴، ۱۹/۲۳، ۲۱/۲۵، ۳۵/۷۳ و ۲۲/۵۹ بود. در حالی که، این نمرات در دانش‌آموزان غیر عضو برابر با ۱۱۹، ۱۹/۸۳، ۲۲/۳۱، ۱۵/۳۹، ۱۸/۱۹، ۲۳/۷۱ و ۱۹/۷۳ حاصل شد. همچنین، نتایج تحلیل واریانس نشان دادند نمرات گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب دانش‌آموزان داوطلب به طوری معنی‌داری بالاتر از میانگین کل نمرات افراد غیرداوطلب جمعیت هلال احمر $p < 0.05$ بود. به طور کلی، نهادهای عمومی غیردولتی همانند هلال احمر جهت نیل به اهداف بشردوستانه خود، نه تنها لازم است افراد واجد گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در رفتار یاری‌رسانی را جذب نمایند، بلکه با فراهم‌سازی بسترهای توسعه انسانی در نگهداشت آنان تلاش کنند.

واژگان کلیدی: توسعه فردی، رفتار جامعه‌پسند، نوع‌دوستی، هلال احمر، دانش‌آموز.

طبقه‌بندی موضوعی: D64, I15, I12, I19

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.40698.1016

۲. استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: borzooamirpour@pnu.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email: noushin.derakhshan@pnu.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Email: pnu.derakhshan@gmail.com



مقدمه و طرح مسأله

داوطلبان^۱ در گروه‌های غیرانتفاعی نیروی کار ارزشمندی هستند (گی و همکاران^۲، ۲۰۲۲)، و کار داوطلب امتیازات بالایی برای جامعه و خود داوطلب به ارمغان خواهد داشت. علاوه بر این، فعالیت‌های داوطلبانه سهم و نقش مهمی در سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایفا می‌کنند. با توجه به کمک اقتصادی داوطلبان به جامعه، تعدادی از سازمان‌ها رفع نیازهای خود را بر مبنای یاری‌رسانی داوطلبان پایه‌ریزی کرده‌اند؛ از این رو درک بهتر و در نهایت بهبود تجربه داوطلبان از اهمیت زیادی برخوردار است (دهقان و همکاران، ۱۳۹۹). مادامی که سازمان‌ها بجای جستجوی کسب سود و تقسیم بین اعضا، با اهداف محدودتر و مبتنی بر نیت‌های خیرخواهانه و بشردوستانه، با دلیل انعطاف‌پذیری بالا و بهره‌جستن از نیروی انسانی داوطلب و هزینه‌های پایین قادر به پیگیری اهداف بزرگی در تحقق توسعه یک کشور هستند، طبیعی است که سازمان‌های دولتی قسمتی از کار را به ارگان‌های محلی احاله نمایند. تقویت ارگان‌ها و سازمان‌های محلی در حالت عدم تمرکز، یکی از شیوه‌های مهم افزایش مشارکت و وفاق اجتماعی در مسائل اجتماعی، اداری، عمرانی و سیاسی است. یکی از حوزه‌های این مشارکت داوطلبانه مردم، حضور در فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر است. که به‌عنوان یک‌نهاد عمومی غیردولتی که فعالیت‌های برون‌مرزی و امداد رسانی پرشماری دارد، مورد توجه است. اهمیت جذب و ماندگاری نیروی انسانی داوطلب و مشارکت‌های مردمی به‌اندازه‌ای است که همه تلاش‌ها و فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر متکی به آن تعریف شده است (عمادی و همکاران، ۱۴۰۰).

از دیدگاه کلان، گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب^۳ یا رفتار جامعه‌پسند به‌عنوان میزان تمایل یا اقدام یک جامعه خاص به رفتار جامعه‌پسند که در بستر شبکه‌های اجتماعی بازتاب می‌یابد، تعریف می‌شود. با این وجود، رفتارهای اجتماعی مطلوب^۴ طیف وسیعی از اقداماتی را که به نفع یک یا چند نفر به‌غیر از خود شخص است، از جمله، یاری‌رسانی، متابعت،

1 . Volunteers

2 . Gui., Tsai., & Carroll

3 . prosocial tendencies

4 . Pro-social behaviors

اشتراک‌گذاری منابع و منافع برای دیگران بدون چشم‌داشت و همکاری کردن داوطلبانه را در بر می‌گیرد (یی و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

انسان‌ها به‌طور غیرمعمولی گونه‌های اجتماعی هستند، و به رفتارهای اجتماعی مطلوب گرایش دارند به‌نحوی که یک فرد برای بهبود رفاه فرد دیگر به مراقبت‌گری، همکاری و اقدامات پرهزینه یا مخاطره‌آمیز دست می‌زند (مارش و همکاران^۲، ۲۰۲۱). گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب^۳ باهدف بهبود شرایط دریافت‌کننده کمک انجام می‌شود و انگیزه شخصی که اقدام به چنین کاری می‌کند، انجام تعهدات شغلی نیست. از طرفی، دریافت‌کننده کمک نیز یک سازمان محسوب نمی‌شود بلکه یک انسان است. این گرایش‌ها مشتمل بر گرایش‌های نوع‌دوستانه، متابعت‌آمیز، هیجانی، بحرانی و گمنام هستند. گرایش نوع‌دوستانه، یاری‌رسانی داوطلبانه به دیگران بدون انتظار پاداش؛ گرایش متابعت‌آمیز، کمک به دیگران به دنبال تقاضای کلامی یا غیرکلامی از سوی آن‌ها؛ گرایش هیجانی، کمک به دیگران تحت شرایط هیجانی؛ گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب بحرانی، کمک‌هایی است که در شرایط بحرانی از افراد دیده می‌شود و منظور از گرایش گمنام، عبارت است از کمک به دیگران بدون این‌که افراد از آن مطلع شوند (طالقانی و همکاران، ۱۳۹۸).

در متون جدیدتر، این گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب تحت عنوان رفتار جامعه‌پسندانه^۴ و جامعه‌پسندی در کانون توجه پژوهشگران واقع شده است. عرصه مطالعات حوزه جامعه‌پسندی در حال شکوفایی است، بااین‌حال، پژوهشگران در مورد تعریف رفتار جامعه‌پسندی توافقی ندارند. برخی از تعاریف برنیت‌ها تأکید دارند که آن را طیف وسیعی از اقدامات می‌دانند که به سود یک یا چند نفر غیر از خود شخص است. برخی دیگر به پیامدها توجه دارند و رفتار جامعه‌پسندی را هر عملی در نظر می‌گیرند که به نفع دیگری است. در توصیف دیگر هر دو جنبه نیت‌ها و پیامدها ملاحظه شده است و از آن به‌عنوان رفتار داوطلبانه، از روی نیت منتج به منافع برای دیگری یاد شده است. علاوه بر این، توصیف دیگری که متمرکز بر بافت اجتماعی است، در ارتباط با رفتار جامعه‌پسندی به‌کاررفته و بر اساس آن رفتار جامعه‌پسندی، عملی است که توسط جامعه فرد با ارزش تلقی می‌شود.

- 1 . Ye., Long., Liu & Xu.
- 2 . Marsh., Marsh., Lee & Hurlmann
- 3 . Prosocial Tendencies
4. Prosociality





در نهایت دریانی فراگیر، رفتار جامعه‌پسند با توجه به نیت‌ها، پیامدها و بافت اجتماعی نشان‌دهنده طیف وسیعی از اعمال است که توسط بخش با اهمیتی از اجتماع یا یک گروه اجتماعی اساساً برای افراد دیگر مفید تلقی می‌شود (فاتایگر و همکاران، ۲۰۲۲).

رفتارهای جامعه‌پسند به‌طور کلی به رفتارهایی گفته می‌شود که باهدف رساندن منفعت دیگران انجام می‌شود این نوع از گرایش‌های رفتاری در اوایل زندگی ظاهر می‌شوند و در طول دوران نوجوانی افزایش می‌یابد اگرچه رفتارهای جامعه‌پسند اغلب به‌عنوان یک مفهوم فراگیر و همگن تصور می‌شوند، اما می‌توان آن‌ها را به انواع ظریف‌تر، مانند یاری‌رسانی، به اشتراک‌گذاری منافع، و اعمال داوطلبانه تفکیک کرد (وونگ، و همکاران^۱، ۲۰۲۱). در ادبیات پژوهش، عمل جامعه‌پسندی سازه‌ای چندبعدی و در سطوح رفتاری، عاطفی و ازجمله نگرشی جای می‌گیرد. در سطح نگرشی شامل ارزش‌های اجتماعی است که به ابعادی چون خیرخواهی و نگرش‌های مثبت به دیگران معطوف است (برادران و رنجبری نوشری، ۱۴۰۰). اگرچه این مجموعه رفتارها توسط فعل و انفعالات پیچیده بین مدارهای عصبی متعددی که به‌طور هماهنگ عمل می‌کنند، اداره می‌شوند، اما رفتارهای جامعه‌پسندانه برای مشارکت گروهی که تجربه زندگی را غنی‌تر و شانس بقا را افزایش می‌دهد، ضروری است (والش و همکاران، ۲۰۲۱).

اگرچه نقش عامل انسانی در پیشبرد امور جامعه، دارای اهمیتی خاص است و مؤثرترین رکن تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود، اما پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی مستلزم توجه ویژه به منابع انسانی توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی است (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۹). در نتیجه، کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ‌چیز دیگری را توسعه بخشد اجرای آموزش و توسعه نیروی انسانی سبب می‌شود تا افراد بتوانند متناسب با تغییرات سازمانی و محیط، به‌طور مؤثر فعالیت‌هایشان را ادامه داده و بر کارایی و اثربخشی خود بیفزایند این موضوع تحت عنوان توسعه فردی^۲ در مدیریت منابع انسانی بحث می‌شود که در طرح توسعه فردی به دلیل توجه هم‌زمان به نیازها و اهداف شخصی افراد و اهداف سازمان‌ها، می‌تواند یکی از سودمندترین و کارآمدترین روش‌ها در جلب مشارکت کارکنان

1. Wong, Konishi., & Kong
2. individual development

و داوطلبان و ایجاد انگیزه و کارایی آموزش‌های آنان باشد. این طرح در واقع نوعی بسترسازی از طریق تعلیم و آموزش است و سندی است که سازمان‌ها را متعهد به ایجاد فرصت‌های یادگیری و ارتقای فرد می‌سازد. طرح توسعه فردی به معنی پذیرش سهمی مهم و مؤثر برای فرد در یادگیری و پرورش استعدادهايش از طریق مراحل ارزیابی، عکس‌العمل و انجام اقدامات اصلاحی است طرح توسعه فردی یک برنامه‌ریزی مدون و مکتوب در جهت توسعه و رشد افراد است و به‌مثابه یک ابزار ارتباطی و یک نقشه راه است. تصویر وضعیت موجود و ترسیم وضع مطلوب (نامخواه سرکندی و همکاران، ۱۳۹۸). با این وجود، سازمان به‌خوبی نسبت به این موضوع لازم است اشراف داشته باشند که مسیر رشد و توسعه آن‌ها از طریق تحول و توسعه نیروهای انسانی‌شان قابل‌ردیابی و تحقق است. بنابراین، تعهد سازمان‌ها به آموزش مداوم منابع انسانی در کنار ویژگی‌های چون جامعه‌پسندی و گرایش به رفتارهای مطلوب اجتماعی، بستر خود مسئولیت‌پذیری و تعهد به اهداف سازمانی را در اعضا موجب می‌شود.

در پیوند با ادبیات پژوهش و شواهد نظری، این مطالعه باهدف پاسخ به نارسایی پژوهش‌های داخلی در زمینه نقش خصیصه گرایش به رفتارهای مطلوب اجتماعی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم در تمایل داوطلبانه برای عضویت در سازمان هلال احمر انجام شد. با عنایت به آنچه در جهت معرفی متغیرهای پژوهش در مقدمه به عمل آمد در این مطالعه سعی شده است در بستر توسعه فردی، گرایش به رفتارهای اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان عضو و غیرعضو جمعیت هلال احمر مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

پیشینه نظری و عملی پژوهش:

یائو و انرایت^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان رفتار اجتماعی مطلوب و طبقه اجتماعی در اوایل نوجوانی: نقش‌های میانجی عوامل خانوادگی و مدرسه به این نتیجه دست یافتند که طبقه اجتماعی پایین تأثیر منفی بر رفتار اجتماعی مطلوب و جامعه‌پسندی افراد شرکت‌کننده در پژوهش دارد. همچنین، عوامل خانوادگی چون ابراز هیجانی مثبت در



خانواده و رابطه بین معلم- دانش‌آموزان و حمایت همسالان در این ارتباط بین رفتار اجتماعی مطلوب و طبقه اجتماعی نقش میانجی را ایفاء می‌کنند.

ریکاردو و همکاران^۱ (۲۰۱۲) یک تحلیل عاملی از ابعاد شش‌گانه رفتار اجتماعی مطلوب برای کودکان را بر اساس مقیاسی ۲۱ ماده‌ای ارائه دادند. این ابعاد شش‌گانه عبارت بودند از رفتار اجتماعی مطلوب جمعی^۲ با سه ماده (به‌عنوان نمونه، وقتی مردم مرا می‌بینند، می‌توانم به بهترین شکل به دیگران کمک کنم)؛ گمنام^۳ با چهار ماده (به‌عنوان نمونه، من فکر می‌کنم کمک به دیگران بدون این‌که آن‌ها بدانند بهترین نوع موقعیت است)؛ در موقعیت بحرانی یا وخیم^۴ با سه ماده (به‌عنوان نمونه، من تمایل دارم به افرادی کمک کنم که در بحران یا نیاز واقعی هستند)؛ هیجانی^۵ با پنج ماده (به‌عنوان نمونه، زمانی که شرایط به‌شدت هیجانی است به کمک به دیگران بهترین پاسخ را می‌دهم)؛ متابعت آمیز^۶ با دو ماده (به‌عنوان نمونه، وقتی افراد دیگر از من تقاضای کمک به آن‌ها را دارند، دریغ نمی‌کنم) و نوع‌دوستانه^۷ با چهار ماده (به‌عنوان نمونه، من اغلب کمک می‌کنم حتی اگر فکر نمی‌کنم از یاری‌رسانی چیزی به دست بیاورم).

در یک بررسی با عنوان روابط بین استرس، راهبردهای مقابله‌گری و رفتار اجتماعی مطلوب در دانشجویان مکزیکی ایالات‌متحده، که توسط موت-الیسون و همکاران^۸ (۲۰۲۲) اجرا شد، نتایج حاکی از آن بود که استرس دانشجویان مکزیکی ایالات‌متحده به‌طور غیرمستقیم با رفتار اجتماعی مطلوب آن‌ها از طریق راهبردهای مقابله فعال و اجتنابی مرتبط بود. و گرایش به رفتارهای اجتماعی مطلوب به‌عنوان یکی از راهبردهای کاهش استرس در دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش معرفی شده بود.

از دیدگاه کلان، گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب^۹ یا رفتار جامعه‌پسند به‌عنوان میزان تمایل یا اقدام یک جامعه خاص به رفتار جامعه‌پسند که در بستر شبکه‌های اجتماعی

1. Richaud., Mesurado., & Cortada.

2. Public

3. Anonymous

4. Dire

5. Emotional

6. Compliant

7. Altruism

8. Memmott-Elison., Yu., Maiya ., Dicus., & Carlo.

9. prosocial tendencies



بازتاب می‌یابد، تعریف می‌شود. با این وجود، رفتارهای اجتماعی مطلوب^۱ طیف وسیعی از اقداماتی را که به نفع یک یا چند نفر به غیر از خود شخص است، از جمله، یاری‌رسانی، متابعت، اشتراک‌گذاری منابع و منافع برای دیگران بدون چشم‌داشت و همکاری کردن داوطلبانه را در بر می‌گیرد (ی و همکاران^۲، ۲۰۲۰). با عنایت به آنچه در جهت معرفی متغیرهای پژوهش در مقدمه به عمل آمد در این مطالعه سعی شده است در بستر توسعه فردی، گرایش به رفتارهای اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان عضو و غیرعضو جمعیت هلال‌احمر مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

ون درگراف و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، رفتار اجتماعی مطلوب را در دوره نوجوانی بر اساس جنسیت و ارتباط آن با همدلی را بررسی نمودند. در این پژوهش گزارش شده است که پرورش رفتارهای جامعه‌پسندی و اجتماعی مطلوب در نوجوانان بیشتر مبتنی بر هیجان‌های اخلاقی^۴ است تا ساختارهای اخلاقی^۵. همچنین، افزایش رفتارهای جامعه‌پسندی بیشتر در اواسط نوجوانی و در دختران دو سال زودتر (بین سنین ۱۳ تا ۱۶ سالگی) از پسران (بین ۱۴ تا ۱۷ سالگی) اتفاق می‌افتد. در این مطالعه، در تبیین این تفاوت جنسیتی در پرداختن به رفتارهای اجتماعی مطلوب به رشد سریع‌تر قشر مغز و کارکرد عقلانی و اجتماعی-شناختی^۶ در اوایل نوجوانی در دختران اشاره شده است.

لامپریدیس و پاپاستیلیانو^۷ (۲۰۱۷) به بررسی ارتباط میان گرایش به رفتارهای اجتماعی مطلوب و جهت‌گیری به فردگرایی و جمع‌گرایی^۸ پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش که بر روی دانشجویان اجرا شده بود، جمع‌گرایی در مقایسه با فردگرایی ارتباط مثبت و قوی با درگیر شدن به رفتارهای اجتماعی مطلوب داشته است و این رفتارها در دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر گزارش شده است.

آیتاک و کارتال^۹ (۲۰۱۶) در یک مطالعه مقایسه‌ای، گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در میان دانشجویان دختر و پسر را بررسی کردند. نتایج حاکی از تفاوت معنی‌دار این گرایش

- 1 . Pro-social behaviors
- 2 . Ye., Long., Liu & Xu.
- 3 . Van der Graaff., Carlo., Crocetti., Koot., & Branje.
- 4 . moral emotions
- 5 . moral cognitions
- 6 . intellectual and social-cognitive functioning
- 7 . Lampridis & Papastylanou
- 8 . orientation towards individualism-collectivism
- 9 . Aytaç., & Kartal.





در دختران نسبت به دانشجویان پسر در مؤلفه‌های رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی، جمعی و هیجانی بود.

از آنجایی که تأثیرات آشنا و ناشناس بودن فرد نیازمند به یاری‌رسانی و حمایت بر رفتار اجتماعی مطلوب در بین افراد متفاوت است، مسورادو و همکاران^۱ (۲۰۲۲) مقیاسی سه مؤلفه‌ای برای سنجش رفتار جامعه‌پسندی نسبت افراد غریبه، دوستان و خانواده را اعتباریابی کردند.

یکی از مهارت‌های شناختی اجتماعی ضروری برای ادامه زندگی جمعی و برقراری تعاملات موفق، دیدگاه‌گیری اجتماعی^۲ است. این دیدگاه به فرد امکان می‌دهد در حالی که هویت و یگانگی خود را حفظ می‌کند، با فرد دیگری همدلی کند و مسائل را از دید او ببیند. به عبارت دیگر، گویی که فرد با کفش دیگری راه می‌رود و از پشت عینک او دنیا را می‌بیند و به سطح بالایی از حساسیت همدلانه نائل می‌شود (محقق و همکاران، ۱۳۹۵).

احمدی (۱۳۸۸) تمایل به نوع دوستی و عوامل مؤثر بر آن را در میان ۳۸۶ نفر از جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال شهر یاسوج مورد مطالعه قرار دادند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مسئولیت اجتماعی که به شکل الزام و تعهد درونی در مقابل دیگران تجلی می‌یابد و تحلیل هزینه - پاداش یا محاسبه سود و ضرر بر نوع دوستی مؤثر است اما، همدلی به معنای درک عواطف دیگران و خود را جای آنها قرار دادن، تأثیری بر نوع دوستی نداشته است. از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و قومیت افراد تأثیری بر نوع دوستی و یاری‌رسانی به افراد در موقعیت‌های عادی و اضطراری به عنوان یک گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب نداشته است.

نوئین و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نمونه آماری متشکل از جانبازان جنگ شهر اصفهان نشان دادند که میان سطح استدلال اخلاقی و میزان گرایش به رفتارهای مطلوب اجتماعی، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

گلچین و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تحلیل تجربی رابطه عوامل اجتماعی با گرایش به رفتارهای نوع‌دوستانه (مورد مطالعه: شهروندان همدان)"، نشان دادند با افزایش میزان احساس انومی شهروندان و افزایش در شهرگرایی و فردگرایی، میزان گرایش به

1. Mesurado., Guerra., De Sanctis., & Rodriguez.
2. Social Perspective Taking

رفتارهای نوع‌دوستانه کاهش می‌یابد. در مقابل، هرچه میزان دین‌داری، اعتماد اجتماعی، خوشایندی تجربه‌های گذشته‌ی افراد از باری‌رسانی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی و همدلی شهروندان بیشتر باشد، گرایش به انجام رفتارهای نوع‌دوستانه نیز بالاتر خواهد بود. این یافته‌ها مؤید نظرات ذکر شده در مصاحبه‌های مقدماتی و ادبیات نظری موجود در این حوزه است.

معمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی به پیش‌بینی رفتار جامعه‌پسند در سالمندان بر اساس رابطه با خداوند و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پرداخته است. نتایج نشان داد سالمندانی که ارتباط ضعیفی با خدا داشتند به طور معنی‌داری نسبت به کسانی که ارتباط بالا یا حتی ارتباط متوسطی با خدا داشتند، رفتار جامعه‌پسند پایین‌تری داشتند. همچنین وقتی در قالب یک مدل رگرسیون تاثیر متغیرهای مختلف بر رفتار جامعه‌پسند مطالعه شد، مشاهده شد که متغیرهای ارتباط با خدا و تحصیلات تاثیر معنی‌داری بر رفتار جامعه‌پسند داشتند. این نیز بدان معنی است که کسانی که با خداوند ارتباط قوی‌تری داشته و از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار بوده‌اند رفتار جامعه‌پسندتری داشته‌اند.

و سرانجام، در بررسی پیشینه‌های مرتبط با پژوهش، موسی بیگی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی خود تحت عنوان پیش‌بینی جامعه‌پسندی بر اساس سبک‌های تبادل اجتماعی و سبک فرزندپروری در دانشجویان، گزارش کردند که سبک فرزندپروری مقتدرانه، سبک‌های تبدالی انصاف و سرمایه‌گذاری افراطی می‌توانند، جامعه‌پسندی را تبیین و توجیه نمایند.

بر اساس پیشینه پژوهش می‌توان استنباط نمود گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب، سازه‌ای چندعلیتی است که از زمینه‌های متعددی می‌تواند متأثر شود. با این حال، هر چند در چهار دهه گذشته، پژوهشی در مورد رفتار اجتماعی مطلوب و عوامل مؤثر بر آن توجه تعداد قابل ملاحظه‌ای از روانشناسان اجتماعی را به خود جلب کرده است، اما اطلاعات معدودی در ارتباط با این متغیر در دختران نوجوان گزارش شده است و یک خلاء پژوهشی در این زمینه مشاهده می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر به منظور کاهش ضعف و خلاء پیشینه پژوهش در ارتباط با گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در دختران نوجوان که بیشتر جمع‌گرا هستند تا فرداگرا، انجام شده است.



فرضیه پژوهش:

گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب و ابعاد آن بین دو گروه دانش‌آموزان بر اساس عضویت و عدم عضویت در جمعیت هلال احمر تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش:

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم در شهرستان پاوه در سال ۱۳۹۹-۴۰۰ بود. با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ نفر عضو هلال احمر و ۱۰۰ نفر غیر عضو) انتخاب شد. برای مطالعات از نوع علی-مقایسه‌ای حداقل حجم نمونه در هر گروه ۳۰ نفر کفایت می‌کند (دلور، ۱۴۰۰)؛ اما به منظور افزایش توان تعمیم دهی نتایج در هر گروه تعداد ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد. گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در پژوهش حاضر، عبارت است از نمره‌ای که هر شرکت‌کننده در مقیاس گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب کارلو و همکاران (۲۰۰۳)، اعتباریابی شده توسط کجیاف و همکاران، (۱۳۸۹) کسب می‌کنند.

مقیاس گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب: این مقیاس در سال ۲۰۰۳ توسط کارلو و همکاران تدوین شده است. این مقیاس دارای ۲۳ سؤال با ۶ زیرمقیاس است. همان طور که در مقدمه پژوهش بیان شد، این ۶ مشتمل بر گرایش‌های جمعی، نوع‌دوستانه، متابعت‌آمیز، هیجانی، بحرانی و گمنام هستند. گرایش نوع‌دوستانه، یاری‌رسانی داوطلبانه به دیگران بدون انتظار پاداش؛ گرایش متابعت‌آمیز، کمک به دیگران به دنبال تقاضای کلامی یا غیرکلامی از سوی آن‌ها؛ گرایش هیجانی، کمک به دیگران تحت شرایط هیجانی؛ گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب بحرانی، کمک‌هایی است که در شرایط بحرانی از افراد دیده می‌شود و منظور از گرایش گمنام، کمک به دیگران، بدون این‌که افراد از آن مطلع شوند، است. اساساً برای ارزیابی خودگزارشی دهی در زمینه گرایش‌های اجتماعی افراد است. کارلو و همکاران (۲۰۰۳) ضرایب برازش مدل مناسبی را با استفاده از تحلیل عامل تأییدی در دانشجویان دانشگاه گزارش کرده‌اند. در مقیاس گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب فرم تجدیدنظر شده ۲ سؤال به مجموع سؤالات اضافه شده است. بر اساس گزارش کارلو و همکاران (۲۰۰۳) ۶ زیرمقیاس و ضریب آلفای کرونباخ آن‌ها عبارت‌اند از ۱-رفتارهای



اجتماعی مطلوب جمعی (۴ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸)، ۲- رفتارهای اجتماعی مطلوب گمنام (۵ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵)، ۳- رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی و اضطراری (۳ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۳)، ۴- رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی (۴ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵)، ۵- رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت آمیز (۲ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰) و ۶- رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع دوستانه (۵ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴) است.

ضرایب پایایی بازآزمایی در پژوهش کارلو و همکاران (۲۰۰۳) در فاصله دوهفته‌ای برای رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی (۴ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۶)، رفتارهای اجتماعی مطلوب گمنام (۵ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸)، رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی و اضطراری (۳ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۳)، رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی (۴ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲)، رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت آمیز (۲ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳) و رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع دوستانه (۵ سؤال با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳) به دست آمده است. طیف پاسخ‌گویی به سئوال‌ات این مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً من را توصیف می‌کند با نمره ۵ تا اصلاً من را توصیف نمی‌کند با نمره ۱) است. حداقل نمره‌ای که پاسخگو در این مقیاس کسب می‌کند، ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ است. در ایران این مقیاس توسط کجباف، سجادیان و نوری در سال ۱۳۸۹ ترجمه و در بین گروهی از دانشجویان دانشگاه اصفهان هنجاریابی شده است. در مطالعه کجباف و همکاران (۱۳۸۹) پایایی کل مقیاس با ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹ و زیرمقیاس‌های آن در دامنه‌ای بین ۰/۶۸ الی ۰/۷۴ گزارش شده است.

تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد؛ پیش‌فرض‌های آماری شامل آزمون کولموگروف-اسمیرنف، آزمون شاپیرو-ویلکز، آزمون لوین، آزمون ام باکس و شیب خط رگرسیون؛ و آزمون تحلیل واریانس انجام شد. جهت تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ استفاده می‌شود.

یافته‌ها:

شرکت‌کنندگان حاضر در پژوهش از لحاظ سنی، در دامنه ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشتند، به نحوی که میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب برابر با ۱۷/۴۹ و ۰/۹۴



بود. نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که میانگین (و انحراف معیار) کل نمرات در مجموع ۶، گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان گروه عضو جمعیت هلال‌احمر برابر با ۱۵۶/۵۷ (و ۲۷/۵۵) و در دانش‌آموزان گروه غیرعضو در جمعیت هلال‌احمر برابر با ۱۱۹/۱۶ (و ۲۲/۲۸) است. اطلاعات توصیفی مربوط به هر یک از زیرمقیاس‌های گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در افراد دو گروه به تفکیک در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

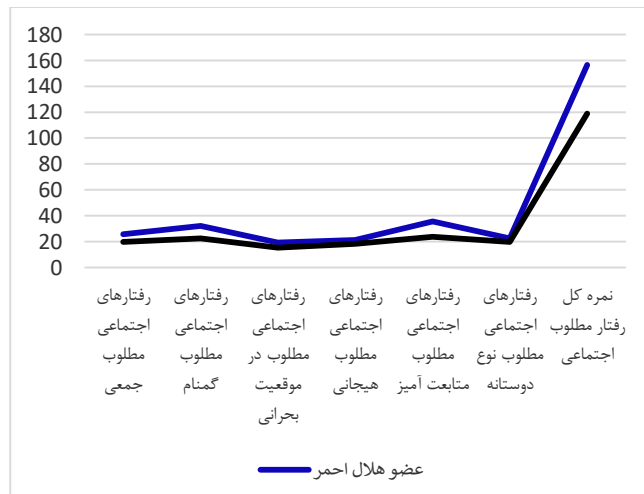
جدول ۱- میانگین و انحراف معیار گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب در دانش‌آموزان عضو و غیرعضو در

هلال‌احمر				متغیرهای وابسته
غیر عضو هلال‌احمر		عضو هلال‌احمر		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۵/۰۶۶	۱۹/۸۳	۵/۹۷۱	۲۵/۶۳	رفتارهای اجتماعی مطلوب جمعی
۶/۸۲۶	۲۲/۳۱	۶/۹۲۷	۳۲/۱۴	رفتارهای اجتماعی مطلوب گمنام
۳/۹۱۲	۱۵/۳۹	۳/۶۱۸	۱۹/۲۳	رفتارهای اجتماعی مطلوب در موقعیت بحرانی
۳/۲۰۲	۱۸/۱۹	۳/۳۰۹	۲۱/۲۵	رفتارهای اجتماعی مطلوب هیجانی
۲/۰۲۹	۲۳/۷۱	۵/۰۱۶	۳۵/۷۳	رفتارهای اجتماعی مطلوب متابعت‌آمیز
۱/۲۵۳	۱۹/۷۳	۲/۷۱۷	۲۲/۵۹	رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع‌دوستانه
۲۲/۲۸۸	۱۱۹/۱۶	۲۷/۵۵۸	۱۵۶/۵۷	نمره کل گرایش به رفتار مطلوب اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

یکی از پیش‌فرض‌های لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات گروه یا گروه‌های نمونه در جامعه است. اساس این پیش‌فرض بر آن است که فرض می‌شود، توزیع نمرات در جامعه نرمال است و اگر در گروه‌های نمونه، کجی یا کشیدگی حاصل شده، به خاطر نمونه‌گیری تصادفی افراد بوده است. پیش‌فرض نرمال بودن در صورتی رد می‌شود که احتمال تصادفی بودن تفاوت میان توزیع گروه‌های نمونه و توزیع نرمال بودن نمرات در جامعه کمتر از ۰/۰۵ گردد.





نمودار ۱: نیمرخ میانگین‌های دو گروه عضو و غیرعضو هلال احمر بر اساس متغیرهای مورد مطالعه مأخذ: یافته‌های پژوهش

در این پژوهش پیش از انجام تحلیل کوواریانس به منظور بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه از آزمون شاپیرو-ویلک^۱ و کولموگروف-اسمیرنف^۲ استفاده شد و نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است. این نتایج نشان می‌دهد که در تمامی متغیرها سطح معنی‌داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($P > 0/05$)، لذا توزیع نمرات در جامعه نرمال است. بنابراین، استفاده از تحلیل واریانس در داده‌های پژوهش بلا مانع است. پیش فرض دیگر برای استفاده از تحلیل واریانس، تساوی واریانس گروه‌ها است. اساس پیش فرض تساوی واریانس‌ها آن است که واریانس نمرات دو گروه در جامعه با هم برابر است، و از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در این پژوهش پیش از انجام تحلیل واریانس به منظور بررسی پیش فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین^۳ استفاده شد. پیش فرض لوین در تمامی متغیرهای پژوهش تأیید گردید، بنابراین، می‌توان از روش تحلیل واریانس جهت تحلیل فرضیه‌ها استفاده کرد.

1 . Shapiro-Wilk
2 . Kolmogorov-Smirnov
3 . Levene's Test



جدول ۲- آزمون شاپیرو-ویلک و کولموگروف-اسمیرنف برای طبیعی بودن توزیع نمرات

آزمون کولموگروف-اسمیرنف			آزمون شاپیرو-ویلک			متغیر
P-Value	df	آماره	P-Value	df	آماره	
۰/۱۶۴	۲۰۰	۰/۱۱۶	۰/۱۲۳	۲۰۰	۰/۴۶۱	مطلوب جمعی
۰/۲۰۰	۲۰۰	۰/۱۳۹	۰/۲۶۵	۲۰۰	۰/۹۱۱	مطلوب گمنام
۰/۳۱۷	۲۰۰	۰/۱۵۲	۰/۲۳۱	۲۰۰	۰/۶۷۷	مطلوب در موقعیت بحرانی
۰/۶۷۷	۲۰۰	۰/۴۱۳	۰/۲۱۶	۲۰۰	۰/۸۴۵	مطلوب هیجانی
۰/۵۱۲	۲۰۰	۰/۲۵۱	۰/۱۷۶	۲۰۰	۰/۲۱۶	مطلوب متابعت آمیز
۰/۶۱۳	۲۰۰	۰/۲۹۱	۰/۵۱۰	۲۰۰	۰/۳۱۵	مطلوب نوع دوستانه
۰/۴۱۷	۲۰۰	۰/۳۳۳	۰/۴۹۷	۲۰۰	۰/۴۴۸	نمره کل گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۳ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره یک‌راهه (مانووا) حاصل از بررسی تفاوت بین دانش‌آموزان عضو و غیرعضو در جمعیت هلال‌احمر شهرستان پاوه آورده شده است. بنابراین، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دو گروه دانش‌آموزان عضو و غیرعضو در جمعیت هلال‌احمر شهرستان پاوه از نظر نمره گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳- تحلیل واریانس تفاوت دو گروه دانش‌آموزان در گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب

آماره‌های مختلف	ارزش	F	سطح معنی‌داری	مجدور انا	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۱۶۹	۱/۱۳۸	۰/۰۳۴	۰/۷۷۵	۰/۸۱۶
لامبدای ویلکز	۰/۸۳۱	۱/۱۳۸	۰/۰۱۷	۰/۷۷۵	۰/۶۹۵
اثر هتلینگ	۰/۷۰۱	۱/۱۳۸	۰/۰۰۵	۰/۷۷۵	۰/۷۲۲
بزرگترین ریشه روی	۰/۷۰۱	۱/۱۳۸	۰/۰۰۲۱	۰/۷۷۵	۰/۷۱۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش



جدول ۴- تحلیل واریانس چندمتغیره تفاوت دو گروه دانش‌آموزان در گرایش به رفتار اجتماعی

شاخص	متغیر	میانگین مجذورات	df	آماره F	سطح معنی‌داری
گروه	مطلوب جمعی	۲۷/۵۳۵	۱	۰/۴۷۱	۰/۰۱۷
	مطلوب گمنام	۳۰/۱۲۹	۱	۰/۵۳۱	۰/۰۳۲
	مطلوب در موقعیت بحرانی	۲۴/۶۴۱	۱	۶/۱۸۳	۰/۰۲۹
	مطلوب هیجانی	۲۴/۵۶۴	۱	۰/۵۶۴	۰/۰۱۸
	مطلوب متابعت آمیز	۱۹/۸۰۶	۱	۲/۳۸۷	۰/۰۰۶
	مطلوب نوع‌دوستانه	۳۱/۷۵۴	۱	۴/۸۴۳	۰/۰۳۲
	نمره کل گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب	۴۲/۶۹۴	۱	۱۲/۸۸۳	۰/۰۱۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد بین دو گروه دانش‌آموزان با و بدون عضویت در جمعیت هلال احمر شهرستان پاوه در نمره کل گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب ($F=12/88$ و $P<0/016$) و ابعاد آن شامل رفتار اجتماعی مطلوب جمعی ($F=0/47$) و رفتار اجتماعی مطلوب گمنام ($F=0/53$ و $P<0/032$)، رفتار اجتماعی مطلوب در موقعیت اضطراری ($F=6/18$ و $P<0/029$)، رفتار اجتماعی مطلوب هیجانی ($F=6/18$ و $P<0/018$)، رفتار اجتماعی مطلوب متابعت آمیز ($F=2/38$ و $P<0/006$)، رفتار اجتماعی مطلوب نوع‌دوستی ($F=4/84$ و $P<0/032$) از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین نمرات در جدول توصیفی (شماره ۱) چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان عضو در گروه جمعیت هلال احمر در مقایسه با دانش‌آموزان غیر عضو در جمعیت هلال احمر گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب قوی‌تر و بالاتری داشته‌اند. بنابراین، فرضیه کلی پژوهش تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری:

کار داوطلبانه را می‌توان به بهترین وجه به‌عنوان یک فعالیت بدون دستمزد و غیرانتفاعی تعریف کرد که معمولاً در خدمت منافع عمومی است. جنبه داوطلبانه بودن آن ضروری



است و آن را از سایر اشکال کار متمایز می‌کند (گونتر و همکاران^۱، ۲۰۲۲). هدف از اجرای پژوهش حاضر، مقایسه گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب یا رفتار جامعه‌پسندانه در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم عضو و غیرعضو هلال‌احمر در بستر تحول فردی بود. نتایج نشان داد که بین دو گروه دانش‌آموزان با و بدون عضویت در جمعیت هلال‌احمر شهرستان پاوه در نمره کل گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب و ابعاد آن از نظر آماری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به میانگین نمرات در جدول توصیفی چنین استنباط می‌شود که دانش‌آموزان عضو در گروه جمعیت هلال‌احمر در مقایسه با دانش‌آموزان غیرعضو در جمعیت هلال‌احمر گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب قوی‌تر و بالاتری داشته‌اند. بنابراین فرضیه کلی پژوهش تأیید می‌شود. اگر چه، پیشینه پژوهش مرتبط با گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب بر سایر جمعیت‌های آماری مانند سالمندان، جانبازان، دانشجویان بدون لحاظ عضویت داوطلبانه در نهادها و سازمان‌های عام المنفعه متمرکز بوده است و امکان مقایسه را فراهم نمی‌کند، با این حال پژوهش حاضر به درک عمیق‌تر ما از متغیر مورد مطالعه در افراد داوطلب برای سودرسانی به دیگران بدون لحاظ نفع شخصی کمک می‌کند. با این حال، به رویکردهای نظری در ارتباط با تبیین یافته‌های پژوهش حاضر می‌پردازیم.

در ارتباط با انتخاب جامعه آماری پژوهش از نظر جنسیت باید خاطر نشان ساخت که همدلی^۲ از عوامل برانگیزاننده مهم در رفتارهای مطلوب اجتماعی و جامعه‌پسندانه است. همدلی به‌طور معنی‌داری در زنان بالاتر از مردان گزارش شده است (شین، پارک و لی^۳، ۲۰۲۲ و خانجانی و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، این دیدگاه که همدلی و همدردی^۴ رفتار جامعه‌پسند و مطلوب اجتماعی را برمی‌انگیزاند، از حمایت‌های تجربی فراوانی برخوردار است (کاماس و پرستون^۵، ۲۰۲۱). رفتارهای جامعه‌پسندانه در زنان، بیشتر رابطه‌ای و گروهی است و در مردان بیشتر نماینده‌ای و به‌صورت جهت‌گیری شده مانند تمرکز بر قدرت همکاری است. منشأ این باورها تحت تأثیر پردازش هورمونی، انتظارات اجتماعی و موقعیت‌های فردی قرار دارند (برادران و رنجبرنوشی، ۱۴۰۰). در این پژوهش به این دلیل

1 . Güntert., Wehner & Mieg.

2 . empathy

3 . Shin., Park. & Lee.

4 . sympathy

5 . Kamas. & Preston.



سعی شد که نمونه آماری از نظر جنسیت، متجانس انتخاب شود. با این حال، پرداختن به رفتار جامعه پسند یا گرایش به رفتارهای اجتماعی مطلوب، به ساختن یک جامعه تاب آور ۱ در مقابل بلایا کمک می‌کند، که این می‌تواند به توانایی پایدار یک جامعه برای مقاومت، سازگاری و بازیابی سریع از ناملازمات منجر شود. «احساس وظیفه برای انجام یاری رسانی ۲» در کنار «شفقت ناشی از فاجعه ۳» که به مشارکت مبتنی بر نوع دوستی در هنگام وقوع بلایا اشاره دارد، را می‌توان از صفات شخصیتی افراد با گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب عنوان کرد (وایدنر و همکاران ۴، ۲۰۲۲). بر این اساس، می‌توان در دانش آموزان داوطلب عضویت در هلال احمر، سطوح بالایی از احساس انجام وظیفه نسبت به یاری رسانی و شفقت ورزی در هنگام وقوع بلایا را استنباط نمود.

علاوه بر این موارد، نیلسون و همکاران^۵ (۲۰۱۷)، در پژوهش خود با عنوان «مردان و زنان چگونه یاری رسانی می‌کنند؟ اعتباریابی یک مقیاس چندبعدی برای رفتار جامعه‌پسندی» نشان دادند که مردان غالباً در موقعیت‌های که نیاز به حمایت فیزیکی بیشتر است، مداخله می‌کنند و زنان در شرایطی که حمایت عاطفی موقعیت برجسته تر باشد، جهت یاری رسانی فعالانه اقدام خواهند نمود.

انسان‌ها با وجود این که بر اساس نیازهای خود به دنبال کسب منافع فردی هستند، ولی در زندگی خود به صورت رسمی یا غیررسمی با اجتماعات، گروه‌ها، سازمان‌ها و به‌طور کلی انسان‌های دیگر سروکار دارند و در موقعیت‌های مختلف، منافع فردی و منافع جمعی افراد باهم برخورد می‌کنند و در چنین موقعیت‌هایی ناچار به انتخاب هستند. او همواره باید یاد بگیرد که چگونه در جمع زندگی کند و درعین حال نیازهای خود را نیز تأمین کند بر اساس نظریه مازلو، انگیزه تعلق بالا در افراد باعث می‌شود که افراد نیاز و خواست بیشتری به ارتباط با دیگران، میل به یکی شدن با گروه و درآمیزی با دیگران را داشته باشند. بنابراین تمایل بالایی داشته باشد که رفتارهایی را در خود تقویت کنند که نشانه‌های همکاری و همدلی و کمک به دیگر اعضای جامعه در آن محسوس باشد که در نهایت منجر بالا رفتن رفتارهای جامعه‌پسند در آن‌ها می‌شود (یعقوبی و محمدی، ۱۴۰۰).

- 1 . community resilience
- 2 . feel a duty to do so
- 3 . catastrophe compassion
- 4 . Wider, Lim, Wong, Chan & Maidin.
- 5 . Nielson, Padilla-Walker & Holmes.



در تبیین دیگری بر اساس مفهوم دیدگاه‌گیری می‌توان اذعان داشت که اجتماعی بودن مستلزم تعامل با دیگران، و یک تعامل قاطع، مستلزم درک دیدگاه دیگری است. همان طوری که در بخش پیشینه پژوهش آمد، این دیدگاه را به‌عنوان توانایی درک، تفسیر و آگاهی از حالات عاطفی- روانی خود و دیگران تعریف می‌کنند. این توانایی، بیانگر قابلیت عاطفی-شناختی است که نشان می‌دهد بر پایه آن افراد چگونه خودشان را در موقعیت‌های خاص در می‌یابند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که یکی از مواردی مؤثر بر دستیابی به شخصیت جامعه‌پسند، توانایی دیدگاه‌گیری است. که به نظر می‌رسد از عوامل بالاتر بودن میانگین نمرات متقاضیان عضویت در فعالیت‌های داوطلبانه در هلال‌احمر است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، سهم و نقش این ظرفیت عاطفی-شناختی یعنی دیدگاه‌گیری موردنظر واقع شود (رضایی و وثوقی کلنتری، ۱۴۰۰).

درواقع، برخورداری از گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب و جامعه‌پسندی، زمینه ارتباطات دوستانه با دیگران را فراهم نموده و موجب همدردی با سایرین و شفقت‌ورزی نسبت به آنان شده و زمینه حمایت از افراد نیازمند را موجب می‌شود. در نتیجه، این گرایش‌ها موجب شکوفایی اجتماعی افراد می‌شود و قدرت استدلال اخلاقی آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. از یک نگاه ژرف‌تر، می‌توان اذعان نمود، افراد برخوردار از گرایش‌های مذکور، از اعتماد اجتماعی بالاتری بهره می‌برند و درنهایت، سلامت روانی- اجتماعی مطلوبی نیز دارند (طالقانی و همکاران، ۱۳۹۸).

به‌رحال، رفتارهای اجتماعی مطلوب نوع‌دوستانه، تحت عنوان کمک داوطلبانه به دیگران به دلیل نگرانی نسبت به رفاه و نیازهای دیگران تعریف شده است که به‌واسطه پاسخگویی از روی همدردی، هنجارها و اصول درون‌سازی شده ثابت برای کمک به دیگران بروز می‌یابد بنابراین این احتمال که این نوع از رفتارها توسط ملاحظات اخلاقی داخلی هدایت شود؛ قابل تأمل است (دماری و همکاران، ۱۴۰۰).

اگرچه، سازمان‌ها هنگامی می‌توانند به موفقیت و اهداف راهبردی خود برسند که افرادی را جذب کرده باشد که از توانایی و علاقه برای ایفای رسالت خویش برخوردار باشند، سازمان‌ها نیز به‌نوبه خود جهت نگهداری و تداوم همکاری به ویژه، داوطلبانه، موظفاند آموزش توسعه فردی نیروهای انسانی را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. مدیران موفق لزوم این آموزش را به‌درستی درک و زمینه بروز قابلیت‌های بالقوه افراد را فراهم می‌کنند.



در نگرش سازمان‌هایی که برای توسعه‌سازمانی اهمیت خاصی قائل هستند، آموزش و تربیت نیروی انسانی نه تنها هزینه محسوب نمی‌شود بلکه، نوعی سرمایه‌گذاری است که سازمان را از حالت ایستایی به سمت پویایی سوق می‌دهد. توسعه فردی به‌عنوان یک ابزار کاربردی توانمند ساز بستری را برای مشارکت فعال، متعهدانه، توأم با اعتمادبه‌نفس را برای اعضای هر ارگانی تدارک خواهد دید (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، در طرح توسعه فردی ضمن در نظر گرفتن تناسب فرد با سازمان، برنامه‌های استعدادسنجی در جذب نیروها را پیگیری و راهبردهای آموزش، جانشین پروری، تعیین مسیر پیشرفت شغلی را برای افراد داوطلب و علاقه‌مند به مشارکت‌های غیرانتفاعی را پیاده‌سازی نمایند (نامخواه سرکندی و همکاران، ۱۳۹۸).

در ارتباط با محدودیت پژوهش لازم به یادآوری است که مقطعی بودن پژوهش، نمونه‌گیری غیراحتمالی، محدود شدن نمونه پژوهش به دانش آموزان دختر را در تعمیم‌یافته در نظر گرفت. محدودیت دیگر پژوهش به شیوه گردآوری داده‌ها مربوط است و از ابزارهای خود-گزارشی یعنی پرسشنامه‌ها استفاده شده است. اصلی‌ترین مشکل این شیوه جمع‌آوری داده‌ها در کنترل تأثیر مطلوبیت اجتماعی نهفته است. به‌عنوان مثال، در طول زمان پاسخ‌دهی، آزمودنی‌ها گزینه‌ای را که آن‌ها را بهتر جلوه می‌دهد انتخاب می‌کنند و نه گزینه‌ای را که به‌طور صحیح شرایط فعلی آن‌ها را توصیف می‌کند. این مسئله منجر به کاهش کارایی ابزار اندازه‌گیری می‌شود. از سوی دیگر، استفاده از سنج‌های خود-ارزیابی بستری برای تورش یا سوگیری است که لزوماً پاسخ‌های خنثی و بی‌جهت یا خالی از ارزش را دربر نمی‌گیرد. بنابراین، به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش جنسیت را بررسی و از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر در جذب افراد داوطلب برای همکاری در سازمان‌ها و ارگان‌هایی که درصدد یاری‌رسانی به اعضای جامعه هستند، به‌منظور ماندگاری آنان در این نوع از فعالیت‌ها و همراهی شدن با نهادها و تشکلات مردمی، پیشنهاد می‌شود نیروها را از نظر صفات شخصیتی مانند گرایش به رفتار اجتماعی مطلوب و نوع‌دوستی مورد ارزیابی قرار دهند.



ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.
 مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.
 تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.
 تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Aghili, S., nafari, N., Ghaiyoomi, A., & ghorbani ghalajlo, R. (2020). Designing an Individual Development Model as a Strategic Approach to Human Resources Development of Knowledge Based Organizations (Case: Selected ICT Companies). *Journal of Research in Educational Science*, 14(Special Issue), 53-68. (In Persian).
- Ahmadi, S. (2009). Check altruism in everyday social relations and factors affecting it. *Iranian Journal of Sociology*, 10(2), 87-108. (In Persian).
- Akbari Lake M., Shermin, Sh., Shams, J., Broumandnia N. (2020). Comparison of personality traits of altruism among first year medical students and after comprehensive and final year basic science exam in Shahid Beheshti University of Medical Sciences in 1396-97. *Research in Medicine*. 44 (2):385-390. (In Persian).
- Aytaç, K. Y., & Kartal, M. (2016). Analyzing the prosocial tendency of students studying at physical education and sports department. *In SHS Web of Conferences* (Vol. 26, p. 01047). EDP Sciences.
- Azizi A, Fathi Vajargha K, Arefi M, Abolghasemi M. (2020). Explaining the Human Resources Training and Improvement Paradigm: Focusing on the Individual Development Model (IDP). *Journal title 2020*; 12 (4):59-69. (In Persian).
- Baradaran, M., & Ranjbar Noushari, F. (2021). Prosociality in College Students: The Role of Temperament -Character Dimensions and Perceived Social Support. *Social Psychology Research*, 11(43), 105-122. (In Persian).
- Damari B, Emami Razavi S H, Hajebi A, Elahi E. (2021). The Pro-Social Behaviors: Necessity of the Promotion of Social Health of Iranians. *sjsph*; 19 (2) :123-136. (In Persian).
- Dehghanan, H., Shakeri, E., & Azarirad, S. (2020). Investigating the Relationship between Poor Volunteers' Fit with their Organization and Intention to Quit with Emphasis on the Role of Burnout, Spirituality and Narcissism. *Public Administration Perspaective*, 11(2), 149-176. . (In Persian).



- Delavar, Ali (1400). *Research method in psychology and educational sciences*. Tehran: Edition Publications. Fifth edition. . (In Persian).
- Emadi, S. M., jafarinia, G., & Amini, N. (2021). Investigating the relationship between social trust and the tendency to participate voluntarily in the activities of the Red Crescent Society (Case of study: Isfahan). *Sociological Researches*, 15(3), 7-28. (In Persian).
- Golchin, Masoud. Hosseini, Mohammadreza. Emamalizadeh, Hossein and Elmenari, Ali Murad.(2015). Empirical analysis of the relationship between social factors and the tendency to altruistic behaviors (case study: citizens of Hamadan). *Urban Sociological Studies*. 6(19):112-85. (In Persian).
- Gui, F., Tsai, C. H., & Carroll, J. M. (2022). *Community Acknowledgment: Engaging Community Members in Volunteer Acknowledgment*. Proceedings of the ACM on Human-Computer Interaction, 6(GROUP), 1-18.
- Güntert, S. T., Wehner, T., & Mieg, H. A. (2022). *Organizational, motivational, and cultural contexts of volunteering: The European view*, Springer Nature.URL: <https://library.oapen.org/handle/20.500.12657/54020>
- Kajbaf, Mohammad Bagher; Sajadian, Ilnaz; Nouri, Abolghasem. (1389). Examining the factor structure, validity and reliability of the Prosocial Tendencies scale among students. *Journal of Evolutionary Psychology*. 21(38):110-118. (In Persian).
- Kamas, L., & Preston, A. (2021). Empathy, gender, and prosocial behavior. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 92, 101654.
- khanjani, Z., & bahadorikhosroshhi, J. (2017). Investigation of empathy development, internalization and externalizing disorders in male and female students 5 to 11 years. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(30), 195-218. (In Persian).
- Lampridis, E., & Papastylianou, D. (2017). Prosocial behavioural tendencies and orientation towards individualism–collectivism of Greek young adults. *International Journal of Adolescence and Youth*, 22(3), 268-282.
- Marsh, N., Marsh, A. A., Lee, M. R., & Hurlemann, R. (2021). Oxytocin and the Neurobiology of Prosocial Behavior. *The Neuroscientist*, 27(6), 604–619.
- Memmott-Elison, M. K., Yu, M., Maiya, S., Dicus, J. L., & Carlo, G. (2022). Relations between stress, coping strategies, and prosocial behavior in US Mexican college students. *Journal of American college health*, 70(6), 1644-1650.
- Mesurado, B., Guerra, P., De Sanctis, F., & Rodriguez, L. M. (2022). Validation of the spanish version of the prosocial behavior toward different targets scale. *International Social Work*, 65(1), 175-186.
- moatamedi, A. (2019). Prosocial Behavior Prediction in the Elderly Based on the Relationship with God and Demographic Characteristics. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 10(37), 41-62. (In Persian).



- Mohaghegi, H., zoghi paidar, M. R., yaghoobi, A., yarmohammadi vassel, M., & mohammadzadeh, S. (2016). Codification and Validation of a Scale to Measure Social Perspective Taking. *Social Cognition*, 5(1), 20-34. (In Persian).
- Mousabeygi, T., Soroushnia, S., Saffarina, M., & Aghayousefi, A. (2022). Predicting Socialism based on Social Exchange Styles and Parenting Styles in Student. *Social Psychology Research*, 12(45), 85-100. (In Persian).
- Namkhah sarkande, N., abbaspour, A., & abdollahi, H. (2019). Feasibility study of implementing a personal development program based on work environment learning In the National Petrochemical C. *Research on Educational Leadership and Management*, 5(20), 63-89. . (In Persian).
- Nielson, M. G., Padilla-Walker, L., and Holmes, E. K. (2017). How do men and women help? Validation of a multidimensional measure of prosocial behavior. *Journal of Adolescence*, 56, 91-106.
- Nooien, A., Kajbaf, M. B., & Foroudastan, M. (2013). Prosocial Behaviors and Altruism among Citizens of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 24(2), 201-220. . (In Persian).
- Pfattheicher, S., Nielsen, Y. A., & Thielmann, I. (2022). Prosocial behavior and altruism: A review of concepts and definitions. *Current opinion in psychology*, 44, 124-129.
- Rezayi, S., & Vosough kalantari, A. (2021). The effectiveness of the social competence intervention program on prosocial- behaviors of gifted students with low-achieving. *Social Psychology Research*, 11(43), 123-140. . (In Persian).
- Richaud, M. C., Mesurado, B., & Cortada, A. K. (2012). Analysis of dimensions of prosocial behavior in an Argentinean sample of children. *Psychological reports*, 111(3), 687-696.
- Shin, H. S., Park, H., & Lee, Y. M. (2022). The relationship between medical students' empathy and burnout levels by gender and study years. *Patient Education and Counseling*, 105(2), 432-439.
- Taleghani N, Mardani Hamooleh M, Seyedfatemi N, Haghani H. (2019).Viewpoints of Nurses toward Prosocial Tendencies at the Teaching Hospitals Affiliated to Iran University of Medical Sciences. *Iran Journal of Nursing*; (120):50-59. . (In Persian).
- Van der Graaff, J., Carlo, G., Crocetti, E., Koot, H. M., & Branje, S. (2018). Prosocial behavior in adolescence: Gender differences in development and links with empathy. *Journal of youth and adolescence*, 47(5), 1086-1099.
- Walsh, J. J., Christoffel, D. J., Wu, X., Pomrenze, M. B., & Malenka, R. C. (2021). Dissecting neural mechanisms of prosocial behaviors. *Current Opinion in Neurobiology*, 68, 9-14.



- Wider, W., Lim, M. X., Wong, L. S., Chan, C. K., & Maidin, S. S. (2022). Should I Help? Prosocial Behaviour during the COVID-19 Pandemic. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(23): 1-10.
- Wong, T. K., Konishi, C., & Kong, X. (2021). Parenting and prosocial behaviors: A meta-analysis. *Social Development*, 30(2), 343-373.
- Yaghoobi, A., & Mohammadi, S. (2021). The Effect of Affiliation Motivation on Prosocial Behavior: The Mediating Role of Empathy and Self-Efficacy. *Social Psychology Research*, 11(42), 17-34. . (In Persian).
- Yao, Z., & Enright, R. (2022). Social class and prosocial behavior in early adolescence: The moderating roles of family and school factors. *Journal of Moral Education*, 1-15.
- Ye, Y., Long, T., Liu, C., & Xu, D. (2020). The Effect of Emotion on Prosocial Tendency: The Moderating Effect of Epidemic Severity under the Outbreak of COVID-19. *Front. Psychol.* 11:588701.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





مقاله پژوهشی

مطالعه تأثیر توسعه‌ای برنامه‌ریزی شهری بر مدیریت بحران شهری (مورد

مطالعه: شهر تهران)^۱

اکبر طالب‌پور^۲ و اشکان دارایی کهله‌دشت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳

چکیده

مدیریت در شرایط بحرانی نقش بی‌بدیلی در برنامه‌ریزی شهری بر عهده دارد و لازم است مدیران شهری نسبت به این موضوع واقف باشند تا از وقوع خطرات احتمالی جلوگیری شود. موضوع پژوهش حاضر نقش توسعه‌ای برنامه‌ریزی در مدیریت شهری با توجه به شرایط بحران بود. در توسعه پایدار برنامه‌ریزی شهری نقش مهمی در مدیریت شهری دارد، بر همین اساس نظریه‌های مرتبط با مدیریت بحران به عنوان مبنای نظری پژوهش قرار گرفته و مدل مفهومی با توجه به این نظریات استخراج گردید. روش پژوهش پیمایش بود، جامعه آماری مدیران و معاونین مناطق ۲۲ گانه شهرداری شهر تهران بودند که مشتمل بر ۲۲ نفر مدیر ارشد و ۴۵ نفر معاون شهردار بودند و تمام این افراد به عنوان نمونه انتخاب شدند. از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها به منظور سنجش متغیرهای مورد بررسی استفاده شد. جهت تعیین روایی از نظرات خبرگان و جهت تعیین پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر بود با ۰/۷۵ بود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی استیودنت و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج نشان داد: برنامه‌ریزی شهری بر هماهنگی مدیریت شهری، توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران، برای پاسخگویی و واکنش مناسب، هماهنگی مدیریت شهری، برای بازسازی بعد از بحران مؤثر است.

واژگان کلیدی: توسعه، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، مدیریت شهری، مدیریت بحران، تحلیل رگرسیون

چندگانه.

طبقه‌بندی موضوعی: $R, R0$

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.39890.1008

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Email:

talebpour110@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک Email: novintavch@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

شهرنشینی فرایندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی به دلیل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۹۱). از آنجا که شهر پدیده مجرد از پیرامون خود نیست و بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد در طرح‌های شهری حوضه نفوذ کشش و جایگاه شهر و منطقه نباید نادیده گرفته شود. به همین علت در طرح‌های شهری باید جایگاه هر شهر را نسبت به شهرهای بالادست و پایین دست خود بررسی کرد. برای رفع این مشکل بایستی حوزه نفوذ شهر تعیین شود یعنی آن قسمت از نواحی جغرافیایی که شهر با آن رابطه متقابل دارد مشخص شود (رهنمایی و شاه‌حسینی، ۱۳۸۹).

مکان‌های شهری دارای جمعیت متراکم و شیوه‌های خاص زندگی است که آنها را از مکان‌های پیرامون خود تمایز می‌کند. صرف‌نظر از تعریف شخصی شهر بیشتر روی چگونگی اداره کردن یک واحد سکونتگاهی بنام شهر مطرح است که در آن مسائل پیچیده و متنوع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وجود دارد. علاوه بر این افزایش روز افزون جمعیت علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه که رشد سریع شهرنشینی را تجربه می‌کنند و با مشکلات عدیده‌ای مثل تأمین زیرساختها، خدمات مختلف و ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی و عدم توانایی دستگاه‌های دولتی در برآورده نمودن نیازهای مردم حکومت‌ها را با چالشی جدید بنام مدیریت شهری، مواجه کرده است که در زمان کنونی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه قرار گرفته است. در چند دهه اخیر همراه با تشدید روند جهانی شدن، گسترش ارتباطات و پیدایش جامعه شبکه‌ای، شیوه زندگی شهری بسیار پیچیده‌تر و متنوع‌تر شده است و رشد سریع شهرنشینی در جهان، به ویژه در کشورهای جهان سوم، باعث بوجود آمدن بحرانها و مشکلات در ادامه حیات انسان‌ها شده است (دادرس و اصفهانی، ۱۳۸۹).

اگر شهر به عنوان سازمانی در نظر گرفته شود لازم است که در مرکز آن عنصری برای برنامه‌ریزی آینده و اداره‌ی امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را می‌توان مدیریت شهر نامید. مسائل زیادی در شهر وجود دارد که برای حل آنها وجود مدیریت شهری الزامی قلمداد می‌شود. مسائلی مانند چگونگی گسترش آینده شهر، تأمین خدمات عمومی (آب، برق،



نظافت و...)، احداث مراکز عمومی با کارکردهای تفریحی، فرهنگی و ورزشی، ساختن کوچه‌ها خیابانها و ... آنچه وظیفه هر مدیر بشمار می‌آید وظیفه‌ی مدیریت شهری نیز هست. موضوع وقوع بحران یا حوادث غیر مترقبه و طبیعی و سایر حوادثی که زندگی شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد یکی از مسائل بسیار اساسی است که در تمامی دنیا مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار می‌گیرد. بدین لحاظ عنوان و مفهومی راهبردی در این عرصه پدیدار شده که به مدیریت بحران شهری توصیف شده است. در خصوص حدود و ثغور این مفهوم و نحوه برنامه‌ریزی و هدایت و کنترل آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و نوشته‌های علمی بسیاری از سوی صاحب‌نظران به رشته تحریر درآمده است. لازم به ذکر است که این مفهوم، مفهوم و اصطلاحی کاملاً علمی و تخصصی است و سرفصل مشخصی از علم مدیریت و برنامه‌ریزی شهری را به خود اختصاص داده است، دانش تخصصی و گرایش علمی که متأسفانه در کشور ما چندان مورد توجه قرار نگرفته است. گرچه در سالهای اخیر در برخی از شهرهای بزرگ کشورمان از جمله تهران به دلیل وقوع حوادث تلخ موضوع مدیریت بحران در ابعادی مورد بررسی قرار گرفته است اما تلاش در این زمینه کافی نیست چرا که مدیریت بحران شهری مستلزم پیش‌نیازهای بسیاری است که دستیابی به آنها با یک برنامه‌ریزی بلند مدت و همه‌جانبه ممکن می‌شود (فرج پور و خان پشستانی، ۱۳۹۳).

مشخص کردن نقش و مسئولیت‌های مدیران شهری بر اساس برنامه‌های جامع مدیریت بحران بلایای طبیعی در سطح شهرداریها، استانداریها و کشور و هماهنگی با دیگر ارگانهای ذی ربط مانند جمعیت هلال احمر ضرورت دارد. این وظایف باید قبل از بروز بحران بارها و بارها با انجام مانورهای مشترک تمرین شوند. اما نکته مهمی که در این بین وجود دارد برنامه‌ریزی‌های مناسب شهری و طراحی شهری مدیریت شهری با در نظر گرفتن شرایط بحران است. یکی از موضوعات مهم طراحی و مدیریت شهری برای شرایط بحران و آمادگی مقابله با بحرانهای طبیعی و غیرطبیعی است. لذا، پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که با در نظر گرفتن شرایط بحران، برنامه‌ریزی و طراحی شهری چه تأثیری در مدیریت شهری دارد و این امر چگونه موجب توسعه می‌شود؟

مقابله با بحران‌های شهری و تأمین ایمنی و امنیت در کلان‌شهرها یکی از مبانی استراتژیک برای مدیریت و حکمرانی مناسب شهری در جهت تضمین توسعه پایدار شهری



و مدیریت جامع شهروندی است. پژوهش‌های کارشناسان نشان می‌دهد که تعداد بحرانها در چند دهه اخیر در کل دنیا رشد بسیار چشمگیری داشته است و از ۱۰۰ مورد در سال ۱۹۷۵ میلادی به ۵۵۰ مورد در سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده و در سال‌های اخیر تعداد آن از هزار مورد فراتر رفته است (حقوقی فرد ۱۳۹۶). به موازات این مسئله هزینه‌های اقتصادی ناشی از این بحرانها نیز افزایش یافته است. لازم به ذکر است که بسیاری از قربانیان بحران‌های طبیعی و انسانی اتفاق افتاده در کل دنیا در کلان‌شهرهای کشورهای در حال توسعه سکونت دارند (برنامه انسانی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷). به‌طور کلی، زندگی شهروندان در شهرها و کلانشهرها در معرض دامنه وسیعی از خطرات و بحرانها می‌باشد. این بحرانها همواره به‌صورت بالقوه ایمنی و امنیت شهری خانوارها، افراد و شهروندان را در سطوح محلی، شهری و ملی تهدید می‌نمایند. اگرچه این بحرانها ممکن است از منابع مختلف سرچشمه بگیرند. بنابراین، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری برای مقابله با این بحرانها بسیار مهم و ضروری است.

در همین راستا، این پژوهش سعی دارد تأثیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر متغیرهایی نظیر؛ هماهنگی مدیریت شهری، توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران، توان مدیریت شهری برای پاسخگویی و واکنش مناسب حین و توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران را مورد بررسی قرار داده و نقش این متغیرها را در برنامه‌ریزی شهری از یک سو و نقش این متغیرها را در توسعه پایدار شهری از سوی دیگر مورد توجه قرار دهد.

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

بناوند و محمدی کیش (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «نقش برنامه‌ریزی شهری و مدیریت بحران در کاهش آسیب‌های ناشی از زلزله در شهرها» به این نتیجه می‌رسند که برای پیشگیری از وقوع و یا کاهش اثرات زلزله، علاوه بر مباحث فنی با مدیریت بحران و برنامه‌ریزی چگونگی مقابله با بحرانهای ناشی از زلزله نیز مواجه هستیم و اگر مسائل ناشی از بحران پیش‌بینی نگردد، هزینه بازسازی و ترمیم صدمات ناشی از بحران بسیار بالا خواهد بود و نیز، با توجه به اینکه ایران از نظر توپوگرافی و موقعیت جز ۱۰ کشور بلاخیز دنیاست،



دانش برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر داده‌های جغرافیایی می‌تواند با تبیین اصول و مفاهیم خود با استفاده از این داده‌ها اثرات این گونه بلایا را تا حد زیادی تقلیل دهد. رضایی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه خود پیرامون «نقش مدیریت شهری در ارتقای شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی شهروندان» نشان دادند که یکی از عوامل بنیادی توسعه پایدار و ثبات حاکمیت در نظام فرهنگی و اجتماعی هر کشور، بالا بودن میزان رضایتمندی شهروندان و احساس سرزندگی و خوشبختی آنان از زندگی در آن جامعه است. آنان در این پژوهش ابتدا الگویی کاربردی و بومی بر اساس چند مؤلفه فرهنگی و اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی، ایمنی و امنیت، حاکمیت، حس شادکامی و غیره طراحی کردند. نتایج حاصل نشان داد بین مؤلفه‌های مدیریت شهری و بیشتر شاخص‌های مورد بررسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد و مدیریت شهری می‌تواند در بهبود و ارتقای این شاخصها نقش مؤثری داشته باشد.

نقیبی رکنی (۱۳۹۱)، مبلمان شهری به غیر از نقش خدمات رسانی و زیباسازی، به انتظام فضاهای سبز و پارکها کمک نموده و به آنها هویت می‌بخشد. ارزیابی نتایج مشخص نموده که بین معیارهای سنجش کیفیت مبلمان یعنی کیفیت رنگ مبلمان با معیار توجه به اصول زیباسازی، میزان مقاومت مصالح یا میزان مقاومت در برابر تخریب و همچنین، میزان دسترسی به مبلمان و میزان کیفیت مکان‌یابی این عناصر، همبستگی مثبت وجود دارد.

لعل، برخورداری، حلوانی و میرزایی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی شاخص‌های پایش عملکرد ایمنی بعد از پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت یکپارچه^۱ در نیروگاه سیکل ترکیبی یزد، بیان می‌کنند که همه ساله در جهان ده‌ها میلیون کارگر قربانی حوادثی می‌شوند که منجر به کشته شدن یا از کارافتادگی تعداد کثیری از آنها می‌گردد. این مطالعه با هدف پیش‌بینی شاخص‌های پایش عملکردی حادثه بعد از پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت یکپارچه در جهت کاهش آمار حوادث، پایش ایمنی و در اولویت قرار دادن برنامه‌های ایمنی در سیاست‌های سازمان انجام گرفت. این مطالعه توصیفی-تحلیلی با استفاده از پیش‌بینی شاخص‌های عملکرد ایمنی در دو مرحله در یک نیروگاه سیکل ترکیبی بر روی ۲۵۴ حادثه در سال قبل از پیاده‌سازی (سال ۱۳۸۳) و سال‌های بعد از



پیاپی سازی (دوره ۷ ساله) سیستم‌های مدیریت یکپارچه انجام گرفت. اطلاعات از طریق چک لیست و مصاحبه با حادثه‌دیدگان جمع‌آوری شد و پس از محاسبه داده‌های توصیفی از آزمونهای کلموگروف-اسمیرنوف، کای اسکور و رگرسیون Cubic برای آنالیز داده‌ها در نرم‌افزار SPSS با سطح معنی‌داری ۰/۰۵ استفاده گردید. از مجموع ۱/۱۳۱ کارگر در طی یک دوره ۷ ساله، ۲۵۴ حادثه شغلی ثبت شده بود. بیشترین مقدار شاخص ضریب تکرار در سال ۱۳۸۳ (۳۲/۶۵) و ضریب شدت حادثه در سال ۱۳۸۷ (۲۰۹) و کمترین مقدار در سال ۱۳۹۰ (به ترتیب ۹/۷۵ و ۲۹/۲۶) بود. نمودارهای رگرسیونی، بین مقدار مشاهده شده در اثر تجزیه و تحلیل روند و مقدار تخمین زده شده، نشان داد که ضرایب کلیه شاخص‌ها به جز ضریب β_1 شاخص ASR معنی‌دار ($P > 0.05$) در حد انتظار بوده و نشان‌دهنده بهبود عملکرد ایمنی و سیستم‌های مدیریت یکپارچه می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از رگرسیون Cubic می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی جهت بررسی روند شاخص‌ها و پیش‌بینی آنها جهت برنامه‌ریزی و پایش عملکرد واحد ایمنی مورد استفاده قرار گیرد تا تصمیم‌گیری در خصوص تعیین اولویت برنامه‌های ایمنی سازمانها تسهیل شود.

فرج‌پورخانیستانی و هداوندی (۱۳۹۳) به مطالعه در مورد «مدیریت بحران و برنامه‌ریزی شهری» پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که فرآیند توسعه شهر و برنامه‌ریزی برای پیشرفته شدن جوامع با بحرانهایی روبرو است که اگر این بحران مدیریت نشود باعث اخلاص در مسیر پیشرفت توسعه پایدار شهرها و جوامع می‌شود. در چند سال گذشته برخی جوامع توسعه یافته و یا در حال توسعه با بحرانهایی رو به رو بوده‌اند که که آسیب‌های جدی به آنها وارد شده است. غیر مترقبه بودن برخی پدیده‌ها نظیر سیل، زلزله، آتش سوزی و ... دانشی به نام مدیریت بحران را به وجود آورده است که امروزه در سطح جامعه و شهر در حوضه مدیریت شهری به آن توجه خاصی شده است. از طرف دیگر، با افزایش روزافزون جوامع شهری و مهاجرت از روستا به شهر باعث شده است که مدیریت بحرانها روز به روز دشوارتر شود.

مدیری و همکاران (۱۳۹۴) در «برنامه‌ریزی مدیریت بحران در حوزه مدیریت شهری با رویکرد پدافند غیرعامل با استفاده از روش SWOT و MCDM مطالعه موردی: کلان‌شهر رشت»، نشان داد برنامه‌ریزی مدیریت بحران در حوزه مدیریت شهری کلان شهرهای امروزی با در نظر گرفتن اصول پدافند غیرعامل جزء ضروری‌ترین نیازهای برنامه‌ریزی



شهرهاست که می‌تواند خسارات ناشی از وقوع بحران‌ها و بلاهای طبیعی را کاهش دهد. هدف این پژوهش ارائه راهبردهای مناسب در مدیریت بحران کلان شهر رشت با رویکرد پدافند غیرعامل برای کمک به مدیران و برنامه‌ریزان در پیشگیری و واپایش بحران‌هاست. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد نبود هماهنگی برنامه و تمهیدات ستادهای مدیریت بحران مهم‌ترین عامل در مدیریت بحران محسوب می‌شود و راهبرد طرح جامع ایمن‌سازی شهر در مقابل بحران‌ها برای برنامه‌ریزی در حوزه مدیریت شهری می‌تواند بسیار کارآمد باشد.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مدیریت در مراحل بحران بر امنیت شهری»، بحرانها را جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی برشمردند که نیازمند اتخاذ رویکرد همه‌جانبه‌نگر برای اداره هرچه مؤثرتر آنها می‌باشد. بر این اساس، سه گام اساسی در مدیریت مرحله قبل از بحران را پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی بر شمرده که از اهمیت خاصی در چرخه مدیریت بحران برخوردارند. همچنین، بازیابی، بازسازی و یادگیری را مهمترین گام‌های مدیریت در مرحله پس از بحران دانسته‌اند. در این میان، عملیات امداد و نجات، عملیات ویژه و مهار ساختن بحران، مهم‌ترین اقدامات مدیریت در حین بحران به حساب می‌آیند.

دانشور و مهدی نیا (۱۳۹۶) هدف اصلی پژوهش خود را یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی شهری در برابر زلزله با رویکرد مدیریت بحران در کلان شهر مشهد عنوان کردند که یافته‌های ایشان حاکی از آن است که شهر مشهد با بیش از ۳ میلیون ساکن در محدوده شهر و بیش از ۶ میلیون در خراسان رضوی در پهنه حادثه خیز، عمدتاً در معرض خطر زلزله قرار دارد و مطالعات دوره بازگشت زلزله‌ها زمین لرزه‌ای به بزرگی ۶ تا ۷ ریشتر در آینده را تخمین می‌زند. بنابراین، ایجاد یکپارچگی در برنامه‌ریزی و سیستم مدیریت بحران یک اولویت حیاتی در سیاست‌گذاری در کلان شهر مشهد می‌باشد. اما عدم ارتباط مناسب فرآیند برنامه‌ریزی با مدیریت بحران ناشی از نبود نقشه و برنامه‌های با مقیاس، فقدان اطلاعات آسیب‌پذیری و چارچوب قانونی، موجب عدم هماهنگی در این کلان شهر شده است.

حسینی (۱۳۹۶) نقش برنامه‌ریزی شهری در مدیریت بحران شهری را مورد مطالعه قرار داد که بر طبق نتایج این مطالعه هر مبحث علمی که در صدد تشریح یا تبیین واقعیتی



است، می‌بایست نظریات و تئوری‌های خود را در قالب مفاهیم گویا و رسا ارائه نماید. در واقع، مفاهیم ابزار کار و وسایل انتقال اهداف و پژوهش‌های علمی می‌باشد که ضروری است قبل از هرگونه ورود به عرصه عملیاتی پروژه، آنچه را که در چارچوب مبانی نظری طرح انجام می‌شود، ارائه نموده‌اسا تا خوانندگان نسبت به موضوعات برداشت درستی داشته باشند. بنابراین، فرآیند تدوین برنامه و اصول پیشنهادی طرح‌های شهری می‌بایست در قالب دو برنامه کلان یعنی؛ پیشگیری از بحران و کاهش اثرات بحران صورت گیرد و اقدامات و سیاست‌های پیشنهادی خاصی پیش‌بینی گردد.

پیشینه خارجی

رودزیگرا^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی تحت عنوان «دگرگونی در خدمات شهرداری‌ها: به سوی کیفیت در بخش عمومی» با استفاده از مدل گرونروز اقدام به بررسی کیفیت خدمات در شهرداری‌ها نمودند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر یک از ابعاد کیفیت فنی، کیفیت عملکردی و تصور با خدمات ادراک شده توسط شهروندان و رضایت آنها از کیفیت خدمات، رابطه‌ای مستقیم و قوی وجود دارد. به طور کلی، این متغیرها نقش عمده‌ای در مدیریت خدمات ایفا می‌کنند و باور عمومی بر این است که تأثیر کافی در ادراکات شهروندان و در نهایت، مزایای بلندمدتی در ایجاد ارزش عمومی دارد.

لانگ فورد^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «مدل توزیع جمعیت و برآورد میزان دسترسی به خدمات شهری در منطقه شهری کاردیف در ولز جنوبی»، با هدف بررسی الگوهای توزیع جمعیت و میزان دسترسی به خدمات عمومی شهری با استفاده از نرم افزار آرک جی آی اس^۳ به بررسی میزان دسترسی‌ها به خدمات عمومی شهری پرداخته‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است بیشتر ساکنان به خدمات عمومی شهری دسترسی کمتری دارند.

والریو^۴ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مدیریت یکپارچه شهری: یک نمونه جدید از اقتصاد شهری»، بیان می‌کنند همراه با ظهور مسئله جهانی شدن، به طور خاص،

1. Roudriguez

2. Long ford

3. ARC GIS

4. Valerio



شهرها با دو مشکل حیاتی مواجه شده‌اند که به موضوع وابستگی متقابل اشاره دارد: چطور می‌توان نابرابری‌های اجتماعی و مکانی را کاهش داد یا حتی از آنها جلوگیری کرد، همین‌طور مشکلات مرتبط اجتماعی و بخشبندی مکانی را چگونه می‌توان با رشد اقتصادی محلی ثابت، رقابت‌های بین‌المللی و بین منطقه‌ای و همچنین، آگهی بازار کار ایجاد کرد. برای مواجهه با این چالش‌ها، ثابت شده است که روش‌های سنتی طاقت فرسا و بی‌اثر هستند و در نتیجه، راهبردهای حکومتی جدیدی لازم است. در میان آنها، حکومت یکپارچه شهری، یک مفهوم جدید است که دلالت بر تغییر در وضعیت اداری و روش تفکر تصمیم‌گیرندگان در تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه ارضی دارد. حاکمیت یکپارچه شهری، داشتن دو بعد عمودی و افقی فراتر از مرزهای اداری شهرها دارد و مستلزم شناسایی عواملی که بر اساس این ابعاد هستند، می‌باشد. راه حل این موضوع طراحی و اجرای پروژه‌هایی از قبیل پروژه‌های سهام‌داران نیست، باید این عوامل انتخاب و تجزیه و تحلیل شوند، کسانی که می‌توانند پشتیبانی واقعی از این پروژه‌ها داشته باشند. در واقع حکومت یکپارچه شهری یک رویکرد مدیریتی برای مشکلات اساسی موجود در طول تدوین سیاست فراتر از محدودیت‌های مناطق سیاسی است.

دیرک^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، نشان دادند که نبود زیرساخت‌های مناسب باعث خواهد شد تا مدیریت بحران نیز با چالش مواجه شده و نتایج مهمی به ارمغان نیاورد. از این رو ابتدا باید زیرساخت‌های شهری بهبود یافته و سپس، به بحث مدیریت بحران توجه داشت. جان^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «نقش گروه‌های مدیریت بحران در حوادث شهری طبیعی» توجه به آموزش و استفاده از آخرین دانش‌های به روز جهت توانمندسازی نیروی انسانی را ضروری می‌داند تا فرآیند مدیریت بحران به خوبی در حوادث شهری پیاده گردد. یافته‌های فلاذر^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مدیریت بحران شهری و محلی» نشان می‌دهد که مدیریت بحران شهری باید از محلات شهرها شروع شده و سپس، به صورت یک کل عمل نماید و در محله‌های بزرگ یک ستاد مدیریت بحران تشکیل و در هنگام بروز حوادث به قلمرو تحت نظارت خود رسیدگی نماید.

1. Dirak
2. John
3. Floods



جدول ۱. جمع بندی پیشینه نظری

نویسنده	سال انتشار	نتایج
بناوند و محمدی کیش	۱۳۹۰	برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر داده‌های جغرافیایی می‌تواند با تبیین اصول و مفاهیم خود با استفاده از این داده‌ها اثرات بلا یا را تا حد زیادی تقلیل دهد.
رضایی و همکاران	۱۳۹۱	مدیریت شهری می‌تواند در بهبود و ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی، ایمنی و امنیت، حاکمیت، حس شادکامی و غیره نقش مؤثری داشته باشد.
فرج‌پور خانیستانی و هداوندی	۱۳۹۳	فرآیند توسعه شهر و برنامه ریزی برای پیشرفته شدن جوامع با بحران‌هایی روبرو است که اگر این بحران مدیریت نشود باعث اختلال در مسیر پیشرفت توسعه پایدار شهرها و جوامع می‌شود.
لعل و همکاران	۱۳۹۲	استفاده از رگرسیون می‌تواند به عنوان ابزار مناسبی جهت بررسی روند شاخصها و پیش‌بینی آن‌ها جهت برنامه‌ریزی و پیش عملکرد واحد ایمنی مورد استفاده قرار گیرد.
مدیری و همکاران	۱۳۹۴	راهبرد طرح جامع ایمن‌سازی شهر در مقابل بحران‌ها برای برنامه‌ریزی در حوزه مدیریت شهری می‌تواند بسیار کارآمد باشد.
رحمانی و همکاران	۱۳۹۶	سه گام اساسی در مدیریت قبل از بحران شامل؛ پیش‌بینی، پیشگیری و آمادگی است همچنین، بازیابی، بازسازی و یادگیری مهمترین گامهای مدیریت در مرحله پس از بحران می‌باشد.
دانشور و مهدی نیا	۱۳۹۶	عدم ارتباط مناسب فرایند برنامه‌ریزی با مدیریت بحران موجب عدم هماهنگی در کلان شهرها می‌شود.
حسینی	۱۳۹۶	تدوین برنامه و اصول پیشنهادی طرح‌های شهری می‌بایست در قالب دو برنامه کلان یعنی پیشگیری از بحران و کاهش اثرات بحران صورت گیرد.
رودریگز و همکاران	۲۰۱۴	هر یک از ابعاد کیفیت فنی، کیفیت عملکردی و تصور با خدمات ادراک شده توسط شهروندان و رضایت آنها از کیفیت خدمات، رابطه ای مستقیم و قوی دارند
والریو و همکاران	۲۰۱۵	اتخاذ رویکرد مدیریتی حل مشکلات اساسی بدون توجه به محدودیت‌های مناطق سیاسی
دیرک و همکاران	۲۰۱۷	بهبود زیر ساختهای شهری
جان	۲۰۱۷	توجه به آموزش و توانمند سازی نیروی انسانی
فلودز	۲۰۱۷	مدیریت بحران شهری باید از محلات شهرها شروع شده و در محله های بزرگ یک ستاد مدیریت بحران تشکیل دهد
جورن و همکاران	۲۰۱۷	توجه به بهبود وضعیت زیر ساخت و ارائه تسهیلات مناسب

منبع: گردآوری پژوهشگران



جورن^۱ و همکاران در سال (۲۰۱۷) با پژوهش در زیرساختها و تسهیلات شهری و مدیریت بحران شهری، توجه به بهبود وضعیت زیر ساخت و ارائه تسهیلات مناسب هنگام بروز بحران را سبب کاهش صدمات و خسارات ناشی از بروز بحران دانسته‌اند.

مبانی نظری

با گسترش شهر و شهرنشینی و افزایش تدریجی تعداد شهرهای بزرگ در جهان به خصوص در کشورهای درحال توسعه از جمله ایران، از یک طرف توسعه شهرها تمرکز و تجمع جمعیت و افزایش بارگذاری‌های محیطی و اقتصادی بر شهرها از طرف دیگر، ضمن توجه بیشتر به شهرها، منجر به پذیرش نقش‌ها و عملکردهای متعدد شده است. یکی از موضوع‌هایی که بیشتر شهرهای بزرگ جهان با آن دست به گریبان هستند، موضوع «حوادث طبیعی» است که آمادگی برای مقابله با آن از مباحث توسعه پایدار محسوب می‌شود. با توجه به ماهیت غیرمترقبه حوادث طبیعی و لزوم اتخاذ سریع و صحیح تصمیم‌ها و اجرای عملیات، مبانی نظری و بنیادی دانشی تحت عنوان «مدیریت بحران» بوجود آمده است که در ادامه به عنوان مبنایی نظری برای مطالعه حاضر آورده شده است.

دانش مدیریت بحران شهری به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که قبل، بعد و هنگام وقوع بحران، جهت کاهش اثرات این حوادث و کاهش آسیب‌پذیری انجام گیرد. این موضوع ارتباط خاصی با مباحث برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری و جغرافیا دارد. بنابراین، مدیریت بحران شهری ترکیبی از مسائل مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری است، که هدف آن ایجاد هماهنگی بین برنامه‌ریزی و کنترل طرح‌ها و برنامه‌های شهری است، به گونه‌ای که تدوین و اجرای این برنامه‌ها به شیوه‌ای مطلوب صورت گیرد.

بطور کلی، اگر مدیریت معادل تصمیم‌گیری و نظارت در نظر گرفته شود، مدیریت شهری شامل نظارت و تصمیم‌گیری در امور شهری است. البته از طرف صاحب‌نظران و محققین این رشته تعاریف متعددی از مدیریت شهری شده است که با اندکی نظارت در جمله‌بندی و اظهاریه‌های خود تا حدودی نزدیک بهم می‌باشند. برای شناخت بهتر، موضوع این تعاریف بیان گردیده است (حمزه‌پور، ۱۳۹۵). مدیریت شهری به تمامی نهادها، سازمان‌ها و افرادی گفته می‌شود که به صورت رسمی یا غیررسمی در فرآیند مدیریت شهر اثرگذار هستند.



پس مدیریت شهری فقط شهرداری و شورای شهر نمی‌باشد و هر عنصری که به شکلی در فرآیند مدیریتی شهر اثری دارد در این حیطه قرار دارد. مدیریت شهری با سیاستها، طرحها، برنامه‌ها و عملیاتی مرتبط می‌شود که امکان دسترسی‌های در حال رشد را به زیر ساختارهای اساسی سرپناه و اشتغال را تضمین کند (شهابی، ۱۳۹۵).

مهمترین اهداف مدیریت شهری عبارتند از: ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم درآمد، تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی شهر (باقری‌فر، ۱۳۹۵).

برنامه‌ریزی شهری، به دنبال مشکلات نشأت‌گرفته از انقلاب صنعتی مطرح شد (شوای، ۲۰۱۰)، هرچند پیشینه برنامه‌ریزی برای شهر، به گذشته‌های بسیار دورتر و شکل‌گیری نخستین تمدن‌های بشری در میان‌رودان، مصر و هند برمی‌گردد. در ابتدا، حل مشکلات صنعتی شدن (همچون؛ کمبود مسکن، بهداشت محیط و...) در مداخلات کالبدی دیده می‌شد. اما، از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی و با بروز ناکارآمدی این‌گونه مداخلات، برنامه‌ریزی شهری، به سوی مسائل اقتصادی و اجتماعی روی آورد و مباحثی چون عدالت، دموکراسی و مشارکت مردم در فرایند برنامه‌ریزی شهری مطرح گشت. ابزارهای کالبدی برنامه‌ریزی شهری، عبارتند از: شبکه معابر، کاربری اراضی، تراکم، محدوده‌ها، حریم‌ها و در قرن بیستم به علت پیچیدگی مسائل شهری، یک سری نهضت‌های شهری شکل گرفتند که اولین آن‌ها در شیکاگو و در سال ۱۸۹۱ تشکیل شد.

بی‌تردید فعالیتهای شهرداری را در ایران به شکل نوین را باید مربوط به دوره بعد از مشروطیت دانست. این دوران با تصویب قانون بلدیة در دوره اول مجلس شورای ملی به سال ۱۲۸۶ هـ. ش. آغاز گردید. نخستین شهرداری که براساس قانون جدید تأسیس شد، شهرداری تهران بود که با تشکیلات جدید در همان سال (۱۲۸۶) تقریباً بلافاصله پس از تصویب قانون پایه‌گذاری شد و با تشکیلات جدید آغاز به کار کرد. پس از آن تا سال ۱۳۰۴، یعنی آغاز سلطنت پهلوی اول، مجموعاً ۱۶ شهرداری ایران تأسیس شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به تغییر بنیادین نظام سیاسی کشور، بر اداره شورایی کشور (در سطوح مختلف کشوری، استانی، شهری و روستایی) در قانون اساسی تأکید ویژه‌ای شده، به‌طوری که یک فصل از قانون اساسی به شوراها اختصاص



یافته است. بین سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ دو رویکرد متمایز در حوزه برنامه‌ریزی و اقدامات قابل تشخیص است. دو اتفاق مهم در این مجموعه، آغاز تهیه طرح جامع توسط نهاد توافقی به عنوان نطفه اولیه رویکرد جدید برنامه‌ریزی در تهران و تأسیس نهاد تهیه طرحهای توسعه شهری مطرح می‌شود.

در ذیل اهداف برنامه‌ریزی شهری باید گفت حاصل برنامه‌ریزی شهری و طرح‌ریزی شهری، مجموعه مدونی است که به صورت ابزار تصمیم‌گیری در اختیار تصمیم‌گیران یا مدیران شهری قرار می‌گیرد، چرا که تصمیم‌گیری براساس ملاحظات، امکانات و محدودیت‌ها انجام شده و به اجراء در می‌آید. برخی از این اهداف عبارتند از؛ عقلایی کردن اقدامها، برقراری تعادل بین عرضه و تقاضا، به منظور تأمین عادلانه‌تر نیازها و گسترش دامنه انتخاب (حقوقی فرد و همکاران، ۱۳۹۶).

برخی از اصول بنیادین برنامه‌ریزی شهری برای ساماندهی شهر همچون؛ عدالت، کارآمدی، کیفیت محیطی و سرزندگی، مورد تأکید تمامی برداشت‌های مختلف از برنامه‌ریزی شهری می‌باشد. این اصول، پایه هر نوع هدف‌گذاری می‌باشند.

طراحی شهری عبارت است از مطالعه کیفیت فضاها، کیفیت فیزیکی طرحها، ارایه طرح‌های فیزیکی از فضاها و شناخت کیفیت فیزیکی شهری. بوجود آوردن مجموعه‌های فیزیکی است که در آن بیشتر به کیفیت فضاها و کیفیت فیزیکی طرحها توجه می‌شود. در طرح ریزی شهری، روش‌های تحلیل بصری فرم‌های شهری بی اندازه موثرند. هدف طرح ریزی شهری جستجوی کیفیات زیبایی بصری از فرم شهری است که بر اساس مصرف اراضی پیش‌بینی شده در برنامه‌ریزی شهری قرار دارد. سیاست‌هایی را که شهرداری‌ها در رابطه با ضوابط ساختمانی شهر اعمال می‌نمایند، می‌توان جزئی از طرح ریزی شهری دانست.

مرحله متأخر تکامل طراحی شهری، که از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز و در دهه ۱۹۹۰ اوج یافته و در هزاره سوم میلادی نیز همچنان به شکل فرایندی تداوم می‌یابد، را باید دوران بلوغ این رشته دانست. طی این مرحله، به دنبال طرح مسایل جدی زیست محیطی، نظیر افزایش انواع آلودگیها، افزایش دمای کره زمین و نابودی منابع طبیعی، مبحث "توسعه پایدار" از سال ۱۹۸۷ به طور رسمی و از طریق سند موسوم به "آینده



مشترک ما" که در گزارش برونتلند در دستور کار سیاسی سازمان ملل قرار گرفت (شهرجردی و همکاران، ۱۳۹۶).

به رغم آنکه پیشینه شهرسازی در ایران به گذشته های بسیار دور باز می گردد، تهیه طرحهای شهری در کشور ما سابق ای چندان طولانی ندارد و ریش های تاریخی آن به آغاز قرن معاصر باز می گردد. پیش از جنگ جهانی دوم در سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۳ در این باره اقداماتی انجام م دهند و طرحهایی با فرآیند؛ ۱- شناخت وضع موجود ۲- تجزیه و تحلیل ۳- ارائه راه حل جامع، تهیه و شهرهای خود را با این فرآیند بازسازی می کنند در ایران که اولین طرح جامع خود را به ترتیب در سال ۱۳۴۵ برای بندر لنگه در سال ۱۳۴۶ برای بندرعباس، تهران، تبریز، قزوین و رشت تهیه کرد که در این باره از نظر فرآیند و روشها و دیدگاهها متکی بر سوابق طرحهای جامع اروپا و آمریکا بوده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶).

در سال ۱۳۴۷ نیز طرح جامع شهرهایی چون بندرانزلی، همدان، اهواز، بابل و بابلسر به تصویب رسید و روند تصویب طرحها در شورای عالی شهرسازی همچنان ادامه یافت، به طوری که تا پایان سال ۱۳۷۸، ۲۱۹ طرح جامع شهری به تصویب رسید (زرین درفش، ۱۳۹۵)

به طور کلی اهداف در طراحی شهر به شرح زیر می باشند:

- ۱- تأکید برالگوی ویژه شهر که به شهر و محلات آن یک تصور ذهنی، حس هدف و وسیله جهت یابی داده است.
- ۲- حفاظت از منابعی که موجب ارتباط با طبیعت، پیوند با گذشته و جلوگیری از ازدحام می گردد.
- ۳- تبدیل در پروژههای بزرگ جدید به منظور اطمینان آنها با الگوی موجود شهر، منابعی که باید حفظ شوند، محیط محله ها.
- ۴- بهبود وضع محلات به منظور ارتقاء سطح ایمنی، راحتی، غرور و موقعیت (جابری، ۱۳۹۵).

با نگاهی سیستمی به ترکیب یک شهر، مدیریت شهری و ارتباط آن با مدیریت بحران را چنین می توان تشریح کرد. در بحث مدیریت شهری، شهر مانند تمام سیستمها مجموعه ای از اجزاست که با هم در حال تعامل هستند. که اگر این اجزاء دچار مشکل شوند بر



تعاملات اجزاء و درکل سیستم تأثیر می‌گذارد. از تازه‌ترین رویکردهایی که در نظریه مدیریت شهری می‌توان اضافه نمود تا مدیران شهر بتوانند کارآیی بیشتری را در زمان بحرانها را داشته باشند عبارتند از :

الف - نقش دریافت کننده اطلاعات : یعنی مدیران شهر از منابع و مراکز سیستم‌های موجود اطلاعات مرتبط با بحرانها را جمع‌آوری نمایند تا برای تصمیم سازی و تصمیم گیری آتی کارساز باشد.

ب - نقش پخش کننده اطلاعات و آگاه کننده: این بعد به نحوی اطلاع رسانی و آموزش شهروندان در خصوص بحرانها می‌باشد، یعنی آگاهی‌های لازم در خصوص نحوه برخورد و چگونگی حرکت جمعیت را در بحرانها به شهروندان اطلاع رسانی نماید .

ج - نقش تشخیص بحرانها در نقش کارآفرین: گروههای اثربخش مواجه با بحران و بلایا در دو نقش اخیر مدیران شهری از طریق دریافت نیازها و انتظارات مردم و جامعه باید بتوانند در خصوص بحرانهای ایجاد شده تصمیمات اثربخش و کارآمدتری در ارایه خدمات به آنان و فرهنگ سازی لازم دست یابند. تشکیل و سازماندهی گروههای اثربخش مواجه با بحرانها و بلایا با ترکیبی از اعضای نظام مدیریت شهری و گروهها و شهروندان متخصص در امور و عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد کند (فرجی راد، ۱۳۹۵)

مهمترین عوامل موثر بر مدیریت بحران شهری عبارتند از: وجود نظام اطلاع رسانی در سازمانهای مرتبط با بحران شهر، وجود نیروی انسانی متخصص، اثربخشی عملیات و نظام اطلاع رسانی برای ساکنین فعالیت مستمر ستاد اطلاع رسانی، تجهیزات تخصصی و وجود نظام ذخیره سازی برای مدیریت پشتیبانی امداد (صفاری، ۱۳۹۰).

برنامه جامع و یکپارچه مدیریت بحران دارای اجزا و مراحل است، که هر یک از مراحل آن باید در زمان خاص خود) قبل از بحران، در حین بحران و یا بعد از بحران (انجام شود، تا موفقیت برنامه در مقابله با بحران را تضمین نماید. چرخه مدیریت یکپارچه بحران به چهار مرحله کلی تقسیم گردیده است؛ پیشگیری و کاهش اثرات، آمادگی، پاسخ و واکنش در برابر بحران و بازگشت به وضعیت قبل از سانحه (بنا و همکاران، ۱۳۹۰).



طبقه‌بندی مدل‌ها و تئوری‌های مدیریت بحران شهری

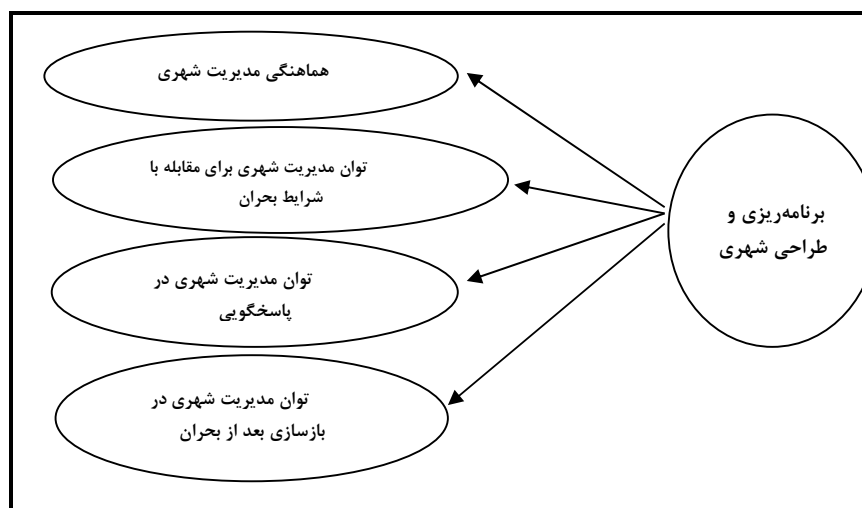
الف - مدل مدیریت بحران تیری و میتراف^۱: تیری و میتراف اظهار می‌کنند مدیریت اثربخش بحران، جدا از نوع بحران، شامل اداره کردن پنج مرحله مشخص است که بحرانها طی می‌کنند: شناسایی یا ردگیری علائم، آمادگی و پیشگیری، مهار ویرانی، بهبود، یادگیری. این مدل با شناسایی یا ردگیری علائم بحران شروع می‌شود و سپس با فرایند یادگیری از مرحله بهبود به پایان می‌پذیرد و سپس نتایج یادگیری به مرحله اول برمی‌گردد و این چرخه همین‌طور ادامه می‌یابد. پرواضح است، دو مرحله اول، جزء مراحل قبل از بحران است و مدیریت پیش‌فعال بحران را شامل می‌شود. هر تلاش یا فعالیتی در طول این مراحل کمک زیادی به شناسایی، پیشگیری و یا جلوگیری از بحران‌های بالقوه در مراحل اولیه می‌کند. در مقابل آن، مراحل سوم و چهارم به عنوان مراحل بعد از بحران هستند که هر فعالیتی در طی آنها صورت می‌گیرد به عنوان فعالیت‌های واکنشی یا منفعل هستند که تلاشی است در جهت مقاومت و یا کنترل شدید بر یک بحران ظاهر شده و یا حداقل کردن ویرانی‌های احتمالی آن. به صورت مقایسه‌ای، مدیریت پیش‌فعال بحران اهمیت ویژه‌ای برای هر سازمان بازرگانی دارد زیرا سازمان را در بسیاری از جنبه‌ها برای رویارویی با موقعیت‌های بحرانی ناخواسته و غیرقابل انتظار آماده خواهد کرد و آن را در یک موقعیت مساعد در زمان وقوع بحران قرار می‌دهد. برای پیدایش یک چنین مدیریتی باید سه فعالیت اصلی صورت گیرد: (۱) ایجاد یک برنامه مدون بحران. (۲) تشکیل تیم مدیریت بحران و (۳) آموزش‌های منظم پرسنل برای مواجهه با بحران‌ها (برزویی، ۱۳۹۳).

ب - مدل واکنشی در مقابل مدل پیش‌فعال: اساساً، در موقعیت‌های بحرانی از دو روش به بحران می‌نگرند: واکنشی و پیش‌فعال. سازمان‌ها هم می‌توانند علائم هشداردهنده را نادیده بگیرند و با وقوع بحران نسبت به آن واکنش نشان دهند و هم می‌توانند خود را برای رویارویی با بحران و مدیریت آن از قبل آماده سازند. در حالت اول پیامدهای ناشی از بحران مشخص نمی‌شوند ولی در حالت دوم نه تنها فرصت‌هایی را برای اداره بحران فراهم می‌سازد بلکه حتی می‌تواند به دفع بحران منجر شود. در مدل واکنشی، تصمیمات مربوط به بحران در حین یا بعد از وقایع اتخاذ می‌شود ولی در مدل پیش‌فعال، تصمیم‌گیرندگان

1. Tierry & Mitraf

شکل‌های مختلف بحران و نیز برنامه‌های مواجهه با آنها را پیش‌بینی می‌کنند. اولین مرحله در مدل پیش‌فعال، تجزیه و تحلیل آسیب‌شناسی بحران است که سعی می‌کند نقاط آسیب‌پذیر در سازمان و نیز عوامل مؤثر در وقوع بحران شناسایی شود. «اسلاتر» مدلی را برای شناسایی عوامل مؤثر در بحران سازمانی ارائه داده است. در این مدل ویژگی‌های مدیریتی و سازمانی بر اثربخشی تصمیم‌اثر می‌گذارند و سپس، متغیرهای محیطی و رقابت به همراه اثربخشی تصمیم، میزان حرکت به سوی بحران را شکل می‌دهد. متغیرهای محیطی و تغییرات ناگهانی در محیط شامل تغییراتی در بازارها، عرضه‌کنندگان و تأمین‌کنندگان، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... هستند. ویژگی‌های مدیریتی عبارتند از: توانایی‌ها و ویژگی‌های نیروی انسانی و نیز توانمندی‌های مدیران، شیوه‌های رهبری آنها که تأثیر زیادی بر نوع تصمیمات و توانایی سازمان برای مواجهه با بحران دارد. ویژگی‌های سازمانی شامل اندازه سازمان، منابع، ساختار، دستورالعمل‌های اجرایی و کنترل و ... هستند که بر موقعیت‌های وقوع بحران تأثیر می‌گذارند (جابری، ۱۳۹۵).

با توجه به تئوری‌های مطرح شده در پژوهش حاضر، مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



فرضیات پژوهش

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر هماهنگی مدیریت شهری تأثیرگذار است.

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران تأثیرگذار است.

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای پاسخگویی و واکنش مناسب حین بحران تأثیرگذار است.

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران تأثیرگذار است.

روش شناسی پژوهش

از نظر روش شناسی این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. پژوهش حاضر بر اساس چگونگی بدست آوردن داده‌های مورد نیاز و از نظر طبقه بندی پژوهش‌های با توجه به هدف آن‌ها، در زمره پژوهش‌های توصیفی قرار دارد. از لحاظ نوع نظارت و درجه کنترل این پژوهش در زمره پژوهش‌های میدانی قرار دارد چرا که متغیرها در حالت طبیعی آنها بررسی میشوند. داده‌های مربوط به این پژوهش مربوط به شهر تهران بوده و بین بازه زمانی بهمن ماه ۱۳۹۶ تا خرداد ۱۳۹۷ گردآوری و تجزیه و تحلیل شدند. از لحاظ جامعه آماری، مدیران و معاونین مناطق ۲۲ گانه شهرداری شهر تهران بود که با توجه به بررسی‌های انجام شده در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، ۲۲ مدیر ارشد شهرداری و ۴۵ نفر به عنوان معاون وجود دارند که جامعه آماری را تشکیل داده اند. جهت نمونه گیری در پژوهش حاضر از روش سرشماری کل استفاده شد که کل حجم نمونه ۶۷ نفر بودند. در این پژوهش از پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز به منظور سنجش و اندازه‌گیری متغیرهای مورد بررسی استفاده شده است. به منظور سنجش روایی ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه نهایی در اختیار ۲۰ نفر از مدیران و معاونین نمونه آماری قرار گرفت تا نظرات آنها جهت مناسب بودن سئوالات بررسی گردد که با اعمال نظرات اصلاحی روایی پرسشنامه تأیید شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید بدین صورت که پرسشنامه نهایی در اختیار ۳۰ نفر از مدیران و معاونین قرار داده



شد که ضریب آلفای کرونباخ آن برابر با ۷۵ گردید که نشان دهنده پایایی مناسب ابزار است .

برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه از روش‌های آماری مختلفی استفاده گردید . برای این منظور و متناسب با نیاز آمار تحلیلی، از نرم افزار آماری علوم اجتماعی، نرم افزار صفحه گسترده اکسل و SPSS در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی، بهره گرفته شده است. در زمینه آمار توصیفی از فنون آماری همچون جدول توزیع فراوانی و نمودار میله‌ای، میانگین، نما، میانه، انحراف معیار و واریانس شد. همچنین در زمینه آمار استنباطی نیز از آزمون مستقل و تحلیل رگرسیون چندگانه با نرم افزار SPSS مورد استفاده قرار گرفت. در نهایت از آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت مشخص نمودن نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها استفاده شد. این آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. یعنی اینکه توزیع یک صفت در یک نمونه را با توزیعی که برای جامعه مفروض است مقایسه می‌کند. اگر داده‌ها دارای توزیع نرمال باشند امکان استفاده از آزمون پارامتریک وجود دارد و در غیر این صورت، باید از آزمون ناپارامتریک استفاده کنیم. پس از تحلیل SPSS در برون داد آزمون کولموگروف - اسمیرنوف اگر آزمون معنی‌دار بود یعنی p کوچک تر از $0/05$ بود، به معنی این است که توزیع نرمال نیست و باید از آزمون ناپارامتریک استفاده کنیم. بنابراین اگر نتیجه این آزمون معنی‌دار نباشد امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد.

یافته‌ها

الف. یافته‌های توصیفی

در ابتدا و پیش از آزمون فرضیات پژوهش، با آمار توصیفی صرفاً به توصیف جامعه می‌پردازیم و هدف از این کار محاسبه پارامترهای جامعه آماری است؛ با توجه به نتایج بررسی‌ها سطح تحصیلات افراد نمونه در مقاطع لیسانس (۴۸ درصد) و فوق لیسانس (۵۲ درصد) بوده است. به همین ترتیب جنسیت ۹ درصد از پاسخگویان زن و بقیه مرد بوده‌اند. سابقه شغلی پاسخگویان در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۵ سال هفتاد درصد در بازه زمانی ۱۵ تا ۲۰ سال تنها ۴ درصد و در بازه زمانی ۲۰ سال ۲۶ درصد بوده است. سن پاسخگویان نیز در بازه



های سنی بین ۳۰ تا ۴۰ و بین ۴۰ تا ۵۰ و بالای ۵۰ سال سن به ترتیب دارای فراوانی ۴۰ درصد، ۱۲ درصد و ۴۸ درصد بوده است. در ادامه، جدول ۱ شاخص‌های توصیفی نمرات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، هماهنگی مدیریت شهری، توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران و توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
۱	برنامه‌ریزی و طراحی شهری	۶۷	۴	۵	۴.۵	۲.۰۶
۲	هماهنگی مدیریت شهری	۶۷	۳	۵	۴	۱.۷۳
۳	توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران	۶۷	۴	۵	۴.۵	۲.۰۶
۴	توان مدیریت شهری برای پاسخگویی حین بحران	۶۷	۳	۴	۳.۵	۱.۵۳
۵	توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران	۶۷	۳	۵	۴	۱.۷۳

منبع: محاسبات پژوهش

بر اساس جدول ۱، بیشترین میانگین و بیشترین انحراف معیار برای متغیرهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری و توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران بوده و کمترین میانگین با مقدار ۳/۵ برای متغیر توان مدیریت شهری برای پاسخگویی حین بحران است.



ب. یافته‌های استنباطی

بررسی نرمال بودن داده‌ها با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف^۱

ابتدا با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج این آزمون به شرح ذیل در قالب جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲. آزمون کلموگروف-اسمیرنوف			
(α) Kolmogorov-Smirnov			
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار آماره	مشاهدات
۰.۱۷۸	۶۸	۰.۴۵۰	

منبع: محاسبات پژوهش

مشاهدات از توزیع نرمال پیروی می‌کنند $\{ P - Value (sig) > \alpha = 0.05$
 مشاهدات از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند $\{ P - Value (sig) \leq \alpha = 0.05$

همان‌طور که مشخص است معیار قضاوت در مورد این آزمون مقدار احتمال به‌دست آمده می‌باشد. چنانچه مقدار احتمال بزرگتر از ۰/۰۵ باشد فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌گردد و در غیر این‌صورت این فرض رد می‌شود. با توجه به سطح آزمون که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، مشاهدات از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پژوهش، ابتدا با استفاده از آزمون t مستقل به بررسی تأثیرگذاری برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر هریک از متغیرهای مورد فرض پرداخته شده است.

1 Kolmogorov-Smirnov



جدول ۳. آزمون فرضیات پژوهش

معنی‌داری	T	شاخص آماری متغیر
۰.۰۰۱	۵/۴۸	برنامه‌ریزی و طراحی شهری و هماهنگی مدیریت شهری
۰.۰۰۰	۶/۳۷	برنامه‌ریزی و طراحی شهری توان مدیریت شهری برای مقابله
۰.۰۰۱	۴/۶۶	برنامه‌ریزی و طراحی شهری و مدیریت شهری برای پاسخگویی
۰.۰۰۲	۵/۸۸	برنامه‌ریزی و طراحی شهری و توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران

منبع: محاسبات پژوهش

با توجه به مشاهدات جدول ۳، چون مقدار t بدست آمده در هریک از سطرهای جدول فوق از مقدار t جدول بحرانی که ۱/۹۶ می‌باشد بزرگتر است و سطح معنی‌داری کمتر از ۰.۵ است می‌توان با اطمینان ۰.۹۵ بیان داشت که فرض‌های ما تأیید شده و برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر تمامی متغیرهای مورد آزمون تأثیر گذار است.

جهت بررسی میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته استفاده از آزمون ضریب رگرسیون چندگانه استفاده گردید. با توجه به این که در این پژوهش تعداد متغیرهای وابسته بیش از دوتا است، جهت آزمون فرضیات از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است که در واقع این روش تأثیر همزمان متغیر مستقل را بر روی متغیرهای وابسته نشان می‌دهد. در جدول ۴ نتایج این آزمون مشاهده می‌گردد.

جدول ۴. معنی‌دار بودن ضرایب رگرسیونی فرضیات پژوهش

مدل	ضرایب غیر استاندارد			Sig
	B	Error. Std	Beta	
مقدار ثابت	۷۸/۷	۰/۲۰۱	۰۰۰۰۰۰	۱۲/۹۹۱
هماهنگی مدیریت شهری	۰/۸۲۱	۰/۰۵۲	۰/۴۹۸	۶/۷۸۱
مقدار ثابت	۶/۹۸	۰/۲۳۰	۰۰۰۰۰۰	۱۲/۱۵
توان مدیریت شهری برای مقابله	۰/۲۱۰	۰/۰۸۹	-۰/۱۴۶	۸/۸۶۷
مقدار ثابت	۸/۶۷	۰/۳۴۰	۱۶/۱۷
توان مدیریت شهری برای پاسخگویی	۰/۵۲۱	۰/۰۷۰	۰/۳۴۷	۹/۶۷۸
مقدار ثابت	۷/۴۵	۰/۴۲۳	۰۰۰۰۰	۱۹/۳۴
توان مدیریت شهری برای بازسازی	۰/۶۲۴	۰/۰۷۵	۰/۴۲۹	۸/۸۴۵

منبع: محاسبات پژوهش



معادلات رگرسیونی فوق را می‌توان با استفاده از ستون ضرایب استاندارد نشده برای هریک از متغیرها به شرح زیر محاسبه کرد:

- هماهنگی مدیریت شهری = $۸/۷۸ + (۰/۸۲۱) \times$ برنامه‌ریزی و طراحی شهری
- توان مدیریت شهری برای مقابله = $۶/۹۸ + (۰/۲۱۰) \times$ برنامه‌ریزی و طراحی شهری
- توان مدیریت شهری برای پاسخگویی = $۸/۶۷ + (۰/۵۲۱) \times$ برنامه‌ریزی و طراحی شهری
- توان مدیریت شهری برای بازسازی = $۷/۴۵ + (۰/۶۲۴) \times$ برنامه‌ریزی و طراحی شهری

می‌توان گفت با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقاء پیدا خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

اسکان پایدار یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شود. امروزه در جامعه‌شناسی شهری اهمیت زیادی به اسکان پایدار قائل شده‌اند و برنامه‌ریزی در راستای تحقق این امر مورد توجه جدی قرار گرفته است در شرایط عادی شهری برنامه‌ریزی شهری تلاش می‌نماید تا اسکان ساکنین را بر اساس ساماندهی لازم طراحی نماید اما زمانی که شهر با یک شرایط اضطراری ناشی از بلایای طبیعی یا بلایای غیر طبیعی مواجه می‌شود، مدیریت بحران در برنامه‌ریزی شهری نقش تعیین‌کننده‌ای بر عهده خواهد گرفت. بلایای طبیعی به عنوان چالش اساسی در راستای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعات شهری مطرح می‌باشند که در نتیجه، شناخت روش‌های دستیابی به این نوع توسعه به وسیله الگوهای کاهش آسیب‌پذیری ضرورت پیدا می‌کند. در این راستا برنامه‌های کاهش بلایای طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار است. فرآیند تاب‌آوری و مدیریت بحران در برابر سوانح طبیعی با تأکید بر زلزله‌خیزی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که در سال‌های اخیر تلاش می‌شود به جای کاهش آسیب‌پذیری به ارتقا و بهبود تاب‌آوری ساکنان و سکونتگاه‌های در معرض خطر از یک سو و مدیریت درست بحران از سوی دیگر پرداخته شود. زمانی که بلایای طبیعی روی می‌دهند، این خطر اجتماعات انسانی را تهدید می‌کند که فاقد تاب‌آوری و ظرفیت کافی برای مقاومت در مقابل سوانح و قدرت انطباق با اثرات مخرب سوانح باشند



که این موضوع باعث تخریب، وارد آمدن زیان و بروز اختلال در عملکرد شهری می‌شود. مدیریت بحران در چنین شرایطی عامل مثبتی است که باعث افزایش توان اجتماعات شهری در مقابله با سوانح طبیعی می‌شود. پژوهش حاضر به نقش بسیار مهم و حیاتی برنامه‌ریزی و طراحی شهری در شرایط بحران پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان دادند:

۱. برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر هماهنگی مدیریت شهری تأثیر گذار است، و با ارتقای یک واحد برنامه‌ریزی و طراحی شهری به میزان (۰.۸۲۱) هماهنگی مدیریت شهری ارتقا می‌یابد. که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های جان (۲۰۱۷)، فلودز (۲۰۱۷)، حسینی (۱۳۹۶) و فرج پور پشتانی و هداوندی (۱۳۹۶) همسو بوده و همخوانی داشته است.

۲. تأثیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران تأیید شد و با ارتقای یک واحد برنامه‌ریزی و طراحی شهری به میزان (۰.۲۱۰) توان مدیریت شهری برای مقابله با شرایط بحران ارتقا می‌یابد. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های جورن و همکاران (۲۰۱۷) و دیرک و همکاران (۲۰۱۷) همسو بوده و همخوانی دارد، چون یکی از مهمترین اهداف برنامه‌ریزی و طراحی شهری توسعه و گسترش توان مدیریتی شهرها می‌باشد و مدیریت بحران در برابر سوانح طبیعی به عنوان یک جزء لاینفک مدیریت شهری تلقی می‌گردد. بنابراین در برنامه‌ریزی‌های شهری و طراحی آن توجه به کاهش خسارات و افزایش امدادسانی مناسب در شهرسازی بسیار حائز اهمیت است که در نهایت منجر به افزایش آمادگی ارکان مختلف مدیریت شهری در برابر سوانح طبیعی خواهد شد که این امر زیربنای اصلی در توسعه مدیریت بحران شهری در چنین شرایطی می‌باشد.

۳. برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای پاسخگویی و واکنش مناسب حین بحران تأثیرگذار است و با ارتقای یک واحد برنامه‌ریزی و طراحی شهری به میزان (۰.۵۲۱) مدیریت شهری برای پاسخگویی و واکنش مناسب حین بحران ارتقا می‌یابد، این نتیجه با نتایج پژوهش‌های رحمانی و همکاران (۱۳۹۶) همسو بوده و همخوانی دارد. چون هدف نهایی برنامه‌ریزی و طراحی شهری، افزایش مسئولیت اجتماعی مسئولین و توجه به طرح‌های اجرایی مناسب در هنگام وقوع بحرانها است که یکی از مباحث بسیار مهم در توسعه پایدار محسوب می‌شود و نبود



طرح و برنامه در زمان وقوع بحران باعث خواهد شد که سردرگمی در بین ارکان مختلف سازمان شهری و مردم شده که این امر می‌تواند با بحرانهای دیگر شهرها را مواجه نماید و اسکان شهروندان با خطرات جدی مواجه شود. از این رو، به عنوان یک اصل اساسی در توسعه پایدار شهری، لازمه برنامه‌ریزی و طراحی شهری مناسب توجه به طرح‌هایی است که سازمان مدیریت شهری جهت مقابله با بحرانها دارد که می‌تواند ضریب ریسک در شرایط بحرانی را کاهش دهد بنابراین، لازم است کارایی چنین طرح‌هایی از طریق مانورهای شهری مورد آزمایش قرار بگیرند تا در شرایط خطر مورد استفاده واقع شوند.

۴. برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر توان مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران تأثیرگذار است و با ارتقای یک واحد برنامه‌ریزی و طراحی شهری به میزان (۰.۶۲۴) مدیریت شهری برای بازسازی بعد از بحران ارتقا می‌یابد، این نتیجه با نتایج پژوهش‌های رحمانی و همکاران (۱۳۹۶) و دانش و مهدی‌نیا (۱۳۹۶) همسو بوده و همخوانی دارد. با توجه به این امر که بعد از وقوع هر بحرانی خسارات و اثرات منفی در محل وقوع بجای خواهد ماند که نیازمند توجه و بازسازی مجدد است، لازم است مسئولین شهری در هنگام بازسازی مجدد اماکن و ... از اصول مناسب شهرسازی استفاده نموده و حتی المقدور بازسازی مجدد اماکن آسیب دیده بهتر از زمان اولیه آن باشند چرا که وقوع یک سانحه باعث تخریب آنها شده که نشان‌دهنده بی‌کیفیتی اینگونه ساخت و سازها است که نیازمند توجه بیشتری می‌باشد، این امر نیز به عنوان یکی از مباحث اساسی در توسعه پایدار شهری محسوب می‌شود.

پیشنهادها

۱. پیشنهاد می‌گردد سازمان مدیریت شهری در فرایند برنامه‌ریزی شهری و طراحی آن به ابعاد مختلف مدیریت بحران توجه ویژه‌ای نمایند چرا که هدف اصلی مدیریت شهری ارتقای کیفیت زندگی شهری و کاهش آسیب‌پذیری شهرها در برابر بحران‌هایی نظیر زلزله و ... است که این امر تأثیر پایداری بر توسعه مدیریت بحران شهری بر جای خواهد گذاشت.



۲. پیشنهاد می‌گردد سازمان مدیریت شهری آموزش شهروندان را یکی از مهمترین اهداف مدیریت شهری در هنگام بحرانها دانسته و سعی نمایند که به صورت دوره ای آموزشهای نظری و عملی در مناطق مختلف پیاده‌سازی نمایند و این امر به عنوان یک رکن اساسی در توسعه پایدار شهری، آمادگی مقابله با خطرات و بلایای طبیعی در ذهن ساکنین نهادینه سازی شود.
۳. پیشنهاد می‌گردد مدیریت شهری جهت افزایش توان شهری در مقابل بلایای طبیعی به شاخصهای تاب آوری شهری جهت ارتقای امنیت شهری توجه ویژه ای داشته باشند. با عنایت به این نکته که امروزه تاب‌آوری شهری مبحث مهمی در بحران‌های پس از وقوع بلایای طبیعی محسوب می‌شود، توجه به این نکته می‌تواند در تسکین آلام ساکنین مؤثر واقع شود.
۴. پیشنهاد می‌گردد سازمان مدیریت شهری ساخت و سازهای غیرقانونی و بدون مجوز را بدون هرگونه ملاحظه ای تخریب نماید تا ضمن کاهش ساخت و سازهای غیر مجاز به کاهش خسارات شهری در شرایط بحرانی نیز کمک شود، این امر یکی از مهمترین اهداف مدیریت شهری و بحث محوری در توسعه شهری به منظور مقابله با شرایط بحرانی محسوب می‌شود.
۵. پیشنهاد می‌گردد متغیرهای هماهنگی مدیریت شهری، توان مدیریت شهری برای مقابله، توان مدیریت شهری برای پاسخگویی و توان مدیریت شهری برای بازسازی، به عنوان اصول زیربنایی در توسعه پایدار شهری، در مباحث مربوط به توسعه برنامه‌ریزی و طراحی شهری مدنظر مسئولین امر قرار گیرند تا ملزومات لازم برای توسعه برنامه‌ریزی شهری در شرایط عادی و شرایط بحرانی فراهم شوند.
۶. پیشنهاد می‌گردد با عنایت به نقش بی بدیلی که امروزه پدافند غیر عامل در افزایش تاب‌آوری شهرها در شرایط بحرانی بر عهده دارد در تمامی مراحل مربوط به مدیریت شهری از طراحی و برنامه‌ریزی تا اجرای طرح‌ها، اصل پدافند غیرعامل در تئوری و عمل پیاده‌سازی و عملیاتی گردند.



ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود

ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

References

- Ammons, D. N. (2008) 'City Manager and City Administrator Role Similarities and Differences', 'American Review of Public Administration', Vol.28, No. 1: 24-40.
- Benavand, G., Saflai Shahrababak, M., Qa'edRahmati, S., and Mohammadi Kish, M., 2011, "The role of city planning and Crisis Management in Reducing Earthquake Damage in Cities", National Conference on Sustainable Development and Urban Development, Isfahan: Higher Education Institute of Danesh Pajohan. (In Persian).
- Banayi, H., Ali, Mohammad (2016). Surveying the Physical Vulnerability of Region one of Tehran for Managing the Earthquake Crisis in Sustainable Urban Development, Third Comprehensive Urban Management Conference with Infrastructure, Services and Urban Sustainable Development Approach, Tehran: Permanent Secretariat of the Conference, Tehran University. (In Persian).
- Chakrabarty, B.K. (2001) 'Urban Management; Concepts, Principles, Techniques and Education', 'Cities', Vol. 18, No. 5: 331-345.
- Cronbach, L. J., (1951), 'Coefficient Alpha and the Internal Structure of Tests', "Psychometrika", 16(3): 297-334.
- Faraji Rad, Ali (2015). Integrated urban management, a necessity to achieve tourism development (case example: Zahedan city), Geographical Sciences, Architecture and Urbanism Research Quarterly 2 (11). (In Persian).
- Farajpour khan pashtani. Q., Rashidi, I., & Hadavandi, A., (2014), "Crisis Management and Urban Planning" National Conference on Urbanism, Urban Management and Sustainable Development, Tehran. (In Persian).
- Fakuhi, Nasser (1383). Urban anthropology. Tehran: Nasrani, 2nd edition. (In Persian).
- Habibi, Syed Mohsen (1383). From Shar to Shahr. Tehran: Tehran University Press, fifth edition. (In Persian).
- Haj Mohammadi, Alireza, 2014, Integrated Urban Management Model in Crisis Management, Second National Conference on Crisis Management and HSE in Vital Arteries, Industries and Urban Management, Tehran, Permanent Secretariat of National Crisis Management Conference. (In Persian).



- Hogogifard, H., (2017). Urban zoning with Integrated crisis management approach (Case study: Tehran Metropolitan), Third National Conference on Crisis Management and HSE in Vital Arteries, Industries and Urban Management, Tehran: Permanent Secretariat Conference. (In Persian).
- Hosseini, Ali (1388). Investigating the role and position of the Islamic City Council in the realization of integrated urban management (from the point of view of existing laws), the first international conference and the eighth national conference on urban planning and management, Mashhad, Islamic City Council of Mashhad - Ferdowsi University of Mashhad - Municipality and Research Center of the Council Islamic city of Mashhad. (In Persian).
- Jaberi, N., (2016). Review of Crisis Management in Urban Areas of Shiraz, Fifth International Congress on Civil, Architectural and Urban Development, Tehran: Permanent Secretariat of the Conference. (In Persian).
- Jafari, Sadiq (2014). Integrated urban management and sustainable green city, Geographical Sciences, Architecture and Urbanism Research Quarterly 1 (3). (In Persian).
- Jalali, Mohammad (2015). Integrated management of urban green spaces with per capita standard compliance: Sari city, International Conference on Civil Engineering, Architecture and Urban Planning of Contemporary Iran, Tehran, Asvah University - Tehran - Shahid Beheshti University. (In Persian).
- Khosravi, Ali (2015). Investigating the obstacles of integrated urban management in Iran (case study: Shiraz metropolis), Geographical Sciences, Architecture and Urbanism Research Quarterly 1 (6). (In Persian).
- Larsen, E. and Rainie, L. (2002). The rise of the e-citizen: How people use government agencies. sited at: Washington, DC7 Pew Internet and American Life Project. Available at: <http://www.few.gov>.
- Maleki, Mohammad (2014). Integrated urban management: from the conceptual interaction of words to strategies and challenges, the first global meeting of councils and mayors 2016, Tehran, Datis Development Chart Institute. (In Persian).
- McGill, Ronald., (1998). 'Urban Management in Developing Countries', "Cities", Vol. 15, No. 6: 463-471.
- McGill, Ronald., (2001). 'Urban Management Checklist', "Cities", Vol. 18, No. 5: 347-354.
- Mohammadi, A., (2006). Urban Role in Crisis Management and Reduction of Urban Damage, Third National Conference on Crisis Management, Safety, Health, Environment and Sustainable Development, Tehran: Higher Education Institute of Mehr Arvand - Center of Achieving Strategies for sustainable development. (In Persian).
- Modiri, M., Nosrati, S., & Karimishirazi, H., (2015), crisis management planning in the field of urban management With Inactive Defense Approach Using SWOT and MCDM Method (Case Study: Rasht Metropolitan) ", Two Quarterly of Crisis Management, No. 7, Spring and Summer. (In Persian).
- Mohammadian, Leila (1392). Examining the necessity and role of integrated urban management and its role in sustainable urban development, Fourth International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Development, Tehran, Permanent Secretariat of the Conference, Shahid Beheshti University. (In Persian).





- Mogimi, H., (2015). The Effect of Communication Styles of Organizations on Crisis Management in Urban Sewage and Water Supply Company of Qazvin Province, 1st National Conference on Modeling and Quantative Techniques in Management, Tehran: Imam Khomeini International University. (In Persian).
- Naqdi, Asadullah; Sadeghi, Rasul (2006) Marginalization is a challenge to sustainable urban development with an emphasis on Hamedan city, Social Welfare Scientific Research Quarterly, Year 5, Number 20, 213-234. (In Persian).
- Nazarian, Asghar (1386) Urban Geography of Iran, 8th edition, Tehran. Payam Noor University Publications. (In Persian).
- Nosrati, Ibrahim (2014). The role of urban planning in the integrated management of urban furniture (case example: Tankabon city), 4th International Congress on Civil Engineering, Architecture and Urban Development, Tehran, Permanent Secretariat of the Conference, Shahid Beheshti University. (In Persian).
- Ortega- A. R. and MacGregot, F. I. (2011) Disting-off the file: A review of knowledge on urban ornithology in Latin America, *Landscape and Urban Planning*, 101(1), 1-10.
- Rahimi, A., (2011). Investigating the factors affecting the management of urban disaster against earthquake and the manner in which organizations operate; Case Study: Qazvin, 4th Crisis Management Comprehensive Conference and HSE, Tehran: Permanent Secretariat of the Conference. (In Persian).
- Rahnamaee, M. T., SalahKar, S., SalahKar, S., Hosseini Amini, H., Hatefi, M., (2013), Urban System Analysis of Rasht city from the perspective of passive defense, collection of articles of the 6th Congress of the Iranian Geopolitics Association, 29th and 30th of October, Mashhad: Ferdowsi University. (In Persian).
- Razaviyan, Mohammad Taqi (2012) Urban Development Management, Tehran: New Link Publications. (In Persian).
- Sarafi, H., Mousavi, M., (2009). Dry Landscape (Zari Skiping), An Approach to Water Crisis Management in urban green space with an emphasis on the use of indigenous and drought resistant plants, the 11th National Congress of Development Pioneers, Tehran: Center for the Islamic Model of Progress. (In Persian).
- Shahrjerdi, R., r Fazeli Khiyavi, S., Khayavi and Abbasi Bonyadabad, L., (2017). Spatial Assessment based on Crisis Management in Burial of Urban Waste (by GIS positioning and multi-criteria decision-making AHP) International Conference on Earthquake, Crisis Management, Restoration, Qazvin, Boyin Zahra University of Engineering. (In Persian).
- Shoai A, (2010). Building Vulnerability Assessment and Damage Scenarios in Celano (Italy) Using a Quick Survey Data-based Methodology, Soil Dynamics and Earthquake Engineering, 82: 175-119. (In Persian).
- Shoai A, (2010). Building Vulnerability Assessment and Damage Scenarios in Celano (Italy) Using a Quick Survey Data-based Methodology, Soil Dynamics and Earthquake Engineering, 82: 175-119. (In Persian).
- Stren, R., (1993). 'Urban Management in Development Assistance', "Cities", Vol. 10, No 2.

- Wong, Siu-Wai & Tang, Bo-Sin & Van Horen, Basil., (2006), 'Strategic Urban Management in China: A Case Study of Guangzhou Development District', "Habitat International", Vol. 30: 645-667.
- Valeriu Ioan-Franc, Ana-Lucia Ristea, Constanța Popescu., (2015). Integrated Urban Governance: A New Paradigm of Urban Economy, Procedia Economics and Finance 22: 699 – 705.
- Yunsi, Mehdi (2014). The role and place of integrated urban management in the physical structure of the city, the third conference on tall buildings, Tehran, Ministry of Roads and Urban Development. (In Persian).
- Zarei, Ali (2014). Investigating the impact of the establishment of integrated urban management on sustainable urban transportation in the metropolis of Tabriz, the second international conference on management and humanities, Istanbul-Turkey, Idepardaz Institute of Vira Pub. (In Persian).
- Zarin Darafsh, H., (2017). Investigating the relationship between physical quality and social security in urban exhausted tissues from the point of view Crisis Management, 2nd International Conference on New Research Findings in Civil Engineering, Architecture and Urban Management, Tehran: International Federation of Inventors of the World (IFIA), Applied Scientific University. (In Persian).
- Ziyari, Karamatullah; Mehdanjad, Hafez; Fariyad Parhiz (2008) Urban Planning Basics and Techniques, first edition, Chabahar: Chabahar International University Publications. (In Persian).

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





مقاله پژوهشی

تغییرات جمعیتی ایران و پیامدهای امنیتی آن در آینده^۱

محمد ترکاشوند مرادآبادی^۲، فریده شمس قهفرخی^۳، لیلا زندی ناوگران^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

چکیده

یکی از ابعاد امنیت در هر جامعه توان نظامی آن است. جمعیت به صورت بالقوه از دو جهت با دفاع و امنیت در رابطه می‌باشد؛ حجم و ساختار سنی جمعیت. در مقاله حاضر، با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۹۵ کشور تغییر رشد و حجم جمعیت در گذشته تا کنون تحلیل شده و بر اساس روش‌های جمعیت‌شناختی به پیش‌بینی جمعیت بر اساس فروض مختلف تا افق زمانی ۱۴۴۵ پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان داد که ساختار سنی جمعیت کشور از جوانی خارج شده است و در حال گذار به سمت سالخوردگی جمعیت است. پیش‌بینی جمعیت نشان داد که تحولات آینده باروری نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات جمعیتی در آینده کشور خواهد داشت. نکات اصلی در تحولات آینده جمعیت کشور شامل: تعادل در نرخ رشد جمعیت کشور، افزایش تعداد سالمندان در جمعیت، کاهش در نیروی جوان کشور به‌ویژه در سناریوی باروری پایین، کاهش تعداد سربازان مشمول خدمت سربازی و کاهش تعداد جمعیت دارای توان نظامی در سناریوی باروری پایین می‌باشند. اگرچه پتانسیل جمعیتی نیروی نظامی و دارای توان دفاعی کشور اندکی کاهش می‌یابد، از آنجایی که امروزه توان نظامی کشورها بر اساس مهارت رقم می‌خورد، پیشنهاد می‌شود از طریق بالابردن کیفیت نیروی نظامی و با بهره‌گیری از ظرفیت سواد در آینده، از طریق کیفیت، مسئله کمیت را جبران نمود.

واژگان کلیدی: ساختار سنی جمعیت، تغییرات جمعیت، جمعیت و امنیت، آینده جمعیت.

طبقه‌بندی موضوعی: J21-D79

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.36925.1004

۲. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد. Email: m.torkashvand@yazd.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول). Email: fshamsghahfarokhi@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد. Email: doniazandy2007@yahoo.com

مقدمه و طرح مسأله

نیروی انسانی سرمایه اصلی هر کشور می‌باشد و به‌درستی می‌توان از آن به‌عنوان سرمایه انسانی یاد کرد. این سرمایه به‌عنوان پایه اصلی سایر سرمایه‌ها می‌باشد و در واقع توانمندی‌های هر کشور وابسته به نیروی انسانی ماهر و متعهد آن است و توسعه مستقل هر کشور نیز جز از طریق شناخت توانمندی‌های نیروی انسانی بومی و استفاده بهینه از آنها به دست نمی‌آید (یاکیتا، ۲۰۰۹). یکی از ابعاد ارتباط جمعیت و توانمندی در یک کشور، بعد جمعیت و امنیت است.

ارتباط جمعیت و امنیت از دیرباز و البته به‌صورت متفاوت مورد توجه بوده است. در جوامع ابتدایی که مرزبندی سیاسی وجود نداشت و از طریق زور و قدرت جنگی مرزها شکل می‌گرفت، جمعیت بیشتر به معنای قدرت بیشتر و لذا، امنیت بیشتر بود. بر مبنای تفکیک میان قدرت سخت (توانایی اقتصادی و نظامی) و قدرت نرم (توانایی جذب به شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک) تأکید می‌شود که هرچند هر دو نوع قدرت ضروری است، در عصر اطلاعات قدرت نرم بیش از هر نوع دیگر قدرت قانع‌کننده و جذاب است (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۲).

در گذر زمان ارتباط بین جمعیت و امنیت تا حدودی پیچیده شده است، اگرچه ممکن است در سطوح خارجی هنوز ایده سنتی را بتوان در نظر گرفت و اکثر مطالعات نظر بر این دارند که در مناطق مرزی وجود جمعیت بیشتر، همراه با امنیت بیشتر خواهد بود (گنجی‌پور و روحانی، ۱۳۸۹)، ولی در بعد امنیت داخلی، موضوع بسیار پیچیده شده است. محیط‌های کوچک روستایی به دلیل شناخت متقابل و نظارت اجتماعی ایجاد شده از امنیت انتظامی بالاتری در مقابل جوامع شهری با تراکم بالا برخوردار است (صمدی، کریمی و محمدی، ۱۳۸۹). گستردگی معنای امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و ... موضوع را پیچیده‌تر نموده و به‌صورت خلاصه باید اشاره نمود که نمی‌توان ارتباط مستقیم و شفافی را بین جمعیت و امنیت متصور شد.

یکی از ابعاد اصلی امنیت هر کشور قدرت دفاعی آن است. از نیازهای اولیه پایه‌ای هر جامعه تأمین امنیت و توان دفاعی آن در مقابل تهاجم بیگانه است. جمعیت به صورت بالقوه از دو جهت با دفاع و امنیت در رابطه می‌باشد؛ حجم و ساختار سنی جمعیت. حجم جمعیت

به صورت مستقیم می‌تواند به عنوان یک امتیاز دفاعی و امنیتی به شمار آید. می‌توان گفت که در صورت ثابت بودن همه شرایط در دو کشور، کشوری که جمعیت بیشتری دارد، توان دفاعی و امنیتی بیشتری خواهد داشت.

کشور ایران در سال‌های اخیر تغییرات گسترده‌ای را در میزان‌های باروری و مرگ تجربه کرده است (عباسی‌شوازی، ۱۳۹۹؛ ترکاشوند، ۱۳۹۰؛ ترکاشوند و حسینی، ۱۳۹۱). این تغییرات باعث می‌شوند هم در زمان حال و هم در آینده، همواره ساختار سنی جمعیت کشور رو به تغییر باشد. به دلیل گستردگی تغییرات در باروری و مرگ، تغییرات ساختار سنی چنان شتابان خواهد بود که نیاز است هر ساله تغییرات ساختار سنی جمعیت پیگیری شود و در برنامه‌ریزی‌ها توجه ویژه‌ای به آن شود.

در جهت شناخت تغییرات آینده ساختار سنی جمعیت کشور نیاز به این است که ابتدا روند گذشته تغییرات جمعیتی در کشور و عوامل تعیین‌کننده آن به خوبی مشخص شوند و سپس، با بهره‌گیری از آنها به پیش‌بینی دقیق تحولات جمعیتی کشور در آینده پرداخته شود.

عموم نظرات در مورد پیامدهای تغییرات جمعیت کشور در آینده معطوف به دو موضوع کاهش جمعیت و تغییر ساختار سنی جمعیت کشور می‌باشد. عموماً علما و صاحب‌نظران کشور کاهش جمعیت را برای کشور دارای پیامدهای منفی اقتصادی، سیاسی و امنیتی دانسته‌اند. بعد دیگر قضیه مربوط به تغییر ساختار سنی جمعیت در کشور است. ساختار سنی جمعیت کشور در آینده رو به سالخوردگی می‌باشد. در یک جمعیت سالخورده حجم نیروی جوان کاهش یافته و به درصد سالمندان افزوده می‌شود. کاهش سهم جمعیت جوان به معنی کاهش جمعیت فعال اقتصادی، کاهش جمعیت جوان و نوآور، کاهش جمعیت جوان دارای دفاعی و ... می‌باشد؛ لذا، از این لحاظ نیز حتی در صورت عدم کاهش جمعیت کشور در آینده، می‌توان پیامدهای منفی را برای کشور متصور شد (ترکاشوند، ۱۳۹۲).

در مباحث جغرافیای سیاسی، در تعیین جایگاه یک کشور، در کنار عواملی چون توسعه، اقتصاد، موقعیت، نفوذ و قدرت دیپلماتیک، همواره اندازه جمعیت و ساختار آن نیز به عنوان یک متغیر اثرگذار و زمینه‌ای تعیین‌کننده بوده است (متقی، ۱۳۹۴). البته در کنار حجم و کمیت جمعیت، باید به کیفیت آن نیز توجه شود. در پژوهش حاضر از آنجایی که متغیرهای کیفی تعیین‌کننده جمعیت در دسترس نبوده و تمرکز بر ابعاد کمی بوده، در کنار بعد حجم



جمعیت به عنوان یک عامل کمی، از جنبه ساختار سنی به عنوان یک ویژگی کیفی در ارتباط جمعیت و امنیت پرداخته شده است.

یکی از نیازهای برنامه ریزی در آینده شناخت پیامدهای تغییرات جمعیتی است، که در صورت منفی بودن پیامدها بتوان با استفاده از راهکارهایی به پیشگیری از آنها پرداخت. توجه به بحث پیامدهای دفاعی و امنیتی به صورت مشخص و در قالب یک مطالعه دقیق و کاربردی تا کنون در کشور انجام نشده است. لذا، در پژوهش حاضر قصد بر این است که ابتدا شناختی از وضعیت تغییرات جمعیتی و ساختار سنی آن بدست آید و در مرحله بعد با استفاده از فنون پیش بینی جمعیت، جمعیت کشور و ساختار سنی و جنسی آن در آینده مورد پیش بینی قرار گیرد. سپس، با تحلیل ویژگی های جمعیتی کشور در آینده، پیامدهای تغییر در ساختار جمعیت بر توان نظامی و امنیتی کشور مورد بحث قرار گرفته و راهکارهای مورد نیاز برای کاهش این پیامدها پیشنهاد می شوند.

در پژوهش حاضر قصد بر این است که با بررسی تغییرات دو عامل باروری و مرگ میر، تحولات ساختار سنی جمعیت کشور از سال ۱۳۳۴ تا زمان حال مشخص شود. در این مطالعه، با بررسی و شناخت ویژگی های جمعیتی کشور از گذشته تا کنون، با استفاده از فنون پیش بینی جمعیت به پیش بینی جمعیت کشور تا سال ۱۴۴۵ بر اساس فروض ممکن پرداخته شده است. در نهایت، ویژگی های جمعیت پیش بینی شده در آینده مورد بررسی قرار گرفته شده است و پیامدها و چالش های آن با تأکید بر ابعاد دفاعی و امنیتی مورد بحث و بررسی شده است.

لازم به ذکر است ماهیت پژوهش در حوزه جمعیت شناسی محض قرار دارد و فرایند کار به صورت کمی انجام شده است. پیامدها و چالش های جمعیتی مورد ذکر نیز صرفاً به صورت پتانسیل مطرح شده است. برای مثال در بحث توان دفاعی صرفاً پتانسیل های جمعیتی توان دفاعی مورد پیش بینی قرار گرفته است. اینکه چه تعداد جمعیت دارای پتانسیل توان دفاعی وجود خواهد داشت، ممکن است به لحاظ کیفی نظرات مختلف باشد و برای نمونه روحیه جهادی و انقلابی افراد مهم تر از کمیت آنها باشد. با این حال پژوهش حاضر جنبه جمعیت شناختی محض داشته و اهداف خود را دنبال می کند. البته اعتقاد بر این است کمیت نیز در کنار کیفیت مهم است، و با داشتن کمیت برابر جمعیتی بهتر است که کیفیت بالاتری داشته باشد.



مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

دو فرضیه از مشاهدات و بررسی مطالعات در حوزه جمعیت و قدرت نظامی به دست آمده اند؛ ۱- قدرت تعیین کننده سیاست است. ۲- جمعیت تعیین کننده قدرت است. اگرچه رابطه بین قدرت نظامی و سیاست‌های جمعیتی قبلاً مورد بررسی قرار نگرفته است، اما رابطه بین اندازه جمعیت و قدرت نظامی توسط کینگزلی دیویس^۱، اورگانسکی^۲ و آلفرد سووی^۳ مورد مطالعه قرار گرفته است. به بیان دیویس (۱۹۵۸)، دلیل اینکه چرا اندازه جمعیت تعیین کننده اصلی قدرت ملی است، روشن است. اول، حجم جمعیت کل، عامل اصلی در اندازه نیروی کار است، جایگزین کردن نیروی کار با سایر عوامل تولید غیرممکن است. دوم، با فرض کافی بودن منابع، جمعیت بزرگ مزایای بالقوه زیادی در مقیاس تولید انبوه و توزیع در پی دارد. سوم، از آنجا که نیروی نظامی از گروه‌های سنتی محدود بیرون می‌آید، یک جمعیت بزرگ برای تشکیل یک ارتش بزرگ و حفاظت از صدمات جنگ نیاز است. چهارم، تثبیت پیروزی در جنگ اغلب مستلزم نیروی اشغال‌گر قابل توجهی است که اگر جمعیت کم باشد نمی‌توان آن را تأمین کرد.

اندازه جمعیت در واقع یکی از عوامل تأثیرگذار بر قدرت ملی است. اورگانسکی (۱۹۶۱) بر این باور بود که اگر یک کشور بتواند جمعیت خود را به میزانی بیشتر از دیگر کشورها افزایش دهد، می‌تواند در زمینه‌هایی مانند اقتصاد، نیروی کار، نظامی و فرهنگی تأثیر بیشتری داشته باشد. با این حال، اورگانسکی تأکید می‌کند افزایش جمعیت به تنهایی کافی نیست و باید با عواملی نظیر توسعه فناوری و آموزش و پرورش همراه شود تا به دلیل رقابت با سایر کشورها قدرت ملی را بهبود بخشد. از منظر اورگانسکی جمعیت بزرگ می‌تواند به افزایش قدرت ملی کشور کمک کند، به دلیل اینکه: ۱- ایجاد نیروی نظامی بزرگ امکان‌پذیر می‌شود. ۲- اشغال کشور توسط مهاجمین دشوارتر می‌شود. ۳- تولید اقتصادی کل کشور مستقیماً افزایش می‌یابد. ۴- بازارهای بزرگ تأمین می‌شود که به طور غیرمستقیم بر تولید تأثیرگذار است. ۵- ایجاد اعتماد به نفس در خانه و ترس در خارج از

1. Kingsley Davis
2. Organski
3. Alfred Sauvy

مرزها امکان‌پذیر می‌شود. همه این پیامدهای جمعیت بزرگ به قدرت ملی کشور مرتبط هستند.

رویکرد سووی (۱۹۶۹) نسبت به رویکرد دیویس و یا اورگانسکی جنبه نظری بیشتری داشته است. پس از انجام برخی مفروضات اولیه در مورد رابطه بین اندازه جمعیت و سطح زندگی، او چندین نوع جمعیت "مطلوب"، از جمله "بهینه قدرت" را استنباط می‌کند. قدرت بهینه، اندازه‌ای از جمعیت است که در آن قدرت جمعی (نظامی یا غیره) جمعیت به حداکثر برسد. در قدرت مطلوب، بهره‌وری حاشیه‌ای در حداقل میزان قابل قبول برای ادامه زندگی است: افرادی که به جمعیت اضافه شده‌اند نمی‌توانند خود را تأمین کنند و مستلزم این است که منابع بالقوه در اختیار مجموعه برای حمایت آنها تغییر مسیر دهد. از سوی دیگر، افرادی که از جمعیت کم می‌شوند، نه تنها تولید معیشت خود را، بلکه برخی از تولیدات بالاتر از معیشت را که ممکن است بخشی از منابع جمعی شده باشند، حذف می‌کنند. سووی نشان می‌دهد که قدرت بهینه بالاتر از "بهینه اقتصادی" است که در آن سطح زندگی به حداکثر می‌رسد. همچنین، وی نشان می‌دهد جمعیت‌هایی با "قدرت بهینه"، در مقایسه با ملت‌هایی با استاندارد زندگی پایین و هزینه‌های پایین نظامی برای نیروهای نظامی (شرایطی که در کشورهای در حال توسعه رایج است)، بالاتر از سایر کشورها با ثابت بودن سایر شرایط است؛ بنابراین به نظر می‌رسد برای کشورهای در حال توسعه که قدرت نظامی بالا را می‌خواهند، سیاست‌های حامی افزایش جمعیت مسلم باشد. سووی (۱۹۶۹) نگرش‌های مختلف اجتماعی را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که قدرت بهینه بیشتر از مطلوب اقتصادی است.

اگرچه بحث جمعیت از مباحث جغرافیای انسانی و جغرافیای جمعیت است، اما اثربخشی سیاسی آن باید در جغرافیای سیاسی بررسی شود. به همین دلیل جمعیت پیوسته از پدیده‌های مورد بررسی در بحث قدرت و سیاست بوده است (مجته‌زاده، ۱۳۸۱).

از منظر ابزاری و رابطه با قدرت، جمعیت و انسان بیشتر مورد توجه بازیگران و کنش‌گران سیاسی است. آنها به جمعیت از این منظر توجه می‌کنند که کمیت و کیفیت آن چه نقشی در افزایش یا کاهش قدرت ملی یا جمعی کشور دارد. قدرت ملی دو وجه دارد؛ وجه عینی و بالفعل و وجه نهفته یا بالقوه؛ دولت‌ها تلاش می‌کنند ظرفیت‌های بالقوه خود را به صورت بالفعل درآورند. آگاهی از ترکیب جمعیت و نحوه توزیع آن در هر کشوری نقش



تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه همه‌جانبه آن دارد و دولت‌ها با اتکاء به این آمار و ارقام قادر می‌گردند تا برنامه‌های خرد و کلان توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سازمان اداری جامعه را سامان دهند (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۱).

تحلیل‌گران استراتژیک بین قدرت و اندازه جمعیت به یک رابطه معنی‌دار معتقد می‌باشند. در ارزیابی قدرت کشورها فرض بر این است که در وضعیت مساوی، کشوری که دارای جمعیت بیشتر است، قدرتمندتر از کشوری است که جمعیت کمتری دارد؛ چراکه به سختی می‌توان دو کشور را یافت که از جهت کلیه عوامل برابر باشند. جمعیت بیشتر از دیدگاه نظامی و سیاسی اهمیت دارد، ولی از جهت اقتصادی به ویژه هنگامی که چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در سرزمین و روندهای جمعیت‌نگاری در نظر است، وضع متفاوت خواهد بود. در این صورت، خصوصیات کیفی جمعیت، ساختمان جمعیت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن به جنس روی ذخیره‌های بالقوه نظامی و سهم تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جامعه اثر می‌گذارد (میرحیدر، ۱۳۸۱).

در تمامی مدل‌های سنجش قدرت ملی از ساده‌ترین آنها تا مدل‌های پیچیده، عوامل و عناصری برای ساخت قدرت ملی مورد شناسایی قرار گرفته شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر ساخت قدرت ملی مورد شناسایی قرار گرفته شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر ساخت قدرت ملی در قریب به اتفاق مدل‌های سنجش، عامل و یا عنصر جمعیت است. در تأیید این موضوع آمده است؛ "مهم‌ترین عامل ژئوپولیتیک، انسان است" (عزتی، ۱۳۸۸، ۹۳). همچنین، اگر همه چیز متعادل باشد جمعیت زیاد کشور، توان و قدرت دولت را افزایش می‌دهد (عالم، ۱۳۸۶، ۹۴) در مورد جمعیت و قدرت ملی مارتین گلاس در شرح عوامل قدرت ملی به جمعیت، شامل جنبه‌های کمی و کیفی نظیر؛ تعداد، مهاجرت، سطح آموزش، سواد، توزیع ثروت، فقر، کیفیت ملت، نخبگان، نهادهای اجتماعی، طرز فکر و علائق ملی اشاره می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴، ۲۶۰) اندازه و کیفیت نیروی انسانی، اولین شاخصی است که قدرت نظامی یک کشور را نشان می‌دهد. لذا، آن دسته از برآوردهای قدرت نظامی که بر اندازه نیروی انسانی، تفاوت بین نیروهای آماده و ذخیره و توزیع آنها در نیروها متمرکز می‌شوند، اطلاعات مفیدی را ارائه می‌دهند (جعفرنیا و همکاران، ۱۳۹۸).

براساس پژوهشی که در مورد سنجش قدرت ملی صورت گرفته است، پس از بررسی ۲۸ نظریه در خصوص عوامل تشکیل قدرت ملی این نتیجه حاصل شده است که جمعیت



و ویژگی‌های کمی و کیفی آن رتبه اول از عوامل تشکیل دهنده قدرت ملی را به خود اختصاص داده است (زرقانی، ۱۳۹۱).

قدرت ملی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وسایل حفظ موجودیت و تأمین اهداف و منافع ملی کشورها تلقی می‌شود. در علم سیاست منابع قدرت دولت به دودسته: منابع محسوس و منابع نامحسوس دسته‌بندی می‌شوند. منابع محسوس قابلیت سنجش کمی دارند، در حالی که منابع نامحسوس کیفی بوده و سنجش آنها صرفاً پس از موفقیت در تبدیل آنها به شاخص‌های کمی ممکن است. مهم‌ترین منابع محسوس دولت عبارتند از: ۱- جغرافیا ۲- وسعت سرزمین ۳- منابع ملی ۴- توان اقتصادی ۵- توان نظامی ۶- جمعیت.

اگرچه نمی‌توان یک کشور را به علت آنکه جمعیتی بیش از سایر کشورها دارد، قوی‌ترین کشور دانست؛ اما این مسئله نیز حقیقت دارد که اگر کشوری جز دولت‌های پرجمعیت جهان نباشد، نمی‌تواند به قدرتی درجه یک تبدیل شود و یا این مقام را حفظ کند. بدون وجود جمعیتی عظیم، تداوم فعالیت کارخانه‌های صنعتی لازم برای هدایت موفقیت‌آمیز جنگ‌های مدرن، ارسال تعداد کثیری از گروه‌های رزمنده برای جنگ در نبردهای زمینی، دریایی و هوایی و بالاخره تکمیل کادرهای نظامی که تعدادشان بسیار بیشتر از واحدهای رزمی است و باید غذا، وسایل حمل‌ونقل و ارتباطات، مهمات و سلاح برای واحدهای رزمی تأمین کنند، غیرممکن است (مورگنتا^۱، ۱۳۷۴، ۶۵).

در حال حاضر با توجه به اینکه پیشرفت‌های فناورانه در عرصه جنگ‌ها توانسته نقش جمعیت زیاد را در دفاع کاهش دهد ولی، همچنان کشورهای پرجمعیت جز کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند. شاید یکی از دلایل آن نقش سیاسی هر یک نفر از جمعیت در تولید قدرت سیاسی در فرایندهای دموکراتیک باشد. به علاوه اینکه در جنگ‌های مدرن تعداد افراد جمعیت کشور نه تنها از جنبه تولید نیروی نظامی متشکل و فعال اهمیت دارد بلکه، به عنوان پشتیبان نیروهای نظامی و تکیه‌گاه قدرتمند ارتش ملی در دفاع از خانه و کاشانه، تجهیز ارتش و تغذیه آن و بسیج ملت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

جمعیت زیاد اگر همچون ژاپن از کیفیت زیستی، اقتصادی، فنی و علمی خوب برخوردار باشد، منشأ قدرت ملی خواهد بود. اما بر اساس دیدگاه امیدوارکننده کرنوکوپایی با افزایش

^۱. Morgenthau



جمعیت، منابع جامعه توسعه می‌یابد و در نهایت، موجب افزایش منابع سرانه می‌شود. این توسعه از این احتمال ناشی می‌شود که جمعیت بزرگ اصولاً باعث تخصصی کردن فرایندها، تقسیم‌کار مؤثرتر و پیشرفته و گسترش مازاد اقتصادی می‌گردد (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۰). هرچند جمعیت زیاد به نوبه خود می‌تواند موجبات ضعف یک کشور را فراهم کند و از سوی دیگر، پیشرفت‌های فناورانه در عرصه جنگ‌ها توانسته نقش جمعیت زیاد را در دفاع کاهش دهد. با این حال، همچنان کشورهای پرجمعیت جز کشورهای قدرتمند جهان شناخته می‌شوند (همان: ۴۲).

براین اساس کم‌وزیاد بودن جمعیت کاملاً در سیاست جغرافیایی و وضعیت نظامی دولت‌ها تأثیرگذار است. وقتی به کشورهای دنیا نگاه می‌شود، در واقع کشورهایی که بیشترین جمعیت دنیا را در خود جای داده‌اند، از قدرت حاکمیت بیشتری برخوردارند. کشور چین جزء کشورهای پرجمعیت دنیا محسوب می‌شود. این کشور از نیروی عظیم جمعیتی و به تبع آن از ظرفیت نیروی نظامی قدرتمندی برخوردار است. چین این قدرت خود را از گذشته تا بحال به صورت مستمر حفظ کرده است. عامل جمعیت در رأس عوامل تهدیدانگیز کشور چین برای روسیه محسوب می‌شود (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۸).

بررسی مطالعات انجام شده نشان داد که توجه به اندازه جمعیت در معادلات نظامی و قدرت ملی هر کشور بسیار تأثیرگذار و حائز اهمیت است. با اذعان به اینکه این مطالعه از جنبه کمی به مسئله تأثیر ساختار سنی بر جمعیت پرداخته است و سعی بر آن داشته تا خلاء موجود در حوزه پیش‌بینی نیروی بالقوه نظامی در کشور را تا حدودی مورد توجه قرار دهد، اما همچنان خلاء مطالعات ناظر بر جنبه‌های کیفی جمعیت و تأثیر نیروی نظامی توانمند بر توان نظامی کشور، مشهود است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این پژوهش از نوع توصیفی و کاربردی است. منبع اصلی اطلاعات، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن انجام شده به وسیله مرکز آمار ایران از سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. با استفاده از داده‌های این سرشماری‌ها و همچنین، طرح‌های صورت گرفته در حوزه باروری و مرگ در کشور، به شناخت تغییرات ساختار سنی کشور از گذشته تا حال پرداخته می‌شود. سپس، با استفاده از روش ترکیبی پیش‌بینی جمعیت و بر



اساس فروض ممکن به برآورد جمعیت کشور و تغییرات ساختار سنی آن تا سال ۱۴۴۵ پرداخته می‌شود. پس از به دست آمدن روند تغییرات ساختار سنی کشور در طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵ با استفاده از معیارهای موجود در طبقه‌بندی وضعیت ساختار سنی جمعیت، به مرحله‌بندی تغییرات ساختار سنی جمعیت کشور در طی زمان پرداخته می‌شود. اطلاعات مورد نیاز در بخش اول، یعنی مطالعه روند تحولات جمعیتی و در پاره‌ای موارد مطالعه خصوصیات اقتصادی- اجتماعی، به شیوه کتابخانه‌ای فراهم شده است و از آمار ارائه شده در نشریات و سایت مرکز آمار ایران، گزارش جمعیت و توسعه کشور، گزارش یافته‌های طرح DHS و ... استفاده شده است. همچنین، محاسبات و برآوردهای جمعیتی با استفاده از این اطلاعات با استفاده از نرم افزارهای MORTPAK4 و SPECTRUM انجام شده است.

مراحل پیش‌بینی جمعیت

پیش‌بینی جمعیت با روش ترکیبی این امکان را فراهم می‌آورد که تمام ساختار جمعیت در طول دوره معین در آینده را پیش‌بینی کرد. لذا، امروزه این روش بیش از هر روش دیگری کاربرد دارد. اطلاق واژه ترکیبی به آن سبب است که جمعیت پیش‌بینی شده بر اساس عملکرد مجموعه عوامل مؤثر بر تغییرات جمعیت به دست می‌آید (استوورو کرمایر، ۱۳۸۴، ۱۴). در پژوهش حاضر نیز با توجه به دوره نسبتاً بلندمدت پیش‌بینی استفاده از روش ریاضی فاقد توجیه علمی بوده و بنابراین، روش ترکیبی پیش‌بینی جمعیت روش مناسب برای انجام این کار تشخیص و ترجیح داده شد. نرم‌افزار مورد استفاده برای این پیش‌بینی، اسپکتروم است. پیش‌بینی جمعیت با روش ترکیبی برحسب سن و جنس در پنج مرحله و به صورت زیر است:

۱. تعیین جمعیت پایه بر حسب توزیع سنی و جنسی که به این منظور غالباً از گروه‌های ۵ ساله استفاده می‌شود.
۲. محاسبه ضریب نسبت بازماندگی برای تمام گروه‌های سنی و جنسی، جهت تعیین جمعیتی که در ۵ سال بعد هنوز زنده بوده و ۵ سال مسن‌تر از جمعیت پایه هستند.
۳. تعیین تعداد تولدها در دوره سرشماری به وسیله ضرب کردن میزان باروری ویژه سنی به جمعیت زنان. این موالید باید به دو گروه متولدین پسر و دختر تقسیم شوند



و سپس به وسیله ضرب نمودن در میزان های بازماندگی مناسب، آن ها را به افراد باقیمانده از گروه ۴-۰ ساله برای دوره ۵ ساله بعد تبدیل نمود.

۴. تطبیق میزان مهاجرت؛ پیش بینی مهاجرت مشکل تر از پیش بینی باروری و مرگ است، زیرا که سطح مهاجرت به اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی هر دو مکان مهاجر فرست و مهاجر پذیر و همچنین به سیاست دولت ها در زمان های معین وابسته است.

در این مورد، با توجه به مجموعه اطلاعات موجود و یا از طریق بررسی های نمونه های ترکیب سنی و جنسی مهاجران، چگونگی تغییر و تحول نرخ آن در دوره پیش بینی برآورد می شود و سپس به پیش بینی شمار آن ها مانند یک جمعیت معمولی با سطح باروری و مرگ و میر خاص خود اقدام می شود. آن گاه، با فرض همانندشان مهاجران از نظر ویژگی های جمعیتی در یک دوره n ساله (معمولاً یک دوره ۵ ساله) با جمعیت های قبلی، ارقام پیش بینی شده مهاجران در گروه های سنی را نظیر به نظیر به شمار جمعیت پیش بینی شده غیر مهاجر در همان سال اضافه کرده تا کل جمعیت گروه سنی به دست آید. حاصل جمع شمار افراد گروه های سنی، کل جمعیت هر جنس و مجموع افراد دو جنس، شمار کل جمعیت پیش بینی شده را در پایان یک دوره ۵ ساله به دست می دهد.

۵. تکرار مکرر این عمل سبب می شود که پیش بینی های جمعیتی برای ۵ یا ۱۰ سال بعد از تاریخ شروع، ۱۵ سال، ۲۰ سال و ... به دست آید. این نوع پیش بینی را می توان برای سنین منفرد و فاصله های زمانی دلخواه تهیه نمود، اما معمولاً به طور قراردادی در پیش بینی جمعیت ها دوره زمانی و دوره سنی یکسان در نظر گرفته می شود.

مؤلفه های پیش بینی جمعیت

در پیش بینی جمعیت اجزای اصلی تغییرات جمعیتی یعنی باروری، مرگ و میر و مهاجرت دخیل بوده و نقطه تلاقی هر سه آنها در پیش بینی جمعیتی میسر می شود. البته خود واژه پیش بینی بیانگر آن است که روند آتی جمعیت ناشناخته بوده و ارقام پیش بینی در صورتی که میزان های تولد، مرگ و مهاجرت مشخص باشند، نشان دهنده جمعیت در



آینده خواهند بود (پولارد و دیگران، ۱۳۷۱، ۱۸۲). در این زمینه هاینده^۱ نیز می‌گوید که پیش‌بینی تلاشی است در این زمینه که جمعیت در آینده چقدر خواهد بود و این پیش‌بینی فراتر از پیش‌گویی عامیانه است، بلکه اشاره به مجموعه‌های از اقدامات پیچیده دارد و نشان‌دهنده پیش‌بینی‌های واقعی است که جمعیت‌شناسان به آن اعتماد دارند (هاینده، ۱۳۸۵، ۳۷۸). لذا، باید گفت که اگر اطلاعات درستی از اجزای تغییرات جمعیتی در دست باشد، می‌توان به خوبی به برآوردی از جمعیت در آینده دست‌یافت. البته به دلیل عدم اطمینانی که نسبت به تغییرات این میزان‌ها در آینده وجود دارد معمولاً چند پیش‌بینی بر اساس حالات مختلف این میزان‌ها انجام می‌شود (پولارد و دیگران، ۱۳۷۱، ۱۸۲؛ استوور و دیگران، ۱۳۸۸، ۲۲) که معمولاً از آن‌ها به‌عنوان سناریوها یا فرض‌های پایین، وسط و بالا نام برده می‌شود.

در کشور ایران میزان مرگ و میزان باروری به سطوح بسیار پایین رسیده و لذا، تغییرات این متغیرها در آینده زیاد نخواهد بود. البته در حوزه مرگ‌ومیر و باروری نیز پیش‌بینی روندهاستا متفاوت خواهد بود. سیاست‌گذاری دولت‌ها همواره در پی افزایش امید زندگی بوده و در صورت عدم رخداد حوادث خاص مرگ‌ومیر در طی زمان رو به کاهش است. لذا، فرض آینده این متغیر در پیش‌بینی‌ها همواره افزایشی است. برآورد مرگ‌ومیر و شاخص اصلی آن تحت عنوان امید زندگی بر اساس روش‌های جمعیت‌شناختی انجام شده است و بر اساس معادله لجستیک به پیش‌بینی روند آن در آینده پرداخته شده است. بر اساس نتایج بدست آمده امید زندگی در سال ۱۳۹۵ به مقدار ۷۵ سال بدست آمد و پیش‌بینی شد که تا سال ۱۴۴۵ به رقم ۸۱/۷ سال افزایش یابد.

میزان باروری با استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برآورد باروری محاسبه شده و با توجه به اینکه میزان باروری در کشور به سطوح پایین رسیده و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در پی افزایش آن هستند، چند سناریوی مختلف برای باروری در آینده در نظر گرفته شده است. در یک سناریو با عنوان پایین، نظر بر ادامه کاهش باروری در آینده بوده است. در سناریوی متوسط باروری ثابت در سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده و در سناریوی بالا، با توجه به سیاست‌های افزایش باروری در کشور، نرخ باروری افزایشی در حدود ۱۵



درصد تا پایان دوره در نظر گرفته می‌شود. این رویه بر اساس سناریوی افزایش باروری سازمان ملل در پیش‌بینی جمعیت ایران انتخاب شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها تغییرات حجم و رشد جمعیت در ایران از گذشته تا کنون

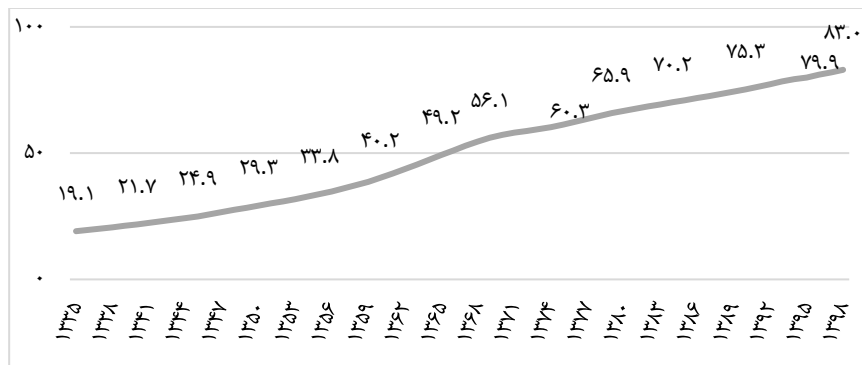
تا نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی سرشماری نفوس در ایران متداول نبوده است. بنابراین، سرشماری‌های آماری که از طریق شمارش نفوس ارائه شده در دسترس نیست. نخستین آمار و اطلاعات جامع در مورد جمعیت ایران از سرشماری سال ۱۳۳۵ به دست می‌آید. به استناد این سرشماری جمعیت ایران در سال مذکور جمعاً ۱۹/۰۴ میلیون نفر بوده است. جمعیت کشور همواره تا زمان حال رو به افزایش بوده و در سرشماری ۱۳۹۵ به ۷۹/۹۲ میلیون نفر رسیده است (نتایج سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۹۵).

جدول ۱- روند تحولات تعداد و درصد رشد سالانه جمعیت ایران از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	جمعیت کل	رشد جمعیت	درصد رشد سالانه جمعیت
۱۳۳۵	۱۹۰۴۰۵۰۰	۱۹,۱	۲,۵۲
۱۳۴۵	۲۴۸۸۶۰۰۰	۲۴,۹	۳,۱۳
۱۳۵۵	۳۳۷۶۹۲۰۸	۳۳,۸	۲,۷۱
۱۳۶۵	۴۹۲۱۴۳۴۴	۴۹,۲	۳,۹۲
۱۳۷۰	۵۷۲۶۰۵۴۰	۵۷,۳	۲,۴۶
۱۳۷۵	۶۱۳۰۶۴۱۲	۶۱,۳	۱,۹۶
۱۳۸۰	۶۶۷۹۷۱۰۰	۶۶,۸	۱,۴۷
۱۳۸۵	۷۰۹۸۱۶۶۴	۷۱	۱,۶۱
۱۳۹۰	۷۵۲۹۹۸۲۴	۷۵,۳	۱,۲۹
۱۳۹۵	۷۹۹۲۵۴۰۰	۷۹,۹	۱,۲۴

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵





نمودار ۱- روند و تحولات جمعیت ایران در طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۸

گرچه طی دوره ۶۰ ساله جمعیت کشور ۴ برابر شده است، لیکن این افزایش در طول زمان یکسان صورت نگرفته است. سرعت آن در آغاز بسیار کند بود و در دوره ۲۰ ساله ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ این رشد شتاب بیشتری گرفت و به بیش از ۳ رسید. بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، جمعیت ایران برابر ۷۹/۹ میلیون نفر بوده است و در سال ۱۳۹۸ به ۸۳ میلیون نفر رسیده است (مرکز آمار ایران).

بررسی آمار و ارقام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارگیری‌های جاری جمعیت نشان می‌دهد که ایران در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ با افزایش شدید باروری روبرو بوده است، به گونه‌ای که در اثر افزایش تعداد موالید، درصد رشد سالانه جمعیت کشور از ۲/۷ درصد در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به ۳/۹ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ رسیده است (از این میزان رشد ۳/۲ درصد مربوط به رشد طبیعی جمعیت و ۰/۷ درصد مربوط به مهاجرین افغانی و عراقی‌ها بوده است). به یقین عوامل متعددی در افزایش جمعیت کشور دخیل بوده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تغییرات اعمال شده و اجرای سیاست‌های مستقیم و غیرمستقیم تشویق موالید اشاره کرد (مهریار و حق‌شناس، ۱۳۸۵). روند تحولات باروری نشان می‌دهد که میزان باروری کل از ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ به ۶/۳ فرزند در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است (آقاجانیان و مهریار، ۱۳۷۹). بعد از این کاهش اولیه وقفه‌ای موقتی در گذار جمعیتی ایران پدید آمد و تحت تأثیر شرایط خاص متأثر از رویداد انقلاب اسلامی، باروری در بین سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۸ اندکی افزایش یافت و سپس، تا حوالی ۱۳۶۳ به بعد دوباره به تدریج روند کاهش باروری آغاز شد و از ۶/۹ فرزند برای هر زن در این سال،



به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ - که زمان راهاندازی مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده است - رسید و از این زمان به بعد، به سرعت روند انتقالی خود را طی کرده و میزان باروری کل به ۲/۱۷ فرزند در سال ۱۳۷۹ می‌رسد (عباسی شوازی و مک‌دونالد، ۲۰۰۵). بر پایه نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، میزان باروری کل به ۲/۰۱ فرزند رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). هرچند که بعد از گذشت دو دهه به طور مقطعی میزان باروری کل ایران در سال ۱۳۹۵ اندکی افزایش یافت، اما شواهد حاکی از آن است که مجدداً میزان باروری از سال ۱۳۹۶ به بعد رو به کاهش گذاشته است (فتحی، ۱۳۹۹).

پیش‌بینی حجم و نرخ رشد جمعیت از ۱۳۹۵ تا ۱۴۴۵

با توجه به دوره نسبتاً بلندمدت پیش‌بینی استفاده از روش ریاضی فاقد توجیه علمی بود و بنابراین روش ترکیبی پیش‌بینی جمعیت روش مناسب برای انجام این کار تشخیص و ترجیح داده شد. نرم‌افزار مورد استفاده برای این پیش‌بینی، اسپکتروم است. پیش‌بینی جمعیت با روش ترکیبی برحسب سن و جنس در پنج مرحله صورت می‌پذیرد (پولارد^۲ و دیگران، ۱۳۷۱، ۱۸۷) که با توجه به سه سناریوی بالا، پایین و متوسط برای باروری این پیش‌بینی انجام شده است (در قسمت روش پژوهش به فرضیات این سناریوها پرداخته شده است).

جدول ۲- پیش‌بینی جمعیت در سناریوهای مختلف در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۴۵

سال	جمع زن و مرد		مرد		زن	
	سناریوی بالا	متوسط	سناریوی پایین	متوسط	سناریوی بالا	سناریوی پایین
۱۳۹۵	۸۰۱۸۱۸۵۳	۸۰۰۹۷۷۲۲	۷۹۹۷۱۵۴۷	۴۰۳۶۰۲۰۱	۴۰۳۱۷۱۴۲	۳۹۷۸۰۵۸۰
۱۴۰۰	۸۴۸۵۹۱۳۹	۸۴۵۷۰۰۳۷	۸۴۱۳۳۳۸۵	۴۲۶۵۹۱۰۰	۴۲۵۱۱۰۸۲	۴۲۰۵۸۹۵۶
۱۴۰۵	۸۸۷۵۴۴۹۸	۸۸۱۷۳۳۷۲	۸۷۳۰۱۴۴۶	۴۴۵۷۳۴۹۱	۴۴۲۷۵۸۰۰	۴۳۸۹۷۴۷۲
۱۴۱۰	۹۲۱۶۳۴۴۳	۹۱۱۹۸۸۵۲	۸۹۷۵۸۴۷۳	۴۶۲۴۷۸۳۰	۴۵۷۵۳۶۰۸	۴۵۹۱۵۶۱۲
۱۴۱۵	۹۵۴۸۸۵۰۱	۹۴۰۱۶۳۲۴	۹۱۸۱۲۹۶۱	۴۷۹۱۶۴۵۸	۴۷۱۶۱۵۴۶	۴۶۸۵۴۶۷۹
۱۴۲۰	۹۸۸۶۱۵۹۰	۹۶۷۰۲۸۵۲	۹۳۴۶۱۹۳۱	۴۹۶۷۴۷۵۷	۴۸۵۶۶۵۰۵	۴۸۱۳۶۳۴۷
۱۴۲۵	۱۰۲۰۲۱۸۸۹	۹۸۹۵۶۹۹۷	۹۴۴۰۳۲۱۷	۵۱۳۹۳۳۸۸	۴۹۸۱۷۵۰۷	۴۹۱۳۹۴۹۰
۱۴۳۰	۱۰۴۴۶۴۷۱۵	۱۰۰۲۸۰۷۰۵	۹۴۲۰۳۴۶۸	۵۲۷۶۴۶۳۰	۵۰۶۱۰۵۱۲	۴۹۶۷۰۱۹۳
۱۴۳۵	۱۰۶۰۷۰۴۹۷	۱۰۰۵۷۹۷۴۳	۹۲۷۸۴۳۵۱	۵۳۷۰۰۱۸۲	۵۰۸۷۰۶۴۶	۴۹۷۰۹۰۹۷
۱۴۴۰	۱۰۷۱۱۶۳۷	۱۰۰۱۱۱۸۰۲	۹۰۳۳۳۱۴۴	۵۴۳۶۴۳۵۲	۵۰۷۵۱۸۹۴	۴۹۳۵۹۹۰۸
۱۴۴۵	۱۰۸۰۲۳۰۹۷	۹۹۲۱۹۹۷۶	۸۷۱۰۸۰۵۴	۵۴۹۸۱۱۴۲	۵۰۴۳۸۶۴۹	۴۸۷۸۱۳۲۷

منبع: پردازش اطلاعات سرشماری ۱۳۹۵

1. McDonald
2. Pollard

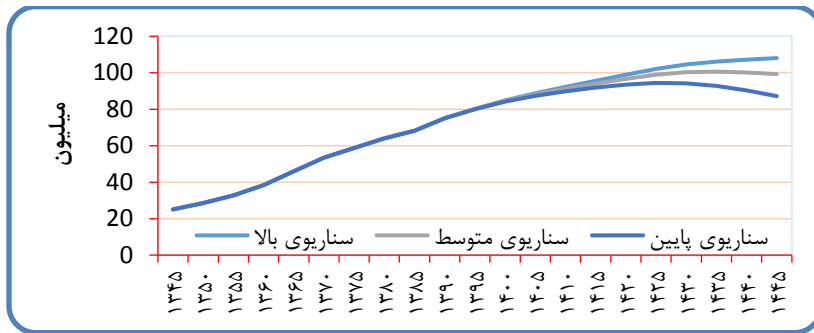
جدول ۳. پیش‌بینی نرخ رشد جمعیت در سناریوهای مختلف

سناریوی متوسط	سناریوی		
	پایین	بالا	
۱,۲۳	۱,۱۸	۱,۲۶	۱۳۹۵
۰,۹۷	۰,۸۹	۱,۰۳	۱۴۰۰
۰,۷۵	۰,۶۴	۰,۸۱	۱۴۰۵
۰,۶۳	۰,۵۰	۰,۷۲	۱۴۱۰
۰,۵۹	۰,۴۲	۰,۷۰	۱۴۱۵
۰,۵۴	۰,۳۱	۰,۶۸	۱۴۲۰
۰,۴۰	۰,۱۲	۰,۵۸	۱۴۲۵
۰,۱۸	۰,۱۵-	۰,۴۰	۱۴۳۰
۰,۰۱-	۰,۴۰-	۰,۲۵	۱۴۳۵
۰,۱۴-	۰,۶۲-	۰,۱۷	۱۴۴۰
۰,۱۹-	۰,۷۹-	۰,۱۸	۱۴۴۵

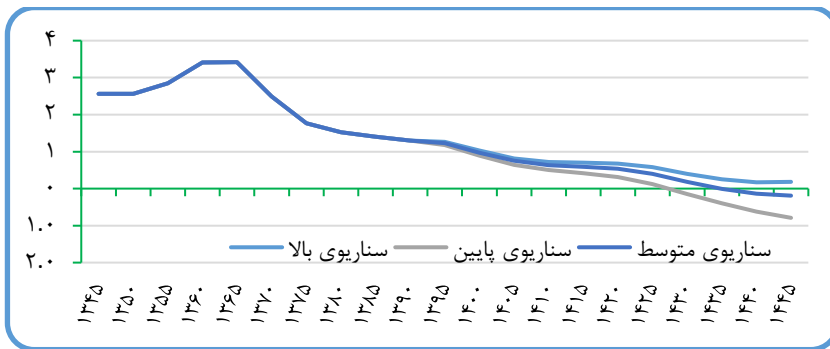
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۲ نشان می‌دهد تعداد جمعیت در سناریوهای بالا، متوسط و پایین به ترتیب به ۱۰۸، ۹۹ و ۸۷ میلیون نفر خواهد رسید که نسبت به سال ۱۳۹۵ به ترتیب حدود ۲۸، ۹ و ۷ میلیون افزایش جمعیت خواهد داشت. پیش‌بینی نرخ رشد جمعیت در هر سه سناریوی در سال ۱۴۴۵ کاهش خواهد یافت با این تفاوت که در سناریوی بالا مثبت خواهد بود و در دو سناریوی پایین و متوسط منفی می‌باشد. برای بهتر دیدن تغییرات جمعیت و نرخ رشد جمعیت و پیش‌بینی آنها در سناریوهای مختلف تا ۱۴۴۵ در نمودار ۲ تغییرات جمعیتی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ و پیش‌بینی آن تا افق زمانی ۱۴۴۵ نشان داده شده است.





نمودار ۲- تغییرات جمعیت ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ و پیش‌بینی آن تا افق زمانی ۱۴۴۵ بر اساس سناریوهای مختلف پیش‌بینی (اعداد به میلیون نفر)



نمودار ۳- تغییرات نرخ رشد جمعیت در سناریوهای مختلف پیش‌بینی

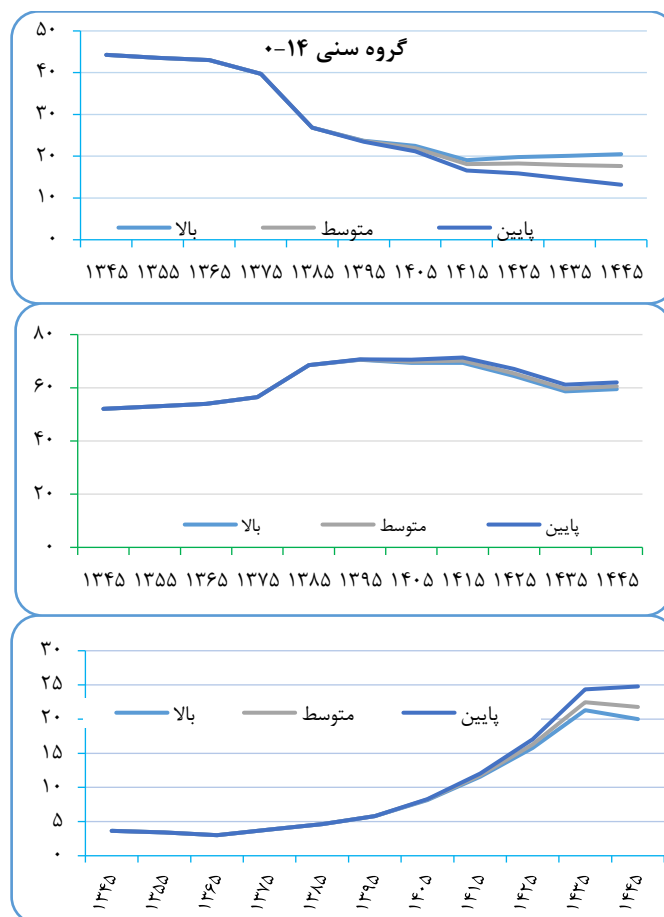


جدول ۴- پیش‌بینی تعداد جمعیت در گروه‌های سنی بزرگ در ستاره‌های مختلف در طی سال‌های ۱۳۹۵_۱۴۴۵

۶۵ ساله و بالاتر			۶۴ تا ۶۵ ساله			۱۴ تا ۱۵ ساله			گروه سنی
پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	ستاره‌های پیش‌بینی
۴۵۴۰۳۱	۴۵۴۰۳۱	۴۵۴۰۳۱	۵۵۴۰۸۴۵	۵۵۴۰۸۴۵	۵۵۴۰۸۴۵	۱۸۷۷۶۶۴	۱۸۹۰۲۸۴۸	۱۸۹۸۶۹۷۹	۱۳۹۵
۷۲۴۳۹۸۶	۷۲۴۳۹۸۶	۷۲۴۳۹۸۶	۶۱۵۷۱۸۸۴	۶۱۵۷۱۸۸۴	۶۱۵۷۱۸۸۴	۱۸۴۸۵۵۷۶	۱۹۳۵۷۴۰۳	۱۹۹۳۸۶۲۸	۱۴۰۵
۱۱۰۴۰۶۲۱	۱۱۰۴۰۶۲۱	۱۱۰۴۰۶۲۱	۶۵۵۳۷۰۶۶	۶۵۵۳۷۰۶۶	۶۶۲۴۸۵۸۸	۱۵۳۴۵۳۷۶	۱۷۰۱۵۶۲۷	۱۸۱۹۹۳۹۴	۱۴۱۵
۱۶۱۰۱۴۳۶	۱۶۱۰۱۴۳۶	۱۶۱۰۱۴۳۶	۶۳۳۰۹۸۸۸	۶۴۷۹۹۶۶۳	۶۵۷۱۳۵۱۷	۱۴۹۹۱۹۰۳	۱۸۱۰۶۱۰۸	۲۰۲۰۶۹۶۶	۱۴۲۵
۲۲۵۹۲۳۹۴	۲۲۵۹۲۳۹۴	۲۲۵۹۲۳۹۴	۵۷۷۶۲۰۱۸	۶۰۰۰۳۳۱۶	۶۲۱۶۲۱۳۸	۱۳۴۲۸۳۲۸	۱۷۹۸۳۳۳۳	۲۱۳۱۵۰۷۴	۱۴۳۵
۲۱۵۸۰۵۲۹	۲۱۵۸۰۵۲۹	۲۱۵۸۰۵۲۹	۵۴۰۵۰۴۰۰	۶۰۱۲۵۶۱۱	۶۴۰۸۳۶۹	۱۱۹۷۷۱۲۶	۱۷۵۱۳۸۳۶	۲۲۱۳۴۲۰۱	۱۴۴۵
توزیع درصدی جمعیت در گروه‌های سنی بزرگ									
۶	۶	۶	۷۱	۷۱	۷۱	۲۳	۲۴	۲۴	۱۳۹۵
۸	۸	۸	۷۱	۷۰	۶۹	۲۱	۲۲	۲۲	۱۴۰۵
۱۲	۱۲	۱۲	۷۱	۷۰	۶۹	۱۷	۱۸	۱۹	۱۴۱۵
۱۷	۱۶	۱۶	۶۷	۶۵	۶۴	۱۶	۱۸	۲۰	۱۴۲۵
۲۴	۲۲	۲۱	۶۱	۶۰	۵۹	۱۴	۱۸	۲۰	۱۴۳۵
۲۵	۲۲	۲۰	۶۲	۶۱	۶۰	۱۳	۱۸	۲۰	۱۴۴۵

منبع: پیش‌بینی پژوهشگران براساس داده‌های سرشماری





نمودار ۴. درصد جمعیت در گروه‌های سنی بزرگ در سناریوهای مختلف پیش‌بینی در افق زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۴۵

نمودار ۴ نشان می‌دهد در هر سه سناریو تا سال ۱۴۱۵ جمعیت کمتر از ۱۵ ساله کشور سیر کاهشی خواهد داشت. دلیل اصلی این موضوع خارج شدن اوج جمعیتی زنان متولد دهه شصت از سنین اوج باروری (۲۵ تا ۳۵ سالگی) می‌باشد. بعد از سال ۱۴۱۵ با وارد شدن فرزندان زنان مذکور به سنین اوج باروری، اندکی به تعداد موالید کشور اضافه شده و به تعداد جمعیت زیر ۱۵ ساله کشور افزوده می‌شود. پس از آن بر اساس سناریوهای متفاوت



پیش‌بینی، تحولات جمعیت کمتر از ۱۵ ساله کشور روند کاملاً متفاوتی را به خود می‌گیرد. در سناریوی پایین، روند کاهشی جمعیت زیر ۱۵ ساله ادامه داشته و در پایان دوره پیش‌بینی به حدود ۱۱ میلیون رسیده در حالی که در سناریوی بالای پیش‌بینی جمعیت این گروه سنی به بالاتر از ۲۰ میلیون و در حدود ۲۲ میلیون نفر خواهد رسید. در واقع، جمعیت گروه سنی کمتر از ۱۵ سال در سناریوی پایین نصف جمعیت این گروه سنی در سناریوی بالا است. تغییرات جمعیت در گروه سنی ۶۴-۱۵ بر اساس سناریوهای مختلف پیش‌بینی اندک است. تا ۲۰ سال آینده جمعیت این گروه سنی متأثر از تغییرات باروری نبوده و در هر سه سناریو تعداد جمعیت این گروه سنی یکسان می‌باشد. در طی بیست سال آینده (تا قبل از ۱۴۱۵) جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله کشور از حدود ۵۶ میلیون نفر به حدود ۶۶ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. از سال ۱۴۱۵ به بعد در هر سه سناریو از تعداد جمعیت این گروه سنی کاسته می‌شود. البته در سناریوهای مختلف پیش‌بینی تغییرات آینده جمعیت این گروه سنی اندکی متفاوت خواهد بود. در انتهای دوره پیش‌بینی فاصله سناریوی پایین و بالا در حدود ده میلیون خواهد بود. جمعیت گروه سنی ۶۵ به بالا از حدود ۴/۵ میلیون در سال ۱۳۹۵ پیش‌بینی می‌شود به حدود ۲۲/۵ میلیون در سال ۱۴۴۵ برسد. در رابطه با درصد جمعیت گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر در سنین مختلف، تغییرات باروری در سناریوهای متفاوت تنها در حدود ۵ درصد نسبت این گروه در کل جمعیت را تغییر می‌دهد. درصد جمعیتی این گروه در سناریوی پایین ۲۰ درصد و در سناریوی بالا ۲۵ درصد می‌باشد.

پیامدهای دفاعی و امنیتی تغییرات جمعیت در ایران

ایران از لحاظ جمعیتی در رتبه هفدهم کشورهای جهان قرار دارد (سازمان ملل، ۲۰۱۵). این وضعیت جمعیتی قدرت خاصی را به کشور بخشیده است. آنجایی که هر گونه نارسایی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با امنیت یک کشور رابطه دارد لذا، همه پیامدهای مرتبط با جمعیت را می‌توان به امنیت نیز ارتباط داد. برای مثال اگر پیامد تغییرات جمعیت رشد اقتصادی باشد می‌تواند در بالا بردن امنیت نیز مفید باشد، یا اگر پیامد تغییرات جمعیت رشد سرمایه‌ی انسانی باشد در بهبود امنیت نیز مؤثر است. از سوی دیگر، چنانچه پتانسیل استفاده از نیروی بالقوه فعال در جامعه فراهم نشود و جمعیت جوان درگیر بی‌کاری، فقر



باشند، همین نیروی جوان کشور می‌تواند مخل امنیت محسوب شود، همان‌طور که تورم جوانی در کشورهای عربی چنین پیامدی را با خود به همراه داشت. در واقع جمعیت هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم با بحث امنیت یک کشور در رابطه می‌باشد. در پژوهش حاضر پیامدهای امنیتی و دفاعی تغییرات جمعیت در موضوعات جمعیت، جمعیت جوان، اقتصاد جمعیت، تحصیلات جمعیت، جمعیت دارای توان دفاعی و نظامی بررسی شده است.

آینده جمعیتی کشور و پیامدهای دفاعی و امنیتی آن

همان‌گونه که در طرح مسئله و مبانی نظری ذکر شد، رشد منفی جمعیت می‌تواند به عنوان خط قرمز دفاعی و امنیتی مطرح شود و از سوی دیگر، رشد مثبت جمعیت را با فرض شرایط اجتماعی و اقتصادی و رفاهی مناسب، می‌توان به عنوان پشتوانه دفاع و امنیت در نظر گرفت. با نگاه کمی و بنابر نتایج به دست آمده، تنها در سناریوی بالای باروری و رسیدن باروری به ۲/۵ فرزند برای هر زن می‌توان تغییرات آینده جمعیت کشور را در جهت مثبت و به نفع توان دفاعی و امنیت کشور دانست. در دو سناریوی دیگر و به ویژه در سناریوی باروری پایین نرخ رشد جمعیت در آینده منفی شده و لذا، پیامدهای منفی را بر توان دفاع و امنیت در کشور بر جای می‌گذارد. در سناریوی باروری متوسط پس از سال ۱۴۳۵ و در سناریوی باروری پایین پس از سال ۱۴۳۰ نرخ رشد جمعیت در کشور منفی خواهد شد. اما با ارتقاء کیفیت جمعیت و داشتن جمعیتی که دارای دانش علمی و فناوری بالا، سلامت جسمی و روحی مناسب، روحیه‌ی وطن‌پرستی و عرق ملی باشند، می‌توان با وجود رشد پایین اجتناب‌ناپذیر جمعیت هم به حفظ امنیت کشور و داشتن توان دفاعی امیدوار بود.

تغییرات ساختار سنی جمعیت و پیامدهای دفاعی و امنیتی آن

در حوزه تغییرات ساختار سنی جمعیت نقطه‌ی مشترک همه سناریوهای پیش‌بینی افزایش سهم سالمندان در آینده جمعیتی کشور می‌باشد. این موضوع می‌تواند هزینه‌هایی را بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور اثر گذاشته و از این طریق بر وضعیت امنیت اثرگذار باشد. لذا، در هر حالت از تغییرات باروری باید به فکر برنامه‌ریزی برای سالمندان و



تأمین اجتماعی آنها در آینده کشور بود. ناگفته نماند که در سناریوی باروری پایین وضعیت سالمندی تشدید شده و نسبت جوانان به سالمندان کمتر است.

در بحث ساختار سنی موضوع دیگر جمعیت جوان می‌باشد. تأثیر جمعیت بر ساخت قدرت ملی با توجه به ساختار، ساختمان و ترکیب آن متفاوت است. جمعیت جوان مهم‌ترین گروه سنی در ساختمان جمعیت است که علاوه بر تأثیرات مستقیم به عنوان بخشی از عامل جمعیت، بر سایر عناصر ساخت قدرت ملی تأثیرگذار است (خاتونی و وطن‌خواه ۱۳۹۲). در تئوری‌های اجتماعی نیز جمعیت جوان تحت عنوان توان دفاعی و امنیتی کشور سخن گفته می‌شود (عزتی ۱۳۶۱). نتایج پژوهش نشان از این است که تنها در سناریوی بالای باروری می‌توان شاهد پایداری تعداد جوانان در کشور بود و سناریوی باروری پایین به لحاظ کمی دربردارنده اثر منفی بر توان دفاعی و امنیتی کشور است. اما در دنیای امروز، کیفیت جمعیت و قابلیت‌ها و توانمندی‌های جمعیت به مراتب بیش از کمیت و حجم عددی آن حائز اهمیت است (فروتن، ۱۳۹۰). بنابراین، توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در راستای ارتقاء کیفیت جمعیت یک ضرورت غیر قابل چشم‌پوشی است.

پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جمعیت و اثرات دفاعی و امنیتی آن

در حوزه پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تغییرات جمعیتی نتایج نشان داد که پتانسیل اقتصادی جمعیت در کشور با عبور از جوانی به سمت کهنسالی کاهش می‌یابد. البته این موضوع خیلی نگران‌کننده نیست و در هر حالتی از سالخوردگی در کشور کماکان بیشتر از ۶۰ درصد جمعیت کشور در سنین فعالیت اقتصادی (۱۵ تا ۶۴ ساله) قرار خواهند داشت. لذا، به لحاظ پتانسیل اقتصادی جمعیت نباید خیلی نگران بود.

حوزه سرمایه انسانی و تحصیلات افراد، بعد دیگر تحولات جمعیت در کشور می‌باشد. نقطه قوت تحولات جمعیتی در آینده کشور باسوادی جمعیت می‌باشد. آینده‌ای با جمعیت باسواد و سطح تحصیلات عالی بالا در کشور می‌تواند یک شرایط تجربه نشده باشد و ممکن است همه معادلات در باب اثر جمعیت بر امنیت و دفاع را دگرگون سازد. در واقع، در اینجا بحث کیفیت جمعیت مطرح است و از این لحاظ آینده جمعیتی کشور کاملاً روشن و مثبت است.



جمعیت دارای توان دفاعی و امنیتی

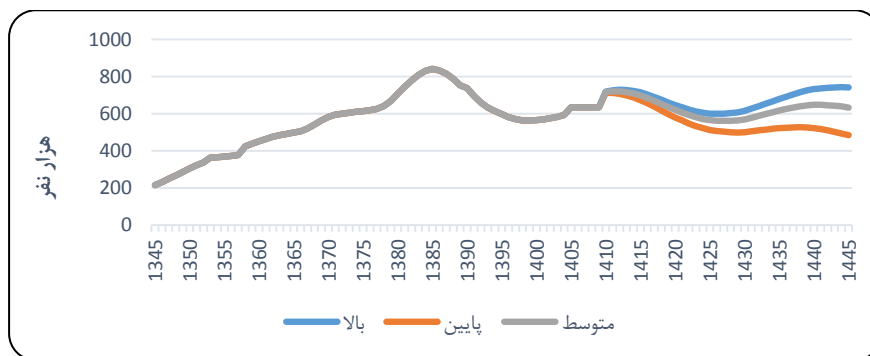
جمعیت مشمولان آماده خدمت سربازی و همچنین، جمعیت دارای توان دفاعی به عنوان دو شاخص مستقیم اثرگذاری جمعیت بر توان دفاعی و امنیتی کشور مورد پیش‌بینی قرار گرفته‌اند. جمعیت مشمولان آماده خدمت سربازی در جدول شماره ۶ آمده است. البته همانگونه که بارها در این پژوهش ذکر شد بحث ما بر روی پتانسیل جمعیتی می‌باشد. لذا، جمعیت مردان سن ۱۹ ساله به عنوان پتانسیل جمعیت مشمولان آماده خدمت سربازی عنوان شده است، اگرچه ممکن است درصدی از این جمعیت بنا به دلایلی به سربازی نروند. بنابر نتایج به‌دست‌آمده برای جمعیت مردان ۱۹ ساله در طی دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵ که به خوبی در نمودار شماره ۵ ترسیم شده است، جمعیت مردان این سن فراز و نشیب‌های فراوانی را در طی دوره زمانی دارد. سال ۱۳۸۵ اوج جمعیت ۱۹ ساله‌ها در کشور می‌باشد. در این سال به تعداد ۸۴۱۸۰۱ نفر مرد ۱۹ ساله در کشور وجود داشته است که پتانسیل قوی را برای مشمولان آماده سربازی در کشور به وجود آورده بود. فراوانی این جمعیت در این سال‌های باعث شده بود بسیاری از معافیت‌ها برای سربازان تداعی دیده شده و بسیاری از این جمعیت از رفتن به خدمت سربازی معاف شوند. از سال ۱۳۸۵ به بعد جمعیت این سن با رسیدن متولدین نیمه دوم دهه شصت به سن ۱۹ سالگی کاهش می‌یابد. انتظار بر این است که کاهش جمعیت این سن تا سال ۱۴۰۰ نیز ادامه یابد. در سال ۱۴۰۰ به دلیل اثر گشتاور جمعیت باز جمعیت این سن رو به افزایش می‌گذارد. در واقع، فرزندان متولدین دهه شصت در این دوره به سن ۱۹ سالگی وارد می‌شوند. افزایش جمعیت مردان ۱۹ ساله تا سال ۱۴۱۰ ادامه یافته و از این پس، با رسیدن متولدین سال‌های ۱۳۹۰ به بعد بر اساس سناریوهای متفاوت باروری نوسانات متفاوتی را به خود می‌گیرد. در واقع می‌توان گفت آنچه تا سال ۱۴۱۰ برای جمعیت سربازان در کشور برآورد شده است، یک برآورد قطعی و منطبق بر واقعیت می‌باشد و از این سال به بعد، نتایج به صورت پیش‌بینی می‌باشند.

از سال ۱۴۱۰ به بعد باز اثر گشتاور جمعیتی در دوره‌های زمانی مختلف پدیدار خواهد شد که البته بر اساس سناریوهای مختلف باروری روندها متفاوت می‌باشد. در سناریوی بالای باروری جمعیت سربازان در سطح بالاتری قرار دارد و در انتهای دوره پیش‌بینی فاصله بیش از ۱۰۰ هزار نفری بین دو سناریوی بالا و پایین وجود دارد. در سناریوی بالا جمعیت



مردان ۱۹ ساله ۷۴۱ هزار و در سناریوی پایین تعداد آنها ۶۳۴ هزار نفر پیش‌بینی شده است.

شایان توجه است با وجود اینکه در آینده جمعیت کشور افزایش می‌یابد، جمعیت سربازان کاهش خواهد یافت. این موضوع به خوبی در نمودار ۶ که در آن تحولات درصد جمعیت در سنین دارای توان نظامی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵ در سناریوهای پیش‌بینی آمده است، مشخص می‌باشد. همان‌گونه که در این نمودار مشخص است، از سال ۱۳۸۵ به بعد روند کلی نمودار به سمت کاهش درصد جمعیت مشمولان آماده خدمت سربازی به جمعیت کل مردان می‌باشد. این کاهش درصد به ویژه در سناریوی پایین باروری شدید می‌باشد. در هر سه سناریوی باروری درصد جمعیت ۱۹ ساله‌ها در انتهای دوره پیش‌بینی به قدری کاهش می‌یابد که حتی درصد آن کمتر از ابتدای دوره پیش‌بینی یعنی ۵۰ سال قبل است. این موضوع می‌تواند پیامدهای دفاعی و امنیتی خاصی را برای کشور به همراه داشته باشد. کاهش درصد جمعیت سربازان آماده خدمت سربازی از یک طرف، نظم اجتماعی را که سربازان در داخل کشور برقرار می‌سازند را با خطر مواجه می‌سازد و از طرف دیگر، توان مقابله‌ای کشور در مقابل خطرات خارجی را کاهش می‌دهد.



نمودار ۵. جمعیت مردان در سن سربازی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵



جدول ۵. جمعیت مردان و جمعیت مردان در سن سربازی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵

	کل مردان			مردان ۱۹ ساله			درصد مردان ۱۹ ساله		
	سناریوی بالا	سناریوی متوسط	سناریوی پایین	سناریوی بالا	سناریوی متوسط	سناریوی پایین	سناریوی بالا	سناریوی متوسط	سناریوی پایین
۱۳۴۵	۱۲۹۹۱۳۹۰			۲۱۶۳۰۷			۱,۶۶		
۱۳۵۰	۱۴۷۷۷۹۱۳			۳۰۵۹۷۱			۲,۰۷		
۱۳۵۵	۱۶۹۰۸۴۲۶			۳۶۸۸۴۹			۲,۱۸		
۱۳۶۰	۱۹۸۴۳۸۵۱			۴۵۲۱۰۱			۲,۲۸		
۱۳۶۵	۲۳۳۱۶۳۳۴			۴۹۸۷۱۳			۲,۱۴		
۱۳۷۰	۲۶۹۲۱۹۷۱			۵۸۳۵۴۶			۲,۱۷		
۱۳۷۵	۲۹۵۴۹۷۵۶			۶۱۳۸۱۵			۲,۰۸		
۱۳۸۰	۳۲۳۶۵۸۸۴			۷۰۷۷۴۷			۲,۱۹		
۱۳۸۵	۳۴۶۹۱۳۳۶			۸۴۱۸۰۱			۲,۴۲		
۱۳۹۰	۳۷۸۷۷۱۵۱			۷۳۸۲۰۱			۱,۹۵		
۱۳۹۵	۴۰۳۱۷۱۴۲	۴۰۳۶۰۲۰۱	۴۰۲۵۲۵۶۴	۵۹۸۲۴۹	۵۹۸۲۴۹	۵۹۸۲۴۹	۱,۴۸	۱,۴۹	۱,۴۸
۱۴۰۰	۴۲۵۱۱۰۸۲	۴۲۶۵۹۱۰۰	۴۲۲۸۹۰۵۴	۵۶۵۵۴۱	۵۶۵۵۴۱	۵۶۵۵۴۱	۱,۳۳	۱,۳۴	۱,۳۳
۱۴۰۵	۴۴۲۷۵۸۰۰	۴۴۵۷۳۴۹۱	۴۳۸۲۹۳۷۰	۶۳۵۱۸۲	۶۳۵۱۸۲	۶۳۵۱۸۲	۱,۴۳	۱,۴۵	۱,۴۳
۱۴۱۰	۴۵۷۵۳۶۰۸	۴۶۲۴۷۸۳۰	۴۵۰۱۵۶۱۰	۷۱۷۱۲۸	۷۱۷۱۲۸	۷۱۳۷۹۸	۱,۵۶	۱,۵۹	۱,۵۶
۱۴۱۵	۴۷۱۶۱۵۴۶	۴۷۹۱۶۴۵۸	۴۶۰۳۱۸۱۷	۶۹۸۶۸۱	۶۹۸۶۸۱	۶۷۳۷۳۶	۱,۴۳	۱,۵۲	۱,۴۹
۱۴۲۰	۴۸۵۶۶۵۰۵	۴۹۶۷۴۷۵۷	۴۶۹۰۲۶۶۵	۶۲۰۷۷۶	۶۲۰۷۷۶	۵۸۰۷۲۶	۱,۲۰	۱,۳۲	۱,۳۰
۱۴۲۵	۴۹۸۱۷۵۰۷	۵۱۳۹۳۳۸۸	۴۷۴۷۱۱۲۷	۵۶۵۷۶۹	۵۶۵۷۶۹	۵۱۳۴۳۵	۱,۰۳	۱,۱۹	۱,۱۷
۱۴۳۰	۵۰۶۱۰۵۱۲	۵۲۷۶۴۶۳۰	۴۷۴۸۱۸۶۲	۶۱۵۹۳۳	۶۱۵۹۳۳	۵۰۱۱۱۳	۰,۹۹	۱,۲۰	۱,۱۷
۱۴۳۵	۵۰۸۷۰۶۴۶	۵۳۷۰۰۱۸۲	۴۶۸۵۳۷۱۳	۶۷۹۵۸۵	۶۷۹۵۸۵	۵۲۲۴۰۳	۱,۰۳	۱,۳۲	۱,۲۷
۱۴۴۰	۵۰۷۵۱۸۹۴	۵۴۳۶۴۳۵۲	۴۵۷۰۹۳۴۱	۶۴۸۷۱۱	۶۴۸۷۱۱	۵۲۳۳۹۲	۱,۰۳	۱,۴۲	۱,۳۵
۱۴۴۵	۵۰۴۳۸۶۴۹	۵۴۹۸۱۱۴۲	۴۴۱۸۹۰۲۳	۷۴۱۶۶۰	۷۴۱۶۶۰	۴۸۴۲۹۰	۰,۹۶	۱,۴۴	۱,۳۵

البته توان دفاعی و نظامی یک کشور تنها به جمعیت سربازان آن کشور وابسته نمی باشد. این موضوع به خوبی در آمار جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مشخص می باشد. در طی ۸ سال جنگ کشور در مقابل عراق تنها سربازان منقضی خدمت سال های ۱۳۵۶ و



۱۳۵۷ به جبهه جنگ فراخوانده می‌شوند. در واقع نیروی اصلی دفاعی کشور را در این سال‌ها مردم عادی و جوانان بسیجی کشور تشکیل داده بودند. بنابر آماري که از توزیع سنی رزمندگان کشور در جبهه دفاع مقدس وجود دارد در حدود ۳۵ درصد رزمندگان ۱۰ تا ۲۰ ساله، ۲۵ درصد آنها ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۱۶ درصد آنها ۳۰ تا ۴۰ ساله، ۱۲ درصد آنها ۴۰ تا ۴۵ ساله و ۱۰ درصد آنها ۴۵ تا ۵۵ ساله بوده‌اند (ترکاشوند، ۱۳۹۵). این آمار به خوبی نقش اندک سربازان نظام وظیفه را در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نشان می‌دهد. جدای از تعداد جمعیت دارای توان نظامی، درصد آنها می‌باشد. در واقع، تعداد متأثر از تحولات کل جمعیت می‌باشد، ولی درصد جمعیت در گروه سنی متأثر از کل جمعیت نبوده و نشان از این است که چند درصد از کل جمعیت دارای توان نظامی و دفاعی هستند. نتایج نمودار شماره ۶ نشان می‌دهد که در گذشته در حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشور در سنین دارای توان نظامی (۱۰ تا ۵۰ ساله) قرار داشته‌اند. طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ این درصد به حدود ۷۰ درصد افزایش یافته است. پیش‌بینی می‌شود که در آینده از درصد جمعیت این گروه سنی در جمعیت کاسته شود. در سال ۱۴۲۵ تنها ۵۰ درصد از جمعیت کشور در این سن قرار می‌گیرند و پس از آن در سناریوی پایین باروری حتی از این درصد هم کاهش می‌یابد. بر اساس تحولات جمعیت در گروه‌های سنی مشاهده می‌شود که گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله و ۳۰ تا ۴۰ ساله بیشترین کاهش درصد را خواهند داشت. این دو گروه به عنوان توان اصلی دفاعی و نظامی کشور به حساب می‌آیند.

کاهش درصد جمعیت در سنین دارای توان نظامی می‌تواند به پیامد جدی امنیتی برای کشور باشد. یکی از راه‌های مقابله با این کاهش، افزایش باروری در آینده می‌باشد ولی در کنار آن می‌توان به بالا بردن کیفیت جمعیت دارای توان نظامی نیز اشاره نمود. همان‌گونه که در مباحث قبلی مشاهده نمودیم در آینده جمعیت کشور از سطح سواد بالایی برخوردار خواهد بود. این وضعیت یک پتانسیل خوب را برای بالا بردن کیفیت جمعیت از لحاظ توان دفاعی به وجود می‌آورد.

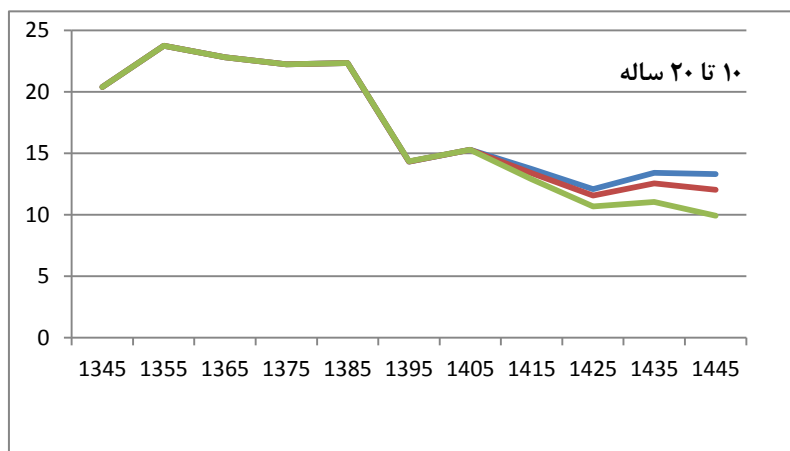
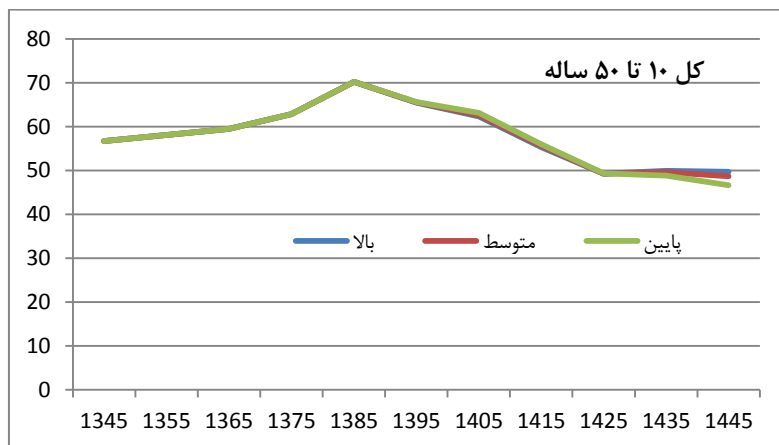


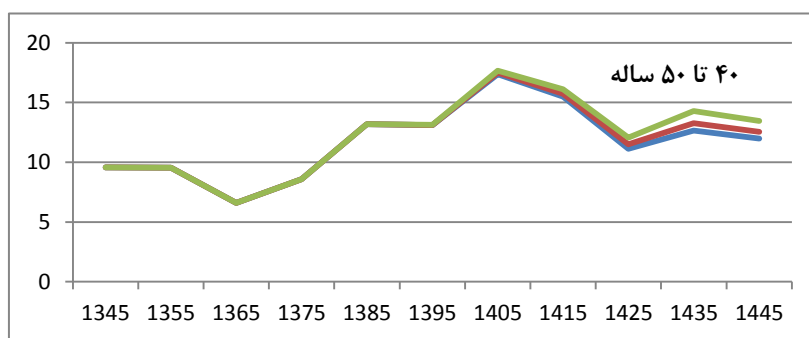
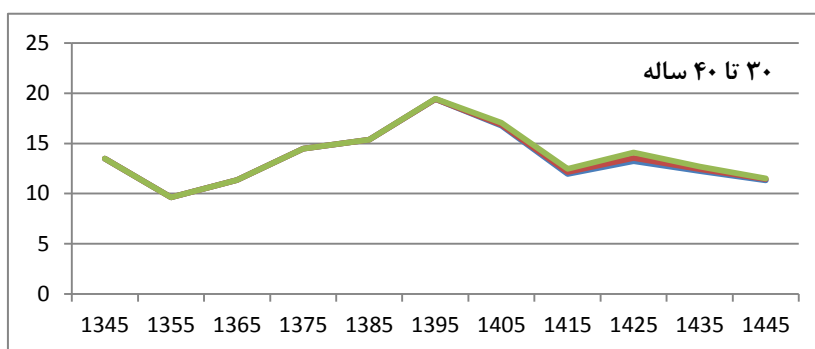
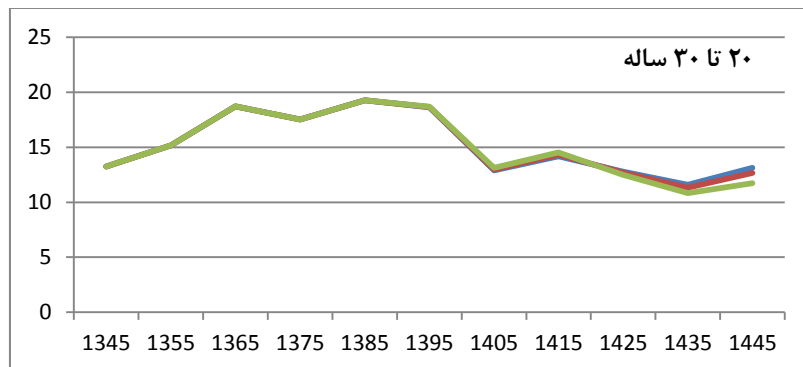
جدول ۶. تحولات جمعیت در سنین دارای توان نظامی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵

۳۰ تا ۲۰			۲۰ تا ۱۰			
پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	
	۱۷۲۰۰۳۳			۲۶۵۰۲۸۵	۱۳۴۵	
	۲۵۶۶۴۷۸			۴۰۱۵۷۲۵	۱۳۵۵	
	۴۳۶۳۴۹۵			۵۳۱۹۴۲۱	۱۳۶۵	
	۵۱۸۲۳۸۷			۶۵۷۳۳۹۰	۱۳۷۵	
	۶۶۹۱۱۸۷			۷۷۵۵۹۱۶	۱۳۸۵	
۷۵۲۰۸۵۳	۷۵۲۰۸۵۳	۷۵۲۰۸۵۳	۵۷۷۷۹۳۰	۵۷۷۷۹۳۰	۵۷۷۷۹۳۰	۱۳۹۵
۵۷۵۱۷۶۷	۵۷۵۱۷۶۷	۵۷۵۱۷۶۷	۶۷۰۵۱۳۵	۶۷۶۹۵۷۰	۶۸۱۲۵۳۴	۱۴۰۵
۶۶۹۰۳۲۶	۶۷۵۴۶۵۳	۶۷۹۷۵۴۵	۵۹۳۵۳۷۹	۶۳۱۷۲۵۱	۶۵۷۱۸۲۸	۱۴۱۵
۵۹۳۵۷۹۵	۶۳۱۷۷۰۴	۶۵۷۳۳۰۵	۵۰۷۳۸۴۶	۵۷۵۷۹۶۳	۶۲۱۵۷۹۸	۱۴۲۵
۵۰۷۸۹۴۳	۵۷۶۳۷۳۵	۶۲۲۲۰۲۱	۵۱۷۴۷۵۰	۶۳۸۷۶۸۸	۷۲۰۹۵۵۳	۱۴۳۵
۵۱۷۹۹۶۲	۶۳۹۴۰۹۹	۷۲۱۶۷۷۶	۴۳۸۹۷۸۶	۶۰۶۴۷۳۶	۷۳۱۸۱۷۲	۱۴۴۵

۵۰ تا ۴۰			۴۰ تا ۳۰			
پایین	متوسط	بالا	پایین	متوسط	بالا	
	۱۲۴۴۶۸۴			۱۷۵۱۳۰۰	۱۳۴۵	
	۱۶۱۵۴۹۲			۱۶۳۰۳۳۳	۱۳۵۵	
	۱۵۳۸۲۵۱			۲۶۴۹۱۸۶	۱۳۶۵	
	۲۵۳۹۰۳۹			۴۲۸۱۱۲۰	۱۳۷۵	
	۴۵۷۸۰۹۸			۵۳۳۷۰۵۶	۱۳۸۵	
۵۲۸۱۲۰۶	۵۲۸۱۲۰۶	۵۲۸۱۲۰۶	۷۸۳۴۳۶۵	۷۸۳۴۳۶۵	۷۸۳۴۳۶۵	۱۳۹۵
۷۷۴۵۳۹۸	۷۷۴۵۳۹۸	۷۷۴۵۳۹۸	۷۴۷۳۶۷۰	۷۴۷۳۶۷۰	۷۴۷۳۶۷۰	۱۴۰۵
۷۴۲۰۲۰۷	۷۴۲۰۲۰۷	۷۴۲۰۲۰۷	۵۷۳۳۳۰۹	۵۷۳۳۳۰۹	۵۷۳۳۳۰۹	۱۴۱۵
۵۷۲۳۶۴۶	۵۷۲۳۶۴۶	۵۷۲۳۶۴۶	۶۶۸۹۹۸۰	۶۷۵۴۳۰۳	۶۷۹۷۱۹۳	۱۴۲۵
۶۶۹۴۴۳۹	۶۷۵۶۸۴۵	۶۷۹۹۷۹۰	۵۹۴۳۶۱۵	۶۳۳۶۰۱۸	۶۵۸۰۹۵۰	۱۴۳۵
۵۹۴۴۹۶۸	۶۳۲۷۵۸۱	۶۵۸۳۶۵۴	۵۰۸۵۶۰۲	۵۷۷۱۲۸۳	۶۲۳۰۱۶۶	۱۴۴۵







نمودار ۶. تحولات درصد جمعیت در سنین دارای توان نظامی ایران در دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵ در سناریوهای پیش‌بینی

نتیجه‌گیری و بحث



این پژوهش به دنبال بررسی تغییرات جمعیت در ایران در دوره زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و پیش‌بینی تحولات آن تا افق زمانی ۱۴۴۵ و شناخت پیامدهای امنیتی و دفاعی از این تغییرات جمعیت بوده است. نتایج پیش‌بینی‌های آینده جمعیتی کشور حاکی از تعادل و هموار شدن نمودار تحولات جمعیتی می‌باشد. البته این تعادل در سطوح متفاوت باروری در حدود ۲۰ میلیون جمعیت پایین‌تر یا بالاتر رخ می‌دهد. در این وضعیت ناظر بر این است که جمعیت انسانی رو به تعادل هستند، حتی اگر زمانی به دلیل وقایع مقطعی از حالت تعادل خارج شوند، مجدداً به تعادل خود خواهند رسید (ویلسون، ۲۰۰۱). با این نگاه تعادلی به جمعیت انسانی، نگرانی در مورد بحران‌های جمعیتی نیز کمتر می‌شود و تحولات جمعیتی منطقی‌تر به نظر خواهند رسید. در مورد جمعیت ایران باید گفت در اثر کاهش سریع مرگ‌ومیر در نیمه اول قرن ۱۴ هجری شمسی و بالا ماندن باروری، جمعیت ایران به طور ناگهانی با نرخ‌های رشد جمعیتی بالا مواجه شده و جمعیت کشور به سرعت افزایش یافت. این نرخ رشد سریع باعث برهم خوردن روند تعادلی رشد جمعیت کشور شد. میل به متعادل بودن جمعیت باعث شد که باروری نیز همانند مرگ‌ومیر کاهش سریعی را تجربه نماید تا هرچه سریع‌تر رشد جمعیت به حالت تعادل خود برگردد. سریع بودن تحولات مرگ‌ومیر و تأخیر به وجود آمده در کاهش باروری و برهم خوردن تعادل جمعیتی باعث می‌شود تا رسیدن به تعادل آینده، جمعیت کشور روندهای غیرمنطقی به خود بگیرد. نرخ رشد خیلی بالا و نرخ رشد منفی هر دو نشان از در تعادل نبودن یک جمعیت هستند. هم نرخ رشد بالا و هم نرخ رشد منفی، جمعیت را به نابودی می‌کشاند و تنها در صورت یک نرخ رشد متعادل است که یک جمعیت می‌تواند پایدار بماند.

جمعیت کشور ایران بر اساس نتایج سناریوی باروری پایین با نرخ رشد منفی جمعیت مواجه خواهد شد. این نرخ رشد منفی نگرانی‌های بسیاری را در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی کشور به وجود آورده است. همان‌گونه که گفته شد این نرخ رشد منفی حاصل خارج شدن جمعیت کشور از روند تعادلی خود در گذشته می‌باشد. نرخ رشد بالای جمعیت در دهه شصت باعث شده است که یک توده جمعیتی در ساختار سنی جمعیت کشور به وجود آمده و زمانی که این توده جمعیتی به سنین سالمندی برسند، مرگ‌ومیر در کشور افزایش یافته و لذا، نرخ رشد جمعیت کشور برای یک دوره مقطعی حدوداً ۲۰ ساله منفی شود. شاید با نگاه تعادلی به نرخ رشد جمعیت، نگرانی در مورد این نرخ رشد کمتر و یا شاید از بین برود.



اگر فرض شود نرخ رشد جمعیتی کشور ایران طی دوره زمانی ۱۳۴۵ تا ۱۴۴۵ در یک سطح تعادلی در حدود ۱ یا اینکه ۱/۲ درصد باشد، در این صورت جمعیت کشور از ۲۵ میلیون در سال ۱۳۴۵ به ترتیب به ۶۷ و ۸۲ میلیون در سال ۱۴۴۵ می‌رسد. همان‌گونه که در نمودار ۱ مشخص است، در تمام دوره جمعیت به صورت افزایشی می‌باشد. نگاه به این نمودارها هیچ‌گونه نگرانی را در ذهن ایجاد نمی‌کند، چرا که جمعیت به طور مستمر در حال افزایش و پایدار بوده است. در نمودار با سطح باروری پایین گرچه جمعیت در سال ۱۴۴۵ بالاتر از ۸۷ میلیون بوده و بالاتر از هر دو جمعیت با نرخ رشد ۱ و ۱/۲ می‌باشد ولی، شکل نمودار نوعی نگرانی را در ذهن به وجود می‌آورد، چرا که نرخ رشد منفی نیز در نمودار وجود دارد. این همان تفاوت نگاه تعادلی و غیرتعادلی به جمعیت می‌باشد. در واقع، جمعیت ایران میل به تعادل در حدود ۸۰ میلیون داشته است و اگر اتفاقات دهه ۶۰ رخ نمی‌داد، جمعیت کشور با یک رشد متعادل به بالاتر از ۸۰ میلیون رسیده و در آن سطح متعادل می‌شد. ولی اتفاقات دهه شصت باعث گردید جمعیت کشور رشد شتابان داشته باشد. از آنجایی که رشد شتابان جمعیتی نمی‌تواند در یک مقطع متوقف شود و پس از آن نیز اثراتی را از طریق نیروی محرکه رشد جمعیت بر جای می‌گذارد، لذا جمعیت کشور به حدود ۹۵ میلیون نفر در سال ۱۴۲۵ می‌رسد ولی، پس از آن کاهش می‌یابد. البته با وجود کاهش هنوز مقدار جمعیت بالاتر از دو جمعیت به‌دست‌آمده با نرخ رشد ۱ و ۱/۲ می‌باشد. ولی، همین کاهش بودنی نوعی نگاه منفی و نگران‌کننده به تغییرات جمعیتی کشور به وجود آورده است. در صورتی که اگر با نرخ رشد ۱ یا ۱/۲ و به صورت تعادلی جمعیت کشور حرکت می‌کرد و حتی با پایین‌تر بودن جمعیت کشور در افق زمانی ۱۴۴۵ نسبت به فرض باروری پایین، ممکن بود اصلاً نگاه منفی و نگرانی در مورد جمعیت کشور احساس نمی‌شد. چرا که نمودار تحولات جمعیتی در کشور همواره مثبت و رو به افزایشی بوده است، حتی در یک سطح جمعیتی پایین‌تر (نمودار ۱).

آنچه که به طور مستقیم جمعیت و امنیت به معنای نظامی آن را به هم ربط می‌دهد، در پژوهش حاضر با جمعیت سربازان آماده خدمت سربازی و جمعیت دارای توان نظامی بررسی شد. با وجود اینکه در آینده جمعیت کشور افزایش می‌یابد ولی جمعیت سربازان کاهش خواهد یافت. از سال ۱۳۸۵ به بعد روند کلی نمودار جمعیت سربازان به سمت کاهش درصد جمعیت مشمولان آماده خدمت سربازی به جمعیت کل مردان می‌باشد. این



کاهش درصد به ویژه در سناریوی پایین باروری شدید می‌باشد. در هر سه سناریوی باروری درصد جمعیت ۱۹ ساله‌ها در انتهای دوره پیش‌بینی به قدری کاهش می‌یابد که حتی درصد آن کمتر از ابتدای دوره پیش‌بینی یعنی ۵۰ سال قبل است. این موضوع می‌تواند پیامدهای دفاعی و امنیتی خاصی را برای کشور به همراه داشته باشد. کاهش درصد جمعیت سربازان آماده خدمت سربازی از یک طرف، نظم اجتماعی را که سربازان در داخل کشور برقرار می‌سازند را با خطر مواجه می‌سازد و از طرف دیگر، توان مقابله‌ای کشور در مقابل خطرات خارجی را کاهش می‌دهد.

از آنجا که در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مشاهده شد که نیروهای جوان کشور بیشتر از سربازان نقش دفاعی در کشور داشتند، لذا به پیش‌بینی تعداد نیروهای جوان کشور به عنوان پتانسیل اصلی دفاعی کشور پرداخته شد و نتایج حاکی از آن است درصد افراد جوان و در سنّ دارای توان نظامی در کشور کاهش خواهد یافت. کاهش درصد جمعیت در سنین دارای توان نظامی می‌تواند یک پیامد جدی امنیتی برای کشور باشد. یکی از راه‌های مقابله با این کاهش افزایش باروری در آینده می‌باشد، ولی در کنار آن می‌توان به بالا بردن کیفیت جمعیت دارای توان نظامی نیز اشاره نمود. همان‌گونه که در مباحث قبلی مشاهده شد، در آینده جمعیت کشور از سطح سواد بالایی برخوردار خواهد بود. این وضعیت یک پتانسیل خوب را برای بالا بردن کیفیت جمعیت از لحاظ توان دفاعی به وجود می‌آورد. اما آنچه مسلم است، این است که برای بالفعل کردن چنین پتانسیلی در جامعه می‌بایست زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهیا شود. افزایش تحصیلات به دنبال خود افزایش آگاهی نسبت به مسائل و افزایش مطالبه‌گری را دارد و اگر توجه لازم به این جنبه از ساختار جمعیت نشود، نیروی جوان تحصیل‌کردن ناراضی، پتانسیل تبدیل شدن به مخاطره امنیتی را خواهد داشت.

با توجه به اینکه، عصر اطلاعات به عنوان مهم‌ترین ویژگی کنونی نظام بین‌الملل است (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۲)، توجه به کیفیت نیروی نظامی به لحاظ مهارت و دانش بسیار مهم است. اگرچه با توجه به پیش‌بینی انجام شده پتانسیل جمعیتی نیروی نظامی و دارای توان دفاعی کشور به لحاظ عددی اندکی کاهش می‌یابد ولی نیروی بالقوه نظامی کشور تحصیل کرده‌تر و با مهارت‌تر خواهند بود. از سوی دیگر، از شاخص‌های دیگر قدرت، در معادلات بین‌المللی بحث اقتصاد است. داشتن اقتصاد پویا و شکوفا، عاملی است که



کشورها در معادلات نظامی و دفاعی هم دست پر داشته باشند. با توجه به اینکه کشور در فاز پنجره جمعیتی است، ایجاد اشتغال و استفاده از نیروی انسانی در این فاز جمعیتی می تواند منجر به رشد اقتصادی کشور و ایجاد رفاه شود و در نهایت، می توان کشوری مقتدرتری داشت.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده سازی مقاله مشارکت داشته اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی رایت رعایت شده است.

References

- Abbasi-shavazi, M.J. and McDonald, P, 2005, National and Provincial-level fertility trends in Iran 1972-2000, working paper in Demography NO.94, Australian University.
- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, Miment Hosseini-Chavoshi, Fariba Sadat Bani-Hashemi, Elham Fathi, Safieh Mirzaei, Mojtaba Nasiri-Pour, Asieh Abbasi, Behnaz Sarkhail, and Seyyed Masoud Hosseini. (2020). "Fertility Transitions in Iran from 1992 to 2016." Statistical Research and Training Center, Tehran: Iran. (in Persian)
- Aghajanian, A. & Mehryar, A.H. Fertility transition in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996, Asian-Pacific Population Journal, 14: 1, 1999
- Ezzati, Ezzatollah. (1982). Geopolitics. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Ezzati, Ezzatollah & Moshiri, Rahim. (1982). Economic and Political Geography of Iran. Tehran: Ground Forces of the Islamic Republic of Iran Publishing. (in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza. (2006). Principles and Concepts of Geopolitics. Mashhad: Papoli Publications. (in Persian)
- Hafeznia, Mohammad Reza; Valigholizadeh, Ali; AhmadiPour, Zahra. (2009). "Investigating and Analyzing the Role of Population in Iran's Geopolitical Weight." Modarres Human Sciences Journal, Vol. 13, No. 1, pp. 291-163. (in Persian)
- Haghshenas, N. (2010). Aging of the Iranian and neighboring populations in the next 50 years. Center for Population and Demographic Studies of Asia and the Pacific. Retrieved from <http://www.psrc.ac.ir/Farsi>. (in Persian)



- Hosseini, K., Jomazadeh, R., & Asghar, S. (2014). Theoretical Explanation of "Soft Power" Based on a Transcendental View of the Use of "Non-Material Resources of Power" in Foreign Policy. *Journal of Theoretical Politics Research*, 8(13), 139-160. (in Persian)
- Mohammadian, H., Heydari, G. H., & Ghalibaf, M. B. (2012). Analyzing the Role of Tehran's Metropolitan Population in National Power. *Geopolitics Quarterly*, 8(1), 82-111. (in Persian)
- Mehryar, A., Houshang, A., Kazempour, S., Meskoub, M., & Motiee, N. H. (2009). Examining the Dimensions of Aging Population and its Social, Economic, and Demographic Background in Iran; Political Discourse. *Population and Development in Iran: Dimensions and Challenges, Applied Research Findings of the Population and Development Project of the University of Tehran*, Compiled by Rasoul Sadeghi, Publications of the Center for Population Studies and Research in Asia and the Pacific. (in Persian)
- Mirzaei, M., et al. (2006). Report of the Population and Development Council in Iran, compiled by the Iranian Population Association in collaboration with the Population Fund Project at the University of Tehran. (in Persian)
- Mirzaei, M., et al. (2003). Study and Analysis of Population Issues and Challenges in Iran and their Consequences, Population and Social Challenges Commission, Supreme Council for Cultural Revolution, Tehran. (in Persian)
- Mirzaei, M. (2005). Ten Articles, Tehran, Ministry of Science, Research and Technology, Center for Population Studies and Research in Asia and the Pacific. (in Persian)
- Mojtahedzadeh, Pirouz. (2002). *Political Geography and Geopolitics*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Mirheydar, Dara. (2002). *Fundamentals of Political Geography*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Torkashvand, Mohammad. (2011). Cognitive Population Transition in Iran: A Study of Fertility and Mortality Trends in Iran from 1871 to 2051. Paper presented at the "Analysis of Population Trends in the Country" conference, December 29-30, 2011, Tehran, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Morgenthau, Hans J. (1995). *Politics Among Nations*. Translated by Homa Mirshirzadeh. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)
- Zarghani, Hadi. (2012). "Measuring and Ranking the National Power of Countries in the Islamic World." *Geopolitics Quarterly*, Vol. 1, No. 2, pp. 1-26. (in Persian)
- Pollard, A. H., Yousef, F., & Pollard, J. N. (1992). *Methods of Population Analysis*. (Translated by H. Agha and others). Shiraz: Shiraz University Press. (in Persian)
- Roshandel, Jalil. (1995). *National Security and the International System*. Tehran: SAMT. (in Persian)
- Sarami, H. (2001). The Relationship between Population and Security. *Journal of Geographical Research*, 16(1), 65-70. (In Persian)
- Torkashvand, Mohammad & Hosseini, Hatam. (2012). The transition of Age Structure in Iran. Paper presented at the "Analysis of Population Trends in Iran" conference, 2012, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (in Persian)



- Torkashvand, Mohammad. (2016). Population and Security in Iran. Research project supported by the Armed Forces General Staff, Office of Strategic Studies, Dana Institute, Tehran. (in Persian)
- Wilson, C. (2001). On the scale of global demographic convergence 1950–2000. Population and Development Review, 27(1), 155-171.

COPYRIGHTS

This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



تعامل قوم‌گرایی و خصومت اقتصادی در رفتار مصرف‌کننده^۱

مصطفی حیدری هراتمه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

چکیده

مردم در کشورهایی که از سوی کشور/کشورهایی مورد خصومت قرار می‌گیرند، نسبت به آنها احساس ضد‌همدردی و حتی عصبانیت می‌کنند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تعامل قوم‌گرایی و خصومت اقتصادی در رفتار مصرف‌کننده در نظر گرفته شد. در این راستا نمونه‌ای ۲۲۵ تایی از جامعه ۵۵۰ نفری از دانشجویان رشته اقتصاد، بازرگانی و جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق به روش تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه‌ها توزیع و از تکنیک معادلات ساختاری داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی تأثیر مثبتی بر قوم‌گرایی مصرف‌کننده دارد. قوم‌گرایی با تصویر کلی از کشور، اعتقاد به محصول و پذیرش آن رابطه منفی معنی‌داری دارد. همچنین، قوم‌گرایی به عنوان تعدیلگر تعامل منفی خصومت اقتصادی با پذیرش محصول را تشدید می‌کند. چرا که خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی می‌تواند احساسات قوم‌گرایی را نیز افزایش دهد، و ترجیح محصولات / خدمات داخلی را برای ابراز "میهن‌پرستی" بیشتر کند و به تبع آن، باعث دوری احتمالی از عرضه‌کنندگان محصولات خارجی و عدم پذیرش آن در سبد مصرفی خود شود. بنابراین، اقدامات سیاسی و اقتصادی یک کشور خارجی می‌تواند بر احساس خصومت و یا قوم‌گرایی مصرف‌کنندگان تأثیر و رفتار مصرفی مصرف‌کننده را تحت تأثیر قرار دهد.

واژگان کلیدی: قوم‌گرایی، خصومت اقتصادی، رفتار مصرف‌کننده، میهن‌پرستی.

طبقه‌بندی موضوعی: F52, F14, M38

مقدمه و طرح مسأله

اختلاف بر سر قلمرو، فشارهای اقتصادی یا درگیری‌های مذهبی ممکن است باعث وخیم‌تر شدن روابط بین‌الملل و ایجاد تنش بین کشورها شود. به طور مشابه، اگر رویدادهای بین‌المللی یا اقدامات سیاست‌های مالی و اقتصادی توهین‌آمیز یا ناعادلانه تلقی شوند، می‌توانند موجب بروز احساس خصومت و خصومت نسبت به کشور "خاطی" و افزایش ناسیونالیسم شوند. چنین احساساتی ممکن است خود را در بازار بروز دهند. تأثیرات ناسیونالیسم بر اعتقادات و نگرش مصرف‌کنندگان (راوا، رجندران و ووئر^۱، ۱۹۹۶)، و به طور خاص، تأثیرات خصومت و خصومتی که به سمت یک کشور خاص هدایت شده باشد و به عنوان "عدم‌همدلی مربوط به وقایع قبلی یا جاری سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک تعریف شده باشد" (کلاین، اتنتو و موریس^۲، ۱۹۹۸، ۹۰)، این موضوع طی دو دهه گذشته به موضوعی نوظهور و مورد علاقه شدید محققین در بازاریابی بین‌المللی بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش‌های نشان می‌دهد که عصبانیت مصرف‌کنندگان خارجی نسبت به کشوری که آن را دشمن می‌دانند، ممکن است بر برداشتی که از تصویر آن کشور دارند و عملکرد صادرات محصولات مرتبط با آن تأثیر بگذارد (ریفلر و دیامانتوپولیس^۳، ۲۰۰۷). قوم‌گرایی مصرف‌کننده^۴ نیز بخشی از نگرشی است که مصرف‌کنندگان نسبت به محصولات تولید شده در یک کشور خارجی دارند. طبق نظر شیمپ و شارما^۵ (۱۹۸۷) مشتریانانی که اعتقادات قومی محکمی دارند، بیشتر از کسانی که چنین اعتقادی را ندارند، احتمال دارد محصولات خارجی را منفی ارزیابی کنند. در نتیجه، به دلایل میهن‌پرستانه، از خرید محصولات خارجی حتی اگر کیفیت عرضه‌کننده خارجی برتر است، خودداری می‌کنند. بنابراین، قوم‌گرایی مصرف‌کننده رابطه مثبتی با این موضوع دارد اما با خصومت مصرف‌کننده فرق می‌کند. مطابق نظر شانکارماشیم^۶ (۲۰۰۶) قوم‌گرایی مصرف‌کننده یا "اعتقاداتی که مصرف‌کنندگان در مورد مناسب بودن، در واقع اخلاقی بودن خرید محصولات خارجی دارند" (شیمپ و شارما، ۱۹۸۷، ۲۸۰) به خوبی پیش‌بینی می‌کند که آنها محصولات

- 1 . Rawwas, Rajendran, & Wueher
- 2 . Klein, Ettensoe, & Morris
- 3 . Riefler & Diamantopoulos
- 4 . Consumer Ethnocentrism (CET)
- 5 . Shimp and Sharma
- 6 . Shankarmahesh



داخلی را ترجیح می‌دهند اما، نمی‌تواند تصمیمات، به نظر می‌رسد فشارهای ریاضتی بعضی از کشورها موجب تجدید احساسات مل گرایانه در دیگر کشورها شده است. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع و نبود پژوهش‌های کافی، پژوهش حاضر با هدف تعیین و شناخت تعامل قوم‌گرایی و خصومت اقتصادی در رفتار مصرف‌کننده تبیین و در نظر گرفته شد. در ادامه پژوهش چارچوب نظری و تبیین فرضیات پژوهش ارائه می‌شود. سپس، روش‌شناسی پژوهش شامل چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، مدل مفهومی و تجزیه و تحلیل داده‌ها برای آزمودن فرضیات پژوهش به همراه نتایج و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود و در نهایت، نتایج و بحث‌های متناظر ارائه می‌شوند.

ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

• تاثیر خصومت اقتصادی بر قوم‌گرایی مصرف‌کننده

در پژوهش‌های مربوط به بازاریابی بین‌المللی، قوم‌گرایی مصرف‌کننده توجه زیادی را به خود جلب کرده است (کلاین^۱، ۲۰۰۲؛ کلین و اتنسو^۲، ۱۹۹۹؛ شانکارماش^۳، ۲۰۰۶؛ شارما^۴، ۲۰۱۴). مفهوم خاص مصرف‌کننده با مفهوم وسیع‌تری از قوم‌گرایی مرتبط است، که عبارت است از "دیدن همه چیز به شکلی که در آن گروه خودی در مرکز اصلی همه چیز قرار دارد و همه موارد دیگر با توجه به آن گروه خودی قیاس می‌شوند و معنا پیدا می‌کنند" (سومر^۵، ۱۹۰۶، ۱۷) مطابق شیمپ و شارما (۱۹۸۷)، که برای اولین بار قوم‌گرایی مصرف‌کننده را معرفی کرده‌اند، مصرف‌کنندگانی که قوم‌گرا هستند محصولات داخلی را به دو دلیل ترجیح می‌دهند. اول، از نظر اخلاقی مناسب هستند - برای حمایت از اقتصاد داخلی و جلوگیری از دست رفتن مشاغل داخلی - و دوم، به این دلیل که گمان می‌کنند محصولات داخلی از نظر کیفی نسبت به محصولات خارجی برتری دارند (هان^۶، ۱۹۸۸). بنابراین، اگرچه نشان داده شده است که هم خصومت و هم قوم‌گرایی مصرف‌کننده مقدمات مهمی را برای "عدم تمایل به خرید محصولات خارجی فراهم می‌سازند، اما

- 1 . Klein
- 2 . Klein & Ettenseoe
- 3 . Shankarmahesh
- 4 . Sharma
- 5 . Sumner
- 6 . Han



مجموعه مفاهیم جداگانه و مجزایی هستند (کلاین و همکاران، ۱۹۹۸). مصرف‌کنندگانی که دچار قوم‌گرایی هستند معمولاً از خرید محصولات هر کشور خارجی خودداری می‌کنند، در حالی که مصرف‌کنندگانی که دچار احساس خصومت هستند از خرید محصولاتی که در کشور خارجی خاصی تولید شده است که مورد خصومت آنها است امتناع می‌ورزند، حتی اگر خرید محصولات سایر کشورهای خارجی را کاملاً قابل قبول بدانند (فرناندز فرین و همکاران^۱، ۲۰۱۵؛ کلین و اتنسو، ۱۹۹۹؛ کلین، ۲۰۰۲). با توجه به پیشینه‌های قوم‌گرایی مصرف‌کننده، پیشینه عظیمی از شواهد تجربی از این اعتقاد پشتیبانی می‌کنند که این احساسات تحت تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مانند جنسیت، تحصیلات و درآمد است (کلین و اتنتو، ۱۹۹۹، شارما، شیمپ و شین^۲، ۱۹۹۵؛ شیمپ، ۱۹۸۴). پژوهش‌های دانشگاهی همچنین، به میهن‌پرستی به عنوان مقدمه قوم‌گرایی مصرف‌کننده اشاره کرده است. زیرا، میهن‌پرستان بیشتر با حمایت از تولیدکنندگان داخلی در برابر تولیدکنندگان خارجی، از اقتصاد کشور خود محافظت می‌کنند (هان^۳، ۱۹۸۸) و به دلیل وابستگی عاطفی به کشور خود، منجر به کاهش جستجوی اطلاعات درباره سایر کشورها و در نتیجه، کاهش جستجوی اطلاعات در مورد محصولات آنها می‌شود (دروکمن^۴، ۱۹۹۴). پژوهش‌های تجربی که توسط هان (۱۹۸۸)، کلین و اتنتو (۱۹۹۹)، بالابانیس و همکاران^۵ (۲۰۰۱) و فرناندز فرین و همکاران (۲۰۱۵) انجام شده است از رابطه مثبت بین میهن‌پرستی و قوم‌گرایی مصرف‌کننده پشتیبانی می‌کند. این مطالعه برای اولین بار این فرضیه را آزمایش می‌کند که خصومت اقتصادی مقدمات مهمی را برای قوم‌گرایی مصرف‌کننده فراهم می‌کند. اگرچه این دو ساختار به طور هم‌زمان در یک مطالعه مشابه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است (فرناندز فرین و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلین، ۲۰۰۲، کلین و اتنسو، ۱۹۹۹؛ کلین و همکاران، ۱۹۹۸) و معلوم شده است که "پژوهش‌های آینده باید صحت این موضوع را بررسی کند که آیا خصومت مقدمه قوم‌گرایی مصرف‌کننده است یا خیر" (شانکارماهش^۶، ۲۰۰۶، ۱۶۲)، اما تا به امروز رابطه بین خصومت اقتصادی و قوم‌گرایی مصرف‌کننده هرگز

- 1 . Fernandez-Ferrín et al.
- 2 . Sharma, Shimp, & Shin
- 3 . Han
- 4 . Druckman
- 5 . Balabanis et al.
- 6 . Shankarmahesh



به صراحت مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. از دیدگاه تئوریک، دلیل منطقی برای رابطه پیشنهادی این دو از پژوهش‌هایی ناشی می‌شود که احساسات مردم را نسبت به تهدید وضعیت مالی شخصی خود و رفاه اقتصادی کشورشان به دلیل فشارهای اقتصادی خارجی بیان می‌کنند که احتمالاً منجر به دیدگاه‌های مصرف‌گرایانه بیشتری می‌شود (کلاین و اتنتو، ۱۹۹۹؛ شارما و همکاران، ۱۹۹۵). بنابراین، خصومت نسبت به یک کشور خارجی که عامل تسلط اقتصادی یا تجاوز به کشور وطن است، احتمالاً مصرف‌کنندگان را وا می‌دارد تا برای تقویت صنعت ملی و جلوگیری از تسلط اقتصادی احتمالی خارجی‌ها، محصولات داخلی را ترجیح دهند. بنابراین، فرضیه مرتبط با مبانی فوق به شرح زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه اول:

H₁: خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی تأثیر مثبتی بر قوم‌گرایی مصرف‌کننده دارد.

• قوم‌گرایی مصرف‌کننده و ارزیابی محصولات و کشورهای خارجی

قوم‌گرایی مصرف‌کننده نسبت به خصومت مصرف‌کننده اثرات متمایز و منحصر به فردی بر روی ارزیابی خرید دارد. قوم‌گرایی مصرف‌کننده مستقل از داوری محصول بر اهداف خرید کالاهای وارداتی تأثیر می‌گذارد، در حالی که خصومت هم با داوری محصول و هم اهداف خرید ارتباط دارد. مشتریانی که خریدن کالاهای خارجی را غیراخلاقی می‌دانند، معمولاً دیدگاه‌های منفی را هم در مورد کیفیت این کالاها دارند و محصولات داخلی را به مراتب بهتر ارزیابی می‌کنند (کریسوچویدیس، کریستالیس و پریس^۱، ۲۰۰۷؛ هان، ۱۹۸۸؛ جان و بردی^۲، ۲۰۱۱؛ کلین و همکاران، ۱۹۹۸؛ شریمپ و شارما، ۱۹۸۷). دلیل اصلی آن در پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی ریشه‌یابی شده است. آنها قوم‌گرایی را به عنوان یک احساس "گروه ما" تعریف می‌کنند، جایی که خودی‌ها در مرکز هستند و تمام غیرخودی‌ها در رابطه با آن داوری می‌شوند (سومر، ۱۹۰۶). این طبقه‌بندی به ایجاد حس

1 . Chrysochoidis, Krystallis, & Perreas
2 . John & Brady



هویت کمک می‌کند، اما همچنین، به شکل‌گیری کلیشه‌های منفی برای غیرخودی‌ها و موارد مثبت برای خودی‌ها همراه است. طبق گفته‌های لانتز و لوب (۱۹۹۸)، قوم‌گرایی می‌تواند برای همه گروه‌های اجتماعی از جمله یک ملت صادق باشد. در این حالت، کشور وطن خودی است و محصولات ملی به عنوان "محصولات خودی" در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که محصولات خارجی به "کالاهای غیرخودی" تبدیل می‌شوند (ورلگ^۱، ۱۹۹۹). بنابراین، ارزیابی ملل خارجی و محصولات آنها مبتنی بر پردازش بی‌طرفانه اطلاعات موجود نیست، بلکه بر اساس تصاویر کلیشه‌ای از این ملت‌ها و محصولات آنها است. اگرچه مطالعات قبلی از تاثیر منفی قوم‌گرایی مصرف‌کننده بر روی ارزیابی و پذیرش محصولات خارجی به شدت پشتیبانی می‌کنند، اما هنوز برای ارزیابی اینکه آیا چنین احساس "خودی" نیز قادر به اثرگذاری بر شهرت عمومی یک کشور خارجی (یعنی سطح توسعه اقتصادی، درک مردم و غیره) هست یا خیر، پژوهش انجام نشده است. علاوه بر این، در حالی که پژوهش‌های قبلی نشان داده است که ممکن است سطح قوم‌گرایی به دنبال وقایع آسیب‌زایی مانند حملات تروریستی در ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ (دوب و بلک^۲، ۲۰۱۰) یا سونامی که در سال ۲۰۰۴ تایلند و سایر کشورها را تحت تأثیر قرار داده است، افزایش یابد (کنگسامپونگ^۳، ۲۰۰۵)، اما تا این زمان هیچ پژوهش تجربی نگرش قومی‌گرایی ناشی از خصومت اقتصادی نسبت به یک ملت خارجی را مورد تحلیل قرار نداده است. بنابراین، فرضیه مرتبط با مبانی فوق به شرح زیر تبیین می‌گردد:

فرضیات دوم:

H_{2a}: قوم‌گرایی مصرف‌کننده تأثیر منفی بر درک تصویر کلی کشوری که به عنوان دشمن شناخته می‌شود، دارد.

H_{2b}: قوم‌گرایی مصرف‌کننده تأثیر منفی بر ارزیابی محصولات ملی آن کشور (اعتقاد به محصول) دارد.

H_{2c}: قوم‌گرایی مصرف‌کننده تأثیر منفی بر روی پذیرش محصول دارد.

1 . Verlegh
2 . Dube & Black
3 . Kongsompong



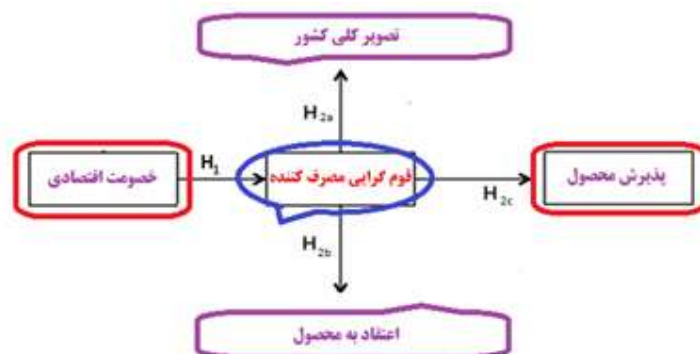
مبانی نظری مدل مفهومی

براساس عناصر و ساختارهای موجود در ادبیات موضوع یک چارچوب مفهومی شامل مجموعه‌ای از گزاره‌ها در نظر گرفته می‌شود. مبانی نظری مدل مفهومی و فرضیات مرتبط با آن از سه مطالعه مختلف برگرفته شده است: الف) خصومت مصرف‌کننده (آنگ و همکاران^۱، ۲۰۰۲؛ هوانگ، فائو و لین^۲، ۲۰۱۰؛ کلین و اتنتو، ۱۹۹۹؛ کلین و همکاران، ۱۹۹۸؛ کلین، ۲۰۰۲). ب) قوم‌گرایی مصرف‌کننده (فرناندز-فرین باند-ویللا^۳، ۲۰۱۵؛ کلین و ریو-آرائو^۴، ۲۰۱۵؛ کلین، ۲۰۰۲؛ شانکاماهش، ۲۰۰۶؛ شارما، ۲۰۱۴؛ شیمپ و شارما، ۱۹۸۷). ج) تصویر محصول-کشور (نایت و کالانتون^۵، ۲۰۰۰؛ لاروچ، پاپادوپولوس، هسلوپ و مورالی^۶، ۲۰۰۵؛ مارتین و اروگلو^۷، ۱۹۹۳؛ پاپادوپولوس، الیوت و دنیسکو^۸، ۲۰۱۳؛ ورلگ و استینکمپ^۹، ۱۹۹۹). با استفاده از مرور هریک از مطالعات مرتبط، قوی‌ترین مجموعه ایده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند و مواردی براساس اهمیت نظری آنها و اعتبار پیش‌بینی‌کننده مورد نظر برای موضوع این پژوهش انتخاب شد. بنابراین، از دیدگاه ساختاری، مدل مفهومی به پنج دسته‌سازه یا مجموعه ایده تقسیم می‌شود: ۱- خصومت اقتصادی، که ناشی از احساس تسلط اقتصادی یا پرخاشگری در بین مردم یک کشور نسبت به یک کشور دشمن است (نیجسن و داگلاس^{۱۰}، ۲۰۰۴) و مربوط به وقایع اقتصادی موقت است (آنگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۲). ۲- قوم‌گرایی مصرف‌کننده (قوم‌گرایی مصرف‌کننده)، که در مفهوم وسیع‌تری عملیاتی می‌شود که قوم‌گرایی مصرف‌کننده را با نگاه به سمت حمایت از تجارت، محدود کردن سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت در مهاجرت کارگران و محدودیت شرکتهای خارجی و مالکیت معنوی در هم می‌آمیزد (بالابانیس، دیامانتوپولوس،

- 1 . Ang et al.
- 2 . Huang, Phau, & Lin
- 3 . Fernandez-Ferrín, Bande-Vilela
- 4 . Klein, & Río-Araújo
- 5 . Knight & Calantone
- 6 . Laroche, Papadopoulos, Heslop, & Mourali
- 7 . Martin & Eroglu
- 8 . Papadopoulos, Elliot, & De Nisco
- 9 . Verlegh & Steenkamp
- 10 . Nijssen & Douglas,
- 11 . Ang et al.



مولر و ملوور^۱، (۲۰۰۱، ۱۶۲). ۳- تصویر کلی کشور که به عنوان ساختاری کلی تعریف می‌شود که شامل تصاویر کلی است که نه تنها توسط محصولات نمونه ایجاد می‌شود، بلکه از درجه بلوغ اقتصادی و سیاسی، وقایع و روابط تاریخی، فرهنگ و سنت‌ها، و درجه فضیلت و صنعتی بودن فناوری نیز برخوردار است (راث و دیامانتوپولوس^۲، ۲۰۰۹، ۷۲۷) و از طریق یک بعد شناختی (مربوط به سطح توسعه اقتصادی، صنعتی و فناوری) و یک بعد عاطفی (مربوط به ویژگی‌های عاطفی و اعتقادات نسبت به مردم) مشخص می‌شود. ۴- اعتقادات به محصول، که به داوری و ارزشیابی مصرف‌کنندگان خاص از محصولات یک کشور دلالت دارد (لاروچ و همکاران^۳، ۲۰۰۵). ۵- پذیرش محصول که به عنوان آمادگی آگاهانه یا ناخودآگاه برای پذیرش سیستم‌های عرضه خارجی تعریف می‌شود (دهار و کیم^۴، ۲۰۰۷).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش؛

منبع: محقق ساخته اقتباس شده از الکساندرو و همکاران، ۲۰۱۶

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات و داده‌ها به ترتیب توصیفی-پیمایشی و از نوع علی است. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها

- 1 . Balabanis, Diamantopoulos, Mueller, & Melewar
- 2 . Roth & Diamantopoulos
- 3 . Laroche et al.
- 4 . Dhar & Kim



پرسشنامه و مجموعه ایده‌های الگو با استفاده از مقیاسی که از تحقیقات قبلی حاصل شده است، اقتباس شده است. مجموعه ایده‌های تصویر کلی کشور، اعتقاد به محصول و پذیرش محصول با مقیاس‌هایی عملیاتی شدند که از کارهای تحقیقاتی پاپادوپولوس، هسلوپ و گروه تحقیقاتی نوآوری، دانش و شبکه‌های سازمانی IKON^۱ (۲۰۰۰) و الیوت، پاپادوپولوس و کیم^۲ (۲۰۱۲) اقتباس شدند. خصومت اقتصادی از طریق یک مقیاس ۷گزینه‌ای لیکرت و بر مبنای تحقیقات ریفلر و دیامانتوپولوس (۲۰۰۷) و نس، یلکور و سیلکوست^۳ (۲۰۱۱) اندازه‌گیری و در آخر، با ویرایش کمی از مقیاس گرایش‌های قوم‌گرایی مصرف‌کننده SCALE^۴ برای اندازه‌گیری قومیت‌گرایی مصرف‌کننده به کار گرفته شد. به منظور آزمایش مدل پیشنهادی، نمونه‌ای ۲۲۵ تایی از جامعه ۵۵۰ نفری از دانشجویان رشته اقتصاد، بازرگانی و جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق به روش تصادفی ساده که هر یک از عناصر جامعه‌ی مورد نظر برای انتخاب شدن، شانس مساوی دارند. از آنجا که نمونه شامل دانشجویان می‌شود، فرض بر آن بود که این دانشجویان از شناخت و درک قابل قبولی از بحران‌های مالی و موضوعات اقتصادی بازرگانی برخوردارند. همچنین، ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان در این مطالعه دانشجوی پسر و بقیه دختر بودند. ۳۴ درصد دانشجویان در مقطع کارشناسی، ۵۸ درصد کارشناسی ارشد و ۸ درصد هم در مقطع دکتری قرار داشتند. ۷۱ درصد از دانشجویان در رشته مدیریت، ۱۴ درصد جامعه‌شناسی و ۱۵ درصد هم در رشته اقتصاد تحصیل می‌کردند.

1. Innovation, Knowledge & Organisational Networks Research

2. Elliot, Papadopoulos and Kim

3. Nes, Yelkur, and Silkoset

4. Consumer Ethnocentric Tendencies scale (CETSCALE)



جدول ۱. آمار توصیفی، روایی و پایایی متغیرها

کشور ب ۱۰۳	کشور الف ۱۲۲	کل ۲۲۵	اندازه نمونه
۴/۴ (۱/۰۵) -۰/۸۶	۴/۵ (۱/۳۵) -۰/۸۸	۴/۶ (۱/۲۲) -۰/۸۹	خصومت اقتصادی (۵ مورد) ----- میانگین (انحراف استاندارد) آلفای کرونباخ
(۱/۴۷) ۴/۷۱ -۰/۸۹	۴/۵۵ (۱/۳۱) -۰/۸۶	(۱/۵۲) ۴/۶۱ -۰/۸۴	قوم‌گرایی مصرف‌کننده (۴ مورد) ----- میانگین (انحراف استاندارد) آلفای کرونباخ
(۱/۱۷) ۴/۴۲ -۰/۹۰	۴/۷۳ (۱/۱۳) -۰/۸۹	(۱/۲۱) ۴/۵۴ -۰/۸۳	تصویر کلی کشور (۵ مورد) ----- میانگین (انحراف استاندارد) آلفای کرونباخ
(۱/۰۳) ۴/۲۴ -۰/۹۱	۴/۴۰ (۱/۰۹) -۰/۸۹	(۱/۱۰) ۴/۵۱ -۰/۸۸	اعتقاد به محصول (۵ مورد) ----- میانگین (انحراف استاندارد) آلفای کرونباخ
(۱/۱۸) ۴/۵۴ -۰/۸۹	۴/۶۱ (۱/۲۷) -۰/۸۹	(۱/۲۲) ۴/۴۸ ۸۸	پذیرش محصول (۳ مورد) ----- میانگین (انحراف استاندارد) آلفای کرونباخ

منبع: محاسبات محقق

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی

	قوم‌گرایی	تصویر کلی کشور	اعتقاد به محصول	پذیرش محصول	خصومت اقتصادی
قوم‌گرایی	۱				
تصویر کلی کشور	-۰/۳۹	۱			
اعتقاد به محصول	-۰/۳۵	۰/۵۸	۱		
پذیرش محصول	-۰/۴۳	۰/۱۶	۰/۲۳	۱	
خصومت اقتصادی	۰/۵۷	۰/۱۴	۰/۲۵	-۰/۶۵	۱

منبع: محاسبات محقق

جدول ۳. ضرایب استاندارد و آماره T

نتیجه	کشور ب	کشور الف	مسیر	فرضیه
	T ضرایب استاندارد)			
تأیید	۰/۳۵۲ (۹/۷۲)	۰/۴۳۴ (۱۱/۶۶)	قوم‌گرایی - خصومت اقتصادی - قوم‌گرایی	H ₁
تأیید	-۰/۳۱۸ (-۸/۳۵)	-۰/۳۹۳ (-۱۰/۷۳)	قوم‌گرایی - تصویر کلی کشور	H _{2a}
تأیید	-۰/۱۱۴ (-۹/۳۲)	-۰/۱۲۳ (-۱۳/۰۷)	قوم‌گرایی - اعتقاد به محصول	H _{2b}
تأیید	-۰/۴۸۳ (-۹/۶۳)	-۰/۴۹۲ (-۱۱/۵۶)	قوم‌گرایی - پذیرش محصول	H _{2c}
اثرات غیرمستقیم ۰/۲۱۳- ، (-۸/۶۳) // خصومت --- قوم‌گرایی ---- پذیرش محصول -۰/۱۷۰ ، (-۹/۷۴)				
H ₁ ، H _{2a} ، H _{2b} ، H _{2c} تایید				

منبع: محاسبات محقق

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

نتایج ناشی از برآورد معادلات ساختاری با روش حداکثر درست‌نمایی نشان می‌دهد که داده‌ها کاملاً متناسب با مدل ساختاری است (جدول ۳) و همه آنها در جهت فرضیه‌های مدل پیشنهادی بودند. یافته‌ها نشان داد که خصومت اقتصادی به عنوان یک پیشینه مهم قوم‌گرایی مصرف‌کننده برای نمونه کشور الف ۰/۴۳۴ و برای نمونه کشور ب، ۰/۳۵۲ تعیین شده و از H₁ پشتیبانی می‌کند. به عبارت دیگر، خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی تأثیر مثبتی بر قوم‌گرایی مصرف‌کننده (قوم‌گرایی مصرف‌کننده) دارد. یافته‌های تجربی در مورد تأثیر قوم‌گرایی، الگوهای مختلفی را بین نمونه کشور الف و کشور ب گزارش می‌دهد همچنین، یافته‌ها نشان داد که قوم‌گرایی با اعتقاد به محصول برای نمونه کشور الف رابطه منفی دارد (۰/۱۲۳- ، -۱۳/۰۷-) هرچند برای نمونه کشور ب نیز، تأثیر منفی و معنی‌داری برابر ۰/۱۱۴- را نشان می‌دهد. برای هر دو نمونه کشور الف و کشور ب، سطح بالاتر قوم‌گرایی تأثیر منفی بر روی پذیرش محصول ساخته شده دارد (نمونه کشور الف: ۰/۴۹۲- ، ۱۱/۵۶) و (نمونه کشور ب: ۰/۴۸۳- ، ۹/۶۳-). نهایتاً یافته‌ها نشان می‌دهد که خصومت اقتصادی نقش دوگانه‌ای ایفاء می‌کند. اول، مشخص می‌شود که خصومت بیشتر نسبت به یک کشور خارجی نه سطح درک از تصویر کلی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نه سطح درک از کیفیت محصولات ساخته شده در آن کشور را در مقابل، یافته‌ها از رابطه



و تاثیر مثبتی بین خصومت و قوم‌گرایی مصرف‌کننده حمایت می‌کنند. در نتیجه، مصرف‌کنندگان با سطح بالاتری از خصومت اقتصادی معمولاً از واردات بیشتر از کشورهای که دشمن تلقی می‌شوند استقبال نمی‌کنند، سطح غرور کمتری را نشان می‌دهند و کمتر کلام مثبتی درباره آن کشور اظهار می‌کنند. چنین نتایجی مطابق با پژوهش‌های قبلی است که بیان می‌کنند خصومت مصرف‌کننده می‌تواند بر ارزیابی‌های عاطفی و هنجاری تأثیر بگذارد، اما بر روی ارزیابی شناختی آن‌ها تأثیرگذار نیست (کلاین، ۲۰۰۲). دوم و جالب‌تر از همه، اینکه خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی می‌تواند احساسات قوم‌گرایی را نیز افزایش دهد، و ترجیح محصولات / خدمات داخلی را برای ابراز "میهن‌پرستی" بیشتر کند و به تبع آن، باعث دوری احتمالی (و حتی در موارد شدید، تحریم سازمان‌یافته) عرضه‌کنندگان محصولات خارجی شود. شواهد بیشتر درباره تأثیر احساسات مصرف‌کننده در نتایج روابط فرضی حاصل از قوم‌گرایی مشاهده می‌شود. به این نحو که قوم‌گرایی بر تصویر کلی کشور و پذیرش محصول تأثیر منفی معنی‌داری دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

امروزه اگرچه محصولات خارجی بیشتری در اختیار تعداد فزاینده‌ای از مصرف‌کنندگان جهانی قرار دارد و تعداد بیشتری از کشورها به دنبال افزایش صادرات و تقویت تصویر آنها هستند، اما به نظر می‌رسد تنش بین شرکای تجاری در حال افزایش می‌باشد زیرا تعادل جهانی به طور مداوم در حال تغییر است، اقتصادها دچار رونق یا رکود می‌شوند و بدهی و تنش اتفاق می‌افتد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر خصومت اقتصادی بر قوم‌گرایی مصرف‌کننده و تصویر محصول - کشور در نظر گرفته شد. در این راستا نمونه ای ۲۲۵ تایی از جامعه ۵۵۰ نفری از دانشجویان رشته اقتصاد، بازرگانی و جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد نراق به روش تصادفی ساده و بر اساس جدول مورگان - جرسی و پرسشنامه‌ها توزیع و از تکنیک معادلات ساختاری داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اصولاً مردم کشورهای بدهی سنگینی دارند نسبت به برخی از کشورهای پیشرفته احساس ضد همدردی و حتی عصبانیت می‌کنند. به طور کلی، تصور می‌شود که این کشورها نه تنها ثروتمندتر هستند بلکه، همدلی کافی و تمایل به کمک به همسایگان خود را نیز ندارند. این تصور که موضوعات مربوط به درگیری‌های بین‌المللی ممکن است بر تقاضا برای



محصولات کشوری که هدف آن خصومت است تأثیر بگذارد، در پژوهش‌های بازاریابی بین‌المللی نسبتاً تازه است. نتایج مطالعه نشان داد که عصبانیت مصرف‌کنندگان نسبت به ملتی که آن را دشمن خود می‌دانند تأثیر منفی بر تمایل به خرید محصولات آن کشور دارد و چنین احساسی با قضاوت مصرف‌کنندگان از کیفیت محصول ربطی ندارد. همچنین، خصومت نسبت به یک کشور خاص، به دلایل درگیری‌های نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و مذهبی تأثیر منفی بر مصرف و به ویژه بر اهداف خرید، بر تمایل به خرید محصولات کشوری دارد که مورد آن خصومت قرار گرفته است، می‌گذارد. همچنین، یافته‌ها از تأثیر قوی و منفی بین خصومت مصرف‌کننده و پذیرش محصول حمایت می‌کنند (اثر غیر مستقیم). در نتیجه، مصرف‌کنندگان با سطح بالاتری از خصومت اقتصادی معمولاً از واردات بیشتر از کشورهایی که دشمن تلقی می‌شوند استقبال نمی‌کنند، سطح غرور کمتری را نشان می‌دهند و کمتر کلام مثبتی درباره آن کشور می‌گویند. نهایتاً یافته‌ها نشان داد که خصومت اقتصادی نسبت به یک کشور خارجی می‌تواند احساسات قوم‌گرایی را نیز افزایش دهد، و ترجیح محصولات/خدمات داخلی را برای ابراز "میهن‌پرستی" بیشتر کند و به تبع آن، باعث دوری احتمالی (و حتی در موارد شدید، تحریم سازمان‌یافته) عرضه‌کنندگان محصولات خارجی شود. اگرچه خصومت اقتصادی و قوم‌گرایی مصرف‌کننده، موضوعات پژوهش‌هایی هستند که به خوبی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما حداقل از سه جنبه منحصر به فرد دارای تمایز با مطالعات صورت گرفته می‌باشد؛ الف، در حالی که پژوهش‌های قبلی غالباً در مورد خصومت مصرف‌کننده و قوم‌گرایی متمرکز شده است، این پژوهش تأثیر خصومت اقتصادی بر پذیرش محصول و خرید آن با توجه به متغیر میانجی قوم‌گرایی مصرف‌کننده را نیز در نظر می‌گیرد. دوم، اگرچه مطالعات قبلی نشان می‌دهد که خصومت و قوم‌گرایی می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند (کلین و همکاران، ۱۹۹۸)، اما این نخستین مطالعه‌ای است که به طور تجربی، نقش خصومت اقتصادی را به عنوان مقدمه قوم‌گرایی مصرف‌کنندگان مورد بررسی قرار داده و چارچوبی جامع با هدف شفاف‌سازی تعامل بین این دو ساختار و تأثیر آنها بر ارزیابی کشورهای خارجی و محصولات آنها را ارائه می‌دهد. سوم، نتایج حاصل می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا درک دقیق‌تری از پیامدهای منفی احتمالی اقدامات سیاسی و اقتصادی که توهین‌آمیز یا غیر منصفانه تلقی می‌شوند پیدا کنند. همچنین، نتایج حاصل از این پژوهش هم برای کشورهایی که از نظر اقتصادی



قوی‌تر هستند و هم ضعیف‌ترها حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد که این یافته‌ها جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد که اقدامات سیاسی و اقتصادی یک کشور خارجی می‌تواند بر احساس خصومت و یا قوم‌گرایی مصرف‌کنندگان و تصاویر آنها از یکدیگر، تأثیر بگذارد و از این طریق انتخاب خرید مصرف‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، محصولات کشوری که مورد غضب مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرند، هنگام صادرات محصولاتشان به آن کشورها حتماً با چالش‌های جدیدی روبرو می‌شوند. امروزه به واسطه بهره‌گیری و استفاده از ابزارها و سازوکارهای جهانی شدن، کم‌جمعیت‌ترین قومیت‌ها با حوزه تأثیرگذاری محدود که در گذشته قدرت مانور چندانی حتی در پهنه سرزمین و مرزهای ملی یک کشور نداشتند، می‌توانند در فضای جهانی شده کنونی، تأثیرگذار باشند. بر این اساس، جهانی شدن، صرف‌نظر از فراوانی جمعیت‌ها اعم از اقلیت و اکثریت، فرصت‌های تا حدود زیادی برابر و در عین حال رقابتی، برای آنها خلق کرده است؛ البته میزان بهره‌مندی جمعیت‌های گوناگون همچون قومیت‌ها از فرصت‌های جهانی شدن به میزان توانایی‌ها و توانمندی‌های آنها بستگی دارد. فرصتی که جهانی شدن برای مطرح شدن و امکان بروز یافتن قومیت‌ها در پهنه سرزمین کشورها فراهم کرده، ممکن است برای دولت‌های ملی، خوشایند نباشد، اما این موضوع از واقعیت‌های دنیای جهانی شده کنونی است که دولت‌ها ناگزیر از پذیرفتن این واقعیت هستند. بنابراین، توجه به قومیت‌ها و ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند در رفتارهای مصرفی مصرف‌کنندگان و نهایتاً، تجارت بین‌الملل، تأثیرگذار باشد. پس ضروری است در دنیای جهانی شده، زیست فرهنگی، آداب، افکار و عقاید قومیت‌ها مورد توهین و اهانت دیگران قرار نگیرد، چرا که می‌تواند منجر به خصومت و عصبانیت شده و به تبع آن رفتار مصرفی افراد را نسبت به باور و پذیرش محصولات کشور/ کشورهای توهین‌کننده و نهایتاً، نسبت به تصویر کلی آن کشورها، برانگیخته نماید.



References

- Ang, S. H., Jung, K., Kau, A. K., Leong, S. M., Pornpitakpan, C., & Tan, S. J. (2002). A typology of animosity and its cross-national validation. *Journal of CrossCultural Psychology*, 33(6), 529e539.
- Balabanis, G., Diamantopoulos, A., Mueller, R. D., & Melewar, T. C. (2001). The impact of nationalism, patriotism and internationalism on consumer ethnocentric tendencies. *Journal of International Business Studies*, 32(1), 157e175.
- Bilkey, W. J., & Nes, E. (1982). Country of origin effects on product evaluations. *Journal of International Business Studies*, 13, 89e99.
- Chryssochoidis, G., Krystallis, A., & Perreas, P. (2007). Ethnocentric beliefs and country-of origin (COO) effect. Impact of country, product and product attributes on Greek consumers' evaluation of food products. *European Journal of Marketing*, 41(11/12), 1518e1544.
- De Nisco, A. (2006). Country-of-origin e buyer behaviour: una meta-analisi della letteratura internazionale. *Mercati e Competitivita*, 4 , 81e102.
- Dhar, R., & Kim, E. Y. (2007). Seeing the forest or the trees: implications of construal level theory for consumer choice. *Journal of Consumer Psychology*, 17(2), 96e100.
- Druckman, D. (1994). Nationalism, patriotism, and group loyalty: a social psychological perspective. *International Studies Quarterly*, 38(51), 43e68.
- Dube, L. F., & Black, G. S. (2010). Impact of national traumatic events on consumer purchasing. *International Journal of Business Studies*, 34(3), 333e338.
- Elliot, S., Papadopoulos, N., & Kim, S. S. (2012). An integrated model of place image: exploring tourism destination image and product-country image relationships. *Journal of Travel Research*, 20(10), 1e15.
- Etensoe, R., & Klein, J. G. (2005). The fallout from French nuclear testing in the South Pacific: a longitudinal study of consumer boycott. *International Marketing Review*, 22(2), 199e224.
- Fernandez-Ferrín, P., Bande-Vilela, B., Klein, J. G., & del Río-Araújo, M. L. (2015). Consumer ethnocentrism and consumer animosity: antecedents and consequences. *International Journal of Emerging Markets*, 10(1), 73e88.
- Han, C. M. (1988). The role of consumer patriotism in the choice of domestic versus foreign products. *Journal of Advertising Research*, 28(3), 25e32.
- Huang, Y., Phau, I., & Lin, C. (2010). Consumer animosity, economic hardship, and normative influence: how do they affect consumers' purchase intention? *European Journal of Marketing*, 44(7/8), 909e937.
- John, A. V., & Brady, M. P. (2011). Consumer ethnocentrism and attitudes toward South African consumables in Mozambique. *African Journal of Economic and Management Studies*, 2(1), 72e93.
- Klein, J. G. (2002). Us versus them, or us versus everyone? Delineating consumer aversion to foreign goods. *Journal of International Business Studies*, 33(2), 345e363.



- Klein, J. G., & Ettensoe, R. (1999). Consumer animosity and consumer ethnocentrism. *Journal of International Consumer Marketing*, 11(4), 5e24.
- Klein, J. G., Ettensoe, R., & Morris, M. D. (1998). The animosity model of foreign product purchase: an empirical test in the People's Republic of China. *Journal of Marketing*, 62, 89e100.
- Knight, G. A., & Calantone, R. J. (2000). A flexible model of consumer country-of-origin perceptions: a cross-cultural investigation. *International Marketing Review*, 17(2), 127e145.
- Kongsompong, K. (2005). Collectivism, ethnocentrism, materialism and social influences: a before-and-after effect of Tsunami in Southern Thailand. *The Business Review*, 4(1), 71e76.
- Laroche, M., Papadopoulos, N., Heslop, L. A., & Murali, M. (2005). The influence of country image structure on consumer evaluations of foreign products. *International Marketing Review*, 22(1), 96e115.
- Leonidou, L. C., Palihawadana, D., & Talias, M. A. (2007). British consumers' evaluations of U.S. versus Chinese goods: a multi-level and a multi-cue comparison. *European Journal of Marketing*, 41(7e8), 786e820.
- Martin, I. M., & Eroglu, S. (1993). Measuring a multi-dimensional construct: country image. *Journal of Business Research*, 28(3), 191e210.
- Nes, E. B., & Bilkey, W. J. (1993). A multi-cue test of country-of-origin theory. In N. Papadopoulos, & L. A. Heslop (Eds.), *Product-country image: Impact and role in international marketing* (pp. 179e196). New York: International Business Press (Haworth).
- Nes, E. B., Yelkur, R., & Silkoset, R. (2011). Exploring the animosity domain and the role of affect in a cross-national context. *International Business Review*, 21(5), 751e765.
- Nijssen, E. J., & Douglas, S. P. (2004). Examining the animosity model in a country with a high level of foreign trade. *International Journal of Research in Marketing*, 21, 23e38.
- Papadopoulos, N., Elliot, S., & De Nisco, A. (2013). From 'made-in' to 'productcountry images' and 'place branding': a journey through research time and space. *Mercati e Competitivita*, 2, 37e57.
- Papadopoulos, N., Heslop, L. A., & The IKON Research Group. (2000). A cross-national and longitudinal study of product-country images with a focus on the U.S. and Japan. *Marketing Science Institute Reports paper 00e106*.
- Peter, P. J., & Olson, J. C. (2005). *Consumer behavior and marketing action* (7th ed.). New York: McGraw-Hill Irwin.
- Podoshen, J. S., & Hunt, J. M. (2009). Animosity, collective memory and equity restoration: consumer reactions to the holocaust. *Consumption, Markets and Culture*, 12(4), 301e327.
- Podsakoff, P. M., MacKenzie, S. B., Lee, J.-Y., & Podsakoff, N. P. (2003). Common method biases in behavioral research: a critical review of the literature and recommended remedies. *Journal of Applied Psychology*, 88(5), 879e903.
- Rawwas, M. Y. A., Rajendran, K. N., & Wueher, G. A. (1996). The influence of world mindedness and nationalism on consumer evaluation of domestic and foreign products. *International Marketing Review*, 13(2), 20e38.



- Riefler, P., & Diamantopoulos, A. (2007). Consumer animosity: a literature review and a reconsideration of its measurement. *International Marketing Review*, 24(1), 87e119.
- Roth, K. P., & Diamantopoulos, A. (2009). Advancing the country image construct. *Journal of Business Research*, 62(7), 726e740.
- Shankarmahesh, M. N. (2006). Consumer ethnocentrism: an integrative review of its antecedents and consequences. *International Marketing Review*, 23(2), 146e172.
- Sharma, P. (2014). Consumer ethnocentrism: reconceptualization and cross-cultural validation. *Journal of International Business Studies*, 46, 381e389.
- Sharma, S., Shimp, T. A., & Shin, J. (1995). Consumer ethnocentrism: a test of antecedents and moderators. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 23(1), 26e37.
- Shimp, T. A. (1984). Consumer ethnocentrism e the concept and a preliminary empirical test. *Advances in Consumer Research*, 11, 285e290.
- Shimp, T. A., & Sharma, S. (1987). Consumer ethnocentrism: construction and validation of the CETSCALE. *Journal of Marketing Research*, 24(3), 280e289.
- Sumner, W. G. (1906). *Folkways*. New York: Ginn Custom Publishing.
- Tabassi, S., Esmaeizadeh, P., & Sambasivan, M. (2012). The role of animosity, religiosity and ethnocentrism on consumer purchase intention: a study in Malaysia towards European brands. *African Journal of Business Management*, 6(23), 6890e6902.
- Verlegh, P. W. J. (1999). In-groups, out-groups and stereotyping: consumer behavior and social identity theory. *Advances in Consumer Research*, 26, 162e164.
- Verlegh, P. W., & Steenkamp, J. B. (1999). A review and meta-analysis of country-of-origin research. *Journal of Economic Psychology*, 20, 521e546.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





مقاله پژوهشی

مطالعه پدیدارشناسانه آگاهی و درک نخبگان از چالش‌های مدیریت

شهری (مطالعه موردی: شهر اهواز)^۱

سجاد بهمنی^۲ و عبدالرضا نواح^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آگاهی و تجربه زیسته نخبگان و مدیران شهر اهواز از تعریف، مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است. برای دستیابی به این هدف ۱۴ نفر از نخبگان و مدیران استان به روش پدیدارشناسی و با تکنیک مصاحبه عمیق مورد مطالعه قرار گرفتند. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی مدیریت شهری اهواز در تم‌های مرکزی معنای مدیریت شهری، پاسخگویی و تعامل با مردم، اخلاق حرفه‌ای، تسهیم دانش، رفتار متعهدانه و وظایف مدیریت شهری سازماندهی شده است. از نظر مشارکت کنندگان در برخی موارد اقدامات صورت گرفته در حوزه مدیریت شهری اهواز بر اصول علم مدیریت استوار نیست و عمق کافی را ندارد. همچنین، قوانین دست و پاگیر گاه موجب کندی غیرضروری فعالیت‌ها می‌شود و از سوی دیگر، گاه فقدان جدیت و عدم تأکید بر قانون، چالش‌های مختلفی را ایجاد می‌کند. جای خالی نمادهای مرتبط با خرده‌فرهنگ‌ها در شهر احساس می‌شود. به علاوه، تعامل مدیریت شهری با شهروندان در سطح مناسبی قرار ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، روش پدیدارشناسی، شهر اهواز.

طبقه‌بندی موضوعی: P25.O3 .O18

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.40590.1013

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) Email: s.bahmani@scu.ac.ir

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. Email: navah-a@scu.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

شهر، مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانایی‌های بالقوه انسانی است. تمرکز روز افزون افراد در نواحی شهری و رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین، افزایش طبیعی جمعیت شهر، مشکلاتی را در ارائه خدمات متناسب با میزان افزایش جمعیت شهری به وجود می‌آورد که خود به عنوان یکی از موانع اصلی اجرای وظایف و ارائه خدمات شهری کافی به شهروندان می‌گردد. این امر توأم با عدم رغبت مردم برای مشارکت در فعالیت‌های عمران شهری، که تا حد زیادی ریشه در شیوه نظام اداری متمرکز دارد، از عواملی هستند که توانایی مسئولان را در تامین نیازهای ساکنان شهری با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین، کارکرد مدیریت شهری کارآمد به عنوان یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوع‌ها و پدیده‌های بسیار گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی ضروری است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱). به علاوه اینکه، توسعه انسانی پایدار در شهر میسر می‌گردد. شهر بزرگترین بستر اجتماعات انسانی و مؤثرترین سیستم هوشمند تأثیرگذار بر شرایط و مشخصه‌های زیست‌محیطی زمین است (وستون^۱، ۲۰۰۹، ۱۵۳). به طوری که پس از انقلاب کشاورزی، ایجاد شهر به عنوان دومین انقلاب عظیم در فرهنگ انسان بود (نظریان، ۱۳۸۸، ۲۷). در واقع پدیده شهر و شهرنشینی روند اجتماعی برجسته‌ای است که بیشتر موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان و محیط و انسانها با یکدیگر شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲). بنابراین، شهرها از همان آغاز مبدأ اصلی تحولات و رویدادهای عمده در بستر تاریخ و مکان دگرگونی رهیافت‌ها و نگرش‌ها در فرایند حرکت برای دستیابی و تجربه بهترین شرایط مطلوب برای بشریت بوده‌اند. الگوی گرایش انسان به زندگی در شهر با میل بشر برای رفاه و امنیت تبیین شده است (باندز^۲، ۱۳۹۰، ۳۴). حتی در شهرهای امروزی، تفاوت‌ها در قیمت زمین و مسکن در نواحی مختلف شهری را هم می‌توان با عواملی چون میزان رفاه و امنیت مدل‌سازی و تبیین کرد. امروزه عمده‌ترین مباحث و راه‌حل‌های توسعه پایدار شهری در مقیاس محله مطرح می‌شوند. دلیل این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه حاد بودن مسایل و بحران‌های زیست‌محیطی در مقیاس محلی بوده و محله‌ها مدت‌ها نقطه تمرکزی در رشته شهرسازی بوده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۰، ۱۵).

1 Weston
2 Bonds



از اواسط دهه ۱۹۸۰ میادی تا کنون، توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت نهادی- سازمانی برای مدیریت فرایند توسعه شهری و در نهایت، حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (حاجی پور، ۱۳۸۵ به نقل از فریدمن^۱، ۱۹۹۳). از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم نیز به دنبال تغییرات ساختاری و بنیادی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان، مطالعات نظری و تحقیقات کاربردی در حیطه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به طور جدی صاحب نظران و متخصصین امور شهری را وادار به چرخش محسوسی به سوی نظام‌های دموکراتیک شهری و رویکرد اداره شهرها از سطوح خرد به کلان نمود (لرنر^۲، ۲۰۰۸، ۲۳). تجربیات کشورهای جهان و البته بسیاری از تجربیات شهرداری در کشور نشان داده است که نمی‌توان از نگاه بالا و در قالب نقشه‌های مختلف در حل این معضلات شهری موفق شد. بر همین اساس، بار دیگر توجه به محلات در دستور برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت. بنابراین، در دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» و تاکید بر اجتماعات محله‌ای به منظور توانمندسازی آنها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تاکید داشته‌اند (اوکلی^۳، ۱۳۹۲، ۱۱-۱۲).

در استان خوزستان و در شهر اهواز، چالش‌های مدیریت شهری یکی از محورهای گفتگو و گاه مجادله است به ویژه هنگامی که بحث خدمات شهری و کیفیت حکمرانی و مدیریت شهری مطرح می‌شود. بالازدگی فاضلاب و آبگرفتگی معابر و چالش‌های مشابه دیگر سبب شده است شهروندان اهوازی با حساسیت بالا مدیریت شهری را مورد توجه قرار دهند. با این وجود، ضرورت دارد نحوه مدیریت شهری و چالش‌های مرتبط با آن مورد توجه قرار گیرد تا درک روشنی از این موضوع فراهم گردد. به ویژه آنکه تحولات مرتبط با فناوری و دانش نیز بر این حوزه تاثیرات مستقیمی دارند. با در نظر داشتن این موارد، پرسش اساسی این است که با این تحولات نظری در مفهوم و ابعاد مدیریت شهری، تا چه اندازه نخبگان، مدیران و سیاست‌گذاران در ایران از این روند آگاه هستند؟ در سطح ملی نیز اهمیت این

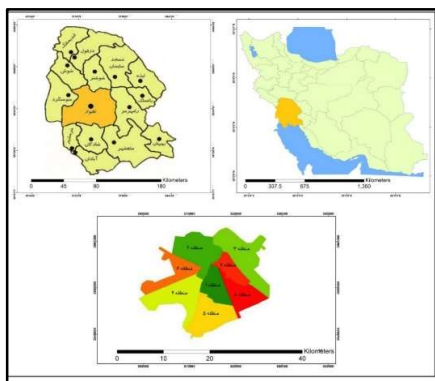
1 Friedman
2 Lerner
3 Oakley



موضوع را می‌توان مورد مذاقه قرار داد و این پرسش اساسی را مطرح کرد که با گذشت چندین دهه از شکل‌گیری شهرهای نوین در ایران و استقرار مدیریت شهری، آیا مدیران و نخبگان در استان خوزستان متناسب با این تحولات تغییر کرده است و اساساً آیا از این روند تغییرات مفهومی و جهت‌گیری مدیریت شهری آگاه هستند؟

معرفی محدوده مورد مطالعه

از نظر جغرافیایی شهر اهواز در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این شهر با مساحت ۲۲۰ کیلومتر مربع دومین شهر وسیع ایران پس از تهران می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، ۳). شهر اهواز به عنوان مرکز اداری-سیاسی استان خوزستان و مرکز منطقه‌ی جنوب غربی کشور با جمعیت تقریبی یک میلیون نفری (۱۰۵۶۵۸۹ نفر) خود از موقعیت سیاسی و اقتصادی خاصی برخوردار است (شهرداری اهواز، ۱۳۹۲، ۱۰)؛ به گونه‌ای که این شهر با ۸ منطقه شهری حدود یک چهارم جمعیت نقاط شهری استان خوزستان را در خود جای داده است. شهر اهواز از شمال به شهرهای شیبان، ویس، ملائانی، شوشتر دزفول و شوش؛ از شرق به شهرستان رامهرمز؛ از غرب به شهر حمیدیه و دشت آزادگان و از سمت جنوب به شهرهای شادگان، بندر ماهشهر، خرمشهر و آبادان محدود می‌گردد. این شهر دارای هشت منطقه شهرداری است که هر یک دارای ۳ تا ۴ ناحیه می‌باشند.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی شهر اهواز در کشور و استان
ماخذ: نگارندگان



مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در ایران، پیشینه نهادهای رسمی برای اداره امور شهر به چند دهه پیش از مشروطیت به دوران قاجار باز می‌گردد. در آن دوران برای اولین بار سازمانی رسمی تحت عنوان «احتسابیه» تشکیل شد. وظیفه عمده این نهاد سامان دادن به امور اصناف و رتق و فتق امور عمومی شهر و نظارت بر حسن رفتار شهروندان و تابعیت از حکام محلی از طریق این نهاد، یعنی احتسابیه بود. در احتسابیه اداره امور روزمره و اجرایی شهر از سوی حاکم به عهده کلانتر که در واقع مدیر احتسابیه بود، سپرده می‌شد تا در چارچوب این نهاد به هدایت و سازمان‌دهی امور اجرایی شهر بپردازد. مقامات احتسابیه نیز از ناحیه شاه منصوب می‌شدند و تابع او بودند. در نتیجه مدیریت شهری از ویژگی انتخابی بودن مدیریت محلی و اتکاء آن به آراء مردم بی‌بهره بود. در سال‌های بعد، احتسابیه در تشکیلات جدید پلیس ادغام شد و مدیریت محلی با قدرت انتظامی پیوند خورد و «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» تشکیل شد. پلیس علاوه بر پیشگیری از جرم و جنایت وظایف دیگری نیز داشت، از جمله کمک‌رسانی هنگام سانحه، منع و تنبیه الواتی، مستی، قمار، فحشاء و همچنین، رسیدگی به نظافت شهر. پلیس وظیفه داشت راه‌آبهای شهر را سرپرستی کند تا از آلودگی محفوظ بماند. قوانینی هم برای عبور و مرور وجود داشت. در وهله اول اطفال از انداختن سنگ یا چیز دیگری به تراموا یا دشنام دادن به مسافران قدهن شدند. دوم، به چارواداران دستور داده شد که چارپایان خود را به جای این که گله وار رها کنند در یک خط به دنبال هم حرکت دهند. برای عبور و مرور پیاده‌ها به دکان‌ها دستور داده شد که بساط خود را از محل عبور پیاده‌ها جمع کنند و به طوافان یا فروشندگان دوره‌گرد دستور داده شد که از فروش کالا در بازار خودداری کنند، زیرا مانع عبور و مرور می‌شوند (فلور^۱، ۱۳۶۶). پلیس هنگام بروز نزاع و زد و خورد که زیاد بود و بیشتر اوقات در کوچه و خیابان روی می‌داد، طرفین دعوا را صلح می‌داد. این نقش پلیس بسیار قابل‌توجه و موثر بود (اتحادیه، ۱۳۷۶).

نصیری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی وضعیت مدیریت ناحیه محوری منطقه ۴ شهرداری تهران از لحاظ شاخص‌های پنج‌گانه حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد طرح ناحیه‌محوری نقش بسزایی در



حکمروایی شهری دارد و توجه به مدیریت ناحیه‌محوری موجود در محلات موجب افزایش میزان مشارکت شهروندان در برنامه‌های شهری خواهد شد.

مشکینی و همکاران (۱۳۹۳) نیز به پژوهشی با عنوان "ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری مطالعه موردی: محله اوین، تهران" پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد شاخص‌های اثربخشی و پاسخگویی، از کارکرد بیشتری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محله اوین برخوردار بوده‌اند و مدیریت محله اوین از لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در وضعیت خوبی قرار دارد.

بلایر^۱ (۲۰۰۰)، مشارکت و پاسخگویی را برای ارتقای حکمروایی محلی مردمی با اهمیت‌تر می‌داند و پاسخگویی را به عنوان محدوده وسیع‌تری از فعالیت‌ها برای استراتژی حکمروایی محلی مردمی معرفی می‌کند.

استوارت^۲ (۲۰۰۶) چهار چالش شاخص‌های در حال توسعه حکمروایی خوب شهری را مفهوم مقیاس انتخاب، انتخاب ساده و ارزیابی شاخص‌ها را معرفی و استدلال می‌کند که مشارکت شهروندان به طور جدایی‌ناپذیری به حکمروایی خوب شهری در ونکوور بزرگ وابسته است و در این میان، انتخابات شهرداری را فرصت خوبی برای افراد می‌داند که برای حذف نابرابری‌های مشارکت شهروندان راهکاری مناسب می‌داند.

رامی^۳ (۲۰۱۰) نیز ظرفیت‌سازی کارگزاران شهری را به عنوان یک رویکرد برای تقویت شیوه‌های کار شهری معرفی می‌کند که به بهبود عملکرد شهرداری در هند منجر شده است.

رومانزیک^۴ (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی با عنوان «به سوی حاکمیت شهری: گذشت بیست سال از قرارداد محله‌ای در بروکسل»، نشان داد در پایان قرن بیستم، مقاومت داخلی در برابر شکل‌گیری سیاست شهری در حاکمیت شهری شروع شد، که به شهروندان اجازه می‌دهد با ابزارهای جدید برای توسعه شهرهایشان تصمیم بگیرند. یکی از این ابزارها، سیستم قرارداد محله‌ای است، که در سال ۱۹۹۴ پس از ایجاد منطقه پایتخت بروکسل در سال ۱۹۸۹ در بروکسل اتخاذ شد. این پژوهش سیر دو دهه‌ای از قرارداد محله‌ای (به عنوان

1. Blair
2. Stewart, Kennedy
3. Rumi Aijaz
4. Romanzic



یک ابزار مهم در اداره بروکسل) و معرفی آن به همراه برخی انتقادات به آن را بررسی می‌کند. نتایج نشان داد قرارداد محله‌ای، یک راه‌حل مناسب برای چالش‌های پیش روی این منطقه در بلژیک است.

هیبیتا^۱ (۲۰۲۲) ابتدا به تعاریفی در خصوص حکمروایی خوب شهری می‌پردازد و سپس حکمروایی خوب را شامل نهادهای رسمی، مدیریت‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان معرفی می‌کند.

مبانی نظری

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد^۲ حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی سرمایه اجتماعی شهروندان است، تعریف می‌کند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). کاروس^۳ (۱۹۹۷) حکمرانی را فرآیند تعامل پویا بین حکومت، بازار و بازیگران اجتماعی تعریف می‌کند که هر یک از طریق فرآیندهای رسمی و غیررسمی بر اعمال و تصمیمات دیگران تأثیر می‌گذارند و علاوه بر دولت، نقش دو عنصر بازار و مردم را در رشد و توسعه شهرها، مهم و اساسی می‌داند (برک‌پور، ۱۳۸۵، ۱۹۰).

بر اساس مطالعاتی که در زمینه حکمروایی شهری و مطابقت آن در شرایط شهرهای ایران انجام شده است، معیارهایی چون مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانون‌مندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی به عنوان معیارهای حکمروانی خوب شهری در ایران نام برده شده است. هر یک از این معیارها دارای مفهومی است که در نظامی یکپارچه در تعامل با یکدیگر نظام مدیریت شهری مبتنی بر حکمروایی خوب را تشکیل می‌دهد. در ادامه، هر یک از معیارهای فوق به عنوان معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران معرفی می‌گردند (برک‌پور، ۱۳۸۵، ۵۰۱):

1. UN- HABITAT
2. UN-HABITAT, the urban governance index.
3. Karus



- ۱) مشارکت شهروندان: منظور از مشارکت قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیریها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است. مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند.
- ۲) اثربخشی و کارایی: این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.
- ۳) پذیرابودن و پاسخ‌ده بودن: این معیار، دو نکته مکمل را هم در بر دارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب از خود نشان دهند. بنابراین، هم‌سوئی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان مورد توجه است.
- ۴) مسئولیت و پاسخگویی: این معیار بر مسئول بودن و، به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین وجود سازوکارهایی برای پاسخگویی مسئولان ضروری است.
- ۵) شفافیت: شفافیت نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است، پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.
- ۶) قانون‌مندی: منظور از قانون‌مندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست. پای‌بندی به قوانین مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین، احترام مسئولان به قانون است.
- ۷) جهت‌گیری توافقی: شهر عرصه حضور گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمانهای غیردولتی (نماینده گروه‌های مختلف) است.



۸) عدالت: منظور از عدالت ایجاد فرصتهای مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقاء وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، ۱۰).

۹) بینش راهبردی: فرا رفتن از مسائل روزمره شهری و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم وجود بینشی گسترده و دراز مدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

۱۰) تمرکززدایی: طبق مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه تمرکز زدایی هستند (شفیعی، ۱۳۸۱، ۵۱؛ فکوهی، ۱۳۸۳، ۳۸۳).

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست، بلکه پیشینه آن به آغاز شکل‌گیری تمدن بشری می‌رسد. به بیانی ساده مفهوم حکمرانی فرآیندی از تصمیم‌سازی است، روندی که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند (فرزین پاک، ۱۳۸۳، ۶۸). از این رو می‌توان آن را به قدمت تمدن بشری دانست. به طور خاص یکی از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری و مرتبط به این موضوع را برایان مک لالین^۱ در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام داده است. او حکمرانی را نوعی فرآیند می‌داند که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت^۲ و هم اجتماع^۳ را در بر می‌گیرد. افرادی دیگری چون مک کینلی^۴، اتکینسن^۵ نیز پس از او این بحث را مطرح کرده‌اند (برک‌پور، ۴۹۱، ۱۳۸۵). بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی (شیوه مدیریت اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان) موضوع محوری توسعه است. پس از آن سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه انسانی^۶ در سال ۱۹۹۶ در استانبول تأکید کرد که در جهت استقرار حکمرانی شهری در شهرهای جهان قدم بردارد و شعار خود را «فعالیت جهانی برای حکمرانی شهری پسندیده» قرار دهد. پس از آن مفهوم جدید حکمرانی خوب در سمینارها و همایش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفت و از سال ۲۰۰۰ بانک جهانی هر ساله گزارشی در مورد فعالیت‌ها

1. Mac Lalyn
2. Government
3. Community
4. Mc Linlay
5. Atkinson
6. Habitat



و همکاری‌های این بانک با کشورهای مختلف با عنوان «اصلاح نهادهای عمومی و تقویت حکمرانی»^۱ منتشر کرده است (عربشاهی، ۱۳۸۳، ۱۲). بانک جهانی در میان آژانس‌هایی بوده که در راستای ترویج حکمرانی خوب شهری تلاش نموده است. این تلاش منجر به افزایش آگاهی از میزان اهمیت حکمرانی خوب شهری شده است. بانک جهانی مشخصه‌های اصلی حکمرانی خوب شهری را این‌گونه بیان می‌دارد:

- روندی که با آن کسانی در قدرت هستند به صورت آزاد انتخاب و جایگزین شوند،
- پاسخگویی در برابر شهروندان،
- ثبات سیاسی برای اعمال سیاست‌ها،
- تأثیرگذاری حکومت‌های محلی،
- وسعت قاعده،
- تعادل بین شهروندان، دولت و بخش خصوصی،
- قانونمندی و
- کنترل فساد.

در مقام تعریف، حکمرانی خوب شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است که هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در بر می‌گیرد و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید دارد (برک پور، ۱۳۸۵، ۴۹۸). همچنین اصطلاح حکمروایی به معنای تمرکز بر فرآیند چگونگی اقتدار و منابع اختصاص داده شده در جهت اقدام هماهنگ و کنترل شده می‌باشد. بنا بر نظریه اکثر صاحب‌نظران، حکمرانی خوب شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند. نه این‌که عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه حکومتی اختیار دار آن دو باشد. به عبارت دیگر، منشأ قدرت و مشروعیت در حکمرانی خوب شهری، تمام شهروندان و حضور آن‌ها در همه صحنه‌ها و ارکان جامعه مدنی است (شهیدی، ۱۳۸۶، ۴۲). در واقع حکمرانی خوب شهری، روندی برای تصمیم‌گیری برای این‌که بدانیم کدام تصمیم کاربردی‌تر است. حکمرانی خوب شهری در واقع فرآیندی است که دولت آن را برنامه‌ریزی و هدایت می‌کند ولی با همکاری بخش خصوصی و همچنین شهروندان جامعه را به پیش می‌برد (برآبادی، ۱۳۸۳، ۴۵). در مقایسه با مفهوم

حکمرانی به طور عام، حکمرانی خوب شهری باید دارای ویژگی‌هایی باشد که مطلوبیت آن را تبیین کند. بر این اساس حکمرانی خوب، روشی است، مشارکتی، اجماع‌گرا، پاسخگو، شفاف، کارا و در برگیرنده و پیرو قانون (فرزین پاک، ۱۳۸۳، ۷۰). سازمان‌های بین‌المللی و صاحب‌نظران معیارهای مختلفی را برای تبیین حکمرانی خوب بیان کرده‌اند. در دومین اجلاس سازمان ملل متحد در مورد سکونت‌گاه‌های انسانی، معیارهایی چون: پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانون‌مدار بودن و غیره به عنوان ویژگی‌های حکمرانی خوب مطرح شده‌اند. به طور کلی از برآیند نظرات مختلفی که در مورد مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری بیان شده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی آگاهی و درک نخبگان شهر اهواز در استان خوزستان از مسئله مدیریت شهری است؛ اینکه آنها چه تصویری درباره مدیریت شهری دارند و در رویارویی با این مسئله چه ارزیابی از آن نشان می‌دهند. از آنجا که بهترین روش برای بررسی آگاهی و تجربه زیسته روش پدیدارشناسی است، پژوهش حاضر با این روش انجام شده است. پدیدارشناسی همزمان فلسفه و روشی است که ماهیت یا ذات پدیده‌ها (واحد‌های بنیادی در فهم هر پدیده) را بررسی می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰، ۲۶۱/۱). پژوهش حاضر به روش موستاکس^۱ انجام شده و شامل مراحل زیر است (بودلایی، ۱۳۹۵، ۳۴):

در اولین مرحله، بیان مسئله و سؤال پژوهش تدوین شده است. سپس، مفروضات فلسفی و پدیدارشناختی گردآوری شده‌اند. سؤال اصلی پژوهش در مورد ذهنیت مشترک مشارکت‌کنندگان پژوهش از مدیریت شهری است.

نمونه‌گیری، دومین مرحله از پژوهش پدیدارشناسی است. در این مرحله تعداد ۱۴ نفر از نخبگان اجرایی استان که آشنایی کافی با وضعیت و کیفیت مدیریت در شهر اهواز و در سطوح مختلف دارند، بررسی شده‌اند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و در دسترس بوده و تلاش شده است افرادی برای نمونه‌گیری انتخاب شوند که توانایی و فرصت کافی برای گفتگو داشته باشند. هدف پژوهش‌های کیفی، ارائه نمونه معرف نیست؛ بنابراین، نمونه‌ها با توجه به اهداف پژوهش انتخاب می‌شوند. حجم نمونه مانند بیشتر روش‌های کیفی تابع



قاعده اشباع است (پاتن^۱، ۲۰۰۲: ۲۱۳). در این پژوهش پژوهشگر با مصاحبه با ۱۴ نفر از نخبگان به اشباع رسیده است؛ یعنی اطلاعات بیشتری از مصاحبه‌های بیشتر به دست نمی‌آمد.

در این بررسی محورهای کلی سؤال شده از مشارکت‌کنندگان، عبارتند از: معنا و تجربه مشارکت‌کننده از مدیریت اجرایی چیست؟ مدیریت شهری ایده‌آل مدنظر او چگونه است؟ و چرا برای او ایده‌آل است؟ نگرانی او درباره مدیریت شهری در اهواز چیست؟ موانع در مسیر مدیریت از نظر او در اهواز چه بوده‌اند؟ پژوهشگر تلاش کرده است در خلال محورهای کلی مصاحبه سئوالات جزئی تری را مطرح و آگاهی ذهنی مشارکت‌کنندگان را واکاوی کند. مصاحبه با هر فرد به‌طور متوسط یک ساعت طول کشیده است. همچنین، در این مرحله و سایر مراحل پژوهش پژوهشگر تلاش کرده است باورهای خود درباره مدیریت شهری را در پرانتز قرار دهد تا به‌خوبی به جهان ذهنی مشارکت‌کنندگان راه پیدا کند و آن را بشناسد. در آخرین مرحله، پژوهشگر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را تجزیه و تحلیل و گزاره‌های معنی‌دار و مهم یا واحدهای معنایی، خوشه‌ها و تم‌ها را از گزاره‌ها استخراج کرده است (هاینکر^۲، ۱۹۸۵). در رویکرد پدیدارشناسی تجربی اصل اساسی، داشتن تجربه است. تجربه‌کردن تنها راه توصیف فردی تجربه‌های زیسته افراد است؛ درواقع، پدیدارشناسی وجوه مشترک تجربه زیسته مختلف را استنباط می‌کند و این نقطه مشترک را مبنایی برای فهم معنای اصلی آنها قرار می‌دهد (بیبر^۳، ۱۹۹۶).

منظور از واحدهای معنایی عباراتی است که مفهومی واحد را می‌رسانند. منظور از تم‌ها نیز مفاهیمی است که می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای معنایی را ذیل آنها قرار داد. خوشه‌ها نیز دسته‌بندی‌های فرعی درون تم‌ها هستند. در ارائه نتایج هم واحدهای معنایی مشترک و هم واحدهای معنایی منفرد که زیر تم مشترک قرار می‌گیرند، گزارش شده‌اند. همچنین باید توجه داشت هر کدام از این واحدهای معنایی مشترک سازنده ذات پدیده‌اند. ذات پدیده نیز به معنای پدیدار اجتماعی یا همان میان‌ذهنیت مشترک نخبگان مطالعه‌شده درباره مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است.

1. patton
2. Hyener
3. Beere



تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همان طور که ذکر شد در پژوهش حاضر با تعداد ۱۴ نفر از نخبگان ساکن در شهر اهواز با هدف کسب تجربه و احصاء درک آنها از وضعیت مدیریت شهری اهواز مصاحبه عمیق شد. همه این افراد یا تجربه مدیریت در سطوح مختلف داشته‌اند و بین ۱ تا ۱۰ سال در شهر اهواز ساکن بوده و از نظر دانش و اطلاع، از صاحب‌نظران حوزه مدیریت در شهر اهواز بوده‌اند. و یا جزو نخبگان استان محسوب می‌شوند و در سمت‌ها و مشاغل دانشگاهی یا مواردی از این دست به فعالیت مشغول هستند. از میان این ۱۴ نفر، ۵ نفر در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تحصیل کرده‌اند و ۹ نفر در حوزه فنی و مهندسی و علوم پایه. پیش از انجام پژوهش سوابق شغلی و حرفه‌ای این نخبگان مورد ارزیابی قرار گرفت و از داوران بیرونی خواسته شد که درباره اطلاع این نخبگان از وضعیت خوزستان نظر دهند تا اطمینان حاصل شود که این افراد نسبت به موضوع پژوهش آگاهی دارند. برخی از نخبگان مذکور، در حوزه مدیریت شهری اهواز و در سمت‌هایی در سطوح مدیریت و یا معاونت شهرداری اهواز، آب و فاضلاب شهری و سازمان‌های مشابه فعالیت داشته‌اند و برخی دیگر تجربه تدریس دروس مرتبط را در دانشگاه شهید چمران اهواز، پیام نور و دانشگاه آزاد داشته‌اند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

جنس		سن		تحصیلات		ازدواج	
مرد	زن	۱۵ تا	۳۱ تا	فوق دیپلم و فوق لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	مجرد	متاهل
۱۲	۲	۱	۲	۱	۳	۱	۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از مصاحبه، پس از طی مراحل مختلف ذکر شده در بخش روش پژوهش، با محوریت تم‌های مرکزی گزارش می‌شود. در ادامه تم‌های مرکزی، خوشه‌ها و واحدهای معنایی به دست آمده از مصاحبه‌ها بیان می‌شوند:



۱- **معنای مدیریت شهری:** اولین تم مرکزی استخراج شده از مصاحبه‌هاست. این تم معنا و مفهوم ذهنی مشارکت‌کنندگان از مدیریت شهری را بررسی کرده و مشتمل بر خوشه‌های فضای مفهومی و تعریف مدیریت شهری است. واحدهای معنایی مربوط به فضای مفهومی و تعریف مدیریت شهری عبارتند از: شناخت از علم مدیریت، شناخت از تکنولوژی و دانش، پیشرفت و ترقی، رشد دانش شهروندان، نظم و انضباط است. از نظر مشارکت‌کنندگان معنای مدیریت شهری دربردارنده این مفاهیم است و آنان از این دریچه، به ارزیابی و فهم وضعیت مدیریت شهری در اهواز نگاه می‌کنند. به عنوان مثال، مشارکت‌کننده‌ای درباره تسلط به علم مدیریت اظهار داشته است:

«بدون بهره بردن از علم مدیریت همیشه کاری رو در شهرهای امروز پیش برد. برخی از مشکلات اهواز به نظرم از همین موضوع نشات می‌گیره و اونم در شرایطی که با بهره‌گیری از متخصصین میشه مشکلات رو کاهش داد. توی اهواز از این نظر مشکل داریم. من خیلی وقتاً می‌بینم که تقسیم کار دقیقی بین سازمان‌ها وجود نداره و دوباره کاری یا چندباره کاری زیاد به چشم میاد. اینا همش هزینه‌زاست در حالی که با مدیریت یکپارچه و هوشمند قابل رفع هست...» (۵۲ ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت‌کننده دیگری درباره اهمیت مفهوم نظم و انضباط در تعریف مدیریت شهری می‌گوید:

«به نظر من یکی از تجلی‌های مدیریت شهری در نظم و انضباط شهری است. یعنی شهر باید یک جریان منظم باشه و همه چیز در اون راستا حرکت کنه. شهر باید آهنگ یکنواخت داشته باشه و مسیر مشخصی داشته باشه در راستای بهبود. اما توی اهواز این‌طور نیست، یعنی یه حرکت یکنواخت ملایم به سمت بهتر شدن در اون نیست. یا لااقل استنباط شهروند این‌طور نیست به نظرم. همیشه انکار کرد که خیلی کارها داره انجام میشه؛ مثل احداث روگذر و زیرگذر و امثالهم، اما بحث اینکه که اون انضباطی که لازمه توی این موارد نمی‌بینیم...» (۴۷ ساله، دکتری). مصاحبه‌شونده دیگری درباره اهمیت تکنولوژی و دانش می‌گوید:



«بالندگی شهر به میزان دانش مدیران و برنامه‌ریزان بستگی دارد و هر چقدر اون‌ها آمادگی بیشتری برای ایجاد تغییرات نوین داشته باشن، شهر هم می‌تونه بهتر به پیش بره». (۳۸ ساله، دکتری).

۲- معیارهای مدیریت شهری مطلوب: دومین تم مرکزی استخراج شده است. از نظر نخبگان مشارکت‌کننده در پژوهش و بر مبنای اظهارات آنان، مهم‌ترین معیارهای مدیریت مطلوب شهری شامل موارد زیر است:

— حضور و مشارکت شهروندان در متن شهر: از نظر مشارکت‌کنندگان، منظور از مشارکت شهروندان در واقع توان تأثیرگذاری آنان در روند و متن شهر است. در واقع با این روند، یک شهر شراکتی شکل می‌گیرد که در آن، مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«زینت شهر به مردمی هست که به شکل پویا و آزادانه در روند آن مداخله می‌کنند و به آن جهت میدن. حالا اگه نمادهای فرهنگ این مردم در سطح شهر نمایش داده بشه، از نظر هویتی خیلی موثره. توی اهواز در دهه اخیر به کارایی در این زمینه کردن اما بازم به نظرم لازمه این موضوع هویت خیلی جدی تر گرفته بشه» (۲۹ ساله، کارشناسی ارشد).

— پاسخگویی و تعامل با مردم: از نظر مشارکت‌کنندگان، مسئولان شهری باید درک صحیحی از خواسته‌ها و مطالبات شهروندان در سطوح مختلف داشته باشند و به نمایندگی از آنان این خواسته‌ها را پیگیری کنند. به عبارت دیگر، خواست و اراده مردم در مدیریت شهری موثر و منعکس باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مدیریت شهری باید خیلی سهم برای نظر و دیدگاه مردم قائل باشه. یعنی برنامه‌هاش رو در تعامل با مردم ببندد. توی قانون اساسی و نگاه مسئولان هم این اومده ولی باید در اجرا اینو دید و بهش عمل کرد. برای تغییرات عمرانی یا استفاده از نمادهای فرهنگی توی اهواز چندان تعامل و نظرخواهی از مردم



نمی‌بینیم، یا لاقل من ندیدم! قطعاً اثرات مثبتی داره اینجور کارها. شهر مردمدار میشه اگه نظر مردم رو بشه توی یه فرآیند تعاملی دید». (۴۸ساله، دکتری).

– مسئولیت‌پذیری: این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین، وجود سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی مسئولان ضروری است. مقصود از مدیریت شهری مطلوب وضعیتی است که موارد ذکر شده را به شکلی موثر در برگیرد. از نظر مشارکت‌کنندگان، بخشی از آنچه مدیریت شهری مطلوب می‌نامیم، در منش و کردار مدیران خود را نشان می‌دهد. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای در این باره اظهار داشته است:

«به نظر من پاسخ‌گویی خیلی ملاک مهمیه، اگر مدیر در برابر ارباب رجوع با صداقت عمل کنه و جواب مراجعان رو بده، مردم کارشون راه می‌افته...» (۵۸ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت‌کننده دیگری درباره مفهوم مسئولیت‌پذیری به عنوان یک معیار دیگر مدیریت شهری می‌گوید:

«مدیریت باید اثربخش باشه. یعنی بین بودن و نبودن اون مدیر در اونجا یک تفاوت واقعی و محسوسی وجود داشته باشه...» (۴۱ساله، کارشناسی‌ارشد).

۳- اخلاق حرفه‌ای: سومین تم مرکزی است که از نظر مشارکت‌کنندگان در مدیریت شهری اثرگذار است و شامل: مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری و اخلاق‌ورزی در شغل، تامین امنیت روانی کارکنان، تزریق روحیه عدالت محوری، کاهش استرس و فشارهای روانی، تشویق کارکنان به پایبندی کامل به اصول ارزشی، دارا بودن الگوهای رفتار ارتباطی، نظام مند کردن همه امور در حرفه و انتقادپذیری است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره اظهار داشته است:

«هنوز خیلی مونده تا اخلاق حرفه‌ای در مدیریت شهری اهواز جا بیفته. کارکنان احساس تبعیض دارن و فشارهای روانی هم روی برخیا بیشتر از برخی دیگست...» (۴۸ساله، کارشناسی‌ارشد).



مشارکت کننده دیگری با اشاره به اخلاق حرفه‌ای تاکید می‌کند که؛
«ارتباط مسئولین با شهروندان ضعیفه در اهواز. برای کارمندان مهمه که قانون رو رعایت کنن، اما مهم نیست به شهروند و ارباب رجوع هم جوری توضیح بدن که اونم قانع بشه».

۴- **تسهیم دانش:** چهارمین تم مرکزی است. این تم به بعد مستندسازی تجارب و دانش در مدیریت شهری اشاره دارد و از نظر مشارکت کنندگان شامل؛ ارائه اطلاعات صحیح، انتقال تجارب، انجام کار تیمی و پشتیبانی کاری است. به عنوان مثال: خوشه انتقال تجارب برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، تبادل دانش با همکاران، مستندسازی تجارب بازنشستگان است. مشارکت کننده‌ای در زمینه واحد معنایی انتقال تجارب می‌گوید:
«لان ما در مدیریت شهری برخی کاستی‌ها رو داریم که راهکارهای سازمانی هم برای حل و فصل اون وجود داره، اما بخاطر بی توجهی به مستندسازی دانش حل نشده مونده ...» (۴۸ساله، کارشناسی‌ارشد).
به عنوان یک نمونه دیگر، خوشه انجام کار گروهی شامل عمل به تعهدات گروهی، ظرفیت همکاری با دیگران، افزایش تحمل و مدارا است. مصاحبه‌شونده‌ای درباره عمل به تعهدات گروهی بیان داشته است:
«درباره ما ایرنیا گفته میشه که کار گروهی مون ضعیفه، ولی من میگم این موضوع با آموزش قابل رفعه» (۵۱ساله، دکتری).

۵- **رفتار متعهدانه:** یکی دیگر از تم‌های مرکزی ظهور یافته رفتار متعهدانه است که ابعاد آن شامل؛ تعلق خاطر به سازمان، علاقه به حرفه، برخورد عقلانی و روش‌مند در مواجهه با مشکلات اخلاقی در سازمان، تهیه و تدوین منشور اخلاقی و تعهدات کاری مربوط به سازمان است.
از نظر مشارکت کنندگان رفتارهای متعهدانه کارکنان شاخصی است از وفاداری فرد نسبت به سازمان و اینکه فرد سازمان را معرف خود بداند و به اصطلاح به عضویت خود در چنین سازمانی ببالد. رفتارهای متعهدانه کارکنان، احساس هویت و وابستگی نسبت به یک شغل و حرفه‌ی خاص بوده و بر تمایل و علاقه به کار در یک حرفه به عنوان تعهد شغلی



تاکید دارد. مطالعات نشان داده است کارکنان با رفتار متعهدانه بر این باورند که کار در سازمان برایشان مهم است و آنها احتمالاً با ارزش‌های سازمانشان موافق بوده خود را به عنوان بخشی از سازمان حس کرده، در انجام وظایف محوله ثابت قدم هستند و تجارب کاری مهم را جهت رفاه خود و سازمانشان کسب می‌کنند. به واقع رفتار متعهدانه کارکنان منبع قوی انگیزشی برای تقویت عملکرد کارکنان و نیز متقاعد ساختن آنها برای ادامه کار در شرایط دشوار نظیر تنش و فشارهای مرتبط با کار است. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید:

«اینکه فرد کارش رو دوست داشته باشه خیلی مهمه...» (۳۳ساله، کارشناسی‌ارشد).

۶- وظایف مدیریت شهری: از نظر مشارکت کنندگان پژوهش، یک مدیر شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و درصدد تقویت مزایای رقابتی آن برآید. از این رهگذر است که شهر می‌تواند نقطه قابل اتکایی در شبکه جهانی شهرها بیابد و کارکردهای خود را بهبود بخشد. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید:

«بعضی از مدیران شهری اهواز، تجربه کافی در حوزه کارشون ندارن. از اداره یا سازمان دیگه ای میان و انتصاب شون نمی‌تونه کمک موثری به حل مشکلات کنه. چون تا بیاد راه بیفته و مسلط بشه بر مجموعه اش، دوره مدیریتش سرمیاد» (۳۳ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت کننده دیگر با اشاره به سطح مدیریت در شهر اهواز تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

«بعضی از مدیران رو میشه گفت مدیر شهری و بعضی دیگه رو مجریان عملیاتی شهرداری. این‌ها می‌تونن هر دو لازم باشن اما مدیر شهری باید خلاق باشه و ضمن تسلط به وظایفش، افق‌های جدیدی جلوی شهر باز کنه». بسیاری، معتقدند که جامعه آینده، جامعه‌ای شهرنشین خواهد بود. بنابراین، شهرها به جای این که مکان‌هایی بی‌ثمر برای سرمایه‌گذاری اقتصادی یا تراکم کارگران بیکار با انبوه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی باشند، باید به مراکز رشد و پویایی اقتصادی



و اجتماعی، در چارچوب ملی، بدل شوند. این مراکز، باید آفرینش‌گر فرصت‌هایی ارزنده برای رفاه و توسعه، نه تنها جمعیت ساکن در آن، بلکه جمعیت تمامی کشور باشد.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی آگاهی و تجربه زیسته نخبگان و مدیران استان خوزستان از تعریف، مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است. برای دستیابی به این هدف ۱۴ نفر از نخبگان و مدیران استان به روش پدیدارشناسی بررسی شدند. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی مدیریت شهری اهواز شهروندان در حوزه‌های مختلف، مطرح شده است.

عمده موضوعات مورد توجه مشارکت‌کنندگان پیرامون وظایف مدیران شهری، ساختار مدیریت شهری اهواز، تسهیم دانش و مواردی از این دست بوده است که همگی نشان‌دهنده نوعی نارضایتی از دانش و شیوه مدیریت شهری در اهواز است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقدند مدیریت شهری اهواز میانگین مدیریت سایر کلانشهرها عملکرد ضعیف‌تری دارد و کیفیت نامطلوب مبلمان شهری، آبرفتگی معابر و سایر چالش‌های شهر اهواز موید این دیدگاه است. از منظر تاریخی، قوانین مدیریت شهری در ایران، به مفهوم امروزی خود، تقریباً راهی صدساله را طی کرده است. در سال ۱۲۸۶ خورشیدی و یک‌سال پس از گشایش اولین مجلس شورای وقت، سه قانون بلدیه، انجمنهای ابالتی و تشکیل ایالات و ولایات به تصویب مجلس وقت رسید. انجمن‌های بلدی نیز قبل از آنکه بتوانند کاری را از پیش ببرند، بعد از چهارسال به پیشنهاد دولت وقت منحل گردیدند. زیرا، مدیران اغلب شهرها از تخصص لازم در زمینه مدیریت تشکیلاتی و آشنایی عملی با فنون شهرسازی و مدیریت شهری برخوردار نبودند.

مشارکت‌کنندگان پژوهش با مرور تاریخ تشکیل نهادهای مدیریتی شهر و مقایسه آن با وضعیت امروز مدیریت شهری بر این باورند هنوز مدیران شهری، از دانش مدیریت در شهر به اندازه کافی برخوردار نیستند و مقررات دست و پاگیر اداری، این مشکلات را دوچندان می‌سازد. اقدامات و برنامه‌هایی که از طریق آنها صورت می‌گیرد، اغلب از عمق لازم برخوردار نیست. اغلب آنها به صورتی سلیقه‌ای و با وجود مشکلات ساختار اداری که نقش مهمی در اجرای درست برنامه‌ها دارد، به کار می‌پردازند. از نظر مشارکت‌کنندگان اگرچه دولت‌ها باید نقش پشتیبانی، ارشادی و هدایتی شهرداری‌ها را داشته باشند، ولی برنامه‌های



آنها بدون توجه به منافع و یا مضراتی که برای شهر دارد، بر امور شهرها سایه افکنده است. این مورد به مسایل ساختاری و تشکیلات موجود شهرداری‌ها باز می‌گردد. از نظر آنان مدیریت شهری آگاه به وظایف در سایه ثبات مدیریتی و همچنین، در تعامل با مجموعه‌های علمی استان، می‌تواند خلاقیت و افق‌گشایی شهری را مدنظر قرار دهد و محدودیت‌های ساختاری را در راستای حل مشکلات مانع راه خود نبیند.

از نظر مشارکت‌کنندگان، با وجود قوانین متعدد و بعضاً دست و پاگیر در برخی حوزه‌ها هنوز خلا قوانین وجود دارد و مماشات غیرضروری سبب می‌شود که برخی گذشت‌ها یا نادیده انگاری‌ها شکل بگیرد که می‌تواند تبعات نامناسبی برای جامعه داشته باشد. در حالی که هدف مدیریت شهری در آنجا کمک به افراد و تسهیل روند اداری فعالیت یا کسب و کار آنان است. از نظر آنان هر اقدامی که برای شهر صورت می‌گیرد، باید برنامه خود را با برنامه‌ای شهر هماهنگ سازد. در این میان، آنچه که به نفع شهر نیست، نباید به مرحله اجرا در آید.

استراتژی‌ها و راهکارهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان برای برون‌رفت از وضعیت کنونی و ارتقاء کیفیت حکمرانی شهری در اهواز، پیگیری مطالبات شهروندان و گزارش روند پیشرفت‌ها در این حوزه است. از نظر آنان مجموعه مدیریت شهری در استان باید به شکلی محسوس چالش‌ها و مشکلاتی که عموم شهروندان با آن مواجه‌اند را مورد توجه قرار دهند و در صورت تمرکز بر حل آنها، به شکلی شفاف گزارش پیشرفت پروژه‌ها را به اطلاع شهروندان برساند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.





References

- Imani Jajermi, H. (2007). Municipality law, Iran's first rise towards democracy. Hossein Imani Jajermi, *Sarmayeh newspaper*. (in Persian)
- Abdulhi, M. (2012). evaluation of the social dimensions of urban neighborhoods in the framework of social capital, a case study of Shiraz neighborhoods, *Urban Management*, 32: 163-184. (in Persian)
- Armed Forces Organization. (2004). Geographical dictionary of the settlements of Ahvaz city, first volume. (in Persian)
- Azizi, M. M. (2010), sustainable urban development; An understanding and analysis from a global perspective, Safa, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, 11 (33): 14-27. (in Persian)
- Barabadi, M. (2004): The Alphabet of the City, first edition, publications of the Organization of Municipalities and Villages of the country. (in Persian)
- Barakpour, N., Goharipour H.& Karimi, M. (2010). Evaluation of the performance of municipalities based on the measurement of people's satisfaction with urban services (case example: districts 1 and 11 of Tehran city). *Urban Management Quarterly*, 25, 218-203. (in Persian)
- Barakpour, N. & Asadi, I. (2008). Urban Management and Governance. Tehran., University of Arts. Research assistant. (in persian)
- Barakpour, N. & Asadi, I. (2018). Urban management and governance, University of Art Publications. (in Persian)
- Barakpour, N. (2008). Transition from urban government to urban governance in Iran, thesis of the doctoral course of urban planning, University of Tehran. (in Persian)
- Bonds, M. (2019). urban social theory, (city, self and society), translated by Dr. Rahmatullah Sediq Sarostani, Tehran University Press, first edition. (in Persian)
- Budlai, H. (2015). Phenomenological research method, Tehran: *Sociologists*. (in Persian)
- Hajipour, Kh. (2008). neighborhood planning program - the basis of an effective approach in creating sustainable urban management, *Fine Arts Magazine*, 26: 37-46. (in Persian)
- Imani Jajermi, H. (2012). The Law on Organizations, Duties and Elections of the Islamic Councils of the Country and the Election of Mayors. (in Persian)
- Oakley, P. & Oakley, M. (2012). Participation approaches. Translated by Mansour Mahmoud Nejad, Tehran: *Publication of Jihad Rural Issues Research Center*. (in Persian)

- Salehi, R., Nemati, M. & Amanpour, S. (2013), Investigating the mechanism and influence of social capital indicators in optimal urban governance using Amos, a case study: Shahr Nasim Shahr, *Journal of Spatial Planning (Geography)*, 4 1: 1-24. (in Persian)
- Arabshahi, Z. (2004). The program of the fourth law under the microscope of good urban governance, *Municipalities Quarterly*, 6 (69): 21-29. (in persian)
- Mohed A., Kaman Roudi, M., Sasanpour, F. & Ghasemi Kafroodi, S. (2014). Investigation of good urban governance in urban neighborhoods (case study of District 19 of Tehran Municipality), *Urban Planning Studies Quarterly*, 2(7):147-176. (in Persian)
- Nazarian, A. (2008). Cities of the Future: Center of Human Disaster or Platform for Cultural Balance, *Space Magazine. Geography*, 1 (3). (in Persian)
- Nasiri, I. (2014). Evaluation of the management performance of the central area on the effectiveness of the optimal urban governance, a case study of District 4 of Tehran, *Journal of Urban Planning and Research*, 6(21): 156-39. (in Persian)
- Latifi, Gh. (2008). Urban Management. *Publications of the Organization of Municipalities and Villages of the country*. (in Persian)
- Meshkini, A., Pourmousavi, S. M. & Moezen, S. (2012). Evaluation of the neighborhood management model based on desirable urban governance indicators, case study: Evin neighborhood. *Quarterly Journal of Urban Studies*, 2(6): 31-42. (in persian)
- Mohammadpour, A. (2011). Anti-Method of Qualitative Research (Steps and Practical Procedures in Qualitative Methodology), Tehran: *Sociologists*. (in Persian)
- Aylett, A (2015). Institutionalizing the urban governance of climate change adaptation: Results of an international survey". *Journal of Building Capacity for Climate Change Adaptation in Urban Areas*, 41 (1): 4-16. (DOI: 10.1016/j.uclim.2015.06.005) .
- Beere, D. (1996). An investigation using experimental phenomenology. *Dissoclecion*, IX (1), 48-58.
- Blair, H. (2000): Participation and Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries. *World Development*, pp: 21-39
- Coleman, j. (2009). Social in the creation of human capital. *American journal of Sociology*, 94:95-120.
- Culling Worth. J.B. (1997). *Toward Country Planning in the UK*. Routledge, London.
- Hycner, R. (1985). Some Guideline for the Phenomenological Analysis of Interview Data. *Human Studies*, 8: 279-303.
- Lerner, D. (2008). *the Passing of Traditional Society Modernizing the Middle East*. New York: Free Press.

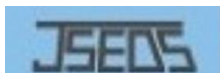


- Romańczyk, K. (2015). Towards urban governance: Twenty years of neighborhood contracts in the Brussels-Capital Region, 44: 1-8.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative Research & Evaluation*. London: Sage Publication.
- Stewart, K. (2006). Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver, *Cities*, 23 (3): 196–204 .
- Watson. V. (2009). The planned city sweeps the poor away: Urban planning and 21st century urbanization, *Journal of Progress in Planning*, 72: 151–193.
- UNDP, (1997). *Defining Core Characteristics of Good Governance*, United Nations Development Programme, Management Development and Governance Division, Strengthening Capacity for People-Centred Development, UNDP, New York.
- UN-HABITAT. (2004). *Urban Governance Index (UGI): A Tool to measure progress in achieving good urban governance. Global Campaign on urban Governance.*

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



مقاله پژوهشی

بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی ایران از منظر جامعه‌شناختی^۱

اله‌ام عرب‌پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی ایران از منظر جامعه‌شناختی است. در این پژوهش تلاش شده است به مسائل زیست‌محیطی از منظر جامعه‌شناختی نگریسته شود و شیوه بروز و ظهور مسائل تحلیل شود. با گسترش تکنولوژی و صنعتی شدن، مسائل زیست‌محیطی زیادی ناشی از شکاف بین انسان و طبیعت شکل گرفته است. این مسائل در بستری از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بروز می‌یابند. به عبارت دیگر، مشکلات زیست‌محیطی به لحاظ منشأ و پیامدها، مختص مردم و شرایط اجتماعی و فرهنگی آن‌هاست و بنابراین مسئله محیط زیست مقوله‌ای اجتماعی است. به همین منظور با استفاده از داده‌های داده‌های موج هفتم (۲۰۲۰-۲۰۱۷) پیمایش ارزش‌های جهانی و با روش تحلیل ثانویه، و به کمک دو رویکرد انتقادی و برساخت‌گرایی، نگرانی زیست‌محیطی افراد و ارتباط آن با برخی متغیرها از جمله ارزش‌های پسامادی، اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، استفاده از تلویزیون مورد سنجش قرار دادیم. یافته‌ها حاکی از آن بود که افراد جوانتر، صاحب ارزش‌های پسامادی و با تحصیلات بیشتر اولویت را به حفاظت از محیط زیست می‌دهند. در حالی که در مقابل گروهی اولویت را به رشد اقتصادی اختصاص می‌دهند که سن بیشتر، تحصیلات کمتر و ارزش‌های مادی‌گرا دارند.

واژگان کلیدی: برساخت مسائل زیست‌محیطی، پیمایش ارزش‌های جهانی، تحلیل ثانویه.

طبقه‌بندی موضوعی: Z00.

مقدمه و طرح مسأله

با بروز انقلاب صنعتی و تحولات تکنولوژیکی، رابطه‌ی جدیدی بین انسان، جامعه، و محیط زیست برقرار شد که اساس آن استفاده‌ی حداکثر از منابع طبیعی و تولید حداکثری در زمان حداقل است. در این شرایط محیط زیست به منبع رایگانی برای تولید بی‌رویه بشر و رسیدن به حداکثر سود و سرمایه تبدیل می‌شود. امروزه مسائل زیست‌محیطی دارای مفاهیم اجتماعی هستند و بخش عمده‌ای از باورها و رفتارهای زیست‌محیطی افراد تحت تاثیر نظام‌های فرهنگی و اجتماعی تغییر و تحول می‌یابد. (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۵). مشکلات زیست‌محیطی در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در بستری از زمینه‌های اجتماعی بروز می‌یابد. مسائل محیط زیستی به لحاظ منشأ و پیامدهایشان، مختص مردم، شرایط زندگی و زیست اجتماعی فرهنگی آنهاست (اروین^۱، ۱۳۹۳) لذا مسأله محیط زیست مقوله‌ای اجتماعی است.

تا مدت‌ها بسیاری بر این باور بودند که مشکلات زیست‌محیطی مختص جوامع پیشرفته است و کشورهای در حال توسعه، به واسطه‌ی دوران گذار، با مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فناوری و جز آن دست به گریبان‌اند. بنابراین، در اولویت‌بندی برای رویارویی با مشکلات، مسائل زیست‌محیطی در رده‌های پایین‌تر قرار می‌گرفت (صالحی، ۲۰۱۰). نتایج بررسی‌های اولیه‌ی اینگلههارت هم نشان می‌داد توجه به محیط زیست در کشورهای پیشرفته و پست مدرن بیش از جوامع دیگر است (اینگلههارت^۲، ۱۳۷۵). اما پیامدهای مهم و بلندمدت عملکردهای انسانی بر محیط زیست به سرعت در حال آشکار شدن است. امروزه، دیگر کسی نمی‌تواند ادعا کند مسائلی همچون گرم شدن زمین، تغییرات آب و هوا، آلودگی هوا، کاهش منابع سوخت فسیلی، و تخریب زیست بوم‌های بکر و دست نخورده مختص کشورهای توسعه یافته است (ای‌هی، گرینبرگ^۳، ۲۰۰۸، ۲). بسیاری از مسائل زیست‌محیطی ناشی از رفتارهای انسان‌ها با محیط زیست است. این رفتارها نیز تحت تأثیر عوامل مختلف، به ویژه ارزش‌های زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی بروز می‌یابند (یوسوی^۴ و همکاران، ۲۰۰۳). از این رو، ارزش‌های زیست‌محیطی از فاکتورهای بسیار مهم و تأثیرگذار بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد است. رفتارهای زیست‌محیطی افراد تحت تاثیر شرایط ساختی و اجتماعی است که بسترهای مقتضی برای

- 1 . Irwin
- 2 . Inglehart
- 3 . Ai He & Greenberg
4. Usui et al.,



نحوه تعامل با محیط طبیعی را فراهم می‌کند. به عبارتی یکی از شاخص‌هایی که عملکرد دولت‌ها و مردم را نسبت به مسائل زیست‌محیطی نشان می‌دهد، شاخص ارزش‌ها (مادی/فرامادی) است. ارزش‌های زیست‌محیطی، شامل جهت‌گیری‌های اساسی فرد در زمینه محیط زیست و نشان‌دهنده جهان‌بینی وی در برابر جهان طبیعی است (بار و همکاران^۱، ۲۰۰۳، ۳). پس می‌توان ارزش‌های زیست‌محیطی را معیاری دانست که به کمک آن‌ها فرد یا گروه یا جامعه امکان می‌یابند اهمیت محیط زیست را ارزیابی کنند. در شرایطی که جامعه هنوز آگاهی لازم را در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی فراهم نکرده یا به بر ساخت مسائل خاصی همسو با اهداف گروهی معین و منافع صاحبان قدرت دست زده، بهره‌برداری مصرفی از طبیعت، بی‌توجهی و تخریب آن ناگزیر خواهد بود. اینجاست که نقش نهادها، رسانه‌ها، سازمان‌های زیست‌محیطی و سیاست‌گذاران اجتماعی پررنگ می‌شود. جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران اجتماعی می‌توانند با تدوین سیاست‌ها و قوانین، بر ساخت مسائل را در راستای اهداف زیست‌محیطی قرار دهند. آگاهی جامعه و توجه به مسائل زیست‌محیطی باعث می‌شود روند توسعه بهبود یابد و از آثار تخریبی زیست‌محیطی کاسته شود. چرا که در بررسی مسائل زیست‌محیطی جامعه به ویژه در سطوح ملی و محلی نیازمند مشارکت چندگانه سازمان‌ها، نهادها و مردم در ابعاد و سطوح مختلف و همینطور آموزش، آگاهی، دانش و مسئولیت‌پذیری هستیم.

سئوالات اساسی در حوزه آسیب‌ها و مشکلات زیست‌محیطی عبارتند از: آیا کنشگران، موضوعات زیست‌محیطی را یک مسأله جدی تلقی می‌کنند یا نه آن را صرفاً امری ذهنی و غیر مهم می‌دانند؟ چرا برخی کشورها و کنشگران اقدامات پیشگیرانه و جدی برای مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی انجام می‌دهند در حالی که برخی دیگر همچنان، بدون توجه به مسائل و مشکلات زیست‌محیطی در سطوح مختلف محلی، ملی و جهانی به کار خود ادامه می‌دهند؟ چرا مردم بر مخاطرات خاصی تاکید دارند و از برخی دیگر چشم‌پوشی می‌کنند؟ آیا نحوه بیان مسأله و بر ساخت آن از سوی صاحبان قدرت و رسانه در برجسته کردن برخی مسائل زیست‌محیطی و بی‌اهمیت جلوه دادن برخی دیگر، موثر است؟

بالاگرفتن تب محیط‌زیست‌گرایی در سطح جهانی و فعالیت‌های زیست‌محیطی و جنبش‌های اجتماعی، که برگرفته از مسائل و مشکلات روزافزون جهانی است، بسیاری از دانشمندان اجتماعی را ملزم به مطالعه ارزش‌ها و نگرانی‌های زیست‌محیطی کرده است. از سوی دیگر شناخت دیدگاه‌ها و نگرش‌های مردم در حوزه محیط زیست و وضعیت کشور از لحاظ شاخص‌های زیست‌محیطی جهانی،

1 . Barr et al.,



می‌تواند راه را برای برنامه‌ریزی مؤثرتر در این زمینه باز کند و سیاست‌گذاری مفیدی در این حوزه با توجه به این شناخت صورت بگیرد. پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی وضعیت شاخص‌های زیست‌محیطی ایران با دو رویکرد انتقادی و برساختگرایی می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که با توجه به شاخص‌های مطرح شده در داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) (۲۰۲۰) مردم ایران تا چه حد نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساسیت دارند و در مورد آینده محیط زیست نگرانند.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش:

با توجه به اهمیت جهانی مسائل زیست‌محیطی، پژوهش‌های متعددی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و فنی صورت گرفته است. افراد هر جامعه بر اساس نگرش‌ها و ارزش‌های خاص فرهنگی و اجتماعی خود واکنش‌های متفاوتی در برابر محیط زیست دارند؛ واکنش‌هایی که گاه حامی و گاه تخریب‌کننده محیط زیست‌اند. با توجه به هدف این پژوهش یافته‌های مسائل زیست‌محیطی در حوزه علوم اجتماعی بیش از سایر حوزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

پژوهش‌های صورت گرفته در کشور ذیل ۲ دسته بررسی می‌شوند.

دسته اول، پژوهش‌هایی هستند که عوامل اجتماعی موثر بر تعلق‌مندی یا بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست را بررسی می‌کنند. به طور مثال کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق‌مندی نسبت به محیط زیست به این نتیجه رسیدند که متغیرهای عمدتاً فرهنگی در رویکرد اثبات‌گرایی و ساخت‌مندی اجتماعی قادر به تبیین حدود نیمی از تغییرات احساس تعلق در قبال محیط زیست در میان شهروندان تهرانی هستند. در پژوهشی دیگر فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند بی‌تفاوتی زیست‌محیطی تحت تأثیر متغیرهای نگرش زیست‌محیطی، احساس مسئولیت، دانش زیست‌محیطی، و اثربخشی است و با افزایش این متغیرها بی‌تفاوتی زیست‌محیطی کاهش می‌یابد.

دسته دوم، به مسائل زیست‌محیطی از منظر مردمی و جامعه‌شناختی تاکید دارند. در این دسته نیز صالحی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند هنوز وضعیت‌های نامطلوب محیط



زیستی در ایران، تبدیل به مسأله اجتماعی نشده است زیرا همچنان پیش شرط های لازم برای تعریف موفق یک برساخت اجتماعی در کشور، وجود ندارد و به همین دلیل بسیاری از مسائل و مشکلات محیط زیستی نتوانستند تبدیل به یک مسأله عمومی و همگانی و به تعبیر دقیق تر، مسأله اجتماعی شوند. نصرتی نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با تبیین جامعه‌شناختی رفتار زیست‌محیطی شهروندان تهرانی، به این نتیجه دست یافتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین نگرش و آگاهی زیست‌محیطی با رفتار شهروندان وجود دارد.

توجه اکثر پژوهش‌ها در کشور به مسائلی همچون میزان تعلق یا بی‌تفاوتی شهروندان، آگاهی و نگرش آنان نسبت به مسائل زیست‌محیطی و عدم توفیق در مردمی کردن مسائل زیست‌محیطی جلب شده است. و کمتر پژوهشی وجود دارد که با رویکرد جامعه‌شناختی (به طور خاص رویکردهای برساخت‌گرایی و انتقادی) به مسائل و نگرانی‌های زیست‌محیطی از منظر ارزش‌های زیست‌محیطی بپردازد. این پژوهش در تلاش است با این رویکرد و استفاده از پیمایش ارزش‌های جهانی که نمونه‌ای در کل کشور دارد، این مهم را بررسی کند.

جامعه‌شناسان محیط زیست تقسیم‌بندی‌هایی متفاوت از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها در زمینه رابطه محیط زیست و جامعه ارائه کرده‌اند. مثلاً استرن^۱ (۲۰۰۰) انواع نظریه‌های ارائه شده درباره محیط‌زیست‌گرایی را در تیپ‌های زیر طبقه‌بندی می‌کند.

۱. نظریه‌هایی که محیط‌زیست‌گرایی را نوعی جهان‌بینی در ارتباط با افعال انسان و زیست کره آسیب‌پذیر، در نظر می‌گیرند.

۲. نظریه‌هایی که ارزش‌ها را پایه و اساس محیط‌زیست‌گرایی می‌دانند. طبق نظر اینگلههارت (۱۹۹۰) محیط‌زیست‌گرایی نمودی از ارزش‌های فرامدرن است، نظیر کیفیت زندگی و خودبیانگری، که در نتیجه ثروت و امنیت فزاینده در کشورهای پیشرفته ظهور کرده است. نظریه ارزش‌های مادی - فرامادی اینگلههارت، رفتارهای محیط‌زیستی را به تحول فرهنگی در جامعه ربط داده است. زیرا تمامی کنش‌های انسانی در زمینه‌های از پیش موجود اتفاق می‌افتند و عواملی مانند فرهنگ، قوانین، هنجارها یا توازن قدرتی که در این زمینه وجود دارد، پیامدهای هر کنشی را شکل و باز شکل می‌دهند (فروتن کیا و نواح، ۱۳۹۷).



نظریه اینگلهارت، به صورت مبسوط مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی را به عنوان نیروهای مولد تغییر فرهنگ محیط زیستی یک جامعه تحلیل می‌کند و توضیح می‌دهد که شرایط زمینه‌ای یک جامعه، بسترهای لازم را برای هر نوع رفتار محیط زیستی فراهم می‌نماید. بدین معنا که وقتی که یک جامعه به سطحی از توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابد که به موجب آن امنیت فیزیکی و اجتماعی افراد تأمین گردد و توانایی برخورداری از اطلاعات را داشته باشد، شاهد تحول فرهنگی و یک نوع جابجایی از ارزش‌های مادی به سوی ارزش‌های فرامادی هستیم. آموزش و اطلاعات باعث افزایش آگاهی و علاقمندی بیشتر عموم نسبت به مسائل محیط اطراف خواهد شد و به مشارکت بیشتر مردم منجر می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۴۱).

۳. نظریه‌هایی که از رفتار دیگرخواهانه (نوع دوستانه) برای توضیح محیط زیست-گرایی استفاده می‌کنند. این رویکرد، دارای این پیش فرض است که چون کیفیت زیست‌محیطی خیری عمومی است برای شرکت مردم در آن انگیزه‌های نوع دوستانه ضروری است (صالحی و حمایت‌خواه، ۱۳۹۲، ۵۱۰).

علاوه بر این، سه رویکرد نظری عمده شکل گرفته در مورد رفتارهای محیط‌زیستی عبارتند از: پارادایم جدید بوم‌شناختی، نظریه انتخاب عقلانی و نظریه ارزش‌های مادی-فرامادی (ساسکو^۱، ۲۰۱۴). پارادایم جدید بوم‌شناختی بر ارتباط متقابل بین انسان‌ها با یک زیست‌کره آسیب‌پذیر دارای منابع محدود تأکید دارد (دانلوپ و ونلییر، ۲۰۰۸؛ به نقل از صالحی و همکاران^۲، ۱۴۰۰) و معتقد به توانایی انسان در از بین بردن تعادل طبیعت و وجود محدودیت‌های رشد است، زوال سیاره زمین به طور مستقیم با تعاملات انسان با اکوسیستم‌های طبیعی مرتبط است و انسان، علت اصلی تخریب محیط‌زیست جهانی است (هرست^۳، ۲۰۱۴). تحت لوای نظریه انتخاب عقلانی رفتارهای محیط زیستی، می‌تواند به عنوان یک پدیده جمعی شناخته شود که به وسیله انتخاب‌های عقلانی ساخته شده افراد در بستر وضعیت اجتماعی تعیین می‌شود. یک فرد با در نظر گرفتن منفعتی که (به لحاظ

1 . Sasko
2 . Dunlap & Van Liere
3 . Hirst



ذهنی) به عنوان پیامد این انتخاب انتظار دارد، تصمیم می‌گیرد که آیا از محیط زیست محافظت کند یا نه (دیکمن و فرانزن، ۱۹۹۹؛ به نقل از صالحی و همکاران، ۱۴۰۰). در این پژوهش با استفاده از دو رویکرد انتقادی و برساخت‌گرایی اجتماعی در جامعه-شناسی به تحلیل وضعیت و بررسی نگرانی‌های زیست‌محیطی ایران پرداخته شده است. به این ترتیب به طور اجمالی این دو رویکرد بررسی شده است.

رویکرد انتقادی

رویکرد انتقادی در حوزه مسأله اجتماعی بر این نکته تأکید می‌کند که آنچه به عنوان مسئله طرح و پیگیری می‌شود، نمی‌تواند خارج از مناسبات قدرت و منافع گروه مسلط باشد؛ در نتیجه، وظیفه محقق شناخت و بازتعریف مسئله از منظر گروه تحت سلطه است؛ یا به عبارت دیگر در هر وضعیت باید با در نظر گرفتن مؤلفه قدرت به شناخت شرایط پرداخت و پدیده‌ها را در سایه روابط قدرت تحلیل کرد (رابینگتن و واینبرگ^۱، ۱۳۸۶). در حوزه محیط زیست عاملین سوداگر در مجموعه نظام مند طبیعت، همه چیز را به نفع خویش برمی‌گزینند و با بهره‌برداری بیش از توان و ظرفیت محیط زیست، آن را به منبعی برای ارضای نیازها و خواسته‌های بی‌پایانشان تبدیل می‌کنند و این چنین نظم حاکم بر طبیعت را به هم می‌زنند و آن را روز به روز تهی‌تر و آسیب‌پذیرتر می‌کنند. در حالی که سوداگران و قدرتمندان سرمایه‌داری مدرن صرفاً در جست‌وجوی سود بیشتر هستند، شاهد مناطقی هستیم که تخریب‌های زیست‌محیطی در آن‌ها شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده است، به ناهنجاری‌های اجتماعی دامن زده است، گونه‌های جانوری و گیاهی نادر را در معرض انقراض قرار داده است، منابع آب زیرزمینی و سطحی را ناب‌خردانه مصرف یا آلوده کرده است. آلاینده‌های بیشتری را به آب و هوا اضافه کرده است. زباله‌های صنعتی زیادی را وارد چرخه طبیعت کرده است. پس لازم است با آگاه‌سازی کنش‌گران جامعه انسانی آن‌ها را نسبت به این تخریب‌های زیست‌محیطی آگاه کرد و به کنش جمعی بر علیه این سوداگران و قدرتمندان واداشت. مارکس و انگلس راه حل را در سرنگون کردن نظام مسلط تولید سرمایه‌داری و استقرار نظام اجتماعی عقلانی انسانی و محیط‌گرا می‌دانستند

1 . Earl Rubington; Martin Weinberg



(لی^۱، ۱۹۸۰، ۱۱). نظریه مارکسیستی معاصر نه تنها به نقش سرمایه‌داران بلکه، به دولت-های تشدیدکننده آسیب‌های زیست‌محیطی توجه دارد. این نظریه مدیران سیاسی دیوان سالار را افرادی می‌خواند که به حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران و کارفرمایان سرمایه‌دار متعهد هستند (هانگان^۲، ۱۳۹۲).

بعد از جنگ جهانی دوم و شیوع شکل‌گیری قدرت‌های جهانی در غرب و شرق، بهره‌برداری از منابع طبیعی و زیست‌محیطی بواسطه رشد بیشتر در حوزه علم و تکنولوژی افزایش یافت. از سوی دیگر، با توسعه گردشگری بین‌المللی و سود کلان ناشی از ورود مسافران به مناطق مقصد به جیب دولت‌ها، این تخریب سرعت بیشتری گرفت. سرمایه‌داری به قدرت عمده در نظام جهانی تبدیل شد که تنها به فکر سود و مصرف بیشتر بود. در این سال‌ها مصرف حداکثری، بهره‌برداری حداکثری، عقلانیت ابزاری تبدیل به ارزش‌های مهم در جوامع مرکزی و سرمایه‌داری شده بود. تبلیغات و رسانه‌های جمعی نیز همگام با دولت‌ها، در این مسیر گام برداشتند. گروه‌های در قدرت و صاحب منافع، این فعالیت‌ها را مثبت ارزیابی می‌کنند و معتقدند انسان با استفاده از تکنولوژی و علم و اندیشه توانسته به طبیعت سلطه پیدا کند و این تسلط سود سرشاری را نصیب وی کرده است. ریتزر معتقد است در این زمینه محاسبه‌پذیری پول و زمان، دقت، قابلیت پیش‌بینی و کنترل، عقلانی شدن فرایند تولید و مصرف، حوزه‌های مختلف جامعه را در بر گرفته است. در این زمان مفاهیم جهانی شدن، یکسان‌سازی فرهنگی، توده‌ای شدن و حداکثر بهره‌برداری به سرعت در حال شکل‌گیری بود و تصویری از دنیای مدرن را برای گروه‌های عوام و توده و قشر ضعیف‌تر که تنها با استفاده از نیروی کارشان در حال زندگی بودند، تداعی می‌کرد. در این میان قدرتمندان، سرمایه‌داران و طبقه حاکم به سرعت و با حداکثر توان در حال بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی رایگان طبیعت بودند و همچنان نیز هستند. آن‌ها طرفداران سرمایه‌داری‌اند که تجارت را همچنان ترجیح می‌دهند.

این گروه بدون توجه به آثار زیست‌محیطی همچنان به دنبال منفعت خویش هستند و برخی مسائل زیست‌محیطی بوجود آمده را یا انکار می‌کنند یا آن را امری طبیعی و عادی

1 . Lee
2 . Hanigan



جلوه می‌دهند که بشر با تکیه به عقل و دانش قادر به حل آن‌ها خواهد بود (هانیکان، ۱۳۹۲).

رویکرد برساخت‌گرایی

نظریه برساخت‌گرایی از جمله نظریه‌هایی است که بر نقش ذهن بشر در پذیرش مسائل اجتماعی به عنوان موقعیتی مشکل‌زا، گسترده و شایع تاکید دارد. بسیاری از مفاهیم چون باران اسیدی، گرمایش زمین، گودال‌های اسیدی، بحران انرژی، نازک شدن لایه اوزون، بالا آمدن سطح آب دریاها و ... به خودی خود، معنی دار نیستند، مگر این که درکی از این مفاهیم و اهمیت آن به وجود آید. به عبارت دیگر، این مفاهیم برساخته زندگی بشر هستند و جدا از آن مفهومی ندارند. لاکي^۱ (۲۰۰۴) می‌گوید تقریباً مهم‌ترین مفهوم در جامعه شناسی محیط زیست این ایده است که محیط زیست یک برساخته اجتماعی است (به نقل از هانیکان، ۱۳۹۲). معنای مشکلات زیست‌محیطی در ذهن هرکس متفاوت است که عده‌ای آن را به عنوان یک مسئله بحرانی و زیست‌محیطی می‌بینند و عده‌ای صرفاً آن را امری ذهنی و در حد یک نگرانی ساده می‌انگارند. خلاصه اینکه برساخت‌گرایی اجتماعی قدرت و اثرگذاری زیاد طبیعت را انکار نمی‌کند ولی معتقد است که انسان می‌تواند این آثار را بزرگ جلوه دهد و به شکل خاصی عرضه کند. در این رویکرد رتبه‌بندی ادعاهای مسائل زیست‌محیطی از نظر ارزشی توسط کنشگران اجتماعی همیشه با نیاز واقعی مطابقت ندارد، بلکه فقط ماهیت سیاسی تنظیم قوانین را بازگو می‌کند. به این ترتیب این رویکرد به این نتیجه می‌رسد دلایلی قانع کننده در دست است که موضوعات مورد دغدغه مردم به واقع مشکلاتی نیستند که به خوبی اثبات شده باشد یا آثار واقعی آن‌ها خیلی بزرگ باشد، بلکه برای آن‌هایی که این مسئله را به افکار عمومی کشانده‌اند، سود بیشتری به همراه دارد (هانیکان، ۱۳۹۲).

برساخت‌گرایان اجتماعی معتقدند که در فرآیند ساخته شدن یک مسئله محیط زیستی آشکار می‌شود که آیا آن مسأله واقعاً همان قدر که ادعاکنندگان مطرح می‌کنند، جدی هست یا نه (ساتن^۲، ۱۳۹۲، ۴۲). رویدادها در اصل بی‌شکل‌اند و کسانی که در

1 . Lucky
2 . Sutton



قدرتند، گفتمان‌ها و برساخت‌های روایتی مورد نظر خودشان را روی این‌ها می‌گذارند و این معناهاى منتسب به رویدادها، مهم و تعیین کننده است. لذا هر پژوهشگر برای تشریح چگونگی پیدایش و ارزیابی اعتبار داده‌ها باید زمینه‌های تاریخی آن‌ها را بررسی کند. به نظر طرفداران رویکرد ساختارگرایی، در همه این موارد ما شاهد آن هستیم که طی تعاملات اجتماعی و در یک بستر کاملاً اجتماعی، یک وضعیت نامطلوب محیط زیستی توانسته است خود را به یک مسأله محیط زیستی تبدیل کند. در مقابل، هنوز هم برخی از وضعیت‌های نامطلوب محیط زیستی هستند که تبدیل به یک مسأله جمعی و همگانی و عمومی نشده‌اند. پسماندهای الکترونیکی، یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه و در شرایط فعلی ایران است (صالحی و همتی، ۱۳۹۱، ۲۴). بنابراین، پیش زمینه‌های خوبی برای این باور وجود دارد که موضوعاتی که بیشترین توجه عموم را به خود جلب می‌کنند، همان‌هایی نیستند که واقعیت آن مشکل به بهترین وجه اثبات شده باشد یا اینکه اثرات واقعی‌اش شدیدتر بوده باشد، بلکه آن‌هایی هستند که تحت تأثیر یک سری عوامل منجر می‌شود که مشکلات محیط زیستی وارد عرصه افکار عمومی شود (یرلی، ۲۰۰۲: ۲۷۶؛ به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). به عبارت دیگر، برساخت گرایی اجتماعی نیروهای مهم طبیعت را انکار نمی‌کند، بلکه معتقد است میزان و سازوکار این تأثیر، بستگی به برساخت انسان دارد. هانیگان معتقد است که برای برساخته شدن یک مسئله محیط زیستی، شش عامل اصلی شامل اقتدار و اعتبار علمی داده‌ها، مروجان، توجه رسانه‌ها، برجسته سازی مسئله به شکل نمادین و بصری، مشوق‌های اقتصادی و نهادهای مردمی نقش دارند.

وضعیت ایران بر اساس شاخص‌های جهانی EPI و CRI

شاخص مخاطرات آب و هوای جهانی (CRI) ۲۰۲۰^۱، آمار تلفات ۱۸۱ کشور از سال ۲۰۱۸ و دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸ است. این رتبه‌بندی کشورهایی که بیشترین تأثیر را پذیرفته‌اند نشان می‌دهد و نمرات هر کشور را از رتبه متوسط کشور در چهار مقوله ذیل با وزن‌های

۱. Global Climate Risk Index

۲. شاخص CRI توسط سازمان توسعه ژرمن واج ۲ برای ارزیابی آسیب‌پذیری نسبی در برابر بلایای مرتبط با آب و هوا بین کشورها تهیه شده است. به عبارتی این شاخص تحلیل می‌کند که کشورها به چه میزان از رویدادهای مرتبط با آب و هوا (مانند طوفان، سیل، امواج گرمایی و ...) خسارت و آسیب دیده‌اند.



ذکر شده ارزیابی می‌کند: ۱- میزان مرگ و میر سالانه از وقایع مرتبط با آب و هوا، $\frac{1}{6}$ -۲ مرگ و میر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر (سالانه)، $\frac{1}{3}$ ، ۳- خسارت کل در برابری قدرت خرید^۱ به میلیون دلار آمریکا $\frac{1}{6}$ و ۴- خسارت بر واحد تولید ناخالص داخلی^۲ به درصد $\frac{1}{3}$.

جدول ۱. شاخص CRI کشور ایران بین سال‌های ۲۰۱۸-۱۹۹۹^۳

رتبه CRI	کشور	نمره CRI	تلفات	تلفات در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، ۲۰۱۸-	خسارت PPP	خسارت در واحد GDP، ۲۰۱۸-
۸۳	ایران	۷۹/۰۰	۴۲ (رتبه) ۱۹۹۹	۱۱۳ (رتبه) ۱۹۹۹	۲۲ (رتبه) ۱۹۹۹	۹۲ (رتبه) ۱۹۹۹

منبع: www.germanwatch.org site:

محاسبه: ایران رتبه ۴۲ را در تلفات در بین تمام کشورهای مدنظر در این پژوهش دارد. در تلفات در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، رتبه ۱۱۳ ام و رتبه ۲۲ در میزان خسارت در PPP و در نهایت رتبه ۹۲ را در میزان خسارت بر واحد GDP در بین کشورها دارد. از این رو نمره CRI آن به شرح رابطه ۱ محاسبه می‌شود:

$$42 \times \frac{1}{6} + 113 \times \frac{1}{3} + 22 \times \frac{1}{6} + 92 \times \frac{1}{3} = 79.00 \quad (1)$$

ایران در بین ۱۸۱ کشور رتبه ۸۳ را دارد و نمره CRI آن نیز ۷۹ است. کشورهای پورتوریکو با نمره ۶/۶۷، میانمار ۱۰/۳۳ و هائیتی ۱۳/۸۳ به ترتیب رتبه ۱ تا ۳ را دارا هستند و به عنوان آسیب‌دیده‌ترین کشورها در این دوره ۲۰ ساله شناخته شده‌اند.

جدول ۲. شاخص CRI کشور ایران در سال ۲۰۱۸^۴

رتبه CRI	کشور	نمره CRI	تلفات	تلفات در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، ۲۰۱۸-۱۹۹۹	خسارت PPP	خسارت در واحد GDP، ۲۰۱۸-
۶۰	ایران	۶۴/۸۳	۴۸ (رتبه) ۲۰۱۸	۱۰۰ (رتبه) ۱۹۹۹-۲۰۱۸	۲۱ (رتبه) ۱۹۹۹-۲۰۱۸	۶۰ (رتبه) ۱۹۹۹

منبع: www.germanwatch.org site:

1 . purchasing power parity(ppp)
2 . GDP

۴۳، مشاهده شده در سایت <https://www.germanwatch.org>



در سال ۲۰۱۸ نیز کشورهای ژاپن با نمره ۵/۵۰، فیلیپین با نمره ۱۱/۱۷ و آلمان ۱۳/۸۳ به ترتیب بیشترین تأثیر و آسیب را دیده‌اند. ایران در بین ۱۸۱ کشور رتبه ۶۰ و نمره ۶۴/۸۳ را به خود اختصاص داده است (گزارش CRI، ۲۰۲۰). حوادث شدید آب و هوایی به فقیرترین کشورها آسیب بیشتری می‌رساند زیرا این کشورها به ویژه در برابر زیان‌ها و خسارات ناشی از مخاطرات آسیب‌پذیرند و ظرفیت مقابله کمتری دارند و ممکن است برای بازسازی و بهبودی نیاز به زمان بیشتری داشته باشند. این شاخص، تحلیلی بر اساس قابل اعتمادترین داده‌های موجود در مورد تأثیرات شدید آب و هوایی و داده‌های اجتماعی اقتصادی مرتبط با آن است. شاخص خطر آب و هوا ۲۰۲۰، پانزدهمین نسخه از این تحلیل سالانه است. هدف آن زمینه‌سازی مداوم مباحث مربوط به سیاست‌های آب و هوا - به ویژه مذاکرات بین‌المللی در مورد وضعیت آب و هوا - بررسی اثرات دنیای واقعی طی یک سال گذشته و ۲۰ سال گذشته است. مردم در سراسر جهان با واقعیت تغییرات آب و هوا روبرو هستند، بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸، حدود ۴۹۵۰۰۰ نفر در سراسر جهان جان خود را از دست دادند و بیش از ۱۲۰۰۰ رویداد شدید آب و هوایی موجب خسارات و زیان ۳،۵۴ تریلیون دلار آمریکا در (PPP) شده است (گزارش CRI^۱، ۲۰۲۰). شاخص بعدی شاخص عملکرد محیط زیست^۲ (EPI) است. ارزیابی وضعیت محیط زیست ایران و سایر کشورها و رده‌بندی جهانی بر اساس این شاخص بین‌المللی صورت می‌گیرد. جدیدترین گزارش منتشر شده در سال ۲۰۲۲ به موضوعات مدیریت پسماند و میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای پرداخته شده که کشورهای دانمارک با نمره ۷۷،۹، انگلستان ۷۷،۷ و فنلاند ۷۶،۵، سه کشور برتر در این شاخص هستند. ایران در رده بندی ۲۰۲۲ EPI، با کسب رتبه ۱۳۳ و امتیاز ۳۴،۵، نسبت به سال ۲۰۱۸ (رتبه ۸۰ و نمره ۵۸،۱۶) نزول کرده است. مقدار شاخص EPI از صفر تا ۱۰۰ تعیین شده و امتیاز ۱۰۰

1 . Climate Risk Index

2 . Environmental Performance Index

۳. EPI یک شاخص جدید برای ارزیابی عملکرد زیست محیطی دولت‌هاست و حاوی اطلاعات مهمی در خصوص رویکرد کشورهای مختلف جهان در زمینه مسائل محیط زیست است. این شاخص بیشتر به عملکرد محیطی تمرکز دارد. گزارش EPI که به طور مشترک توسط مراکز تحقیقاتی مجمع جهانی اقتصاد، کمیسیون اروپا و دانشگاه‌های ییل و کلمبیا تدوین شده است، بر دو هدف اصلی حفاظت از محیط زیست از جمله کاهش فشارهای زیست محیطی بر سلامت انسان‌ها و ارتقای وضعیت زیست بوم‌ها و مدیریت صحیح منابع طبیعی تأکید دارد.



بهترین و صفر بدترین وضعیت محیط زیست است و در بین ۱۸۰ کشور بررسی شده است (گزارش EPI، ۲۰۲۲). با وجود مشکلات زیست‌محیطی فراوان در سطح کشور و جهان، هنوز هم بسیاری از افراد این تغییرات زیست‌محیطی و آب و هوایی را یک مفهوم انتزاعی و ساختگی یا حتی بدتر از آن یک تئوری علمی بحث انگیز می‌دانند که باید رد شود. حتی افرادی که این علم را می‌پذیرند تصدیق می‌کنند که پیش‌بینی دقیق در مورد چگونگی عملکرد تغییرات زیست‌محیطی و آب و هوایی دشوار است (رانینگ^۱، ۲۰۱۲). گزارش‌های بین‌المللی در حوزه محیط زیست (۲۰۱۹) تغییرات مشاهده شده در آب و هوا و علل و اثرات آن بر روی سیستم‌های طبیعی و انسانی را نشان می‌دهد، اما هنوز عدم قطعیت‌های کلیدی در حوزه علمی ما تا به امروز باقی مانده است. در سطح ملی و محلی نیز برخی از کنشگران (به صورت فردی یا جمعی؛ دولتی یا خصوصی) در حوزه‌های زیست‌محیطی اقدامات پیشگیرانه انجام می‌دهند، در حالی که برخی دیگر هیچ اقدامی نمی‌کنند یا در این زمینه بسیار کم کار هستند.

فرضیه‌های پژوهش:

بر این اساس فرض اصلی پژوهش این است که ارزش‌های فرامادی، عضویت و اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی و استفاده از رسانه‌ها با نگرانی زیست‌محیطی مردم در ارتباط است و بر آن موثر است. همچنین به نظر می‌رسد بین تحصیلات و جنسیت با نگرانی زیست‌محیطی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی:

مطالعه حاضر با روش تحلیل ثانویه صورت گرفته است. تحلیل ثانویه، تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند. روش تحلیل ثانویه با مزیت سرعت بیشتر، حداقل هزینه و نمونه عالی، میدان پژوهش را بر روی طیف گسترده‌ای از محققان باز می‌کند و امکان تحلیل مقایسه‌ای و طولی را نیز به پژوهشگر می‌دهد (دواس^۲، ۱۳۸۵،

1 . Running
2 . De Vaus



۸۳-۸۱). یکی از مزایای تحلیل ثانویه این است که محقق را به تفکر بیشتر درباره مطالب اساسی و اهداف نظری مطالعه می‌کشد تا در مورد مسائل روش‌شناسی گردآوری داده‌های جدید». این خود یکی از دلایل اعتبار این روش است (بیکر^۱، ۱۳۸۶، ۳۰۷ و ۳۰۸). پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل ثانویه داده‌های موج هفتم (۲۰۲۰-۲۰۱۷) پیمایش ارزش‌های جهانی است. پیمایش ارزش‌های جهانی ثانویه داده‌های جهانی در مقیاس جهانی است که اطلاعاتی درباره دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع مختلف (۸۱ کشور) از جمله ایران ارائه می‌دهد. گروه بین‌المللی بررسی ارزش‌های جهانی (WVS)^۲ از اواسط دهه ۱۹۸۰ فعالیت خود را آغاز کرد و ماحصل آن فراهم آمدن داده‌هایی است که امکان مقایسه‌ای ملی و فراملی را فراهم کرده است. این پروژه در هفت مرحله به اجرا درآمد. اولین موج در سال ۱۹۸۱ انجام پذیرفت، اطلاعات و داده‌های خام مربوط به ایران در موج چهارم (۲۰۰۴-۱۹۹۹) و موج پنجم (۲۰۰۹-۲۰۰۵) و موج هفتم (۲۰۲۰-۲۰۱۷) جمع‌آوری شد. واحد تحلیل این پژوهش کشور است و از داده‌های موج هفتم به دلیل جدیدتر بودن و کامل‌تر بودن داده‌ها، در این مطالعه استفاده شده است.^۳ در این پژوهش سعی شده است با داده‌های موجود و استفاده از متغیرهای مرتبط با موضوع، متغیرهای اثرگذار بر نگرانی زیست‌محیطی سنجش شود.

متغیر وابسته

سودارمدی و همکاران (۲۰۰۱) دغدغه و نگرانی زیست‌محیطی را " توجه، نگرانی و حساسیت پاسخگویان به مشکلات زیست‌محیطی" تعریف می‌کنند (سودارمدی^۴ و همکاران، ۲۰۰۱).

متغیر وابسته در این پژوهش، نگرانی زیست‌محیطی مردم است. به منظور سنجش این متغیر از سؤال ترجیح محافظت از محیط زیست در برابر اولویت رشد اقتصادی در WVS استفاده شده است. این سؤال بدین صورت مطرح شده است: "دو دیدگاهی که مردم در مورد محیط زیست و رشد اقتصادی دارند، بیان شده است. کدامیک از این دو به دیدگاه

1 . Baker
2 . World Values Survey

۳. داده‌های این تحقیق در پایگاه اینترنتی این گروه در دسترس همگان قرار دارد.

۴ . Sudarmadi



شما نزدیک‌تر است؟ ۱- حفاظت از محیط زیست باید در اولویت قرار بگیرد، حتی اگر باعث کاهش رشد اقتصادی و تاحدی منجر به کم شدن فرصت‌های شغلی شود. ۲- رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی باید در اولویت قرار بگیرد، حتی اگر محیط زیست تاحدی آسیب ببیند."

این سؤال پاسخ دهندگان را ملزم به انتخاب بین رشد اقتصادی و حمایت از محیط زیست می‌کند. به این ترتیب به منظور تحلیل داده‌ها، جمله اول که نشان دهنده اولویت برای حفاظت و حمایت از محیط زیست است، کد ۱ می‌گیرد، در حالی که انتخاب حالت دوم به نفع رشد اقتصادی کد صفر.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل پژوهش، شامل ارزش‌های پسامادی‌گرایی، عضویت در سازمان‌های محیط زیست، اعتماد به سازمان‌های محیط زیست، دسترسی به اطلاعات از طریق منابع خبری و رسانه‌ها (تلویزیون، موبایل، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی)، جنس و تحصیلات است که از داده‌های پژوهش ارزش‌های جهانی گرفته شده است.

جدول ۳. سؤالات مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش بر اساس پیمایش ارزش‌های جهانی

سؤال	کد سؤال
اگر شما مجبور باشید بین این دو یکی را انتخاب کنید، به نظر شما کدامیک از مواردی که در این کارت به شما نشان داده می‌شود، از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ تنها یک گزینه به عنوان انتخاب اول کدگذاری شود. و دیگر کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ تنها یک گزینه به عنوان انتخاب دوم کدگذاری شود.	Y002 ارزش‌های پسامادی‌گرایی
حفظ نظم در کشور، پررنگ تر کردن نقش مردم در تصمیمات مهم دولت، مبارزه با افزایش قیمت، حمایت از آزادی بیان	Q79 اعتماد به سازمان
شما تا چه میزان به سازمان‌های محیط زیست اعتماد دارید؟ بسیار زیاد اعتماد دارید، زیاد اعتماد دارید، چندان اعتماد ندارید، اصلا اعتماد ندارید	Q99 آیا شما در سازمان‌ها یا موسسه‌های محیط زیستی، یک عضو فعال می‌باشید، یک عضو غیر فعال می‌باشید و یا اینکه اصلا عضو آن نهاد، سازمان یا موسسه نمی‌باشید؟



سؤال	کد سؤال
	عضویت در سازمان
مردم از طریق منابع مختلف از آنچه در کشورمان و جهان در جریان است، آگاه می‌شوند. در مورد هر یک از منابعی که نام خواهیم برد لطفاً بگویید شما برای دسترسی به اطلاعات از آن منبع خبری چقدر استفاده می‌کنید؟ آیا هر روز، هر هفته، هر ماه، کمتر از ماهی یکبار و یا اینکه هرگز از آن منبع استفاده نمی‌کنید. (اخبار شبکه‌های تلویزیونی، تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی)	Q202- Q204- Q206-Q207 رسانه
بالاترین سطح تحصیلی (آخرین مدرک تحصیلی) شما چیست؟ هیچ تحصیلاتی/ بی‌سواد، تا پایان ابتدایی، تا پایان راهنمایی، تا پیش از دیپلم، دیپلم/ پیش دانشگاهی، کاردانی/ دانشجوی کاردانی یا لیسانس، لیسانس/ کارشناسی، فوق لیسانس/ کارشناسی ارشد، دکتری	Q275 تحصیلات
جنسیت پرسش شونده ذکر شود. ۱- مرد ۲- زن	Q260 جنس

منبع: <https://www.worldvaluessurvey.org>

دو عامل تحصیلات و جنس در پژوهش‌های گذشته به عنوان فاکتورهای مؤثر و مرتبط بر نگرانی زیست‌محیطی شناسایی شده‌اند. به طور خاص در پژوهش‌های کسانی که از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند (کلینبرگ و همکاران^۱، ۱۹۹۸؛ جونز، فلائی، تالی و کوردل^۲، ۲۰۰۳؛ اولفسون و اومن^۳، ۲۰۰۶) و زنان، بیشتر از مردان (مارکوات پایات^۴، ۲۰۰۷؛ گیونز و جورگنسن^۵، ۲۰۱۱) دوستدار محیط زیست‌اند. به این ترتیب از سئوالات WVS به منظور تعیین تأثیر این متغیرها استفاده شد. سؤال مربوط به تحصیلات در مقیاسی بر مبنای ۱ تا ۹ سنجش می‌شود؛ ۱، فاقد تحصیلات رسمی و ۹، تحصیلات در حد دانشگاه با مدرک است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها:

1. Klineberg .et al
2. Jones, Fly, Talley & Cordell
3. Olofsson & Öhman
4. Marquart-Pyatt
5. Givens and Jorgenson



در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از تحلیل رگرسیون لجستیک اسمی دووجهی استفاده شده است. تحلیل رگرسیون لجستیک اسمی دووجهی زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که متغیر وابسته در سطح اسمی دووجهی (دوشقی) است و بنا داریم وجود یا عدم یک صفت را بر اساس مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل پیش‌بینی کنیم. در رگرسیون لجستیک متغیرهای پیش‌بین (مستقل) می‌تواند هم در مقیاس کمی و هم در مقیاس مقوله‌ای باشد، ولی متغیر وابسته مقوله‌ای دو سطحی است. مدل پیچیده رگرسیون لجستیک که شامل چندین متغیر مستقل و یک متغیر وابسته است، همانند رابطه ۲ است که در آن لگاریتم نسبت بخت‌ها به مدل لجیت^۱ معروف است.

$$\text{logit}(Y) = \text{natural log(odds)} = \ln\left(\frac{\pi}{1-\pi}\right) = a + \beta_1 X_1 + \beta_2 X_2 + \dots + \beta_K X_K \quad (2)$$

در رگرسیون لجستیک، روش‌های متعددی برای انتخاب و ورود متغیرها به مدل وجود دارد که کمک می‌کنند تا چگونگی ورود متغیرهای مستقل به تحلیل مشخص شود. در این پژوهش از روش تحلیل رگرسیون گام به گام (پیش‌رو والد^۲) استفاده شده است. در این روش ورود متغیرها به تحلیل براساس معنی‌داری مقدار آماره نسبت درست‌نمایی و خروج متغیرها براساس احتمال آماره والد انجام گرفته است. در تحلیل رگرسیون لجستیک، ارزیابی میزان برازش کل مدل، از آزمون نسبت درست‌نمایی^۳ (LR) استفاده می‌شود که آماره آن X^2 است. به این ترتیب برای پی بردن به برازش کل مدل رگرسیونی لجستیک، از آماره X^2 استفاده شده است. به علاوه، برای پی بردن به معنی‌داری اثر هر متغیر بر متغیر وابسته، از آماره Wald و در نهایت، برای پی بردن به میزان تأثیر هر متغیر بر متغیر وابسته، از آماره $\text{Exp}(B)$ استفاده شده است که همان نسبت بخت‌ها است (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۵).

جداول توصیفی

در این بخش آمار توصیفی داده‌ها ارائه و اولویت محافظت از محیط زیست در برابر رشد اقتصادی بر اساس سن و جنس بررسی شده است.

1. Logit
۲. Forward Wald
3. Likelihood ratio



جدول ۴. محافظت از محیط زیست براساس سن

محافظت از محیط زیست در برابر رشد اقتصادی بر اساس سن				
	کل	تا ۲۹ سال	۳۰ تا ۴۹ سال	۵۰ و بیشتر
محافظت از محیط زیست	۶۴/۸	۶۸/۱	۶۵	۶۰/۱
رشد اقتصادی	۲۹/۸	۲۷/۹	۲۹/۹	۳۱/۷
سایر	۴/۶	۳/۶	۴/۱	۷
نمی‌دانم و بدون جواب	۰/۹	۰/۴	۰/۹	۱/۲
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: <https://www.worldvaluessurvey.org>

با افزایش سن، نگرانی‌ها و دغدغه‌های زیست‌محیطی کاهش می‌یابد، افراد جوانتر تا ۲۹ سال، محافظت از محیط زیست را به رشد اقتصادی ترجیح می‌دهند، در حالی که با افزایش سن از میزان این نگرانی کاسته می‌شود.

جدول ۵. محافظت از محیط زیست براساس جنس

محافظت از محیط زیست در برابر رشد اقتصادی بر اساس جنس			
	کل	مرد	زن
محافظت از محیط زیست	۶۴/۸	۶۵/۱	۶۴/۴
رشد اقتصادی	۲۹/۸	۲۹/۱	۳۰/۴
سایر	۴/۶	۵/۲	۴
نمی‌دانم و بدون جواب	۰/۹	۰/۵	۱/۲
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: <https://www.worldvaluessurvey.org>

بر خلاف سایر پژوهش‌های، متغیر جنسیت تفاوت زیادی در مورد نگرانی محیط زیست نشان نمی‌دهد. در هر دو گروه مردان و زنان، حدود ۶۵ درصد اولویت را به محافظت از محیط زیست می‌دهند.



جدول ۶. ارزش‌های پسامادی براساس جنس

شاخص ارزش‌های پسامادی گرایي بر اساس جنس			
	کل	مرد	زن
مادی‌گرا	۲۹/۶	۲۶/۴	۳۲/۹
ترکیبی	۵۵/۶	۵۸/۴	۵۲/۸
پسامادی‌گرا	۱۳/۹	۱۴	۱۳/۸
نمی‌دائم و بدون جواب	۰/۹	۱/۳	۰/۵
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع:

<https://www.worldvaluessurvey.org>

در ایران، بیشتر افراد (نیمی از پاسخگویان) ارزش‌های ترکیبی را دارند. ۲۹ درصد ارزش‌های مادی‌گرا و حدود ۱۴ درصد ارزش‌های پسامادی‌گرا دارند.

جدول استنباطی

جدول طبقه‌بندی ۷ نشان می‌دهد که با اطمینان ۶۸/۵ درصد با استفاده از مجموع ۹ متغیر مستقل در این پژوهش، می‌توان تغییرات متغیر وابسته نگرانی زیست‌محیطی را تبیین نمود.

جدول ۷. جدول طبقه‌بندی^۱

مقادیر پیش‌بینی شده (نگرانی زیست‌محیطی)			
درصد پیش-بینی صحیح	محافظةت از محیط زیست		رشد اقتصادی
	محافظةت از محیط زیست	رشد اقتصادی	
۰	۴۳۳	۰	رشد اقتصادی مشاهده شده
۱۰۰	۹۴۰	۰	(نگرانی زیست‌محیطی) محافظت از محیط زیست
۶۸/۵			درصد پیش‌بینی کل

۱. Classification table



منبع: <https://www.worldvaluessurvey.org>

نتایج آزمون اومنی‌بوس^۱، مربوط به ارزیابی کل مدل رگرسیون لجستیک است. این آزمون نشان می‌دهد مدل تا چه اندازه قدرت تبیین و کارایی دارد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون، در مرحله چهارم، برازش مدل قابل قبول و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی‌دار است.

جدول ۸. آزمون اومنی‌بوس^۲

sig	Df	Chi-square		
۰/۰۰۰	۳	۲۴۵/۸۶۲	step	گام اول
۰/۰۰۰	۳	۲۴۵/۸۶۲	block	
۰/۰۰۰	۳	۲۴۵/۸۶۲	model	
۰/۰۰۰	۸	۵۵/۳۱۰	step	گام دوم
۰/۰۰۰	۱۱	۳۰۱/۱۷۲	block	
۰/۰۰۰	۱۱	۳۰۱/۱۷۲	model	
۰/۰۳۳	۲	۶/۸۲۹	step	گام سوم
۰/۰۰۰	۱۳	۳۰۸/۰۰۲	block	
۰/۰۰۰	۱۳	۳۰۸/۰۰۲	model	
۰/۰۴۹	۴	۹/۵۳۸	step	گام چهارم
۰/۰۰۰	۱۷	۳۱۷/۵۴۰	block	
۰/۰۰۰	۱۷	۳۱۷/۵۴۰	Model	

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول زیر نتایج مربوط به دو آماره لگاریتم درست‌نمایی و ضریب تعیین پزودو^۳ (شامل ضریب تعیین کاکس و نل^۴ و ضریب تعیین نیجل کرک^۵) را نشان می‌دهد. از آنجا که در رگرسیون لجستیک محاسبه دقیق مقدار ضریب تعیین دشوار است، از مقادیر آماره‌های فوق برای این کار استفاده می‌شود تا مشخص شود متغیرهای مستقل توانسته‌اند تا چه

۱. Omnibus

۲. Omnibus Tests of Model Coefficients

۳. Pseudo

۴. Cox and snell

۵. Nagelkerke



میزان از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. مقادیر آماره‌های ضریب تعیین پزودو بین (۰) تا (۱) نوسان دارد و هرچه مقدار این آماره‌ها به عدد ۱ نزدیکتر باشد، نشان می‌دهد نقش متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته زیاد است. در مرحله چهارم، مقادیر هر دو آماره مربوط به ضریب تعیین پزودو بین ۰/۲۰۶ تا ۰/۲۹۰ بوده و نشان می‌دهد متغیرهای مستقل توانستند بین ۲۰ تا ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته (نگرانی زیست‌محیطی) را تبیین کنند.

جدول ۹- خلاصه مدل^۱

Negelkerke R square	Cox & snell R square	-2log likelihood	Step
۰/۲۳۰	۰/۱۶۴	۱۴۶۵/۷۹۸	۱
۰/۲۷۶	۰/۱۹۷	۱۴۱۰/۴۸۸	۲
۰/۲۸۲	۰/۲۰۱	۱۴۰۳/۶۵۸	۳
۰/۲۹۰	۰/۲۰۶	۱۳۹۴/۱۲۰	۴

منبع: یافته‌های پژوهش

در این مرحله نیکویی برازش مدل با استفاده از آزمون هاسمر و لمشو^۲ بررسی شده است. در این آزمون فرض صفر، نیکو بودن برازش (مناسب بودن مدل) و فرض مقابل، عدم نیکو بودن برازش (مناسب نبودن مدل) است. معنی‌دار نبودن این آزمون به معنای عدم تفاوت داده‌ها با مدل یعنی برازش داده با مدل است. با توجه به جدول، سطح معنی‌داری در مرحله چهارم برابر با ۰/۹۵ است و از آنجا که این مقدار بیش‌تر از ۰/۰۵ است، لذا فرض H_0 تایید و فرض H_1 رد می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب است.

^۱ . Model summary

^۲ . [Hosmer-Lemeshow](#)



جدول ۱۰- آزمون هاسمر و لمشو^۱

Step	Chi-Square	df	sig
۱	۰/۰۰۰	۲	۱/۰۰۰
۲	۳/۱۹۴	۸	۰/۹۲۲
۳	۲/۸۱۷	۸	۰/۹۴۵
۴	۲/۵۴۸	۸	۰/۹۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۱۱ با عنوان متغیرها در معادله ضمن ارائه خلاصه‌ای از نقش هر متغیر در مدل، نشان می‌دهد کدام متغیرها بعد از اجرای رگرسیون لجستیک، در مدل باقی مانده‌اند. این جدول مهم‌ترین جدول در تفسیر نتایج مربوط به معنی‌داری و میزان تأثیر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است.

جدول ۱۱- متغیرها در معادله^۲

	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)	
Step 1 ^a	اعتماد به سازمان- های زیست‌محیطی		183/398	3	/000		
	Q79(1)	3/791	/328	133/213	1	/000	44/308
	Q79(2)	2/604	/294	78/467	1	/000	13/513
	Q79(3)	1/597	/310	26/457	1	/000	4/937
	Constant	-1/674	/281	35/396	1	/000	/187
Step 2 ^b	تحصیلات		51/346	8	/000		
	Q275(1)	-1/549	/742	4/356	1	/037	/213
	Q275(2)	-.776	/693	1/254	1	/263	/460
	Q275(3)	-.863	/691	1/562	1	/211	/422
	Q275(4)	-.626	/732	/731	1	/392	/535
	Q275(5)	-.280	/675	/173	1	/678	/755
	Q275(6)	-.168	/695	/058	1	/809	/845
	Q275(7)	/162	/684	/056	1	/812	1/176
	Q275(8)	/923	/746	1/533	1	/216	2/518

1. Hosmer and Lemeshow test
2. Variables in the Equation

		B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
	اعتماد به سازمان - های زیست محیطی			192/087	3	/000	
	Q79(1)	4/058	/341	141/302	1	/000	57/847
	Q79(2)	2/730	/304	80/633	1	/000	15/331
	Q79(3)	1/677	/320	27/483	1	/000	5/347
	Constant	-1/498	/729	4/215	1	/040	/224
Step 3 ^c	تحصیلات			48/096	8	/000	
	Q275(1)	-1/484	/741	4/011	1	/045	/227
	Q275(2)	-.675	/693	/950	1	/330	/509
	Q275(3)	-.771	/691	1/245	1	/264	/463
	Q275(4)	-.543	/732	/549	1	/459	/581
	Q275(5)	-.223	/674	/109	1	/741	/800
	Q275(6)	-.126	/694	/033	1	/857	/882
	Q275(7)	/220	/684	/104	1	/747	1/247
	Q275(8)	/959	/744	1/662	1	/197	2/609
	اعتماد به سازمان - های زیست محیطی			192/964	3	/000	
	Q79(1)	4/103	/344	142/614	1	/000	60/512
	Q79(2)	2/765	/306	81/795	1	/000	15/879
	Q79(3)	1/709	/321	28/290	1	/000	5/525
	ارزش‌ها			6/875	2	/032	
	Y002(1)	-.418	/218	3/695	1	/055	/658
Y002(2)	-.062	/204	/094	1	/759	/939	
Constant	-1/430	/743	3/704	1	/054	/239	
Step 4 ^d	تحصیلات			48/797	8	/000	
	Q275(1)	-1/549	/755	4/205	1	/040	/212
	Q275(2)	-.727	/709	1/049	1	/306	/484
	Q275(3)	-.846	/707	1/430	1	/232	/429
	Q275(4)	-.537	/747	/516	1	/473	/585
	Q275(5)	-.255	/689	/137	1	/712	/775
	Q275(6)	-.125	/709	/031	1	/861	/883
	Q275(7)	/182	/698	/068	1	/794	1/200
	Q275(8)	/912	/758	1/447	1	/229	2/490
	تلویزیون			9/623	4	/047	
	Q202(1)	-.002	/302	/000	1	/995	/998
	Q202(2)	-.484	/317	2/325	1	/127	/617
	Q202(3)	-.238	/384	/385	1	/535	/788
	Q202(4)	-.049	/563	/007	1	/931	/953



	B	S.E.	Wald	df	Sig.	Exp(B)
اعتماد به سازمان- های زیست‌محیطی			191/283	3	/000	
Q79(1)	4/117	/346	141/684	1	/000	61/368
Q79(2)	2/781	/308	81/454	1	/000	16/131
Q79(3)	1/723	/323	28/436	1	/000	5/600
ارزش‌ها			7/667	2	/022	
Y002(1)	-/446	/220	4/112	1	/043	/640
Y002(2)	-/068	/206	/109	1	/742	/934
Constant	-1/263	/793	2/540	1	/111	/283
a. Variable(s) entered on step 1: Q79.						
b. Variable(s) entered on step 2: Q275.						
c. Variable(s) entered on step 3: Y002.						
d. Variable(s) entered on step 4: Q202.						

منبع: یافته‌های پژوهش

از مجموع ۹ متغیر مستقل، ۴ متغیر وارد معادله شده‌اند و تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. در گام اول متغیر اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی وارد مدل شده؛ در گام دوم، متغیر تحصیلات؛ و در گام سوم، متغیر ارزش‌ها و در نهایت در گام چهارم استفاده از رسانه تلویزیون وارد مدل شده است. اولین متغیر تأثیرگذار اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی است، هرچقدر میزان اعتماد به سازمان‌ها بیشتر باشد، افراد اولویت را به محافظت از محیط زیست می‌دهند و نگرانی زیست‌محیطی بیشتری خواهند داشت. براساس نتایج جدول نسبت بخت‌ها، متغیر اعتماد خیلی زیاد به سازمان‌های زیست‌محیطی برابر با ۶۱/۳۶۸ است، که نشان می‌دهد با افزایش اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، محافظت از محیط‌زیست نیز افزایش می‌یابد. متغیر اثرگذار بعدی تحصیلات است. تحصیلات در کد ۱ معنی‌دار است، به این مفهوم که هرچقدر سطح تحصیلات کمتر و پایین‌تر باشد، نگرانی زیست‌محیطی نیز کمتر است. تحصیلات ابتدایی و پایین، نگرانی‌های زیست‌محیطی را هم کاهش می‌دهد و به عبارتی اولویت فرد حفظ محیط زیست نیست بلکه، اولویت اصلی او رشد اقتصادی است؛ در عین حال هرچه سطح تحصیلات افزایش یابد، به خصوص در مدارج عالی‌تر (دکتری و کارشناسی‌ارشد)، نگرانی‌های زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد و محافظت از محیط زیست به اولویت اصلی افراد تبدیل می‌شود.

در ارتباط با استفاده از رسانه جمعی تلویزیون و گرفتن اخبار و اطلاعات از آن به نظر می‌رسد کسانی که هر روز از این رسانه استفاده می‌کنند، نگرانی زیست‌محیطی کمتری دارند. به عبارتی با افزایش استفاده از رسانه، احتمال نگرانی زیست‌محیطی کاهش می‌یابد و اولویت و دغدغه افراد بیشتر به سمت مسائل اقتصادی می‌رود.

متغیر بعدی ارزش‌های مادی، ترکیبی و پسامادی است. افرادی که ارزش‌های مادی‌گرا دارند، نگرانی زیست‌محیطی کمتری دارند و اولویت را به رشد اقتصادی می‌دهند، در حالی که با افزایش ارزش‌های پسامادی، نگرانی‌های زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد. به این ترتیب بر اساس مفروضات اصلی پژوهش، رابطه بین متغیرهای مستقل تحصیلات و اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، استفاده از رسانه تلویزیون و ارزش‌ها، با نگرانی زیست‌محیطی تایید می‌شود.

همچنین، براساس نتایج این جدول می‌توان مدل رگرسیونی لجستیک را بر اساس مرحله چهارم به صورت رابطه ۳ نشان داد:

$$\begin{aligned} \text{مدل رگرسیونی} = & -1/263 (\text{عدد ثابت}) - 1/549 (\text{تحصیلات}) - 0.002 (\text{تلویزیون}) \\ & + 4/117 (\text{اعتماد به سازمان محیط زیست}) - 0/446 (\text{ارزش‌ها}) \end{aligned} \quad (3)$$

نتیجه‌گیری و بحث:

طبق یافته‌های پژوهش ارزش‌های جهانی، در ایران ۲۹/۶ درصد از افراد صاحب ارزش‌های مادی‌گرا، ۵۵/۶ درصد ارزش‌های ترکیبی، ۱۳/۹ درصد دارای ارزش‌های فرامادی‌گرا هستند. از سوی دیگر، در ارتباط با متغیر حفاظت از محیط زیست، ۶۴/۸ درصد به محافظت از محیط زیست رأی دادند و ۲۹/۸ درصد به رشد اقتصادی و در این میان بر خلاف سایر پژوهش‌های بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. طبق نظر اینگلهارت نتایج به دست آمده نشان می‌دهد افرادی که دارای ارزش‌های مادی‌گرا هستند بیشتر به رشد اقتصادی و ایجاد کارآفرینی رأی دادند و کسانی که صاحب ارزش‌های فرامادی و ترکیبی‌اند به محافظت از محیط زیست اهمیت می‌دهند. نتایج پژوهش نشان داد بین متغیرهای مستقل تحصیلات و اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، استفاده از رسانه تلویزیون و ارزش‌ها، و نگرانی زیست‌محیطی به عنوان متغیر وابسته رابطه وجود دارد.



نتایج پژوهش در مورد متغیر تحصیلات همسو با نتایج (کلینبرگ و همکاران^۱، ۱۹۹۸؛ جونز، فلائی، تالی و کوردل^۲، ۲۰۰۳؛ اولفسون و اومن^۳، ۲۰۰۶) بود، کسانی که از تحصیلات بالاتری برخوردار بودند، دوستدار و نگران محیط زیست‌اند. با افزایش سطح سواد و تحصیلات از ابتدایی به مراحل بالاتر، نگرانی زیست‌محیطی و لزوم محافظت از محیط زیست، به دغدغه افراد تبدیل می‌شود؛ در حالی که در تحصیلات پایین، اولویت اصلی افراد رشد اقتصادی است. در مورد متغیر سن این روند معکوس است. افراد جوان‌تر تا ۲۹ سال، محافظت از محیط زیست را به رشد اقتصادی ترجیح می‌دهند و با افزایش سن میزان این نگرانی و دغدغه‌های زیست‌محیطی کاهش می‌یابد و رشد اقتصادی به اولویت افراد تبدیل می‌شود. متغیر اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی نیز از متغیرهای اثرگذار بر نگرانی و محافظت از محیط زیست است. در صورت وجود اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، افراد اهمیت بیشتری به حفظ محیط زیست می‌دهند. اگر این اعتماد قوی باشد، نگرانی‌های زیست‌محیطی نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی، سازمان محیط زیست جزء سازمان‌هایی است که در صورت اعتماد افراد به آن، سیاست‌ها و هشدارهایش جدی گرفته می‌شود و می‌تواند به شکلی موثر افراد را نسبت به مسائل زیست‌محیطی دغدغه‌مند کند و آن‌ها را به سمت حفظ محیط زیست سوق دهد.

ایران در شاخص عملکرد زیست‌محیطی (EPI) ۲۰۲۰ رتبه ۶۷ را به خود اختصاص داده در حالی که در این شاخص در سال ۲۰۲۲ به رتبه ۱۳۳ نزول کرده است، به نظر می‌رسد بی‌توجهی به آلودگی‌های زیست‌محیطی و عدم آگاهی مردم و کنشگران باعث ضعف عملکرد در این حوزه شده است. علاوه بر این ایران در شاخص (CRI) مخاطرات آب و هوایی و مرگ و میر و خسارت ناشی از آن طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۸ ایران در جایگاه ۸۳ در بین ۱۸۱ کشور قرار گرفته است و تقریباً در میانه کشورها به لحاظ مخاطرات آب و هوایی و مرگ و میر ناشی از آن است. لازم است تا جنبش‌ها، فعالیت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد وارد عرصه شوند و نسبت به پیامدهای این بی‌توجهی هشدار و واکنش نشان دهند. هدف ما در این پژوهش این بود که از دو زاویه متفاوت موضوع نگرانی یا عدم نگرانی نسبت به



1. Klineberg .et al
2. Jones, Fly, Talley & Cordell
3. Olofsson & Öhman

مسائل زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار دهیم. اینکه کدام رویکرد بهتر می‌تواند جنبه‌های مختلف موضوع را آشکار کند، بسته به شرایط و نوع مسئله ایجاد شده متفاوت است.

طبق رویکرد انتقادی در نظام سرمایه‌داری عملکرد شرکت‌های خصوصی و مدیران دولتی، و نیز شهروندان مصرف‌کننده و گروه‌های کار، همگی در هم می‌آمیزند تا خاصیت چرخه انباشت صنعتی را تقویت کنند. از قلب خانواده گرفته تا محیط کار، نیروهای نهادینه شدهٔ پر قدرتی در کارند تا افراد را به سوی مصرف بیشتر سوق دهند. به طور مثال افزایش تولید خودرو در کشور با استانداردهای پایین، ساخت و ساز بی رویه مسکن بدون توجه به پیامدهای زیست‌محیطی آن، از بین بردن جنگل‌ها و تولید زباله‌های صنعتی و الکترونیکی تنها بخشی از آثار تخریبی محیط زیست به دست صاحبان منافع و قدرت است.

از منظر برساخت‌گرایی نیز لزوم توجه به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و روند شکل‌گیری مسائل زیست‌محیطی حائز اهمیت است. لابی‌گری و برجسته کردن مسائل خاص و پنهان کردن زوایای مهم برخی مسائل به تخریب بیشتر منابع طبیعی دامن می‌زند. اینکه تا چه حد گروه‌های قدرتمند و صاحب نفوذ، رسانه‌ها و مروجان در رتبه‌بندی مسائل و آسیب‌های زیست‌محیطی براساس معیارهای مورد نظرشان عمل می‌کنند و آن‌ها را به شکل خاصی عرضه می‌کنند، اهمیت دارد. به طور مثال، در کشور در حالی که برخی مسائل زیست‌محیطی نظیر آلودگی هوا و کمبود آب و انرژی، از سوی مروجان، رسانه‌ها و صاحبان قدرت به شکلی جدی مطرح و پیگیری می‌شود اما حتی همین موضوعات به شکل مورد نظر برساخت‌گرایان این مسائل و با مقاصد خاص ارائه می‌شود، براساس آمار وزارت نیرو از مجموع کل آب‌های استحصالی، ۶ تا ۷ درصد در شهرها، ۹۰ درصد در بخش کشاورزی و ۴ درصد در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد و بخش عمده آبی که ادعا می‌شود در بخش کشاورزی مورد مصرف قرار می‌گیرد به علت اشکالات متعدد در سیستم‌های انتقال آب پیش از اینکه به کشاورزان برسد در مکانی دیگر هدر می‌رود^۱ و مصارف خانگی در رتبه بعدی قرار دارد. در این شرایط مردم به عنوان مقصراصلی هدررفت جلوه داده می‌شوند در حالی که بخش اصلی هدررفت آب که در بخش کشاورزی و صنعت به دلیل سیاست‌گذاری‌های کلان و دولتی نادرست و عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته اتفاق می‌افتد و این بخش نادیده گرفته می‌شود و یا کم‌رنگ جلوه داده می‌شود. مشخصاً افکار، رسانه‌ها و اعتبار علمی

۱. مشاهده شده در سایت ایسنا (۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۰، کدخبر ۱۴۰۰۲۱۸۱۱۸۹۱).



داده‌ها، و مروجان، می‌توانند در برجسته‌سازی مسئله به شکل نمادین و بصری و نحوه درک، تمجید و مورد تفکر قرار گرفتن یا بی‌اهمیت جلوه دادن موضوعات و مسائل محیط زیست طبیعی نقش موثری ایفا کنند. به همین دلیل نقش آگاه‌سازی، آموزش و سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌ها) در این عرصه پررنگ است. بر ساخت مسائل در راستای حفظ محیط زیست می‌تواند روند تخریب را کندتر کند. با توجه به اینکه بخش زیادی از جمعیت کشور دارای تحصیلات و باسواد هستند، پتانسیل دغدغه‌مندی نسبت به مسائل زیست‌محیطی در کشور وجود دارد.

در نهایت، با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد رویکرد بر ساخت‌گرایی نقش پررنگ‌تری در آشکارسازی زوایای پنهان مسائل زیست‌محیطی دارد. به این معنی که استفاده از رسانه‌ها، اعتماد به سازمان‌های زیست‌محیطی، تحصیلات و داشتن ارزش‌های فرامادی، نقش موثری در ایجاد حساسیت نسبت به موضوع محیط زیست دارد و می‌تواند جامعه را به سمت و سوی مورد نظر سوق دهد.

به همین منظور، تشکیل گروه‌های زیست‌محیطی، از جمله سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) جلب مشارکت افراد و ایجاد فرهنگ زیست‌محیطی باعث همکاری گروه‌های مختلف با یکدیگر می‌شود. لازم است فرایند آگاهی‌رسانی سمن‌ها به مردم بوسیله دستگاه‌های دولتی نیز پشتیبانی شود، "برای اینکه مسئله محیط زیستی با موفقیت مورد مناقشه واقع شود، باید حامی نهادی داشته باشد که مشروعیت و تداوم آن را تضمین کند" (هانیکان، ۱۳۹۲). اختصاص بودجه در بخش آموزش (مهدکودک، مدارس و دانشگاه) و پژوهش در مراکز پژوهش‌هایی در جهت حفظ منابع و محیط زیست و همچنین شناخت نیازهای جوامع محلی و مخاطرات زیست‌محیطی هر منطقه، و لزوم برنامه‌ریزی با مشارکت و مداخله خود اعضا ضروری است. علاوه بر این، نیاز به پژوهش‌های گسترده چندسطحی، در حوزه جامعه‌شناسی محیط زیست در کشورمان وجود دارد. جامعه‌شناسان این حوزه می‌توانند، دعاوی مطرح شده را در بستر سیاسی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی شناسایی کنند. اینکه قدرت‌های نابرابر گروه‌های اجتماعی چه تأثیری بر شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری یک موضوع به عنوان مسئله و بحران زیست‌محیطی دارند و اینکه اساساً چه مخاطرات جدیدی جامعه عصر حاضر را تهدید می‌کند. این موارد می‌تواند نقش موثری در شکل‌دهی به آگاهی عموم و ایجاد حساسیت نسبت به مسائل زیست‌محیطی ایفا کند.



ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.



References

- Ai He & Greenberg. (2008). *Motivating In Sustainable Energy Consumption In The Home*, Dept Of Computer Science, University Of Calgary.
- Baker, Terzal. (2007). *How to conduct social research*, translated by Houshang Naibi. Tehran: Nashrani. (in persian)
- Barr, S., Ford, N.J., & Gilg, A.W. (2003). "Attitudes Toward Recycling Household Waste In Exeter", *Devon: Quantitative & Qualitative*. 3-4.
- De Vaus, D.A. (2006). *Navigation in social research*, translated by Houshang Naibi. Tehran: Nashrani. (in persian)
- Fortunkia, Shahrouz and Navah, Abdolreza. (2017). *Sociology of environment*. Tehran: Andisheh Ehsan. (in persian)
- Firouzjaian, Ali Asghar, Salehi, Sadegh and Shafiei, Azadeh. (2016). "Environmental indifference as social indifference". *Cultural Sociology*, 8, (3), 51-70. (in persian)
- Givens, J. E., and A. K. Jorgenson. (2011). "The effects of affluence, economic development, and environmental degradation on environmental concern: A multilevel analysis". *Organization and Environment* 24 (1):74-91.
- Global Climate Risk Index. (2020). This publication can be downloaded at: <http://www.germanwatch.org/cri> or www.germanwatch.org
- Habibpour, Karam and Safari Shali, Reza. (2015). *A comprehensive guide to using SPSS in survey research (quantitative data analysis)*, Tehran: Loye Publishing House. (in persian)
- Hannigan, John. (2012). *Environmental Sociology*, translated by Musa Anbari, Anwar Mohammadi and Milad Rostami. Tehran: University of Tehran, third edition. (in persian)
- Hirst, S. (2014). Environmentalism has failed Or has it?. Suzuk Elders, 1-4. Available at: <https://www.suzukiolders.org/2020,6,15>.
- <https://epi.yale.edu/epi-results/2020/component/epi>.
- Inglehart, Ronald. (1996). *Cultural transformation in advanced industrial societies*, translated by Maryam Veter. Tehran: Kausar Publications. (in persian)
- Irwin, Alan. (2013). *Sociology and environment*, translated by Sadegh Salehi. Mazandaran: Mazandaran University Press. (in persian)
- Jones, R.E., Fly, M.J., Talley, J. & Cordell, H.K. (2003). "Green migration into rural America: The new frontier of environmentalism?" *Society and Natural Resources*, 16(3), 221-238.
- Kalantari, Abdul Hossein, Kianpour, Massoud, Mozeshi Sharafabadi, Vahid and Lashkari, Mojtabi. (2015). "Investigating the social factors affecting the belonging to the environment (case study of Tehran citizens)". *Applied Sociology*, 27(62), 1-16. (in persian)



- Klineberg, S. L., McKeever, M. & Rothenbach, B. (1998). "Demographic predictors of en-vironmental concern: It does make a difference how it's measured." *Social Science Quarterly*, 79(4), 734-753.
- Lee, Donald .C (1980), "on the Marxian view of the relationship between man and nature", *environmental ethics*, 2:3-16.
- Marquart-Pyatt, S. T. (2007) "Concern for the environment among general publics: A cross-national study". *Society & Natural Resources* 20:883-98.
- Nosratinejad, Farhad, Serajzadeh, Seyed Hossein and Dihol, Mansour. (2018). "Sociological explanation of environmental behavior (case study: Tehrani citizens)". *Sustainable Development of Geographical Environment*, 1(3), 1-21. (In Persian)
- Olofsson, A. & Öhman, S. (2006). "General beliefs and environmental concern: Transatlantic comparisons". *Environment and Behavior*, 38(6):768-790.
- Rubington, Earl and Weinberg, Martin. (2007). *Seven theoretical approaches in investigating social issues*, translated by Rahmatullah Sediq Sarostani. Tehran: Publishing and Printing Institute of Tehran University, third edition. (in persian)
- Running, Katrina. (2012). "Examining Environmental Concern in Developed, Transitioning and Developing Countries", *World Values Research*, 5 (1), 1-25.
- Salehi, Sadegh, Habibi, Sona, Rezaei, Ahmed and Firouzjaian, Ali Asghar. (2021). "Analysis of factors and socio-cultural contexts of the formation of environmental problems: application of foundational data theory (case study: rural areas of Dwalesh)". *Rural Research Quarterly*, 12 (3), 536-551. (in persian)
- Salehi, Sadegh, Imamqoli, Luqman and Mohammadi, Jamal. (2017). "Social analysis of the lack of success in popularizing the environmental issue in Iran". *Sociological studies*, 25 (1), 139-162. (in persian)
- Salehi, Sadegh, and Jahormi, Mojtabi. (2012). "Analytical comparison of the environmental values of the Islamic world and the West; Secondary analysis of global values survey data". *Social studies and research in Iran*, 2 (3), 505-523. (in persian)
- Salehi, Sadegh and Hemti, Zahra. (2011). "The role of environmental education in electronic waste management". *Environmental Education and Sustainable Development*, 1 (1), 23-44. (in persian)
- Salehi, S. (2010). *People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behavior in Iran*, Lambert Academic Publishing.
- Sasko, D. (2014). *Can Affluence Explain Public Attitudes Towards Climate Change Mitigation Policies? A Multilevel Analysis with Data from 27 EU Countries*. Center for Global Politics (2-16). CGP Working Paper Series 02/2014, Editor: Kristina Klinkforth, Publisher: Klaus Segbers.
- Stern, P. C. (2000). "Toward a coherent theory of environmentally significant behavior", *Journal of Social Issues*, 56(3),407-424.



- Sudarmadi, S. Suzuki, S. Kawada, T. Nehi, H. Soemantri, S. & Tri, T. (2001). "A Survey of Perception , Knowledge, Awareness, And Attitude in Regard to Environmental Problems in a Sample of Tow Different Social Groups in Jakarta, Indonesia", *Journal of Environment Development and Sustainability*. 3(2):169-183.
- Sutton, Philip. (2012). *An introduction to environmental sociology*, translated by Sadegh Salehi. Tehran: Samit Publications. (in persian)
- Usui. M. A., Vinken H. and Kuribayashi. (2003). "pro- Environment Attitudes and Behaviors: An International Comparison", *human ecology review*, No 1: 30-40.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





بعد اجتماعی عدالت در اسلام: سهم الهیات^۱

نویسنده: سید فرید العطاس^۲

مترجم: مینا اینانلو^۳

چکیده

هر بحثی از عدالت یا عدل در زمینه اسلامی، باید با مفاهیم کلیدی تعادل یا میزان (المیزان) و اعتدال یا حد وسط (وسطیة) مرتبط باشد. اعتدال به معنای ایجاد تعادل بین دو حد افراط و تفریط است. برقراری این تعادل، دستاورد عدالت است. به این دلیل که صفت خاصی از عدالت (عدل)، میزان (المیزان) یا تعادل است. قرآن چنین توصیفی از عدالت خداوند بدست می‌دهد: «و ما ترازو (موازين) عدل را برای روز قیامت قرار می‌دهیم، آنگاه به هیچ‌کس در هیچ چیزی ستم نمی‌شود و اگر چیزی یا عملی هم وزن دانه خردلی باشد آن را هم به حساب می‌آوریم و کافی است که حسابگر باشیم انبیاء (۲۱): ۴۷]. بنابراین، نتیجه می‌شود عدالت، همان اعتدال است، یعنی دستیابی به اعتدال، دستاورد عدالت است. این مطلب، نه تنها در مورد عدالت خداوند بلکه، در مورد عدالت انسان‌ها نیز صدق می‌کند. همان‌طور که این خلدون اشاره کرده است: «عدالت، ایجاد تعادل در میان بشریت است. این به عدالت اجتماعی ارتباط دارد». این پژوهش، به بررسی ابعاد مختلف اعتدال در جامعه می‌پردازد که در مجموع عدالت اجتماعی را تعریف می‌کنند. توجه و تأکید من بر دوگانه‌های خاصی، مثل ظاهر-باطن، سنت-مدرنیته، خصوصی-عمومی، و خودمختاری و مقررات است تا از این رهگذر فهمی امروزی از اعتدال بیوروم، که شروط لازم عدالت اجتماعی را بجا آورد. سپس کارایی این تلقی از عدالت اجتماعی را درباره دو مسئله معاصر در جهان اسلام، یعنی فرقه‌گرایی و تخریب میراث، توضیح بدهم. بعد از آن، بحث مختصری در مورد الهیات اجتماعی (سعید) نوری می‌آید، که آن را به عنوان چارچوبی برای بیان فهمی امروزی از عدالت اجتماعی، نشان داده‌ام.

۱. مقاله ارائه شده به چهارمین همایش و گردهمایی مکتب اسلامی (AAISC4) سال ۲۰۱۹- با تمرکز بر عدالت اجتماعی، ۱۳ و ۱۴ جولای

۲۰۱۹، مؤسسه آسیا - دانشگاه ملیبورن استرالیا

۲. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ملی سنگاپور Email: alatas@nus.edu.sg

۳. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا Email: inanloo_mina@yahoo.com

عدالت، اعتدال و افراط‌گرایی

مفاهیم کلیدی مربوط به بحث عدالت در زمینه اسلامی، (عدل) عدالت و (المیزان) تعادل هستند. اصطلاحی که در گفتمان اسلامی معمولاً به عدالت ترجمه می‌شود، (عدل) است. در کار نوری، در انطباق با قرآن و اندیشه اسلامی به طور کلی، این اصطلاح در کنار مفهوم میزان یا تعادل، می‌آید. نوری به هنگام بحث از عدالت خدا، هم از عدالت و هم از تعادل سخن می‌گوید. به عنوان مثال، او اظهار می‌کند که غیرممکن است خدایی که عدالت و تعادل را در نظم کیهانی برقرار کرده است، به کسانی که به آن عدالت اعتقاد دارند و او را می‌پرستند، التفات نکند.^۱ در فقه اسلامی، نظر اکثریت بر این بوده است که عدل به قید و شرطی دلالت می‌کند که برحسب آن، شخص به واجبات و توصیه‌های شرعی یا اصول اخلاقی اسلامی، عمل می‌کند و از منکرات و مکروهات، پرهیز می‌کند.^۲ صفت خاص عدل، میزان یا تعادل است. این همسوی با دیدگاه قرآن درباره عدالت خداوند است: و برای روز قیامت ترازوهای (موازين) عدل قرار می‌دهیم، آنگاه در هیچ چیز به هیچ کس ستم نمی‌شود و اگر هر عملی هم وزن دانه خردل باشد، به حساب می‌آوریم و کافی است که حسابگر باشیم.^۳

چند قرن بعد، ابن خلدون به برداشت دانشمندان پیشین از کارکرد اجتماعی قانون، اشاره کرده است. به عنوان مثال، وی به سخنان موبد ایرانی در برابر ملک بهرام بن بهرام به روایت مسعودی، اشاره می‌کند: «ای پادشاه، اقتدار سلطنتی تنها از طریق شریعت دینی، اطاعت از خدا و پیروی از اوامر و نواهی او تحقق می‌یابد. قانون دینی تنها از طریق اقتدار سلطنتی تداوم می‌یابد. اقتدار سلطنتی تنها توسط مردان صورت می‌پذیرد. مردان تنها با کمک دارایی پابرجا می‌مانند. تنها راه رسیدن به مالکیت، زراعت است. تنها راه تزکیه عدالت است. عدالت، تعادلی است که در بین بشر برقرار شده است. خداوند آن را برپا کرد و ناظری برای آن قرار داد و آن (ناظر) حاکم است».

۱. بدیع الزمان سعید نوری، کلمات: درباره طبیعت و اهداف انسان، زندگی و همه چیزها (استانبول، ۲۰۰۴)، ۷۷. همچنین نگاه کنید به ترجمه عربی کلمات که با دقت بیشتری استفاده از اصطلاحات اسلامی را در اصل ترکی منعکس می‌کند. (استانبول ۱۴۱۹/۱۹۹۸م)، ۶۸

۲. ابن رشد، مبتکر فقیه ممتاز: بدایه المجتهد و نهایه المقتصد (۱۹۹۶م)، ج ۲، ۵۵۶. نیز رجوع کنید به اصل عربی، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد (بیروت، العلمیة، ۱۹۹۷/۱۴۱۸)، ج ۲، ۶۷۸.

۳. الانبیا (۲۱): ۴۷



این حرف که «عدالت تعادلی است که در میان بشریت برقرار می‌شود» در اینجا برای ما جالب است. (العدل المیزان المنسوب بین الخلیفه). این آیه اشاره به عدالت انسانی است. اگر هر سه قول فوق را در نظر بگیریم، روشن می‌شود که مفاهیم عدل و میزان هم به عدالت خداوند و هم به عدالت انسانی اشاره دارند.

از این مطلب، چنین استنباط می‌شود که اگر عدالت همبسته‌ی تعادل باشد و بر مبنای آن تعریف شود، آنگاه بی‌عدالتی هم همبسته‌ی عدم تعادل می‌شود و بر مبنای آن تعریف می‌شود. علاوه بر این، می‌توان دریافت که تعادل همبسته‌ی اعتدال و حدوسط (وسطیّه) نیز است، به این معنا که دقیقاً تحقق تعادل بین دو حد افراط و تفریط به اعتدال (حالت دوری از افراط و تفریط) می‌انجامد. بنابراین، عدم تعادل هم‌پیوند با افراط‌گرایی می‌شود و باید وضعیت بی‌عدالتی تلقی شود. در بخش بعدی، درباره افراط‌گرایی، نه صرفاً به مثابه بی‌عدالتی، بلکه به مثابه بی‌عدالتی اجتماعی بحث خواهیم کرد.

افراط‌گرایی به مثابه بی‌عدالتی اجتماعی

روشن است که اعتدال در عین حال برقراری عدالت است و مستلزم ایجاد تعادل بین مردم است. تعادل با گفتگوی بین دو حد افراط و تفریط، برقرار می‌شود. افراط‌گرایان مسلمان در برقراری این تعادل، ناکام مانده‌اند. به عنوان مثال، سختگیری بیش از حد (افراط) در پیروی از شرع اسلام و از سوی دیگر، تسامح بیش از حد (تفریط)، دو قطب هستند. امروزه مشکل افراط‌گرایی، ناکامی در ایجاد تعادل بین دو قطب، افراط و تفریط است. ایجاد تعادل، همان ایجاد راه میانه است.

یکی از اصطلاحات معادل افراط‌گرایی در اسلام، غلو است که ابتدا متکلمان از آن برای توصیف کسان استفاده کرده‌اند که در احترام به شخصیت‌های مذهبی، مانند شأن الهی دادن به آن‌ها، اغراق می‌کردند. غلات، اهل افراط هستند. در این مثال، ناتوانی در برقراری تعادل بین، از یک سو، میل به تکریم یک شخصیت نبوی یا مقدس، و از سوی دیگر، شاهد گرایی به قائل نشدن هیچ شأن ویژه‌ای به آنها هستیم. در جامعه مسلمانان معاصر، در طول زنجیره افراط - تفریط، انواع و مظاهری از این دو حد را می‌توان شناسایی و مشاهده کرد، که همگی دارای بعد اجتماعی هستند. برخی از آنها را در ادامه فهرست کرده‌ام:



۱. شمول‌گرایی در مقابل انحصارگرایی - اعتدال مستلزم تنوع است، اما از یک سو، باید بین حفظ یکپارچگی اسلام به واسطه عدم شمول هر گروهی که مدعی مسلمانی هستند، و از سوی دیگر، تعریف مضیقی از اسلام که کنار گذارنده گروه‌های به لحاظ تاریخی مشروع می‌شود، تعادل وجود داشته باشد. در مالزی، در برخی محافل کوشیده‌اند تعریف اسلام را به مکتب شافعی محدود کنند، حرکتی که منجر به تبعیض علیه برخی مکاتب دیگر می‌شود.
۲. سنت در مقابل مدرنیته - نمونه‌اش، تخریب میراث در عربستان سعودی است (در بخش بعدی به این موضوع باز خواهیم گشت). این دوگانگی با دوگانگی دیگر، یعنی دوام در مقابل تغییر، نیز مرتبط است.
۳. شرع در مقابل معنویت - جا افتادن تفکر شرع‌گرایانه در میان علما و مردم به طور کلی، منجر به بی‌توجهی به معنویت و تجربه دینی شده بود. این بازتابی از نبود تعادل بین ابعاد ظاهری و باطنی اسلام است، که در درجه اول به دلیل زوال سنت صوفیانه است. این شرع‌گرایی منجر به عدم تعادل دیگری شده، که به شرح زیر است.
۴. اعمال زور در مقابل آزادی/ مقررات در مقابل قداست زندگی شخصی - در اینجا بین لزوم تنظیم قلمروهای اجتماعی و خصوصی زندگی و آرمان تقدس زندگی و فضای شخصی، تعارضی وجود دارد. بدیهی است در هر جامعه‌ای دولت باید بر شهروندان نافرمان و یاغی اعمال زور کند. این کار نه تنها باید با تامین آزادی‌های شخصی بلکه، آزادی‌های مدنی، متعادل شود. توجه بیش از حد به مقررات می‌تواند به اعمال زور بیش از حد منجر شود. به عنوان مثال، قانونی در مالزی است که به مقامات اجازه می‌دهد مرد مسلمان را به دلیل شرکت نکردن در نماز جمعه جریمه یا بازداشت کنند.
۵. لفظی (حقیقی) در مقابل مجازی - این، نمونه‌ی دیگری از نبود تعادل بین ابعاد ظاهری و باطنی اسلام است. برای مثال، علاقه بیش از حد به ظاهر در امر تفسیر متون، ممکن است به جهت‌گیری‌های مشکل‌آفرین مانند انسان گونه‌انگاری^۱ در آموزه‌های الهیاتی، منجر شود.



1. anthropomorphism

۶. کل‌گرایی در مقابل جزئی‌گرایی - قبلاً ثابت کردیم که بی‌عدالتی باید به نبود تعادل تعریف شود. از این رو مواردی از نبود تعادل که در بالا مورد بحث قرار گرفت، در صورتیکه دارای ابعاد اجتماعی و معضلات اجتماعی باشند، به بی‌عدالتی اجتماعی اشاره دارند. در ادامه، درباره دو نمونه از بی‌عدالتی اجتماعی ناشی از افراط‌گرایی، بحث می‌کنم. در این دو نمونه، افراط‌گرایی بر اساس دو عدم تعادل تعریف می‌شود - ناکامی در ایجاد تعادل بین سنت و مدرنیته، و ناکامی در ایجاد تعادل بین شمول‌گرایی و انحصار‌گرایی.

تخریب میراث به مثابه بی‌عدالتی اجتماعی

تخریب میراث در عربستان سعودی، نمونه‌ای از افراط‌گرایی و بی‌عدالتی اجتماعی از نظر شکست در ایجاد تعادل بین سنت و مدرنیته است. مقامات سعودی آنقدر با طرز تفکر مدرنیستی همسو شده‌اند که منجر به تخریب سنت شده است. در دهه‌های ۱۹۳۰، ۴۰ و ۵۰، اقتصاددانان در آمریکای لاتین، اروپا و ایالات متحده، به مناطق توسعه‌نیافته توجه کردند. مکتب غالبی که برای توضیح توسعه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری استفاده می‌شد، اقتصاد نئوکلاسیک بود که بر اساس آن، عملکرد نیروهای بازار آزاد می‌تواند رفاه اقتصادی کل را به حداکثر برساند و رشد تولید تحت اشتغال کامل، تا زمانی ادامه خواهد داشت که گرایش مثبتی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری افزون بر آنچه برای حفظ سازو برگ سرمایه‌ای لازم است، وجود داشته باشد. ظهور مکاتب بعدی اقتصادی توسعه، تا حدی واکنشی به عدم کارایی اقتصاد نئوکلاسیک بود^۱. رویکردهای مطالعاتی اقتصاد در مناطق توسعه‌نیافته عبارتند از: مکتب ساختارگرایی، نئومارکسیسم، نظریه وابستگی، و اقتصاد نهادی جدید.

اقتصاد اسلامی برحسب علاقه‌ی تقریباً خاصش به عوامل فنی مانند رشد، بهره، مالیات، سود و غیره، عمدتاً در سنت اقتصاد نئوکلاسیک جای گرفته است. تعداد زیادی از مسائل اقتصاد سیاسی نظیر؛ توسعه نابرابر، مبادله نابرابر، سرمایه‌داری بوروکراتیک، فساد و نقش دولت که نظریه‌پردازان اقتصاد ساختارگرا، نئومارکسیست، وابستگی و اقتصاد نهادی جدید

۱. دیانا هانت، نظریه‌های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم‌های رقیب: نیویورک ۱۹۸۹، ۳.

به آنها پرداخته‌اند، اقتصاددانان اسلامی در سطوح نظری و تجربی به آنها نمی‌پردازند. البته این بدان معنا نیست که اقتصاددانان اسلامی باید بدون نگرش انتقادی، رویکردهای دیگر را به عنوان جایگزینی برای اقتصاد نئوکلاسیک اتخاذ کنند. بومی‌سازی موفقیت‌آمیز اقتصاد توسعه و ادعای علمی بودن آن، بستگی دارد به اینکه تلاش‌های بومی‌سازی تا چه حدی فواید اقتصاد نئوکلاسیک و سایر نظریه‌های توسعه، را حفظ می‌کند. مشکل اصلی این وضعیت این است که تحت عنوان "اقتصاد اسلامی" سیاست‌گذاری‌های مراکز سرمایه‌داری صنعتی، در جهان اسلام اجرا می‌شود و مشروعیت می‌یابد، و بدین طریق همان پروژه‌های که اقتصاد اسلامی به آن متعهد شده است، تضعیف می‌شود. تلاش برای استوار کردن اقتصاد اسلامی بر پایه نظریه انسان عقلانی و روش‌شناسی فرضیه‌ای-قیاسی، منتهی به این شده است که صرفاً اصطلاحات اسلامی جایگزین اصطلاحات اقتصاد نئوکلاسیک و حفظ کردن مفروضات، روال‌ها و شیوه‌های تحلیل آن مکتب اقتصادی شود. به این ترتیب، درگیر تحلیل و نقد نظم اقتصادی بسیار نابرابر جهانی که شکاف‌ها در آن روز به روز بیشتر می‌شود، نشده است. از این رو، این اقتصاد ظاهراً ضدغربی، جذب آن اقتصاد می‌شود، و به همان روندهایی کمک می‌کند که در ظاهر مخالف توجه کردن به آن بود.

ثالثاً، اقتصاد اسلامی، نه چندان متفاوت از اقتصاد نئوکلاسیک، عقلانیتی فنی-اقتصادی را بر طیف وسیعی از مسائل گسترش می‌دهد که مستلزم این است که اهداف مختلف به‌عنوان نتایج قابل‌مقایسه تلقی شوند، امری که خود مستلزم حذف موانع فرهنگی مقایسه‌پذیری نتایج است. از این لحاظ، اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد اسلامی، مارکسیستی و سایر نظریه‌های بدیل توسعه مشابه هم هستند، به این معنی که مبتنی بر فرض‌های تنگ‌نظرانه در مورد کنش انسانی‌اند. بنابراین، می‌توان گفت کارکرد اقتصاد اسلامی به لحاظ ایدئولوژیکی این است که از سرمایه مالی جهانی حمایت می‌کند، در حالی که مدعی ارائه جایگزینی اقتصاد جریان اصلی است. مهمتر اینکه، با نگرشی تعامل دارد و تقویت می‌کند که می‌توان آن را «اخلاق مسلمان مدرن» توصیف کرد که برخی از آن به عنوان پروتستانتیسم اسلامی یاد می‌کنند. این پروتستانتیسم اسلامی، به حسی از پرهیزگاری در کنش اقتصادی در شرایط خسران فرهنگ سنتی و پذیرفتن طرح کلی ناپخته و مادی‌گرایانه، اشاره دارد. نمونه‌ای که مکرراً ذکر می‌شود، پروژه‌های توسعه پیرامون حرم در مکه است.



بسیاری از اماکن تاریخی مکه تخریب شده‌اند، تا حدی که بسیاری از میراث نبوی در حال از بین رفتن است. عرفان آل علوی، مدیر بنیاد تحقیقات میراث اسلامی مستقر در بریتانیا، گفت: "مقامات می‌کوشند تا هر چیزی را که در مکه با زندگی پیامبر پیوندی دارد، از بین ببرند." خانه‌های همسر، نوه و یکی از اصحاب پیامبر(ص) ویران شده است. خانه خدیجه، همسر حضرت محمد (ص) را خراب کرده‌اند و به جایش بلوکی که متشکل از ۱۴۰۰ توالی عمومی است، ساخته‌اند. دیگر مکان‌های تاریخی با هتل‌های آسمان خراش، جایگزین شده‌اند.^۱ برای تکمیل این تصویر، می‌توان افزود که این اخلاق مدرنیستی با سلفی‌گری و سایر ایدئولوژی‌های مدرنیستی در جهان اسلام قرابت دارد، از این حیث که هر دو نسبت به سنت بی‌تفاوت هستند یا آن را رد می‌کنند. اگرچه پروتستان قرن شانزدهم از نظر نگرش به خانواده، ازدواج، فرهنگ و زیبایی‌شناسی سنت‌گرا باقی ماند. با این حال، در قرن نوزدهم رکن پروتستان به پس‌زمینه رفت. همان‌طور که وبر گفت:

"پیوریتن (اهل ورع) می‌خواست در حرفه‌ای مشغول کار شود؛ ما مجبوریم این کار را بکنیم. زیرا هنگامی که زهد از حجره‌های رهبانی به زندگی روزمره منتقل شد و بر اخلاق جهانی مسلط شد، نقش خود را در ساختن نظم اقتصادی مدرن انجام داد. این نظم، اکنون به شرایط فنی و اقتصادی تولید ماشین بستگی دارد که امروزه زندگی همه افرادی را که در این مکانیسم متولد می‌شوند، تعیین می‌کند."^۲

می‌توان گفت که اقتصاد سلفی‌گری تجسم این نگرش است که در آن فرهنگ و زیبایی‌شناسی بیش از حد تابع الزامات فنی و اقتصادی توسعه است، حتی به قیمت تخریب میراث مذهبی.

با این حال، این را باید از به اصطلاح «پیوریتن‌های اسلامی» یا «کالونیست‌های اسلامی» که از یک سو، برایشان بهم پیوستگی، دین، میراث و فرهنگ، و از سوی دیگر، اقتصاد، قوی می‌ماند، متمایز کرد.^۳ نخبگان سیاسی و تجاری که من از آنها به عنوان مظهر

۱. با شروع حج، تخریب میراث مکه ادامه دارد (گاردین، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳).

۲. ماکس وبر، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری: رابطه بین دین و زندگی اقتصادی و اجتماعی در فرهنگ مدرن، نیویورک: پسران چارلز اسکریبنر، ۱۹۵۸، ص. ۱۸۰.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر در این پدیده، کالونیست‌های اسلامی: تغییر و محافظه‌کاری در مرکز آناتولی، برلین و استانبول: (ابتکار ثبات اروپا)، ۲۰۰۵، هاگان یاوز، به سوی روشنگری اسلامی: جنبش گولن، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۳، اویغور سلجوک "پیوریتانیسم اسلامی" به عنوان منبع توسعه اقتصادی: مورد جنبش گولن، برای دیدگاه‌های انتقادی درباره ایده پروتستانیسم اسلامی رجوع کنید به سید فرید العباس، «احیای مسلمانان معاصر: مورد «اسلام پروتستانی»، جهان اسلام ۹۷(۳)، ۲۰۰۷، ۵۲۰-۵۰۸، مایکل بروورز و چارلز کورزمن، یک اصلاح اسلامی؟ لایپام، کتاب‌های لگزینتن، ۲۰۰۴.



فرهنگ مصرف‌گرایی نادرست یاد می‌کنم، و انگیزه‌ی فعالیت‌شان اقتصاد سلفی‌گرایانه است، بیشتر شبیه کسانی هستند که می‌خواهند محله‌های قدیمی و مناطق جنگلی را خراب کنند و مراکز خرید، آپارتمان‌های لوکس و هتل بسازند.

فرقه‌گرایی به عنوان بی‌عدالتی اجتماعی: انحصارگرایی و آزار و اذیت در اندونزی و مالزی

شیعیان در مالزی درصد کمی از کل جمعیت با اکثریت مسلمان مالزی را تشکیل می‌دهند. در طول ۳۰ سال گذشته، نگرش مقامات مالزی نسبت به شیعیان و برخوردشان با این فرقه اقلیت مسلمان از پذیرش به رد، و حتی آزار و اذیت تغییر کرده است. در سال ۱۹۸۴، کمیته فتوای شورای ملی امور مذهبی اسلامی اعلام کرد که مکاتب فقهی شیعه، جعفری و زیدی، در مالزی قابل قبول هستند. در سال ۱۹۹۶ این تصمیم لغو شد. به دنبال آن یکسری فتوا بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۲ توسط ایالت‌های مختلف مالزی صادر شد که محدودیت‌هایی را برای گسترش و اعمال تشیع ایجاد کرد. در برخی موارد، مانند ایالت نگاری سمبیلان، فقط به جلوگیری از گسترش تشیع حکم داده شده است. شیعیان آزاد بودند که به شعائر اسلامی مطابق با مذهب خود عمل کنند، اما مجاز نبودند عقاید و اعمال دینی خود را در میان اکثریت سنی مذهب اشاعه دهند. در موارد دیگر، مانند ایالت سلانگور، شیعیان را به دلیل انجام مناسک خود دستگیر می‌کردند.

در دسامبر ۲۰۱۰، حدود ۲۰۰ شیعه از جمله تعدادی خارجی توسط مقامات مذهبی دولتی در جریان یورش به یک مرکز شیعی دستگیر شدند.^۱ در موارد دیگر، مانند ایالت پراک، قانون زمینه را برای دستگیری شیعیانی که آثار و نوشته‌های شیعی (کتاب و اسناد) داشتند، فراهم می‌کند. بر اساس بخش ۱۶ قانون جنایی ایالت پراک در سال ۱۹۹۲، داشتن اقلام مربوط به تشیع از جمله کتاب، اطلاعات سمعی و بصری و پوستر جرم محسوب می‌شود.^۲ در اوایل آگوست ۲۰۱۳، دو نفر شیعه دستگیر شدند و به دنبال آن، شش نفر دیگر هم در ماه سپتامبر دستگیر شدند. احمد نظام امیرالدین، رئیس اداره مذهبی اسلامی ایالت

1. <http://dawn.com/news/592364/malaysia-may-charge-200-for-deviating-from-islam>
<http://www.freemalaysiatoday.com/category/nation/2012/01/14/malaysian-shiites-face-growing-persecution/>.

2. New Straits Times 6 August 2013.



پراک گفته است که شیعه باید ریشه کن شود^۱. گزارش شده است که شیعیان تهدیدی برای امنیت ملی هستند. وزارت نظم و امنیت عمومی در سمینار «مقابله با ویروس شیعه» که در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱ در دانشگاه علوم مالزی (USM) برگزار شد، مقاله‌ای با عنوان «روش‌های جنبش شیعی و تهدید امنیت ملی» منتشر کرد. اما هیچ مدرکی مبنی بر تهدید بودن شیعیان برای امنیت، ارائه نشد^۲.

به نظر می‌رسد موضع دولت مالزی در مورد تشیع در تضاد با قانون اساسی فدرال مالزی باشد. قانون اساسی فدرال به وضوح از حقوق مسلمانان و نیز، پیروان ادیان دیگر حمایت می‌کند^۳. تا آنجا که به اسلام مربوط می‌شود، قانون اساسی فقط به اسلام اشاره می‌کند، نه هیچ مکتب فکری دیگری. موضع مقامات مذهبی مالزی و دولت نیز مغایر با یک سری اعلامیه‌های بین‌المللی از جمله منشور (شهر) امان^۴ است. منشور امان که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد، از جمله مواردی که به آن اشاره می‌کند این است که: "پیروان چهار مذهب فقهی اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) یا دو مذهب فقهی شیعیان (جعفری و زیدی) یا فرقه‌های عبادی و طاهری، مسلمان هستند و مرتد اعلام کردن آنها، محال و حرام است." منشور امان توسط روحانیون بزرگ اهل سنت و رهبران جهان اسلام تایید شد. مالزی نیز منشور امان را امضا کرده است. مالزیایی‌هایی که آن را تایید کردند؛ کسانی چون عبدالله احمد بدایوی، نخست وزیر وقت مالزی و عبدالحمید عثمان، روحانی در دفتر نخست وزیر و مشاور مذهبی نخست وزیر هستند^۵. بنابراین، موضع مقامات مالزی در مورد تشیع، برخلاف نظر اکثریت یا اجماع علمای دینی اسلام سنی است. پیش از منشور امان اعلامیه‌های دیگری منتشر شد که از جمله معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به فتوای شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر قاهره، مبنی بر جواز پیروی از مکتب شیعه اشاره کرد. گزیده‌ای از این فتوا به شرح زیر است: مکتب جعفری که به نام شیعه دوازده امامی نیز شهرت دارد، مکتبی است که پیروی از آن مانند سایر مکاتب اهل سنت، از لحاظ دینی صحیح است. علاوه بر اقدامات قانونی علیه شیعیان در مالزی، اجتماع شیعیان مورد تهمت

1. <http://www.nst.com.my/nation/general/close-watch-on-shia-followers-in-perak-1.334060>
2. <http://www.sinarharian.com.my/mobile/semasa/perkasa-undang-undang-pencegahan-ajaran-syiah-1.211537>
3. <http://www.agc.gov.my/images/Personalisation/Buss/pdf/Federal%20Consti%20%28BI%20t ext%29.pdf>
4. The Amman Message
5. http://ammanmessage.com/index.php?option=com_content&task=view&id=91&Itemid=74



و تحریف رسانه‌های تحت کنترل دولت قرار گرفته است. مجموعه‌ای از تحریف‌ها و حرف‌های نیمه راست، در مورد اعمال و عقاید شیعیان در رسانه‌ها گزارش شده است. به عنوان مثال، گزارش شده است که آنها مردم را به خونریزی و کشتن رهبران سنی تشویق می‌کنند.^۱ در خطبه اخیر نماز جمعه در نوامبر (۲۰۱۳)، سازمان توسعه اسلامی مالزی یا جاکیم، ۱۰ عقیده‌ای را که شیعیان مالزی به آنها معتقدند، فهرست کرد، که از جمله شامل لواط می‌شود. همچنین، به منظور بی اعتبار کردن شیعه، از طریق رسانه‌ها منتشر کردند که مذهب شیعه توسط یهودیان ایجاد شده است.^۲ همچنین، نمونه‌های بسیار دیگری از بازنمایی نادرست تشیع در رسانه‌های تحت کنترل دولت مالزی، قابل ارائه است.^۳

در جولای ۲۰۰۵، شورای علمای اندونزی (مجلس علمای اندونزی - MUI) یازده فتوا صادر کرد. یکی از فتواها به مسائل پلورالیسم دینی، لیبرالیسم و سکولاریسم پرداخته است. کمیته به این نتیجه رسید که پلورالیسم مذهبی، لیبرالیسم و سکولاریسم مخالف اسلام هستند. همچنین، حکم کرد که مسلمانان در امور عقیدتی و عبادتی، موضع انحصارگرایانه‌ای اتخاذ کنند، به این معنا که گنجاندن عقاید و عبادات سایر ادیان در اسلام حرام است.^۴ فتوای دیگری که در واقع تکرار فتوای قبلی در سال ۱۹۸۰ بود، می‌گوید فرقه‌ی احمدیه، که محمد را خاتم‌النبی نمی‌دانند، خارج از اسلام است و مسلمانانی که به آنها می‌پیوندند، مرتد تلقی می‌شوند.^۵ اینها و دیگر فتواها، بلافاصله منجر به مجموعه‌ای از تفسیرها و انتقادات در میان عالمان، فعالان و گروه‌های جامعه مدنی مختلف در اندونزی شد. بسیاری به شدت با فتواها مخالفت کردند. برای مثال، آزیوماردی آزرا، محقق مسلمان اندونزیایی، فتوا علیه کثرت‌گرایی را رد کرد و آن را "بی اثر و حتی دارای نتیجه معکوس" خواند. و نه تنها با این فتوا مخالف بود، بلکه تصریح کرد که دولت نمی‌تواند آن را به اجرا بگذارد، زیرا فتوا از نظر قانونی الزام‌آور نیست و مسلمانان می‌توانند آن را نادیده بگیرند. با این حال، گرچه ممکن است این فتواها از نظر قانونی الزام‌آور نباشند ولی بر نگرش مردم و

1. New Straits Times 6 August 2013; Utusan Malaysia 9 September 2013.

2. <http://www.themalaymailonline.com/malaysia/article/ijihad-calls-for-eradication-of-shiah-that-permits-sodomy-muslims-told#sthash.OvbgL5cG.7rBSJEwN.dpuf>

اتوسان مالزی، ۹ سپتامبر ۲۰۱۳.

4. http://www.majelisulama.com/mui_in/fatwa.php?id=137&PHPSES

5. http://www.majelisulama.com/mui_in/fatwa.php?id=131&PHPSES



نیز بر تصمیم‌گیری سیاسی تأثیر می‌گذارد.^۱ فتواها و دیگر عقاید و آرا مبتنی بر دین، به گفتمان‌ها و جهت‌گیری‌های موجودی دامن زد که برخی از آنها فرقه‌گرایی و افراط‌گرایانه هستند.

هجومی مرگبار و ضد شیعی در سامپانگ در جزیره مادورا، خانه‌ها را به خاکستر تبدیل کرد و بسیاری از شیعیان را بی‌خانمان کرد. رهبر سنی، رئیس الحکما از نهضت العلماء، متهم به دست داشتن در آتش زدن و تخریب اموال شد. با این حال، دادگاه منطقه سورابایا اندونزی با استناد به فقدان شواهد، او را از اتهامات وارده تبرئه کرد. گفته شده که هیچ‌کسی حاضر نشده شهادت بدهد که مستقیماً شاهد دست داشتن رئیس در حملات اوت ۲۰۱۲ بوده است. در همان زمان، جامعه شیعیان سامپانگ ظاهراً مجبور شده است به وفاداری با اسلام سوگند ادا کند. گرچه دادگاه منطقه سامپانگ تشیع را فرقه‌ای ضاله در اسلام اعلام نکرد، اما مقامات دولتی و رهبران مذهبی خود را مکلف دانستند که شیعیان مادورا را مجبور به "گرویدن" به اسلام سنی بکنند. شرط بازگشت آنها به خانه‌های خود در سامپانگ، همین بود. عضو شورای قانونگذاری سامپانگ، آکسان جمال^۲، با وقاحت می‌گوید اگر شیعیان به آموزه‌های درست بازگردند، روند به اصطلاح آشتی کارساز می‌شود. تنها هنگامی مجازند به سامپانگ بازگردند که به تعالیم اهل سنت و جماعت [سنّی] برگردند.

همچنین، مواردی از آتش زدن و بستن کلیساها در اندونزی رخ داده است. بسیاری از کلیساهای دارای مجوز فعالیت، بسته شدند، زیرا شهردارها در مقابل فشار اسلام‌گرایان تسلیم شدند. اقلیت مسیحی، در بکاسی قبل از کریسمس سال ۲۰۱۲ مورد حمله قرار گرفتند و کلیسای آنها ویران شد. در ماه مارس، یکی دیگر از کلیساهای HKBP در منطقه بکاسی به دستور آژانس نظم عمومی، در برابر دیدگان درمانده اعضای کلیسا، تخریب شد. این تخریب، ظاهراً به دلیل شنیدن اعتراضات گروهی افراطی به نام مجمع مردمی تامان ساری، رخ داده است. اخیراً، در ماه اوت، به ساختمان‌های مدرسه عالی کاتولیک در جاکارتا، کوکتل مواتوف پرتاب کرده‌اند. ۲۸۹ اقدام تروریستی در اندونزی، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ به ثبت رسیده است. این اقدامات شامل طرح‌ها و تهدید برای بمب‌گذاری کلیساها

1. <http://www.wluml.org/English/newsfulltxt.shtml?cmd%5B157%5D...>

2. Aksan Jamal



می‌شود. بودایی‌ها نیز از خشونت‌های مذهبی در امان نمانده‌اند. یک روز قبل از حادثه در مدرسه عالی کاتولیک جاکارتا، بمبی در یک معبد بودایی در حین مراسم منفجر شد. این انفجار، ظاهراً به تلافی خشونت بوداییان علیه مسلمانان روهینگیا برمه بود. طبق گزارش‌ها، رئیس جمهور پیشین اندونزی در سخنرانی خود در اوایل سال جاری گفته است: «اگر فرد یا گروهی عقاید خود را به دیگران تحمیل کند، البته که نه با تهدید، ارباب یا خشونت، قابل توجیه نیست». وی به اندونزیایی‌ها یادآوری کرد که دولت حقوق افراد و گروه‌های اقلیت را تضمین می‌کند و از اندونزیایی‌ها مصرانه خواست که به خاطر حفظ بافت اجتماعی و وحدت ملی از خشونت پرهیز کنند. با این وجود، به گفته‌ی سازمان‌ها و ناظران حقوق بشر، دولت در قبال رشد نارواداری رو به رشد مذهبی در کشور، موضع انفعالی اتخاذ کرده است. انفعال دولت این امکان را داد که برخی گروه‌های خودسر متعصب در میان گروه‌های افراط‌گرای اسلامی، علیه اهداف خود اقدام کنند. به گفته صلاح الدین، کارشناس تروریسم در اندونزی، ۱۹ اوت ۲۰۱۳، ۹۵ درصد از ۸۰۰ مظنون تروریستی که توسط پلیس دستگیر شده‌اند، خود را "فعالان اسلامی" می‌دانستند. آنها معتقد بودند آنچه که شما حملات تروریستی می‌نامید، اقدامات مشروع جهاد است. در عین حال، اندونزیایی‌های زیادی این را انکار می‌کنند و معتقدند که هیچ ارتباطی بین آموزه‌های دینی و تروریسم وجود ندارد. همان‌طور که صلاح‌الدین خاطر نشان می‌کند، تا حدی دلیلش این است که برای رهبران مسلمان سخت است که از بیم آزار دادن مسلمانان، به این پیوند اعتراف کنند. البته، پیوندی که ایجاد می‌شود، نه بین ذات اسلام و تروریسم، بلکه پیوندی بین برخی جهت‌گیری‌های آرمان‌شهری در میان مسلمانان، که با مبانی دینی توجیه می‌شود، و اقدامات تروریستی، است. برای مثال، بمب‌گذاران شهر بالی، امام سمودرا و مخلص، با نقل کردن آیاتی از قرآن و احادیثی از حضرت محمد (ص)، آنها را به گونه‌ای تفسیر می‌کردند که کشتن سالمندان، زنان و کودکان را توجیه کنند^۱.



تفکر ترکی در مورد عدالت اجتماعی: سعید نورسی

همانطور که شوکران وحیده اشاره کرده است، سعید نورسی راضی نبود که خود را به روش صوفیان بزرگ محدود کند، بلکه می خواست رویکردش تلفیقی از دل و ذهن باشد^۱. علاوه بر این، اندیشه نورسی نمونه‌ی جدیدتر رویکردی است که برای ما اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا او در دوره مدرن زندگی می‌کرد و با انواع مشکلات اجتماعی و اخلاقی که امروزه با آنها مواجهیم، آشنا بود. نورسی در جستجوی رهیافتی مناسب بود که نتیجه‌اش رویکردی شد که دل مشغولی عمیق صوفیان به اخلاق را با حکم فقیهان (مفتیان) به برقراری عدالت، متعادل می‌کند. همان‌طور که نورسی یک بار در حضور شاگردی، مصطفی سونقر، گفت:

"شصت سال پیش، در جستجوی راهی برای رسیدن به حقیقتی بودم که مناسب عصر حاضر باشد... ابتدا به روش فیلسوفان متوسل شدم. می‌خواستم فقط با عقل به حقیقت برسم. ولی فقط دو بار با نهایت سختی به آن رسیدم... سپس، به طریقه تصوف متوسل شدم و مطالعه‌اش کردم. دیدم که حقیقتاً نورانی و درخشان است، اما بیشترین احتیاط را می‌طلبد. فقط خواص اعلی می‌توانند این راه را برگزینند. پس با گفتن اینکه فعلاً این راه برای همه مقدور نیست، از قرآن مدد جستیم. و خدا را شاکرم، که رساله نور را بر من ارزانی داشت، که راهی امن و کوتاه ملهم از قرآن برای مؤمنان عصر حاضر است"^۲.

خیلی‌ها آشکارا می‌دانند که نیروی اصلی‌ای که علیه افراط‌گرایی اسلامی در جهان معاصر فعالیت می‌کند، همان نیرویی است که گاهی آن را اسلام سنتی می‌نامند، و سعید نورسی حامی اصلی آن است. او منابع فکری‌ای را فراهم می‌کند که ریشه در رویکرد سنتی به معرفت دارد، رویکردی که مسلمانان در طول تاریخ پرورده‌اند، و می‌تواند برای مقابله با افراط‌گرایی اسلامی در جهان امروز به کار آید. این رویکرد مبتنی بر ایده‌ی متعادل کردن چندین جنبه‌ی زندگی اجتماعی است که اکنون آن را بررسی می‌کنیم.

علاوه بر این، توجه به این نکته مهم است که رویکرد نورسی به مسئله عدالت، رویکردی اجتماعی است. نقش مهم نورسی در اینجا این بود که به علم کلام یا الهیات بعد اجتماعی بخشید. تلاش برای ایجاد الهیات اجتماعی در جهان اسلام در اوایل دهه ۱۹۱۰ در امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد؛ دهه‌ها قبل از اینکه در آمریکای لاتین و فیلیپین به شکل مردم‌پسند

۱. شوکران وحیده، اسلام در ترکیه مدرن: بیوگرافی فکری بدیع الزمان سعید نورسی (آلبانی، ۲۰۰۵)، ۱۶۶.

۲. نقل شده در شوکران وحیده، اسلام در ترکیه مدرن: بیوگرافی فکری بدیع الزمان سعید نورسی (آلبانی، ۲۰۰۵)، ۱۶۷.



الهیات آزادی بخش درآید. اوزروارلی به نمونه طرح (الهیات اجتماعی) محمد شراف الدین یالتکایا^۱ (۱۹۴۷-۱۸۷۹) اشاره می‌کند.^۲ من معتقدم که این حرف درستی است که در آثار نرسی، الهیات اجتماعی یافت می‌شود و این الهیات اجتماعی در اندیشه کلی او جایگاه کم اهمیتی ندارد. با این که نرسی به معنای کلاسیک این اصطلاح متکلم نبود، اما بسیار به ربط الهیات به زندگی اجتماعی انسان‌ها توجه داشت.^۳ در باب اوصاف الهی، نرسی بر پیامدهای آنها برای اعمال انسان در این جهان، به ویژه در رابطه با نزاع بین خیر و شر، تأکید کرد:

"اسماء خالق جهان دو نوع‌اند، اسماء جلالیه و اسماء جمالیه. چون این اسماء ایجاب می‌کند که احکام خود را از طریق تجلیات مختلف، نشان دهند، خالق جلیل اعداد را در جهان با هم آمیخت. آنها را رو در رو قرار داد و به شکل نزاع و جدالی خردمندانه و سودمند، به آنها موقعیت‌های تهاجمی و تدافعی داد. او از طریق تجاوز اعداد به حد و مرز یکدیگر، تعارض و تغییر را به وجود آورد و جهان هستی را تابع قانون تغییر و تبدل و اصول پیشرفت و ترقی قرار داد. در نوع بشر، میوه‌ی کامل درخت آفرینش، قانون نزاع را حتی به شکلی عجیب‌تر وضع کرد و با گشودن در به روی جد و جهد، که وسیله تمامی پیشرفت‌های بشری می‌شود، به حزب شیطان قوایی بخشید تا با آنها بتواند، با حزب خدا مبارزه‌طلبی بکند"^۴.

در جهان دیگر، ماهیت اساسی واقعیت اجتماعی، تعارض است. تعارض، عامل اولیه تبیین تغییر و پیشرفت در جامعه بشری است. جامعه در نتیجه مبارزه موفقیت آمیز با افراد گمراه، پیشرفت می‌کند. پیشرفت اساساً مبارزه‌ای بین دو نوع گروه است، حزب شیطان و حزب خدا. در اینجا، نرسی الهیات را به روابط اجتماعی ربط می‌دهد، مثل مورد زیر:

"زیرا یکی از بزرگترین نتایج خلقت هستی، عبادت انسان و پاسخگویی او به ولایت الهی با اعتقاد و تسلیم است. اما اهل کفر و ضلالت به دلیل انکار یا کفر، آن نتیجه‌اعلی را، که علت غایی موجودات و دلیل تداوم وجود آنهاست، رد می‌کنند و از این رو مرتکب نوعی تجاوز به حقوق همه موجودات می‌شوند"^۵.

1. Mehmed Şerafeddin Yaltkaya's İctimaî İlm-i Kelam

۲. اوزروارلی، پروژه سعید نرسی برای احیای اندیشه اسلامی معاصر، ابراهیم.م. ابوریح، اسلام در چهارراه (آلبانی ۲۰۰۳)، ۳۱۹

۳. اوزروارلی، پروژه سعید نرسی برای احیای اندیشه اسلامی معاصر، ابراهیم.م. ابوریح، اسلام در چهارراه (آلبانی ۲۰۰۳)،

۴. بدیع الزمان سعید نرسی، مجموعه فلش‌ها، از مجموعه رسائل نور، (استانبول، ۲۰۰۴) ۱۱۵

۵. همان



در اینجا پیامدهای کفر نه بر اساس تقدیر نفس فردی، بلکه برحسب تجاوز به حقوق همه موجودات بیان می‌شود. نرسی وظیفه خود می‌داند که برای "راهی نو در زندگی جامعه بشری" و "عملکرد مطابق با قوانین طبیعی موجود در جهان" طرحی بدهد. ناکامی در این کار برایش در حکم "ناموفق بودن در کارهای سودمند و در حال پیشرفت، خواهد بود".^۱ در واقع، نرسی برنامه کار خود را در همان چارچوب اجتماعی تنظیم می‌کند:

"آری زاد و زیستم از طبقه عوام است و، یکی از کسانی هستم که با طبع و فکر راه «تساوی حقوق» را پذیرفته‌اند و به علت رحم و عدالت برآمده از اسلام، یکی از کسانی هستم که مدت‌هاست علیه استبداد و بیدادگری طبقه نخبه موسوم به بورژوازی به مخالفت برخاسته و کار کرده‌اند. بنابراین با تمام توان از عدالت کامل حمایت می‌کنم، با خودکامگی، ستمگری، قدرت خودسرانه و استبداد، مخالفم»^۲.

با این حال، نرسی همراه با برخی از اعضای طبقات ستم‌دیده، دیدگاه آنارشیستی اتخاذ نمی‌کند. نرسی خاطر نشان می‌کند مبارزه بین سرمایه و کار در اروپا، بازتابی از ماهیت ظالمانه، بی‌اخلاقی و بی‌رحمی طبقات بالا و نفرت و حسادت طبقات پایین است. راه قرآن برای حل کردن این معضل، باز توزیع ثروت از طریق پرداخت زکات و نهی ربا است.^۳

بدین‌سان، نرسی مبنایی اخلاقی و معنوی برای هستی اجتماعی می‌سازد که به سادگی نمی‌توان آن را با قواعد، مقررات یا قانون، ایجاد و تعیین کرد. بنابراین، معلوم است که نگرانی‌های نرسی در مورد عدالت و تعادل در همان چارچوب اجتماعی، بیان شده است. الهیات اجتماعی نرسی را می‌توان یک مبنای فکری ممکن برای بیان موضعی در برابر افراط‌گرایی دانست که تجلی آن بی‌عدالتی اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

اگرچه مفهوم عدالت در بین مسلمانان به عنوان آرمانی دست‌یافتنی، همیشه در فقه اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار بوده است، اما مسلمانان عدالت قابل تحقق در جامعه را به ندرت مورد مطالعه‌ی نظام‌مند قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، این بعد کلامی عدالت است

۱. همان

۲. همان

۳. همان



که معمولاً بر بعد جامعه‌شناختی اولویت داشته است. اما نمی‌توان از بعد جامعه‌شناختی غافل شد. بسیاری معتقدند که عامل اصلی در سلسله مراتب علت و معلول، کیفیت رهبری است. رهبران تا حدی که فاقد خصوصیات عدالت، تعادل و اخلاق (اخلاق) باشند، در ایجاد نظم اجتماعی عادلانه مؤثر نخواهند بود. به جایش، رهبران غیراخلاقی و فاسد بر جامعه حکم می‌رانند. مبارزه برای عدالت اجتماعی باید اولویت متفکران و کنشگران مسلمان باشد.

References

- Alatas, S. F. (2007). Contemporary Muslim Revival: The Case of 'Protestant Islam. *The Muslim World* 97(3): 508-520.
- Brouwers, Michaelle & Kurzman, Charles, eds. (2004). *An Islamic Reformation?* Lanham: Lexington Books.
- ESI. (2005). *Islamic Calvinists: Change and Conservatism in Central Anatolia*, Berlin & Istanbul: ESI (European Stability Initiative). www.esiweb.org
- Hunt, Diana. (1989). *Economic Theories of Development: An Analysis of Competing Paradigms*. New York: Harvester Wheatsheaf.
- Ibn Khaldun. *The Muqadimah: An Introduction to History*. Franz Rosenthal, trans. (London and Henley: Routledge & Kegan Paul, 1967).
- Ibn Khaldun. *Muqadimmat Ibn Khaldun* (Beirut: Dar al-Qalam, 1378/1981).
- Nursi, Bediuzzaman Said. *The Words: On the Nature and Purposes of Man, Life, and all Things* (Istanbul: Sözlere Publications, 2004).
- Nursi, Bediuzzaman Said. *The Flashes Collection, From the Risale-ı Nur Collection 3* (Istanbul: Sözlere, 2004).
- Nursi, Bediuzzaman Said. *Al-Kalimât* (Istanbul: Dâr Suzler li al-Nashr, 1419/1998)
- Özervarlı, M. Sait. "Said Nursi's Project of Revitalizing Contemporary Islamic Thought," In Ibrahim M. Abu-Rabi', ed., *Islam at the Crossroads* (Albany: SUNY Press, 2003).
- Ibn Rushd. *The Distinguished Jurist's Primer: Bid'Āyat al-Mujtahid wa Nih'Āyat al-Muqtasid* (Reading: Garnet, 1996).



- Ibn Rushd al-Qurtubi, Al-Imam al-Qadi Abi al-WaiÇd Muhammad bin Ahmad bin Muhammad bin Ahmad al-AndalusÇi. Bidayat al-Mujtahid wa Nihayat al-Muqtasid (Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiah, 1418/1997) .
- Uygur, Selcuk “Islamic Puritanism’ as a Source of Economic Development: The Case of the Gülen Movement”. gulenconference.net/files/London/PrCd%20-%20Uygur,%20S.pdf
- Vahide, Şükran. Islam in Modern Turkey: An Intellectual Biography of Bediuzzaman Said Nursi (Albany: State University of New York Press, 2005)
- Weber, Max. (1958). The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism: The Relationship between Religion and the Economic and Social Life in Modern Culture, New York: Charles Scribner’s Sons.
- Yavuz, Hakan. (2013). Toward an Islamic Enlightenment: The Gulen Movement, Oxford University Press.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can’t change them in any way or use them commercially.



followed by a brief discussion on the social theology of Nursi, which I present as a framework for the articulation of a contemporary understanding of social justice.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





The Social Dimension of Justice in Islam: The Contribution of Theology¹

Seyed Farid Alatas²
Mina inanloo³

Any discussion of justice or adâlah in the Islamic context must be related to the key concepts of balance or mîzân and moderation or wasatiyah. To be in a state of moderation means to establish a balance between two extremes. The establishment of that balance is the achievement of justice. This is because a specific attribute of adâlah is mîzân or balance. This is given by the Qur'anic view of God's justice: "And we shall set up balances (al-muwâzîn) of justice for the day of resurrection, then none will be dealt with unjustly in anything. And if there be the weight of a mustard seed, we will bring it. And sufficient are we to take account." [Al-Anbiyâ' (21): 47]. It follows, therefore, that justice is moderation, that is, achieving moderation is the establishment of justice. This applies not only to God's justice but to that of humans as well. As Ibn Khaldun noted, "justice is a balance set up among mankind." This is in reference to social justice. This paper examines the different dimensions of moderation in society that would together define social justice. I focus on specific dichotomies such as zahir-batin, tradition-modernity, private-public, and autonomy and regulation in order to develop a contemporary understanding of moderation that satisfies the requirements for social justice. I then illustrate the efficacy of this concept of social justice with reference to two contemporary problems in the Muslim world, that of sectarianism and the destruction of heritage. This is

¹. Paper presented at the 4th Islamic Schooling Conference and Forum AAISC4 2019 - A Focus on Social Justice 13 & 14 July 2019- Asia Institute - University of Melbourne Australia

². Professor, Department of Departments of Sociology & Malay Studies Email: alatas@nus.edu.sg

³. PhD Candidate, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University. Email: Inanloo_mina@yahoo.com

important to protect the environment the results of the research showed that are relationship between the independent variables of education and trust in environmental organizations, the use of television media and values, and environmental concern as a dependent variable.

The results of the research on the variable of education were in line with the results Klineberg et al., 1998; Jones, Fly, Talley, and Cordell, 2003; Olofsson & Öhman, 2006, who had higher education are environmentally friendly and concerned about the environment. Simultaneously with the increase in the level of literacy and education from primary to higher levels, environmental concerns and the need to protect the environment become people's concerns; While in lower education levels, the main priority of people is economic growth. In the case of the age variable, this trend is reversed. Younger people up to 29 years old, prefer environmental protection to economic growth, and with increasing age, The number of environmental concerns decreases and economic growth becomes a priority for people. The variable of trust in environmental organizations is also one of the variables affecting the concern and protection of the environment. In other words, the environmental organization is one of the organizations whose policies and warnings are be taken seriously if people trust it and can be effectively make people concerned about environmental issues, and they lead to the preservation of the environment.

Keywords: Construction of Environmental Issues, Survey of Global Values, Secondary Analysis.

JEL Classification: Z00.

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



2. MATERIALS AND METHODS

This research is based on the secondary analysis of the data of the seventh wave (2017-2020) of the World Values Survey. The unit of analysis of this research is the country, and the data of the 7th wave has used in this study due to its newer and more complete data. In this research, it has been tried to measure the variables affecting the environmental concern with the available data and the use of variables related to the subject. Based on this, the main assumption of the research is that metamaterial values, membership and trust in environmental organizations and use of media are related to people's environmental concern and have an effect on it. It also seems that there is a relationship between education and gender with environmental concern. The dependent variable in this research is people's environmental concern. In order to measure this variable, the question of preference for environmental protection against the priority of economic growth has been used in WVS. The independent variables of the research include the values of post-materialism, membership in environmental organizations, trust in environmental organizations, access to information through news sources and media (television, mobile, internet, social networks), gender and education, which have been taken from the global databases.

3. RESULTS AND DISCUSSION

In this article, nominal bivariate logistic regression analysis was used to test the main hypothesis of the research. Bivariate nominal logistic regression analysis is used when the dependent variable is nominally bivariate and we intend to predict the presence or absence of a trait based on a set of independent variables. Out of a total of 9 independent variables, 4 variables have been entered the equation and had a significant effect on the dependent variable. In the first step, the variable of trust in environmental organizations has been entered into the model, and in the second step, the variable of education, in the third step, the variable of values, and finally, in the fourth step, the use of television media. In this way, based on the main assumptions of the research, the relationship between the independent variables of education and trust in environmental organizations, the use of television media and values, has been confirmed with environmental concern.

4. CONCLUSION

According to the findings of the global values research, 29.6% of people have material values, 55.6% have mixed values, and 13.9% have meta materialistic values in Iran. On the other hand, regarding the environmental protection variable, 64.8% voted for environmental protection and 29.8% voted for economic growth, and unlike other researches, there is no difference between men and women. According to Inglehart, the results show that people who have materialistic values voted more for economic growth and entrepreneurship, and those who have metamaterial and hybrid values are more





**Investigating the Status of Iran's Environmental Indicators
from a Sociological Perspective¹**

Elham Arabpour²

Received: 2022/05/08

Accepted: 2023/06/17

1. INTRODUCTION

People's environmental behaviors are influenced by structural and social conditions that provide appropriate platforms for how to interact with the natural environment. In other words, one of the indicators that shows the performance of governments and people in relation to environmental issues is the index of values (material/extra-material). This is where the role of institutions, media, environmental organizations and social policymakers becomes prominent. This research analyzes and examines the status of Iran's environmental indicators with two critical and constructivist approaches and seeks to answer the question that according to the indicators raised in the data of (WVS); Iranian's people sensitive to environmental issues and are worry about the future of environment. In this regard, the Iranian researchers are reviewed in the following two categories. The first, investigates the social factors affecting the belongingness or indifference towards the environment. The second, focuses on environmental issues from a public and sociological point of view. Yet, the attention of most researches in the country has been drawn to issues such as the level of belonging or indifference of citizens, their awareness and attitude towards environmental issues and the lack of success in popularizing environmental issues. And there is less research that deals with environmental issues and concerns from the perspective of environmental values with a sociological approach (specifically constructivist and critical approaches). In this research has been tried to investigate this important issue with this approach and use the survey of global values, which has an example in the whole country.

1. DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40319.1009

2 Ph. D Student of Sociology, Department of Economics and Social Sciences, Alzahra University.
(Corresponding Author): Earabpour@yahoo.com

double these problems. Actions and programs that are carried out through them, often do not have the necessary depth. Most of them work in a tasteful manner and despite the problems of the administrative structure which plays an important role in the proper implementation of the programs. Depending on the the opinion of participants, although the governments have the role of supporting, guiding the municipalities, but their programs cast a shadow on the city's progress, regardless of the benefits or harms it has for the city. This case goes back to the structural issues and existing formations of the municipalities. According to them, the urban management aware of the tasks in the shadow of managerial stability and also in interaction with the scientific collections of the province, can take into account the creativity and opening of urban horizons and not see the structural limitations in the direction of solving the problems.

On the basis of the opinion of participants, despite the numerous and sometimes cumbersome laws in some areas, there are still gaps in the laws, and unnecessary appeasement causes some omissions or neglects to form, which can have inappropriate consequences for Dasheh society, while The purpose of urban management there is to help people and facilitate the administrative process of their activity or business. According to them, every action that is taken for the city must coordinate its plan with the city's plan. In the meantime, what is not in the interest of the city should not be implemented.

The strategies and solutions proposed by the participants to overcome the current situation and improve the quality of urban governance in Ahvaz are to follow up on the demands of the citizens and report the progress in this area. Hence, the urban management group in the province should be pay attention to the challenges and problems faced by the citizens in a tangible way, and if they focus on solving them, they should be clearly inform the citizens of the progress report of the projects.

Keywords: Urban Management, Phenomenological Method, Ahvaz city

JEL Classification: O18 ·O3· P25

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



management; What ideas do they have about urban management and how do they assess it when faced with this issue? Since the best method for investigating awareness and lived experience is the phenomenological method, the present research was conducted with this method. Simultaneous phenomenology is a philosophy and a method that examines the nature or essence (fundamental units in the understanding of any phenomenon) of phenomena. The present research was conducted using the Mustax method and includes the following steps. In the first step, the statement of the problem and the research question is formulated; Then philosophical and phenomenological assumptions are collected. The main question of the research is: What is the common mentality of the participants of the current research about urban management?

Sampling is the second step of phenomenological research. At this step, the researcher has examined the number of 14 executive elites of the province who have sufficient familiarity with the state and quality of management in Ahvaz city and at different levels. Sampling was done in a purposeful and accessible way, and an effort has been made to select people for sampling who have the ability to talk and have enough opportunity to talk. The purpose of qualitative research is not to present a representative sample. Therefore, the samples are selected according to the research objectives. The sample size, like most qualitative methods, is subject to the rule of saturation. In this research, the researcher reached saturation by interviewing 14 elite people. That is, more information could not be obtained from more interviews.

3. FINDINGD

As mentioned, in this research, 14 elite people living in Ahvaz city were interviewed in depth with the aim of gaining their experience and understanding of the state of urban management in Ahvaz. All of these people have been management experience at different levels and have been lived in Ahvaz for 1 to 10 years. Moreover, in terms of knowledge and information, they have been experts in the field of management in Ahvaz or, they have been considered among the elites of the province and have been busy in academic positions and jobs or things like this. Among these 14 people, 5 people studied in humanities and social sciences and 9 people studied in technical and engineering and basic sciences. Before conducting the research, the career and professional records of these elites were evaluated.

4. CONCLUSION

By reviewing the history of the establishment of the city's administrative institutions and comparing it with the current state of urban management, the participants of the research believe that city managers still do not have enough knowledge of city management, and cumbersome administrative regulations





**The Phenomenology of Elite Awareness and Understanding
of Urban Management Challenges (Case Study: Ahvaz)¹**

Sajad Bahmani² and Abdolreza Navah³

Received: 2022/06/03

Accepted: 2023/06/14

1. INTRODUCTION

The purpose of this research is to investigate the knowledge and lived experience of the elites and managers of Ahvaz city about the definition, concept and dimensions of urban management. To achieve this goal, 14 elites and managers of the province were studied by phenomenological method and in-depth interview technique. According to the results, the social phenomenon of urban management in Ahvaz is organized in the central themes of the meaning of urban management, accountability and interaction with people, professional ethics, knowledge sharing, committed behavior and tasks of urban management. According to the participants, in some cases, the measures taken in the field of urban management in Ahvaz are not based on the principles of management science and do not have sufficient depth, and also cumbersome laws sometimes cause unnecessary slowness of activities. On the other hand, sometimes lack of seriousness and lack of Emphasis on the law creates various challenges. The empty space of symbols related to subcultures is felt in the city, and the interaction of city management with citizens is not at a suitable level.

2. METHODOLOGY

The present study seeks to investigate the awareness and understanding of the elites of Ahvaz city in Khuzestan province about the issue of urban

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40590.1013

². Assistant Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author) Email: s.bahmani@scu.ac.ir

³. Associate Professor, Department of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: navah-a@scu.ac.ir

subject of hostility. Also, the findings support a strong and negative effect between consumer hostility and product acceptance (indirect effect). As a result, consumers with a higher level of economic hostility usually do not welcome more imports from countries that are considered enemies, show a lower level of pride, and say fewer positive words about that country. Finally, economic hostility towards a foreign country can also increase feelings of ethnocentrism, favoring domestic products/services to express "patriotism" and, consequently, cause possible alienation (and even, in extreme cases, organized boycott) of foreign products and non-acceptance thereof.

Keywords: Ethnocentrism, Economic Animosity, Consumer Behavior, Patriotism.

JEL Classification: F52, F14, M38

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



product and acceptance of the product were operationalized with scales that were adapted from the research works of Papadopoulos, Heslop and the research group of Innovation, Knowledge and Organizational Networks IKON (2000) and Elliott, Papadopoulos and Kim (2012). Economic hostility was measured through a 7-point Likert scale and based on the researches of Rieffler and Diamantopoulos (2007) and Ness, Yelkur and Silcost (2011) and finally, with a slight modification of the scale of consumer ethnocentrism to measure consumer ethnocentrism. was used in order to test the proposed model, a sample of 225 people from the community of 550 students of Economics, Commerce and Sociology of Islamic Azad University, Naragh Unit, was selected by a simple random method in which each element of the target community has an equal chance to be selected. Since the sample includes students, it was assumed that these students have an acceptable knowledge and understanding of financial crises and business economic issues.

3. RESULTS AND DISCUSSION

The results showed: Economic Animosity towards a foreign country has a positive effect on consumer ethnocentrism. Ethnicism has a significant negative relationship with the general image of the country, belief in the product and its acceptance. Also, ethnocentrism as a moderator intensifies the negative interaction of economic Animosity with product acceptance. Because economic Animosity towards a foreign country can also increase feelings of ethnocentrism, and increase the preference for domestic products/services to express "patriotism" and, as a result, cause possible avoidance of foreign product suppliers and non-acceptance. Put it in your shopping cart.

4. CONCLUSION

Today, although more foreign products are available to an increasing number of global consumers, and more countries are looking to increase exports and strengthen their image, tensions between trading partners seem to be increasing as the global balance continues to shift. It is constantly changing, economies boom or bust and debt and tension happen. Basically, the people of countries that have heavy debts feel anti-sympathy and even anger towards some advanced countries. It is generally believed that these countries are not only richer but also lack sufficient empathy and willingness to help their neighbors. Consumers' anger towards a nation that they consider to be their enemy has a negative effect on the desire to buy that country's products, and such a feeling has nothing to do with consumers' judgment of product quality. Hostility towards a specific country, due to military, economic, diplomatic and religious conflicts, has a negative effect on consumption and especially on purchase goals, on the desire to buy the products of the country that is the





**The Interaction of Ethnocentrism and Economic Animosity
in Consumer Behavior¹**

Mostafa Heidari Haratemeh²

Received: 2022/12/22

Accepted: 2023/06/07

1. INTRODUCTION

Disputes over territory, economic pressures or religious conflicts may worsen relations between nations and create friction between countries. Similarly, if international events or financial and economic policy measures are perceived as offensive or unfair, they can cause feelings of hostility and animosity towards the "wrong" country and increase nationalism. Such sentiments may manifest themselves in the market. The effects of nationalism on consumer beliefs and attitudes, and specifically the effects of hostility and animosity directed toward a particular country, defined as "a lack of empathy related to past or current political, military, economic, and diplomatic events." During the last two decades, it has been an emerging topic and of great interest to researchers in international marketing.

2. MATERIALS AND METHODS

In terms of purpose, the present research is practical, and in terms of the method of collecting and analyzing information and data, it is descriptive-survey and causal. The tools used to collect data are questionnaires and a collection of model ideas using a scale obtained from previous researches. It was adapted. The set of ideas of the overall image of the country, belief in the

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.38910.1007

² Department of Economics, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran, Email: heidarimu@yahoo.com or Mo.heidarih@iau.ac.ir

crucial factor for countries to succeed in military and defense equations. Given that the country is currently in the demographic dividend phase, job creation and utilizing the human resources in this demographic phase can contribute to the country's economic growth, resulting in prosperity and ultimately leading to a more powerful country.

Keywords: Age structure, Population Change, Population, and Security.

JEL Classification: J21-D79

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



2. MATERIALS AND METHODS

The research method in this study is descriptive and applied. The main source of information is the National Population and Housing Census conducted by the Statistical Centre of Iran from 1956 to 2016. By using this data, as well as the projects carried out in the field of fertility and mortality in the country, the changes in the age structure of the country from the past to the present are discussed. Subsequently, by using the component method of population forecasting and based on possible assumptions, the population of the country and changes in its age structure are projected until 2066. After obtaining the changes in the country's age structure from 1956 to 2066, the changes in the age structure of the country's population are classified over time using the existing criteria in the classification of age structure of the population. The required information for the first part of the study, which includes the examination of demographic trends and in some cases the analysis of socio-economic characteristics, has been gathered through a literature review of statistics provided on the website of the Iran Statistics Center, Population and Development Report, and the findings of the DHS.

In addition, population estimations and prediction have been performed using MORTPAK4 and SPECTRUM 4 software.

3. CONCLUSION AND DISCUSSION

The results of this study showed that the age structure of the population of Iran is moving towards the aging population. The age pyramid of the population before the year 1986 was quite a young pyramid, which has changed in recent years population projection based on the component method and using three different fertility scenarios revealed that future fertility changes will play a decisive role in the demographic changes of the country. The main points regarding the future developments of the country's population are as follows: a balance in the population growth rate, an increase in the number of elderly people, a decrease in young people with higher education - particularly in the low fertility scenario. In addition, maintaining a high economic level, reducing the number of people eligible for military service, and consequently, reducing the number of people with military capability in the low fertility scenario are expected. While the population potential of the country's military and defense capabilities may be slightly reduced, the military force is expected to be more educated. Since the military power of nations today is based on skills, the future status of the military force in Iran, despite its reduction in quantity, is promising in terms of quality. On the other hand, the economy is another key indicator of power in international relations. A dynamic and flourishing economy is a





Iran's Demographic Changes and its Security Implications in the Future¹

Mohammad Torkashvand- Moradabadi²,
Farideh Shams Ghahfarokhi³ and Leila Zandi⁴

Received: 2022/07/21

Accepted: 2023/06/17

1. INTRODUCTION

One of the dimensions of security in any society is its military power. The population is potentially related to defense and security in two ways: population size and age structure. Considering the rapid changes in the determinant factors of the size and age structure of the population in Iran, it is expected that the country's population size and age structure will face rapid changes in the future. One of the needs of planning in the future is to know the consequences of demographic changes, and if the consequences are negative, they can be prevented by using solutions. Paying attention to the issue of defense and security consequences in a specific way and in the form of a detailed and practical study has not been done in the country so far. Therefore, in the present research, the intention is to first gain an understanding of the state of demographic changes and its age structure, and in the next step, using population forecasting techniques, the country's population and its age and gender structure will be predicted. Then, by analyzing the demographic features of the country in the future, the consequences of the change in the population structure on the military and security power of the country are discussed and the solutions needed to reduce these consequences are suggested.

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2022.36925.1004

² Associate professors. Department of social sciences. University of Yazd. Iran
(Corresponding author); m.torkashvand@yazd.ac.ir

³ Ph.D. candidate. Department of social sciences. University of Yazd. Iran. fshamsghahfarokhi@yahoo.com

⁴ Ph.D. candidate. Department of social sciences. University of Yazd. Iran. doniazandy2007@yahoo.com

given serious attention. In normal urban conditions, urban planning is an effort. It seems to design the accommodation of residents based on the necessary organization, but when the city faces an emergency situation caused by natural disasters or unnatural disasters, crisis management will assume a decisive role in urban planning. Natural disasters are considered as a major challenge in achieving the sustainable development of urban communities, and as a result, it becomes necessary to know the methods of achieving this type of development through vulnerability reduction patterns. In this regard, programs to reduce natural disasters are of particular importance. The process of resilience and crisis management against natural disasters, with an emphasis on earthquakes, has different dimensions, and in recent years, instead of reducing vulnerability, efforts have been made to promote and improving the resilience of residents and settlements at risk on the one hand and proper crisis management on the other hand. When natural disasters occur, the risk threatens human societies that lack resilience and capacity to withstand disasters and the ability to adapt to the destructive effects of disasters, which causes destruction, damage, and dysfunction. It becomes a city. Crisis management in such conditions is a positive factor that increases the ability of urban communities to deal with natural disasters. The present research has addressed the very important and vital role of urban planning and design in crisis conditions.

Keywords: Development, Urban Design, Urban Management, Regression Analyses, Crisis Management

JEL Classification: R, R0

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



each other in a small supervision in wording and statements. To a better understanding of the topic, these definitions have been expressed (Hamzehpour, 2016). Urban management is attributed to all institutions, Organizations and people who officially or informally influence the city management processes .So urban management is not just the municipality and city council, and every element that is concerned in the process of City management has a role in this area. Urban management is related to policies, plans, programs and operations that will guarantee the possibility of growing access to basic infrastructure for shelter and employment (Shahabi, 2016).

The main objectives of urban management are: (Bagherifar, 2016)

1. Improving the working and living conditions of the entire population of the city with respect to individuals and groups of low income
2. Strengthening sustainable economic and social development
3. Protecting the physical environment of the city

3. METHODS

The present study was a descriptive one based on the way of collecting required data and categorizing the research according to their purpose. In terms of type of supervision and degree of control, this research was a field research because variables are studied in their normal state. The data related to Tehran were collected and analyzed between February to June in 2018. The statistical population included the directors and deputies of the regions 22 municipalities of Tehran, according to surveys conducted in 22 areas of Tehran, 22 Chief Executive Officer of the Municipality and 45 Assistant Chiefs were selected. In order to do sampling we used a general census method that the total sample size was 67. The questionnaire consists of two parts. Part one: Provides demographic questions about gender, age, marital status, educational level, etc. Part Two: Includes related items for each variable to examine the role of urban planning in urban management with regards to the crisis situations that derived from literature review. To assess formal validity, the final questionnaire was provided for 20 sample managers and vice-presidents to ask them about their views on the relevance of the questions and the validity of the questionnaire verified by applying correction opinions. To determine the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient was used, so that the final questionnaire was distributed for 30 managers and assistants, with the Cronbach's alpha coefficient equal to 0.75, indicating the appropriate reliability of the tools.

4. CONCLUSION AND DISCUSSION

As we know, sustainable housing is one of the main goals of sustainable development. Nowadays, in urban sociology, much importance has been attached to sustainable housing, and planning in order to achieve this has been



manner. It is a bridge between where we are and where we want to go. Planning looks at the future (Mohammadi, 2006). Urban management should make some plans for the city, organize city activities, monitor urban activities, and even for optimizing the affairs create the necessary motivation in the organization of urban management and other organizations and citizens (Saeednia, 2004).

Urban crisis management knowledge refers to a set of activities that are directed before, during and after the crisis to reduce the effects of these incidents and vulnerability. This has a special relationship with urban planning, urban management and geography. Crisis management planning is one of the most important approaches and strategies in the field of urban management and urban management of today's metropolitans taking into account the principles of city planning and designing in urban management. Safety and security have long been considered in the planning and management of urban settlements. Looking at the existing structure and political space and military paradigms in urban spaces, it seems to be necessary in a comprehensive examination that urban planning and designing measures should be considered in urban management with increased capacity and potential preparation to prevent human and physical damages caused by natural crises (Mohammadian, 2017).

2. Theoretical Framework

Expansion of urbanization and cities and the gradual increase in the number of major cities in the world, especially in developing countries such as Iran, on the one hand, the development of cities, concentration and accumulation of population and increasing environmental and economic loading on cities, on the other hand, in addition to paying more attention to cities, has led to the acceptance of roles and multiple functions. One of the issues that most of the world's major cities are struggling with, are the subject of "natural disasters." Given the nature of the unpredictability of natural disasters and the need for rapid and correct adoption of decisions and operations, basic theoretical and fundamental knowledge called "crisis management" has come into existence.

Knowledge of urban crisis management refers to a set of activities that are directed before, during and after the crisis to reduce the impact of these incidents and vulnerability. This has a special relationship with urban planning topics, Urban Management and Geography. Therefore, urban crisis management is a combination of management and planning problems, which aims to coordinate planning and control of urban plans, in such a way that formulating and implementing these programs should be done in a desirable manner. In general, if management is considered to be the equivalent of decision-making and supervision, urban management involves monitoring and Decision-making in urban affairs. Of course, from the scholars of this field there are several definitions for urban management that is somewhat close to





**Investigating The Developmental Role of Urban Planning on
Urban Crisis Management¹**

Akbar Talebpour² and Ashkan Darai Kehlehdasht³

Received: 2022/05/13

Accepted: 2023/06/07

1. INTRODUCTION

In the last few decades, with the escalation of the globalization process, the expansion of communication and the emergence of the networking community, urban lifestyle has become much more complex and more diversified and the rapid growth of urbanization in the world, especially in the countries of the third world, it has created crises and problems for the survival of human beings (Dadras and Isfahani, 2010). City Administration intends to promote sustainable urban management by considering and following the goals of the national-social policies and economic conditions of the country. Urban management as a city development organizational framework was attributed to policies, programs, plans, and operations that can provide population growth with access to essential infrastructure, such as housing and employment (Mire'ei and Kalantary, 2011).

Modern urban management is the process of creating, coordinating and evaluating integrated strategies by urban authorities taking into account the operational objectives of the private sector and the interests of citizens within the policy that is compiled at the upper levels of government to realize the potential for sustainable economic development (Vandigk, 2006). Planning helps to the prediction of future and building a future in a somewhat imaginable

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.39890.1008

²Associate Prof, Sociology Department, Alzahra University, (Corresponding Author), Email: a.talebpour@alzahra.ac.ir.

³Msc in Urban Management, Electronics Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: novintaveh@yahoo.com

prosocial behavior ($F=12/88$ and $P<0/016$) and its dimensions include public prosocial behavior ($F=0/47$ and $P<0/017$), anonymous prosocial behavior ($53/53$) ($F=0$ and $P<0/032$), prosocial behavior in an dire situation ($F=6/18$ and $P<0/029$), emotional prosocial behavior ($F=0/54$ and $P<0/018$), compliant prosocial behavior ($F=2/38$ and $P<0/006$) and altruism prosocial behavior ($F=4/84$ and $P<0/032$) Statistically, there is a significant difference. Therefore, the general hypothesis of the research that there is a significant difference in the tendency towards prosocial behavior and its dimensions between two groups of students based on membership and non-membership in the Red Crescent population is confirmed. In connection with the findings of the present research, it should be acknowledged that despite gainful employment, Volunteer work can best be defined as an unpaid, non-profit activity that usually serves the common good. The aspect of voluntariness is essential and distinguishes it from other forms of work. For this reason, it is called a meaningful work. So, Volunteer work provides the opportunity to gain experience, acquire new skills and pursue their values through volunteer work. From a psychological and social point of view, one explanation for prosocial behavior is that people who help others feel a duty to do, in fact, having prosocial behavior and sociability tendencies provides the basis for friendly communication with others and causes empathy with others and compassion towards them and provides the basis for supporting the needy people.

4. CONCLUSION

Although this study is not without some limitations such as the sample was not recruited randomly and relying on a cross-sectional design, however, it has provided suggestions for the use of volunteers. Public non-governmental organizations such as the Red Crescent, in order to achieve their humanitarian goals, not only need to attract people with desirable social qualities in helping behaviors Rather, they should try to maintain them by providing the grounds for individual development. As well as, in employing people for voluntary activities, the motivations and attitudes of service volunteers should be examined.

Keywords: Altruism; Individual Development; Prosocial Behavior; Red Crescent; Student.

JEL Classification: D64, I15, I12, I19

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

studies done in the country. Hence, in this study, it has been tried to examine and compare the prosocial behavioral tendencies in students who are members and non-members of the Red Crescent Society in the context of personal development.

2. MATERIALS AND METHODS

The framework of this research was casual comparative descriptive-cross-sectional research method. The statistical sample of the study consisted of 200 secondary high school female students in the city of Paveh in the academic year 2020-2021, who were selected by available sampling method and answered the questionnaire of Prosocial Tendencies (Kajbaf et al., 2010). The Prosocial behavioral tendencies is a 23-item self-reported measure developed to estimate the tendencies of students towards prosocial behavior. It is composed of six subscales; public (four items, sample item 'I can help others best when people are watching me'), anonymous (five items, for example 'I think that helping others without them knowing is the best type of situation'), dire (three items, for example 'I tend to help people who are in real crisis or need'), emotional (four items, for example 'I respond to helping others best when the situation is highly emotional'), compliant (two items, for example 'When people ask me to help them I don't hesitate'), altruism (five items, for example 'I often help even if I don't think I will get anything out of helping'). Participants were asked to rate the extent to which statements described themselves on a five-point Likert scale ranging from 1 (does not describe me at all) to 5 (describes me greatly). The minimum score that the respondent gets on this scale is 25 and the maximum score is 125. Analysis of research data using descriptive statistics including mean and standard deviation; Statistical assumptions include the Kolmogorov-Smirnov test, the Shapiro-Wilks test, the Levine test, the M box test, and analysis of variance test was done. Finally, the obtained data were analyzed using SPSS-26 software. In relation to ethical considerations, we should note that the participants were made clear about the nature and purpose of the study and the voluntary basis of their participation. They were aware that the investigation was anonymous and confidential, and if the subjects requested, the participants benefited from the research results.

3. RESULTS AND DISCUSSION

Analysis of respondents' demographic characteristics showed that in terms of age, minimum and maximum age of the participants were 15 and 19 years, so that the average and standard deviation of the age of the participants were 17/49 and 0/94, respectively. Results indicated the total score for the tendency towards prosocial behavior in volunteer students is equal to 156 and the average components of the tendency towards prosocial behavior, Public, anonymous, Dire, emotional, Compliant and altruistic were equal to 63/25, 14/32, 23/19, 21/25, 35/73 and 22/59. While, these scores in non-member students were equal to 119, 19/83, 22/31, 15/39, 18/19, 23/71 and 19/73. Also, the results of the multivariate variance analysis related to the difference between the two groups of students in the tendency towards prosocial behavior showed that In the total score of tendency towards





**Investigating Tendency to Pro-social Behaviors in the
Context of Individual Development in Red Crescent and Non-
member Students¹**

Borzo Amirpour², Nooshin Derakhshan^{*2} and Fatemeh Mohamadi³

Received: 2022/06/18

Accepted: 2023/05/17

1. INTRODUCTION

Nowadays, volunteer activities as a potential socio-economic capital have become a very important subject for study in academic research, The reason for this is due to their important position in meeting the needs of organizations in social psychology and human resource management. One of the areas of this voluntary participation of the people is participating in the activities of the Red Crescent Society, which is considered as a non-governmental public institution that has numerous overseas and relief activities. Many studies have shown that people's personality and psychological traits play a role in the desire to engage in voluntary activities. One of these traits is a tendency to prosocial behaviors. Prosocial Tendencies are also called prosocial behavior is defined as any voluntary and positive social act performed with the goal of benefitting another person from the smallest act to the highest act of altruism of giving one's life for others. Given the importance of prosocial behavioral tendencies in adolescence, only a few studies have examined prosocial behavior across in adolescence. additional, many studies show that women display more empathy, more kindness and most recent meta-analysis of prosocial behavior shows gender differences in prosocial behavior. However, the gap in the research literature is very noticeable when we examine the

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40698.1016

² Assistant Professor, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran. borzooamirpour@pnu.ac.ir

² Assistant Professor, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding author); nooshin.derakhshan@pnu.ac.ir

³ B.A of psychology, Faculty of Educational sciences and Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

5. DISCUSSION

The themes extracted in this research are as follows:

Reduction of investment in child education, which has clusters of help from relatives and friends, optimization of labor force and change in the supervisor's job, and cost savings. Among the mentioned clusters, in terms of frequency, cost saving has been given more priority than others. This action and its clusters are confirmed by older research works (Cameron et al., 2001; Salgado , 2012; Frankenberg et al., 2003).

Investing in the child's education has been the second action, which includes clusters of parental awareness and supervision, financing and the existence of sufficient facilities. In this context, in terms of abundance, the cluster of sufficient facilities is more important. This theme and its clusters have been confirmed by previous works (Blondel et al., 2020; Ferreira et al., 2009).

Not investing in the child's education has been the third type of action and it has clusters of personality characteristics of parents, financial limitations and lack of facilities. Lu et al. (2016) state that financial conditions are the main determinant of family resilience(Dillon 's , 2013; Hyder et al., 2015; Al Samari et al., 2020; Onima et al., 2020; Qari et al., 2019).

Overall, the findings of this research work are supported by theories such as Hooper's theory, Walsh's model , Card and Barnett's multi-level model , etc..

Keywords: Resilience, Family Resilience, Corona

JEL Classification: I24

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





2. METHOD

The current research is in the form of a qualitative method and a phenomenological approach. In this research, the statistical sample are the families of 1st high school male students in Rabat Toroq town. Moreover, sampling method is from type sampling unprobable and purposeful with maximum variety or heterogeneity among the target community. By using semi-structured interviews, the purpose of which is to obtain in-depth information about the subject under study. Data were collected and found the process of sampling to theoretical saturation content (10 items).

3. Data Analysis Method

To analyze the data, the seven-step Clayse method was used. In this regard, this method is able to guide the researcher step by step in a clear way to reach the meaning of experiences. Mutakas (1994) considers this method to be the most useful method for data analysis. To check the validity of the research data, the four criteria of Cuba and Lincoln were used, which include reliability transferability, reliability and verifiability (Akbari Burang & Samirapour, 1400). Also, in order to increase the reliability of the research, the participants were contacted (by phone), and their opinion was taken regarding the research results. In order to increase the transferability of the research, it was tried to explain all the steps carried out in this research in a detailed manner and examples of the interviews conducted on a case-by-case basis were mentioned in the research findings section. In order to obtain reliability the guidance and supervision of expert professors were used. While has been carefully examined the data to obtain the verifiability of the research, it has been tried to make the interpretations and findings of the research according to the previous studies.

4. RESULTS

After analyzing the data in which were used from the Clayse method, 3 themes and 10 categories were extracted. The process of extracting themes was as follows: At the first step, meaningful phrases related to the topic were extracted from the interviews. In the next step, these phrases were coded based on the steps of the Clayse method. In the third step, similar codes are placed in a category (cluster) and similar categories are placed in a theme. The findings of the research show that families have generally taken three types of actions in the field of children's education in order to be resilient: 1. Reducing investment in children's education 2. Investing in children's education 3. Not investing in the child's education.



**The Resilience of Students' Families in Facing Economic
Consequences with an Emphasis on their Educational Actions
(Case study: Mashhad Rabat Targeh town)¹**

Mohsen Noghani Dekht Bahmani² and Mehdi Nikkhah³

Received: 2022/07/10

Accepted: 2023/06/19

1. INTRODUCTION

Corona disease has been political, economic and socio-cultural consequences in people's lives (Mirzaei, 2019). At the global level, the economic consequences of this disease are divided into three general sections: 1. The first section: agriculture and oil, 2. The second section: construction and production industry, 3. The third section; education (Tahirnia and Hassanvand, 2019). Resilience is a concept that generally refers to the ability to deal with crises and adversities. It means the ability to endure, adapt to life crises and overcome them. Also, it includes individual, family and social resources to deal with problems and crises (Kariminejad et al., 2018, 169). Considering the way in which the family deals with challenges is very important to improve individual and family conditions. This article tries to examine the dysfunction of the family during the Corona crisis and answer the question of what have they experiences of the economic consequences of the corona disease? and according to the evaluation of costs and benefits, what actions have they taken in the field of children's education in order to increase the resilience of the family?

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40985.1018

²Associate Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding author) . email: noghani@um.ac.ir

³Ph.D. student of Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad. Email: mahdinikkhah2@gmail.com

could explain 25% of the variance of the respondents' attitude towards divorce. The impact of reflexivity and the secularization religious beliefs were 0.32 and 0.26, respectively. This means that these components play a big role in reducing the enormity of divorce and forming a positive attitude towards divorce.

Table 2. Results of Multivariate Regression Test to explain respondents' attitude towards divorce

Variable	B	Standard deviation	Beta	t	sig	Tolerance	R	R ²	F	sig
Reflexivity	0.18	0.023	0.32	8.14	0.001	0.78	0.50	0.25	102.22	0.001
Secularization	0.10	0.015	0.26	6.62	0.001	0.78				

4. CONCLUSION

The findings of the current research indicate that there is a direct correlation between the idealism of development and its components with the attitude towards divorce so that the increase in the development idealism and its components (individualism, rationality, universalism, secularization of religious beliefs, reflexivity and gender equality), people's attitude towards divorce becomes positive and the taboo of divorce is faded. Among the components of development idealism, the highest degree of correlation relates to reflection and normalization of religious beliefs. However, regarding the findings of the current research, it should not be considered that idealism of development and its components are main cause of divorce in our society, and people believing to modern values have a positive attitude towards divorce; Rather, what makes the relationship between idealism of development and the attitude towards divorce meaningful is its side effects brought by the development and causes the increase of divorce statistics and removes the enormity of divorce in the society. Due to the occurrence of changes and social developments (urbanization, education, use of mass media, high rate of population, etc.), the process of development idealism causes changes in people's values and attitudes, and it leads to some changes in the structure, meaning system, values and functions of the family. Therefore, the above-mentioned situation led to partial acceptance of divorce in the society and removing the enormity of divorce.

Keywords: Development Idealism, Reflexivity, Secularization of Religious Beliefs, Attitude towards Divorce, Tabriz City

JEL Classification: A14 ,Z10 ,Z12,J10

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.

2. MATERIALS AND METHODS

The current research is a survey and the data were collected using a questionnaire in 2018 in Tabriz city. The statistical population of the research includes the Tabriz households who were 563,660 households according to the Population and Housing Census in 2016. After conducting the pre-test and determining the variance of the study trait (variance of the dependent variable), the sample size was estimated to be 600 people using Cochran formula and a multi-stage cluster sampling method. Two methods of face validity and construct validity were used to determine the validity of the items. The reliability of the items was measured by Cronbach's Alpha Coefficient which was higher than 0.70 for all variables.

3. RESULTS AND DISCUSSION

As Table 1 shows, according to the obtained significance level which is less than 0.05, there is a direct correlation between the development idealism and its components with the attitude towards divorce. This means that with any increase in the idealism of development and its components (individualism, rationality, universalism, secularization of religious beliefs, reflexivity and gender egalitarianism), people's attitude towards divorce becomes positive and the enormity of divorce is reduced.

Table 1. the results of Pearson correlation coefficient between development idealism and its dimensions with attitude to divorce

Independent Variables	Pearson correlation	Sig.
Individualism	0.17	0.001
Secularization of religious beliefs	0.41	0.001
Universalism	0.28	0.001
Rationality	0.17	0.001
Reflexivity	0.45	0.001
Gender equality	0.23	0.001
Development Idealism	0.49	0.001

In order to determine the impact of the components of development idealism on the respondents' attitude towards divorce, a step-by-step multiple regression test was used. All the assumptions of the regression test were observed, so the Durbin-Watson test value (1.75) was in the acceptable range (i.e., from 1.5 to 2.5). It shows that the errors or residuals are independent from each other; the tolerance test values were all higher than 0.70 and it indicates that there is no high correlation or collinearity between the independent variables. Among the components of development idealism, only the components of reflexivity and secularization of religious beliefs had a significant impact on the respondents' attitude towards divorce, and the components of universalism, rationality, individualism and gender equality did not have a significant impact on the attitude towards divorce, then they were removed from the model. The coefficient of explanation is 0.25 and it indicates that the variables of reflexivity and secularization of religious beliefs





**A Sociological Study of the Relationship Between Idealism of
Development and Attitude towards Divorce
(Case Study: Married Males and Females Over 18 years
old)¹**

Samad Adlipour² and Jafar Ahmadpour Parvizia³

Received: 2022/06/18

Accepted: 2023/06/07

1. INTRODUCTION

The development programs and the introduction of modern values in Iran have brought some structural, functional and attitudinal changes, and the family institution was also affected by these changes. For example, divorce has increased in recent decades in industrialized countries and cities, especially in most of the developed countries, including the big cities that are exposed to the process of modernization and development plans. In Tabriz, especially among the young people, divorce has become a normal issue, which is no longer taboo like before. It means that divorce is considered as a social reality like other phenomena in the society. Many people think that divorce has also less disadvantages and it is not considered as a negative issue as before. In addition, many people consider divorce as a confident way to get rid of family disputes and problems. Since Tabriz is one of the big and industrial cities of Iran and it has been subject to the entry of modern western values due to its proximity to European countries (e.g., Turkey and Azerbaijan) having numerous satellite networks, the main question is whether there is a relationship between the idealism of development and the attitude towards divorce in Tabriz city?

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40750.1017

²PhD in Economic Sociology and Development, Tabriz University (Corresponding Author), E-mail: Samadadlipour@gmail.com

³PhD student in Sociology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran, Email: Ahmadpour@Asia.com

- The variable left out of the regression equation; The variable is "social capital."

Social support (0.28) + social cohesion (0.32) = resilience (linear equation)

4. CONCLUSION

The results indicate that in the northern areas of Tehran, people have more resilience, and this is a direct proof of economic and environmental living conditions.

Based on the direct effect of social cohesion on the resilience of people, it can be concluded that societies have a high level of cohesion and internal solidarity between them, they have more resistance to crises. as a result, it reduces the resistance of the people of the society against crises and helps them to be more resilient.

Based on the effect of social support on people's resilience, it can be concluded that societies have a high level of social support indicators are more resistant to crises . It helps that its people be more resilient. The results of this research are consistent with Safuraei Parizi & Safuraei Parizi (2019) in which the hypothesis was confirmed that is a positive and significant relationship between social support and resilience between corona patients.

Kaempfer believes that resilience plays a significant role in returning to the initial state of balance or reaching high levels. for this reason, it creates a positive and agreeable adaptation in life. Kaaempfer has noted that the positive adaptation of loss can also cause the results of resilience, but he considers this issue to be the result of the complexity of expressing and seeing the process of resilience. But it should be considered that due to the influence of variables such as age, gender, education, employment and housing status, etc.

Keywords: Resilience of People, Corona Crisis, Social Capital, Social Support, Social Cohesion

JEL Classification: I12, I31, Z12, Z13

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.



2. MATERIALS AND METHODS

Survey method was used in this research. The limitation of other methods in relation to attitude measurement and on the other hand the measurement of attitudes on a relatively wide level with a high number of samples has required the use of the survey method in this research.

The questionnaire used in this research is a researcher-made questionnaire that is designed based on the theoretical framework that was mentioned and contained 43 questions, 34 of which are related to the measurement of dependent and independent variables and 9 questions are related to background variables. and it was used five-sided Likert scale.

3. RESULTS AND DISCUSSION

According to the statistics obtained in relation to people infected with corona virus, there were 320 people infected with corona virus (77 percent) and 96 people (23 percent) who were not infected. Also, the results showed that out of 416 studied samples, 54% are women and 46% are men, so women are the most frequent. It shows the home ownership status of the respondents, based on which type of rental and personal ownership was the most frequent with 188 people (45 percent) and people with government houses were the least frequent with 12 people (3 percent). In relation to the employment status of the respondents, people with a government job numbered 144 people (35%) had the highest frequency and students or soldiers numbered 32 people (8%) had the lowest frequency. The distribution of residential areas of people in Tehran. Respectively, the most respondents live in the central region with 164 people (39%), the southern region with 128 people (31%) and the northern region with 124 people (30%).

In this analysis, the results show that two of the independent variables are included in the equation. which we have described below:

- Standardized regression coefficient (Beta): According to the findings, the beta of social cohesion variable is equal to 0.32 and the beta of social support is estimated to be 0.28.
- Coefficient of determination (R^2): In this study, it is reported equal to 0.291. These findings mean that the variables included in the equation have only been able to explain 29% of the variance of changes related to the dependent variable.
- The variables included in the regression equation include the variable “social cohesion” and social “support”.





**Explaining The Resilience of People in the Conditions of the
Corona Crisis in Tehran ¹**

Khadijeh Safiri² and Zahra Mohammadi³

Received: 2022/12/03

Accepted: 2023/06/03

1. INTRODUCTION

The aim of this research is investigating the level of resilience of people against the Corona crisis in Tehran. In this study, the theoretical research model was designed using the theories of Kaempfer's resilience, Bourdieu's social capital, Sarason's social support, and Durkheim's social cohesion (based on Giddens' analysis) and the research was conducted using a survey method. The tool used to measure resilience is a researcher-made questionnaire that was randomly distributed among 416 people aged 15 to 64 living in different areas of Tehran. In the analysis of the data, it was determined that the resilience is equal to 3.25, which was measured through statistical tests. The main result of the research is that in the Pearson correlation test between the resilience of individuals and the variables of social cohesion ($r=0.461$), social support ($r=0.461$) and social capital ($r=0.249$) in Tehran, there are positive and meaningful relationship. Also, the result of regression analysis shows that among the independent variables, two variables entered the equation. The beta of the social cohesion variable was estimated at 0.32 and the beta of social support was estimated at 0.28. The results of the conducted tests show that women are more resilient than men, and people with older age and higher education level, as well as residents of the northern areas of Tehran, are more resilient.

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2021.42233.1023

². Professor, Department of Sociology, Faculty of Economic and Social Sciences, AlZahra University, Tehran, Iran, Email: kh.safiri@alzahra.ac.ir

³. Master of Local-Urban Development, Department of Sociology, Faculty of Economic and Social Sciences, AlZahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: z.mohammadi.0097@gmail.com

Organizational commitment of employees is a valuable and intangible social capital for the organization, which can be effective in achieving the goals of the organization. The social responsibility of the organization is one of the most important current requirements of the organizations, which has been considered for a long time. The present study was conducted in the Tehran Environmental Organization. Environmental organization is one of the organizations that deals with social responsibility issues more than all others. One of the ways through which managers can promote the social responsibility of organizations; is organizational commitment of employees. If the commitment in the organization is at a low level, it causes a decrease in motivation, innovation, support, etc. for various reasons, which can lead to a worsening of its situation.

Keywords: Commitment, Responsibility, Social Responsibility, Environmental Protection Organization.

JEL Classification: Z,Z0

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





been calculated by SPSS software, which has been a suitable value. As explained earlier, SPSS and PLS3 software have been used in data analysis. For testing the hypotheses, an error level of 1% has been considered. In order to investigate the effect of employees' organizational commitment on the organization's social responsibility, a regression test has been used. At first, in order to identify the appropriate statistical test, the normality test has been performed to determine whether the data is normal or not. Therefore, the Kolmogorov-Smirnov test was used to ensure the normality of the data distribution. Because the significance level of all variables is greater than 0.05, as a result, the distribution of data is normal and parametric statistical methods can be used to analyze the data. Using PLS3 software, structural equation models and related tests were performed. According to the statistical analysis, the fit indices of the model have acceptable and significant values and the intended components were confirmed.

4. CONCLUSION

Social responsibility is known as one of the most important elements of the existential philosophy of organizations. In such a way, paying attention to its observance by organizations, not only brings the possibility of improving the organizational commitment of employees, but also the satisfaction of stakeholders outside the organization to legitimize it.

According to the results of the research, it can be said that the organizational commitment of employees has a positive and significant effect on their social responsibility. The concept of employees' organizational commitment has significant effects on both the employee and the organization and is an important and necessary category in the optimal performance, responsibility and ethical issues of employees. Commitment makes a person to be with the organization in any situation and to work towards the success of the organization. One of the programs that make the reputation and image of the organization in the society appear better is social responsibility. This stems from the fact that these duties are more than organizational duties. According to the result of the research, it can be said that committed people or employees can play an effective role in implementing and advancing the social tasks of the organization. Also, by analyzing the data using statistical formulas, it can be concluded that the indicators of organizational commitment have a positive and significant effect on social responsibility. This means that emphasizing the importance of employees' organizational commitment and compliance by organizations can have a positive effect on the social responsibility of organizations; To the extent that it significantly affects all its indicators. One of the factors of achieving the strategic goals of the organization is the organizational commitment of the employees towards the organization.

social welfare and health, security programs. The present study is conducted in the Tehran Environmental Organization. The environmental organization is one of the organizations that deals with issues such as social responsibility more than other organizations. For this reason, this organization has been selected for this study. This organization is one of the most important government agencies active in the field of social responsibility, and some of the goals of this organization can be the protection of the country's natural ecosystems, prevention and prevention of the destruction and pollution of the environment, continuous monitoring of the use of environmental resources, etc. Accordingly, the main goal of this research is to analyze the effects of employees' organizational commitment on the social responsibility of the Tehran Environmental Protection Organization.

2. MATERIALS AND METHODS

The current research is classified as a descriptive-survey research because it deals with investigating and knowing more about the relationships between variables in the existing conditions. Because it examines the relationship between variables, it is a type of correlation research and is practical in terms of its purpose. In order to analyze the data, descriptive and inferential statistics were used using SPSS and PLS3 software packages. Linear regression was used to estimate the function and path coefficients were used to check the correlation between research variables. The current research questionnaire consists of three parts; the first, is related to demographic variables such as gender, age, education level, etc., the second, is related to social responsibility and the third, is related to the organizational commitment of employees. For measuring the organizational commitment of the employees, the standardized questionnaire of Allen and Meyer was used, and designing of the social responsibility questionnaire and its dimensions, has been taken help from internal and external questionnaires in this field. This questionnaire contains 33 questions about the dimensions of social responsibility and 17 questions about the organizational commitment of employees, and the respondents have been asked to express their opinions on each question. In this research, the Krejci-Morgan table have been used to determine the sample size. According to the size of the statistical population (200 people), the sample size have been 132, and finally 126 questionnaires have been reached the researcher.

3. RESULTS AND DISCUSSION

According to the investigations carried out, the descriptive analyzes are as follows. Among the 126 respondents, 56 have been female others have been male. The questionnaire have been given to several expert professors. Then, to measure the reliability of the questionnaire, Cronbach's alpha coefficient has





**Organizational Commitment of Employees as a Key Effective
Factor in Organizational Social Responsibility¹**

Javad Madani², Fattah Sharifzadeh³ and Ashraf Yavari⁴

Received: 2022/07/10

Accepted: 2023/04/17

1. INTRODUCTION

Today, human changes and transformations are going on a surprising way. It has always affected the societies and organizations. As a result of globalization, many organizations have become increasingly concerned about their reputation, as these are related to their social and environmental responsibilities, and be leading to an influence trend towards social responsibility. One of the ways through which managers can increase the organizational commitment of their employees is to have social responsibility. If the commitment in the organization is at a low level, it can lead to the deterioration of the situation of an organization due to switching costs, low innovation, low motivation and commitment. To overcome these disadvantages, many organizations seek to create satisfaction and belonging in their employees by using social responsibility. Creating positive attitudes towards the organization causes acceptance of organizational goals and values and makes people use their maximum potential for the organization. Taken together, these things can be implemented when the organization carries out a series of social actions such as improving the conditions of the working environment, reducing the pressure of relationships between people, providing

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.40994.1019

² Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran, (Corresponding Author) J.madani@uma.ac.ir

³ Professor, Department of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, Sharifzadeh_f@atu.ac.ir

⁴ Master of Public Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, yavary336@yahoo.com

2. MATERIALS AND METHODS

The method used in this study is descriptive-analytical. Among the variables related to urban growth management, 14 indices were extracted and reduced to 5 factors.

3. RESULTS AND DISCUSSION

Results show that, according to the physical development of Karaj city, different factors affect growth management. As a result, the policies and rules factor, such as urban zoning in urban growth management, is the most influential factor in controlling of sprawl growth.

4. CONCLUSION

The scientific importance of the present research is that as a step in strengthening the foundations of the urban growth management approach, through testing and localizing the theories, experiences, and general tendencies of urban growth management in the world, it can provide the necessary grounds for the progress and expansion of modern urban growth management in Iran. On the other hand, this research can provide grounds for applying favorable policies as much as possible and reduce the use of inappropriate measures and eliminate their adverse effects; as a model, the policies and measures for managing the growth of cities in Iran should be discussed.

Keywords: Urban sprawling, Factor Analysis, Karaj City, Urban Growth Management.

JEL Classification: R11, R52, R58

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





**Analysis of Effective Factors on Process of Growth
Management and Physical Development of Cities (Case study:
Karaj City)¹**

Mohammad Molaei Qelichi ²

Received: 2022/07/02

Accepted: 2023/06/18

1. INTRODUCTION

The physical development of a city is an essential component of any integrated urban development program. The rapid expansion of cities in an unplanned and uneven manner, driven by various factors such as irregular migration, is considered one of the significant problems in Iran's urban areas, leading to urban sprawl. This sprawl has numerous economic and environmental impacts, prompting urban experts to explore strategies to address this phenomenon. Urban growth management is applying planning tools in a coordinated manner to guide the development of cities and towns towards desired growth patterns. Growth management uses planning tools and the financial roles of states for directing urban growth and development. Over the years after the decade '30s, the city of Karaj has undergone massive social, economic, physical, and environmental changes with the growth and development of agriculture and industry around Tehran. The area and size of the city of Karaj have expanded rapidly, and its population has grown exponentially. This imbalance leads to unplanned growth in the city of Karaj. The main objective of this study was to investigate the analysis of influential factors in the growth management process in Karaj city.

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2021.36730.1002

² Faculty of Encyclopedia Research, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. Email: m.molaei@ihcs.ac.ir

3. RESULTS AND DISCUSSION

Independent t-test and F-test have been used. The findings show that the correlation value between the two variables is 0.488, which means that the residents have an average tendency to change and progress. Also, based on the obtained information, the variable betas of the domain and nature of social communication are equal to 0.111, the variable of tendency to social development is equal to 0.228, and the variable of tendency to social modernization is equal to 0.037. The results obtained from multivariate regression analysis in this research show that the amount of changes in the dependent variable by The indicators of the independent variable in the model have been explained; it is equal to 28.0%.

4. CONCLUSION

The variable of tendency towards social development has the greatest effect on the degree of tendency to participate in the renewal of worn-out fabric.

Keywords: Social Modernization, Participation, Worn Texture, Urban Neighborhood, Region 18.

JEL Classification: Z10, Z1, Z15

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.





**The Social Modernization of People and the Level of
Participation in the Renovation of Worn out Urban Fabric¹**

Afsaneh Feyzollahi² and Seyed Yaghoub Mosavi³

Received: 2022/10/04

Accepted: 2023/06/18

1. INTRODUCTION

The purpose of this study is to investigate the relationship between the level of social modernization of the purpose of this study is to investigate the relationship between the level of social modernization of citizens living in the 18th district of Tehran and the level of their tendency to participate in the renewal of the worn-out urban fabric.

2. MATERIALS AND METHODS

The variables of this research are the explanation of social modernism and the explanation of the tendency to participate in the renewal of worn-out contexts, which have been used from modernist approaches in the field of urban planning and urban sociology, the power model theory and Aronstein's ladder, and John Turner's classification of participation. Using the survey method, questionnaire technique and cluster sampling, and using Cochran's formula, 200 people from the 18th district of Tehran (Shahid Rajaei, Vali Asr South, Sadeghi) were selected as the research sample. In this research, Pearson's correlation test was used.

¹ DOI: 10.22051/IJOSED.2023.41953.1021

² Master of Social Sciences, AlZahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author), Email: a.feyzollahi1371@yahoo.com

³ Associate Professor, AlZahra University, Tehran, Iran. Email: a.mousavi9@yahoo.com

Table of Contents

The Social Modernization of People and the Level of Participation in the Renovation of Worn out Urban Fabric Afsaneh Feyzollahi and Seyed Yaghoub Mosavi	9 - 10
Analysis of Effective Factors on Process of Growth Management and Physical Development of Cities (Case study: Karaj City) Mohammad Molaei Qelichi	11 - 12
Organizational Commitment of Employees as a Key Effective Factor in Organizational Social Responsibility Javad Madani, Fattah Sharifzadeh and Ashraf Yavari	13 - 16
Explaining The Resilience of People in the Conditions of the Corona Crisis in Tehran Khadijeh Safiri and Zahra Mohammadi	17- 19
A Sociological Study of the Relationship Between Idealism of Development and Attitude towards Divorce Samad Adlipour and Jafar Ahmadpour Parvizian	20 - 22
The Resilience of Students' Families in Facing Economic Consequences with an Emphasis on their Educational Actions (Case study: Mashhad Rabat Targeh town) Mohsen Noghani Dekht Bahmani and Mehdi Nikkhah	23 - 25
Investigating Tendency to Pro-social Behaviors in the Context of Individual Development in Red Crescent and Non-member Students Borzo Amirpour, Nooshin Derakhshan and Fatemeh Mohamadi	26 - 28
Investigating The Developmental Role of Urban Planning on Urban Crisis Management Akbar Talebpour and Ashkan Darai Kehlehdasht	29 - 32
Iran's Demographic Changes and its Security Implications in the Future Mohammad Torkashvand- Moradabadi, Farideh Shams Ghahfarokhi and Leila Zandi	33 - 35
The Impact of Economic Animosity on Consumer Ethnocentrism and Product - Country Images Mostafa Heidari Haratemeh	36 - 38
The Phenomenology of Elite Awareness and Understanding of Urban Management Challenges (Case Study: Ahvaz) Sajad Bahmani and Abdolreza Navah	39 - 41
Investigating the Status of Iran's Environmental Indicators from a Sociological Perspective Elham Arabpour	42 - 44
The Social Dimension of Justice in Islam: The Contribution of Theology Seyed Farid Alatas	45 - 46



have played an effective role in providing funding and facilities (maximum in four lines).

Sponsor: Specify whether the article has a sponsor or not?

Contribution of authors: Announce that all authors participated in the preparation of the article or not?

Conflict of interest: Specify that according to the authors in this article there is no conflict of interest.

Copyright obligation: Note that the copyright is respected in accordance with the authors' commitment.

4. REFERENCES

It is essential that citations are made both within the text of the article and in the references section in APA format.

Persian references and then English references should be provided alphabetically as follows:

A) *Book*: Last name, first name. (Publisher). *Book* with italics, translator, place of publication, publisher name.

B) *Article*: last name, first name. (Publication year). "Title of the Article within quotation marks." The name of the journal italics, issue number, volume number, place of publication, page number.

5. CHARTS AND TABLES TITLES

Title of the tables should be written at the top and title of the charts should appear below. Number from 1 (number) so used.

6. OTHER TERMS AND CONDITIONS

- The submitted paper should not be published elsewhere in Persian language Iranian and non-Iranian journals and has not been submitted elsewhere at the same time.
- Journal articles that do not follow the form and structure in the instructions for author section will not be considered for further process.
- Journal is eligible to edit the papers without changing its content and submitted papers will not be returned.
- The corresponding author or authors are responsible for the accuracy of the submitted paper.
- Word files should be named in English. It must include the first author's last name and date of submission.
- Submitted papers will be published after the approval of the referees and editorial board.

7. Acknowledgments: Acknowledgments from individuals and legal entities who have assisted in guiding or writing the article or



Including theories and theories related to the research hypotheses, Iranian and foreign Literature review related to the research hypotheses and research topic).

1. Research Questions and Research Hypotheses:

Including one or more hypotheses or research questions numerically.

1. Research Methodology

Including participants, calculating sample size, study variables, the models and statistical procedures, databases, standardized software, time of study, data collection procedures.

1. Data Analysis

Including descriptive data tables, validity and reliability of the questionnaire, homogeneity test, diagnostic testing, regression, parametric and non-parametric test, tables of related software to each of the hypotheses, accepting or rejecting the hypothesis, analysis and interpretation of the results for each of the hypotheses, test statistics and analysis of variable coefficients.

1. Results and Discussion

Including the results of any of the hypotheses, the correlation of research results with literature review, the introduction of practical suggestions and strategies and related results.

3. IN-TEXT CITATION

Persian references in the text should be placed in parentheses including (last name, year, and page number). English references should be inserted in the text in Persian and its English equivalent should be written in footnote. Details about the terms and English equivalents should also be included in footnote. English terms should not be provided in the text, except in the case of formulas and equations.



GUIDE FOR AUTHORS

MANUSCRIPT FORMAT

Manuscripts are accepted in WORD 2007, size A4 (margin should be set at Top= 4, Bottom=5/6, left= 4 and right =5 cm), font Times New Roman Persian text B12 and English fonts 11 with spacing 1 cm between the lines, only to be sent through the website:

<https://ijosed.alzahra.ac.ir/?lang=en>

1. MANUSCRIPT STRUCTURE

The articles should include the following sections:

1. *Cover page*

Include full article title, author or authors (name of corresponding author with an asterisk to be determined), academic rank and the name of the institution or university or place of employment, full address of corresponding author as: mailing address, telephone number, fax number and e-mail. In addition, do not use the title and only academic rank and workplace should be included.

1. *First page*

The exact title of the article and abstract include the purpose of the study, methodology, discussion and conclusions (maximum of 200 words) and keywords (maximum of 5 words). Abstract must have JEL classification. Topic- based classification of Keywords is a code as number and English letters, which is known as the International Code of Keywords. It is available on the website <http://www.aeaweb.org> (You can also search Google).

1. *Second page*: The second page includes highlighted headlines as below.
2. **Introduction** (includes general points of topic, significance of study and necessity of the research, research purposes, and the difference between this study with literature review, increasing knowledge of paper and introducing the paper structure).
3. **Theoretical Background and Literature Review**:



Editorial Board:

	Editorial Board	University	Scientific Degree
1.	Zahra Afshari	Alzahra	Professor
2.	Hossein Imani Jajarmi	Tehran	Associate Professor
3.	Susan Bastani	Alzahra	Professor
4.	Mohammad Hariri Akbari	Tabriz	Professor
5.	Hossein Raghfar	Alzahra	Professor
6.	Mohammad Javad Zahedi Mazandarani	Sari	Professor
7.	Kadijeh Safiri	Alzahra	Professor
8.	Malihe Sheyani	Tehran	Associate Professor
9.	Akbar Talebpour	Alzahra	Associate Professor
10.	Mohammad Abbaszadeh	Tabriz	Professor
11.	Maryam Ghazinejad	Alzahra	Associate Professor
12.	Afsaneh Kamali	Alzahra	<i>Assistant Professor</i>
13.	Marzie Mousavi Khamane	Alzahra	Associate Professor
14.	Sharareh Mehdizadeh	Alzahra	Associate Professor
15.	Seyed Mohammad Sadegh Mahdavi	Shahid Beheshti	Professor
16.	Seyed Farid al-Attas	Singapore	Professor

Journal of Socio-Economic Development Studies
Alzahra University- Faculty of Social Sciences and
Economics - Department of Social Sciences
Vol. 1, No.1, Spring- Summer2023

Chief Editor: Khadijeh Safiri

Managing Director: Marziyeh Mousavi

Executive Manager: Azam Amirykhah

Editor of Persian & English: Roghaye Pouran

Layout: Maryam Amirykhah

Publish Period: Biannually

Address: Tehran- Sheikh Bahaei Square-DehVanak
Street- Alzahra University- Postal Code: 1993893973

Email: ijosed@alzahra.ac.ir

Web: <http://ijosed.alzahra.ac.ir>

Tel: 021-88212578

In The Name of God



Journal of Socio-Economic Development Studies

**Alzahra University
Faculty of Social Sciences and Economics
Department of Social Sciences**

**Vol. 1, No. 1
Spring-Summer 2023**

Journal of Socio – Economic Development Studies

Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences & Economics

Vol. 1, No. 1, Spring – Summer 2023

The Social Modernization of People and the Level of Participation in the Renovation of Worn out Urban Fabric Afsaneh Feyzollahi and Seyed Yaghoub Mosavi	9 - 10	Investigating The Developmental Role of Urban Planning on Urban Crisis Management Akbar Talebpour and Ashkan Darai Kehlehdasht	29 - 32
Analysis of Effective Factors on Process of Growth Management and Physical Development of Cities (Case study: Karaj City) Mohammad Molaei Qelichi	11 - 12	Iran's Demographic Changes and its Security Implications in the Future Mohammad Torkashvand- Moradabadi, Farideh Shams Ghahfarokhi and Leila Zandi	33 - 35
Organizational Commitment of Employees as a Key Effective Factor in Organizational Social Responsibility Javad Madani, Fattah Sharifzadeh and Ashraf Yavari	13 - 16	The Impact of Economic Animosity on Consumer Ethnocentrism and Product - Country Images Mostafa Heidari Haratemeh	36 - 38
Explaining The Resilience of People in the Conditions of the Corona Crisis in Tehran Khadijeh Safiri and Zahra Mohammadi	17- 19	The Phenomenology of Elite Awareness and Understanding of Urban Management Challenges (Case Study: Ahvaz) Sajad Bahmani and Abdolreza Navah	39 - 41
A Sociological Study of the Relationship Between Idealism of Development and Attitude towards Divorce Samad Adlipour and Jafar Ahmadpour Parvizian	20 - 22	Investigating the Status of Iran's Environmental Indicators from a Sociological Perspective Elham Arabpour	42 - 44
The Resilience of Students' Families in Facing Economic Consequences with an Emphasis on their Educational Actions (Case study: Mashhad Rabat Targeh town) Mohsen Noghani Dekht Bahmani and Mehdi Nikkhah	23 - 25	The Social Dimension of Justice in Islam: The Contribution of Theology Seyed Farid Alatas	45 - 46
Investigating Tendency to Pro-social Behaviors in the Context of Individual Development in Red Crescent and Non-member Students Borzo Amirpour, Nooshin Derakhshan and Fatemeh Mohamadi	26 - 28		